تبار نامه

آقا یوسف دیوسالار

تا سال ۱۳۹۰

به همت گروهی از نوادگان آقا یوسف

گردآوری و تنظیم : عبدالرضا دیوسالار

تبار نامه

آقا یوسف دیوسالار

(تا سال ۱۳۹۰)

به همت گروهی از نوادگان آقا یوسف

گردآوری و تنظیم : عبدالرضا دیوسالار

چند توضیح

۱ - این کتاب الکترونیکی بصورت فایل pdf تهیه شده است و فایل آن بصورت رایگان در اختیار فرزندان و نوادگان آقا یوسف و یا اقوام و دوستان آنها قرار خواهد گرفت. به این عزیزان توصیه میشود از این فایل پرینت گرفته و آن را جلد نموده و با یادداشتهای تکمیلی که به آن اضافه خواهند نمود، آن را برای فرزندان و آیندگان خود به یادگار بگذارند.

۲ - تلاش زیادی شد تا اطلاعات ارائه شده در این مجموعه حد الامکان مستند و صحیح باشند. اما بخشی از اطلاع و گمانه زنیها ی مطرح شده در این کتاب و به خصوص اطلاعات مربوط به پدران و اجداد آقا یوسف بر اساس نقل قول‌ها و حکایات شنیده شده از بزرگان طایفه گرد آوری شده و متکی به حافظه مطلعین و یا افراد کهنسالی است که سینه به سینه از پیشینیان خود شنیده اند. بخشی از این قبیل اطلاعات ممکن است دقیق و منطبق بر واقعیت نباشند.

۳ - در بیان نام افراد عموماً از ذکر عناوین و القابی نظیر حاج، خان یا خانم و .... و یا مدارج تحصیلی یا شغلی آنان پرهیز شده است. این بهیچوجه به معنی بی احترامی به این بزرگان نبوده، بلکه دلیل آن صرفا رعایت ایجاز در نوشتار و تمرکز بر نقل اصل موضوعات و حکایت‌ها بوده است.

٤ - مخاطب اصلی این مجموعه نسلهای جوان و آینده خانواده میباشند و هدف از تهیه این تبار نامه آشنا سازی آنها با جزئیات زندگانی پیشینیانشان است. در روش تدوین این تبار نامه ردگیری و رصد خونی اجدادمان در نسل های بعدی شان مورد نظر نبوده است بلکه هدف تهیه مجموعه ای حدالامکان کامل از اطلاعات پیشینیان نسلهای جوان و آینده است. از اینرو اسامی اقوام سببی نیز در کنار فرزندان و نوادگان آقا یوسف در این تبار نامه آمده است.

٥ - جهت سهولت درک تاریخ وقایع، در این تبار نامه تمامی تاریخ های قمری و یا میلادی به تاریخ هجری شمسی محاسبه و تبدیل شده اند. بدین ترتیب تمامی سالهای تاریخی در این تبار نامه بر اساس سال هجری شمسی میباشند و از ذکر هجری شمسی در جلوی تاریخ خودداری خواهد شد.

٦- تلاش خواهد شد تا مراتبی اتخاذ گردد که اطلاعات آماری مربوط به این تبار نامه هر پنج سال به روز گردد.

ریشه که داشته باشی

دیگر مهم نیست اگر چند صباحی بی شاخ و برگ بمانی

بدان که میوه خواهی داد

این مجموعه را تقدیم میکنم به یاد و خاطره پدر بزرگوارم

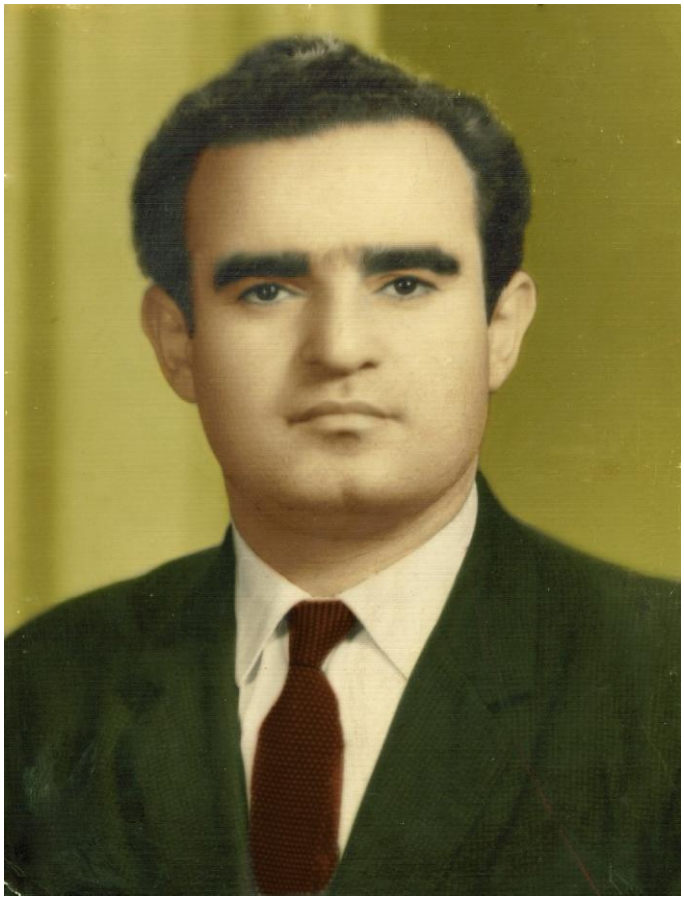

مرحوم حاج فضل الله خان دیوسالار

او که خود نتیجه پسری ارشد آقا یوسف دیوسالار (پسر بزرگ ، پسر بزرگ ، پسر بزرگ آقا یوسف) بود ، ارج و احترام ویژه ای برای روابط فامیلی و خانوادگی قائل بود و تعصب و اصرار خاصی بر لزوم شناخت وتکریم همه افراد فامیل داشت.

عبدالرضا دیوسالار

فهرست مطالب

صفحه

دیباچه	٤
معرفی روش "دیوسالار" در تدوین تبارنامه	٥
تقدیر و تشکر	۹
مقدمه	۱۰
خاندان ما ، شعر	۱۲
معنی نام خانوادگی "دیوسالار "	۱۳
نگاهی به تاریخ و وقایع مهم سیاسی واجتماعی دوران زندگی خانواده های دیوسالار	۱۷
شرایط ، مشخصه ها و محل زندگی خانواده های دیوسالار	۲٤
روایاتی از تاریخچه زندگی و احوالات شاخه های مختلف خانواده (گزارشی به آیندگان) (این قسمت به ترتیب حروف الفبای و بر اساس نام راویان یا نویسندگان مطالب تنظیم شده است)	٥۲
• **روایاتی از بزرگان خاندان دیوسالار** (به قلم بهرام دیوسالار)	٥٤
• **زندگی و فرزندان وجیه الله خان دیوسالار** (به قلم بهروز دیوسالار)	٥٦
• **همسر و فرزندان آقا یوسف دیوسالار** (به قلم بهنام دیوسالار)	٥۸
• **زندگینامه حاج غلامحسین سالاریان** (به قلم پیام سالاریان)	٦۰
• **خانواده سجادی نوری و چگونگی نسبت آنها با خانواده دیوسالار کالجی** (به قلم سید جمال سجادی)	٦۲
• **چکیده ای از زندگینامه "محمد ولی دیوسالار"** (به قلم جهانگیر دیوسالار)	٦۳
• **بازیهای رایج در مازندران قدیم** (به قلم حسن دیوسالار)	٦٤
• **شکارهای شمالی** (به قلم حسین دیوسالار)	٦٦
• **موقعیت و معانی نام روستا ها و آبادیهای نور و نوشهر** (گردآوری عبدالرضا دیوسالار)	٦۷
• **کلیاتی از محل زندگی و شغل فرزندان و نوادگان آقا یوسف** (به روایت علیرضا خان دیوسالار)	۸۲
• **نگاهی به مسیر قدیمی و تاریخی تهران به مازندران (رویان)** (به قلم علیرضا دیوسالار)	۸۳
• **سابقه تاریخی و گستره سرزمین " رویان "** (به قلم کیهان فخاری)	۸۸
• **چکیده ای از زندگینامه عزت الله دیوسالار** (به قلم محمد امین دیوسالار)	۸۹
• **تاریچه زندگانی مرحوم حسینعلی دهلوی** (به قلم مسعود دهلوی)	۹۰
• **آیین ها و مراسم عروسی در روزگاران نه چندان دور گذشته** (به قلم مهرانگیز دیوسالار)	۹۱
• **مختصری از زندگی‌نامه سیده فاطمه سجادی** (به قلم همایون دیوسالار)	۹۸
• **اتحاد اسلام و پیدایش جنگل** (به قلم مرحوم میرزا یحیی خان دیوسالار)	۹۹
• **نگاهی به روستای توسکا در روزگاران گذشته** (به قلم یعقوب دیوسالار)	۱۰٦
فهرست اسامی (مرتب شده به ترتیب نام)	۱۱۱
فهرست اسامی (مرتب شده به ترتیب نام خانوادگی)	۱۲۹
نمودار های شاخه های خانوادگی	۱٤۹
نگاهی آماری به تبار نامه آقا یوسف دیوسالار	۱٦۲
تصاویر برخی از درگذشتگان در تبار نامه آقایوسف دیوسالار	۱٦٥
کلام آخر ... دیروز ، امروز و فردای خانواده ما	۱٦۷
اصلاح و تکمیل اطلاعات	۱۷۰

دیباچه

بعنوان یک حس طبیعی، همه ما به نیاکان و پیشینیان خود افتخار کرده و سعی میکنیم هرآنچه که ما را به نوعی مرتبط با گذشته خانوادگی مان می کند شناسایی ، تدوین و برای آیندگانمان ثبت و حفظ کنیم. علت شاید این باشد که هویت امروزی ما نسخه تکامل یافته هویت به ارث رسیده از اجدادمان است که براساس شرایط زمانی و مکانی خاص دوران مختلف زندگی مان شکل گرفته است. همچنین علاقه مندیم که هویت فرزندانمان نیز در بردارنده ارزشهای مثبت ما و نیاکانمان باشد.

تبار شناسی (شجره نامه نویسی یا علم انساب) یکی از شاخه های تاریخ نگاری محلی می باشد که از گذشته های دور دربسیاری از نقاط ایران و جهان وجود داشته است. پژوهشگران جامعه شناسی از اطلاعات مربوط به خانواده های مختلف برای بررسی ریشه های فرهنگی یك جامعه و کالبد شکافی برخی از عادات اجتماعی و بازشناسی هویت اقوام استفاده میکنند. از حدود چند قرن گذشته برخی کشورهای غربی نیز اقدام به ایجاد مراکز جمع آوری اطلاعات خانوادگی نموده و افراد را تشویق به نگهداری کلیه اسناد خانوادگی خود در این مراکز می نمایند. امروزه با جستجویی ساده در فضای مجازی اینترنتی ، میتوان حجم گسترده مطالب مرتبط با این مقوله را مشاهده کرد.

صرف نظر از اهداف کلان جامعه شناسی که گفته شد، تدوین تبار نامه خانوادگی در مقیاسی کوچکتر در خانواده و فامیل نیز در بر دارنده فواید زیر خواهد بود:

١ - تحکیم ارتباطات وایجاد همبستگی بیشتر بین اعضا و وابستگان خانواده
٢ - آشنا ساختن نسل های جدید با گستردگی خانواده خود و تقویت احساس تعلق و پشتگرمی در آنها
٣ - آشنایی با تاریخچه و هویت خانوادگی
٤ - انتقال هویت و میراث فرهنگی خانواده به آیندگان

امروزه پکیج های نرم افزاری مختلفی در فضای اینترنتی برای این کار (تدوین و ثبت تبار نامه) وجود دارد، اما هیچکدام آنها پاسخگوی پیچیدگی روابط خانوادگی چند لایه خانوارهای ایرانی و مخصوصا خانواده‌های قدیمی مانند دیوسالار نیست .

تدوین تبارنامه ای که دربردارنده نام و ارتباطات تمامی افراد خانواده های دیوسالار باشد ، اگر چه غیر ممکن نیست ، اما مستلزم کار مستمر گروه های مختلفی است که هر یک باید با تمرکز بر شاخه ای از این خانواده به جمع آوری و تدوین اطلاعات بپردازند.

در این ارتباط و برای تدوین تبار نامه من روشی را پیشنهاد میکنم که برای سهولت مراجعه نام آنرا "روش دیوسالار" گذاشته ام. روش دیوسالاردر تدوین تبار نامه ، نسبتا ساده و در عین حال کامل ، قابل فهم ، مدولار و قابل توسعه است . البته ممکن است بتوان با اصلاحاتی آنرا تکمیل و بهینه نمود.

در این مجموعه تلاش شده است تا با بهره گیری از روش "دیوسالار" در تدوین تبار نامه و جمع آوری و ثبت ارتباطات خانوادگی فرزندان، نوادگان و وابستگان آقا یوسف دیوسالار ضمن تدوین تبار نامه فرزندان وی ، همچنین روش و الگویی معرفی شود تا مبنای کار سایر گروه های خانوادگی قرار گیرد.

معرفی "روش دیوسالار" در تدوین تبار نامه

معرفی مشخصات کلی :

روش دیوسالاردر تدوین تبار نامه نسبتا کامل و در عین حال قابل فهم ، مدولار و قابل توسعه است . البته ممکن است در آینده بتوان با اصلاحاتی آنرا تکمیل و بهینه نمود.

در "روش دیوسالار" هدف این است که در صورت تکمیل کار" تبار نامه خانواده دیوسالار" به صورت یک کتاب الکترونیکی (مثلا بصورت فایل pdf) و یا در صورت موفقیت و جلب توجه کافی کتاب چاپی در آید. این کتاب مشتمل بر چندین بخش خواهد بود و هر بخش در بردارنده تبارنامه یکی از پیشینیان شناخته شده خانواده خواهد بود که من آنها را "سر شاخه" مینامم.

توضیح اینکه این روش برای تدوین اطلاعات همهٔ اعضا خانواده اعم از فرزندان، نواده گان ، دامادها و عروس‌های خانواده است نه فقط افرادی که نام خانوادگی آنها دیوسالار است. بدین ترتیب تبار نامه ای که بر اساس "روش دیوسالار" تدوین گردد شامل همه افرادی است که رابطه "نسبی" با "سببی" با سر شاخه یک گروه و یا فرزندان یا نوادگان او دارند . از این جهت حجم کار بسیار بالابوده و شاید روشی متفاوت با سایر تلاش هایی باشد که در این زمینه صورت گرفته است.

مراحل تکمیل این کتاب به صورت مدولار انجام میشود بدین ترتیب که اطلاعات بخش های مختلف کتاب (تبارنامه یکی از پیشینیان = سرشاخه ها) بطور مجزا تدوین و سپس مجموعه این بخش ها در کنار هم قرار خواهند گرفت.

در اینجا روش تدوین بخش های مجزا کتاب شرح داده میشود. اما ابتدا لازم است در مورد شیوه کد گذاری افراد که در این روش از آن استفاده میشود، توضیح داده شود.

کُدهای شناسایی نسبی و سَبَبی :

در "روش دیوسالار" به هر فرد یک یا چند "کُد شناسایی" (id Code) داده میشود. کُدهای شناسایی در وهله اول کمک میکنند که افراد در تبار نامه ثبت شوند ، حتی اگرهیچ اطلاعاتی از آنها در دسترس نباشد. همچنین این کد ها در تحلیل و آنالیز بعدی اطلاعات مفید خواهند بود.

همانطور که گفته شد ، هر بخش کتاب تبار نامه مربوط به یکی از پیشینیان شناخته شده خانواده (سر شاخه) است. کُدهای شناسایی هر بخش با حرف اول نام این فرد شروع میشوند، برای مثل کُدهای شناسایی افراد بخش مربوط به آقا یوسف دیوسالار، همه با حرف Y شروع میشوند و افرادی که در تبار نامه آقا یوسف هستند دارای یک یا چند Y- Number میباشند.

روش مشابهی میتواند در مورد سایر سر شاخه ها مورد استفاده قرار گیرد ، مثلا:

- حرف Y برای سرشاخه مربوط به یوسف دیوسالار
- حرف M برای سرشاخه مربوط به آقا محمد دیوسالار
- حرف R برای سرشاخه مربوط به میرزا رضا دیوسالار
- حرف A برای سرشاخه مربوط به آغاسی بیگ دیوسالار
- حرف H برای سرشاخه مربوط به حبیب الله دیوسالار

و غیره (در صورت تشابه نام دو یا چند سر شاخه، میتوان با هماهنگی از دو حرف برای تفکیک استفاده کرد.)

کُدهای شناسایی بر دو نوعند: کُد شناسایی نسبی و کُد شناسایی سَبَبی. برای پرهیز از تکرار لغات از این پس این دو را " کُد نسبی " و " کُد سَبَبی" مینامیم.

کُد یا کُدهای نسبی هر فرد نشاندهنده تعداد شاخه‌هایی است که او را مستقیماً به سرشاخه آن بخش کتاب ارتباط میدهد. برای مثال اگر فردی (مانند خودم) دو Y - Number نسبی داشته باشد، این بدین مفهوم است که از طریق دو شاخه به آقا یوسف دیوسالار متصل بوده و جزو نوادگان او هستم.

کُد یا کُدهای سَبَبی مخصوص افراد متاهل است و نشاندهنده تعداد شاخه‌هایی است که همسر فرد را به سرشاخه آن بخش کتاب ارتباط میدهد. برای مثال اگر فردی (مانند خودم) یک Y- Number سَبَبی داشته باشد، این بدین مفهوم است که همسرم از طریق یک شاخه به آقا یوسف دیوسالار متصل بوده و جزو نوادگان او است.

کُد یا کُدهای سَبَبی افراد ، عینا مشابه کُد یا کُدهای نسبی همسرشان است. بدین ترتیب کُد سَبَبی من همان کُد نسبی همسرم و کُدهای سَبَبی همسرم همان کد های نسبی من خواهند بود.

در موارد تعدد همسر ، کُد یا کُدهای سَبَبی همسران مشابه کُد یا کُدهای نسبی همسرشان خواهد بود، اما با اعداد یونانی در انتها از یکدیگر تفکیک میگردند. این امر تاثیری در کُد یا کُدهای نسبی فرزندان نخواهد داشت. در مواردی که جدایی صورت گرفته کُد یا کُدهای سَبَبی فرد جدا شده نیز حذف شده و نامی از او در تبار نامه برده نمیشود. اما در مورد مرگ کُد یا کُدهای سَبَبی و همچنین نام افراد در تبار نامه کماکان حفظ میگردند.

بدین ترتیب افراد از لحاظ کد های شناسایی ممکن است یکی از حالات زیر را داشته باشند:

- دارای کُد یا کُدهای نسبی و سَبَبی باشند: یعنی جزو فرزندان یا نوادگان سرشاخه هستند و همچنین با یکی از فرزندان یا نوادگان سرشاخه ازدواج کرده اند.
- فقط دارای کُد یا کُدهای نسبی باشند: یعنی یا مجردند و یا در صورت تاهل با یکی از فرزندان یا نوادگان سرشاخه ازدواج نکرده اند.
- فقط دارای کُد یا کُدهای سَبَبی باشند: یعنی جزو فرزندان یا نوادگان سرشاخه نیستند اما با یکی از آنها ازدواج کرده اند.

روش تعیین کدهای شناسایی:

برای تعیین کُدهای شناسایی، از فرد سرشاخه و حرف اول نام او شروع می‌کنیم، برای هر نسل ، فرزندان پسر را با اعداد 1،2،3، ... و فرزندان دختر او را با حروف A, B, C, ... شماره دهی می‌کنیم. برای هر نسل یک کاراکتر (عدد یا حرف) به کد شناسایی افراد اضافه میگردد.

به این دلیل از اعداد برای کد گذاری فرزندان پسر و از حروف برای کد گذاری فرزندان دختر استفاده شد که معمولا تعداد فرزندان دختر خانواده‌ها بیشتر از پسرها بوده و این به محدودیت استفاده از یک کارکتر برای هر نسل کمک میکند. در هر صورت توجه به این نکته لازم است که فقط یک کارکتر برای هر نسل میتواند استفاده شود . بدین ترتیب عدد 10 نداریم و اگر در مورد بسیار استثنایی تعداد فرزندان پسر فردی بیشتر از 9 بود برای کد شناسایی پسر دهم از انتهای حروف انگلیسی کد گذاری می‌کنیم ، یعنی:

در مورد پسران: 1 ، 2 ، 3 ، 4 ، 5 ، 6 ، 7 ، 8 ، 9 ، Z ، Y ، X ، W ، V ، U
در مورد دختران: A ، B ، C ، D ، E ، F ، G ، H ، I ، J ، K ، M ، N ، O ، P

بدین ترتیب تا پانزده پسر و دختر یک خانواده را (که بسیار بعید است) میتوان کد گذاری کرد.

بعنوان مثال آقا یوسف دیوسالار دو پسر و سه دختر داشت . بدین ترتیب کد شناسایی فرزندان پسر Y-1 و Y-2 و کُد شناسایی دختران او Y-A، Y-B و Y-C میباشند. حال نوه ها و فرزندان آنها نیز از همین قانون تبعیت میکند. بدین ترتیب نوادگان آقا یوسف همگی دارای کد هایی با دو عدد یا حرف و فرزندان نسل ششم او دارای کد هایی با شش عدد یا حرف بعد از Y هستند .

برای مثال کدهای شناسایی من به صورت زیر است:

- کُد نسبی : Y-1114 یعنی من پسر چهارم فضل الله ، پسر اول وجیه الله ، پسر اول فتح الله ، پسر اول آقا یوسف هستم
- کُد نسبی : Y-A1B4 یعنی من پسر چهارم ، فخری سادات ، دختر دوم عبدالوهاب ، پسر اول حمیده ، دختر اول آقا یوسف هستم
- کُد سببی : Y-23E یعنی من همسر سوزان، دختر پنجم علیرضا ، پسر سوم رحمت الله ، پسر دوم آقا یوسف هستم

ترتیب سنی افراد در تقدم و تاخر اعدد و حروف کُدهای شناسایی چندان مهم نیستند چرا که ممکن است این اطلاعات (خصوصا در مورد گذشتگان) وجود نداشته باشند. بدین ترتیب مثلا ممکن است (به دلیل نبود اطلاعات) عدد پسر بزرگ خانواده ای 1 نباشد. اما این بسیار مهم است که ترتیب سنی که برای فرزندان یک خانواده فرض میشود (حتی اگر درست نیست) در همه جا رعایت شود. البته در جاهایی که این اطلاعات مربوط به ترتیب سنی فرزندان موجود است ، بهتر است رعایت شوند.

قطعا در شروع تدوین تبار نامه هر یک از سر شاخه ها، نام یا نام خانوادگی بعضی افراد نا شناخته خواهند بود. استفاده از کدهای سببی و نسبی به گونه‌ای که گفته شد، ابزاری است جهت ثبت و شناسایی جایگاه این افراد در تبار نامه و چه بسا در مراحل بعدی و با انتشار وسیع تر تبار نامه بتوان اطلاعات مربوط به این افراد را نیز پیدا و ثبت کرد.

از سوی دیگر خود کدهای شناسایی نیز قادرند بسیاری اطلاعات را در مورد فرد بدهند، نظیر اینکه فرد از نسل چندم سر شاخه است، جزو نوادگان پسری یا دختری است و غیره ... همچنین از مقایسه اعداد یا حروف اولیه مشترک کدهای شناسایی دو (یا چند) فرد می‌توان تا حدودی به نسبت خانوادگی آنها نیز پی برد. در تدوین کد های شناسایی افراد باید دقت شود که کلیه کد ها باید منحصر به فرد باشند . یعنی کد ها شناسایی هیچ دو نفری نمیتواند یکسان باشد . البته همانطور که گفته شد یک فرد ممکن است چند کد شناسایی داشته باشد و اینکه کد های سببی افراد مشابه کد نسبی همسرانشان است.

پس از تهیه فهرستی از افراد هر سر شاخه و اختصاص کد های شناسایی به آنها به روشی که در بالا گفته شد، میتوان به تدوین و تنظیم این اطلاعات پرداخت و این اطلاعات را در سه قسمت "معرفی و تاریخچه خانواده" ، "فهرست افراد" و"نمودارهای خانوادگی" که با هم مرتبط هستند ، تدوین نمود.

قسمت معرفی و تاریخچه خانواده:

در این قسمت اطلاعات کلی پیشینه تاریخی و جغرافیایی سر شاخه و سایر پیشینیان خانواده، ساختار زندگی ، شغل و حرفه ، وقایع وحکایت های تاریخی و محلی مرتبط و اثر گذار و همچنین معرفی افراد سرشناس و ممتاز گروه خانوادگی با شرح مختصری از آنها آورده میشود . هدف از این بخش ، آشنا ساختن نسل های جدید و همینطور آیندگان با پیشینه خانوادگی خود خواهد بود.

قسمت فهرست اسامی افراد :

در قسمت فهرستی ، جدولی از نام افراد به همراه نام خانوادگی ، کُد یا کُدهای شناسایی، ، اطلاعات آدرسی مربوط به جا یا جاهای فرد در قسمت نمودارها آورده میشود. نام افرادی که فوت کرده اند به رنگ قرمز نشان داده میشود. قسمت فهرستی بر اساس نامی که به آن شهرت دارند است که ممکن است نام رسمی (شناسنامه ای) آنها نباشد.

قسمت فهرستی در دو جدول جداگانه به ترتیب حروف الفباو بر اساس نام و نام خانوادگی آورده میشوند.

قسمت نمودارهای خانوادگی:

صفحات قسمت " نمودارهای خانوادگی " تبار نامه به ترتیب از یک شماره گذاری میشود، هر یک از صفحات در بر دارنده نمودار خانوادگی یکی از پیشینیان و اجداد خانواده خواهد بود. در صفحه اول قسمت " نمودارهای خانوادگی " شماره صفحه این اجداد در کنار نامشان نوشته میشود.

صفحات قسمت نمودارهای خانوادگی با نام یکی از اجداد افرادی که نامشان در آن صفحه هست شروع میشود. نام کوچک هر فرد در یک مستطیل قرار داده میشود. رنگ کادر این مستطیل‌ها برای آقایان آبی و برای خانمها قرمز است. برای افرادی که فوت کرده اند ، یک خط مورب مشکی در گوشه سمت چپ کادر اضافه میشود.

مستطیل های افرادی که با هم ازدواج کرده اند به هم متصل است. از محل اتصال دو مستطیل خط و شاخهٔ جدیدی کشیده میشود که به فرزندان آنها متصل میگردد. بدین ترتیب مستطیل های تمام برادران و خواهران در یک خانواده از طریق شاخه ای به محل اتصال مستطیل‌های والدینشان مرتبط است. خطوط ارتباطی برای نسل های قدیمی تر ضخیم تر و برای نسل های جدید تر باریک تر است.

در مورد تبار نامه " آقا یوسف دیوسالار" با توجه به کثرت نام‌های خانوادگی ، رنگ زمینه مستطیل دیوسالارها آبی کم رنگ ، سالاریان ها قرمز کم رنگ ، سجادی‌ها سبز کم رنگ و درویش‌ها زرد انتخاب شده اند ، برای سایر نام های خانوادگی رنگ زمینه سفید است و نام خانوادگی افراد در قسمت فهرست افراد آورده میشوند. این رنگ گذاری در سایر گروه‌های خانواده دیوسالار ممکن است بر اساس کثرت و تکرار نام های خانوادگی در آن گروه تغییر کند.

در اینجا نیز بزرگی یا کوچکی سنّ افراد نقشی در جایگاهشان در نمودار تصویری تبار نامه نخواهد داشت، مستطیل‌های نام افراد به گونه ای تنظیم میگردند که بهترین و ساده‌ترین چیدمان حاصل شود.

صفحات قسمت " نمودارهای خانوادگی " تبار نامه توسط خطوط افقی و عمودی نام گذاری شده جدول بندی میگردند ردیف ها با حروف الفبای انگلیسی و ستون ها با اعداد. به این ترتیب هر خانه یا سلول جدول نام منحصر به فرد خود را دارد. مثلا B3 یعنی سلولی در ردیف B و ستون سوم صفحه است . مستطیل نام افراد در یکی از سلول های این صفحات قرار میگیرند. شماره صفحه و نام سلول معرف آدرس فرد در آن صفحه از قسمت " نمودارهای خانوادگی " تبار نامه خواهد بود. مثلا آدرس 6-C4 یعنی در صفحه 6 و سلول F4 (یعنی سلولی در ردیف F و ستون چهارم) . البته ممکن است مستطیل نام یک فرد در حد فاصل دو یاچند سلول قرار گیرد که در این صورت یکی از آن سلول ها که در بر دارنده بیشترین قسمت از مساحت مستطیل نام فرد است بعنوان آدرس انتخاب میشود.

برای مثل آدرس من در قسمت نمودارهای تبار نامه "آقا یوسف دیوسالار" عبارت است از :

- 2-G3 : یعنی صفحه 2 و سلول G3 (ردیف G ، ستون 3)
- 3-F2 : یعنی صفحه 3 و سلول F2 (ردیف F ، ستون 2)
- 4-F2 : یعنی صفحه 4 و سلول F2 (ردیف F ، ستون 2)
- 7-F3 : یعنی صفحه 7 و سلول F3 (ردیف F ، ستون 3)

امیدوارم این توضیحات برای کسانی که علاقمند به استفاده از این روش در تدوین تبار نامه خانوادگی خود هستند ، گویا بوده باشد.

از کلیه اقوام و بستگان در سایر شاخه های خانوادگی دیوسالار دعوت میشود تا با بهره گیری از روش "دیوسالار" مجموعه های مشابهی از تبار نامه خانوادگی شاخهٔ خود ایجاد کنند تا در کنار این تبار نامه مجموعه ای کامل، مستند و قابل اعتنایی از تاریخچه پدران و سرزمینمان ایجاد گردد.

همچنین به سایر اقوام وخانواده های محترم دیگر نظیر سالاریان ، درویش ، سجادی ، ایزدی ، مختاری ، فخاری ، ... پیشنهاد میشود تا با همین روش (یا روش های دیگر) اقدام به گردآوری و تدوین مجموعه‌های مشابهی کنند. این امر قطعا در تحکیم مناسبات و ارتباطات خانوادگی اثر به سزایی خواهد داشت.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از دوستان و اقوام زیر که در گردآوری اسامی این تبار نامه کمک کرده اند صمیمانه تشکر می‌شود
(اسامی به ترتیب حروف الفبا است و به دلیل وجود تشابه اسمی آدرس (های) موقعیت این دوستان در قسمت نمودار های خانوادگی نیز مقابل اسامی شان آمده است)

آروین محمدی	7-D2
بهرام دیوسالار	3-F3 , 5-G2
بهنام دیوسالار	2-G3 , 4-F2, 7-F5 , 8-G2
حسن دیوسالار	4-B4
رامین سجادی	4-F2 , 7-G2
زهرا دیوسالار	4-A3
ساحل دیوسالار	4-C2 ,10-F2
سوزان دیوسالار	3-F2 , 4-F2 , 7-G2
شاهرخ آذین	3-A5
شایان سالاریان	4-G5 , 7-G5 , 8-F1
شروین دیوسالار	5-B4
فراست مختاری	4-F1 , 7-F1
فرزاد دیوسالار	4-G1 , 7-G1
کافیه دیوسالار	3-C3
کیهان فخاری	3-C4 , 6-C1
لطیفه مبارکی	3-F2
مجتبی دیوسالار	2-C3 , 3-F3, 5-F1 , 12-D3
مرتضی دیوسالار	4-G2 , 7-F2
مرجان سالاریان	2-G4 , 4-F2, 7-F5 , 8-G2
مریم دیوسالار	2-F3 , 4-F4 , 7-G5
مریم شاهیپور	4-D4
مسعود دهلوی	3-C2
مهران دیوسالار	5-D3
مهزاد یوسفی زاده	5-E2
نفیسه ذولجلالی	7-C1 , 8-G3
نگین سالاریان	3-C5

از بزرگان و مطلعین خانواده که در بیان تاریخچه و و روایات مربوط به شاخه های مختلف خانواده من را یاری کرده اند و در موارد مربوطه از آنها در قسمت " گزارش به آیندگان " این تبارنامه نام برده شده است نیز صمیمانه تشکر میشود.

در نگارش جدید تبار نامه ، بطور ویژه تشکر میشود از جناب آقای علیرضا خان دیوسالار و خانم رفعت دیوسالار که در جهت تکمیل و ارتقا کیفی این تبار نامه مدارک و اسناد قدیمی و همچنین عکس های قدیمی را برای تصویر برداری در اختیار گذاشتند.

همچنین از خانم فرزانه دیوسالار (4-G1 , 7-G1) برای طراحی جلد زیبای این تبار نامه نیز تشکر میشود.

مقدمه

دیوسالارها از قدیمی‌ترین خانواده‌های محلی هستند که سالها در روستاهای ییلاقی و قشلاقی حومه رویان ، نور و کجور مازندران زندگی میکنند. خانواده های دیوسالار دارای شاخه ها و شعب زیادی میباشند و بواسطه همین قدمت و تعدد گروه های خانوادگی مختلف از یک سو و برقراری ارتباطات خویشاوندی با سایر اقوام محلی و یا غیر محلی از سوی دیگر ، شاید امروز به سختی بتوان تخمین درستی از جمعیت دیوسالار ها و وابستگان آنها ارایه داد.

شاید همهٔ دیوسالارها ریشه خونی یکسان نداشته باشند اما به مرور زمان این خانواده ها در کنار یکدیگر زندگی کرده و ارتباطات خویشاوندی برقرار کرده اند و امروزه به عنوان یکی از طوایف بزرگ مازندرانی شناخته میشوند که در سرتاسر ایران و جهان پراکنده اند. آقای بهرام دیوسالار که در زمینهٔ پیشینه دیوسالارها ، تحقیقات مبسوطی انجام داده‌اند، اعتقاد دارند که اجداد گروهی از دیوسالارهای اولیه از سواد کوه به منطقه نور و کجور آمده‌اند.

بنظر می‌رسد بتوان گذشتگان گروه های مختلفی که امروزه نام خانوادگی دیوسالار دارند را به چهار گروه تقسیم کرد:

۱- دیوسالارهای کالجی
۲- دیوسالارهای لوسی (دیوج)
۳- دیوسالارهایی که در ابتدای ثبت سجلات ، نام خانوادگی شان دیوسالار نبود اما بعدا (معمولا به دلیل خویشاوندی با دیوسالار ها) این نام را برای خود انتخاب کرده اند
۴- " دیوسالار مهاجر"ها که به احتمال زیاد در اصل از گروه اول یا دوم دیوسالارهای فوق بوده اند اما پیشینیانشان در سالهای گذشته از مازندران به مناطق دیگر ایران مهاجرت کرده اند

در هر صورت قدمت خانوادگی همهٔ خانوادهایی که امروزه به نام دیوسالار شناخته میشوند ، بیشتر از تاریخ ثبت سجلات در ایران (حدود صد سال پیش) است . گواه این امر اینکه در هیچیک از اسناد تاریخی محلی مربوط به سالهای قبل از صدور سجلات نام "دیوسالار" دیده نشده است.

پیشینه اختصاص نام خانوادگی به اشخاص در ایران، به سال ۱۲۹۷ شمسی یعنی زمان تاسیس سجل احوال مملکتی و ماده سوم قانون مصوب آن برمگردد که مقرر می داشت هر رییس خانواده باید برای خانواده خود نام مخصوص اختیار کند و نام خانوادگی تخصیص یافته به نام او ثبت و از آن طریق به هریک از افراد خانواده او تعلق می گیرد و همگی به همان نام منصوب می شدند. در آن زمان رایج بود که نام ها و تاریخ تولد نوزادان در حاشیه قرآنهای قدیمی ثبت می شد. سنتی که تا سالهای بعد نیز همچنان ادامه یافت.

طبیعی است که اجرایی شدن کامل این قانون در مناطق روستایی با تاخیری مضاعف روبرو شده باشد ولی در هر صورت انتخاب این نام برای این خانواده احتمالا در سالهای بعد از ۱۳۰۰ صورت گرفته و اما اینکه کدامیک از بزرگان خانواده این نام را انتخاب کرده و چرا این نام برای این طایفه انتخاب شده، اطلاعات کاملی در دست نیست.

این تبار نامه مربوط به فرزندان و نوادگان "آقا یوسف دیوسالار" است که در یکی از شاخه‌های دیوسالارهای کالجی قرار دارد. با نگاهی به تاریخ تقریبی دوران حیات پیشینیان خانواده (که در قسمت‌های بعدی به تفصیل بیان خواهد شد) ، شاید به این نتیجه بتوان رسید که اصولا نام خانوادگی دیوسالار از زمان فرزندان آقا یوسف برای این خانواده انتخاب شده است. تا قبل از این تاریخ افراد عموماً با القاب وعناوین دیگری نظیر کالجی یا کجوری شناخته می‌شدند. مثلا یکی از اسامی که در بین نام اجداد و پیشینیان "آقا یوسف" شنیده میشود ، نام "یوز باشی" است، که در واقع یک عنوان شغلی است نه یک اسم.* بدین ترتیب رد گیری و رصد پیشینیان خانواده به دلیل اشتهار به اسامی مختلف بسیار دشوار خواهد بود.

پاورقی : یوزباشی در اصل یک کلمه ترکی است که از "یوز" به معنی صد + باش به معنی "رئیس و سر" + ی گرفته شده و معنی ترکیبی آن سردار و رئیس صد نفر است . این یکی از عناوین و مراتب شغلی رایج در زمان قاجاریه بود که وظیفه اش خدمت در ولایات و ایالات و جمع آوری تیول و مواجب از جانب حکومت بود و رتبه پایین تر از آن دَه باشی (رییس ده نفر) بود.

در نمودار زیر اجداد اولیه "آقا یوسف" و برخی از سایر شاخه‌های خانواده دیوسالار تا پنج نسل قبل از آقا یوسف ، نشان داده شده اند.

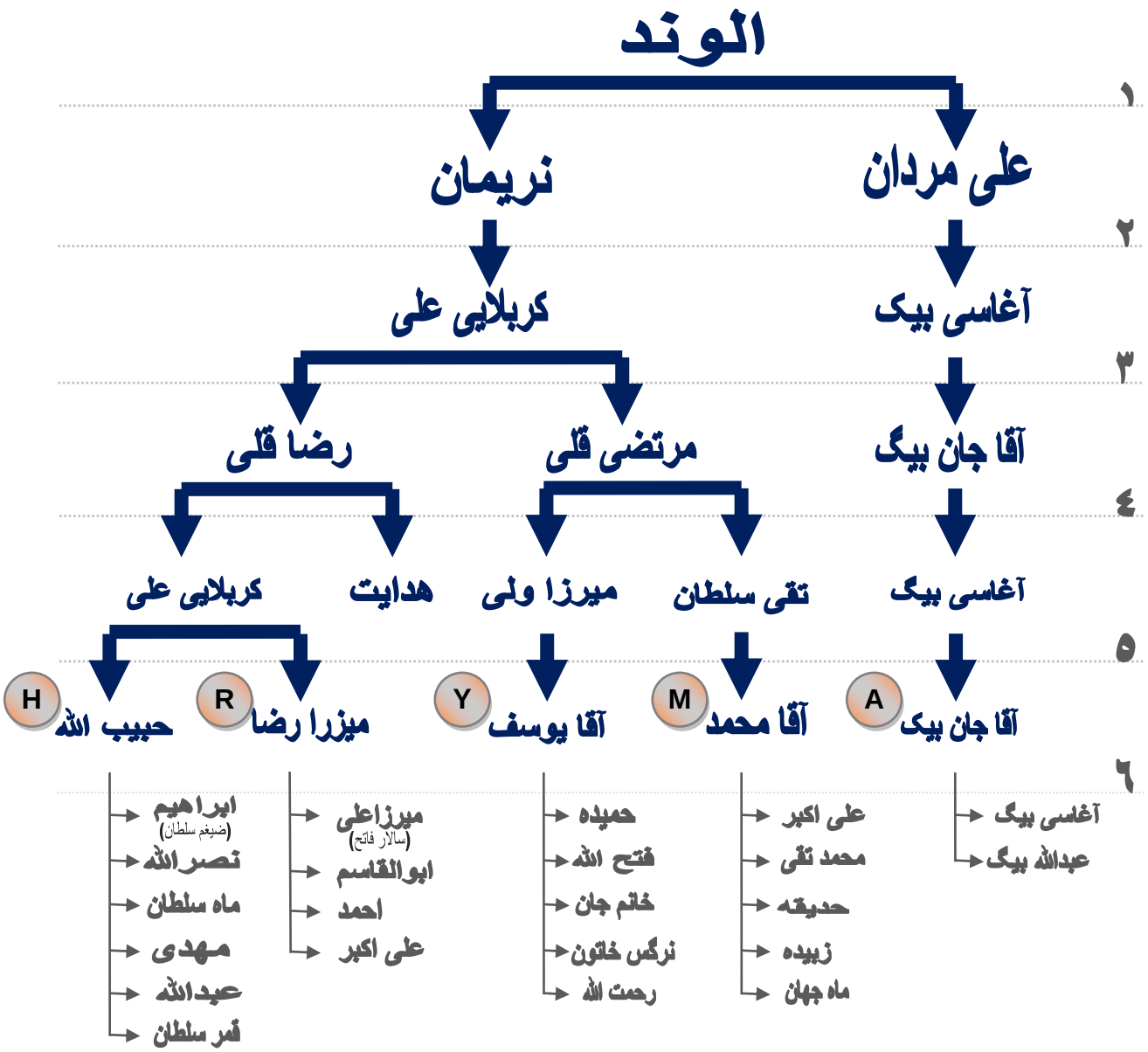

مسلما افراد زیاد دیگری نیز بوده اند که نامشان در این نمودار خلاصه از قلم افتاده است. با انتشار این تبار نامه و ملاحظه و مطالعه آن توسط دوستان و اقوام میتوان اسامی بیشتری از بزرگان فامیل را گردآوری کرد.

حروف انگلیسی نوشته شده در کنار اسامی "آقا یوسف" و هم نسل های او، حروف پیشنهادی است برای گروه بندی شاخه‌های مختلف خانواده‌های دیوسالار. امید که با همت نوادگان سایر گروه‌های خانوادگی فوق ، مجموعه های مشابهی از تبارنامه های این بزرگان فراهم شده و در کنار این مجموعه در قدم اول تبارنامه جامعی از "دیوسالارهای کالجی " و در قدم‌های بعدی همهٔ دیوسالارها فراهم گردد.

خاندان ما

کهن خاندانیم با ریشه در خطّه سبز رویان و نور و کجور
ز نسل نریمان و الوند و دیوان قوم تپور

نیاکانمان راد مردان صاحبدل غرب مازندران
بزرگ و عزیز و پناه و امید دل مردمان

به خوش نامی و خوی و تاثیرشان شمع هر محفلی
به علم و به عدل و به تدبیرشان حل هر مشکلی

به صلح و صفا سالها زیستند، آگه از حال هم
به روز غم و رنج و سختی همی یار و غمخوار هم

درخت تبار نیاکانمان رشد کرد و تنومند شد قامتش
به گیتی پراکنده گشتند پوران و دختان پر همّتش

کنون این تبار برومند دیرینه پر شاخه است
نشانش هزاران به اینجا و آنجا پر آوازه است

ولیکن همه شاخه و تیره و نسل و فرزند آن
ز یک ریشه و جنس یکدیگرند بی گمان

فزون از شماریم اما به یک ریشه در عمق خاک
همه چنیزیان وامدار از همین ریشه و خاک پاک

نه غیر و نه بیگانه ایم ، جملگی از هم و با هیم
که از یک سر و یک تن و عضو یک پیکریم

گرامی بداریم تاریخ و پیشینه و یاد اجداد خویش
بجا آوریم حرمت و رسم تکریم اقوام و خویش

که این برترین تکیه گاه است و اسباب خودباوری
فروزان چراغی است روشنگر شیوه زندگی

چو یاد آوریم از کجاییم ، در روزگار پریشانی و درد و رنج
قوی پنجه همت بیاریم و در کوه سختی بیابیم گنج

تکبر نورزیم اما ببالیم بر ریشه و تیره پاکمان
بداریم مهر و صفا و مروت به خویش و کسان

چو اجدادمان دست گیریم و مشکل گشاییم و یاری دهیم
به میراث مانده به جا از نیاکانمان، خود گواهی دهیم

به تدبیر و اندیشه و همت و علم و فرزانگی
نکوکاری و اقتدار و اصالت ، به مردانگی

نشینیم بر جای الوند و سالار دیوان قوم تپور
بمانیم و سازیم نسلی ز خوبان رویان و نور و کجور

معنی نام خانوادگی "دیوسالار"

پیش از پرداختن به جزییات بیشتری از تبار نامه، لازم است چند سطری در ارتباط با معنی نام خانوادگی دیوسالار گفته شود.

در ایران (و بسیاری از کشورهای دیگر) معمولا نام هاي خانوادگی از نام افراد (شخصيت هاي ملي، مذهبي و يا ازبزرگان و پیشینیان خانواده) ، اماکن (کشور، شهر، محله، ....) ، مشاغل و مهارت ها، لغات خاص نظیر رنگها و یا صفت های پسندیده ویا ترکیبی از اینها اقتباس میشود و بر نوعی از ارتباط و وابستگی به این نامها دلالت دارند. اما "دیوسالار" در شکل ظاهر خود اینگونه نیست.

"دیوسالار" یک نام خانوادگی معمول و دارای معنی همانند آنچه در بالا در مورد نام های خانوادگی متداول گفته شد، نیست. بسیاری از دیوسالار ها با تجربه مشترک مشکلات معرفی نام خانوادگی خود در اولین برخوردها و آشنا ئیها در مدرسه، دانشگاه، بانک، موسسات اداری و غیره مواجه بوده و هستند. در بسیاری از موارد باید «دیوسالار» را چندین بار تکرار کنند و یا حروف تشکیل دهنده آنرا را یک به یک بگویند و یا خود نام خانوادگیشان را بنویسند. به گمان من اکثر دیوسالار ها از مشاهده املا غلط نام خود چندان متعجب نمی شوند چرا که به این موضوع عادت کرده اند. بیاد دارم در مدرسه بارها و بارها با نام خانوادگي مشابه و همصدا با «دیوسالار » مانند دیوان سالار مورد خطاب قرار گرفتم

همه اینها به این دلیل است که فارسي زبانان انتظار اینرا که «دیوسالار» یک نام خانوادگی باشد را ندارند"دیوسالار" از دو قسمت تشکیل شده است: "دیو" و "سالار"

واژه «دیو» از لغت "دی یو" یا "دایوا" به معنی خدا در زبانهای هندی واروپائی گرفته شده است . Adios در اسپانیائی یعنی خدا نگهدار و Deiu در زبان فرانسوی یعنی خدا. اما از آنجا که در روزگاران قدیم بدلیل رقابت و جنگ ها و دشمنی های دوره ای ، اقوام وتمدن های همجوار اعتقادات مذهبی همسایگان خود را نیز به چالش میکشیده اند، واژه "دیو" با مفهومی کاملا متضاد و بمعنی مظهر و نشانه شیطان وارد زبان و ادبیات ایرانیان باستان شده است.

دیو درادبیات و اشعار ایران باستان ، موجودی خیالی و افسانه ای است با اندامی شبیه به اندام انسان اما به مراتب درشت تر و قوی تر با چشمان سرخ آتشین ترسناک و چنگال های خونین بُرّنده ، برسر دیو دوشاخ تیزسیاه روییده و دُمی ازپشت او آویزان است. دیو مظهر بدکاری و پلیدی است. دیو با هیکلی سیاه و پشمآلود یا پوستی پشمین و سفید که خالهای سیاه سراسر آن را پوشانده، توصیف میشود. این موجود وحشتناک می تواند هرلحظه از جایی به جای دیگر برود و شکل عوض کند یا از دیده ها پنهان شود. برای جابجائی به شکل گرد بادی سیاه درمیآید و باصدایی مهیب تنوره میکشد و غایب میشود. خواب او بسیارسنگین و طولانی است. نفسش بوی بسیاربد میدهد و لای دندان های دراز و زردش، همواره میتوان بقایای اجساد آدمیانی را که خورده دید.

هردیو شیشه ای دارد که نیروی حیاتی او درآن نگهداری میشود. شیشه عمرکنایه ازعزیزترین وگرانبهاترین داراییهاست. کسیکه با دیو میجنگد نمیتواند او را با شمشیر و نیزه بکشد زیرا دیو روبین تن است و سلاح برتن اوکارگر نمیشود. باید شیشه عمردیو را پیدا کند و با کوبیدن آن برسنگ دیو را از بین ببرد. وقتی شیشه عمر دیوشکست او دود میشود و به آسمان میرود و هیچ از او برجای نمیماند.

هر چند در اکثر نقاط ایران با بکار گیری واژه دیو قصد نکوهش داشتند، اما در مازندران مردان پهلوان ودلیر و شجاعان و کدخدا را دیو می خواندند و در مقام مدح و ستایش مازندرانیها را دیو میگفتند. همچنین در مازندران به اشخاصی که در زمان خود قویتر از امثال و اقران بوده اند و مطیع حکام نمی شدند دیو می گفتند و این نام رامایه فخر و بزرگواری و اثبات شجاعت خود می شمردند.

دیوهای مازندران ، جنگجویان و دلاوران این دیار در خط مقدم مقابله با تهاجم و یورش بیگانگان بوده اند.

نیما یوشیج ، شاعر پر آوازه مازنی در وصف "دیو"های مازندران میگوید:

اِسپیدِهِ دیوِ گَنی کهِ وِی تی جَد وَه
پارین دَکاشتی فِیک گِنی وِی قَد وَه
هِـــزارِ وِیهِ اَتّا نَوِ نَه صَد وَه
وِی زَرتُشِ گَپِهِ وِی بوتُهِ صَد وَه

می گویی که دیو سپید جد تو بود
مي گويي که قد او به بلندي درخت بيد يکساله بود
هزار (تا) بود ؛ یکی نبود ؛ صد (تا) نبود
این حرف زرتشت است ؛ او گفت که صد بود

******

دیو دارمی که ، وی بَد نُومه سَواتِه
رستمِ وَر بُوردو، با وی بَساتِ
دیو دارمی که بَ ایتِه آراراتِ
این ریشه دیو وُ تَبار تاتِ

دیو داریم بنام سوات که بد نام است (چون به دیو سپید خیانت کرد)
او به نزد رستم رفت و با او سازش کرد
اما در سوی دیگر دیوی داریم که آرارات را فتح کرده
و این است ریشه واقعی دیو ها و تبار مازندرانی ها است

******

دیوِ سُخن می جا نَپُرس درازِ
هر چي بوِام می سخنی آغازِ
اَنّـی گُمه که تو گُنی هــرازِ
اَنّـــی خُومِه که پندارنی آواز

در باره ي ديو از من مپرس که سخني طولاني است
هر چه بگويم ؛ باز اول سخنم است
آنقدر مي گويم که تو مي گويي مانند رودِ هراز، طولانی است
آنقدر مي خوانم که تو مي پنداری آواز است

******

مازِرونِ دیو اَتّا گَتِ نوُم هَسّهِ
رستم به حیله دیـوِ دَسِّ دَوَسّهِ
دیـــوِ ی خاندون آفِتاب پَرَسّهِ
زرتش به کینه بد به وی دَوِسّهِ

دیو مازندران ؛ نامداري بزرگ است
رستم به حیله دستِ دیو را بست
خاندان دیو ؛ آفتاب را مي پرستند
زرتشت به کینه به آنان نسبت بد داد

همچنین شاعر معاصر مازندرانی ، فرهود جلالی کندلوس در تازه ترین اثر خود "اَسری" (به معنی اشک) ، در آنجا که به وصف مازندران و زیبایی ها و عظمت و قدمت تاریخی آن میپردازد، از جمله به "دیوهای " مازندران نیز اشاره میکند و میگوید:

اَره بِرار مازِندِرُون عالی وِه **مِجِشگاهِ پلنگُ ، شِر کِلی وِه**	آری برادر مازندران عالی بود گردشگاه پلنگ و لانه شیر بود
تَموم دِنیا دَپیتهِ هین خَوَر **قوم تَپوری وینِه دیو تبر**	در تمام دنیا این خبر پیچیده بود که در مازندران قوم تپوری و دیوهای تبری زندگی میکنند
هر کِی هَوَس کِرده بَئیرَه مازِرُون **تن و توشیت اَموئه اَز کَندِوُون**	هرکس هوس تصاحب مازندران را می کرد از مسیر کندوان به سرعت به طرف مازندران می آمد
کَندِوُون جِر ایموا بیچاره وَه **قِشُون از دَست دائِه وُ دِل پاره وَه**	کندوان را پایین می آمد بیچاره می شد لشگرش را از دست می داد و دلش پاره پاره می شد
شیِه گِتِه مازِندِرون دِب دَره **هر کی سَرَک بَکِشِه وی مِزّ سَره**	می رفت و می گفت مازندران دیو دارد و هر کسی سرک بکشد کارش تمام است

در هر صورت "دیو" مانند بسیاری دیگر از واژه‌ها با معانی ، مفاهیم، اوزان و کاربردهای مختلفی در زبان و ادبیات فارسی به کار گرفته شده است ... در اکثر موارد و در جاهایی که سرکشی ، نافرمانی، عصیانگری، نا اهل و وحشی بودن،اعمال نا هنجار و ضدّ انسانی، پلیدی طینت و نیت و بد ذاتی و کریه چهره بودن "دیو" مورد نظر بوده؛ با باری منفی و با انتساب به اهریمن، شیاطین ، اجنه ، عفریته ، غولها ، هیولاهای آدم خوار و غیره به کار رفته ... اما همچنین در معدود مواردی که هیبت، بزرگی جثّه، قدرت، استقامت و شکست ناپذیری "دیو" مورد نظر بوده؛ از آن در وصف سرداران ، دلاوران و دلیران جنگی و در کاربردهایی با مفهوم مثبت (یا حداقل غیر منفی) نیز استفاده شده است.

سپهدار کاکوی برزد غریو ..... بمیدان درآمد بمانند دیو

اما معنی و مناسبت واژه "دیو" در نام خانوادگی "دیوسالار" چیست؟ قطعا کلید حل مسئله در منشأ و ریشه دیوسالارها ، یعنی "مازندران" است. یکی از معانی که برای "مازندران" گفت شده عبارت است از "محل دیو بزرگ" ؛ چرا که "ماز" در زبان ایرانیان باستان یعنی بزرگ و "ایندیرا" نام خدای هندیها (یا به عبارت دیگر دیو) است و "آن" هم به عنوان پسوند مکان بکار گرفته شده، در نتیجه "ماز" + "ایندیرا" + "آن" = مازندران یعنی "محل دیو بزرگ"

این تعبیر از معنی "مازندران" میتواند درست باشد، چرا که منطقه سرسبز مازندران با کوههای بلند و دشتهای حاصلخیز به واسطه رشته کوههای البرز از سایر نقاط ایران در جنوب این کوهها جدا شده است. مردمان شمال البرز از آب و هوای بهتر و زمینهای حاصلخیز تری برای غذای خود و دامهایشان برخوردار بودند، از سوی دیگر برای زندگی در این کوهها و جنگلها باید به سختی کار میکردند. این شرایط محیطی و کاری آنها را تنومندتر و قویتر میساخت. برای مردمانی که در جنوب البرز زندگی میکردند مسافرت و دسترسی به منابع طبیعی آن سوی البرز بسیار مشکل بود، از اینرو احتمالا در منازعات و درگیریها بر سر تصرف منابع طبیعی مازندران، مردمان جنوب در اکثر موارد بازنده بودند.

شاید این آرزوی دسترسی به منابع فراسوی کوه البرز بوده است که در قدیمیترین اساطیر حماسی ایران، رستم پهلوان نامدار ایرانی بعد از عبور از هفت خان دشوار و مرگبار (که شاید کنایه از دشواریهای صعود و عبور از کوههای البرز باشد) میتواند به جنگ دیو سفید برود و پیروزمندانه او را در بند بکشد. در نتیجه مردمان جنوب البرز برای توجیه و بهانه سازی برای ناکامی هایشان در دسترسی به سرزمینهای شمال البرز و شکستهای پیاپی شان در قبال مردمان شمال آنها را موجوداتی ماورا انسان و

"دیو" نامیدند و سرزمین آنها را "محل دیو بزرگ" یا مازندران نام نهادند. این معنی به زیبایی در شعر فرهود جلالی در صفحه قبل حکایت شده است.

همچنین قلهٔ دماوند که بلندترین کوه ایران و در رشته کوه البرز واقع شده در ادبیات فارسی با نام "دیو" مورد خطاب قرار گرفته، آنجا که ملک الشعرا بهار میگوید. ای دیو سپید پای در بند ..... ای گنبد گیتی ای دماوند

اما بپردازیم به قسمت دوم نام خانوادگی دیوسالار یعنی "سالار : "سالار" عبارتی است که به سردار، پیشوا یا رهبری باتجربه و با معرفت (و از سویی متواضع و قاعدتاً مسن) یک گروه گفته میشود. این عبارت بخصوص برای گروههای نظامی و درجات امیران ارتشی (نظیر "دریاسالار" یا "سپه سالار") بکار گرفته شده است. به هر حال، آنچه در مفهوم لغوی سالار مستتر است به نوعی اعتقاد قلبی مردم و افراد گروه به رهبری "سالار" برمیگردد نه فقط سمت رسمی و ارشدیت اداری او . به نظر میرسد مردمان مناطق نور و کجور مازندران نیز ارادت خاصی به لغت "سالار" داشته اند چرا که علاوه بر دیوسالار ، نامهای خانوادگی دیگری نیز با لغت "سالار" در این مناطق یافت میشود ؛ نظیر "سالار" و "سالاریان"

اما چگونه میتوان ترکیب "دیو" و "سالار" را در نام خانوادگی "دیوسالار" معنا کرد و مفهوم آنرا شناخت . قبل از این تحلیل بسیار مهم است که به یاد داشته باشیم که این ترکیب یک عبارت مازندرانی است و نه فارسی. در نتیجه برای درک آن باید ابتدا معادل فارسی این ترکیب را در نظر بگیریم. در این ارتباط ذکر دو نکته ظریف در گویش مازندرانی لازم است:

- نکته اول : در اکثر موارد در فارسی برای ساختن جمع یک لغت به انتهای آن "ها" و یا "آن" اضافه میکنیم (مثل کتابها ، درختان، ...) اما در مازندرانی و بخصوص در مورد گروههای جمعیتی قاعده مشابهی وجود ندارد، بلکه لغت مفرد و جمع شکل یکسانی دارند و این معنای عبارت است که تعیین میکند که لغت به کار رفته جمع بود یا مفرد. برای مثال "کاسگر" در عبارت "کاسگر محلهٔ" و یا "کالجی" در جملهٔ "کالجی بوردنه ... " هر دو معنی جمع دارند (با وجود اینکه هر دو به شکل مفرد بیان شده اند)، به نظر من "دیو" هم در دیوسالار مفهوم جمع دارد و معادله فارسی آن "دیوها" است.

- نکته دوم : در گویش مازندرانی و در ترکیبهای توصیفی یا اضافی؛ بر خلاف فارسی (و مشابه زبان انگلیسی) صفت قبل از موصوف مینشیند. در حالی که در فارسی موصوف قبل از صفت مینشیند . در نتیجه برای معادله فارسی "دیوسالار" باید دو قسمت تشکیل دهند آن یعنی "دیو" و "سالار" جا به جا شوند.

بدین ترتیب و با توجه به دو نکته فوق معادل فارسی "دیوسالار" عبارت "سالار دیوها" خواهد بود. و شاید منظور کسی که این نام را برای این خانواده انتخاب کرده این بوده است که خاندان دیوسالار از رهبر یا سردار (یا سالار) گروهی از مردمان محلی که در مازندران زندگی میکردند (دیو ها) آغاز شده است. این شاید مربوط به صدها سال قبل باشد و شاید هرگز نتوان فهمید که آن سالار اول دیوها چه کسی بود است. اما به هرحال نام خانوادگی "دیوسالار" مرتبط با این "سالار" است و پیشینیان "دیوسالار"ها باید از فرزندان، اقوام، نزدیکان ، منتسبان ویا کارکنان او بوده باشند.

از سوی دیگر و با تعبیری متفاوت و نگاهی ساده تر اگر ترکیب "دیوسالار" را فارسی بپنداریم (که نمیتواند درست باشد) و فقط معنای لغوی آن را در نظر بگیریم و لغت "دیو" را آنچنان که در شعر ملک الشعرا بهار بکار رفته به معنی "بزرگ" (کنایه به کوه دماوند) در نظر بگیریم و سالار را به معنی پیشوا .... آنگاه میتوان دیوسالار را "بزرگ پیشوا" یا "پیشوای کبیر" نیز ترجمه کرد.

آنچه در این نوشتار آمده است ، صرفا تلاشی است در جهت تبیین معنی لغوی " دیوسالار" و نه پیشینه تاریخی و یا علت نامگذاری نام خانوادگی طایفه دیوسالار به این نام. با ملاحظه مدارک و مکتوبات باقی مانده از گذشتگانمان (که برخی از آنها در این تبار نامه آمده اند) هیچ اثری از واژه "دیوسالار" در سالهای پیش از تصویب قانون ثبت سجلات و اجباری شدن تخصیص نام خانوادگی (حدود سال ۱۳۰۰) دیده نمیشود که خود گواه این است که این نام برای نامیدن پیشینیان ما در دوره های قبل از این تاریخ بکار نمیرفته است. به نظر میرسد نام خانوادگی "دیوسالار" همزمان با اجرای قانون ثبت سجلات توسط بزرگان خانواده برای این طایفه انتخاب شده است و با توجه به دوره زمانی وقوع این کار به نظر میرسد فردی که این نام را برای طایفه دیوسالار انتخاب کرده کسی نباشد جز سرتیپ علی خان دیوسالار (سالار فاتح) ، چرا که از یک سو بزرگ و رییس منطقه و طایفه دیوسالار بود و از سوی دیگر فردی روشنفکر، آزادیخواه، اندیشمند و با مطالعه و مطلع از تاریخ مازندران و دارای تالیفات واشعار گوناگون بود.

نگاهی به تاریخ و وقایع مهم سیاسی و اجتماعی دوران زندگی خانواده های دیوسالار

دوران زندگی افراد این تبارنامه مربوط به سالهای ۱۲۱۰ هجری شمسی تا کنون (یعنی ۱۳۹۰ هجری شمسی) میباشد . در این سالها اتفاقات و تحولات مختلفی در کشور اتفاق افتاده است که بر شرایط و چگونگی زندگی مردم اثر گذار بوده اند. در این بین خانواده دیوسالار نیز همچون سایر اقوام به تبع تغییرات ساختاری در نظام و مناسبات اجتماعی دستخوش تغییر و تحول شده است .

نگاهی اجمالی به تحولات مختلف تاریخی و اجتماعی دوران زندگی پیشینیانمان ، کمک میکند تا درک درست تری از خصوصیات آنها بدست آوریم . شکل صفحه بعد یک ستون مدرج تاریخ سنج است که به اجمال تحولات تاریخی و اجتماعی مهم دوران حیات برخی از بزرگان خانواده را نمایش میدهد.

از تاریخ دقیق تولد آقا یوسف و پدران او اطلاع دقیقی در دست نیست . در آن روزگار از ثبت احوال و شناسنامه خبری نبود و تنها در بعضی خانواده ها رایج بود که نام ها و تاریخ تولد نوزادان در حاشیه قرآنهای قدیمی ثبت می شد. سنتی که تا سالهای بعد نیز همچنان ادامه یافت.

در هر صورت شاید بتوان بر اساس گمانه زنی و با فرض فاصلهٔ معمول سنی بین نسلهای یعنی ۲۵ سال (برای مردان) و محاسبه ای معکوس از اطلاعات سجلی نسلهای جدیدتر تخمینی از تاریخ تولد قدیمی تر ها نیز بدست آورد. بر این اساس وجیه خان پسر بزرگ میرزا فتح‌الله خان ، در سال ۱۳۴۳ در سنّ ۵۷ سالگی درگذشت، یعنی تاریخ تولد او ۱۲۸۶ بود، و در نتیجه پدرش میرزا فتح‌الله خان احتمالا متولد سال ۱۲۶۰ بوده است. در نتیجه با فرض ۲۵ سال فاصلهٔ سنی آقا یوسف متولد ۱۲۳۵ و میرزا ولی متولد ۱۲۱۵ بوده اند.

همچنین سید جمال سجادی نوهٔ حمیده دیوسالار متولد حدود سالهای ۱۳۰۵ هستند و پدرشان عبدالوهاب سجادی که در زمان تولد او حدود ۱۹-۲۰ ساله بود باید متولد ۱۲۸۵ باشد و با این فرض درست که معمولا (خصوصاً در زمانهای قدیم) سنّ بچه دار شدن زنان کمتر از مردان بود، در این صورت تاریخ تولد حمیده دیوسالار قبل از ۱۲۶۰ یعنی تولد میرزا فتح‌الله خان بود، یعنی حمیده بزرگتر از میرزا فتح الله بود.

از سوی دیگر رحمت الله خان در سال ۱۳۵۲ در سنّ ۸۶ سالگی فوت کرده اند یعنی تاریخ تولد او ۱۲۶۶ بود. فاصلهٔ سنی حدود ۶ سال بین فتح‌الله خان و رحمت الله خان میتواند به این معنا باشد که احتمالا دو خواهر دیگر یعنی خانم جان و نرگس خاتون دیوسالار نیز بزرگتر از رحمت الله خان بوده اند. در نتیجه رحمت الله خان کوچکترین فرزند آقا یوسف بود.

همچنین در ادامه این بخش مرور مختصری شده است بر سر فصل اتفاقات مهم کشور در دوره زندگی افراد این تبار نامه. هر یک از این اتفاقات و تحولات در زمان خود بر شرایط عمومی مردم کشور و از جمله افراد خانواده دیوسالار اثر گذار بوده اند.

توضیح: جهت سهولت درک تاریخ وقایع، در این تبار نامه تمامی تاریخ های قمری و یا میلادی به تاریخ هجری شمسی محاسبه و تبدیل شده اند. بدین ترتیب تمامی سالهای تاریخی در این تبار نامه بر اساس سال هجری شمسی میباشند و از ذکر هجری شمسی در جلوی تاریخ خودداری خواهد شد.

۱۲۰۰ دوران سلطنت فتحعلی شاه
۱۲۰۵ شروع دوره دوم جنگهای ایران و روسیه
۱۲۱۰ شیوع طاعون در مازندران
۱۲۱۳ پایان سلطنت فتحعلی شاه و آغاز سلطنت محمد شاه
۱۲۲۰
۱۲۲۵
۱۲۲۷ پایان سلطنت محمد شاه و آغاز سلطنت ناصرالدین شاه
۱۲۳۰
۱۲۳۵
۱۲۴۰
۱۲۴۵ اولین سفر ناصرالدین شاه به مازندران
۱۲۵۰
۱۲۵۴ دومین سفر ناصرالدین شاه به مازندران
۱۲۵۹ چهارمین سفر ناصرالدین شاه به مازندران
۱۲۶۵
۱۲۷۱ شیوع وبا در مازندران
۱۲۷۵ پایان سلطنت ناصرالدین شاه آغاز سلطنت مظفرالدین شاه
۱۲۸۲ شیوع وبا در مازندران
۱۲۸۵ اعلام مشروطه ، پایان سلطنت مظفرالدین شاه و آغاز سلطنت محمدعلی شاه
۱۲۸۷ به توپ بستن مجلس به فرمان محمد علی شاه
۱۲۸۸ فتح تهران توسط سپهدار اعظم (با همکاری سالار فاتح) و سردار اسعد بختیاری و پایان سلطنت محمدعلی شاه
۱۲۹۰
۱۲۹۳ تاجگذاری احمد شاه ، شروع جنگ جهانی اول
۱۲۹۷ آغاز ثبت سجلات و صدور شناسنامه در ایران
۱۲۹۸ حمله بلشویکها به ایران
۱۳۰۰
۱۳۰۴ پایان سلطنت احمد شاه و آغاز سلطنت رضا شاه
۱۳۰۵ خرید اجباری زمین های مالکان توسط حکومت
۱۳۱۰
۱۳۱۸ شروع جنگ جهانی دوم
۱۳۲۰ اشغال ایران توسط روسیه و انگلستان ، پایان سلطنت رضا شاه و آغاز سلطنت محمد رضا شاه
۱۳۲۵
۱۳۳۰
۱۳۳۵
۱۳۲۵
۱۳۴۱ اعلام قانون اصلاحات ارضی
۱۳۴۵
۱۳۵۰
۱۳۵۷ پایان سلطنت محمد رضا شاه و آغاز جمهوری اسلامی
۱۳۵۹ شروع جنگ ایران و عراق
۱۳۶۰
۱۳۶۷ پایان جنگ ایران و عراق
۱۳۷۰
۱۳۷۵
۱۳۸۰
۱۳۸۵
۱۳۹۰
میرزا ولی خان کجوری
آقا یوسف دیوسالار
حمیده دیوسالار
فتح الله خان دیوسالار
خانم جان دیوسالار
نرگس خاتون دیوسالار
رحمت الله خان دیوسالار
وجیه الله خان دیوسالار
فضل الله خان دیوسالار

نگاهی به وقایع مهم تاریخی ایران و جهان

سال ۱۲۱۰

در این سال طاعون در کلیه شهرها و آبادیهای مازندران شیوع پیدا کرد و بیش از یک سوم جمعیت آن را کشت. نقل است که در آن سالها گربه ها به خوردن گوشت انسان عادت کرده بودند و شهر ها به صورت جنگل در آمده بود.

سال ۱۲۱٤

بعد از مرگ فتحعلی شاه قاجار ، محمد شاه قاجار (فرزند عباس میرزا) ، تاجگذاری کرد وشش ماه بعد اولین صدر اعظم خود، میرزا سید ابوالقاسم خان قائم مقام فراهانی را به قتل رسانید. محمد شاه در سن چهل سالگی از مرض نقرس جان باخت. «دوران سلطنت ١٤ ساله محمد شاه را باید به دو مرحله متفاوت تقسیم کرد: دوران کوتاه صدارت قائم مقام فراهانی که در این دوران مملکت از نظم و سامان نسبی برخوردار بود. اما در پی قتل قائم مقام و صدارت حاجی میرزا آغاسی، شرایط ضعف از نو فراهم شد. محمد شاه به تحریك روس ها، به هرات یورش برد، اما بر اثر تهدیدات نظامی انگلیس، ناکام و سرخورده بازگشت و پیروزی تبدیل به شکست گردید.

سال ۱۲۲۷

ناصرالدین میرزای ١٦ ساله با یاری میرزا تقی خان فراهانی (امیر کبیر) در تهران بر تخت سلطنت نشست.

سال ۱۲۳۰

در این سال امیر کبیر صدراعظم ناصرالدین شاه به کاشان تبعید شد و در آنجا طبق توطئه ای به قتل رسید.

سال ۱۲۳٥

در این سال قشون ایران بار دیگر به افغانستان حمله نمود، در آن شرایط بریتانیای کبیر با ایران اعلام جنگ کرد و در نتیجه آن ایران به دنبال شکست خوردن در این جنگ از تمام دعاوی خود در افغانستان دست کشید و حق کاپیتولاسیون و امتیازات تجاری زیادی به بریتانیای کبیر واگذار کرد.

سال ۱۲٦۹

در این سال بود که جنبش تنباکو در اعتراض به واگذاری امتیاز توتون و تنباکوی ایران به مدت ٥٠ سال به انگلستان ، شکل گرفت. این امر موجب بر پا شدن شورش در شهر های مختلف کشور شد و حکم تحریم تنباکو از طرف میرزای شیرازی صادر شد که بر طبق آن استعمال توتون و تنباکو در حکم محاربه با امام زمان (عج) شناخته شده بود. در نتیجه این اعتراضات و شورش عمومی ناصرالدین شاه «امتیاز نامه» را فسخ کرد.

سال ۱۲۸٥

در این سال جنبش مشروطیت ایران پیروز گردید.

سال ۱۲۹۳ تا ۱۳۹۷

جنگ جهانی اول به مدت ٥۲ ماه و نه روز طول کشید. متفقین عبارت بودند از فرانسه، انگلستان، روسیه، ژاپن، ایتالیا، بلژیك، یونان، صربستان، امریکا، رومانی و متحدین را آلمان، اتریش، مجارستان، بلغارستان، ترکیه تشکیل میدادند.

سال ۱۲۹۳

شکل گیری جمعیت " اتحاد اسلام " و شروع مبارزات میرزا علی خان دیوسالار (سالار فاتح) با نیروهای اشغالگر روسیه و عوامل دولتی دستنشاندگان روسیه. سالار فاتح در مازندران و میرزا کوچک خان جنگلی در گیلان متحد و همگام با هم این مبارزات را پیش میبردند.

سال ۱۲۹۳

در مرداد ۱۲۹۳ احمد شاه ۱۸ ساله در ایران تاجگذاری کرد. مستوفی الممالك نخستین رئیس الوزرای احمد شاه، پس از تاجگذاری او و به پایان رسیدن نیابت سلطنت ناصرالملك، می باشد که مورد احترام زیاد مردم بود. تاجگذاری احمد شاه سبب شد که مجلس حیات تازه خود را از سر بگیرد. در آغاز جنگ اول جهانی زمینه های امیدواری در پایتخت به وجود آمد، چراکه بریتانیا و روسیه گرفتار جنگ بودند و ایرانیان نفس راحتی می کشیدند. از این رو اخبار مربوط به پیروزی های آلمان مردم ایران را خوشحال و دلگرم می ساخت.

سال ۱۲۹۳

در این سال هر دلار امریکا پانزده (۱۵) ریال ایرانی ارزش داشت.

سال ۱۲۹۷

سپاهیان سالارفاتح در مازندران از قوای دولتی وثوق الدوله شکست خوردند . سالار فاتح به تهران رفت و با به قدرت رسیدن پهلوی اول بزای مدت یازده سال به زندان و تبعید رفت و در این سالها یاران و اقوام او نیز تحت تعقیب نیروهای دولتی بودند و بسیاری از آنها دستگیر، حبس و تبعید شدند.

سال ۱۲۹۹

به فاصله کمی پس از انقلاب اکتبر روسیه ، گروهی از کارگران ایرانی که در حوزه های نفتی باکو کار می کردند حزب عدالت را پایه گذاری کردند، این حزب بعدها ، طی کنگره ای به حزب کمونیست ایران تبدیل شد. این حزب در حدود ٦هزار نفر عضو مخفی داشته است.

سال ۱۲۹۹

بلشوئیك ها پس از شکست خوردن از افراد میرزا کوچك خان به غارت و آتش زدن رشت مرکز استان گیلان دست زدند و به بندر انزلی عقب نشستند. در آنجا اردو زدند تا به عنوان یك نیروی فشار، بر طبق رویه متداول روس ها به کار گرفته شوند. در این ضمن تغییری در سیاست ایران پدید آمد. با استعفای وثوق الدوله، مشیرالدوله رئیس الوزرا گردید. و چون وی ثروت سرشاری در مازندران داشت، برآن شد تا روابط با مسکو را تحکیم بخشد.

سال ۱۲۹۹

در ۲۱ خرداد ۱۲۹۹هجری شمسی، جمهوری ایران (نهضت جنگل) ضمن فراخواندن انگلیسیها به تخلیه نیروهایشان از ایران اعلام می کند: «... اینك شورای جمهوری ایران که قبل از ورود به مرکز در گیلان تشکیل شده، به نام ملت ایران، هرگونه قراردادهایی که تا انعقاد مجلس شورای جمهوری در مرکز با حکومت تهران دولت انگلیس داده و بدهد، غیر مشروع دانسته، کان لم یکن محسوب می شود.» تاسیس جمهوری ایران در خرداد ۱۲۹۹، انگلستان را با شرایط ویژه ای روبرو کرد. در چند هفته بعد از تاسیس جمهوری، وثوق الدوله، ـ عاقد قرارداد۱۹۱۹ با انگلیس ـ در ۳ تیر استعفا داد، و کشور را ترك کرد. اما عزم دولت مرکزی در سرکوب نظامی نهضت جنگل، با تاسیس جمهوری ایران، دوچندان شد.

سال ۱۳۰٤

احمد شاه در آبان ۱۳۰٤، از سلطنت در ایران خلع شد و در ۲۱ آذر ۱۳۰٤ مجلس مؤسسان با ۱۱۵ رای موافق و ٤ مخالف و ۳۰ رای ممتنع به سلطنت رضاخان رای موافق داد.

سال ۱۳۰٤

ماه های شمسی سابق، در ایران، یعنی حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، و حوت، طبق قانون سال ۱۳۰٤شمسی، به ماه های فروردین ، اردیبهشت ، خرداد، تیر ، مرداد، شهریور، مهر ، آبان، آذر، دی، بهمن و اسفند، تبدیل گردید.

سال ۱۳۱۱

در این سال مجلس شورای ملی ایران اعتبار چاپ اسکناس را به بانك ملی واگذار کرد وبدینسان برای اولین بار اقتصاد پولی در ایران پا گرفت و دولت به تدریج با پیچیدگیهای یك نظام پولی روبرو شد.

سال ۱۳۱۳

در این سال رضا شاه با آتاتورك در آنکارا دیدار کرد ثمره ی این دیدار تحولات اجتماعی و اقتصادی در ایران بود. که می توان به موارد زیر اشاره نمود: از آذر ماه ۱۳۱۳، از دولتهای خارجی خواسته شد تا در مکالمات رسمی شان بجای نام پرشیا (Persia) از نام ایران (Iran) استفاده کنند. شاه در سال ۱۳۱٤ اولین سنگ بنای دانشگاه را پی نهاد. لباس های متحدالشکل مدارس رواج یافت. زنان معلم مدارس دختران بالاجبار بدون حجاب راهی مدارس شدند و به افسران ارتش تکلیف شد که حق ندارند در معیت زنان حجاب دار دیده شوند.

سال ۱۳۱٤

قانون کشف حجاب در ایران با دستور رضا شاه و تشویق نخست وزیر جم، رئیس مجلس شورای ملی حسن اسفندیاری، محتشم السلطنه، در تاریخ ۱۷دیماه ۱۳۱٤، اجرا شد. آن روز شاه به اتفاق ملکه تاج الملوك، شمس و اشرف پهلوی در جشن افتتاح مقدماتی حضور یافتند. تاج الملوك، شمس و اشرف پهلوی بدون حجاب ظاهر شده بودند.چنین شد که با صدور دستورالعملی قرار شد این اقدام شاه در همه نقاط کشور اجرا شود.

سال ۱۳۱٦

در این سال معدن ذغال سنگ در گلندرود مازندران گشایش یافت.

سال ۱۳۱۹

در آخرین سال حکومت رضا شاه، رادیو آخرین پدیده مهم تکنولوژیك بود که به دست متخصصان آلمانی، در ایستگاه بی سیم پهلوی (جاده شمیران ـ چهارراه قصر) نصب شد و در روز ٤ اردیبهشت ۱۳۱۹، افتتاح گردید.

سال ۱۳۲۰

با شروع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط روسیه (در شمال) و انگلستان (در جنوب)، رضا شاه تبعید شد، و استعفای وی در بامداد همین روز(۲۵ شهریور ۱۳۲۰) در مجلس خوانده شد. روز بعد پسر او محمد رضا سوگند شاهی خورد. محمد رضا در سال ۱۳۱٦ ، از مدارس سویس فارغ التحصیل شده بود، او در سال ۱۳۱۸ (در زمان ولیعهدی) با فوزیه خواهر فاروق شاه مصر ازدواج کرده بود. شکل تبعید رضا شاه به این گونه بود که وی بعد از ترك تهران حدود یك ماه در اصفهان گذراند، وسپس حق عبور به خارج از کشور را توسط یکی از کشتی های انگلیسی به مقصد موریتس دریافت کرد و متعاقب آن با درخواست خودش به ژوهانسبورگ منتقل شد و در آنجا درگذشت.زمینه سقوط رضا شاه را دولت انگلستان از طریق برنامه های رادیوهای لندن و دهلی، هموار کرده بود، تا شاه را در نظر مردم ایران، یك خودکامه ی آزمند و ابله بنمایاند که مردم کشورش را از آزادی شان محروم کرده واملاك آن ها را تصرف کرده است و رضاشاه را به عنوان تنها عامل وضعیت دشوار ایران، معرفی می کرد

سال ۱۳۳۰

با پایان گرفتن جنگ دوم جهانی و بدنبال نابسامانی اقتصاد غرب ، دو ابرقدرت امریکا و شوروی، در صحنه سیاست جهانی جولان می دادند و علیه یکدیگر جبهه گیری می کردند. جنگ سرد دو کشور، بیشتر از همه جا، در ایران، ترکیه و یونان محسوس بود.

سال ۱۳۳۰

در دوره اول نخست وزیری مصدق (از ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲۵ تیر ۱۳۳۱) مشکل و مشغله اصلی دولت در مسئله نفت خلاصه می شد. مصدق از حمایت کامل نیروهای سیاسی داخلی برخوردار بود. در این دوره قانون ملی شدن نفت به مرحله اجرا درآمد و از شرکت نفت ایران و انگلیس، خلع ید گردید. دولت انگلستان به دادگاه لاهه و سپس به شورای امنیت شکایت کرد. و

مصدق در راس هیاتی عازم نیویورك شد. از لحاظ سیاسی، استعفای مصدق (پس از ملاقات با شاه در ۲۵ تیر) صورت گرفت و قوام به مدت پنج روز نخست وزیر شد. با قیام سی تیر، کابینه قوام سقوط کرد و مصدق دوباره بر مسند صدارت نشست و سرانجام مصدق با حضور در دادگاه لاهه موفق به ملی کردن صنعت نفت ایران شد.

سال ۱۳۳۲

در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، حدود دوسال و نیم بعد از ملی کردن صنعت نفت، دولت مصدق با کودتا ی نظامی سقوط کرد.

سال ۱۳۳۵

در این سال بود که آب لوله کشی در تهران جریان یافت. قبل از آن آب جوی ، که از قنات و از کانال متصل به رودخانه کرج تامین می شد، آب انبارهای مردم را در نوبتهای شبانگاهی پر می نمود. آب آشامیدنی (آب شاه) را نیز با گاری می آوردند و مردم آن را در کوزه های دهن گشاد بزرگی می ریختند که برای مصرف یك روز کافی بود.

سال ۱۳۳۳

از این سال به بعد مطبوعات در ایران مستقیما زیر نظر دولت درآمد.

سال ۱۳۵۰

بدنبال کودتای ۲۸ مرداد و برقراری اختناق سیاسی در ایران ، احزاب و گروه های سیاسی مخفی و مسلح در ایران شکل گرفتند. بسیاری از این گروه های اعتقادات کمونیستی داشتند و مرکز فعالیت و عضو گیری آنها مجامع روشنفکری و دانشجویی بود.

سال ۱۳۵۳

محمد رضا شاه پهلوی تصمیم به تاسیس حزبی گرفته بود که در برگیرنده همه ی افراد ملت ایران باشد. لذا در این سال حزب فراگیر رستاخیز تاسیس گردید.

سال ۱۳۵٦

در دهم دیماه ۱۳۵٦ مقاله ی توهین آمیزی نسبت به امام خمینی در روزنامه ی اطلاعات منتشر گردید. این مقاله موجب قیام و خیزش طلاب قم و اعتراضات گسترده ای در شهرهای دیگر(به بهانه های مراسم عزای هفتم یا اربعین شهدای شهرهای قبلی) و نهایتا پیروزی انقلاب در ایران گردید.

سال ۱۳۵۷

۲۸ مرداد این سال مصادف بود با فاجعه سینما رکس آبادان که موجب کشتار ۷۰۰ نفر از مردم بیگناه شد. سپس در ۱۷ شهریور در میدان ژاله تهران و چند ساعت بعد از اعلام شش ماه حکومت نظامی در تهران و برخی دیگر از شهرها ، مامورین رژیم به روی تظاهر کنندگان آتش گشودند و مردم زیادی را به ضرب گلوله از پای در آوردند. بعد از این کشتار اهالی سایر شهرهای ایران نیز به شدت سرکوب شدند، روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷ فرمانداری نظامی تهران طی حمله ای به دانشگاه تهران عده ای را کشت و شب همان روز پخش فیلم این حمله در اخبار تلویزیون، مردم را به کلی متاثر کرد. پس از این ماجرا شریف امامی از نخست وزیری استعفا کرد. شب همان روز شاه بعد از مدت ها از تلویزیون ظاهر شد و گفت: «من صدای انقلاب شما را می شنوم و قسم دوباره میخورم که اوضاع بهتر شود». فردای این پیام ارتشبد ازهاری به نخست وزیری انتخاب شد و کابینه ای کاملا نظامی تشکیل داد. اما هر روز بر دامنه اعتراضات و شورشها افزوده تر می شد. و دیگر طغیان مردم قابل کنترل نبود. در همین ماه صدام حسین، امام خمینی را از عراق اخراج کرد و امام به پاریس رفت و در نوفل لوشاتو اقامت گزید، و همین امر نقطه عطفی شد بر آشنایی افکار عمومی دنیا با انقلاب ایران. بعد از سقوط کابینه ازهاری ، شاه دکتر شاپور بختیار را مامور تشکیل کابینه کرد. با آغاز نخست وزیری بختیار ، ساواك منحل شد، شاه در ۲٦ دیماه ۱۳۵۷ همراه همسر و فرزندانش و عده ای همراه ، تهران را به مقصد قاهره ترك کرد. این امر از نظر مردم بعنوان پیروزی انقلاب قلمداد گردید و سرور و شادمانی سرتاسر کشور را فرا گرفت، و مجسمه های شاه پائین آورده شد، امام خمینی صبح روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ بعد از ۱۵ سال تبعید وارد تهران شد و دو روز بعد مهندس مهدی بازرگان را نخست وزیر دولت موقت معرفی نمود. چند روز بعد مردم درهای

زندان ها را گشودند و زندانیان سیاسی همگی آزاد شدند. روز جمعه ۲۰ بهمن ۱۳۵۷، در پادگان قصر فیروزه و فرح آباد، بین همافران و افسران نیروی هوایی اختلاف شده و گارد به پادگان حمله کرده بود، مردم هم بلافاصله برای کمك به همافران راهی فرح آباد شده بودند. از عصر روز ۲۱ بهمن منع عبور مرور مردم ساعت ۱۶/۳۰ اعلام گردید. اما همان روز حکومت نظامی به فرمان امام شکسته شد و در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پادگان ها به تسخیر مردم درآمد. و بدین سان انقلاب ایران به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید.

سال ۱۳۵۸

در ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸، جمهوری اسلامی ایران با رای مثبت مردم رسما تولد یافت. در ۱۳ آبان ماه همین سال سفارت آمریکا در تهران توسط تعدادی دانشجو موسوم به "دانشجویان پیرو خط امام" و با حمایت رهبری انقلاب ، اشغال گردید و کارکنان آن به مدت ٤٠٠ روز به گروگان گرفته شدند.

سال ۱۳۵۹

بدنبال پیروزی انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷، گروه های مختلف سیاسی فرصت فعالیت و تبلیغات از جمله در دانشگاه ها و مدارس را پیدا کردند، فعالیت برخی از این گروه ها در امتداد خود به انتقاد و مقابله با حکومت انجامید و در نتیجه آن دانشگاه ها به کانون‌های اصلی حضور مخالفان حکومت تبدیل گردید . به این دلیل در فروردین این سال دانشگاه های کشور برای مدت بیش از دو سال تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" ، تعطیل گردیدند.

سال ۱۳۵۹

در شهریور سال ۱۳۵۹، با حمله هوایی صدام حسین به تهران و برخی شهرهای دیگر ایران ، جنگ ایران و عراق آغاز گردید. جنگ ۸ ساله ایران و عراق یکی از فاجعه‌های تاریخ بشری در قرن بیستم، و پس از جنگ ویتنام و بالاتر از جنگ جهانی اول، دومین جنگ طولانی قرن بیستم بوده است.

سال ۱۳٦۷

در مرداد سال ۱۳٦۷، و بدنبال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل توسط امام خمینی ، جنگ بین ایران و عراق پایان یافت.

سال ۱۳۸۲

در این سال به دلیل رشد نقدینگی و سایر عوامل پیدا و نهان اقتصادی ، ارزش زمین های مازندران با رشد بی سابقه ای مواجه شد و به دنبال آن بسیاری از زمین داران با عدم کشت برنج و خشک کردن زمین تلاش کردند تا کاربری زمین های کشاورزی را به مسکونی که ارزش بیشتری داشت، تغییر دهند. این امر تاثیر به سزایی بر رکود کشاورزی سنتی و بومی داشت.

شرایط ، مشخصه ها و محل زندگی خانواده های دیوسالار

محل زندگی پیشینیان خانواده های دیوسالار (شاخه آقا یوسف دیوسالار)، روستای توسکا در شهرستان رویان (علمده) و محل زندگی تابستانی (ییلاق) آنها کالج از روستاهای منطقه کجور بود.

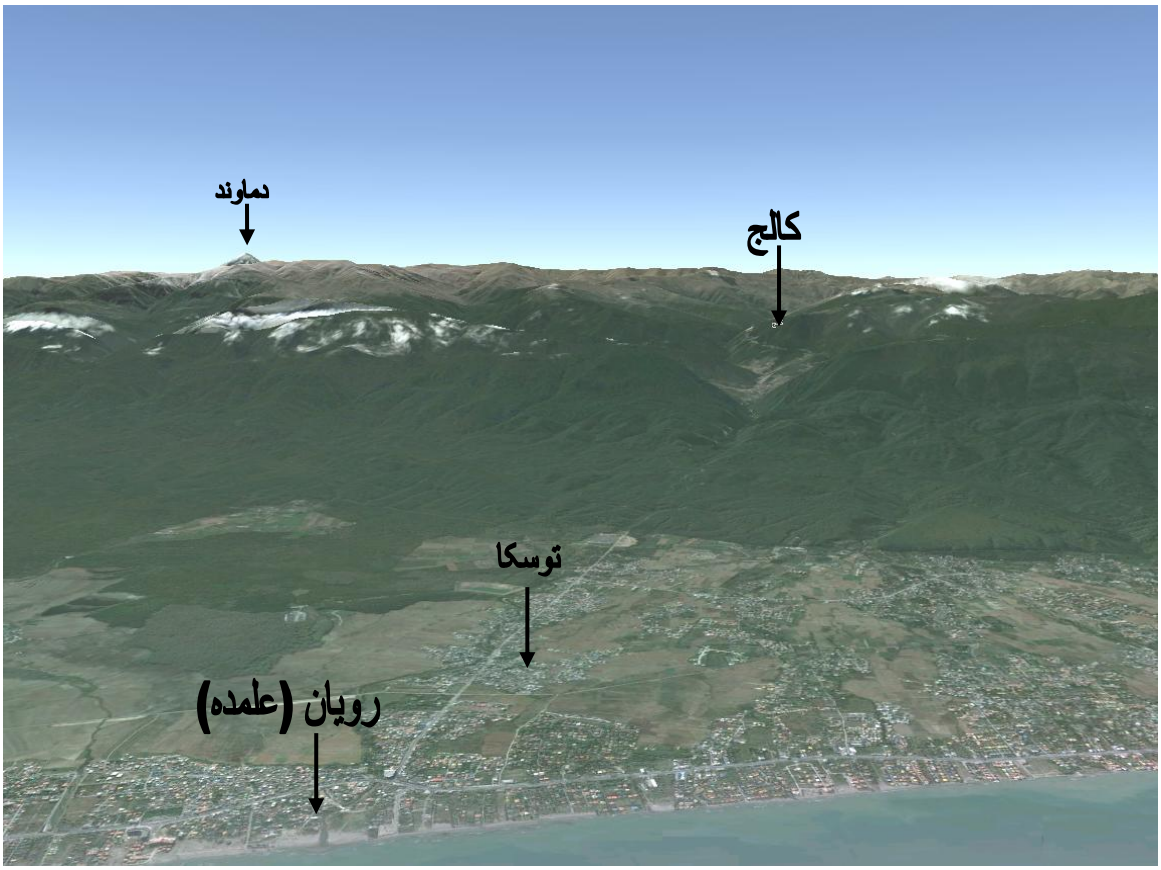

اصلی ترین و عمده ترین کار و شغل مردم منطقه در آن زمان کشاورزی و کشت برنج ، نیشکر و تنباکو بود . شالیزارهای برنج در اراضی حاصل خیز منطقه دشت (حد فاصل بین کوه و دریا) اطراف روستای توسکا قرار داشتند. در ایران قدیم شش نوع زمین وجود داشت که شامل زمین های دیوانی ، سلطنتی ، مالکی ، خرده مالکی ، وقفی ، اقطاع ، تیول و سیورغال می شد. * زمین های تصرفی خانواده های دیوسالار در آن زمان را میتوان جزو زمین های خرده مالکی و بخشی از آن ها را هم اقطاع و تیول به حساب آورد. چرا که به نظر میرسد بخشی از زمین های تصرفی میرزا ولی ، پدر آقا یوسف از نوع تیول بوده باشد.

پاورقی : زمین های دیوانی متعلق به دولت بود و در ازای پرداخت مالیات اراضی به روستاییان واگذاری می شد و در واقع رابطه روستاییان و دولت به مثابه رابطه ارباب و رعیتی بود. زمین های سلطنتی متعلق به شاه و دربار بود و از طریق مصادره و پیش کشی بدست می آمد و مشابه زمین های دیوانی در ازای مالیات در اختیار روستاییان قرار میگرفت با این تفاوت که درآمد حاصل از زمین های سلطنتی صرف هزینه های خصوصی شاه و دربار می شد. اراضی مالکی در مالکیت بلاواسطه و بلاشرط مالکان قرار داشتند و آزادانه از طریق ارث به اخلاف آنها منتقل می شده اند و مالکان آنها به انجام خدمت نظامی یا اداری ملزم نبوده اند، مالک زمین بخش بزرگی از مازاد تولید را به منظور تامین زندگی خود و خانواده اش و نیز بازسازی تولید تصاحب می کرد و مابقی آن را به شکل مالیات یا خراج در اختیار دولت قرار می داد. زمین های خرده مالکی نیز به همینگونه بود ولی وسعت آنها از زمین های مالکی خیلی کوچکتر بود و متعلق به کشاورزان و دهقانان بود. زمین های وقفی شا مل زمین هایی می شد که شاهان، فئودال ها و ثروتمندان به نفع اشخاص خاص و موسسات دینی مانند مساجد، مدارس، مزارها و خیریه وقف می کردند. بدین ترتیب اداره این زمین ها به روحانیون یا موسسات دینی و مذهبی محلی واگذار میشد. اراضی اقطاع، تیول و سیورغال زمین های مشروط بودند،مالکیت این اراضی در ازای خدمتی اداری یا نظامی به صورت موقت یا دائم و موروثی در اختیار افراد مختلف قرار می گرفت تا زندگی خود را از طریق اخذ بهره مالکانه و در نتیجه بهره کشی از روستاییان تامین کنند، اقطاع در واقع اجاره دادن درامد یک ناحیه به قرار مبلغی مقطوع و به مدتی معین بود و تیول در صورت انجام خدمت اداری یا نظامی و بطور موروثی داده می شد اما به مرور اقطاع نیز مانند تیول به صورت موروثی در آمد و در بعضی زمان ها به یک معنا و به جای هم بکار می رفت.

در زمان آقا یوسف (و تا پایان حکومت قاجار) روستاهای توسکا و کالج جزو ولایت "محال ثلاث" بودند و نه مازندران.

در آن زمان تقسیمات کشوری بدین گونه بود که کشور به ایالت ها و ولایت‌های مختلف تقسیم میشد. در زمان ناصرالدین شاه ایران دارای چهار ایالت و ۲۳ ولایت بود. هر ایالت دارای یک حاکم بود که توسط شاه و حکومت مرکزی در پایتخت انتخاب میشد. هر ولایت نیز دارای حاکمی بود که توسط حاکم یک ایالت و یا مستقیما توسط شاه و حکومت مرکزی انتخاب میشد. ولایت محال ثلاث از جمله ولایاتی بود که حاکم آن توسط شاه انتخاب شده و مستقیما زیر نظر حکومت مرکزی بود. ولایت مشابه استان امروزی بود. در هر ولایت شهرها و بخشهای مختلفی وجود داشت که شامل بلوک‌های کوچکتر بود. هر ولایت برای خود حاکمی داشت و بخشها و بلوک‌ها هم دارای والی‌هایی بودند که در واقع نایب الحکومه بودند . اصلی‌ترین وظیفه والی ها دریافت مالیات حکومتی از بلوک‌های مختلف و همینطور تامین تفنگدار در مواقع مقتضی برای کمک به حکومت مرکزی جهت جنگ یا سرکوب یاغیان داخلی بود.

ولایت محال ثلاث ولایتی بود که بین مازندران و گیلان قرار داشت. این ولایت شامل منطقه‌ای شامل تنکابن، کلارستاق و کجور بوده است. البته در دوران قبل از قاجاریه منطقه نور و کجور جزو مازندران بود ، اما در زمان قاجاریه این منطقه به شرحی که در زیرآمده از مازندران جدا شد و البته پس از پایان سلطنت قاجاریه ، نور و کجور دوباره جزو مازندران شد.

شکل گیری ولایت محال ثلاث بدینگونه بود که قبل از شروع سلطنت قاجاریه ، یکی از بزرگان تنکابن به نام مهدی خان تنکابنی (که بعد ها نام خانوادگی آنها به خلعتبری تغییر کرد) برای اعتراض به ظلم حاکم وقت تنکابن به دربار کریم خان زند به شیراز میرود و در آنجا کریم خان دادخواهی او را میپذیرد و خود او را بعنوان حاکم جدید تنکابن تعیین میکند. تنکابن در آن زمان هنوز جزو گیلان بود. مهدی خان که حاکم تنکابن شده بود، در سالهای پایانی حکومت خاندان زند و با شنیدن خبر مرگ کریم خان ، مالیاتهایی را که معمولا برای خاندان زند به شیراز می برد را برای خوش خدمتی به دشمن خاندان زند یعنی آقا محمد خان قاجار پیشکش نمود و در قبال آن ، آقا محمد خان پذیرفت که تنکابن از گیلان جدا شده و بصورت ولایتی مستقل در بیاید و همینطور مناطق کجور و کلارستاق را نیز ضمیمه تنکابن نموده و نام ولایت جدید نیز "محال ثلاث " شد و حکومتش را به مهدی خان تنکابنی (خلعتبری) سپرد . بدین ترتیب مهدی خان و اعقاب او تا پایان عصر قاجار بر ولایت محال ثلاث حکومت راندند. حکومت خلعتبری ها بر محال ثلاث حدود ۱۳۰ سال دوام یافت و نهایتاً با انقراض سلسله قاجار طومار آن نیز درهم پیچیده شد. مقر حاکم محال ثلاث در تنکابن و در اواخر در شهر نوبنیاد خرم آباد بود . در این دوران حکام بلوکهای کجور و کلارستاق نیز با عنوان نایب الحکومه ، اغلب توسط شاهان قاجار یا والی مازندران یا حکام محال ثلاث انتخاب می شدند .

پس از مهدی خان پسرش که حبیب الله خان سرتیپ تنکابنی نام داشت حاکم محال ثلاث شد و پس از او پسر حبیب الله خان که ولی خان نام داشت قدرت را در دست گرفت . ولی خان بعدها سپهسالار تنکابنی لقب گرفت و نقش به سزایی در مبارزات مشروطه و فتح تهران در پایان استبداد صغیر داشت . او به همراه سردار اسعد بختیاری با حمله و اشغال تهران از عوامل اصلی پایان دادن به سلطنت محمدعلی شاه بودند.

چنین به نظر میرسد که برخی از بزرگان خانواده دیوسالار هم مناسبات نزدیکی با خانواده حاکمان تنکابنی (خلعتبری ها) داشته اند. علی خان دیوسالار (سالار فاتح) از همراهان تاثیر گذار سپهسالار تنکابنی در مبارزه با محمد علی شاه در مازندران بود و شیوه های جنگی و شناخت علی خان از مناطق مختلف مازندران نقش بسزایی در شکست دادن محمد علی شاه داشت و به همین دلیل پس از فتح تهران به عنوان "سالار فاتح" نائل آمد. (هر چند بعد ها پس از شروع جنگ جهانی اول و در سالهای پایانی حکومت قاجاریه با حکومت مرکزی و در نتیجه سپهسالار تنکابنی اختلاف پیدا کرد و رودر روی او قرار گرفت)

همچنین نشانه هایی از ارتباط و نزدیکی ولی خان (پدر آقا یوسف) با حبیب الله خان سرتیپ تنکابنی وجود دارد که در جای خود شرح داده خواهد شد.

پاورقی: علی خان دیوسالار (سالار فاتح) در کتاب خاطرات خود نقل میکند که در بازگشت از آذربایجان به تهران توسط پسر عمویش ضیغم سلطان (ابراهیم دیوسالار) وارد گروهی از سربازان مسلح به سرپرستی امیر اسعد ، پسر سپه سالار اعظم میشود و هم او بود که در مبارزات استبداد صغیر جزو هم رزمان سپهسالار بود و نقش به سزایی در شکست محمد علی شاه در مازندران داشت و به همین دلیل پس از فتح تهران به عنوان "سالار فاتح" نائل آمد.

آقا یوسف تنها فرزند پسر میرزا ولی خان بود. او همچنان سه خواهر به اسامی سکینه، نبات و عظیمه داشت. محل زندگی آقا یوسف و خانواده اش روستای توسکا شهرستان رویان و ییلاق تابستانی آنها کالج بود. در زمان آقا یوسف هنوز ساختار ارباب و رعیتی در جامعه روستایی محل زندگی او برقرار بود. از روایت های مختلف نقل شده از بزرگان خانواده چنین به نظر میرسد که میرزا ولی ، پدر آقا یوسف علاوه بر اینکه ارباب و مالک اراضی وسیعی از کشتزارها و مراتع محلی بود، بلکه همچنین از صاحب منصبان حکومتی و صاحب قدرت و نفوذ در منطقه نیز بوده است.

در رابطه با میرزا ولی حکایت های مختلفی از بزرگان خانواده نقل شده است و از او بعنوان نایب السلطنه ، والی و نماینده شاه قاجار در منطقه نام برده شده است. از جمله حکایت هایی که در مورد میرزا ولی نقل شده است میتوان به موارد زیر اشاره نمود:

- مرحوم فضل الله خان دیوسالار نقل میکرد:

*"**میرزا ولی نایب السلطنه ناصرالدین شاه بود:** میرزا ولی نایب السلطنه و نماینده ناصرالدین شاه در منطقه ییلاقات و قشلاقهای نور و کجور بود. زمانی که ناصرالدین شاه برای سرکشی و یا هواخوری به مازندران سفر میکرد ، میرزا ولی با چند صد سوار به استقبال او میرفت. ناصرالدین شاه علاقه و ارادت ویژه ای به میرزا داشت و او را "خان عمو" صدا میکرد و وقتی میرزا و سوارانش به شاه میرسیدند، شاه از میرزا میخواست از اسب پیاده نشود چون در این صورت شاه هم به احترام او باید از اسب پیاده میشد."*

- علیرضا خان دیوسالار نقل میکند:

*" **علمده در گرو میرزا ولی بود :** کسبه و بازاریان علمده که برای خروج از بحران مالی و رونق به کسب و کارشان به پول احتیاج داشتند ، به میرزا ولی مراجعه میکنند و در قبال دریافت وامی به مبلغ هشت هزار تومان آبادی آنروز علمده را نزد میرزا ولی به گرو میگذارند. در تاریخ سر رسید بازپرداخت وام، وام گیرندگان کماکان قادر به بازپرداخت وام نبودند. از این رو مجددا به میرزا ولی مراجعه کرده و از او درخواست میکنند تا علمده را بعنوان تسویه مبلغ وام بپذیرد. اما میرزا ولی که چنین ارزشی برای علمده قائل نبود نمیپذیرد و هشت هزار تومان خود را مطالبه میکند. بناچار کسبه علمده به شهسوار (تنکابن) و نزد سپه سالار تنکابنی رفته و با پیشنهادی مشابه که مورد پذیرش سپه سالار قرار گرفت ، هشت هزار تومان را از او گرفتند و حساب خود را با میرزا ولی تسویه کردند."*

*" **روایت حسین آباد:** حسین آباد یکی ازآبادیهای نزدیک به علمده و تاشکو است. نام قبلی حسین آباد "کرات تَلی" بود و زمین با مراتع وسیع برای علوفه دام بود. بزرگان طایفه درویش (حاج نبی خان) این زمین ها را برای استفاده دام های خود از میرزا ولی خریداری میکنند ، اما بعد به دلیل مرغوبیت و موقعیت زمین تصمیم میگیرند درختان آن را قطع کرده و در آن برنج بکارند که استفاده ای سود آورتر از این زمین ها محسوب میشد. اما این کار به مذاق میرزا ولی خوش نمی آید و جلوی آنها را میگیرد، و از آنجا که میرزا ولی دارای قدرت و نفوذ بالایی در منطقه بود ، خریداران زمین چاره ای در تسلیم و پذیرش خواسته میرزا ولی نمی بینند و نهایتا تصمیم میگیرند که زمین و آبادی خریداری شده را وقف امام حسین (ع) کنند. اندکی بعد نام محل به حسین آباد تغییر کرد و از آن پس هر ساله در ایام عزاداری سید الشهدا در محرم در آنجا مراسم تعزیه و عزاداری با مدیریت بزرگان طایفه درویش برگزار میشد"*

- مرحوم امیر سالاریان نقل میکرد:

*"**میرزا ولی مورد علاقه بسیار مردم منطقه بود:** میرزا ولی نماینده حکومت در ۱۸ بلوک در ییلاقات و روستاهای نور و کجور و علمده (رویان) بود . در آن زمان عنوان او "بلوک باشی" بود. او بسیار خوشنام و محبوب اهالی محل بود به گونه ای که پس از فوتش اهالی علمده اصرار ورزیده تا او را در قبرستان علمده به خاک بسپارند. همچنین پدر بزرگ میرزا ولی هم "یوز باشی" یعنی رییس یکصد سوار بود."*

البته هیچکدام از این افراد خود در زمان میرزا ولی زندگی نمیکردند و آنچه که نقل میکنند روایت هایی است که از گذشتگان خود شنیده اند و از این رو احتمال بزرگنمایی و اغراق در بیان موقعیت و جایگاه میرزا ولی هست. اما در هر صورت، حتی اگر در بیان حکایات فوق قدری هم بزرگنمایی و اغراق شده باشد، به نظر می‌رسد که نتوان خدشه‌ای در اصل موضوع یعنی

مالک بودن و سمت حکومتی "میرزا ولی" وارد کرد. این نیز بسیار طبیعی است که نفوذ و حمایت حکومتی برای یک ارباب ، قدرت و توان مضاعفی به او میداده، و این شاید عامل اغراق در روایت احوال او بوده است.

اما با مراجعه به تاریخ و بررسی اطلاعات و روایات مستند به جای مانده از گذشته‌های این دیار، هیچ سند و مدرک قابل اعتنایی دیده نمی‌شود که بر اساس آن بتوان موقعیت "میرزا ولی" را در زمان حیاتش به درستی ارزیابی کرد. هر چند نبود چنین مدارک و مستنداتی هم دلیلی بر رّد جایگاه "میرزا ولی" آنچنان که در بالا بیان شد، نیست ، چرا که نبود مدارک و مستندات تاریخی معتبر میتواند به دلایل زیر باشد:

- تا قبل از سقوط سلسله قاجار و لغو القاب و مناصب در سال ۱۳۰٤ هجری شمسی و اجباری شدن تخصیص نام خانوادگی ، افراد با القاب و عناوینی که با نام کوچک فرد همراه و در واقع جز هویت وی بود شناخته می شدند. در زمان میرزا ولی هنوز نام خانوادگی رایج نبود و نام او (حتی اگر در جایی از مدارک و مستندات تاریخی ثبت شده باشد) میتواند به هر شکل دیگر بوده باشد که امروزه برای ما قابل شناسایی نیست.

- اصولا منطقه زندگی میرزا ولی در مازندران جزو مناطق خبر آفرین در زمان حیات او نبوده است، از این رو بجز چند سفر نامه که بطورمختصر به ذکر مشاهدات شرایط اقلیمی و جغرافیایی این مناطق میپردازند، اصولا هیچگاه تاریخی از این دیار در زمان حیات میرزا ولی نوشته نشده (و یا دلیلی برای نگارش آن نبوده است) تا از میرزا ولی اسمی برده شود.

گفته میشود که میرزا ولی والی یا به بیان آنزمان " بلوک باشی" ۱۸ بلوک در منطقه نور و کجور بود. این بدان معنی است که او نماینده حکومت در این بلوک‌ها بوده است و شاید در زمان میرزا ولی تنها شکل و تعریف ارتباط حکومت با مردمان روستایی، دریافت عوارض و مالیات‌های حکومتی بود.

به هر حال امروزه اطلاعات دقیقی از موقعیت و جایگاه میرزا ولی در دست نیست و شواهد تاریخی نیز (شاید بنا به دلایلی که در بالا گفته شد) موجود نمی‌باشد. البته این کاووش ها و جستجو ها میتواند ادامه یابد و ممکن است در آینده ای نزدیک بتوان به مدرک معتبری که گویای وضعیت دقیقتری از موقعیت میرزا ولی باشد دست یافت. اما اگر بپنداریم که بخشی از روایت نقل شده از بزرگان خانواده در رابطه با میرزا ولی درست بوده باشد، آنگاه شاید بشود به گونه ای از گمانه زنی دست زد. گمانه زنی زیر ممکن است کاملا درست نباشد، اما در هر صورت بخشی از آن با روایتهای شنیده شده فوق و همینطور مستندات موجود تاریخی مطابقت دارد و میتواند حد اقل برای تحقیقات و کاووش های بعدی مورد استفاده قرار بگیرد.

پدران میرزا ولی از جمله سرداران و نظامیان منطقه بودند، گواه آنکه نام ویا لقب یکی از اجداد او "یوز باشی" یعنی رئیس صد سرباز بود. خود میرزا ولی از جمله سرداران حکومتی حاکمان ولایت محال ثلاث در زمان خود یعنی حبیب الله خان تنکابنی (پدر سپه سالار تنکابنی بود) و پسرش سپهسالار تنکابنی بود. حاکمان ولایت محال ثلاث ارتباطات بسیار مستحکمی با شاهان قاجار داشتند و استقلال این ولایت و حکومت خاندان‌شان بر آن را مدیون آقا محمد خان بودند. از سوی دیگر ناصر الدین شاه قاجار نیز پس از اینکه آقا خان نوری به صدر اعظمی رسید و به تشویق اوعلاقه زیادی به مازندران داشت و در طول حکومت خود چهار بار به این منطقه سفر کرد و از جمله از ولایت محال ثلاث و بلوکات بخش کجور نیز گذر میکرد. بسیارطبیعی بود که حاکم ولایت یعنی حبیب الله خان با سواران خود به استقبال شاه رفته و در طول سفر در این ولایت کنترل امور و اداره تشریفات لازمه را در دست داشته باشد.

ناصر الدین شاه در یادداشت‌های سفر نامه یکی از سفر های خود به مازندران نقل می‌کند که حبیب الله خان تنکابنی و دو تن دیگر به اسامی ولی خان تفنگدار و جواد خان در طول سفر به حضور شاه رفته و بعد اجازه میخواهند تا بروند و مقدمات سفر شاه به کالج را فراهم آورند.

بطور قطع و یقین نمی توان گفت اما شاید و ممکن است این ولی خان تفنگدار همان میرزا ولی پدر آقا یوسف باشد.

این به لحاظ تاریخی و با محتوای روایاتی که از میرزا ولی گفته میشود سازگاری دارد، و شاید خضوع و خشوع ناصرالدین شاه در برخورد با سواران استقبال کننده هم مربوط به حبیب الله خان تنکابنی بوده و نه میرزا ولی. چرا که او هم مسن تر از شاه بود و هم به واسطه خدمات پدرانش به شاهان قبلی قاجار مورد عنایت شاهانه بود.

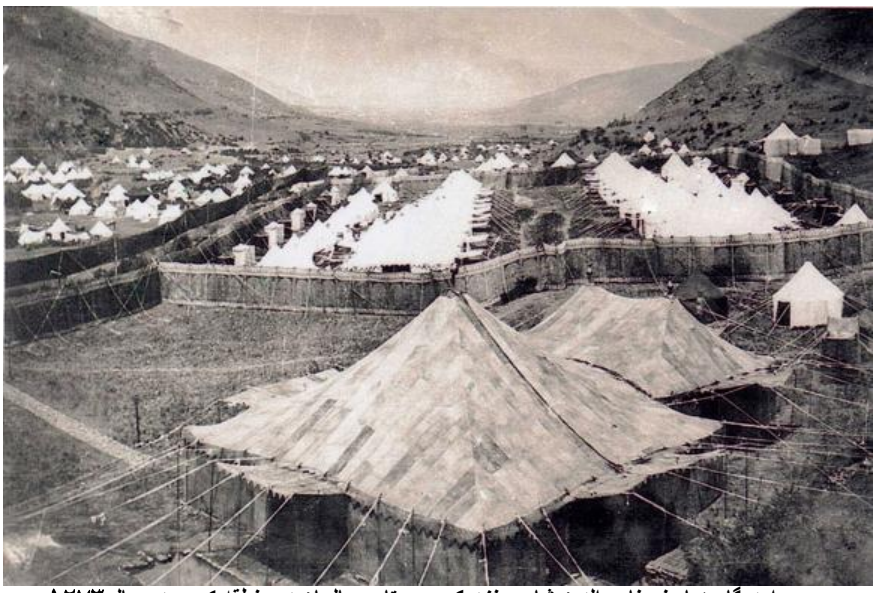

اردوگاه همایونی ناصرالدین شاه ، نزدیک روستای صالحان در منطقه کجور در سال ۱۲۷۳

اگر این گمانه زنی درست باشد و ولی خان تفنگدار همان میرزا ولی کجوری یعنی پدر آقا یوسف دیوسالار باشد، در این صورت این نشان از جایگاه والای میرزا ولی در حکومت محال ثلاث دارد به گونه ای که بعنوان یکی از همراهان حاکم این ولایت به حضور شاه میرسید.

اردوگاه همایونی ناصرالدین شاه ، نزدیک روستای میخساز در منطقه کجور در سال ۱۲۷۳

از سوی دیگر گفته میشود تاشکو ملک اهدایی شاه به میرزا ولی بود که دو دانگ آن هم به حبیب الله خان و بعد به پسرش سپه سالار تنکابنی رسید. که این باز دلالت بر نوعی از نزدیکی روابط بین میرزا ولی و خاندان تنکابنی دارد. همچنین در سالهای بعد و در مبارزات مشروطه نیز رابطه بین سران خانواده دیوسالار و سپهسالار تنکابنی و پسرش حفظ شد، که باز میتواند نشانه ای از وجود رابطهٔ دیر پای این دو خانواده و استدلال اینکه میرزا ولی یکی از سرداران حاکمان ولایت محال ثلاث بوده است، باشد.

همراهان و سواره نظام ناصرالدین شاه و مستقبلین در منطقه کجور در سال ۱۲۷۳

شاید از قدیمی ترین یادداشت های باقیمانده از دوران زندگی میرزا ولی دو مدرک زیر باشند . مدرک شماره یک در واقع برگه رسید دریافت مبلغ چهل تومان وجه رایج در آذر ماه سال ۱۲۳۶ (جمادی الاول ۱۲۷٤) است که با توجه به اینکه دریافت کننده وجه نامه اصلی گواهی بدهی میرزا ولی به خود (تمسک نامچه) را گم کرده، توسط این یادداشت گواهی میدهد که وجه مذکور را دریافت کرده است. مدرک شماره دو نیز مربوط است به اجاره بخشی از املاک و مراتع تحت مالکیت میرزا ولی به مبلغ پانزده تومان وجه رایج زمان ناصرالدین شاه برای پنج شال (سالی سه تومان) . تاریخ این یادداشت مربوط به مهر ماه سال ۱۲٤۳ (ربیع الثانی ۱۲۸۱) است. نکته مهم که در این دو مدرک و همین طور یادداشت های مشابه آن زمان دیده میشود این است که هیچ اشاره ای به نام خانوادگی " دیوسالار " در آن ها نشده است، که به این مفهوم است که میرزا ولی در زمان خود با این نام شناخته نمیشد.

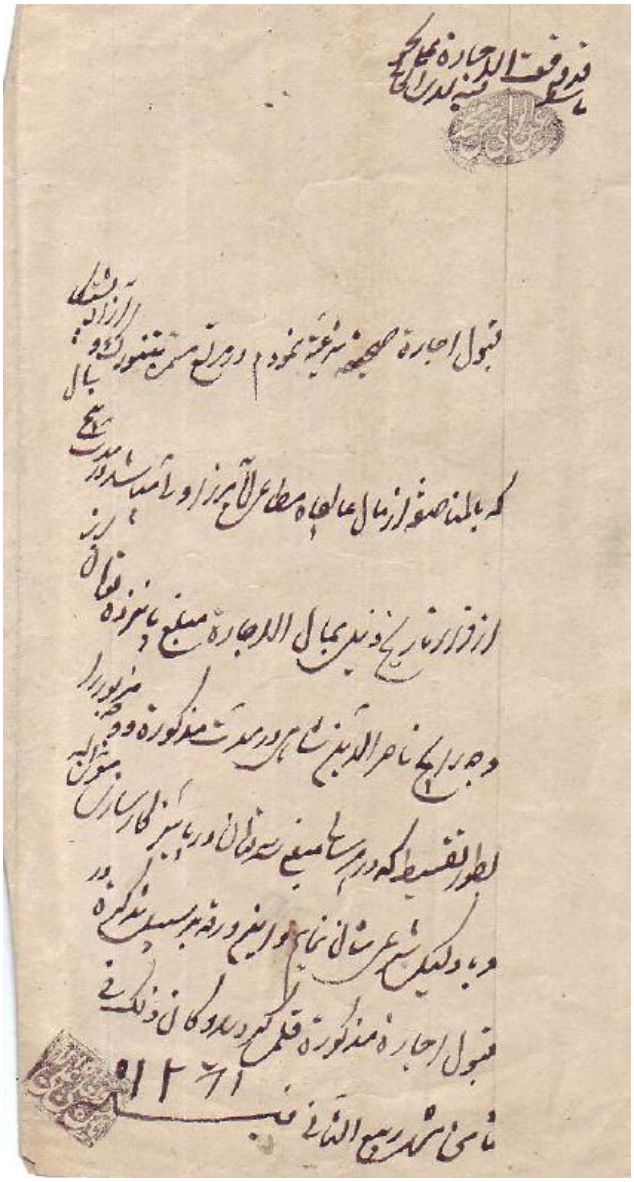

مدرک شماره دو : اجاره مرتع

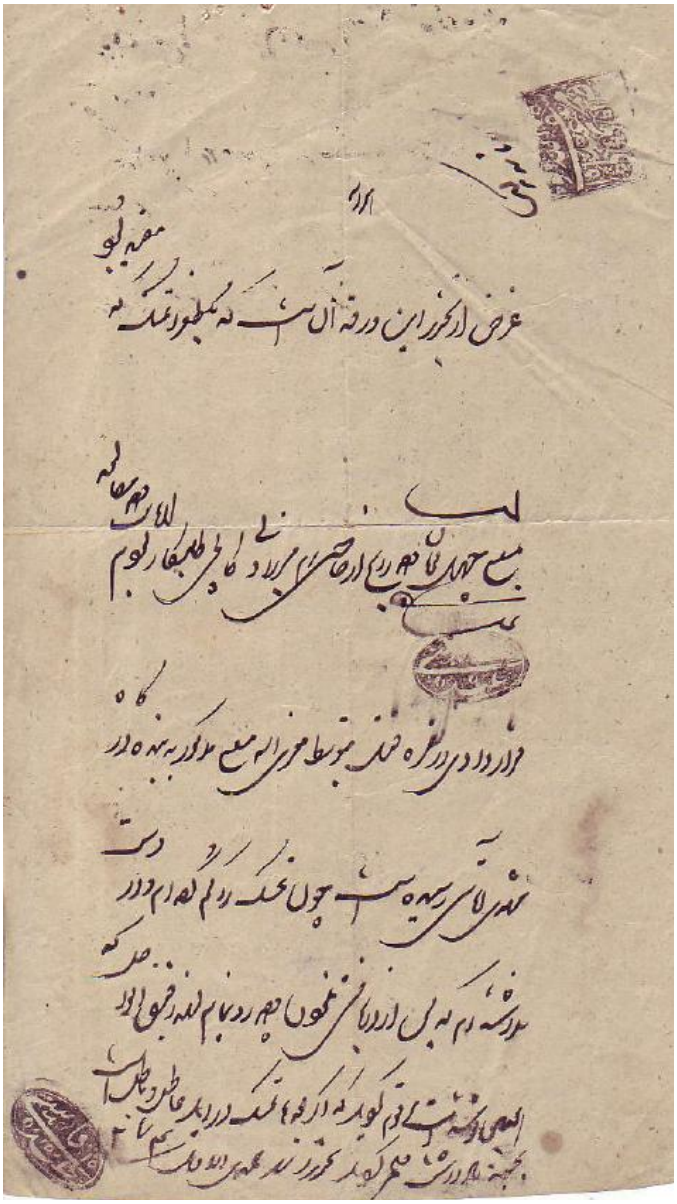

مدرک شماره یک : رسید دریافت

دو مدرک دیگر که در صفحات بعد آمده اند مربوط هستند به مصالحه نامه یا فروش نامه املاک ییلاقی (فیروزکلاو کالج و کچرستاق) و قشلاقی (تسکا و تاشکوه) به آقا یوسف. مدرک شماره سه به تاریخ بیست و ششم اسفند ۱۲٤۷ (دوم ذیحجه ۱۲۸۵) و مربوط به مصالحه مادر میرزا ولی است به مبلغ سی تومان و یادداشت شماره چهار مربوط به مصالحه نامه خواهر میرزا ولی حوا خاتون دختر مرتضی قلی بیگ کالجی (عمه آقا یوسف) به مبلغ پنجاه و چهار تومان.

دو نکته قابل توجه در این یادداشت ها یکی اینکه از میرزا ولی بعنوان مرحوم نام برده شده که یعنی زمان فوت میرزا ولی در بین سالهای **۱۲۴۳** (با استناد به مدرک شماره دو) و **۱۲۴۷** بوده است . نکته دوم اینکه نگارش نامه ها به گونه ای است که چنین استنباط میگردد که آقا یوسف تنها فرزند پسری میرزا ولی بوده است و باز همانگونه که مشاهده میگردد نشانی از نام خانوادگی دیوسالار دیده نمیشود، اما دو مُهر از مُهرهای گواهی و تصدیق مدرک ها مربوط به اشخاصی است به نام های ملا خان بابا کالجی دیو و محمد رضا کالجی دیو. از سوی دیگر در این دو مدرک مُهر و امضا حاج فرج الله خان درویش و محمد تقی درویش نیز به چشم میخورد که میتواند نشان دهنده این باشد که نام خانوادگی درویش حتی در آن سالها و دوران قبل از تاریخ صدور سجلات نیز استفاده میشده است. البته با نگاهی به سایر امضاهای مدرک ملاحظه میگردد که برخی پانوشت ها مربوط به چندین سال بعد از نگارش اولیه مدرک است (مثلا در مدرک شماره سه تاریخ **۱۳۱۹** به چشم میخورد که مربوط به سی و پنج سال بعد از تاریخ انشا مدرک اولیه است) . یادداشت های حاج فرج الله خان و محمد تقی خان هم ممکن است به همین گونه باشند، یعنی در زمانی دیرتر به این مدرک اضافه شده اند.

مدرک شماره سه : مصالحه املاک

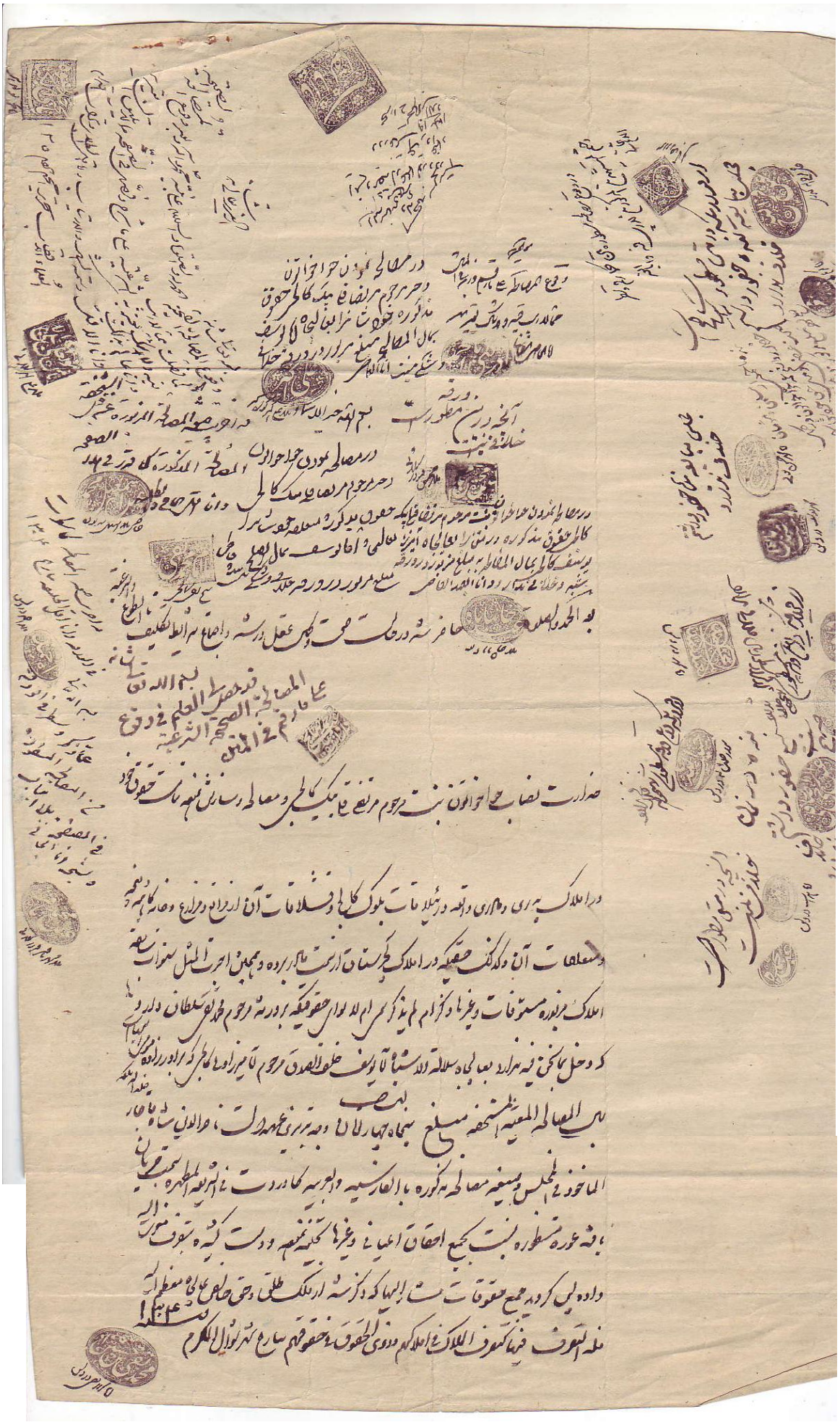

مدرک شماره چهار : مصالحه نامه

اما باز گردیم به محال ثلاث و تقسیمات آن. همانطور که گفته شد یکی از مناطق ولایت محال ثلاث کجور بود. البته منطقه کجور ولایت محال ثلاث فقط محدود به روستای فعلی کجور نبود، بلکه شامل منطقه وسیعی از روستاها و آبادیهای ییلاقی و قشلاقی بود که از مغرب محدود بود به چالوس که آن را از کلارستاق جدا میکرد و از شرق به سولده در نور و از جنوب به بلوک نور و از شمال به دریای خزر محدود میشد.

منطقه کجور مشتمل بر دوازده بلوک بود که در واقع محل کار و زندگی ییلاقی وقشلاقی دیوسالار ها نیز در این بلوک ها واقع شده بود. به همین دلیل تا قبل از صدور شناسنامه و اختصاص نام خانوادگی دیوسالار به این طایفه آنها را بنام سرزمین اجدادیشان به نام "کجوری" نیز میشناختند، همچون علی خان کجوری(سالار فاتح) ، فتح الله خان کجوری کالجی و ...

شرح بلوک‌های منطقه کجور و جزئیات آن در سال ۱۲۵۹ در گزارش ملا محمد حسن ابن جعفر قمی، وقایع نگار ، جغرافیا نویس ، کاتب و ملازم ناصر الدین شاه در سفر چهارم شاه به مازندران در سال ۱۲۵۹ ، یکی از معتبرترین اسنادی است که در آن به آمار نفوس و خانوار آبادیهای این منطقه اشاره شده است. هر چند این گزارش نارسایی هایی هم دارد و در آن نام برخی محله ها یا افراد از قلم افتاده است اما مرجع بسیار خوبی برای شناخت جامعه روستایی محل زندگی پیشینیان خانواده دیوسالار در آن زمان میباشد.

بر اساس این گزارش منطقه کجور مشتمل بر دوازده بلوک بود: پنجه رستاق ، زانوسه رستاق، کوه پر، بلده کجور، توابع کجور، صالحان، فیروز کالا، کالج، کلرد پی، گچه رستاق ، چلندر، خیرود کنار . بر اساس گزارش و مشاهدات ملا حسن ساختار جمعیتی و امکانات اولیه روستا های کجور در سال ۱۲۵۹ به شرح زیر بوده است:

پنجه رستاق

روستاهای ییلاقی: **فیروز آباد : ۱۳۰** خانوار، حمام و مسجد و امامزاده بنام اسماعیل دارد - **کیگو: ۱۰** خانوار، حمام دارد - **منجیل : ۸** خانوار و امامزاده بنام ابراهیم دارد - **سما : ۳۰** خانوار و حمام دارد - **پنجک : ۳۰** خانوار و حمام دارد - **گله پشت : ٦** خانوار - **پاندر: ۱۵** خانوار - **نیرس : ۱۵** خانوار - **باستام : ۵** خانوار - **دشت نظیر : ۱۰** خانوار - **چتن : ۱۵** خانوار - **حیرت : ۲۰** خانوار - **کندیز کلا : ۲۰** خانوار - **الدره: ۳۰** خانوار (جمیعا اهل عمایم و ملازاده) - **حسن آباد: ٦** خانوار

زانوسه رستاق

روستاهای ییلاقی: **زانوس: ۳۰** خانوار، حمام و مسجد دارد - **اتاق سرا : ۱۵** خانوار، امامزاده بنام درویش رستم دارد - **کندلوس: ٤** خانوار، حمام و مسجد دارد - **پی ده : ۲۰** خانوار، حمام و مسجد دارد - **کیل کلا : ۲۰** خانوار، حمام و مسجد دارد - **نیچ کوه: ۲۰** خانوار - **مونج: ۱۰** خانوار - **خوشل: ۱۵** خانوار، حمام دارد - **کیا کلا: ۱۰** خانوار، حمام دارد - **لرگان: ۳۰** خانوار، حمام و مسجد دارد - **ساس : ٤۰** خانوار، حمام و مسجد و امامزاده بنام جعفر دارد - **کینج : ۲۰** خانوار، امامزاده بنام ابراهیم دارد - **آستانه کرود: ۱۰** خانوار امامزاده بنام عبدالکریم دارد - **پول: ۲۵۰** خانوار، سه حمام و دو مسجد و امامزاده بنام علی دارد

کوه پر

روستاهای ییلاقی: **نیمور: ۱۵** خانوار، حمام و مسجد دارد - **پالوی علیا: ۱۵** خانوار، امامزاده بنام جاز دارد - **آویل : ۲۵** خانوار، حمام دارد - **کوشکک : ۳۰** خانوار، حمام و مسجد دارد - **لاشک : ۵۰** خانوار، حمام و مسجد دارد - **چورن : ۳۰** خانوار، حمام و مسجد و امامزاده بنام حسن وزنا دارد

روستاهای قشلاقی: **ابندنک : ۱۰** خانوار - **مازگیرده : ۱۲** خانوار

بلده کجور

روستاهای ییلاقی: **کجور: ۲۵۰** خانوار، حمام و مسجد و امامزاده بنام حسن دارد - **پی چلو: ۱۰** خانوار - **چمر کوه : ۱۰** خانوار

روستاهای قشلاقی: **صلاح الدین کلا : ۵۰** خانوار، حمام دارد - **ملا کلا : ۱۵** خانوار - **اندرور : ۱۵** خانوار، امامزاده بنام نوح دارد - **علی آباد (عسگر خان) : ۳۰** خانوار، حمام دارد

توابع کجور

روستاهای ییلاقی: **انگیل : ۳۰** خانوار، حمام دارد - **خاچک: ٤۰** خانوار، حمام و مسجد دارد - **انگاس: ٤۰** خانوار، حمام و مسجد و امامزاده بنام یحیی دارد **واشکن: ۱۰** خانوار - **کنگر: ۱۵** خانوار - **نیتل: ۱۵** خانوار، حمام و مسجد دارد

روستاهای قشلاقی: **بنجیکول علیا : ۱۰** خانوار

صالحان

روستاهای ییلاقی: **صالحان:** ۵۰ خانوار، حمام و مسجد و امامزاده بنام سلطان عارف دارد - **ناجر دشت (شاه ناجر) :** ۲۰ خانوار همگی شیخ و ملازاده و امامزاده بنام ابراهیم دارد - **ورازن :** ۳۰ خانوار - **هزار خال:** ۱۰ خانوار، حمام و مسجد و امامزاده بنام طاهرو مطهر دارد - **غم چاق:** ۱۰ خانوار - **سریوه ده :** ۳۰ خانوار، حمام و مسجد دارد - **بتکیا خیل :** ۸ خانوار - **لیکوش :** ۱۲ خانوار، حمام دارد

روستاهای قشلاقی: **نوده:** ۱۲ خانوار، حمام دارد

فیروز کلا

روستاهای ییلاقی: **فیروز کلای سفلی :** ٤۰ خانوار، امامزاده بنام سید حسین دارد - **فیروز کلای علیا :** ۳۰ خانوار، حمام و مسجد دارد

روستاهای قشلاقی: **علوی کلا :** ۲۰ خانوار، حمام دارد - **منول :** ۱۰ خانوار، حمام دارد - **منوچهر کلا :** ۲۰ خانوار، حمام و مسجد و امامزاده بنام خالد کیا سلطان دارد - **عزت :** ۱۰ خانوار - **وازیوار :** ۱۵ خانوار، حمام دارد

کالج

روستاهای ییلاقی: **پیس پرس :** ۲۰ خانوار - **سنگ نو :** ۲۰ خانوار، حمام و مسجد دارد - **لوس :** ۳۰ خانوار، حمام و مسجد دارد - **نِشو :** ۲۰ خانوار، حمام دارد

روستاهای قشلاقی: **توسکا :** ۲۰ خانوار - **کاسه گرمحله :** ۳۰ خانوار، حمام دارد - **تاشکوعلیا :** ۳۰ خانوار، حمام دارد

کلرد پی

روستاهای ییلاقی: **کدیر :** ۵۰ خانوار، حمام و مسجد دارد - **کدیرسر :** ۱۰ خانوار

روستاهای قشلاقی: **نارنجک بُن :** ٤۰ خانوار، حمام و مسجد دارد **بَنوش :** ۲۰ خانوار، حمام و مسجد دارد - **خضرتیره :** ۱۵ خانوار، حمام و امامزاده بنام خضر دارد - **پاشا کل :** ۲۰ خانوار

گچه رستاق

روستاهای قشلاقی: **سیاه رود :** ۲۰ خانوار، حمام دارد - **کلاچران :** ۱۰ خانوار، حمام دارد - **حسن آباد :** ۱۵ خانوار، حمام دارد - **تیرکده سفلی :** ۲۵ خانوار - **تیرکده علیا :** ۲۰ خانوار - **خورشید :** ۱۲ خانوار - **زرین کلای سفلی :** ۱۰ خانوار - **زرین کلای علیا :** ۱۰ خانوار - **بازیارکلا :** ۵ خانوار - **پنجه کول سفلی :** ۲۰ خانوار - **فراش کلا :** ۲۰ خانوار - **هندومرس :** ۱۰ خانوار - **علمده :** ۳۰ خانوار، حمام و امامزاده بنام جمشید کیا سلطان دارد - **تاشکوی سفلی :** ۲۰ خانوار

چلندر

روستاهای ییلاقی: **بین :** در زمستان غیر مسکونی - **برکن :** در زمستان غیر مسکونی

روستاهای قشلاقی: **چلندر :** ۲۰ خانوار، حمام دارد - **امره داه :** ٦ خانوار - **رزیا :** ۸ خانوار- **ملک دار پشته :** ۱۰ خانوار- **حوض کتی :** ۱۲ خانوار- **دزدک :** ۱۰ خانوار- **جر پشته :** ۸ خانوار - **چلک :** ۱۲ خانوار - **کهنه سرا :** ۱۰ خانوار

خیرود کنار

روستاهای ییلاقی: **دلسب :** ۳۰ خانوار، حمام و امامزاده بنام جمشید کیا سلطان دارد - **ویسر :** در زمستان غیر مسکونی - **ورناباد:** در زمستان غیر مسکونی

روستاهای قشلاقی: **خیرود کنار :** ۳۰ خانوار، حمام و مسجد دارد - **سید علی کیا سلطان :** ۱۰ خانوار، امامزاده بنام سید علی دارد - **بند پی :** ۲۵ خانوار، حمام دارد - **درزی کلا :** ۱۰ خانوار - **لتینگان :** ۱۰ خانوار - **علی آبادمیر:** ۲۰ خانوار - **ساعد آباد:** ۱۰ خانوار

بدین ترتیب در سالهای جوانی و میانسالی آقا یوسف دیوسالار، توسکا روستایی با حدود ۲۰ خانوار جمعیت بود. ظاهراً در آن زمان در این محل فقط درخت "توسکا" یافت میشد و حتی از درخت‌های میوه امروزی در آن اثری نبود. قسمت وسیعی از روستای توسکا مرداب یا به گویش مازندرانی "لَب پَر" بود. یکی از واژه هایی که بسیار در مثل ها ، ترانه ها و محاورات محلی شنیده میشد "توسکایی لب پَر" بود.

طبیعت و شرایط اقلیمی سایر روستاها و آبادیهای آن زمان نیز با چهره امروزی آنها اختلاف زیادی داشت. برای مثال چارلز فرانسیس مکنزی اولین کنسول انگلستان در رشت در سفری در سال ۱۲۳۸ به مازندران ، رویان (علمده) را تنها بصورت مردابی توصیف میکند که در اطراف آن درختان اقاقیا روییده بود و مرغابی فراوان داشت.

از لحاظ امکانات رفاهی عمومی نیز شرایط اصولا قابل مقایسه با زمان حاضر نبود. البته با در نظر گرفتن امکانات آن سالها ، شرایط روستاهای محل زندگی خانواده های دیوسالار هم مشابه سایر نقاط کشور و یا شاید از برخی جهات مشابه سایر نقاط در کشورهای پیشرفته جهان بوده است. اما یاد آوری این شرایط کمک میکند که شناخت بهتری از دوران زندگی پیشینیانمان پیدا کنیم و در نتیجه آنها را بهتر بشناسیم.

در زیر به مرور برخی از این موارد و تحولات مربوطه میپردازیم:

خانه ها : دیوار خانه های اولیه در مورد خانواده های کم بضاعت تر از چوب و کاه گِل بود و به آن " کَل چُوخِنِه " میگفتند. خانه افراد متمول تر هم از سنگ و کاه گِل بود و به آن " چینِه خِنِه " میگفتند. سقف این خانه ها شیروانی بود و به منظور جلوگیری از نفوذ رطوبت به خانه ، آنها را در ارتفاع تقریبا یک متری و بر روی بنای اولیه ای بنام "کرسی" میساختند. سقف خانه ها ی اولیه با ساقه خشک شده برنج پوشش داده میشد تا ازنفوذ سرما و باران جلوگیری به عمل آورد به این ساقه ها "عالَم" و به خانه های پوشش داده شده با آن را "عالَم بِسَر خِنِه" میگفتند. بعدها با پیشرفت ساز و کارهای برش چوب از تخته های به ابعاد تقریبی ۲۰ در ۵۰ سانتیمتری استفاده میشد. به این تخته ها "لَت " میگفتند و به خانه های پوشیده شده به آن "لِت بِسَر خِنِه". بعد های ورق آهن گالوانیزه یا ایرانیت جایگزین "عالَم " و "لَت" شدند . از بام خانه ها نیز بعنوان انبار استفاده میشد.

معماری خانه ها تقریبا یکسان و بسیار ساده بود. در واقع یک خانه فقط شامل چند اتاق و یک ایوان بود و از همه اتاق ها دری به ایوان خانه باز میشد ، در ها اغلب چوبی و دو لنگه بودند. البته در صورت وجود اتاق بیشتر و عدم دسترسی یکی از اتاق ها به ایوان، آن اتاق با یک در (بصورت تو در تو) به اتاق مجاور راه پیدا میکرد. از اتاق‌ها پنجره‌های کوچکی با دربهای دولنگه کوچک چوبی به محوطه حیاط منزل باز میشد.

خانه های روستایی

در این خانه‌ها از آشپز خانه و دستشویی و حمام خبری نبود. در هر اتاق یک بخاری هیزمی دیوار مشابه شومینه‌های امروزی وجود داشت که " کَلِه" نامیده میشد، و هم برای گرمایش در فصول سرد استفاده میشد و هم یکی از آنها در واقع اجاق پخت و پز غذا بود. البته در زمستانهای سرد از کرسی و منقل ذغالی هم استفاده میشد. اصولا در خانه‌ها لوله کشی آب وجود نداشت. توالت در فاصله‌ای دور از خانه و معمولا در یکی از گوشه های پنهان محوطه

خانه روستایی

حیات و باغ خانه ، که زیاد در دیدرس نبود، ساخته میشد ، شست و شوی ظروف هم در کنار رودخانه و جویبار و بعدها کنار چاه و حوض خانه انجام میشد. معمولا یکی از اتاقها تمیز تر و مرتب تر نگاه داشته میشد تا برای پذیرایی از میهمانان از آن استفاده شود. در اتاقهای دیگر صندوق‌های چوب (سِنّخ) محل نگهداری آذوقه غذایی، ظرف و ظروف و همینطور پوشاک بود.

یخچالی برای نگهداری از مواد غذایی فاسد شدنی وجود نداشت از این رو مواد غذایی یا تازه مصرف می‌شدند یا به صورت خشک در می‌آمدند تا در زمانی دیرتر استفاده شوند، نظیر پنیر خشک یا قیمه کردن گوشت. این مواد غذایی هم معمولا در گوشه‌ای از یکی از اتاق‌ها به سقف آویزان می‌شدند.

همچنین اکثر خانواده ها دام (اسب ، خر، گاو و گوسفند و ...) نیز داشتند که برای آنها در گوشه دیگری از محوطه منزل خود ، طویله میساختند. همینطور برای مرغ و خروس و اردک و غاز و ... که تقریبا در همه خانه ها دیده میشد (و هنوز هم در بسیاری از منازل دیده میشود) لانه کوچکی در جایی از محوطه منزل میساختند.

دیوار بیرونی محوطه منازل از شاخه های چوب ساخته میشد و به آن "چَپَر" میگفتند. چَپَر شامل ستونهای چوبی درفاصله یک و نیم تا ۲ متری یکدیگر بود که شاخه های نازکتر افقی در بین آنها قرار میگرفت . همچنین در محل ورود به محوطه منزل ، یک دروازه چوبی موسوم به " کَلِک " قرار داشت که یک لنگه یا دولنگه بود و هر لنگه آن از یک جفت پایه چوبی در طرفین و چوبهای نازکتر و کوتاه افقی در میان دو پایه چوبی تشکیل می شد. از این رو به محل ورود به محوطه منزل " کَلِک سر" هم میگفتند. در فواصل میانی برخی خانه ها هم هیچ دیوار و مرزی وجود نداشت (معمولا منازل مربوط به اقوام خیلی نزدیک مانند برادران و غیره) و حتی از یک "کلک سر" مشترک برای ورود به محوطه دو (یا چند) خانه استفاده میشد.

آب مصرفی و آشامیدنی:

در توسکا آب مصرفی مردم از طریق جویبار کوچکی (کیله) که از توسکا میگذشت تامین میشد. اولین چاه آب در توسکا در سال ۱۳٤٥ و در منزل سیده فاطمه سجادی (همسر مرحوم حسین بیگ دیوسالار) حفر شد. تا مدتها پس از آن آب توسط سطل و با طناب یا شاخه چوبی بلندی که در یک انتهایش شاخه کوتاهی با شکل عدد هشت داشت و به آن "خالنگ " میگفتند از چاه گرفته میشد. بعدها با آمدن برق به روستا به تدریج استفاده از پمپ برقی و منبع آب نیز رایج شد و افراد

اقدام به لوله کشی آب از چاه به منازل (آشپزخانه و حمام) کردند. در سالهای اخیر شبکه آب لوله کشی شهری که آب آشامیدنی تصفیه شده را از چشمه های کوه پایه های اطراف به منازل میاورد نیز به توسکا و روستاهای اطراف متصل گردیده است.

شبکه سراسری برق :

تا سال ۱۳٥٤ برق در توسکا و جود نداشت. البته علمده و روستا های مجاور چند سال زودتر برق دار شدند. تا قبل از آمدن برق ، روشنایی منازل توسط چراغ های نفتی یا روغنی گرد سوز موسوم به " لَمپا " تامین میشد. همچنین برای روشنایی سیار و تردد در تاریکی از فانوس نفتی که به آن "فَنَر" می‌گفتند استفاده میشد. بعد ها چراغ های زنبوری نیز به خانه ها آمد که نور آن از یک توری مشتعل ایجاد میشد و روشنایی حاصل از آن بمراتب بیشتر از "لمپا" بود. در این چراغ ها برای روشن شدن چراغ ، توری با بخار الکل گرم می‌شد. سپس توسط تلمبه‌ی دستی، نفت درون مخزن سربسته فشرده می‌شد. حرارت تولید شده توسط توری، نفت ترکیب شده با هوا را تبخیر کرده، این ترکیب، درون توری مشتعل می‌شد. به این دلیل این چراغها به چراغهای الکلی نیز شناخته میشدند.

تحصیل و آموزش:

در سالهای زندگی آقا یوسف، تنها راه تحصیل و سود آموزی رفتن به مکتب خانه بود. توسکا مکتب خانه نداشت. نزدیکترین مکتب خانه‌ها در "تیرک ده" و همینطور تاشکو سفلی (محل ساختمان مسجد فعلی تاشکو) بود. رویه معمول این بود که دانش آموزان هر روز هیزم یا کالای خوراکی دیگری را به عنوان دستمزد معلم با خود به مکتب می‌بردند. معلم و آموزگاران مکتب خانه‌ها به "شیخ" معروف بودند. در مکتب خانه‌ها روش خواندن و حفظ متون قرآنی تدریس میشد که به آن "سواد قرآنی" می‌گفتند. بدین ترتیب بسیاری از افرادی که به مکتب خانه رفته بودند فقط سواد خواندن قرآن را داشتند نه متن دیگر و نه نوشتن متون فارسی.

مکتب خانه

اولین مدرسه منطقه که تا سطح ششم ابتدائی در آن تدریس میشد در علمده بود و مدرسه دولتی مولوی نام داشت. دانش آموزان باید مسیر رفت و برگشت تا علمده را پیاده طی میکردند و با توجه به دو شیفته بودن مدرسه لازم میشد که چهار بار در روز مسیر خانه تا مدرسه را طی کنند.

بعدها مدارس و مؤسسات آموزشی مختلفی در سطح منطقه تاسیس شدند و همینطور تسهیلات به وجود آمده برای تردد و رفت و آمد، امکان تحصیلات فرزندان خانواده‌های منطقه را در فواصل دور تر فراهم ساخت.

اولین موسسهٔ آموزشی دانشگاهی به نام " موسسه آموزش عالی مازیار" در سال ۱۳۸۴ در علمده (رویان) و به همت آقای دکتر پیمان سالاریان که خود نیز هم از جانب پدر و هم از جانب مادر از نوادگاه آقا یوسف دیوسالار است ، تاسیس شد.

حمل و نقل:

در سالهای زندگی آقا یوسف، اصلی‌ترین علت رفت و آمد مردم کوچ تابستانی و رفت و برگشت به ییلاقات بود. در سایر موارد اصولا رفت و آمد زیادی صورت نمیگرفت، چرا که محل کار مردم زمینهای اطراف محل زندگیشان بود.

کوچ بار یا مسافرت فصلی ییلاق – قشلاق خانواده ها

فاصله جاده ای امروز بین رویان (علمده) و روستاهای نزدیک به آن تا کالج که یکی ازییلاقات اصلی خانواده دیوسالار بود حدود ۳۶ کیلومتر است. این مسافرت فصلی بین ییلاق و قشلاق در آن زمان و تا سالها بعد بصورت پیاده و یا با اسب و خر و قاطر انجام میشد و با توجه به کوهستانی بودن مسیر گاهی بیش از یک روز به طول می انجامید. برای این قبیل تردد ها ، وسیله نقلیه طبقات متوسط اسب یا الاغ بود و خانواده های فقیر دارای وسیله شخصی به خود نبودند.

افرادی بنام چارپا دار (چاربیدار) هم بودند، که اسب و خر و قاطر داشتند و مشابه شرکت های حمل و نقل و مسافربری امروزی خدمات لازمه در موقع کوچ کشی خانواده ها را ارائه میدادند. معمولا پیران، زنان ناتوان و بچه های کم سن تر با اسب و قاطر و بقیه پیاده طی مسیر میکردند و معمول بود برای اینکه بچه ها در مسیر های سخت کوهستانی از روی چهارپا نیافتند ، مانند بار آنها را به روی اسب یا قاطر میبستند.

البته کوچ‌های فصلی فقط مربوط به افراد خانواده نبود، بلکه لازم بود که دام‌های و طیور خانواده (گاو و گوسفند ، مرغ، اردک و ...) نیز کوچ داده شوند. از این رو این مسافرت‌های ییلاق – قشلاقی برای سرپرستان و مردان خانواده در دو نوبت انجام میشد یک بار برای انتقال دام‌ها و تیورو بار دیگر برای انتقال افراد خانواده.

مسیرهای مشخصی برای تردد با اسب یا پیاده به روستاهای کوهستانی و ییلاقی وجود داشت، در برخی نقاط مسیر پرتگاه‌ها و گذرگاه های صعب العبور بسیار خطرناکی وجود داشت. همچون امروز که تصادفات رانندگی میتوانند یکی از عوامل مرگ افراد در جاده ها باشند، در آن زمان نیز احتمال پرتاب افراد به دره و مرگ آنها در طول مسافرت های ییلاقی و قشلاقی وجود داشت.

اولین وسایل نقلیه موتوری در این منطقه شاید در سالهای بهره برداری از معدن ذغال سنگ در گلندرود در سالهای بعد از ۱۳۱۶ دیده شدند. اینها کامیونهایی بودند که به " اینترناسیونال " معروف بودند و هفته ای چند بار برای حمل و انتقال ذغال سنگ در جاده گلندرود تردد میکردند. بعدها در حدود سالهای ۱۳۴۰ اولین وسایل نقلیه عمومی شروع به تردد در منطقه نمودند. اینها ماشینهای کامیون مانند دوج (ساخت آمریکا) بودند که به "کامونکار" معروف بودند. اولین فردی در منطقه که با کامونکار دوج خود ارائه خدمات حمل و نقل را آغاز نمود، فتح الله (بالاخان) دیوسالار نوهٔ آقا یوسف دیوسالار بود.

اولین جاده ها به صورت جاده های شوسه و خاکی در زمان سلطنت رضا شاه ساخته شد. این شاید مربوط باشد به زمان تاسیس معدن ذغال سنگ در گلندرود در سال ۱۳۱۶ باشد، چرا که لازم بود ذغال‌های استخراج شده به نقاط دیگر منتقل گردند. بعدها توسعه و ادامه جاده های کوهستانی تا سایر ییلاقات هم صورت پذیرفت. از جمله عوامل توسعه جاده ای در این منطقه ، نصب ایستگاه تقویت تلویزیون در سوردار در سال ۱۳۴۹ بود. سوردار در بلندترین نقطه کوهستانی منطقه قرار گرفته است و لزوم تردد مداوم کارشناسان تلویزیون ملی ایران به این روستا موجبات ترمیم راه موجود و امتداد آن در مسیر کوهستانی تا سورداد را فراهم آورد. تا سالها از همین جاده و جاده دیگری که در مسیر به سمت کدیر و کجور وجود داشت، برای تردد تابستانی به کالج و سایر ییلاقات منطقه استفاده میشد. بدین ترتیب که مسیر اول با ماشین تا روستاهای "افراد چال" یا "فیروز کلا" طی میشد و پس از آن ادامهٔ مسیر با اسب و قاطر و غیره و استفاده از خدمات چارپا دارانی که در این نقاط مستقر بودند.

جاده‌های مواصلاتی ییلاقات این منطقه در سالهای بعد از انقلاب ۱۳۵۷ توسعه بسیاری یافته و بسیاری از آنها نیز آسفالت و علامت گذاری شده اند. امروزه شبکهٔ جاده ای موجود در این منطقه امکان دسترسی سریع به تقریبا همهٔ روستاهای کوهستانی را فراهم آورده است.

پست و تلگراف و تلفن ، رادیو و تلوریون :

همانند سایر نقاط ایران ارسال نامه و پیام در سالهای دور توسط قاصدان پیام بر انجام میشد که این بجز در موارد خیلی خاص مورد استفاده و نیاز اجداد خانواده دیوسالار نبود. بعدها با تاسیس پست در ایران در سال ۱۲۹۰ و شاید با تاخیری چند ده ساله ارسال مرسولا ت پستی به شهرستان‌ها هم آغاز شد . در سالهای بعد از ۱۳۱۰ مرسوم بود که نامه ها به آدرس مشخصی (مثلا یک مغازه) به رویان (علمده) ارسال میشد، و صاحب مغازه نامه را به گیرنده آن میرساند. اصولا منازل افراد در برخی روستاهای منطقه تا ده سال پیش شماره و یا نام خیابان و کوچه (آدرس) نداشت و برای پیدا کردن منزل افراد باید از اطلاعات کلی محل منزل و یا پرس و جو از همسایگان کمک میگرفت. این وضعیت هنوز هم در بسیاری از روستاهای ییلاقی برقرار است. تلگراف در رویان (علمده) از سال ۱۳۴۲ شروع به کار کرد و احتمالا از سالها قبل بدلیل رواج سیستم ها و وسایل پیشرفته تر ارسال پیام به کار خود پایان داده است.

تلفن نیز از سالهای بعد از انقلاب ۱۳۵۷ به خانه های مردم در منطقه راه پیدا کرد تا قبل ازآن تنها امکان تماس تلفنی با سایر نقاط کشور استفاده از مرکز تلفن خودکار رویان (علمده) بود که کار خود را از سال ۱۳۴۹ شروع کرد. امروزه پوشش تلفن رادیویی و یا شبکه تلفن های همراه سیار (موبایل) در دور افتاده ترین روستاهای منطقه نیز وجود دارند.

همچنین پوشش شبکه رادیو تلوزیونی منطقه در سال ۱۳۴۹ و به دنبال نصب ایستگاه فرستنده سوردار بود. البته پوشش رادیو از چند سال قبل تر از آن نیز در منطقه وجود داشت.

امکانات نظافتی ، بهداشتی و درمانی:

حمام خزینه

در زمان حیات آقا یوسف در توسکا حمام وجود نداشت. افراد برای استحمام به روستاها و آبادی‌های اطراف می‌رفتند که اگر گزارش ملا محمد که در صفحهٔ ۲۵ این تبار نامه درست و دقیق باشد، نزدیکترین حمام‌ها در تاشکوی علیا و بعد از آن در کاسه گر محله و علمده بودند. حمام‌های آن زمان هم " خزینه ای" بودند، بدین ترتیب که آب آن در یک حوضچه سر پوشیده و تاریک گرم میشد و افراد برای شستشو به داخل این حوضچه می‌رفتند، آب داخل خزینه هر از چندگاهی عوض میشد، ولی در مجموع از لحاظ بهداشتی به هیچ وجه با استانداردهای شناخته شده امروزی ساز گار نبود. در توسکا تنها کسی که برای خود حمام خزینه اختصاصی ساخته بود، فتح الله (بالاخان) دیوسالار بود، که او و خانواده اش هم به دلیل مشکلات پر کردن دستی آب خزینه از چاه ، به ندرت از آن استفاده میکردند و حمام عمومی آبادی‌های دیگر را ترجیع میدادند. همچنین در سال ۱۳۴۹ اولین حمام خزینه عمومی در توسکا ساخته شد ولی مدت بهره برداری از آن به بیش از شش ماه هم نیانجامید. در این زمان در تا تشکوی سفلا نیز حمام دیگری ساخته شد که تا مدتها بعد نیز به کار خود ادامه داد، و بعدها به صورت حمام نمره (با اتاق های شستشوی اختصاصی) در آمد.

در چنین شرایطی واضح است که از مرکز بهداشتی و درمانی نیز هیچ خبری نبود. در آن سالها معمولا در موقع مریضی و ناخوشی به افراد شناخته شده محلی و یا آبادیهای مجاور که به دلیلی آنها را در تجویز شیوهٔ درمان یا تسکین درد دارای تجربه می‌دانستند ، مراجعه میشد. شیوه‌های درمان هم متفاوت بود، برخی بر اساس تجربیات خود بعضی گیاهان خاص (دارویی) یا بعضی غذاها را تجویز میکردند، برخی به دعا و معجزات ماورا الطبیعی دست میزدند و مثلا آب یا گندم دم زده به بیمار خود میدادند ، بعضی سنگ بر روی شکم بیمار میگذاشتند و برخی دیگر نیز برای تسکین درد تریاک و سایر مخدرات را تجویز مینمودند. در مورد شکستگی دست و پا هم به افرادی که در این زمینه تجربه داشتند و "شکسته بند" نامیده می‌شدند مراجعه میشد. به یاد دارم ادعا میشد یکی از این شکسته بندها (در معدان گلندرود) میتواند قطعات یک کوزهٔ شکسته گِلی داخل یک کیسه را بدون دیدن آنها و فقط با لمس قطعات آن از بیرون کیسه به هم متصل و کوزه را دوباره بازسازی نماید.

در برخی از موارد هم در مواقع بیماریهای سخت و صعب العلاج، به نذر و نیاز پناه برده میشد . از جمله نذرهای جالبی که معمولا در مورد بیماریهای سخت دختران جوان انجام میشد، این بود که در صورت شفا و رهایی از بیماری ، دختر را به عقد ازدواج یکی از فرزندان روحانیان و سادات منطقه که در واقع از نوادگان و اولاد پیغمبر اکرم بوده و مورد احترام و اعتقاد مردم بودند ، در آورند.

در مجموع میتوان گفت که سطح بهداشت عمومی بسیار پایین بود. به همین دلیل متوسط سن افراد هم پایین بود. بسیاری از کودکان خانواده ها در همان سنین طفولیت به دلیل بیماری هایی که امروزه به راحتی درمان میشوند ، میمردند. همچنین زنان زیادی هم در موقع زایمان و یا اندکی بعد از آن بدلیل عدم وجود امکانات بهداشتی یا مراقبت های لازمه زمان بارداری و زایمان جان خود را از دست میدادند.

هر از چند سالی بیماری وبا در منطقه شیوع پیدا میکرد و جان بسیاری را می‌گرفت. قدیمی ترها ی فامیل از بسیاری از اقوام و نزدیکان خود نام میبردند که در سال وبایی (یعنی سالی که وبا شیوع پیدا کرده بود) جان خود را از دست داده بودند.

نزدیکترین مرکز بهداشتی و درمانی بیمارستانی منطقه در شهرستان نور در سال ۱۳۵۳ با ظرفیت تخت ثابت ۱۳۵ تأسیس شد امروزه دارای تخصصهای داخلی ، جراحی، زنان و زایمان ، کودکان ، اورژانس ، نوزادان ، گوش و حلق و بینی ، عفونی ، ارتوپدی ، تالاسمی میباشد .

خرید و تامین کالا های مورد نیاز:

پول کاغذی در دوران حکومت قاجار چندان رایج نبود و در بیشتر مورد خریدها بصورت معاملات کالایی پایاپای صورت می‌گرفت، بدین ترتیب که خریدار در ازای دریافت کالای مورد نیاز خود موظف به دادن مقدار معینی برنج یا گندم یا جو به فروشنده میشد. کالای رایج برای خرید آن روزها هم شامل مواردی همچون نفت، چراغهای گرد سوز یا شیشه آنها، میخ و طناب و وسایل کشاورزی و ،... میشد.

نزدیکترین مغازه‌ها جهت تامین کالای اولیه در علمده بودند. بعدها مغازه های دیگر در مسیر توسکا و از جمله در تاشکو علیا به وجود آمد که متعلق به حاج نعمت الله سالاریان (همسر خدیجه سالاریان ، نوهٔ فتح الله خان دیوسالار) بود.

مناسبات و روابط فامیلی و اجتماعی:

مردمان مازندران از دیر باز خوش مشرب و بذله گو و با نشاط بودند. زندگی در طبیعت زیبا و هوای تمیز و بی آلایش دشت و کوه‌های منطقه کجور را شاید بتوان عامل اصلی روحیه شاد و سرزنده مردمان این سامان دانست. در چنین محیط زیبا و روحیات شاد مردمان، طبیعتا صمیمیت و صداقت و سلامت رفتار نیز ارتقا می‌یابد.

این امر در مورد خانواده‌های دیوسالار (و همینطور سایر بستگان آنها در مازندران) نیز مصداق داشت و در اخبار و روایت نقل شده از پیشینیانمان، نشانی از جنگ‌های داخلی یا لشکر کشی‌های قومی و قبیله ای ، آنچنان که اخبارآن از سایر نقاط ایران وجود دارد، دیده نمی‌شود. البته طبیعتا اختلافات جزیی و مقطعی ممکن است بر سر موارد مختلف به وجود آمده باشد، اما این اختلافات نیز در فاصله کوتاهی پایان میپذیرفت و هیچیک منجر به یک دشمنی و کینه توزی عمیق و دنباله دار نشده است. به طور کلی مردمان این دیار و از جمله دیوسالارها مردمانی آرام و به دور از جنجال و جنگ و جدال بودندو این مشخصه ای است که امروزه نیز آثار و نشانه های آن را میتوان در نسلهای جدیدتر مشاهده کرد.

جمعی از اقوام و بستگان خانواده

جمعی از اقوام و بستگان خانواده

در این ارتباط آنچه بعنوان عاملی اثر گذار بر زندگی و روابط پدرانمان در دوران سلطنت قاجاریه قابل ذکر است ، اسکان دادن طوایف کرد و لر مهاجر از مناطق بیجار ، گروس و دلفان و ... در مناطق کجور ، کلارستاق و نور توسط حکومت بود . این یکی از سیاست های شاهان قاجار و بخصوص آقا محمدخان قاجار بود که برای سرگرم نگاه داشتن مالکان و طوایف نقاط مختلف کشور در مناقشات و نزاع ها محلی ، گروه های جمعیتی مهاجر ی را از سایر نقاط به این مناطق میکوچاندند . عمده ترین کار این مهاجران در مناطق تازه اسکان داده شده دزدی و راهزنی بود و این مشغله برای خوانین و طوایف محلی مانع از این میشد که به فکر مقابله با حکومت مرکزی بیافتند.

ورود مهاجرین جدید به این مناطق ، علاوه بر تأثیر در ترکیب جمعیتی و فرهنگی این مناطق ، موجی از منازعات و درگیریها و اختلافات قبیله ای و طایفه ای را بین بومیان و مهاجران در پی داشت که آثار و عواقب زیانبار اجتماعی و فرهنگی آنها بر این مناطق تا سالها همچنان مشهود بود.

در چنین فضا و محیطی، چنین به نظر میرسد که اتحاد و یک پارچگی خانوادگی خاصی بین شاخه‌های خانواده‌های دیوسالار وجود داشته است. در آن سالها بزرگترهای خانواده که معمولا از خوانین و مالکان بزرگ نیز به حساب می‌آمدند، قدرت نفوذ و تاثیر گذاری بیشتری داشتند و به عبارت دیگر افراد خانواده خضوع و حرف شنوی بیشتری نسبت به بزرگان فامیل داشتند. در خانواده آقا یوسف ، پدر او میرزا ولی از جمله این بزرگان طایفه بود که رای و نظرش مورد احترام و پذیرش سایر گروه‌های خانواده هم بود. بعدها و در دوران مبارزات مشروطه ، میرزا علی دیوسالار (سالار فاتح) و پسر عمویش ابراهیم دیوسالار (ضیغم سلطان) را باید از بزرگان دارای نفوذ طایفه دیوسالار به حساب آورد.*

کسب درآمد و امرار معاش:

منبع اصلی کسب درآمد و وسیله امرار معاش مردم در منطقه بلوکات کجور، دوران قاجاریه ، کشاورزی و دامداری بود. باغداری چندان رایج نبود. اصولا مصرف میوه نیز آنچنان که امروزه مرسوم است در آن سالها و حتی سالها بعد از آن معمول نبود. **

کشاورزی هم در زمان آقا یوسف و پدرانش بیشتر بر روی نیشکر و تنباکو استوار بود تا برنج و گندم و جو. علت شاید این بود که در آن زمان کشاورزان قادر بودند در ازای تحویل نیشکر و تنباکو به انبارهای دولتی موجود در شهرها و آبادیهای بزرگتر، پول دریافت کنند و در واقع نیشکر و تنباکو قابل تبدیل به پول ، آنهم در معامله با نهادی دولتی بودند. اما برنج و گندم و جو (آرد) اینگونه نبودند.

برنج ، گندم و جو را فقط برای مصرف شخصی و یا استفاده در معاملات پایاپای محلی میتوانستند استفاده کنند و به دلیل نبود سیستم حمل و نقل لازمه برای انتقال آنها به سایر بازارها، امکان تبدیل آنها به پول وجود نداشت. از این رو علیرغم وجود زمین‌های حاصلخیز و آب دیمی ، کشت این محصولات در مقایسه با سالهای بعد از ۱۳۲۰ چندان رایج نبود. همچنین کشت برنج دشوار تر از سایر محصولات بود و نیاز به مراقبت و کار بیشتری داشت. در سالهای بعد و با رشد و بهبود سیستم حمل و نقل ، کشت برنج رواج بیشتری یافت و به صورت یک کالای سرمایه ای در آمد.

پاورقی اول: از جمله مورد قابل اشاره نقش سالار فاتح در ایجاد پیوند و وصلت بین فرزندان بزرگان خانواده دیوسالار و فرزندان میرزا آقا جان خواجوی (که بعدها نام خانوادگیشان به ایزدی تغییر یافت) است. میرزا آقا خان پسر عمه و از هم رزمان و همراهان سالار بود و در یکی از جنگهای سالار با یاغیان محلی در چالوس کشته شد. از آن پس سالار نقش سرپرستی و مراقبت فرزندان آقا جان را بر عهده گرفت که منجر به وصلت ولی خان ایزدی با قمر سلطان دختر (ابراهیم خان دیوسالار) ضیغم سلطان، رحمت الله خان دیوسالار و خدیجه ایزدی (همسر دوم) و متعاقب آن وجیه خان دیوسالار با عطیه ایزدی شد.

پاورقی دوم : ناصر دیوسالار نقل می‌کند که: در زمان قدیم رفت و آمد و شب نشین های اقوام و همسایگان بسیار رایج تر از امروزه بود. برای پذیرایی از میهمانان میوه آنچنان که امروز رایج است، اصولا وجود نداشت. به جای آن در برخی از موارد با دانه‌های گندم تفت داده شده در ماهی تابه که به آن "هائیشت" می‌گفتند از میهمانان پذیرایی میشد

در ارتباط با خانواده دیوسالار ، همانطور که قبلا بیان شد بخش بزرگی از پیشینیان خانواده‌های دیوسالار را شاید بتوان در گروه خرده مالکان در زمان خود بحساب آورد که در واقع هم کشاورز بودند و هم مالک مراتع و زمین‌های زیر کشت خود. البته در مورد خانواده آقا یوسف به دلیل مناصب حکومتی و ارشدیت محلی پدرانش ، زمین‌های تصرفی بیشتر بود و شاید بتوان این گروه و همینطور برخی دیگر از شاخه‌های دیوسالارها را جزو ملکان زمان خود نیز به حساب آورد.

منظور از مالک کسی است که خود در زمین‌های خود کشت نمیکرد بلکه آن را در اختیار کشاورزانی که آنها را "رعیت" یا " زارع" می‌گفتند، قرار میداد و در ازای آن بهره مالکانه یا به اصطلاح محلی آن روز "بهریجه" یا "خراج" دریافت میکرد. چنین بنظر می‌رسد که پدران میرزا یوسف از این جهت جزو مالکین بودند.

علیرضا خان دیوسالار نقل می‌کند که :

" از شش دانگ تاشکو ، دو دانگ آن متعلق به سپهسالار تنکابنی بود (که بعدها آنرا به رستمی‌ها فروخت) و چهار دانگ دیگر متعلق به میرزا ولی و برادر او تقی سلطان بود. این ملک را ناصر الدن شاه به عنوان "حق سفره" به میرزا ولی داده بود ."

بهره مالکانه در سایر نقاط ایران ، معمولا بر اساس فرمول پنج سهمی تقسیم می شد. دارندگان زمین، آب، بذر، دام کارگر (گاو برای شخم و اسب برای خرمن کوبی) و نیروی کار هر کدام یک سهم از محصول را می بردند .

علیرضا خان دیوسالار نقل می‌کند که :

" در منطقه توسکا و تاشکو در سالهای اولیه سلطنت پهلوی ، بهره مالکانه برای هر هکتار زمین شالی که معادل یک جریب و برابر ۱۰۰۰۰ متر مربع بود ، سه خروار برنج (هر خروار معادل ۱۲۰ کیلو گرم) بود . در آن زمان برنج خرواری ۸ تا۱۰ تومان بود. همچنین بهره مالکانه زمین مرتع سالانه ۳ تا ۱۰ تومان بود."

این با فرض اینکه هر هکتار یا جریب زمین شالی تقریبا ۲۰۰۰ کیلو محصول برنج میدهد ، خراج سه خرواری به معنی ۱۸% محصول است که کمی کمتر ازعرف معمول یک از پنج یا بیست درصد مربوط با مالکیت زمین بود. *

مدارک شماره پنج وشش در صفحه بعد مربوط به دوره آقا یوسف در سال های **۱۲۶۹** و **۱۲۷۰** (**۱۳۰۸** و **۱۳۰۹** هجری قمری) هستند. مدرک شماره پنج مربوط به اجاره مراتع "کالج سو" به مالکیت آقا یوسف، همسر حبیب الله سلطان (که در آن زمان در قید حیات نبود) به وکالت از پسرانش موسی سلطان و ابراهیم سلطان و همچنین آقاسی بیگ به شخصی بنام مشهدی صمد از طایفه پشمک برای مدت دو سال به مبلغ چهل تومان وجه رایج آن زمان است. مدرک شماره شش نیز مربوط است به گواهی و تعهد (تمسک نامچه) پرداخت بهریجه یا سود مالکانه اجاره زمین زراعی به میزان دو خروار شالی برنج برای دو جریب و نیم زمین به آقا یوسف و علی اکبر خان. همانطور که مشاهده میشود تا به اینجا نیز نشانی از نام خانوادگی دیوسالار در مدارک دیده نمیشود.

پاورقی : بدین ترتیب میتوان دید که درآمد سالیانه هر هکتار زمین برای مالک حدود ۳۰ تومان بود . برای درک بهتری از ارزش زمین در آن سالها ، با در نظر گرفتن اینکه دلار معادل ۱۵ ریال بود، در نتیجه درآمد سالیانه هر هکتار زمین در سال فقط بیست دلار بود. این را اگر با اعداد و ارقام امروزی مقایسه کنیم که هر دلار (در ماه های پایانی سال ۱۳۹۰) معادل ۱۸۰۰ تومان است برابر با ۳۶۰۰۰ تومان میشود و اگر باز فرض کنیم زمین کشاورزی معادل وجه نقدی باشد که در ازای دریافت درصدی از ارزش آن، اجاره داده شده و با فرض بالاترین نرخ بهره برای این وجه یعنی ۳۰%، به این نتیجه میرسیم که وجه نقد حدودا ۱۲۰۰۰۰ تومان بوده است، یعنی با فرض اعداد و ارقام امروزی ارزش یک هکتار زمین باید ۱۲۰۰۰۰ تومان باشد و این بسیار با ارزش امروزی آن فاصله دارد و خود نشاندهنده این است که ارزش زمین در آن سالها بسیار پایین بود و این فقط مربوط به تورم و گرانی های پدید آمده در فاصله آن سالها تا کنون نیست. بلکه رشد صنعت و تکنولوژی و بهینه شدن ابزار ، وسایل و ماشین آلات کشاورزی و کاهش هزینه های تولید محصولات آن در کنار رشد و ارتقا شبکه حمل و نقلی باری و امکانات ذخیره و انبار کالا ها، باعث رشد روز افزون ارزش زمین بعنوان یکی از ملزومات سرمایه ای ایجاد کار و درآمد گردید.

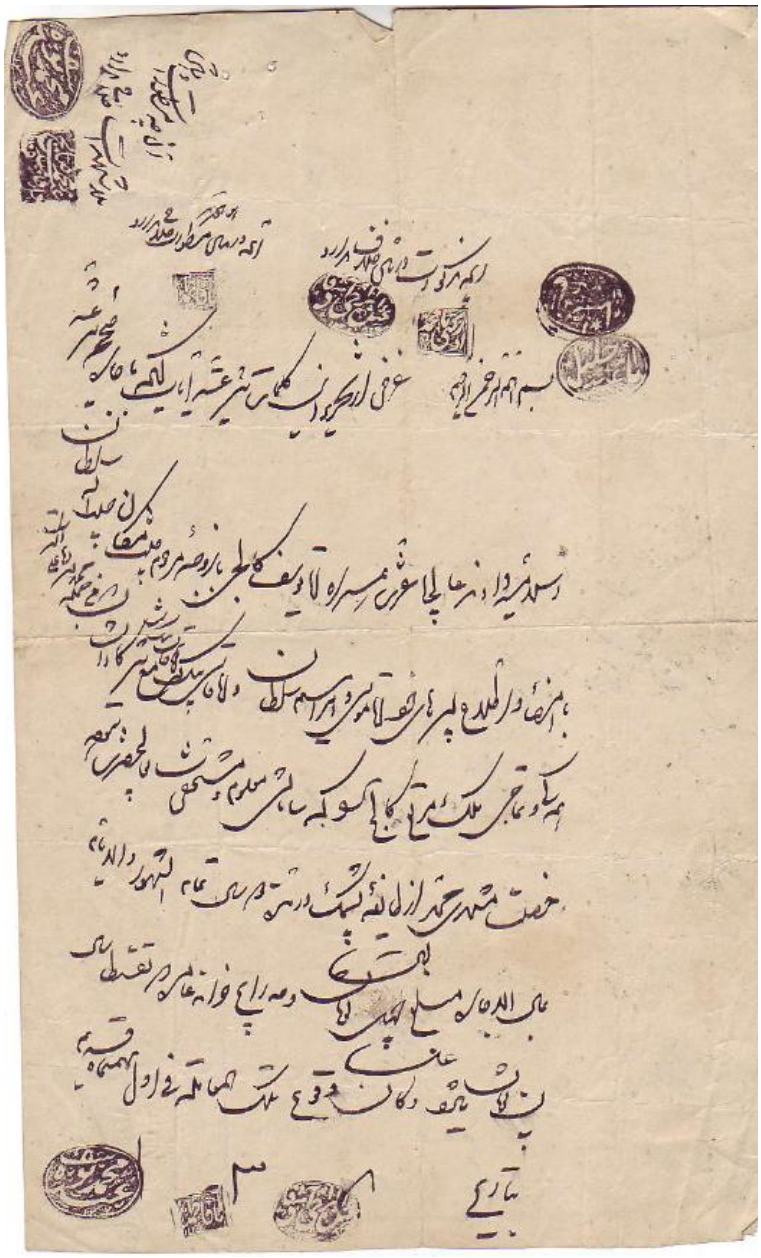

مدرک شماره پنج : اجاره مراتع کالج سو

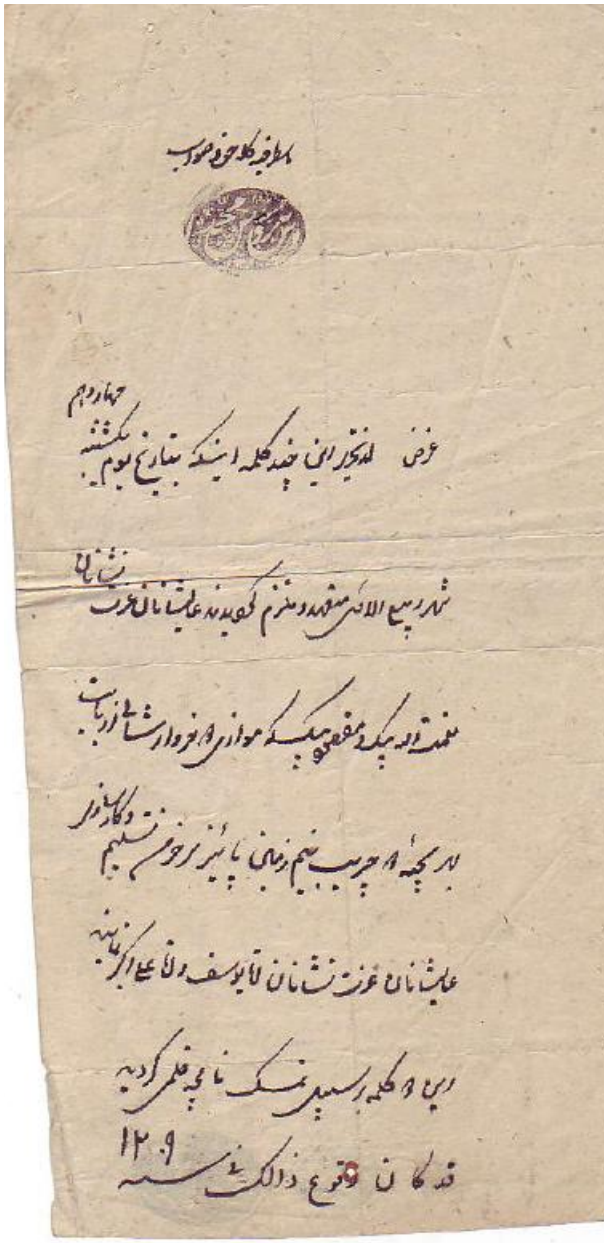

مدرک شماره شش : اجاره زمین زراعی

درمدرک دیگربجای مانده که مربوط به مصالحه حمیده دیوسالار به برادرانش فتح الله خان و رحمت الله خان میباشد و به نظر مربوط به اندک زمانی پس از فوت آقا یوسف است، تاریخ مدرک مربوط به دی ماه سال **۱۲۷۷** (شعبان **۱۳۱٦** هجری قمری) میباشد که یعنی آقا یوسف در زمانی قبل و نزدیک به دی ماه سال **۱۲۷۷** فوت کرده اند .

مدرک شماره هفت در صفحه بعد (که بخشی از آن نیز محو و غیر خواناست) و به تاریخ بهمن ماه **۱۲۸۸** (محرم **۱۳۲۸**) میباشد ، توصیه نامه ای برای فتح الله خان پسر بزرگ آقا یوسف با مهر سپهدار اعظم (محمد ولی خان تنکابنی که بعدها با عنوان سپهسالار اعظم نایل شد) به پسرش میباشد . در دوران که چند ماه پس از پیروزی انقلاب مشروطه و فتح تهران توسط سپهدار اعظم و سردار اسعد بختیاری در تیر ماه همان سال بود ، حدود یازده سال از فوت آقا یوسف میگذشت و فتح الله خان جوانی است که طی این نامه سپهسالار ضمن تمجید از شایستگی و لیاقت او ، از پسرش میخواهد که او بیکار نماند و مشغول به کار شود. همچنان که ملاحظه میگردد هنوز و تا این سالها هم نشانی از نام خانوادگی " دیوسالار " در مدارک دیده نمیشود و فتح الله خان با نام کالجی معرفی میگردد.

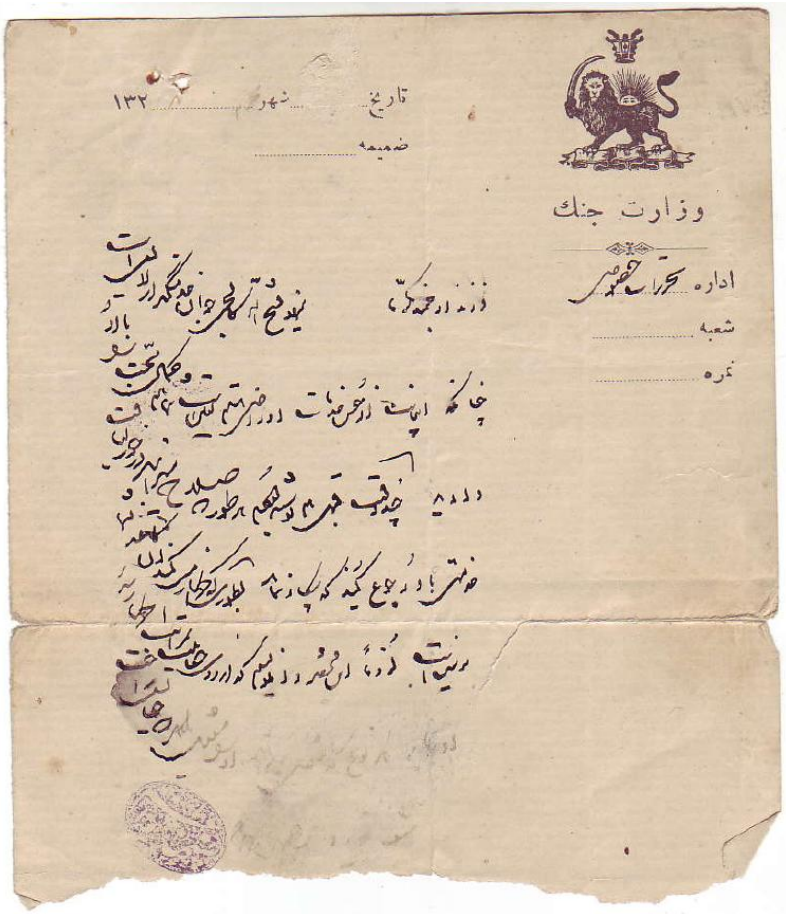

مدرک شماره هفت: توصیه نامه سپهدار اعظم برای فتح الله خان جوان

درسایر مدارک موجود مربوط به سالهای بعد از نامه فوق (سال **۱۲۹۷**) از فتح الله خان به عنوان "معتمد السلطان" نام برده شده است که مشخص نیست که سمت رسمی و دولتی او بود یا صرفا لقبی تشریفاتی برای مبالغه در تعارف . به هر حال فتح الله خان که در سال از او بعنوان جوانی لایق نام برده میشود ، عمر زیادی نمی کند و تا قبل از سال **۱۳۰۹** در حالی که هنوز همه قرزندانش صغیر بودند ، فوت میکند و برادرش رحمت الله خان سرپرستی فرزندانش را عهده دار میشود و جالب اینکه در هیچیک از مدارک موجودی که از ایشان نام برده شده نشانی از نام خانوادگی دیوسالار دیده نمیشود. اولین مدرک رسمی که در مشاهده شده توسط نگارنده که در آن بطور رسمی از نام خانوادگی دیوسالار نام برده شده مربوط به حکم حکومتی رحمت الله خان در تیر ماه **۱۳۰٦** است و این گواهی دیگری است بر این نظریه که تا پیش از تصویب قانون اجباری شده سجلات اصولا نام خانوادگی "دیوسالار" وجود خارجی نداشت. به نظر میرسد تا این تاریخ منطقه نور و کجور هنوز تحت کنترل حکومت محلی محال ثلاثه بود و به استان مازندران ملحق نشده بود.

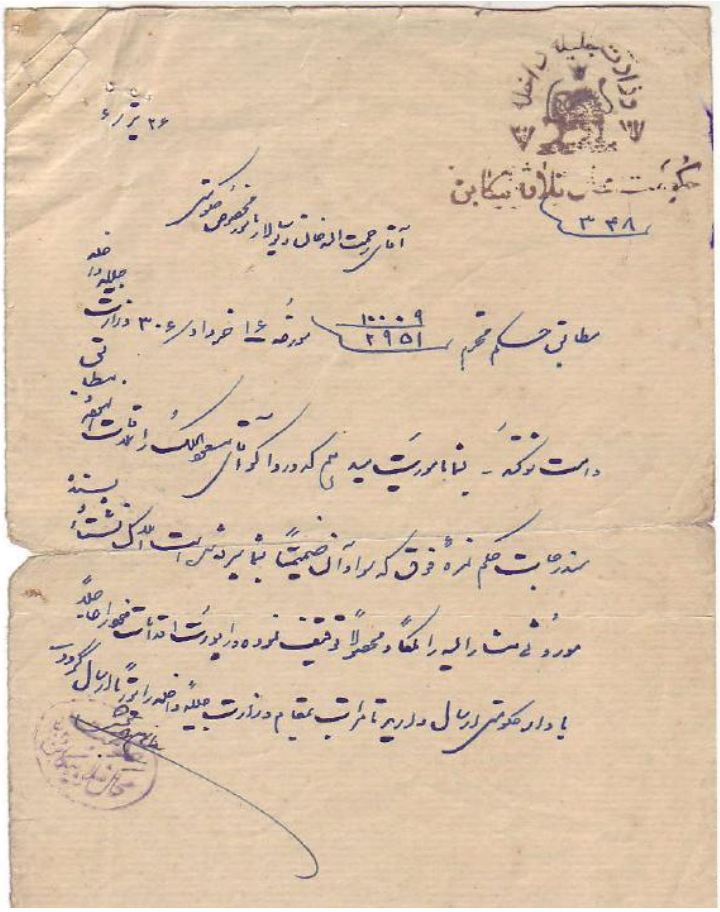

مدرک شماره هشت: حکم حکومتی رحمت الله خان دیوسالار

سالهای پایانی سلسله قاجاریه در ایران مواجه با مبارزات جنبش مشروطه و همینطور جنگهای داخلی دوران استبداد صغیر بود. بخش عمده ای از این جنگها بدلیل حمایت

دولت روسیه از محمد علی شاه برای حمله از طریق نواحی شمال ایران در مازندران صورت گرفت و در آن زمان از جمله بزرگان و خوانین خانواده دیوسالار که در این مبارزات مشارکت فعال داشت ، سرتیپ میرزا علی دیوسالار معروف به سالار فاتح بود.

بهر حال تا پایان دوره سلطنت قاجاریه شرایط ارباب و رعیتی و دریافت بهره های مالکان کماکان برقرار بود. اما با روی کار آمدن رضا شاه در سال ١٣٠٤ شرایط به تدریج دگرگون گردید.

در این سالها به دنبال انقلاب مشروطه و مصوبات مجلس شورای ملی، و متعاقب آن شروع سلطنت پهلوی، ولایت محال ثلاث نیز از میان برداشته شد و منطقه کجور دوباره جزو مازندران شد و در نتیجه قدرت و منزلت والی‌ها و بلوک باشی‌های قبلی که نمایندگان حاکمان ولایت محال ثلاث بودند نیز کاهش یافت. تصویب و تعیین تقسیمات جدید کشوری به استان، شهرستان، بخش، دهات، قصبه و ده در این سالها و اعمال کنترل اداری و دولتی بر امور مربوط به روستاها و آبادیها ی منطقه نقش بزرگان خانواده دیوسالار ، که جزو بلوک باشی‌های برخی از این روستاها بودند را نیز به تدریج کم‌رنگ تر میکرد.

چنانچه نقل است بعد از میرزا ولی پسرش آقا یوسف و پس از او نیز پسر بزرگش میرزا فتح الله خان به عنوان بلوک باشی شناخته می‌شدند. اما به نظر می‌رسد در این سالها و تا سالهای آغازین سلطنت پهلوی ، بواسطه تغییرات اجتماعی و ساختاری ذکر شده، نقش و قدرت بلوک باشی هم تا حد یک کدخدا و بزرگ محل تنزل پیدا کرد.

رضا شاه بعداز به قدرت رسیدن، املاک مالکان بزرگ ، خصوصا در منطقه مازندران را ، به زور به تملک خود در می آورد و یا صاحبان آنها را وادار به فروش زمین های خود به بهایی ناچیز میکرد . در این بین برخی مالکان محلی که حاضر به فروش زمین های خود نشدند ، یاغی نام گرفتند و به شیراز و مناطق دیگر کشور تبعید گردیدند . این موضوع منجر به تبعید بیش از ٨٠ نفر از رجال سیاسي محال ثلاث در سال ١٣١٣ شد .

این دوران از نظر تاریخی با زمان پس از درگذشت آقا یوسف و فتح الله خان مصادف بود . در این زمان رحمت الله خان و برادر زاده هایش (فرزندان فتح الله خان) ناچار به فروش اموال خود به حکومت و یا پذیرش تنبیه و تبعید بودند که ظاهرا صلاح را در قبول فروش اجباری املاکشان در تاشکو دیدند. علیرضا خان دیوسالار روایت میکند که پدرش رحمت الله خان به نمایندگی از طرف خانواده به نوشهر میرود و در ازای فروش تاشکو ١٢٠٠ تومان دریافت میکند و این پول را که تماما بصورت سکه بود سوار بر قاطر کرده و از نوشهر به توسکا و تاشکو میاورد.

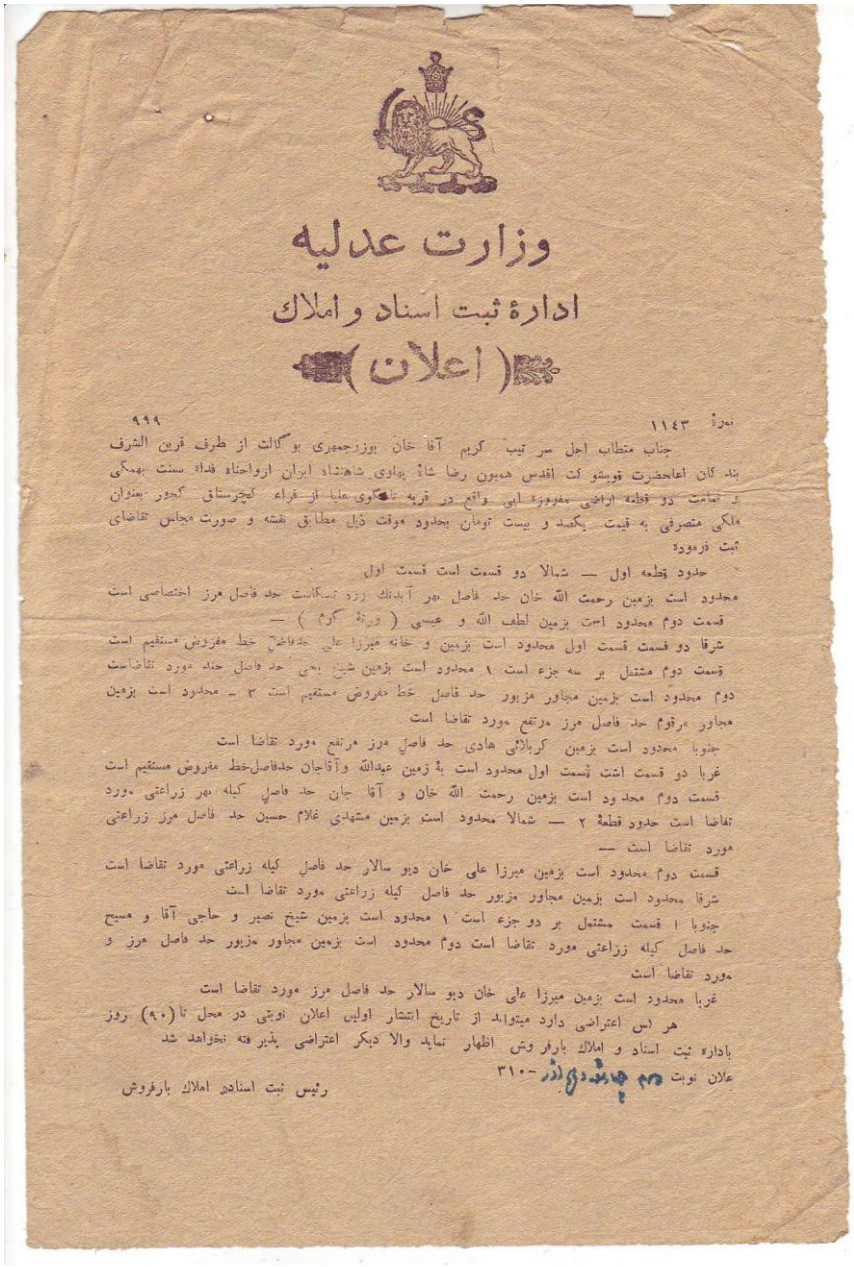

وزارت عدلیه

ادارهٔ ثبت اسناد و املاک

(اعلان)

نمرهٔ ١١٤٣ ٩٩٩

جناب مستطاب اجل سر تیپ کریم آقا خان بوزرجمهری بوکالت از طرف قرین الشرف بندگان اعلیحضرت قویشوکت اقدس همایون رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران ارواحناه فداه سنت بهمگی و تمامت دو قطعه اراضی مفروزه ایی واقع در قریه تاشکوی علیا از قراء کجرستاق کجور بعنوان ملکی متصرفی به قیمت یکصد و بیست تومان بحدود موقت ذیل مطابق نقشه و صورت مجلس تقاضای ثبت فرموده

حدود قطعه اول — شمالا دو قسمت است قسمت اول

محدود است بزمین رحمت الله خان حد فاصل مهر آبدنك رود کسکاست حد فاصل مرز اختصاصی است

قسمت دوم محدود است بزمین لطف الله و عیسی (ورثهٔ کرم) —

شرقا دو قسمت قسمت اول محدود است بزمین و خانه میرزا علی حدفاصل خط مفروض مستقیم است

قسمت دوم مشتمل بر سه جزء است ١ محدود است بزمین شیخ یحیی حد فاصل حدد مورد تقاضاست

دوم محدود است بزمین مجاور مزبور حد فاصل خط مفروض مستقیم است ٣ — محدود است بزمین مجاور مرقوم حد فاصل مرز مرتفع مورد تقاضا است

جنوبا محدود است بزمین کربلائی هادی حد فاصل مرز مرتفع مورد تقاضا است

غربا دو قسمت است قسمت اول محدود است بهٔ زمین عبدالله وآقاجان حدفاصل خط مفروض مستقیم است

قسمت دوم محدود است بزمین رحمت الله خان و آقا جان حد فاصل کیله مهر زراعتی مورد تقاضا است حدود قطعهٔ ٢ — شمالا محدود است بزمین مشهدی غلام حسین حد فاصل مرز زراعتی مورد تقاضا است —

قسمت دوم محدود است بزمین میرزا علی خان دیو سالار حد فاصل کیله زراعتی مورد تقاضا است

شرقا محدود است بزمین مجاور مزبور حد فاصل کیله زراعتی مورد تقاضا است

جنوبا ١ قسمت مشتمل بر دو جزء است ١ محدود است بزمین شیخ نصیر و حاجی آقا و مسیح حد فاصل کیله زراعتی مورد تقاضا است دوم محدود است بزمین مجاور مزبور حد فاصل مرز و مورد تقاضا است

غربا محدود است بزمین میرزا علی خان دیو سالار حد فاصل مرز مورد تقاضا است

هر کس اعتراضی دارد میتواند از تاریخ انتشار اولین اعلان نوبتی در محل تا (٩٠) روز باداره ثبت اسناد و املاک بارفروش اظهار نماید والا دیگر اعتراضی پذیرفته نخواهد شد

علان نوبت ٢٥ چهارشنبه دی ماه ١٣١٠

رئیس ثبت اسناد و املاک بارفروش

مدرک شماره نه : خرید اجباری زمین

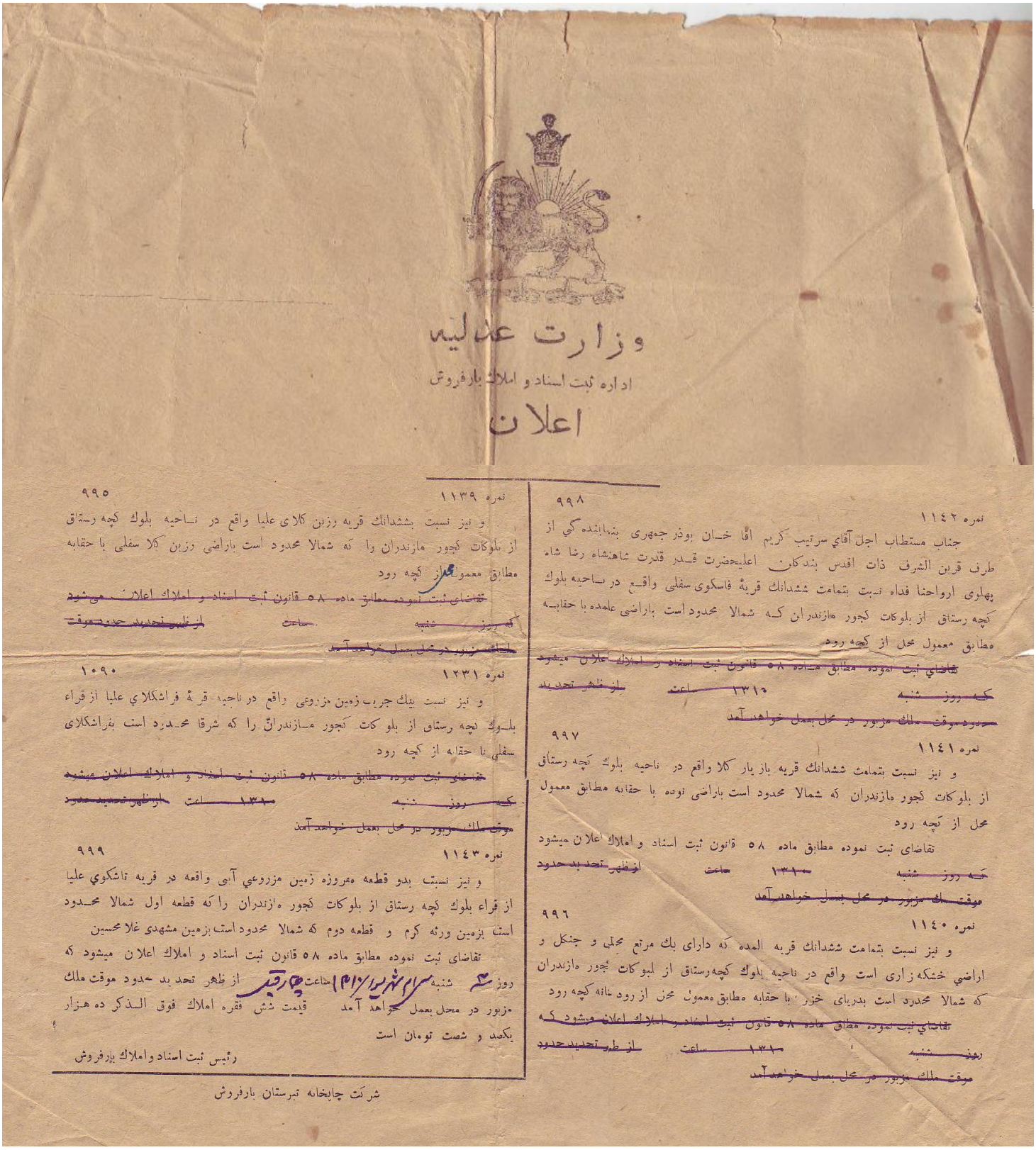

وزارت عدلیه

اداره ثبت اسناد و املاک بارفروش

اعلان

۹۹۸

نمره ۱۱۴۲

جناب مستطاب اجل آقای سرتیپ کریم آقا خان بوذر جمهری بنمایندگی از طرف قرین الشرف ذات اقدس بندگان اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی ارواحنا فداه نسبت بتمامت ششدانگ قریهٔ فاسکوی سفلی واقع در ناحیه بلوک کچه رستاق از بلوکات کجور مازندران که شمالا محدود است باراضی عامده با حقابه مطابق معمول محل از کچه رود

تقاضای ثبت نموده مطابق ماده ۵۸ قانون ثبت اسناد و املاک اعلان میشود که روز شنبه ساعت ۱۳۱۰ از ظهر تحدید حدود موقت ملک مزبور در محل بعمل خواهد آمد

۹۹۷

نمره ۱۱۴۱

و نیز نسبت بتمامت ششدانگ قریه باز یار کلا واقع در ناحیه بلوک کچه رستاق از بلوکات کجور مازندران که شمالا محدود است باراضی نوده با حقابه مطابق معمول محل از کچه رود

تقاضای ثبت نموده مطابق ماده ۵۸ قانون ثبت اسناد و املاک اعلان میشود که روز شنبه ساعت ۱۳۱۰ از ظهر تحدید حدود موقت ملک مزبور در محل بعمل خواهد آمد

۹۹۶

نمره ۱۱۴۰

و نیز نسبت بتمامت ششدانگ قریه المده که دارای یک مرتع محلی و جنگل و اراضی خشکه زاری است واقع در ناحیه بلوک کچه رستاق از بلوکات کجور مازندران که شمالا محدود است بدریای خزر با حقابه مطابق معمول محل از رود خانه کچه رود

تقاضای ثبت نموده مطابق ماده ۵۸ قانون ثبت اسناد و املاک اعلان میشود که روز شنبه ساعت ۱۳۱۰ از ظهر تحدید حدود موقت ملک مزبور در محل بعمل خواهد آمد

۹۹۵

نمره ۱۱۳۹

و نیز نسبت بششدانگ قریه رزبن کلای علیا واقع در ناحیه بلوک کچه رستاق از بلوکات کجور مازندران را که شمالا محدود است باراضی رزبن کلا سفلی با حقابه مطابق معمول محل از کچه رود

تقاضای ثبت نموده مطابق ماده ۵۸ قانون ثبت اسناد و املاک اعلان میشود که روز شنبه ساعت از ظهر تحدید حدود موقت املاک مزبور در محل بعمل خواهد آمد

۱۰۹۰

نمره ۱۲۳۱

و نیز نسبت بیک جریب زمین مزروعی واقع در ناحیه قریهٔ فراشکلای علیا از قراء بلوک کچه رستاق از بلوکات کجور مازندران را که شرقا محدود است بفراشکلای سفلی با حقابه از کچه رود

تقاضای ثبت نموده مطابق ماده ۵۸ قانون ثبت اسناد و املاک اعلان میشود که روز شنبه ساعت ۱۳۱۰ از ظهر تحدید حدود موقت ملک مزبور در محل بعمل خواهد آمد

۹۹۹

نمره ۱۱۴۳

و نیز نسبت بدو قطعه مزروعه زمین مزروعی آبی واقعه در قریه تاشکوی علیا از قراء بلوک کچه رستاق از بلوکات کجور مازندران را که قطعه اول شمالا محدود است بزمین ورثه کرم و قطعه دوم که شمالا محدود است بزمین مشهدی غلامحسین

تقاضای ثبت نموده مطابق ماده ۵۸ قانون ثبت اسناد و املاک اعلان میشود که روز سه شنبه سوم شهریور ۱۳۱۲ ساعت چهار قبل از ظهر تحدید حدود موقت ملک مزبور در محل بعمل خواهد آمد قیمت شش فقره املاک فوق الذکر ده هزار یکصد و شصت تومان است

رئیس ثبت اسناد و املاک بارفروش

شرکت چاپخانه تبرستان بارفروش

مدرک شماره ده : خرید اجباری املاک منطقه

با شروع جنگ جهانی دوم و متعاقب آن استعفا و تبعید رضا شاه و شروع سلطنت محمد رضا شاه در سال ۱۳۲۰ بار دیگر اوضاع به طور موقت به سود مالکان تغییر کرد و زمین های آنها به آنان باز گردانیده شد و مالکان تبعید شده نیز به وطن بازگشتند. این امر همچنین موجب شد تا دوران تازه اي از ناامني ها و ناآرامي ها در مناطق مذکور شکل گیرد و فعالیت احزاب

سياسي و گروههايي چون اتحاديه كشاورزان محال ثلاث ، حزب توده ، حزب جنگل شمال ، حزب دمكرات و ... از جمله حركتهاي سياسي قابل ذكر اين مناطق در دهه سوم سلطنت پهلوي است .

در هر صورت حل مساله زمینداری و تحدید مالکیت بزرگ مالکان در ایران همواره و حتی قبل از دوران پهلوی نیز مطرح بوده است. در سالهای اولیه سلطنت محمد رضا شاه کارشناسان غربی که از جمله تاثیر گذار ترین مشاوران و مستشاران حکومت بودند ، انجام اصلاحات ارضی را یکی از مهمترین قدمها به منظور تحول در اقتصاد سنتی ایران میدانستند. اما در آن سالها به دلیل شرایط سیاسی اجتماعی خاص به اجرا درنیامد. در سالهای بعد، دولت اقدامات ناقصی را برای فروش و یا واگذاری زمینهای دولتی انجام داد که عملا نا موفق بودند. تا اینکه در سال ۱۳۳۸ و بدنبال برخی تحولات داخلی و بین المللی، دولت لایحه ای به مجلس عرضه نمود که علی رغم مخالفت گروههای متنفذ و مالکان، این لایحه از تصویب مجلس گذشت. این قانون، که به نام «قانون تحدید مالکیت » بود، وسعت اراضی مالکان را محدود ساخت. دو سال بعد و بدنبال برخی تحولات دیگر، اصلاحات ارضی مجددا مطرح گردید. این قانون در سال ۱۳٤۱ به عنوان مهمترین و اولین اصل برنامه اصلاحاتی محمد رضا شاه تحت عنوان "انقلاب سفید" مطرح شد و طی سه مرحله بین سالهای ۱۳٤۱ تا ۱۳٤۸ به اجرا درآمد و در نهایت باعث تحولات وسیعی در ساختار جوامع روستایی کشور شد. این سالها را شاید بتوان اولین سالهای تغییرات در ساختار رژیم ارباب - رعیتی دانست ، که قطعا تاثیر بسزایی نیز بر شرایط زندگی اربابان و مالکان خانواده دیوسالار داشت.

قانون اصلاحات ارضی در وهله اول مالکیت زمین مازاد مالکان را به کشاورزان انتقال میداد و در ازای آن کشاورزان را متعهد به پرداخت اقساطی قیمت زمین به مالکان اولیه آنها ظرف مدت سی سال مینمود، اما با گذشت مدت کوتاهی طی فرمانی از جانب شاه ، این اقساط نیز به کشاورزان بخشیده شد و عملا مالکان اولیه آنها از دریافت بهای زمین هایشان محروم گردیدند.

اما بر اساس روایات نقل شده ظاهرا در مازندران این قانون به شکل دیگری به اجرا درآمد. بدین ترتیب که نمایندگانی از جانب دولت عازم روستاها شدند و در آنجا کشاورزان را در محلی جمع کرده و از آنها در مورد محل و مقدار زمینی که زیر کشت دارند (صرف نظر از اینکه مالک آنها چه کسی باشد) ، پرسیدند. سپس بعد از چند وقت این کشاورزان به نوشهر احضار شدند تا اسناد زمین های زیر کشت خود را دریافت دارند. بدین ترتیب مالکینی که بر روی زمین خود کار نمی کردند (حتی اگر این بدلیل کهولت سن و یا فوت مرد یا سرپرست خانواده و صغر سنی فرزندان بوده) و حتی برای زمین های زراعی کوچک ، از حق مالکیت خود محروم ماندند. هر چند در آن زمان زمین نیز ارزش زیادی نداشت و ایجاد درآمد و ثروت زمین های کشاورزی بیشتر مربوط به نیروی کار، بذر، کود، شخم، خرمن کوبی و غیره بود و نه خود زمین.

در سال ۱۳۱٦ معدن زغال سنگ گلندرود گشایش یافت، که معادن اولیه آن در فاصله حدود ۱۰ کیلومتری توسکا در مسیر جاده ییلاقی کالج بود. گشایش این معدن فرصت اشتغال خوبی برای مردان و پسران جوان بومی و از جمله فرزندان و نوادگان آقا یوسف بوجود آورد. با وجود اینکه فعالیت این معدن در این محل چند سالی بیشتر به طول نیانجامید ، اما سر آغازی بود برای اشتغال مردان و جوانان خانواده در مشاغلی به غیر از حرفه سنتی شان یعنی کشاورزی و دامداری.

همچنین مسئلهٔ تاثیر گذار دیگری که در سالهای اولیه سلطنت پهلوی بوجود آمد، قانون خدمت اجباری سربازی برای مردان بود. در ابتدای کار جوانان خانوادهها نیاز و رغبتی به انجام خدمت سربازی نداشتند چرا که با توجه به شغل و حرفه قابل انتظار برای آنها ، انجام خدمت سربازی یا عدم انجام آن نقشی در آینده کاری آنها نداشت. از این رو اجرای این قانون در سالهای اولیه به اینگونه بود که ماموران حکومتی پسران جوان را دستگیر میکردند تا به خدمت سربازی اعزام کنند. در این سالها همچنین پرداخت رشوه برای خرید خدمت یا معافی نیز بسیار رایج شده بود و برخی افراد معافیت از خدمت سربازی شان را به قیمت ۵۰ یا ۱۰۰ تومان میخریدند.*

پاورقی : در قدیم معمول بود که شناسنامه پسر را با سال تولدی دیرتر از تولد واقعی و شناسنامه دختر را با تاریخ تولدی زودتر از تولد واقعی میگرفتند تا بدین ترتیب سن شناسنامه ای پسران کوچکتر از سن واقعی آنها و سن شناسنامه ای دختران بزرگتر از سن واقعی شان باشد. این امر برای پسران بخاطر اعزام دیرتر به خدمت سربازی اجباری و در مورد دختران برای ایجاد امکان ازدواج در سنین (واقعی) پایین تر بود. در ضمن سن معمول ازدواج برای پسران ۱۵ تا ۱۷ سال و برای دختران ۹ تا ۱۳ سال بود

از جمله وقایع تاثیر گذار بر زندگی بخشی از نوادگان آقا یوسف در سالهای اولیه سلطنت پهلوی، دستگیری و حبس سرتیپ علی دیوسالار (سالار فاتح) توسط حکومت رضا شاه بود.

سالار فاتح از مبارزان جنبش مشروطه و از بزرگان و سیاستمداران صاحب نفوذ منطقه نور و کجور بود. او همچنین از رهبران ارشد اردوی نظامی سپهسالار تنکابنی،معاون یفرم خان ارمنی رئیس نظمیهء کشور(بعد از فتح تهران)و بعد از مرگ یفرم خان رییس نظمیه کل کشور،و از همکاران میرزا کوچک خان جنگلی، بوده است . آشنائی سالار فاتح با میرزا کوچک خان مربوط به زمانی است که هردو بعنوان مشروطه خواه تحت لوای سپهسالار تنکابنی بودند. سالار فاتح از فرماندهان ارشد و میرزا کوچک خان ازفرماندهان جزء سپاه سپهسالار تنکابنی بودند .

با شروع جنگ جهانی اول ، علیرغم اعلام بی طرفی ایران در جنگ، دولتهای روسیه و انگلستان این بی طرفی رانادیده گرفته و به ترتیب از شمال و جنوب قشون خود را وارد ایران کردند. این امر موجب شد تا تعدادی از آزادیخواهان از جمله سالار فاتح و میرزا کوچک خان، با اتحاد با یکدیگر و به فکر بیرون راندن بیگانگان (نیرو های روسیه) ازشمال کشور بیافتند این اتحاد (که به اتحاد اسلام نیز نام گرفت) و نزدیکی بین این دو مبارز آزادیخواه بعد ها و در زمانی که (به زعم آنها) مشروطیت از مسیر اصلی خود منحرف گردید و مستبدین دیروز، بر مسند قدرت نشستند ، نیز ادامه یافت. در سالهای شروع جنگ جهانی اول سالار فاتح به اتفاق میرزا کوچک خان جنگلی روانه شمال و منطقه نور و کجور شدند تا از درون جنگلهای شمال نیروهائی را تدارک دیده و تهران را مجددا فتح کنند. اما به دلایلی این اتحاد برقرار نگردید و نتیجه اینکه میرزا از سالارفاتح جدا شد و به سمت لاهیجان حرکت کرد و درآنجا پس از ملاقات و هماهنگی با دکتر حشمت، که به طبابت اشتغال داشت، به گیلان رفت و در آنجا نهضت جنگل را بپا کرد.*

سالار فاتح نیز در منطقهء نورو کجور مستقلا نیروی مسلحی فراهم ساخت و با نیروهای دولتی به زدوخورد پرداخت و گاهی نیز به حمایت میرزا برمی‌خاست . **

پاورقی یک : در مورد علت اینکه چرا میرزا و سالار فاتح نتوانستند به توافق دست یابند یک دلیل این بود که سالار جنگلهای انبوه مازندران را به عنوان مرکز قیا م و عملیات پیشنهاد میکرد اما میرزا کوچک خان تجمع عناصر ملی را در گیلان مناسبتر می‌دانست، علاوه بر این ، از نظر شخصیتی نیز بین میرزا و سالار فاتح تفاوتهائی وجود داشت که مانع از ایجاد اتحادی مستحکم بین آن دو میشد. میرزا فردی طلبه و معتقد به احکام اسلام بود و تعبد دینی و عبادی داشت اما سالار برعکس میرزا تعبد دینی نداشت، بلکه خان و مالکی نو اندیش و آزادیخواه بود. تفاوت دیگر بین آن دو این بود که میرزا متمل و مالک نبود و چیزی برای از دست دادن نداشت اما سالار فاتح قبل از آنکه آزادیخواه باشد، رئیس ایل خود بود و نمی‌خواست ریاست و املاک خود در کجور را از دست بدهد از اینرو محتاطانه گام برمی‌داشت.

پاورقی دو: در هر صورت میرزا در گیلان و سالار فاتح در مازندران به مبارزات خود ادامه میدادند و در اینراه ازحمایت های مادی و معنوی یکدیگر نیز برخوردار بودند. در سال ۱۲۹٤ سپهسالار تنکابنی پسر خود امیر اسعد را با ۱۵۰۰ تفنگچی برای سرکوبی سالار فاتح و اطرافیانش حرکت د د این رویارویی منجر به جنگی ٤٥ روزه بین سربازان سپهسالار و یاران سالار فاتح شد و نهایتا سالار فاتح توانست با پیروزی در نبرد تنکابن را به تصرف خود درآورد . پس از آن سالار فاتح جریان امر را تلگرافی به میرزا کوچک خان که در جنگل بود، اطلاع داد و از او برای مذاکره جهت هماهنگی در مورد خط مشی ادامه مبارزه دعوت به عمل آورد. متعاقب این تلگراف از طرف جنگل نمایندگانی (حاج سید عبد الوهاب، حاجی شیخ محمد حسن، سید علی مدیر روزنامه رعد قزوین و مصطفی خان خرهشتی عضو حزب دموکرات) به تنکابن آمدند و پس از آن سالار فاتح برای مذاکره با جنگلی‌ها از راه دریا به لاهیجان و از آنجا به رشت رفت. در رشت استقبال شایانی از او نمودند، سپس در فومن کمیسیونی از سالار فاتح و میرزا کوچک خان و سران مجاهدین تشکیل شد. در نتیجه یک هیئت هفت نفری مرکب از میرزا کوچک خان ، سالار فاتح ، حاج احمد کسمائی ، حاجی سید محمود ، حاجی شیخ محمد حسن ، رضا خواجه نوری(معز السلطان)، و دکتر حشمت برای بحث دربارهء سیاست جنگلیان و اخذ تصمیمات مقتضی ، انتخاب شدند.

در طی جلسات این مذاکرات که میرزا یحیی خان دیوسالار، نوه آقا یوسف دیوسالار ، نیز در آنها شرکت داشت ، سالار فاتح پیشنهاد کرد حالا که مازندران و گیلان به اختیار آنان در آمده است ، به تهران حرکت کنند. اما حاجی احمد کسمائی مخالفت کرد و میرزا کوچک خان نیز از نظر او پیروی نموده می‌گفت اول تشکیلات خود را درست کنیم بعد تهران را بگیریم . سالار فاتح پاسخ داد که اکنون جنگ دول بزرگ شمال و جنوب را مشغول کرده مستوفی الممالک ، مشیر الدوله و مؤتمن الملک با ملیون همراه هستند. قوای ژاندارمری هم هم با اتحاد اسلام همراهی می‌کند ، در تهران هم مخالف مؤثری نیست گرفتن پایتخت آسان انجام می‌گیرد، اما همین‌که جنگ تمام شود، مرکزی‌ها خود را به دولت فاتح بسته و او و میرزا کوچک خان و سران مجاهدین را از بین خواهند برد و به آنها پیشنهاد می‌کند که تفنگهایشان را برداشته به سوی تهران حرکت کنند و میرزا کوچک خان و کسمائی عذرهای غیرموجه آوردند و با او مخالفت کردند. در پا یان این جلسات ، سالار به میرزا یحیی خان گفته بود: حاجی احمد برای چرچر خود میرزا کوچک خان را آلت کرده است.

در اواخر حکومت قاجاریه ، اعتبار و آوازه نام سالار فاتح تا به جایی بود، که برخی او را (در کنار رضا شاه) به عنوان یکی از کاندیداهای مورد نظر طراحان و برنامه ریزان حکومت و سیاست در ایران (عمدتا سفارت انگلستان) برای جایگزینی سلطنت قاجاریه نیز می‌دانند. در هر صورت حتی اگر در بیان این روایت اغراق هم شده باشد ، اما در هر حال نمی‌توان منکر ذکاوت ، اقتدار ، نبوغ جنگی ، قدرت سازماندهی و نفوذ او در منطقه و همچنین ارتباطات او با سایر سیاستمداران و مبارزان در نقاط دیگر کشور شد. این ویژگیها همچنین سالار فاتح را به رییس و رهبر قوم خود یعنی طایفه دیوسالار و وابستگان آنها در منطقه تبدیل کرده بود.

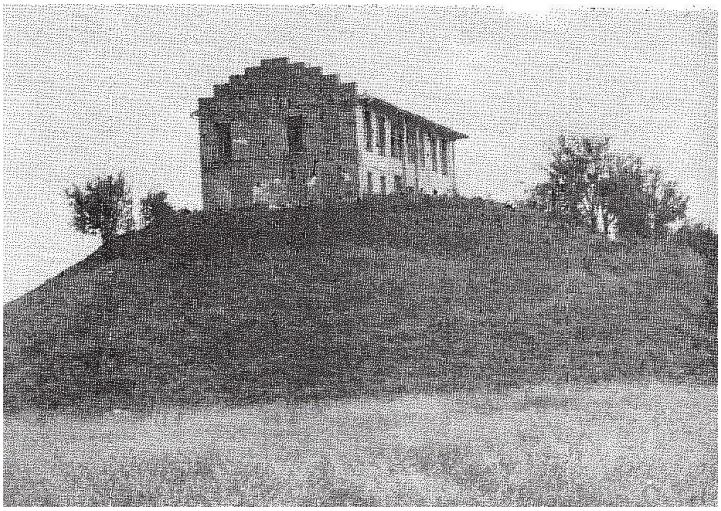

قلعه سالار فاتح در کاسگر محله که چند سال قبل ویران گشت

پس از روی کار آمدن رضا شاه ، چنانچه قبلا بیان شد، سیاست رضا شاه در محدود ساختن قدرت خوانین و بزرگان محلی و از سوی دیگر طمع او برای مالکیت و تصرف زمین‌های حاصلخیز مازندران (که مورد پذیرش سالار فاتح و بسیاری از اطرافیان او نیز نبود) ، زمینه‌های دستگیری و حبس سالار فاتح فراهم آورد. سالار فاتح نیز مانند صدها نفر دستگیر و تقریبا در تمام مدت استبداد ۲۰ ساله پهلوی اول زندانی یا تبعید بوده است تا اینکه در سال ۱۳۲۶ شمسی در تهران وفات یافت.

پس از دستگیری سالار فاتح، موجی از تعقیب و حبس و تبعید سایر بزرگان در خانواده دیوسالار و همچنین سایر خانواده‌های اقوام و دوستان سالار فاتح نیز آغاز شد. این موضوع شامل افرادی میشد که ارتباطت فامیلی یا دوستی مستحکمی با سالار فاتح داشتند و از دید حکومت مرکزی بیم آن میرفت تا به دفاع از سالار فاتح اقدامات مقابله جویانه ای را با حکومت مرکزی در منطقه سازماندهی کنند.

از جمله این افراد می‌توان از میرزا یحیی خان دیوسالار، یار صمیمی و مورد اعتماد سالار فاتح نام برد که برای چندین سال در تبعید بود. همچنین خانم شوکت دیوسالار نقل می‌کند، که عوامل حکومتی در تعقیب برخی دیگر ازافراد محلی از جمله پدرشان وجیه خان دیوسالار ، حاج حبیب الله خان و حاج نبی خان درویش ، حاج نصیر و شیخ مسیح و حاج یحیی سالاریان نیز بودند که از این بین وجیه خان ، حاج نصیر و شیخ مسیح توانستید از تعقیب سربازان حکومتی بگریزند اما بقیه به تبعید برده شدند. خانم شوکت دیوسالار نقل میکند که پدرش وجیه خان دیوسالار برایِ گریز از حبس و تبعید به مدت سه سال به تهران دیگر رفته بود. این سالها از لحاظ اقتصادی سالهای دشواری برای خانواده او در توسکا بود.

شروع سلطنت پهلوی ، تمرکز قدرت در نهادهای حکومتی و دولتی و همچنین تغییر ساختار ارباب رعیتی اثر غیر قابل انکاری بر چهره سیاسی و اقتصادی منطقه گذاشت. در این راستا خصوصا قانون اصلاحات ارضی و تاثیر آن بر اقتصاد مالکین منطقه و از جمله خانواده های دیوسالار، شرایط را برای فرزندان و نوادگان آقا یوسف دشوار تر کرد چرا که از بخش قابل توجهی از درآمد های لازم برای تامین زندگی و معاش خود یعنی دریافت بهره مالکانه محروم شده بودند و علاوه بر آن زمین های زیادی را هم از دست داده بودند و در نتیجه شرایط زندگی برای آنها نیز مشابه سایر کشاورزانی شده بود که تا چندی پیش رعیت آنها به شمار میرفتند.

از این رو نسل های جوان تر و خصوصا مردان و پسران خانواده ها، به فکر پیدا کردن مشاغل دیگری برای خود شدند تا در کنار کشاورزی ، بر روی زمین های باقیمانده بعد از تقسیم زمین اصلاحات ارضی، بتوانند آینده خود و فرزندانشان را تامین نمایند.

با پایان به کار معدن گلندرود در سالهای ۱۳۲۰ و در دورانی که خانواده‌ها هنوز در دوران ریاضت اقتصادی ناشی از فروش اجباری املاکشان به رضا شاه بودند، جوانان و مردان خانواده به فکر مهاجرت به نقاط دیگر کشور و کار در سازمانها و سازمانهای صنعتی و دولتی افتادند، از جمله این مرکز جذب نیروی کار که مورد توجه جوانان فامیل قرار گرفت کار در ادارات دولتی و یا ذوب آهن و شرکت نفت در تهران، شاهرود، دو آب و همچنین پیوستن به ارتش بود.

البته بسیاری دیگر از مردان خانواده نیز به ادامه کار بر روی زمین و کشت برنج و در کنار آن مشاغل بومی دیگری نظیر مغازه داری، حمل و نقل ، معدن ذغال، ... پرداختند.

پایان جنگ جهانی دوم و آغاز سلطنت محمد رضا شاه، و تغییرات و اصلاحات متعاقب آن چنانچه در بالا ذکر شد، همچنین سر آغازی بود برای مهاجرت شاخه‌های مختلف خانواده های دیوسالار، به سر تا سر کشور. شاید بتوان گفت که بیشترین تعداد این مهاجران (همچون سایر مهاجرتها در کشور) به سمت پایتخت یعنی تهران سرازیر شدند.

در سالهای بعد دامنه مهاجرت‌ها وسیع تر شد و به کشورهای دیگر نیز گسترش پیدا کرد. در حال حاضر (سال ۱۳۹۰) بسیاری از افراد خانواده دیوسالار و همینطور فرزندان و نوادگان یوسف دیوسالار که در این تبار نامه از آنها نام برده شده است در خارج از ایران و عمدتا در کشورهای اروپایی و آمریکایی زندگی میکنند و بخشی از نوادگان آقا یوسف متولد و بزرگ شده این کشورها بوده و از این رو آشنایی ناچیزی با زبان، فرهنگ ، تاریخچه و پیشینه خانواده خود دارند.

یکی از اهداف تدوین و نشر این تبارنامه و بخشی از آن که به "گزارش به آیندگان" اختصاص یافته است، ایجاد امکان ارتباط بین نسلهای جدید (داخل و یا خارج از ایران) با تاریخ و پیشینه خانوادگیشان است . این آشنایی و شناخت قطعا عامل حفظ علایق و ارتباطات نسلهای آینده با هویت و تاریخ خود و همچنین با سایر افراد هم خانواده شان خواهد شد.

تا سالهای پیش مهاجرت پدرانمان به شهرهای دور و نزدیک در داخل ایران (در بیشتر موارد) عامل قطع کامل رابطه با سرزمین مادری و سایر افراد خانواده نبوده است و امید که این امر در نسل حاضر و نسلهای بعدی نیز اتفاق نیافتد و چنانچه انفصال و گسستگی ای هم رخ داده ، به سرعت به وصل و بازسازی و گسترش ارتباطات خانوادگی بیانجامد . چنانچه مولوی میگوید:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

عبدالرضا دیوسالار
دیماه ۱۳۹۰ ـ انگلستان

روایاتی از تاریخچه زندگی و احوالات

شاخه های مختلف خانواده

(گزارشی به آیندگان)

این قسمت از تبار نامه اختصاص دارد به نقل روایات و حکایات مختلف مربوط به شاخه های مختلف خانواده های دیوسالار . مطالب این قسمت توسط بزرگان و یا مطلعین خانواده که جزو نوادگان آقا یوسف و یا اقوام سببی آنها میباشند تهیه شده است که در آنها به بیان روایاتی از شاخهٔ خانوادگی خود یا سایر موارد مربوط از قبیل اتفاقات مهم ، آداب و رسوم، مناسبت‌ها و ... پرداخته اند.

بار دیگر از مساعدت و همکاری همه این عزیزان در پربارتر شدن این مجموعه صمیمانه تشکر و تقدیر میشود

توضیح : قرار گیری مطالب این قسمت به ترتیب حروف الفبا و بر اساس حرف اول نام راویان یا نویسندگان مطالب تنظیم شده است.

روایاتی از بزرگان خاندان دیوسالار

(به قلم بهرام دیوسالار)
ازشاخه خانوادگی رحمت الله خان دیوسالار

کربلایی علی کالجی (جد آقا یوسف):

آرامگاه کربلایی علی، پدر بزرگ آقا یوسف، در ضلع شمالی مقبره جمشید کیا سلطان واقع در رویان میباشد. بر روی دیوار ضلع شمالی به خط کوفی نوشته شده:
"شاه کلبعلی بیگ بن کالجی، وفات ۱۱۴۹ هجری قمری" (۱۱۱۵ شمسی)
چون هجار زمان فوت کربلایی علی،کم سواد بود، به جای کربلایی علی، به زبان مردم عامی آن زمان کلبعلی نوشته است. این نوشته نشان میدهد که به اجداد ما قبل از میرزا ولی به جای خان، بیگ خطاب میکردند.

میرزا ولی خان دیوسالار:
آقای هوشنگ خان دیوسالار در کتاب "روزی روزگاری" خود آورده است:
" نقل است که میرزا ولی اتفاقی میزبان ناصرالدین شاه در کالج شد. و در این باره حدیث و حکایت بسیار است. شاه قاجار از میهمان نوازی و مناعت طبع میرزا ولی خوشش آمد... احترام و نظر خاصی به او پیدا کرد. و اولین کسی که او را میرزا ولی خان خطاب کرد ناصر الدین شاه قاجار بود. گویند که گاهی در تابستانها، شاه قاجار با خدم و حشم خاص خود در کالج مدتی میهمان میرزا ولی خان بود. در هر صورت میهماندار ناصر الدین شاه در کالج بود ، شاه نیز قسمتی از املاک خاص شاهی خود، از املاک بیلاقی کالج و قشلاقی کاسگر محله، توسکا، تاشکو ، رویان و چندین مرتع و جنگل از جمله میر و عباسا و ... را به عنوان حق سفره به او بخشید. گفته‌اند و شنیده‌ام که او را نائب ۱۷ بلوک نور و کجور کرده است. نقل است وقتی میرزا ولی در کالج به پیشواز شاه قاجار می‌رفتند ... شاه قاجار به احترام میرزا ولی خان که در آن زمان مرد مسن و با وقاری بود، از اسب پیاده میشد و او را بغل می‌گرفتند و او را میرزا عمو خطاب میکردند "

میرزا فتح الله خان دیوسالار :
پدرم علیرضا خان نقل میکرد که :
" عمویم میرزا فتح الله خان ، مردی متمول و خوشنام بود. او دستور داد برای روستای توسکا جاده خاکی درست کنند تا مردم بتوانند به راحتی عبور و مرور کنند. این راه به "مسنی میرزا فتح الله خان" معروف شد. در دورهٔ وی اکثریت مردم بضاعت مالی خوبی نداشتند. وی هر هفته بار عام داشت و دستور میداد از رمه‌اش گاوی را بکشند و یک وعده ناهار یا شام برای همه بی بضاعت‌های منطقه تهیه کنند. ایشان در سنّ چهل سالگی در سال ۱۳۰۳ و در روز عاشورا دار فانی را وداع گفتند."

میرزا علی خان دیوسالار (سالار فاتح):
آقای ایرج خان سالاریان در کتاب "کشکول کالجی" می‌نویسد:
" سرتیپ علی دیوسالار (سالار فاتح) (۱۳۲۶-۱۲۴۵) یکی از چهره‌های بازیگر در عرصه سیاست ایران در دورهٔ بین انقلاب مشروطه تا سلطنت رضا شاه بود. او که علی رغم نقش مهمی که در جریان فتح تهران و قزوین و بعدها در جنبش جنگل داشتند اما ، به زحمت می‌توان نامش را در تاریخ رسمی پیدا کرد. وی از متنفذان و ملاکان و نوابغ مازندران و از مردان بزرگ کالج بود.

از طرف ملیّون در سال ۱۲۸۸ لقب سالار فاتح گرفتند، مردی آزادیخواه و نویسنده و تاریخ دان به شمار میرفت. تالیفاتی دارند که به چاپ نرسیده است. سالار فاتح به دلیل مشروطه خواهی و نیز به دلیل مخالفت با رضا خان سالها متحمل زندان شدند. پس از آزادی به مدت چهار سال در تهران زندگی کردند و سر انجام در سال ۱۳۲۶ در سنّ ۸۱ سالگی دار فانی را وداع گفتند و در قبرستان ظهیر الدوله به خاکسپرده شدند."

خانم منیر دیوسالار ، همسر منوچهر خان دیوسالار نقل می‌کند:

"عمویم سالار فاتح، عالم به علم پزشکی نیز بود. به خصوص زمانی که در کاسگر محله در "قلعه سالار" ، محل سکونت خود به سر می‌بردند، اهالی از اطراف جهت مدوا به وی مراجعه میکردند و او برای آنها داروهای گیاهی تجویز میکرد. عموما ویزیت قبول نمی‌کردند و اگر کسی اصرار داشت به جای وجه تقاضای خروس میکرد و اعتقاد داشت که گوشت خروس دارویی است."

وی شعر هم میگفت و متخلص به "نوبر" بود. نمونه ایی از اشعار سالار فاتح:

بده ساقی آب آتش مزاج — که جام سفالین به است از زجاج
فرو ریز آب گلو سوز را — نخواهم دگر شام را روز را
هم آواز جغدم هم آوای بوم — خرابات خواهم ز آباد بوم
ز نار فراقم به سر خاک شد — ببادم همه آبرو پاک شد
کسی همچو من خوار و هرمان مباد — گرفتار آزار هجران مباد
جدایی مرا کرد خون در جگر — کدامین بلا از جدایی بتر
مرا قلب از هجر بریان بود — کدامین عذابی چو هجران بود ؟
دلم را زبن کند آشوب هجر — شدم پایمال و لگد کوب هجر
تو را کلبه آباد ای می فروش — که در مهر دل بسته تار اوست
پریشانم‌ای داد از دست یار — هلاک دو چشمان سر ماست یار
بجوید زهر جا نشانم فراق — ندانم چه خواهد زجانم فراغ
زنده زنده به تو گور روی — به که زیر سخن زور روی
وه چه خوش گفت زاهل کجور — دوزخ آزاد به از جنت زور

میرزا یحیی خان دیوسالار :

میزا یحیی خان در اوایل سلطنت پهلوی به شیراز و نی‌ریز و داراب تبعید شده بودند. بعد که به موطن خود بازگشتند به استخدام اداره ثبت احوال در آمدند. حدود سال ۱۳۲۳ شمسی به بعد به عنوان ریاست اداره ثبت احوال آمل و بابل و ساری مشغول به کار بودند و بعدها به تهران منتقل شدند.

مرحوم میرزا یحیی خان ادیب و فاضل بودند. به همین خاطر همه فامیلها و آشنایان ارادت خاصی نسبت به او داشتند. ایشان در عین حال ساده زیست هم بودند. در خانه‌اش به روی همه باز بود. همسرش ماه سلطان خانم نیز زنی مهربان و با صفا بودند و همه اینها دست در دست هم داده و منزلشان میعادگاه همه به راه ماندگان بود. ایشان آدمی بذله گوی و رک بودند و با نزدیکان خود ، علی الخصوص با دایی خود رحمت الله خان مراوده نزدیکی داشتند و همیشه با ایشان شوخی میکردند. نامبرده به موسیقی علاقمند بود و به خوبی تار مینواخت.

به شدت حامی و مشوق کسانی بودند که به دنبال فرا گرفتن علم و دانش بودند، خصوصا اگر آن فرد از قشر محروم جامعه بود. با اساتید دانشگاه دائما در تماس بود و مریدان زیادی داشت و شخصیت سرشناسی بود. سالهای سال مبتلا به دیابت بود و سر انجام در پاییز ۱۳۴۸ شمسی در اثر سکته با کوله باری از خوشنامی دار فانی را وداع گفت.

آقای هوشنگ دیوسالار در کتاب "روزی روزگاری" خود که خطاب به مادرش عظیمه خانم است، درباره میرزا یحیی خان دیوسالار می‌نویسد:

" مادر! جا دارد یادی هم شود از مرحوم میرزا یحیی خان دیوسالار بزرگ مردی از تیره و تبار دیوسالار ، پسر مرحوم موسی سلطان و راضیه خانم (خانم جان) ، پسر عمه شما و از خواهر زادگان مرحوم رحمت الله خان و میرزا فتح الله خان، و از بزرگ مردان بسیار با اطلاع در آن زمان و در روز و روزگار در حد خود. ایشان برجسته و مورد احترام و حرمت در منطقه خود و افتخار بزرگ خاندان دیوسالار بودند. گره گشا و کلید قفل هر مشکل برای همه اقوام و دوستان آن زمان، حتی افراد غریبه و نا آشنا. یاد سفره ساده و بی ریا و همیشه پهن آن خانواده در جای جای ایران ، بخصوص در تهران آن زمان و میزبان و هم سفره با تهی دستان و بی نوایان.

به خصوص لبخندهای زیبا و گرم مرحوم مهشید خانم و داریوش خان و هوشنگ خان، که عطر و بوی مهر و محبت و آشنای آن پدر و مادر مهربانشان را داشت. با آن پست و مقام، بی اعتنا به مال و ثروت و قدرت و زرق و برق دنیا، سلطان محبت و خدمت، عاشق و شیدای محبت و خدمت به مردم، صوفی، صافی و ساقی،... حکایتی بود.

به هنگام وداع از این دنیا در پاییز غم انگیز ۱۳۴۸ در خانه استیجاری در تهران آن زمان از مال دنیا فقط ده ریال در جیب و دیگر هیچ.... مسافری سبک بال با کوله باری از مهر و مهربانی، آدمیّت، انسانیت و خدمت.

مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی، دانشمند، استاد بنام و محترم دانشگاه تهران و وزیر کشور مرحوم دکتر مصدق در مجلس ختم ایشان افتخار میکرد که از اقوام و دوستان نزدیک و از مریدان میرزا یحیی خان دیوسالار میباشد. روحش شاد و یادش گرامی"...

همچنین پسر عمه‌ام ، آقای ایرج خان سالاریان در کتاب "کشکول کالج" می‌نویسد:

"میرزا یحیی خان ، استاد بزرگ تاریخ ادبیات و از روسای عالی رتبه و پاکدامن ثبت احوال کشور، کار گشایی بی نظیر و مهمان نوازی بی ریا و وارسته ای به تمام معنا بود. ایشان در مجالس مذاکرات سالار فاتح و میرزا کوچک خان حضور داشتند".

بهرام دیوسالار
بهمن ۱۳۹۰ - نور

وجیه الله خان دیوسالار

(به قلم بهروز دیوسالار)

ازشاخه خانوادگی فتح الله خان دیوسالار و حمیده دیوسالار

وجیه الله خان دیوسالار پسر بزرگ میرزا فتح الله خان و خدیجه سلطان درویش در حدود سال ١٢٨٦ در روستای توسکا دیده به جهان گشود و در سن ٥٧ سالگی در سال ١٣٤٣ در تهران به علت بیماری فوت کرد. مادر ایشان خدیجه سلطان همسر اول میرزا فتح الله خان بود که از طایفه درویش و خواهر حاج حبیب الله خان و حاج نبی خان درویش بود. وجیه الله خان کودکی شش ماهه بود که مادرش فوت کرد و در هنگام مرگ پدر، احتمالا نوجوانی ١٣ و یا ١٤ساله بود. او به تشویق عموی خود رحمت الله خان دیوسالار، با خواهرهمسر او خدیجه ایزدی بنام عطیه ایزدی ازدواج کرد. او در توسکا زندگی می کرد. صاحب زمین کشاورزی بود و از کشاورزانی که زمین او را کشت می کردند خراج می گرفت. او همچنین مغازه دستفروشی دریکی از اتاقهای منزلش در توسکا داشت.

وجیه خان و فرزندان بزرگش : فضل الله ، فتح الله و عشرت

حاصل ازدواج او و عطیه چهار پسر و سه دختر بود. پسرارشد او حاج فضل الله خان متولد ١٣٠٥ و در سال ١٣٧٩ در سن ٧٤ سالگی فوت کرد. فرزند دوم ایشان فتح الله (بالا خان) می باشد که در همان محل منزل پدرش وجیه خان در توسکا زندگی میکند. حاجیه عشرت خانم فرزند سوم و دختر ارشد وجیه الله خان و عطیه است . شهید سرتیپ شکرالله خان پسر سوم وجیه الله خان متولد ١٣١٧ بود و و در سال ١٣٦٢ در جنگ ایران و عراق در تپه های فکه به شهادت رسید. دختر دوم وجیه خان ، حاجیه شوکت خانم متولد ١٣١٩ است ، و پس از او پسر چهارم و آخر وجیه خان عزیز الله خان که ساکن تاشکو میباشد و بالاخره کوچکترین دختر رفعت خانم دیوسالار که با پسر دایی خود سیاوش ایزدی ازدواج کرد و ساکن روستای تیرکده است. از بین فرزندان وجیه خان شوکت و رفعت متولد کالج و سایر فرزندان در توسکا دیده به جهان گشودند.

پسر بزرگ وجیه خان یعنی حاج فضل الله خان ابتدا در گلندرود به شغل آموزگاری مشغول بود و بعد ها به تهران رفتند و در وزارت صنایع و معادن (کارخانه سیمان) مشغول به کار شدند. دارای ١١ فرزند و بسیار موفق در تربیت آنها که همگی دارای تحصیلات عالیه هستند. فتح الله (بالا خان) چنانچه گفته شد ساکن توسکا بود و بسیاد فعال و پرتلاش و پر استقامت . او با دختر عمه خود مرحومه سیده ساره سجادی ازدواج کرد و در نزدیکی خانه پیدی در توسکا منزلی برای خود ساخت . او بعدها ازدواج مجددی داشت و بدنبال آن همسر اول او به همراه فرزندانش به تاشکو نقل مکان کردند و بالا خان به همراه همسر دومش در توسکا ماندند. خانم عشرت دیوسالار با داوود خان دیوسالار که از شاخه دیگر دیوسالارها و از نوادگان تقی سلطان دیوسالار هستند ازدواج کرد و ابتدا در نور و بعد به تهران نقل مکان کردند. ایشان ابتدا کارمند دولت ودر شرکت نفت بود اما به دلیل علاقه زیاد به وکالت ، پس از نقل مکان به تهران و علیرغم عایله مند بودن، در رشته حقوق در دانشگاه بصورت شبانه ادامه تحصیل دادند و از وکلای طراز اول در تهران و شهرستان نور بوده و میباشند. در بین فرزندان و نوادگان ایشان نیز علاقه به رشته و کار قضاوت و دادگستری وجود دارد و تعدادی از آنها جزو دانش آموختگان و شاغلین در این حوزه کاری میباشند. شهید والامقام سرتیپ شکراله دیوسالار ساکن تهران و شاغل در مرکز آموزش ٠١ ارتش بودند . ایشان نیز در تربیت فرزندانی شایسته و دارای تحصیلات عالیه بسیار موفق بودند و چنانچه گفته شد در جنگ ایران و عراق در تپه های فکه به شهادت رسیدند. خانم شوکت دیوسالار با حاج محمدکاظم سالاریان ازدیگرنوادگان آقا یوسف و فرزند هاجرخاتون دیوسالار ازدواج کردند وساکن تاشکو بودند و هستند. حاصل ازدواج آنها نیزفرزندانی شایسته و پر تلاش بود. دیگرفرزند پسر وجیه الله، عزیزالله بودند که ایشان نیزبا دیگر نواده آقا یوسف و نوه هاجر خاتون و دختر خدیجه سالاریان ازدواج کردند. ایشان ابتدا ساکن توسکا و بعدها

به تاشکو سفلی نقل مکان کردند. از جمله فرزندان خوش اخلاق و موفق عزیز الله خان میتوان از پسر بزرگشان حمیدرضا نام برد که در حال حاضر افسر راهنمایی و رانندگی با درجه سرهنگی و ساکن تهران هستند. و بالاخره آخرین فرزند وجیه الله خان، خانم رفعت دیوسالار هستند که ساکن تیرکده میباشند.

عمه ام حاجیه خانم شوکت دیوسالار نقل می کند:
در زمان سلطنت رضا شاه زمانیکه حاج نوری زاده، مباشر رضا شاه بودند و جوانان را به بیگاری می بردند، پدرم وجیه الله خان تن به بیگاری دربار نمی داد. ازآنجایی که مادرم عطیه ایزدی ، نسبت نزدیکی با سالارفاتح داشتند (پدر عطیه ایزدی از اقوام و یاران نزدیک سالار بودند و در درگیری تنکابن کشته شده بودند) از طرف دولت رضا شاه بیم آن می رفت که یاران سالارفاتح دست به قیام بزنند، بسیاری از نزدیکان و آشنایان سالار فاتح را تبعید می کردند و از جمله شبانه به منزل وجیه الله خان حمله بردند ولی ایشان قبل تر محل زندگی را ترک کرده بود و در منزل پدر شیخ حسین در توسکا مخفی شد و فردای آن روز از طریق نمک آبرود به تهران گریخت. ایشان مدت سه یا چهار سال به دور از خانواده بودند و این شرایط زندگی را برای همسر و فرزندانش سخت تر و سخت تر می کرد. بطوری که همسر وجیه خان خرج روزمره را از محل فروش آب نارنج ، پرورش کرم ابریشم و فروش نخ آن (نغون)، نگه داری چند راس گاو و فروش شیروماست آن و پرورش مرغ و فروش تخم مرغ سپری می کرد. شوکت خانم به نقل ازمادرش می گوید: برای اینکه در منزل تنها نباشم یکی از اتاقهای منزل را به کارگرانی که در معدن گلندرود کار می کردند اجاره دادم و آنها در ازای آن برایم از جنگل هیزم می آوردند. پس از پایان دوره زندگی مخفیانه وجیه الله خان زمین هایی که قبلا توسط حکومت دربار مصادره شده بود را خریداری نمود و با گرفتن خراج شرایط زندگی کمی بهبود یافت . عطیه ایزدی ، همسر وجیه خان بسیار زن با اراده، محکم، فعال و خستگی ناپذیری بود. در محل بسیار مورد احترام بود و در مشکلات مردم اعم از غم و شادی و مریضی به آنها کمک فراوان می کرد.

در آن زمان در اول بهار وجیه الله خان و خانواده اش به ییلاق کالج کوچ می کردند و تا اول پاییز در آنجا می ماندند. چون مسیر ماشین رو به کالج وجود نداشت آنها می بایست با اسب مسیر را طی می کردند و در بین راه در افراچال توقف می کردند چرا که مسیر بسیار خسته کننده و طاقت فرسا بود.

.

وجیه الله خان در سن ۵۷ سالگی در سفری به شیراز دچار بیماری شد و به علت فشارخون در تهران منزل پسرش فضل الله خان دار فانی را وداع گفت. پیکر ایشان را در قم (در آن زمان رسم بر این بود که جنازه افراد را در مکانهای زیارتی ببرند) به خاک سپردند. بیاد دارم که پدرم فضل الله خان علاقه بسیاری برای سفر به شهر قم داشتند و زمان زیادی را بر سر مزار پدرشان می گذراندند. هر زمان که یکی از خواهرانشان شوکت خانم یا رفعت خانم به تهران منزل ما می آمدند به اتفاق برای زیارت و فاتحه خوانی به قم می رفتند و در مسیر برگشت بر سر مزار برادرشان شکرالله خان واقع در بهشت زهرا می رفتند.

یادشان گرامی و روحشان شاد

بهروز دیوسالار
اردیبهشت ۱۳۹۱ ـ تهران

توضیح : تصویری از مرحوم وجیه الله خان دیوسالار و همسرش عطیه ایزدی در قسمت " تصاویر درگذشتگان " در پایان این تبار نامه موجود میباشد

همسر و فرزندان آقا یوسف دیوسالار

(به قلم بهنام دیوسالار)

ازشاخه خانوادگی میرزا فتح الله خان دیوسالار و حمیده دیوسالار

همسر آقا یوسف زهرا نام داشت و دختر یکی از خوانین طایفه درویش بود. این امر باعث وصلت و نزدیکی بیشتر فرزندان و نوادگان آقا یوسف و طایفه درویش گردید. چنانچه عروس بزرگ آقا یوسف یعنی خدیجه سلطان (همسر اول میرزا فتح الله خان) نیز از طایفه درویش و خواهر حاج حبیب الله خان و حاج نبی خان درویش بود. این قرابت و خویشاوندی این شاخه از دیوسالارها با طایفه درویش در نسلهای بعد نیز ادامه پیدا کرد، امری که در سایر شاخه های خانواده دیوسالار به این شکل مشاهده نمیشود. زهرا تنها همسر آقا یوسف بود ، آنها دو پسر به نامهای فتح الله خان و رحمت الله خان و سه دختر به نامهای حمیده ، راضیه (معروف به خانم جان) و نرگس خاتون داشتند. اطلاع دقیقی از زمان تولد این پنج فرزند در دست نیست اما از روایت‌هایی که بزرگان فامیل از این افراد نقل میکنند، به نظر می‌رسد فرزند اول حمیده، بعد فتح الله، سپس دودختر دیگر یعنی خانم جان و نرگس خاتون و فرزند کوچکتر هم رحمت الله خان بوده باشند، از طرفی به احتمال خیلی قوی همهٔ این پنج فرزند در توسکا (یا کالج) متولد شده اند.

از بین فرزندان آقا یوسف ، فتح الله و نرگس خاتون در سنین پایین تری فوت کردند. فتح الله خان در زمان مرگ تنها چهل سال سنّ داشت و نرگس خاتون وقتی که فوت کرد مادر جوان تنها کودک دختر خود (بی‌بی خانم) بود و از این رو می‌توان سنّ فوت او را حدود بیست سالگی اش دانست. از علت مرگ زود هنگام این دو نیز اطلاعی در دست نیست، اما آنچه مسلم است در شرایط بهداشتی و درمانی نابسامان در آن روزگاران ، هر بیماری ساده ای می‌توانست منجر به فوت بیمار شود.
این امر شامل حال همسران فتح الله خان هم بود، چرا که او در طول مدت کوتاه زندگی خود سه بار ازدواج کرد و هر بار ازدواج او در پی مرگ همسرش بوده است.

در هر صورت مطابق سنت رایج محلی، پسر بزرگتر در منزل و ملک پدری باقی ماند و برادر کوچکتر یا رحمت الله خان به تاشکو رفت و برای خود در آنجا خانه ساخت. رحمت الله خان تقریباً در تمام دورهٔ حیات خود (به جز دورهٔ کوتاهی که در وزارت راه کار میکرد) همیشه در تاشکو زندگی میکرد و نهایتا در سال ۱۳۵۲ سنّ ۸۶ سالگی به درود حیات گفتند.

دختر بزرگ آقایوسف (حمیده دیوسالار) به ازدواج سید جمال سجادی که از معممین و روحانیون معتبر و صاحب احترام نور(سولده) بود، در آمد و اوایل زندگی خود را در محله "تنگ سر" در نور (سولده) زندگی میکرد. اما میرزا فتح آلله خان که مالکی متمول و دارای نفوذ بود ترجیع میداد که خواهرش در نزدیکی او زندگی کند. از این رو در محل منزل قدیم فتح الله (بالاخان) دیوسالار در توسکا ، خانه‌ای برای حمیده و شوهرش ساخت و آنها را به نزدیکی خود آورد. این امر شاید علت اصلی وصلت های بعدی نوادگان حمیده (سیده فاطمه و فخری سادات) با خانواده دیوسالارهای توسکایی بود.

حمیده در توسکا در نزدیکی برادر ماند و سالیان عمر خود را در توسکا سپری کرد. البته بر خلاف برادر، روستای ییلاقی او و همسرش، لوس بود (و نه کالج). اما مرگ زود هنگام همسر و برادر که بسیار هم عزیز بودند و متعاقب اینها درگذشت پسر جوان او ، عبدالوهاب در سنین حدود ۲۵ سالگی، ضربات بزرگی بر پیکر حمیده بودند. عمه‌ام خانم شوکت دیوسالار ، عمه بزرگ خود حمیده را به یاد دارد که در سنین پیری با مویی سپید ، عصا به دست و با پشتی خمیده در توسکا در نزدیکی خانهٔ پدری اش زندگی میکرد، و کمر خمیده او را به مصیبتهای مرگ همسر، برادر و پسرش در سنین جوانی نسبت میدهد. این وقایع و همچنین دارا بودن عنوان همسر سید جمال سجادی که بسیار متعبد و مورد احترام مردمان آن روزگار بود، حمیده را نیز به بانویی پرهیزکار و مؤمن و عابد تبدیل ساخت و در بین اهالی محل عنوان "آقا زن" (یعنی همسر آقا و سید) را پیدا کرد، و بسیاری از در ماندگانی که حل مشکل خود را در توسّل و دعا میدیدند برای این کار به او مراجعه میکردند.

مرحوم مادرم فخری سادات سجادی، نوهٔ حمیده دیوسالار نقل میکرد که:
" ننه حمیده مورد احترام و قبول مردم بود، بسیاری از مردم وقتی چیزی را گم میکردند به نزد او می‌رفتند و او دعای خاصی می‌دانست که می‌خواند، و آنچه گم شده بود پیدا میشد. یا در مورد بیماری چشم به نزد او می‌آمدند و او هفت دانه گندم را دعا میکرد و داخل یک کاسه یا لیوان آب میریخت و از فرد بیمار می‌خواست که آب را بخورد، و بیماری او خوب میشد. یک بار در ییلاق لوس شب هنگام ننه حمیده که بیمار بود برای قضای حاجت از خانه خارج میشود ، اما به دلیل بیماری راه را گم می‌کند. بعد از چند ساعت خواهرم سیده فاطمه و سایر اطرافیان متوجه غیبت او میشوند و به جستجوی او می‌پردازند، تا اینکه ناگهان نوری را بر بالای کوه " تمشکن" که نام محلی در لوس است می‌بینند، به طرف نور میروند و در آنجا می‌بینند ننه حمیده بر روی تخته سنگی نشسته است و مشغول خواندن دعا است و از نور هم خبری نیست".

شک نیست که بسیاری از این حکایات و قائل شدن قدرتهای ماورا انسانی، جنبه خرافاتی داشته و ناشی از نا آگاهی مردم بوده است اما در هر صورت این خود نشاندهنده جایگاه و قرب و احترام حمیده دیوسالار در نزد مردم نیز هست . از جمله حکایت‌های باور نکردنی دیگر در این مورد مربوط به زمان فوت پسر حمیده دیوسالار یعنی سید عبدالوهاب سجادی است که منجر به تدفین او در "شاه ناجر" شد. نقل است که پس از فوت سید عبدالوهاب و وقتی مشغول غسل بدن او در مسجد تاشکو بودند ، یکی از اهالی محل به نام ذبیح که تازه از کالج رسیده بود ، به مسجد که میرسد و تجمع مردم رامیبیند، پرس و جو میکند که چه خبرشده، وقتی متوجه علت تجمع مردم در مسجد میشود، با تعجب ادعا میکند که ساعاتی قبل در بین راه سید عبدالوهاب را دیده و حتی با هم نشسته و گپ هم زده بودند و سید عبدالوهاب به او گفته بود که به "شاه ناجر" میرود و ... همین موضوع باعث می‌شود که جنازه متوفی را به قبرستان "شاه ناجر" که روستایی هست بین کجور و ورازن ببرند.

دختر دوم آقا یوسف یعنی خانم جان با موسی سلطان دیوسالار برادر ابراهیم دیوسالار (ضیغم سلطان) و پسر عموی سالار فاتح که از خوانین و مالکان شاخه دیگری از خانواده دیوسالار بودند ، ازدواج کرد. محل زندگی خانم جان و همسرش روستای تیرکده و محل زندگی ییلاقی آنها کالج بود. خانم جان و موسی سلطان یک پسر بنام یحیی و یک دختر بنام مرضیه داشتند. اما موسی سلطان نیز در سالهای جوانی زمانی که فرزندانش یحیی و مرضیه کودکی بیش نبودند دار فانی را وداع گفت و پس از او ضیغم سلطان سرپرستی فرزندان برادر را بر عهده گرفت و آنها را به زیر چتر حمایت خود درآورد. این امر موجب شد تا یحیی خان بتواند تحصیلات خود را در آمل و تهران ادامه دهد. همچنین نزدیکی فرزندان خانم جان به حلقه یاران علی دیوسالار (سالار فاتح) موجب نزدیکی این شاخه از نوادگان آقا یوسف با دیوسالار با نزدیکان سالار فاتح شد. یحیی که در سال ۱۲۷۴ شمسی در روستای کالج متولد شده بود و در همان سالهای طفولیت و شیرخوارگی ، پدر خود را از دست داده بود همچنین مورد حمایت و توجه خاص پسر عموی پدرش علی دیوسالار (سالار فاتح) که از آزادیخواهان معروف صدر مشروطیت در مناطق شمالی است ، قرار داشت ، او بعدها به میرزا یحیی خان شهرت یافت ، میرزا یحیی مردی پاکدامن و سلیم النفس بود، مورد تکریم و احترام همگان بود. او از تاریخ و فلسفه و ادبیات اطلاعات گرانبهایی داشت و به ویژه در تاریخ مازندران و رجال زمان خود صاحب رای و در میهن دوستی و خدمت به خلق زبانزد دوست و آشنا بود . او با دختر عمویش ماه سلطان دیوسالار ازدواج کرد و صاحب دو پسر (هوشنگ و داریوش) و سه دختر (فرخ ، مهشید و عفت) شد. میرزا همچنین بسیار زیبا دوتار مینواخت و درانجمن های مختلف فرهنگی و هنری حضور داشت.
دختر خانم جان یعنی مرضیه خانم نیز با اسماعیل خان شایگان رییس اداره آگاهی تهران ازدواج کرد. این وصلت شاید مربوط به دوره ای باشد که سالار فاتح رییس نظمیه تهران و معاون یفرم خان بود و این امر زمینه آشنایی و این ازدواج را فراهم آورده باشد. در هر صورت فرزندان خانم جان را باید جزو اولین مهاجران در بین نوادگان آقا یوسف به حساب آورد که زودتر از بقیه به تهران رفته و در آنجا زندگی کردند.

دختر سوم آقا یوسف یعنی نرگس خاتون، همانطور که گفته شد ، در سنین جوانی فوت کرد. در زمانی فوت او تنها دخترش بی بی خانم هنوز کودکی بیش نبود. عمه ام شوکت دیوسالار نقل میکند " که پس از درگذشت نرگس خاتون ، سرپرستی بی بی خانم را دایی اش فتح الله خان بر عهده میگیرد و پس از فوت فتح الله خان هم بی بی خانم نزد وجیه خان پسر بزرگ فتح الله خان بزرگ میشود تا اینکه بعد ها با حاج غلامحسین سالاریان ازدواج نمود."
شاید این نزدیکی و زندگی بی بی خانم در کنار فرزندان دایی اش علت اصلی رابطه صمیمی و عمیقی بین فرزندان او و پسر بزرگ وجیه خان یعنی مرحوم پدرم ، فضل الله خان دیوسالار بوده است، بطوری که تا جایی که به یاد دارم همواره مرحوم ابوالفتح خان (پسر بزرگ بی بی خانم) و پدرم را در حال شوخی و مزاح با یکدیگر میدیدم و گویا با مشاهده هم به یاد دوران کودکیشان افتاده و با همان صمیمیت دوران کودکی سر به سر هم میگذاشتند.

یاد همه درگذشتگان این خانواده گرامی باد

بهنام دیوسالار
بهمن ۱۳۹۰ ـ انگلستان

زندگینامه حاج غلامحسین سالاریان

(به قلم پیام سالاریان)

ازشاخه خانوادگی رحمت الله خان دیوسالار و نرگس خاتون دیوسالار

حاج غلامحسین سالاریان پسر بزرگ حاج احمد و کربلایی ماری و از تبار بخشی و محمدباقر بود. برادرکوچکترش بنام حاج حسن بود و نیز ٤ خواهر بترتیب بنامهای صنمبر، صدیقه ، بتول ، صالحه و صاحب ٩ فرزندپسر و ٤ فرزند دختر از دو همسرش بود. همسر اولش کربلائی کلثوم فرزند کربلائی هادی دیوسالار و مشهدی طاووس بود ، بانویی زحمتکش و وفادار بود، فرزندان پسرش بترتیب محمدآقا ، احمدآقا، عبدالستار، عبدالغفار، ولی آقا و فرزندان دخترش بترتیب معصومه، نصرت ، عظیمه بودند ،که تنها بازمانده شان عمو ولی آقا می باشد.

همسر دوم : کربلایی بی بی فرزند شیخ یحیی مجتهدزاده برادرزاده آیت الله شیخ محمدتقی مجتهدزاده و مادرش نرجس خاتون خواهر رحمت الله خان دیوسالار (پدربزرگم) بود زنی متین ، باوقار و دلسوز بود ، آشپزی اش کم نظیر بود ، فرزندان پسرش بترتیب ابوالفتح ، احسان ، حبیب ، مسعود و بزرگترین فرزند و تنها دختردلبندش کربلائی آتیکه بود که در سن ١٩ سالگی با دنیا وداع کرد.

حاج غلامحسین سالاریان انسانی خود ساخته ، باوقار ، سخاوتمند و متعصب نسبت به فامیل بود، در پشت ظاهر بسیار جدی اش مهر و دلسوزی خاصی نسبت به همنوع ، خصوصاً نسبت به بی بضاعت ها داشت . از سواد خواندن و نوشتن بهره مند بود. اندام قوی و قامتی بلند و چهرهٔ مردانه ای داشت. با خدمه اش مهربان بود و با آنها مدارا می کرد ، سرپرستی و تربیت بسیاری از افراد بی پناه را از زمان کودکی تا دوران کبارتشان برعهده داشت، چهره محبوب و دوست داشتنی بین فامیل بود.او برادر کوچکترش حاج حسن را بسیار دوست می داشت ، هرچندگاه این دو برادر که هر دو از تمکّن مالی برخوردار بودند قربانی ترتیب می دادند که با ذبح گاو و گوسفند مردمان فقیر سیر شوند.

محل سکونتش در تاشکوه علیا ، در جایگاه شادروان عمو ستار و نیز حاج احسان بود و در کالج هم خانه ایکه از کاه و گل بدست خودش ساخت همچنان پابرجاست ، یکی از ظرافتهایی که در بنای ساختمان های مجلل آنزمان بکار می رفت وجود پنجره های فراوان در یک عمارت بود ،از اینرو این بنا هم اکنون از آثار زیبای بجامانده کالج آن دوران بحساب می آید. فرزند دخترش کربلائی آتیکه (همسر حاج صدراله سالار)صاحب فرزندی بنام عباس بود که در دوران نوزادی فوت کرد ، غم از دست دادن فرزند برای والدین بسیار سخت و جانکاه است ، با وجود این و با توجه به علاقه ای که حاج غلامحسین و همسرش به دامادشان حاج صدراله داشتند ، کربلایی بی بی دختر عمویش ، کربلایی بتول را به همسری دامادش درآورد.مشهدی علی اکبر(پدر باباقلی سالار) و حاج صدراله همواره در مشکلات و سختی ها پشتیبان و حامی حاج غلامحسین بودند از اینرو هنگامیکه همسرشان کربلایی بی بی فوت کردند لذا مشهدی علی اکبر تابوت وی را در برخی نقاط در راه کالج بر شانه داشتند.

از جمله حامیان حاج غلامحسین در هنگام سختی ها و درگیریهای محلی مهدی خان دیوسالار فرزند ضیغم السلطان بودند ، همچنین در رقابتی که آنزمان بین بهادر خان خزائی و الله قلی خان درویش بود حاج غلامحسین ابتدا جانب بهادر خان بود و در اواخر با الله قلی خان متحد شد .

حاج غلامحسین سالاریان ابر مرد اقتصادی منطقه رویان ، کالج و کجور بود ، ثروت هنگفتی داشت ، ایشان با کوهی از مشکلات دست و پنجه نرم می کرد. همچنین جز اولین تاجرین رویان ، کالج و کجور بود که بعدها با آقامحمدخان دیوسالار شراکت را آغاز نمودند ، از ملاّکین بزرگ منطقه بود و مالک اغلب زمینهای کشاورزی و جنگلی تا ییلاق کالج بود، در بخش ییلاقی بهمراه فتح اله خان و رحمت اله خان دیوسالار ملک فراوانی داشتند. زارعینش در مناطق ییلاقی جو و گندم و در یشلاق برنج کشت می کردند. اموالش گاهی توسط متجاوزان غارت می شد که برخی بازپس گرفته شد.در تهران با حاج غلامعلی آسودگان و برادران مُحب خار و بار و قماش تجارت می نمودند.

او از حامیان سا لارفاتح بود و وقتی سالار فاتح از تهران به شمال تشرف کردند ، حاج غلامحسین و پسرانش از وی استقبال می کردند .

در زمان حیات حاج غلامحسین جنگل علمده آنقدر انبوه بود که آدم در روز می ترسید از خانه بیرون بیاید. با این وجود تنها حاج غلامحسین تجارت خانه ای در رویان داشتند و زمانی که رضا شاه و قشونش به آنجا آمدند در آنجا غذا می خوردند و استراحت می کردند. روزی رضاشاه از حاج غلامحسین پرسید ، نزدیکترین راه به تهران کجاست ، حاجی گفتند قبله عالم از همین راه که به سمت کالج می رود سه روز طول می کشد تا ما با قاطر به تهران برویم لذا اعلیحضرت محاسبه کردند طول مسیر در حدود ٦ فرسخ بود، در واقع همین راه کالج به تهران است که نزدیکترین راه به تهران می باشد لکن هنوز هم چون خیلی از طرح های دیگر کشور اجرایی نشده است .

حاج غلامحسین انسانی متدین بود همواره به فقرا کمک می کرد آنزمان او و برادر کوچکترش حاج حسن تنها کسانی بودند که نماز شب بجا می آوردند، حاج غلامحسین و همراهانش در گذشته که جاده هراز وجود نداشت از مسیر بلده به تهران می رفتند و از آنجا رهسپار مکه می شدند که رویهمرفته ٦ ماه طول می کشید و بخشی از این مسیر را با اسب و قاطر و بخش دیگر را با قایق (به مازنی گرجی یا لوتکا) و شتر می پیمودند ، اینجا برای خود نان و آذوقه درست می کردند و نیز در بین راه با پریموس چای و غذا درست می کردند.در زمان فوتش وصیت کرد ٨٦ راس گاو بمبلغ ١٥٠٠٠ تومان از اموالش بابت مظالم عباد فروخته شد تا به فقرا دهند.

حا ج غلامحسین در نزد طائفه سالاریان بعنوان یک اسطوره می باشد ، مردمان قدیم چون بسیار فعال و سخت کوش بودند ، از طرفی آنزمان مثل امروزه امکانات نبود ، لذا مردم بسیار مسن تر بنظر می آمدند ، و بنظر خیلی مسن می آمدند ولی الان از هرکدام از بازماندگانشان بپرسی که پدر و مادرت چند سالگی فوت کردند یکی می گوید ٥٠ سالگی ، دیگری می گوید ٦٠ سالگی ... در سال ١٣٤٢ همسرش کربلایی بی بی در سن ٦٠ سالگی درگذشت و آرامگاه ابدی اش در کنار خاک دخترش کربلایی آتیکه می باشد. کربلایی کلثوم هم در سال ١٣٤٨ فوت نمودند و در قبرستان وادی السلام شهرستان قم بخاک سپرده شد و حاج غلامحسین نیز در سال ١٣٣٢ در سن ٦٣ سالگی دار فانی را وداع گفت و پیکر پاکش در قبرستان نوح در شهرستان قم بخاک سپرده شد.

پیام سالاریان
رویان – اردیبهشت ١٣٩١

توضیح : تصویری از مرحوم حاج غلامحسین سالاریان در قسمت " تصاویر درگذشتگان " در پایان این تبار نامه موجود میباشد

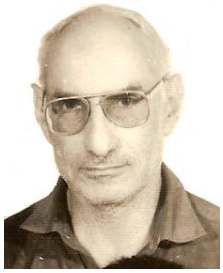

خانواده سجادی نوری و چگونگی نسبت آنها با خانواده دیوسالار کالجی

(به قلم سید جمال سجادی)

ازشاخه خانوادگی حمیده دیوسالار

نخستین فردی از خانواده سجادی که با خانواده دیوسالار پیوند یافت، مرحوم آقا سید صالح مجتهد بود. وی به اتفاق دو برادر دیگر خود مرحوم آقا سید حسین و آقا سید اسماعیل در عهد قاجار در ایزده نور میزیستند.

مرحوم آقا سید صالح پس از انجام تحصیلات مقدماتی برای ادامه تحصیلات عالی به نجف اشرف مشرف شد. در آنجا که ظاهراً تنها مرکز تحصیلات عالی اسلامی در آن عصر بود به ادامه تحصیل علوم دینی پرداخته پس از کسب درجه اجتهاد به ایران بازگشتند. در بازگشت از نجف اشرف مرحوم خسرو دیوسالار از خانواده دیوسالار که مالک روستای لوس از توابع کالج بود، از ایشان دعوت کرد که در روستای لوس ساکن شود و دختر خود مرحومه جانی را به عقد ازدواج او در آورد.

این زن بسیار مورد علاقه و احترام مرحوم آقا سید صالح بود بطوری که آقا کتاب "تنبیه الغافلین" تالیف خود را بنام همسر نامبرده خویش اهدا کرد. از نکات قابل ذکر آنکه مرحوم آقا سید صالح علاوه بر مراتب علمی و اجتهاد مردی متقی و وارسته و مورد اعتقاد و اعتماد مردم عصر خویش بود. و هم اکنون که این سطور را مینگارم (١٣٩٠ خورشیدی) منزل شخصی وی در روستای لوس که معروف به کتابخانه آقا سید صالح است در روستای نامبرده مورد احترام و توجه و علاقه مردم است و اکثرا در مراسم و ایّام مذهبی و موارد دیگر در این خانه اجتماع و به آن توسّل میجویند، با توجه به اینکه خود آقا در سفر دوّمش به نجف در آنجا درگذشته و مدفون شدند.

پس از انقلاب مشروطیت دوباره وصلت میان خانواده سجادی و خانواده دیوسالار صورت گرفت و آن از ازدواج مرحوم آقا جمال نواده مرحوم آقا سید صالح بود که با مرحوم حمیده دختر مرحوم آقا یوسف و خواهر میرزا فتح الله خان بود، این زن که خانم پارسایی بود تنها یک فرزند به نام مرحوم آقا سید عبدالوهاب داشت، چون آقا جمال در آغاز جوانی فوت کرد. مرحوم سید عبدالوهاب از خانواده درویش کدیری وصلت کرد و دختر وی مرحوم فخر سادات سجادی به عقد ازدواج مرحوم فضل الله خان دیوسالار نواده مرحوم میرزا فتح الله خان فوق الذکر در آمد و فرزندانی داشت به نام های: مهرانگیز، مریم، بهروز، ملیحه، ماهرخ، غلامرضا، فریده، عبدالرضا، نیره ، مرحوم مژگان و بهنام .دختر دیگرش به نام سید فاطمه سجادی به عقد ازدواج حسین بیگ دیوسالار درآمد و فرزندان آنها زهرا، ناصر و یعقوب و مرحوم نادر هستند. نگارنده نیز سید جمال سجادی فرزند سید عبدالوهاب سجادی و فرزندانم میر عبدالوهاب ، مرحوم سعید ، حمیده ، منیر سادات ، مسعود و مرحوم بهزاد از همسر متوفی ام مرحوم شوکت درویش و بهزاد و شبنم از همسر فعلی ام خانم سیما گرجی هستند .

سید جمال سجادی

دیماه ١٣٩٠ ـ نوشهر

چکیده ای از زندگینامه "محمدولی دیوسالار"

(به قلم جهانگیر دیوسالار)

از شاخه خانوادگی رحمت الله خان دیوسالار

محمدولي ديوسالار پسر دوم مرحوم حاج رحمت الله خان و مرحومه حديقه خانم در سال ۱۲۹۸ در تاشکوه بدنيا آمد.

درسنين جواني مادر خويش را از دست داد و ودر سن حدودا ۲۱ سالگي (حدود سالهای ۱۳۲۰ الي ۱۳۲۱) به همراه همسرش (خانم شهری شیخ) به نزد برادر بزرگش حاج غلامحسين خان ديوسالار به تهران آمد.

ابتدا در معدن جاجرود که وابسته به کارخانه سيمان ری بود مشغول به کار گرديد و پس از چند سال، به قسمت خدماتي کارخانه سيمان، واقع در شهر ری منتقل گرديد و ١٤ سال همانجا به خدمت پرداخت و در تاريخ ١٣٤١/١٠/١٩ در حاليکه تنها ٤٣ سال داشت در شهر ری به دليل بيماری ديده از جهان فرو بست و پيکر او را در امامزاده عبدالله (در نزديکي شاه عبدالعظيم) در شهر ری به خاك سپردند.

بدليل اينکه در زمان فوت پدر حدود ۱۲ سال داشتم، خاطرات زيادی از پدر ندارم وليکن به ياد دارم که بسيار مومن ، با ايمان و مهربان بود و به خاطر ندارم از اقوام ، آشنايان و همسايگان، کسي از ايشان آزرده خاطر شده باشد و همگي از او به نيکي ياد مي کنند. وليکن از سختيها و مشقتهاي مادر (شهري شيخ) که پس از مرگ پدر به تنهايي و دور از ديار خويش به تربيت و مراقبت از فرزندان خود پرداخت بسيار به ياد دارم. آخر در زمان مرگ پدر علاوه بر من که ۱۲ سال داشتم، برادرم امين الله هفت سال، خواهرم فريده (حديقه) چهار سال و برادر کوچکترم حجت الله تنها يک سال داشتند.

هم اکنون بجز خواهرم فريده که خانه دار است باقي فرزاندان مرحوم محدولي ديوسالار همگي بازنشسته شده و در تهران ساکن هستند.

سرانجام مادر نيز در آذرماه سال ۱۳۸۲ در سن ٧٤ سالگي در شهر ری دارفاني را وداع گفت و در بهشت زهرا به خاك سپرده شد. براستي چگونه مي توان از زحمات مادر تشکر کرد و چه زيبا گفته است شاعر معاصر:

به بهشت نمي روم اگر مادرم آنجا نباشد . . .

جهانگير ديوسالار

فروردين ۱۳۹۱- تهران

توضیح : تصویری از مرحوم محمد ولی دیوسالار و همسرش شهری شیخی در قسمت " تصاویر درگذشتگان " در پایان این تبار نامه موجود میباشد

بازیهای رایج در مازندران

(به قلم حسن دیوسالار)
ازشاخه خانوادگی حمیده دیوسالار

بیادم میاد وقتی بچه بودم ، پدر عزیزم مرحوم نعمت الله دیوسا لار می گفت که درسها یتان را خوب بخوا نید و تجدید نیاورید که تابستان با خیال راحت به شمال برویم ، من از شوق رفتن به شمال و بازی با بچه‌های فامیل و گشت و گذار در روستای توسکا، حرفهای پدرم را گوش میکردم ... یادش بخیر چه بازیهایی می‌کردیم و چه قدر با هم خوش بودیم چند تا از بازی‌های آن دوران که یادم هست را می‌نویسم و امید وارم که بتوانم به درستی توضیح بدهم:

چِش داره کا : همان بازي «قايم باشك» مي باشد كه كسي بايد چشم نگه دارد و ديگراني را كه پنهان شده اند، را پيدا كند این بازی بعضی وقت‌ها ساعات زیادی طول می کشید و باعث تفریح و خنده ما بود.

هفت سنگ کا : همان بازي هفت سنگ بود كه در آن بايد هفت سنگي كه روي هم قرار داده شده را با توپ نشانه گرفت.

پاسنگ کا : نیز همان بازی "یه قول دو قول" مي باشد، این بازی به صورت نشسته بین دو یا چند نفر و با پنج یا سه سنگ انجام میشود و در مراحل مختلف یک یا چند سنگ به فاصله کوتاهی به هوا پرتاب شده و دوباره گرفته میشود. مرحله های مختلف این بازی هر یک اسم خاص خود را داشتند ، نظیر "یک قل" ، " دو قل" ، " سه قل" ، " چهار قل" ، " الاهه" ، "بشکن" ، " نشکن" ، " رَموک" ، " جاوداک" ، قلعه یک و دو و سه و چهار . هر کس زودتر مراحل مختلف بازی را تکمیل کرد ، برنده است و میتواند سایر بازیکنان را تنبیه کند. روش تنبیه در این بازی هم به اینگونه بود که برنده پنج سنگ را بر پشت دست بازنده یا بازندگان قرار میداد و هر سنگ نام یک تنبیه را داشت : نظیر "کِرک چَنگِلی " ، " وِرگ چَنگِلی" ، " اویی دِلِه غِراب" ، " چَنگک" ، " میس میس کِتِن" و البته یک سنگ هم که مربوط به نوازش (و نه تنبیه) بود و "نَرمَک" نام داشت. بازنده باید پنج سنگ پشت دستش را به هوا پرتاب میکرد و آنها را در هوا میگرفت. هر کدام از سنگها که از دست او میافتاد، با ازای آن هفت بار توسط برنده تنبیه میشد و اگر میتوانست در بار هفتم سنگ تنبیه را از دست برنده بگیرد یا آن را به زمین بیاندازد، تنبیه آن سنگ تمام میشد وگرنه تنبیه هفت بار دیگر به همین روش ادامه پیدا میکرد.

گل بیته کا : را كه همان «وسطي» نيز مي گويند ، در آن چند نفري در مقابل هم قرار مي گيرند و بايد كسانی را كه در وسط هستند با توپ بزنند . در این بازی هر کس که توپ را بگیرد یا به شمالی "کش"، یک جان اضافه می‌گیرد و می‌تواند یک نفر را که قبلا بیرون رفته را به بازی برگرداند تا آخر توپ به او بر خورد کرده و ببازد.

اغوذ کا : همان «گردو بازي» است كه بازيكنان هر كدام يك گردو را در كنار هم مي كاشتند و با فاصله گرفتن از آن بايد گردويي را كه در دست دارند و به آن " نكل " می‌گفتند را به نوبت به سوي گردوهاي كاشته شده پرتاب كنند و هر گردويي را كه توانستند بياندازند نصيب آنها مي شد.

پاپلوس کا : به بازي اي گفته مي شد كه با پوست تميز و پشم گوسفند درست ميشد و با بستن مقداری سرب به زير پوست آن را سنگين می‌كردند و سعی ميكردند با بغل پا به آن ضربه بزنند كه علاوه بر مهارت زياد به آمادگی بدنی بالايی نيز نياز داشت.

چلیك کا : بازي با دو چوب است بدين صورت كه بايد با چوب بزرگتر چوب كوچكتر را با يك ضربه از روي زمين بلند كرده و با ضربه اي محكم آن را تا دورترين نقطه ي ممكن پرتاب كنند. اين همان الک دلک هست يا خيلی شبيه به آن هست.

کل کل کا : یک بازی بین دو گروه سه نفره است که در گذشته در مناطق ییلاقی مانند لوس و ... انجام می شده است. در این بازی سه تخته سنگ درسمت هر گروه چیده می شود و افراد گروه مقابل به ترتیب با پرتاب سنگ سعی می کنند تخته سنگهای گروه مقابل را بیاندازند.

یک بازی جالب دیگر که به یاد دارم این بود که یک سنگ صاف و گرد را خیلی خوب با آب روی یک سنگ دیگر می‌ساییدند و با ایجاد دو سوراخ در وسط این سنگ و عبور دادن یک نخ ، آن را بصورت "یویو" در می‌آورند

ريسمان بازي: از بازي هاي نمايشي سنتي مازندران ريسمان بازي است. اين بازي غالبا" در مراسم عروسي برگزار مي شد. ريسمان بازان دو نفر هستند يك نفر به عنوان بند باز بالاي طناب راه مي رود و ديگري به نام شيطانك در پايين مي ايستد. بند باز بالاي طناب با گذاشتن مجمع روي سر يا سوار شدن روي دوچرخه روي طناب راه مي رود و شيطانك نيز در پايين با درآوردن شكلك و حركات خنده آور تماشاچيان را سرگرم مي كند بعد از پايان نمايش شيطانك در بين تماشاچيان مي چرخد و پول و شيريني جمع مي كند از صاحب خانه نيز پول و شيريني مي گيرند.

كشتي لوچو: كشتي لوچو از كشتي هاي محلي استان مازندران است و در گذشته در مراسم عروسي اجرا مي شد. اما امروزه در بعضي از نقاط استان اين كشتي همه ساله در تابستان بعد از وجين شالي، هنگام فراغت كار روستاييان، انجام مي شود. در ايام ديگر مانند اعياد مذهبي و ملي نيز كشتي لوچو برگزار مي شود و جايزه برنده يك راس گاو است كه توسط اهالي خريداري مي شود. براي مسابقه دو نفر از كشتي گيران با تجربه به عنوان داور انتخاب مي شوند در اين كشتي هر گونه ضربه زدن به بدن يا سر حريف، گرفتن انگشت دست، سرچنگك و ضربه زدن به كتف و گرفتن گوش، خطا محسوب مي شود. كشتي گيري كه در اين دو هفته تمام حريفان را شكست دهد، برنده مسابقه است. در طول برگزاري مسابقه ساز و دهل نيز نواخته مي شود تا شور و هيجان بيشتري به مسابقه بدهد.

گاوجنگی: از ديگر سرگرمي هاي ديرپا، مراسم گاو جنگي در روستاهای مازندران است كه به زبان محلي تشك جنگي ناميده مي شود. اين مسابقه هر سال و يك هفته بعد از اتمام كشتي لوچو در اوايل مرداد ماه به مدت ١٠ روز برگزار مي شود. قبل از انجام مسابقه از اهالي محل مبلغي پول بابت هزينه هاي ضروري جمع آوري مي شود. چند روز پيش از مسابقه از طريق نامه تاريخ برگزاري مسابقه به اطلاع اهالي روستاها و شهرها و حتي استان هاي همجوار رسانده مي شود. هزينه نگه داري مهمانان در روستا و كرايه از پول جمع آوري شده پرداخت مي شود.

اغوزکا: بازی‌های محلی مازندران در استان مازندران تاکنون حدود ۱۴۷ بازی شناسایی شده است. این بازی‌ها از نظر مکان اجرا ۹۱ بازی در فضای باز(مانندمیادین روستا، زمین‌های کشاورزی و دامنه‌ی کوه و جنگل) و ۳۲ بازی در فضای بسته (مانند اتاق) انجام می‌گیرد. همچنین ۱۱۳ بازی صرفاً حالت بازی- سرگرمی وبقیه نمایشی – ورزشی و .. می‌باشد. همان‌گونه که عنوان شد یکی از ویژگی‌های مهم بازی‌های محلی و بومی، استفاده از ابزار و امکانات محل زندگی و عدم نیاز به تجهیزات و اماکن خاص است. عمده امکانات و ابزار مورد نیاز بازی‌ها شامل چوب، خاك، سنگ، پارچه،استخوان ،طناب،توپ ،کلاه، کمربند ،شلاق ،گردو،سیب ،پرتقال و... می‌باشد که در بیشتر روستاهای مازندران به وفور یافت می‌شود.ویژگی دیگر این‌که برای هر گروه سنی بازی‌های خاصی وجود دارد. در زیربه چند نمونه از بازی و سرگرمی‌های رایج مازندرانی‌ها اشاره شده است: مراسم عروسی و اعیاد مذهبی بهترین بهانه و زمان برای پرداختن به بازی و سرگرمی در مازندران بود که در برخی نقاط هنوزهم رواج دارد

آل چمیلیک: آی‌تَرک، گِون‌تَرک (ماه میخوام - آفتاب میخوام)، اَته بزه‌کا، اُدنگ قلوک، ارکون ورکون، ارنگ و مرنگ، اُستا می‌خوام بیایم از باغت گل بچینم، اغوزچالي، السلام‌علیک خال خالکه، اودنگه‌تیر، بلّنی‌کا، بوردبورد (رفت، رفت)، پاچوبازي، پَک‌پَکي، پلنگ پرشي، پنجه، پیشه‌کا، تب وچه له، تب‌کا (توپ‌بازي)، ترنابازي، توپا قاچ، تلاجنگي، جوزکا، جهنمکا، چرخک‌کا، چش به‌چش، چَک به‌چَک، چلیک‌کا، چلی مالکا، چوخر سواري، چهارراه ، خرجین هاله، خرسواري، دچرخه‌کا، دَسّه بزه‌کا، دغل‌بازي، دنقول‌کا، دیواري، ذکر خنجر، رسن‌کا، رسن‌کیوک، زوزو، سر بپری‌کا، سرسنگ به‌سنگ، سنگ‌چران، سنگ کشتي، سیت‌کا، شاه‌وزیرکا، شیر و پلنگ، شیطان‌بازي، علی‌خان جرجور، قاب‌کا، کشتی باشال، کشتی کمري، کلاحسابه، کلک‌تراش، کمربندبازي، کیّوبه، گیروش (ترکمني)، گزکا، گودله‌زني، لاپّه‌کا، لیس‌برلیس، مردخدا، مرغنه جنگي، نعش، وجه‌کا، هفت سنگ، یک چک دو چک، یک دبه - دو دبه و غیره ....

این بازیهای محلی هم اکنون در حال از بین رفتن است با نگارش آنها امیدوارم بتوانم حداقل کمی آنها را ماندگارتر کنم.

حسن دیوسالار
دیماه ۱۳۹۰ ـ لندن – انگلستان

شکارهای شمالی

(به قلم حسین دیوسالار)
ازشاخه خانوادگی حمیده دیوسالار

در سالهای دور کودکی ، یادم هست که در ایام تابستان که به شمال میرفتیم از جمله تفریح های ما صید ماهی یا شکار پرندگان بود مه در زیر چند نمونه ار انها را شرح میدهم :

صید ماهی با دست: برای اینکار با گروهی از بچه‌ها به سمت رودخانه میرفتیم و در خلاف مسیر آب در قسمت کم عمق حرکت می‌کردیم و دنبال گروهی از ماهی ها که با هم حرکت میکردنند می‌گشتیم، با پیدا کردن آنها به دو گروه تقسیم می‌شدیم ، یک سری از بچه‌ها چند متر بالا تر میرفتند و در یک ردیف در آب رودخانه در جهت آب حرکت می‌کردند و آب را گل‌آلود میکردند ، گروه دوم هم با دست خالی به گرفتن ماهی‌ها در جهت مخالف آب به سمت گروه بالا تر حرکت می‌کردند. این روش آسان‌ترین راه صید ماهی بود در ضمن ماهی‌ها (تلاجیها) ی صید شده را به یک چوب نازک که از درخت توسکا درست میشد، آویزن می‌کردیم و در آب قرار می‌دادیم تا خشک نشود

روش صید ماهی ، مست ماهی : از دانه‌های یک گیاه که به اندازه یک نخود بود برای شکار ماهی استفاده می‌کردیم ، ابتدا چند دانه را با یک تکه سنگ خرد می‌کردیم و آن را با آرد گندم مخلوط میکردیم و با اضافه کردن آب کمی خمیر درست میکردیم ، با خمیر درست شده به سمت رودخانه حرکت می‌کردیم و دوباره در خلاف مسیر آب به دنبال یک قسمت عمیق می‌گشتیم ،

سپس ورودی آب را با یک جوب کوچک منحرف می‌کردیم و خروجی آب را در قسمت آخر که کم عمق میشد را می‌بستیم، و از آن خمیر که درست کرده بودیم به اندازه‌های خیلی کوچک در آب می‌اندختیم و صبر میکردیم که ماهی‌ها از آن بخورند ،بعد از گذشت چند دقیقه ماهی‌های که از اون خمیر خورده بودند , گیج میشدند و به روی آب میامدند و به این ترتیب به راحتی میشد آن‌ها را گرفت.

صید ماهی با استفاده از برگ درخت لرک : راه دیگر شکار ماهی این بود که برگ درخت " لرک " که گیاهی دیگر از خانواده گردو است را همانند چای می‌پختیم . این مایع باعث بی حال شدن ماهی ها میشد. سپس به سمت رودخانه می‌رفتیم و آن محلول را در آب رودخانه در قسمت عمیق آب و درجائی که میشد مسیر آب را منحرف کرد میریختیم و سپس خروجی مسیر آب را در قسمت کم عمق میبستیم و منتظر معلق شدن ماهی روی آب میشدیم .

روش اوخوار صید ماهی : اوخوار يكي از روشهاي سنتي صيد ماهي است كه در روستاهاي مناطق مركزي مازندران انجام مي شود. در اين روش صيادان با استفاده از قايق كوچك و يك نيزه چهار شاخ كه در لهجه مازندراني به آن "كِن" گفته مي شود در داخل آب بندان پرورش ماهي حركت مي كنند و با مشاهده ماهي هايی كه روي سطح آب قرار دارند آنها را شكار مي كنند.

چند نمونه هم از روش های شکار پرنده گان :

شکار انبوه مرغابی های مهاجر در مازندران: دوما واژه محلی مازندرانی به معنای دامگاه پرندگان وحشی بوده و شکار سنتی مرغابی و غاز وحشی است. در این روش شکارچیان محلی ابتدا یک مرغابی اهلی شده و دست آموز را پرواز می دهند و یا آن را در دامگاه رها می کنند تا توجه سایر مرغابی‌های عبوری و مهاجر جلب شود . وقتی که گروه مرغابی‌های مهاجر در کنار مرغابی دست آموز فرود آمدند ، شکارچی تور شکار را روی آنها می اندازد .

سوچلا : سوچلا واژه محلی مازندرانی به معني نوعي قُرُق شكني شكار پرندگان در آب بندان هاست و به شيوه سنتي شكار نيز گفته مي شود.اين نوع شكار با استفاده از نور چراغ و يک نيزه تيز فلزي كه به آن در اصطلاح محلي«كِن» مي گويند انجام مي شود

يکی از راه‌های شکار پرنده به روش سنتی در آب بندان به هنگام کم آبی است. اواسط پاییز پرندگان مانند قو، غاز، چنگر، انواع مرغابی و... از نقاط سردسیر به سواحل دریای مازندران که دارای آب و هوای معتدل است، مهاجرت می کنند و بیشتر در آب بندان‌ها که به علت کشت شالی ، محل مناسبی برای تغذیه پرندگان است، ساکن می شوند.این شکار از اوایل پاییز هر سال تا ۱۵ اسفند در شب‌های تاریك بدون تیراندازی با وسایل شکار سنتی و رعایت مقررات محلی انجام می شود.

حسین دیوسالار
فروردین ۱۳۹۱ - تهران

موقعیت و معانی نام روستا ها ی منطقه نور و نوشهر

(به قلم عبدالرضا دیوسالار)

ازشاخه خانوادگی میرزا فتح الله خان دیوسالار و حمیده دیوسالار

استان مازندران از دیرباز جامعه ای اسکان یافته بوده و قدمت سکونت در آن به شش هزار سال قبل بر می گردد. مازندران در حقیقت یکي از قدیمترین ایالت های ایران و مرکز عمده تمدن آریایی ها در شمال ایران بوده است. این استان بزرگترین و آبادترین سرزمین در شمال ایران در سده های اولیه اسلامی و قبل از آن بوده است. با وجود این قدمت ، در مقایسه با سایر زبان‌های ایرانی، زبان مازندرانی چندان زیر نفوذ و تحت تأثیر زبان های عربی و ترکی واقع نگردیده و از گرایش به این زبان ها در طول تاریخ جان سالم به در برده است، اما در هر حال بدلیل پیشینه تاریخی بسیاری از واژه های زبان مازندرانی ریشه های مشترکی با زبان سانسکریت و پهلوی دارند.

روستاهای ییلاقی و قشلاقی منطقه نور و کجور تا سالهای قبل از حکومت پهلوی اول (رضا شاه) ، از لحاظ تقسیمات کشوری جزو ولایت " محال ثلاثه " به حساب میامدند. از منابع مختلفی از بزرگان در قید حیات و درگذشته خانواده نقل شده است که میرزا ولی (پدر آقا یوسف) نماینده حکومت یا والی و یا بلوکباشی هجده بلوك در منطقه نور و کجور بود. بلوك در آن زمان معادل دهستان در تقسیمات کنونی کشور بود که خود شامل روستاها و آبادی های ییلاقی و قشلاقی متعددی در منطقه ای معین میشود. امروزه روستاها و آبادی های این منطقه جزو دهستان های شهرستاهای نور و یا نوشهر میباشند. شهرستان نور دارای هشت دهستان و شهرستان نوشهر داری یازده دهستان میباشند که نام و جزییات آنها در جدول صفحه بعد آمده است. این منطقه از شمال به دریای مازندران و از جنوب به رشته کوه البرز و از غرب و شرق نیز بترتیب توسط جاده های چالوس و هراز محصور شده است. بدیهی است با گذشت زمان تعداد روستا ها و آبادی های این منطقه نیز دست خوش تغییر گردیده اما اگر این روایات که میرزا ولی نماینده حکومتی در هجده بلوك در ایالت محال ثلاث بوده است درست باشد، آنگاه بی شك بخش بزرگی از مناطق معرفی شده در این نوشتار زمانی جزو قلمرو و منطقه تحت کنترل میرزا ولی بوده اند. هدف از این نوشتار آشنایی با موقعیت جغرافیایی و همچنین ترجمه نام روستاها و آبادیی ها ی منطقه ای است که ریشه خانواده دیوسالار از آنجاست.

علاوه بر شرایط جغرافیایی و اقلیمی این روستاها ، همچنین نام آنها و علت احتمالی نام گذاری آنها نیز از موضوعات جالبی است که در اینجا به ان پرداخته میشود. عموما علت نامگذاری روستاها و آبادیها مرتبط با خصوصیات طبیعی و اقلیمی آنهاست. مثلا روستایی که در بلندی یا گودال یا زمین سنگلاخی یا نزدیک آب واقع شده و یا محل رویش انواع خاصی از گیاهان یا درخت هاست و یا حیوان خاصی در آن منطقه فراوان دیده میشود ، به نوعی در نام آن روستا اشاره به این خصوصیات طبیعی و اقلیمی شده است. از این رو در معنی اجزا تشکیل دهنده نام روستاها به این مفاهیم تمرکز و توجه بیشتری شده است. لیست منابع و مراجع استفاده شده در پایان این نوشتار آمده است.

در صفحات بعدی این نوشتار، در مورد هر روستا با ارائه توضیحاتی مختصر ، نام روستا و اجزا تشکیل دهنده آن ترجمه و تفسیر شده است. اصولا اکثر اسامی استفاده شده برای اماکن ، روستا ها و شهرها ترکیبات مرکب بوده و دارای پیشوند و پسوند های مشابه ای هستند. بدین ترتیب با دانستن معانی این پیشوند و پسوند ها میتوان به معانی بسیاری از نامهای روستاها و آبادیها پی برد. در ارتباط با تفسیر وترجمه نام روستا ها و آبادیها اشاره به این نکته لازم است که **این نوشتار تنها پژوهش و تلاشی است جهت شناخت و ترجمه اجزا نام روستاها و ترجمه تحت الفظی آنها** که لزوما ممکن است بیانگر علت واقعی نامگذاری آنها نباشد و همچنین ممکن است نام برخی از این روستا ها بگونه ای متفاوت و چه بسا صحیح تر نسبت به آنچه در اینجا به آمده است هم ترجمه گردند. **از اینرو مطالب ارائه شده در این نوشتار نباید بعنوان مرجع مورد استفاده قرار بگیرند.**

ازلحاظ جغرافیایی نیز در نقشه ای که در صفحات بعدی این نوشتار آمده است موقعیت تعداد زیادی از این روستاها و راه های مواصلاتی به آنها نشان داده شده است. همچنین درجدول تفصیلی که در آن اکثر این روستاها با شرح مختصری از معنی نام روستا آمده، موقعیت مکانی بسیاری از این روستاها نیز بصورت اعدادی که نمایانگر طول و عرض جغرافیایی آنهاست ، نوشته شده است. با جستجوی این طول و عرض جغرافیایی در Google Earth و یا Google Map و یا سایر نرم افزارهای جستجوگرکه قابلیت جستجوی نقشه های جهانی را دارند، میتوان موقعیت دقیق آنها و شرایط جغرافیایی منطقه ای که در آن واقع شده اند را دید.

بر اساس مصوبه هیئت دولت در تاریخ دوم اردیبهشت ماه **١٣٦٦** ، تقسیم بندی دهستانها و روستاهای شهرستانهای نور و نوشهر به شرح زیر میباشد.

دهستانها ، روستاها، مزارع و مکانها ی شهرستان نور

دهستان	روستاها، مزارع و مکانها ی
ناتل کنار سفلی	مرکز دهستان : **ایزده** . سایر روستاها : امیرآباد - ایزده پایین - ایزده بالا - رستمرود- سیاهکلا - تمیشان - شهرك ایزدشهر - شهرك آکام‌شهر
ناتل‌کنار علیا	مرکز دهستان : **ناتل** . سایر روستاها : سرکاج - ایزخورده - کاردگرکلا - کلین خوني - هردورود - خوریه - رکي‌آباد- آرویج کلا - افراسیابکلا - دارجار - گندیاب - سلیاکتي - عباسا - شهرکلا - انارجار - حاجي‌آباد - نصرت‌آباد
میان‌بند	مرکز دهستان : **کاسگر محله** . سایر روستاها : هلوپشته - بومك - کپ علیا - لوس - کپ سفلي - دونکو - گرمك - گالي خمند- استر - وازك - افراچال - میانرودبار - چاله‌سیاه - لزیر - درویشکلا - سوردار - دهك - لشکنار - چهارسوق - پیمط - اسپیو - گلندرود - تاشکوه سفلي - تاشکوه وسطي - تاشکوه علیا - کردمحله - توسکا - خرم‌آباد - تیرکده سفلي - تیرکده علیا - حسین‌آباد - کدیرسر - سنگنو - پیسپرس - نشو - کوزگر محله - کالج
ناتلرستاق	مرکز دهستان : **چمستان** . سایر روستاها : جوربند - ردوبارك - گزناسرا - وازتنگه - واز سفلي - واز علیا - آهودشت - اسبي‌کلا - اناده - باغبانکلا - بهشت - چمازکلا - ساله سفلي - ساله علیا - سنگ چالك - سنگیده - شرکت تي‌تي‌کا - شهربند - شیخ علیکلا - صید کلا - طالب‌آباد - عباسکلا - عبداله‌آباد - عبداله - عربخیل - کراتکتي - کردآباد - لسفیجان- مرداب - مرزنده - مغانده - نانوانکلا - نعمت‌آباد - نوآباد- نجارمحله - شرین - طارم - نومحله - کشی‌محله
میانرود	مرکز دهستان : **بنفشه‌ده** . سایر روستاها : امیرآباد - باریکلا - بلویج - بوته‌ده - تسبیحکلا- تنه‌رز- تورانکلا - جلیکان سفلي - جلیکان علیا - حاجي‌آباد - خطیب‌کلا - دارکلا - رزك - رمشي- سعادت‌آباد - سنگ‌تاب - شهرك امام خميني - شیرکلا - قاسم‌آباد- قلعه‌کتي - کچلده - کشي‌محله - کنس‌پا - کیابسر- گیلانده - معصوم‌آباد - نرگس‌کتي - ورازده سفلي - ورازده علیا- ولیرکان - بریکلا - افراده - انبارده - ایرکا- علي‌آباد - فولادکلا - میرنا - ناپلار - همصفا - انگتارود
شیخ فضل‌الله نوری	مرکز دهستان : **بلده** . سایر روستاها : بوش - پاسل - کام- خجیرکلا - بل - کلیك - کمرود- سراسب- بطاهر کلا - مرچ - زرین‌کمر - گهان‌لا - دویلات - سادات محله - مزید - چل - میانرود - بردون - حطر- ورزن - یالرود - کلگگ - نارز - دزدك - ذلعلکم - فرانو - ورازان
تنارستاق	مرکز دهستان : **تاکر** . سایر روستاها : تترستاق - رزن - کرسي - ایوا - فیپول - نج - شامردان - ولاشید - ایل - کلا
اوزرود	مرکز دهستان : **پیل** . سایر روستاها : دوناي سفلي - دوناي علیا - کمربن- ایلکا - گلونگاه - معدن سرب - نسن- هلیپار - کلاك سفلي - کلاك علیا - میناك - ولادن - ننه - نیکنامده - اوز - اوزکلا - ناحیه - پیچده - انگرود

دهستانها ، روستاها، مزارع و مکانها ی شهرستان نوشهر

دهستان	روستاها، مزارع و مکانها ی
بلده کجور	مرکز دهستان : **اندرور** . سایر روستاها : پی‌کلا - تاج‌الدین کلا - تسکاتک - دیزرکلا - صلاح‌الدین‌کلا علی‌آباد عسکرخان - ملا کلا - چلندر – چیلک - حمزه ده‌علیا - حمزه‌ده سفلی - سنگسرا - کهنه‌سرا - ملکار - دزدک - حوض کتی
بیرون‌بشم	مرکز دهستان : **گویتر** . سایر روستاها : آزار - آغوذداربن - برار- بلبل‌کوه- بنفشه‌ده- بهکله - بیری سفلی - پردنگون - چلاجور - حریث - خشکده -دیمو- راوه - سرکا - سماء - سنار سفلی - سنار علیا - سنگسرک- سیرگاه - شهرستان - شهری - کلارک- کلنو - گرمابک - گل کاه - لرگان - لرگان - لیکره - ماسال - مرادچال - میچکار - نرگیسان - ولشت - گوهرکلاه- گلامره
پنجک رستاق	مرکز دهستان : **دشت نظیر** . سایر روستاها : اجو - بسطام - جهان‌زار - چتن - حسن‌آباد - حیرت - خورشیدآباد - دلم - ساروس- سماء -عالی‌دره - فیروزآباد - کندوسر- کندیس کلا - کیکوه- کنیس- لشکنار - منجیر - ناصرآباد - نپر - لعل تازه‌آباد - نیرس - هزارسم
توابع کجور	مرکز دهستان : **کجور** . سایر روستاها : انگاس- انگیل - پی‌چلو - چمرکوه - خاچک – سریوده - شامناجر - صالحان - فیروزکلا سفلی - کنگر - لیکوش- نیتل - واشکن - ورازان - هزارخال - کدیر- ترخانلش - بین - برکن - کلیک - کهنه‌ده
خیرودکنار	مرکز دهستان : **موسی‌آباد** . سایر روستاها : اشکار دشت - بهجت‌آباد - پالوجده - تازه‌آباد - خیرسر - سنگ تجن - شریعت‌آباد - شکریکلا - کردیکلا - کشکسرا -کوکورسرعلیا - نیرنگ - هلستان- خیرود کنار - آبندانک - امیررود- بندپی- درزیکلا - سنگنو - سیدعلی‌کیاسلطان - شب خسکاج - شمع جاران - علی‌آباد میر - اتینگان - نجارده - مزگا
زانوس رستاق	مرکز دهستان : **پول** . سایر روستاها : استانکرود - اسلام‌آباد- اطاق‌سرا - پی‌ده - حن‌سک - خوشل - زانوس - کندلوس - کیاکلا - کینج - گیل‌کلا - لرگان - مونج - میرکلا - نبچکوه - چورن- چناربن - گنه مرز- کشکک - اوپل - کوهپر علیا - سجار - ویسر - نیمور - دلسم - گنه‌کش - کوهپر سفلی
کالج	مرکز دهستان : **نارنج بن** . سایر روستاها : علویکلا - پاش‌کلا - عزت - فراشکلا سفلی - منوچهر کلا- میانک - وازیوار - تسکاتک - بازیارکلا - بنجکول سفلی- سیاهرود- فراشکلای علیا - کلاچورن - نوده- هندومرز – خضرتیره - ونوش
کلاردشت	مرکز دهستان : **کردیچال** . سایر روستاها : اجابیت - اطاق‌سرا - اکابل - اویجدان - بازارسر - بشی‌دره - پی‌قلعه - پیشنبور- پیمبور - تبرسو - رودبارک -شکرکوه- طائب کلاه - طویدره - عثمان‌کلا - کردمحله - کلمه - کوهپر - گرکپس - کلی‌چال -لاهو - لش‌سر - مجل- مکا - مکارود - واحد - والت - واندارین - ونه نو- هلیستان
کلارستاق شرقی	مرکز دهستان : **تازه‌آباد** . سایر روستاها : اکبرآباد - اکبرآباد چالوس - بورسهر - ازارک بالا - ازارک پایین - آهنگرکلا- آیشبن علیا - پل کوات - تجن‌کلا - چنس - حسین‌آباد (خرمنه) علیا3 - حسین‌آباد (خرمنه) سفلی - دارکلا- دارمیشکلا - کرد خیل - زوات - سرچشمه - سردار برود - آیشین سفلی- سلیم‌آباد - سینوا - شهرآراء - طلاجو - عربخیل - علویکلا - علی‌آباد - فرج‌آباد - گرامجان - مازوپشته - محمدآباد- مسده - میانده
کلارستاق غربی	مرکز دهستان : **هچی‌رود** . سایر روستاها : دوجمان - عباس‌کلا- کیاکلا - نجارکلا - پیچده - امامرود کلاچان - سیبده علیا - نعمت‌آباد - اجاکله - کریم‌آباد- هرطه‌کلا - چاخانی - محمدحسین‌آباد - دلگشا - سنگ وارث - نورسر - کیاکلا - میانکی- گیل کلا - یالیندان
کوهستان	مرکز دهستان : **طویر** . سایر روستاها : پل اوشن - دزدبند - سیاه بیشه - صیدخانه سر - کلارک – گرم رودبار - مکارود - ورکلا- ولی‌آباد - هریجان - الیت -انگوران - بیجده نو - پولاد کوهسر - تله - چاک بزه – چال زمین - دزناکوتی - دلیر - دهشهر - دهنار - ساتره- سرچشمه - فشکور - کنس‌دره - گویتر - گیجان - مچر - مرس - مکار- ناتر - نوکرس - واسپول - پولاد کوه- اشکارلت - کریم‌آباد - پنجک - ولشت - آشیر - پی‌رجه- میجلار- لردسر - سیدکلامسر - رزان - میانک - مدکرودبار

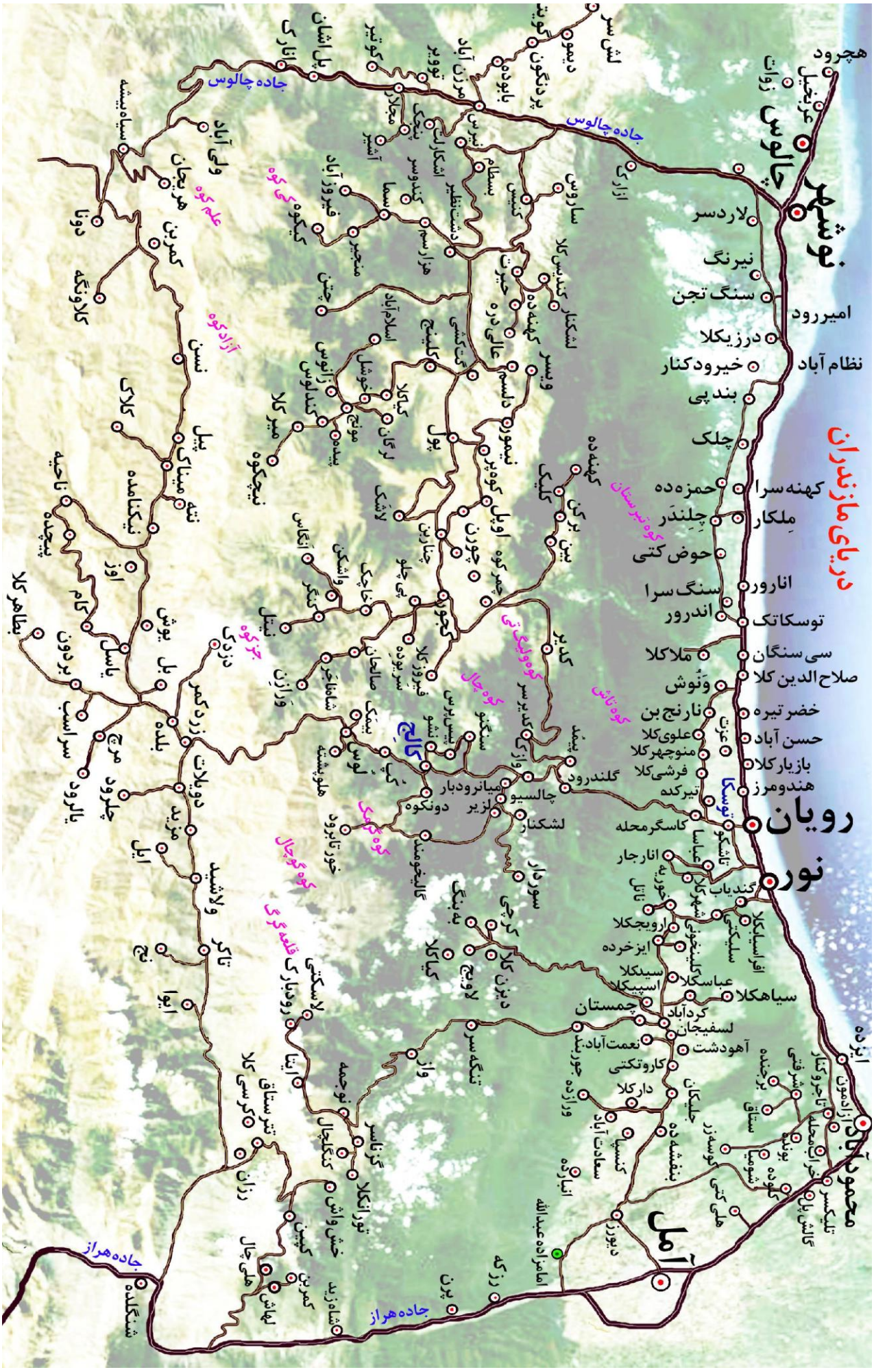
دریای مازندران
نوشهر
چالوس
رویان
نور
کلاردشت
محمودآباد
آمل
جاده چالوس
جاده هراز
کوه تیرسنان
کوه نیک
کوه چال
کوه ناش
کوه ولیک تی
کوه گوچال
کوه قلعه گری
کوه جزکوه
کوه آزادکوه
کوه علم کوه
کوه کی کوه
هچرود
عرب‌خیل
زوات
لاردسر
نیرنگ
سنگ تجن
امیررود
درزیکلا
نظام آباد
خیرودکنار
بندپی
چلک
کهنه‌سرا
حمزه‌ده
مِلکار
چِلِندَر
حوض کتی
انارور
سنگ سرا
اندرور
توسکاتک
سی سنگان
صلاح‌الدین کلا
وَنُوش
خضرتیره
حسن آباد
بازیارکلا
هندومرز
نارنج بن
علوی‌کلا
منوچهرکلا
فرشی‌کلا
تیرکده
کاسگرمحله
تاشکو
عباسا
انارجار
گندباب
خوریه
ناتل
شهرکلا
سلیکنی
فراسیاب‌کلا
ارویجکلا
ایزخرده
کلیخوجی
سیدکلا
عباسکلا
اسپیکلا
سیاهکلا
چمستان
کردآباد
لسفیجان
آهودشت
نعمت‌آباد
کاروتکتی
دارکلا
جلیکان
بنفشه‌ده
کنسپا
سعادت‌آباد
انباره
امامزاده عبدالله
دیورز
هلی کتی
کوسه‌زر
شومیا
بونه
کهوده
خرابه‌محله
تلیکسر
گالش‌پان
ایزده
آزادمون
تاجروکنار
شرفتی
برجنده
ستاق
ازارکی
سارویس
کتیس
بسطام
دشت‌نظیر
اشکارات
نیرس
مرزن آباد
بابوده
پردنگون
دیمو
لش سر
توویر
میجلار
آشیر
سما
کندوسر
هزارسم
منجیر
فیروزآباد
کیکوه
چتن
اسلام‌آباد
کلینج
کت‌کسی
کیاکلا
خوشال
مونج
برکان
پیده
کندلوس
آرانوس
میرکلا
نیچکوه
پول
نیمور
کوه‌پر
اوپل
چورن
چمرکوه
چنارین
پی‌چلو
کجور
خاچکی
واشکن
کنگر
آنگاس
نیتل
وَرازِن
شاه‌اجَر
صالحانه
فیروزکلا
سَربوده
کدیر
کدیرسر
وازک
پیند
گلندرود
چالسیو
میانرودبار
لزیر
دونکوه
لشکنار
سورداز
کرچی
دیزن کلا
لاویج
کیاکلا
به‌بنگ
گالیخومند
خورتابرود
هلوشته
لوس
نیک
کیاکلا
سنگنو
بیس‌پس
نشو
کهنه‌ده
برکن
کلیکی
بین
ولی آباد
هریجان
کمرین
دونا
کلاونگه
نسن
کلای
پیل
مینای
نته
نیکنامده
ناحیه
پیچده
اوز
گام
یوش
بل
یاسل
بردون
بطاهرکلا
دزدکی
زردکمر
بلده
مرج
چلرود
یالرود
سراسب
دویلات
مزید
ایل
ولاشید
تاکر
نج
ایوا
لاسکتی
رودبارک
اینا
تترستاق
کرسی کلا
رزان
نوجمه
کنگلچال
گزنانسر
تورانکلا
خش‌واش
کپین
کمرین
شاه‌زید
لهاش
هلی چال
شنگلده
رزکه
پرن

موقعیت و معانی اسامی اماکن ، روستاها و آبادیها:

روستا	توضیحات
ا	
آب نک 35.989256° , 51.618186°	در دوازده کیلومتری شمال فشم قرار دارد و به معنی آب نیک یا آب خوب است
اتاق سرا 36.332456° , 51.535479°	نام دیگر این روستا ایوا و در دهستان زانوس رستاق شهرستان نوشهر قرار دارد که زمانی محل اقامت استراحتگاهی مسافران بود و از این رو به این نام اشتهار یافته است.
ارویج کلا 36.514823° , 52.049077°	روستایی است از توابع بخش مرکزی شهرستان نور . "ویج" در فرهنگ اوستایی به معنی سرزمین آریایی است. این واژه همچنین در سانسکریت به معنی شتاب و سرعت و در زبان پهلوی به معنی گرده های ریز مه مانند آب که همراه باد پخش میشوند ، میباشد. اما این واژه در زبان مازندرانی به معنی هنر و مهارت و فن میباشد و احتمالا "ارویج کلا" یعنی آبادی مردمان زبر دست و هنرمند و صنعت گر
ازارک 36.552587° , 51.362919°	روستایی در مسیر جاده چالوس . "ازار" نام درخت آزاد است و "ک"پسوند تصغیر و کوچک کننده. "ازارک" یعنی درخت آزاد کوچک.
اسپی اُو 36.454965° , 51.908351°	" اسپی " در زبان مازندرانی هم به معنی رنگ سفید و هم به معنی درخت سپیدار بومی جنگلهای مازندران میباشد. "او" هم به معنی آب است. معنی "اسپی او" میتواند هم درخت سپیدار سفید و هم چشمه سفید باشد.
اسپی کلا 36.491263° , 52.092947°	روستایی از دهستان ناتلرستاق شهرستان نور است. " اسپی " در زبان مازندرانی هم به معنی رنگ سفید و هم به معنی درخت سپیدار بومی جنگلهای مازندران میباشد. "کلا" هم مخفف کلات به معنی آبادی است.
آستانکرود 36.405403° , 51.559024°	یکی از روستاهای نواحی زانوس رستاق کجور است. "استان" زبان پهلوی و در عهد ساسانیان به معنی کوره و روستا بود. بعد ها در تقسیمات کشوری به مجموعه ای از شهر ها و شهرستانها ولایت و سپس استان گفتند. از اینرو "استانک" را میتوان به روستای کوچک نیز ترجمه کرد.
اسلام آباد 36.368122° , 51.512089°	از روستاهای دهستان زانوس ستاق نوشهر و در منطقه ای کوهستانی است. به معنی آباد شده توسط اسلام
اشکارلت 36.419781° , 51.313308°	"اشکار" به معنی شکار است و "لت" نیز به معنی مسیر و خط سیر. "اشکارلت" به معنی مسیر و خط عبور برای شکار است.
آشیر 36.384201° , 51.313026°	"آشیر" در زبان مازندرانی به معنی جار و جنجال و سر و صدا است.
اغوزکتی	از روستاهای بخش چمستان نور است . "آغوز" به گردو و درخت گردو گویند و کتی یعنی تپه. اغوزکتی یعنی تپه ای با درخت گردو
افراچال	"افرا" نام درختی از درختان جنگلهای تبرستان میباشد و "چال" به معنی گودال و زمین پست . منظور از "افراچال" گودی یا منطقه ای کم ارتفاع است که در آن درختان افرا وجود دارد.
افراده	افراده، روستایی است از شهرستان نور که در دهستان میانرود قرار دارد . "افرا" نام درختی از درختان جنگلهای تبرستان میباشد و نام این روستا برگرفته شده از نام این درخت میباشد.
افراسیاب‌کلا 36.356194° , 52.059476°	این روستا در شهرستان نور و در دهستان ناتل کنار علیا قرار دارد و به معنی قلعه افراسیاب میباشد. گفته میشود که این روستا زادگاه نیمایوشیج ، پدر شعر نو پارسی است.
اِناده	اناده، روستایی است از توابع بخش چمستان شهرستان نور است. " انا " نام نوعی گیاه خزنده بومی تبرستان است که به مصرف خوراک دام می رسد . احتمالا نام این این روستا به دلیل رویش زیاد این گیاه در این روستا انتخاب شده است.
انارجار 36.513125° , 51.977018°	روستای انارجار از توابع شهرستان نور و در ۸کیلومتری این شهرستان واقع شده است. "جار" پسوند مکان و معمولا به معنی مکان رویش است و " انار جار" به معنی رویشگاه بومی و طبیعی انار بومی منطقه میباشد
اناروَر 36.580125° , 51.738619°	روستای اناروَر از توابع شهرستان نوشهر است و نام این روستا به معنی کنار درخت های انار میباشد
انبارده 36.429503° , 51.264399°	روستای انبارده روستایی زیبا از دهستان میانرود بخش چمستان شهرستان نور می باشد. " انبار " به معنی ذخیره میباشد و نام این روستا میتواند به دلیل محلی برای ذخیره محصولات باغی و کشاورزی باشد.
انجیل 36.469391° , 52.286576°	" انجه" به گندمی که درشت آرد شده باشد و اصولا به چیز هایی که خرد و قطعه قطعه شده اند میگویند. "انجه هاکردن" به خرد و قطعه قطعه کردن مواد غذایی میگویند. "انجیل" میتواند به معنی پل قطعه قطعه شده و یا پلی که از قطعات مختلف بوجود آمده و شکل گرفته ، ترجمه شود.
اندرور 36.580959° , 51.760604°	اندرور، روستایی است از توابع بخش مرکزی شهرستان نوشهر است. "اندر" در زبان مازندرانی به معنی ناتنی است و " ور " به معنی کنار میباشد . "اندرور" میتواند به معنی بودن ناتنی ها در کنار هم باشد.
انگاس 36.301949° , 51.679768°	انگاس، روستایی کوهستانی است از توابع بخش کجور شهرستان نوشهر . کلمه انگاس برگرفته از واژه ی پهلوی که از دو جز ء "ان " و "گاس" تشکیل میگردد که در آن "ان" در زبان پهلوی یعنی هواخوری ونفس کشیدن و " گاس" بمعنی جا ومکان که از ترکیب این دو کلمه انگاس یعنی جای خوش آب ومحل هوا خوری و همچنین گردشگاه و تفرج گاه میباشد. البته "انگ" در زبان مازندرانی به ابزار پیشه وران و صنعت گران نیز گفته میشود.
انگتارود	انگتارود ، روستایی است از توابع بخش چمستان شهرستان نور است. "انگت" در تبری به معنی آویزان و آویخته شده و یا انداخته شده میباشد . همچنین به سبوس برنج در زبان مازندرانی نیز اَنگِتا میگویند.
انگرود 36.151532° , 51.695157°	انگرود، روستایی است از توابع بخش بلده است. نام این روستا از دو واژه "انگ" و "رود" تشکیل شده است. انگ نام ابزار پیشه وران و صنعت گران است .
انگیل 36.349393° , 51.723775°	انگیل، روستایی است از توابع بخش کجور شهرستان نوشهر . نام این روستا میتواند اشاره به طایفه "گیل" که نام یکی از طوایف و قبایل بزرگ منطقه گیلان است ، باشد. همچنین " انگ " به معنی وسیله و ابزار و " ایل " یا ایلا به معنی بزرگ و وسیع میباشند. انگیل را از این جهت میتوان محلی صنعتی با ابزارهای بزرگ هم معنی کرد.

روستا	توضیحات
اوز 36.196247° , 51.664422°	اوز، روستایی است از توابع بخش بلده شهرستان نور . " اوز" تغییر یافته واژه "اوژ " است که در زبان پهلوی به معنی بالا، بلند و رفیع است.
اوزکلا	روستای اوزکلا از توابع بخش بلده شهرستان است . " اوز" تغییر یافته واژه "اوژ " است که در زبان پهلوی به معنی بالا، بلند و رفیع است و کلا مخفف کلات به معنی آبادی
ایزخرده 36.503171° , 52.049990°	" ایز " در زبان سانسکریت به معنی ملک و دارایی و اموال و در تبری به معنی نشانه و رد و اثر میباشد. و " خُر" مخفف خور یا خورشید که بر گرفته شده از کیش میتراییسم میباشد. "ایزخرده" به معنی ملکی است که متعلق به میترا خدای تبرستانیان باستان است.
ایزده 36.610389° , 52.177790°	" ایز " در زبان سانسکریت به معنی ملک و دارایی و اموال و در تبری به معنی نشانه و رد و اثر میباشد. "ایزده" دهی است که دارای رد و اثری از چیزی است.
ایل 36.183777° , 51.916727°	" ایل " در زبان سانسکریت به معنی آرام و ساکت و محل آرامش است
ایوا 36.186594° , 52.053706°	در زبان سانسکریت به معنی مکانی بی همتا در روی زمین است
اُوَپِل 36.422588° , 51.649550°	"پِل" در زبان مازندرانی معانی متفاوتی دارد. از جمله معانی آن عبارتند از آغل یا طویله سر باز برای نگهداری گوسفندان، معنی دیگر آن زمین مسطح که به صورت دایره وار اطراف آن حصار شده باشد و معنی دیگر تنوره و شعله ی آتش، " اُو" هم که به معنی آب است . از این بین معانی اول و دوم بیشترین ارتباط را میتوانند به نام این روستا داشته باشند.
ب	
بابوده 36.453841° , 51.300770°	این نام قدیم "مرزن آباد" است و به معنی محل پرورش کرم ابریشم میباشد
باری‌کلا	باری در تبری به دیوار و سکوی کنار دیوار اتلاق میشود و اشاره به آبادی دارد که اکثر منازل آن دارای سکو میباشند.
بازیارکلا 36.561034° , 51.942443°	کلا در انتهای نام این روستا به معنی محل استَ "بازیار" نیز به دو شکل متفاوت معنی شده است یکی به معنی باغ- یار یا باغبان و دیگری به معنی باز یا شاهین- یار و به معنی میرشکار میباشد . معنی " بازیارکلا " بدین ترتیب میتواند محله باغبان و یا میرشکار باشد.
بسطام 36.445739° , 51.354026°	دهی کوهستانی وسردسیر از دهستان پنجکرستاق بخش مرکزی شهرستان نوشهر. بسطام علاوه بر اینکه نام ایل و طایفه ای است ، همچنین در فرهنگ دهخدا شهر بسطام که در حوالی نیشابور است بعنوان شهری که در آن کسی را درد چشم و عشق عارض نشود و اگر عاشق وارد آن شهر گردد از عشق تسلی یابد، معرفی شده است.
بردون 36.142434° , 51.767438°	از دو واژه "بر" و "دون" تشکیل شده است . "بر" در مازندرانی به شاخه های تیغ و خار دار بوته تمشک اتلاق شده و "دون " همان دان که پسوند جا و مکان است.
برکن 36.467888° , 51.675850°	"بر" در مازندرانی به شاخه های تیغ و خار دار بوته تمشک اتلاق شده و "کن" نیز به از فعل کندن میاید. "برکن" میتواند به معنی محلی که تیغ و خار آن کنده شده است باشد. از طرفی واژه "بَرکِن" در زبان مازندرانی به دیگ بزرگ مسی میگویند که معمولا در مجالی عروسی و عزا از آنها استفاده میشود.
بری‌کلا	بری در تبری نام قرقی میباشد و کلا به معنی آبادی و محل . احتمالا به معنی محلی که در آن قرقی فراوان است.
بطاهرکلا 36.123268° , 51.719572°	این روستای زیبا با طبیعتی بکر و مناظری زیبا از کوه های سر به فلک کشیده و چشمه های زلال جزو روستاهای شهرستان نور میباشد. معنی نام این روستا "سرزمین پاکان" است .
بل 36.197016° , 51.776150°	"بل" در زبان مازندرانی به معانی بخار ، شعله آتش ، نور و انعکاس نور میباشد.
بلده 36.202052° , 51.810207°	"بل" در زبان مازندرانی به معانی بخار، شعله آتش ، نور و انعکاس نور میباشد و "بلده " به معنی روستای آتش و نور میباشد. نام بسیاری از روستاهای منطقه کجور و نور ، ریشه در نور و روشنایی و آتش دارند که احتمالا به دوران پیش از زرتشت و آیین میتراییسم تعلق دارند.
بلویج	از دو واژه "بل" به معانی بخار ، شعله آتش ، نور و انعکاس نور و "ویج" که در فرهنگ اوستایی به معنی سرزمین آریایی میباشد.ویج همچنین در زبان سانسکریت به معنی شتاب و سرعت و در زبان پهلوی به معنی گرده های ریز مه مانند آب که با باد پخش شود و در زبان مازندرانی به معنی هنر و مهارت و همچنین حرکت و جنبش هم به کار رفته است .
بلحکان	"بل" به معنی شعله و تلالو آتش است و "کان" پسوند فاعلی ، احتمالا معنی بلحکان به معنی تلالو دهنده و برفروزاننده آتش است.
بنجیکول 36.566215° , 51.919650°	"بنجیکول" از دو وایه "بنج" به معنی برنج و "کول" به معنی پوست تشکیل شده و به معنی پوسته برنج است
بندپی 36.607191° , 51.584099°	بند در تبری معانی متعددی دارد، تبرستانیان به مرز، به طناب و ریسمان، به سد مقابل آب، به سربالایی، به تار عنکبوت، به حد فاصل بین اب و و خشکی، به کوهستان صخره ای "بند" گویند، همچنین "بند" به معنی سد مقابل آب به محلی میگویند که آب را از آن جا می توان قطع نموده و به سمت دیگری هدایت کرد . "پی" نیز به معنی کنار و پهلو میباشد . نام روستای بند پی را میتوان هم به معنی کنار و پهلوی مرز و سامان و هم به معنی کنار و پهلوی سد مقابل آب ترجمه کرد.
بنفشه‌ده 36.483170° , 52.220324°	دهی که در آن گل بنفشه فراوانی وجود دارد.
به‌بَنک 36.379073° , 52.015064°	بنک در مازندرانی به محل اتراق گفته میشود. "به " نیز میتواند به معنی میوه به باشد.
بیمک 36.312023° , 51.836794°	" بیم " در زبان مازندرانی هم به معنی آسمان کم ابر است هم به معنی رطوبت و هم به معنی سرزمین و ملک. " ک " هم پسوند کوچک ساز است . معنی "بیمک " به دلیل ارتفاع زیاد این روستای کوهستانی ممکن است مربوط به معنی اول واژه "بیم" و محلی کوچکی باشد که به دلیل ارتفاع آن فراتر از ابرهاست و اسمانی خالی از ابر دارد.
بین 36.462459° , 51.689336°	در زبان مازندرانی به معنی پیدا و آشکار میباشد.

روستا	توضیحات
پ	
پاشا کلا 36.197831° , 52.419073°	پاشا نامی ترکی است و از این رو بسیاری از مردم میپندارند که روستاهای مازندرانی که پیشوند یا پسوند پاشا دارند، ریشه ترکی دارند. در حالیکه پاشا در زبان مازندرانی نام تخته ای است پدال مانند که در کارگاه نخ ریسی استفاده میشد و هر جا که نام پاشا بیاید، نشان از قدمت و و شهرت صنعت بافندگی در آن منطقه میباشد.
پردنگون 36.468386° , 51.267350°	"پر" به معنی زیاد و فراوان است و "دنگ" به معنی آسیاب است و دنگون جمع آن . معنی "پردنگون" میتواند محلی باشد که در آنجا آسیاب های فراوانی وجود دارد.
پرن 36.242631° , 51.349230° 36.242310° , 52.349123°	در زبان مازندرانی "پرن" به معنی جلودار است. روستاهایی با نام پرن هم در دهستانهای شهرستان نوشهر و هم نور وجود دارند.
پس‌پرس 36.378271° , 51.864648°	"پس" یا "پیس" در مازندرانی به معنی جلو میباشد و "پرس" به معنی خس و خاشاک جمع شده در آب مقابل سد و بند چوبی است.
پنجک 36.391925° , 51.300671°	در تقویم باستانی و سنتی تبری " پنجک" یا پتک نام پنج روز آخر سال است و عدد پنج در فرهنگ تبری عددی مقدس است.
پلور 35.847351° , 52.048201°	"پل" یعنی غرش پلنگ و منطقه پلور اشاره به زادگاه پلنگ دارد.
پول 36.398433° , 51.590105°	نام روستای پول از تپه تاریخی "پالوکه" در روستا وجود دارد گرفته شده و با گذر زمان و در اثر کثرت استفاده از این کلمه به پول تغییر نام داده است . عده ای نیز انتخاب این اسم را به چشمه پولخانی نسبت می دهند که در اثر گذر زمان به پول تغییر نام داده داده است. "پالوکه" به معنی کاسه کوچک و "پولخانی" نیز به معنی چشمه پول است که میتواند تغییر یافته پل باشد. از سال ۱۳۹۰ روستای "پول" از نظر تقسیمات کشوری به شهر ارتقا پیدا کرد.
پی چلو 36.365630° , 51.729528°	" پی " به معنی کنار و پهلو است و "چلو" یعنی چاه و یا چاله ای پر آب. "پی چلو" به معنی کنار چاله پرآب خواهد بود.
پی ده 36.336177° , 51.570230°	" پی " به کنار و پهلو است ، "پی ده" یعنی کنار و پهلوی روستا
پیچ‌ده 36.152231° , 51.635030°	"پیچ" در زبان مازندرانی به نوعی طناب الیافی گفته میشود و ممکن است معنی این روستا به معنی محلی که این طناب در آن تولید میشد، باشد. از طرفی به گل پامچال وحشی هم در مازندرانی "پیچ پیچا" میگویند که ممکن است نام این ده مربوط به رویش گل پامچال وحشی در آن باشد.
پیل 36.230125° , 51.566951°	"پیل" در زبان مازندرانی هم به پول گفته میشود و هم آزار دهندگی مربوط به شرجی و رطوبت گرم موجود در هوا . زمانی که گرمای هوا آزار دهنده می شود از زبان مردم شنیده می شود که می گویند : هوا پیل دارنه . معنی پیل داشتن در اینجا به معنای فشار آوردن است . در سنسکریت pil (پیل) به معنای مجبور ساختن و انگلیسی این واژه معادل impel است
پیمد 36.450736° , 51.893399°	" پی " به معنی کنار و پهلو و "مد" در زبان سانسکریت به معنی شادی و مسرت میباشد. همچنین "پی" در زبان مازندرانی به کارگاه سنتی بافندگی پارچه هم گفته میشود
ت	
تاشکوه 36.554945° , 51.956674°	تاش در زبان مازندرانی به معنی تراشیدن و یا تراشیده شده میباشد . " تاشکو " احتمالا مخف تاشکوه به معنی کوه تراشیده شده است . همچنین در نزدیکی روستای تاشکو در رویان، کوهی بنام تاش کوه وجود دارد.
تاکُر 36.201633° , 52.009354°	این روستا در دهستان تترستان شهرستان نور واقع شده است. "تاکر" به معنی تیر انداز میباشد. از سوی دیگر در زبان مازندرانی "تا" به معنی نخ و "کر" به کنایه به قاعل یا سازنده یک چیز هم هست و "تاکر" میتواند به معنی کسی که نخ میریسد هم ترجمه شود.
ترخانلش 36.413334° , 51.738152°	" تَرخان " واژه‌ای ترکی برای لقبی ویژه و عنوانی اشرافی بود که در دوران حمله و تسلط مغول ها بسیار رایج بود و "لَش" نیز به معنی زمین پر آب و مردابی است ، نام این روستا احتمالا اشاره به حضور یا مالکیت یکی از این "ترخان" ها در منطقه ای مردانی و یا پر آب دارد.
تترستاق 36.213165° , 52.181955°	تترستاق نور نام منطقه ای که از سه دهکده ی رزن،کرسی و تیرسا تشکیل شده و در سمت چپ رودخانه نور و در کنار یکی از شاخه های این رود خانه واقع شده اند . "رستاق" به معنی ابادی و دهی است که در آن بازار وجود دارد.
توران‌کلا 36.273976° , 52.215909°	" تور" نام محلی درختی از جنگلهای مازندران است و گاهی نیز به فرد سرکش و نافرمان نیز اطلاق میشود. "کلا" هم مخفف کلات و به معنی تپه و آبادی است. همچنین ممکن است نام این روستا منتسب به فردی بنام توران باشد.
توی دره 36.395898° , 51.266649°	" تو" در زبان مازندرانی درخت انجیل است و " تویدره " اشاره به دره ای است که پوشیده از درخت انجیل باشد. همچنین معنی دیگر "تو" سوزش است و در سانسکریت هم "تو" به معنی درد و درد کشیدن است.
توسکا 36.547215° , 51.951873°	توسکا یا تسکا همان درخت توسکا میباشد . نام این روستا اشاره به انبوه درختان توسکا در این محل است
تلوچال	" تلو" یا "تَلی" در زبان تبری به معنی تیغ و بوته های خار دار و چال هم به معنی گودال و گودی است . "تلوچال" یعنی گودال یا منطقه پستی که در آن بوته و گیاهان خاردار فراوانی وجود دارد.
تسکاتک 36.571073° , 51.853751°	" تسکا " یعنی درخت توسکا و " تک " یعنی نوک و جلو. تسکاتک به معنی نوک درخت تسکا است.
تمیشان	"تمیش" به بوته تمشک میگویند و "ان" پسوند مکان است. "تمیشان" یعنی جایی که در آن بوته تمشک فراوان وجود دارد.
تنگه سر 36.368927° , 52.105293°	یعنی ابتدا و آغاز یک دره و یا گذرگاه تنگ و باریک
تیرکده 36.546103° , 51.937289°	تیر در زبان مازندرانی به درخت توت نر میگویند و "تیرک" به معنی درخت توت نر کوچک خواهد بود . نام " تیرکده " ممکن است مربوط باشد به وجود درخت توت نر در این روستا.

روستا	توضیحات
ج	
جرپشته	"جر" در زبان مازندرانی نوعی تیغ و خار جنگلی میباشد و "پشته" یعنی انبوه . "جر پشته " به معنی محلی که در آن انبوه تیغ و خار باشد.
جلیکان 36.494116° , 52.189930°	"جلی" یا جولی به معنی گودی و عمق و ژرفاست و "کان" پسوند جا و مکان. "جلیکان" یعنی محلی که در گودی قرار گرفته است.
جوربند 36.437936° , 52.119249°	"جور" در زبان مازندرانی به معنی بالا و سربالایی میباشد و "بند" به معنی مرز و سامان . " جوربند" به معنی مرز و سامان سربالایی خواهد بود.
چ	
چالوس 36.657503° , 51.423824°	"چال " به معنی چاله و چاه است . درباره وجه تسمیه این شهر مي گویند چون بخش جلگه ای که شهر در آن واقع شده است نسبت به ارتفاعات پست تر دیده مي شود، به همین دلیل آن را "چاله است" یا "چاله اس" مي‌نامیدند که به مرور زمان به چارلس و چالوس تغییر نام یافت. همچنین گفته میشود که چالوس یا شالوس نام دختری زیبا و محبوب بود که بر روی این شهر گزارده شد.
چالسیو 36.413172° , 51.903954°	"چال " به معنی چاله و گودال و "سیو" به معنی سیاه میباشد . "چالسیو" میتواند به معنی چاله سیاه باشد. همچنین چالس معنی باتلاق و او به معنی آب میباشند ، و ممکن معنی "چالسیو" آب باتلاق هم باشد.
چتن 36.333490° , 51.466715°	چتن، روستایی است از توابع بخش کجور در دهستان پنجکرستاق شهرستان نوشهر است . "چت" دیوار سنگ چین و کوچک است و ممکن است نام این ده بدلیل وجود این دیوار ها در آن "چتن" باشد.
چلرود 36.176473° , 51.864494°	به چمنزار همراه با پستی و بلندی و چاله های کوچک که در آن ها آب جمع شود "چل" میگویند. همچنین "چَل" نام درختی چهار فصل نیز میباشد. "چلرود" میتواند به معنی رودی که در چنین چمنزاری جاری است باشد.
چلک 36.602976° , 51.604329°	"چلک" نوعی نی و گیاه مردابی میان تهی است که از الیاف آن سبد میبافند.
چلندر 36.576127° , 51.689130°	"چل" در تبری به چرخ چاه یا چرخ نخ ریسی گویند و همچنین به معنی نوعی شن و ماسه میباشد . از طرف دیگر "چلن" در زبان مازندرانی به معنی آهن و چلندر میتواند به معنی آهنگر و آهن ساز باشد. این واژه همچنین ممکن است تغییر یافته چلنگر هم باشد که به زبان پهلوی یعنی چاقو ساز و تبر ساز.
چمازکلا	چماز در تبری به گیاه خزه و سرخسی اتلاق میشود که روی تنه درخت میرویند. نام "چماز کلا" اشاره به آبادی است که همه درختان آن خزه بسته است
چمرکوه 36.409216° , 51.713231°	"چمر" هم به معنی صدا و بانگ است و هم به طور اختصاصی تر به معنی صدای گوزن نر در فصل جفت یابی ، به این ترتیب که گوزن نر با این صدا قلمرو خود را به گوزن های نر دیگر اطلاع میدهد و گوزن های ماده را به سوی خود فرا میخواند.
چمستان 36.482169° , 52.119721°	"چم" در زبان مازندرانی هم به معنی رطوبت است و هم به معنی کجی و ناصافی و "ستان" پسوند جا و مکان . "چمستان" را میتوان هم بعنوان منطقه پر رطوبت و هم به صورت سرزمین کجو ناصاف ترجمه کرد. از سوی دیگر "چم" نیز در زبان مازندرانی به معنی مه صبحگاهی است و ممکن است "چمستان" به معنی منطقه ای با مه صبحگاهی باشد.
چنارین 36.392856° , 51.674316°	روستا یا آبادی که در زیر درختان چنار واقع شده باشد.
چورن 36.399990° , 51.692292°	"چور" نوعی علف هرز است که در مرداب و مزارع و شالیزارها میروید و "چورن" میتواند به محلی که این گیاه در آن فراوان میروید ترجمه گردد.
ح	
حسن آباد 36.565990° , 51.929231°	روستا یا ده آباد شده توسط فردی به نام حسن و یا روستایی که به احترام نام امام حسن (ع) به این نام نامیده میشود.
حسین‌آباد 36.555227° , 51.950624°	روستایی که به احترام نام امام حسین (ع) به این نام نامیده میشود. د راین روستا همه ساله رسم بوده است که در ایام دهه اول ماه محرم مراسم تعذیه خوانی برگزار شود.
حطر	نام این روستا مربوط است به بنای "طاهر حطر" که مربوط به دوره صفوی است و در این روستا واقع شده است. از سوی دیگر اگر این نام را بصورت "هتر" بنویسیم ، انگاه این واژه به معنی زیرک و با هوش است.
حیرَت 36.463184° , 51.454745°	"حی" یا "هی" به معنی درهم و مخلوط شده است و "رَت" هم به معنی نشانه و ردپا است و "حیرت" میتواند به معنی رد پاها و نشانه های درهم و مخلوط شده باشد. البته امروزه نام این روستا بیشتر به شکل "حیرت" نوشته و به همان معنی تفسیر میشود.
خ	
خاچک 36.335373° , 51.732157°	روستاهی از دهستان توابع کجور شهرستان نوشهر. "خاچ" در اصل به معنی چلیپا و صلیب است و "ک " پسوند تصغیر کننده. نام "خاچک" ممکن است مرتبط به این معنی باشد. همچنین در مازندرانی "خاج" به معنی شاخه های بی برگ است.
خجیرکلا	"خجیر" در زبان مازندرانی به معنی زیبا و قشنگ است و "کلا" هم به معنی تپه و آبادی.
خضرتیره	خضر از نام خضر پیامبر میاید و تیره به نام اشاره به طایفه و قوم دارد. برخی نیز خضر را به صورت خزر نوشته و آن را مربوط به نام دیگر دریای مازندران میدانند.
خش واش 36.239905° , 52.228254°	"خش" یعنی خوب و "واش" به معنی علوفه و برگ درختان برای تغذیه دام
خورتاب رود 36.355149° , 51.932621°	خور یعنی خورشید و "خورتاب" یعنی محلی که در معرض نور آفتاب قرار میگیرد

روستا	توضیحات
خوریه 36.508815° , 52.020544°	" خوریه " ازتوابع دهستان ناتل کنار نور است که نام ان در محل "خریه" گفته مي شود ، یکی از معانی "خِر" در زبان مازندرانی پشته و انبار است که نام این روستا ممکن است اشاره به این معنی باشد، یعنی محل انبار یا انبارها.
خوشل 36.346893° , 51.547792°	خوشل، روستایی است از توابع بخش کجور شهرستان نوشهر . "خو" به معنی خوک است و "شل" به معنی فلج و سست است و معنی نام این روستا میتواند به خوک افلیج باشد.
خیرود کنار 36.625895° , 51.555665°	از سه واژه خی، رود و کنار تشکیل شده و خی در تبری به معنی خوک وحشی میباشد. خیرودکنار اشاره به منطقه ای است که در کنار رود آن خوک وحشی هست.
د	
دارکلا 36.467376° , 52.194196°	دار به معنی درخت بوده و دار کلا اشاره به ابادی پر درخت میباشد
درزی کلا 36.627223° , 51.533469°	درز به مازندرانی به معنای بستن و دوختن میباشد و "دَرزن" به معنی سوزن و درزی به خیاط و دوزنده گویند . نام این روستا ممکن است بدلیل خیاط یا خیاط هایی بوده باشد که در آنجا زندگی میکردند.
دزدک 36.234518° , 51.774766°	دز در تبری چند معنی دارد، دز به دیگهای بزرگ دهان پهن که در حمامها برای گرم کردن آب استفاده میشد و همچنین به ظرف گلی که در آن ماست یا روغن میریزند نیز گفته میشود، البته دز تبری گشته نام دژ نیز میباشد و در سنسکریت نیز به معنی منطقه و ایالت میباشد
دشت نظیر 36.421278° , 51.431127°	دشت نظیر، روستایی است از توابع بخش کجور شهرستان نوشهر. اجزا تشکیل دهنده نام این روستا یعنی دشت و نظیر هر دو واژه های فارسی میباشند به معنی دشت شبیه و مانند.
دلسم 36.450912° , 51.536696°	ممکن است نام این روستا را بتوان بدینگونه تفسیر کرد که "دل" مخفف و تغییر یافته "دال" است که در زبان مازندرانی به معنی لاشخور است و "دال بزوآن" هم به معنی چاک دادن و پاره کردن است. و از سوی دیگر "سم" هم به جای پای حیوان گفته میشود و از اینرو "دلسم" ممکن است به معنی مکانی ترجمه شود که در آن رد و جای پای لاشخور وجود دارد.
دونا 36.195857° , 51.372278°	به معنی دانایی و آگاهی و دانش میباشد
دونکوه 36.356132° , 51.894508°	دون در زبان مازندرانی به معنی دانش و آگاهی میباشد و نام این روستا احتمالا اشاره به کوهی یا روستای ییلاقی واقع شده در کوهی دارد که اهالی آن از هوش و دانش بالایی برخوردارند و یا مردمان اطراف آن کوه دارای هوش و استعداد فوق العاده ای هستند. از طرفی نام این روستا به "دینه کوه" هم تلفظ میشود که در آنصورت "دینه" به معنی دیروز و گذشته است.
دویلات 36.199580° , 51.865832°	"دویل" هم به گیاه چند ساله و سالخورده میگویند و هم به ابریشم گنده که از پیله حاصل شود و دو کرم در درون آن باشد. نام این روستا ممکن است مرتبط با هر یک از معانی باشد.
دیزن‌کلا 36.388842° , 52.039376°	"دیزن" تغییر یافته "دیژن" است و به معنی دژ و قلعه میباشد و "کلا " هم به معنی آبادی و روستا.
دیورز 36.446867° , 52.288361°	"دیو" در زبان مازندرانی به معنی پهلوان و تنومند و جنگجو میباشد و "رز" به معنی پرتگاه است . "دیورز" یعننی پرتگاه جنگجویان.
دیمو 36.492249° , 51.257966°	این واژه در زبان مازندرانی به معنی ایستادگی و مقاومت است . احتمالا نام این روستا به دلیل ایستادگی در قبال حمله نیروهای مهاجم به این روستا "دیمو" میباشد.
ر	
رزک 36.330668° , 52.362216°	"رز" به معنی پرتگاه و یا صخره ای است که سنگ های آن ریزش میکند و "ک" علامت تصغیر و کوچک کردن. "رزک" یعنی پرتگاه کوچک
رزان 36.206838° , 52.185747°	"رز" به معنی پرتگاه و یا صخره ای است که سنگ های آن ریزش میکند و "ان" پسوند مکان است
رمشی	در زبان مازندرانی "رمش" یه معنی رمیدن است و رمشه به گوساله ای میگویند که بیش از دو سال داشته باشد. نام روستای "رَمِشی" احتمالا از این واژه گرفته شده است.
رودبارک 36.260821° , 52.073435°	رودبار به محل بارش رود میگویند و "ک" پسوند تصغیر و کوچک کردن است. رودبارک یعنی محل کوچک بارش رود
ز	
زانوس 36.331218° , 51.544228°	زانوس ریشه یونانی دارد و احتمالا نام گذاری این روستا به دوران سقوط امپراتوری هخامنشی بدست یونانیان برمیگردد. اسکندر پس از شکست دادن هخامنشیان دولتی یونانی در ایران تشکیل داد که امروز به نام سلوکیان شناخته میشود. زانوس نام یکی از خدایان یونانی بود که در زبان سانسکریت از آن به " دانوس " یا دنو یاد شده است و هند و آریاییها نیز این خدا را میپرستیدند. این خدا در تبرستان باستان با نام "دیو" شناخته میشد و از این رو در نام بسیاری از روستاهای مازندران از واژه دیو استفاده شده است . در حقیقت "زانوس" نام یونانی دیو تبری یا دانوس میباشد.
زردکمر 36.208064° , 51.828270°	"کمر" به معنی قطعه سنگی بسیار بزرگ است. نام این روستا اشاره به رنگ زرد این سنگ بزرگ دارد.
زرین کلا 36.550927° , 51.925119°	در تبری زرین به گاو زرد و طلایی رنگ اتلاق میشود. در زبان سانسکریت "زرین" یعنی اسلحه خانه.
س	
ساروس 36.507505° , 51.383830°	"سار"همان پرنده سار و "اوس" به معنی ساکن بودن و حرکت نکردن است. "ساروس" میتواند اشاره به مکانی باشد که پرنده سار در آن محل میماند و ساکن میشود.

روستا	توضیحات
ستاق 36.558454° , 52.215094°	واژه "ستاق " باید تغییر یافته رستاق باشد که خود معرب و تغییر یافته روستاک به معنی ده و دیه است. و رستاق به دهی میگفتند که در آن بازار بود. همچنین در زبان مازندرانی به طنابي که با آن خر و گاو را میبندند نیز "ستاق" میگویند.
سراسب 36.143404° , 51.794528°	این واژه به معنی سرای اسب است و به مفهوم وفور و فراوانی اسب در منطقه میباشد.
سرکاج	کاج در تبری به شاخ های ریز به هم بافته شده ، درخت کاج و چوبی که به عنوان اهرم بر دوش می نهند بکار می رود، لازم به یاد آوری است که تبرستانیان قدیم به هنگام مسافرت و یا حتی رفتن به صحرا و کوه و سر زمین خوراک و وسایل مورد نیاز خود را داخل پارچه ای بسته بندی کرده و آنرا بقچه می نامیدند بقچه را بر سر چوبی به نام کاج نهاده ئ بر دوش می گرفتند
سریوده 36.353869° , 51.750948°	"سر" به معنی ابتدا و سرچشمه است و "اُو" هم یعنی آب که همچنین به معنی رود و چشمه نیز بکار میرود. "سریو" یا "سَر اُو" میتواند به معنی ابتدا و سرچشمه یک رود یا چشمه ترجمه شود و "سریوده" به معنی روستایی که این سرچشمه در آن واقع شده است. از طرف دیگر "سریوه " در زبان مازندرانی ، یعنی سرود و ترنم و در نتیجه "سریوده" به معنی روستا و آبادی سرود و ترنم میباشد.
سعادت‌آباد 36.443630° , 52.229937°	آبادی و یا روستایی که آبادانی و نام گذاری آن با آرزو سعادت و رستگاری بوده است و یا توسط فردی بنام سعادت آباد شده است.
سلی کتی 36.517169° , 52.036218°	"سلی" به معنی چوب نردبان مانند است که آبکش را بر روی آن قرار میدهند و کتی هم به معنی تپه و بلندی است . همچنین ممکن است قسمت اول نام این روستا از واژه "سالی" باشد که به معنی نوعی تور ماهیگیری است با چوب بلند است ، باشد.
سما 36.381588° , 51.391366°	"سما" در زبان مازندرانی به معنی رقص و پایکوبی و شادمانی کردن است
سنگ نو 36.390924° , 51.851897°	"نو" در زبام مازندرانی هم به معنی جدید و تازه است و هم به حوضچه های کوچکی که در کنار رود ها و چشمه ها برای گرفتن آب و آشامیدن آب توسط چهارپایان ساخته میشود "نو" میگویند. نام "سنگ نو" ممکن است مرتبط با این معنی دوم یعنی مکانی با حوضچه سنگی برای آبخوری باشد.
سنگ‌تاب	سنگ همان سنگ است و کنایه از زمین سنگلاخی است. "تاب" در زبان مازندرانی به گوسفندی که سریعتر از گوسفندان دیگر فربه شود میگویند
سنگ تجن 36.627146° , 51.495989°	"تجن" به معنی گذرگاهی است که آبب یا سرعت زیاد در آن جاری باشد و سنگ نیز همان معنی سنگ را میدهد. نام این روستا یعنی منطقه ای سنگلاخی در گذرگاهی که آب رودی با سرعت زیاد از انجا میگذرد.
سنگ‌چال 36.185898° , 52.498462°	سنگ همان سنگ است و کنایه از زمین سنگلاخی است و "چال" به معنی گودال و زمین پست. سنگ چال زمین پست و گودالی است که در آن سنگ های فراوانی وجود دارد.
سوادکوه	" سواد کوه " در اصل ساد کوه یا سوات کوه بوده است. ساد یا سات در مازندرانی به منطقه عاری از درخت میگویند. این نام بر گرفته از قله ای است که به دلیل ارتفاع زیادش فاقد درخت میباشد.
سوردار 36.411850° , 51.978764°	سور در تبری به معنی درخت سرو میباشد و دار یعنی درخت، سوردار یعنی محلی که در آن درخت سرو هست. این روستا به دلیل ارتفاع بلند و در خط دید آن قرار گرفتن اکثر مناطق دامنه شمالی رشته کوه البرز در این ناحیه، یعنوان مرکز و ایستگاه فرستنده رادیو و تلوزیون نیز انتخاب شده است .
سولده 36.574054° , 52.014413°	احتمالا تغییر یافته واژه "سالده" است و این از دو واژه سال و ده تشکیل شده که هدف نمایش قدمت این مکان میباشد.
سیاه رود 36.560599° , 51.935534°	به معنی رودخانه سیاه است.
سیاه‌کلا 36.540005° , 52.108426°	به معنی آبادی و ده منتسب به رنگ سیاه است.
سی سنگان 36.581500° , 51.810542°	"سی" در زبان مازندرانی به معنای کوه یا تپه منفرد و همچنین صخره میباشد. سی سنگان یعنی تپه و یا صخره سنگی.
ش	
شاه ناجر 36.305756° , 51.769184°	در زمان هجوم اعراب به ایران، مردم منطقه رویان که از جور و ستم محمدبن اوس ، سردار عرب، به تنگ آمده بودند نزد سید محمد ابراهیم که مردی بسیار متدین و خداشناس و خیر خواه و پرهیزکار بود رفتند و از او خواستند که هدایت و رهبری ایشان در مبارزه با ستم حاکم ظالم بپذیرد. وی آنان را نزد برادر زن خود حسن بن زید فرستاد که بعدها همین حسن بن زید فرمانروای مازندران شد. مقبره سید محمد ابراهیم بعدها بنام زیارتگاه آقا سید محمد کیا یا دبیر صالحان مشهور شد ولی اهالی او را سلطان کیمدور یا " شاه ناجر " مینامیدند. نام روستای "شاه ناجر" نیز بواسطه و جود مقبره سید محمد ابراهیم در آن است.
شهربند 36.530246° , 51.174636°	"بند" به محلی میگویند که آب را از آن جا می توان قطع نموده و به سمت دیگری هدایت کرد. و نام این روستا میتواند اشاره به چنین مکان و موقعیتی برای یک شهر باشد.
شهرکلا 36.545790° , 51.998968°	آبادی و روستای منتسب به شهر.
شیخ‌علی‌کلا 36.506594° , 52.107526°	شیخ علی نام شخص است و "کلا" نیز مخفف کلات بوده و به معنی تپه و آبادی میباشد.
شیرکا	"شیر" به معنی خیس و تر است و "کا" هم به معنی کاه. "شیرکا" یعنی کاه خیس و تر
ص	
صالحان 36.324330° , 51.767200°	امام زاده سلطان محمد کیا در این روستا واقع شده است. نام این روستا از جمع واژه صالح به معنی فرد متعبد و پاکدامن و راست کردار میاید و احتمالا اشاره به اهالی این آبادی است.

روستا	توضیحات
صلاح الدین کلا 36.563841° , 51.832793°	صلاح الدین نام شخص است و "کلا" نیز مخفف کلات بوده و به معنی تپه و آبادی میباشد.
ع	
عالم کلا	روستایی است در نزدیکی سی سنگان در جاده بین رویان و نوشهر. "عالم" در زبان مازندرانی به ساقه های خشک شده برنج میگویند که در زمانهای قدیم از آن برای پوشش بام خانه ها استفاده میشد. "کلا" هم به معنی تپه و آبادی است.
عالی دره 36.454959° , 51.482866°	این در حقیقت باید به صورت "آلی دره" بوده باشد. "آلی" در زبان مازندرانی به معنی رنگ زرد بسیار پررنگ مایل به سرخ میباشد و نام این روستا اشاره به دره ای سرخ رنگ دارد.
عباسا 36.547583° , 51.991570°	نام این روستا ممکن است برگرفته از نام عباس و مرتبط به نام شاه عیاس صفوی باشد.
عباس‌کلا 36.509448° , 52.099774°	یعنی روستا و آبادی مرتبط به نام عباس. نام این روستا ممکن است مرتبط به نام شاه عباس صفوی باشد
عربخیل 36.502055° , 51.114951°	"خیل" به محلی که برای نگهداری گوسفندان در بیابان ساخته شود ، میگویند و ممکن است نام این روستا مربوط به دوره حضور اعراب یا طایفه ای از آنها و مالکیت یا ارتباط آنها با یکی از محل های نگهداری گوسفندان باشد.
عزت 36.547486° , 51.916651°	به معنی عظمت و بزرگواری و ارجمندی و سرافرازی ، همچنین نام فرد نیز میباشد که ممکن است نام این ده از انتساب به نام یک فرد باشد.
علمده 36.568470° , 51.960971°	"علم" میتواند تغییر یافته عالم باشد به معنی ساقه های خشک شده برنج که برای پوشش بام خانه ها از آن اشتفاده میشد. واژه "الم" به تنهایی در زبان مازندرانی به مفهوم سرو صدای غیرمعمول است .
علوی کلا 36.560540° , 51.895781°	هر چند معمولا با حرکن ضمه حرف "ع" و بصورت "عُلوی کلا" بیان میشود. اما احتمالا نام درست آن با فتحه "ع" است و به معنی آبادی و روستای منتسب به علوی ها که فرزندان امام علی (ع) هستند میباشد.
علی‌آباد	یعنی ده یا روستایی که توسط فردی به نام علی آباد گشته است و یا به احترام حضرت علی (ع) این نام برای این روستا انتخاب شده است.
ف	
فراش کلا	فراش در واقع یعنی گسترنده فرش ، اما به خدمت کاران و پیشکاران خوانین در دوره های قبل هم "فراش" میگفتند. و "فراش کلا" یعنی آبادی و ده منتسب یه یکی از این پیشکاران.
فرشی کلا 36.558721° , 51.913807°	میتواند برگرفته و مختصر شده "فرشید کلا "یعنی آبادی و ده منتسب به فرشید که از جمله نامهای حاکمان و سران محلی است ، باشد.
فرانو	"نو" به معنی حوضچه چوبی است که در کنار چشمه یا برکه برای آبخوری درست میکنند . "فرا" هم احتمالا تغییر یافته و مختصر شده "فرام" است که در زبان مازندرانی به معنی گاو یا گوسفند نازا که از شیر دادن افتاده باشد ، است. و "فرانو" مینواند به آب خوری ساخته شده ویژه این حیوانات باشد.
فلیمرز	"فل " در زبان مازندرانی به معنی خاکستر نرمی است که با باد جابه جا شود . مرز هم به معنی سامان و انتهای یک محدوده است.
فولادکلا	کلا مخفف کلات و به معنی آبادی و ده است و همچنین فولاد نیز به معنی فلز فولاد است.
فیروز آباد 36.358117° , 51.366581°	یعنی ده یا روستایی که توسط فردی به نام فیروز آباد گشته است
فیروز کلا 36.380750° , 51.782947°	کلا مخفف کلات و به معنی آبادی و ده است . " فیروز کلا " یعنی ده یا آبادی منتسب به فیروز که میتواند نام یکی از سرداران یا حاکمان محلی در زمانهای گذشته باشد.
ک	
کاسگرمحله 36.536655° , 51.947059°	کاس در تبری به معنی کاسه و کاسگر به معنی کاسه ساز میباشد و کاسگر محله یعنی محله کاسه سازان
کالج 36.354523° , 51.867104°	از دو واژه " کال " به معنی نارس و خام و و " اج " هم نام درختی جنگلی است و هم نام نوعی گردوی جنگلی است که پوست سبز آن به آسانی جدا شود. "کالج" رامیتوان به گردوی جنگلی نارس ترجمه کرد. همچنین گفته شده است نام این روستا از نام سرداری به نام کالتج که به این محل حمله و آنرا به تصرف خود درآورده بود ، گرفته شده است.
کالنو 36.514684° , 51.253886°	"کال" به معنی بلندی و " نو" به معنی ظرف ناودانی مانندی است که در محل چشمه ها و برکه ها برای آبخوری میگذارند
کام 36.155298° , 51.717972°	این روستای کوهستانی در نزدیکی یوش واقع شده است. "کام" در زبان سانسکریت به معنی آرزو و آرمان میباشد. از این واژه در نام بسیاری از روستاها و آبادیهای مازندرانی استفاده شده است.
کپ 36.333467° , 51.854258°	به ظرف گلی که در آن شراب نگهداری میشود اطلاق میشود. از طرفی ممکن است واژه درست نام این روستا "کب" باشد که به معنی حصیر است.
کپین 36.232689° , 52.248993°	"کپین" در زبان مازندرانی به معنی قدیمی و دیرینه است و ممکن است نام این این روستا به دلیل قدمت آن "کپین" باشد.
کجور 36.381901° , 51.728244°	کجور از بخش های ییلاقی و کوهستانی شهرستان نوشهر است. در زبان سانسکریت "کجور" نام دارویی است که آنرا زرن آباد میاوردند و در عربی به آن الکافور میگفتند. از سوی دیگر "جور" به معنی بلند است و کجور میتواند مخفف و خلاصه شده "کوه جور" به معنی بلندی کوه و یا کوه بلند باشد.
کچلده	" کچل " نام دستگاه بافندگی در قدیم است و این نام معرف قدمت صنعت بافندگی در این روستا میباشد

روستا	توضیحات
کدیر 36.449622° , 51.783776°	روستای زیبای کوهستانی است در منطقه کجور . هنگامی که ملک کیومرث بن بیستون (۸۰۷- ۸۵۷ هَ . ق) اهالی رویان و رستمدار (نور) را مجبور ساخت که مذهب تسنن را ترک گویند و به مذهب شیعه درآیند، سکنه کدیر با دادن ۸۰۰ رأس قاطر مجاز شدند که در مذهب تسنن باقی بمانند و تا دو قرن بعد از آن تاریخ مردم سنی مزبور در قریه کدیر مقیم بودند. (از ترجمه سفرنامه مازندران رابینو ص ۳٤). واژه "کد" در زبان مازندرانی به معنی دشمنی و کینه جویی است (کد هاکردن یعنی کینه جو گشتن) و "کدیر" حالت و وجه فاعلی این عبارت به معنی شخص کینه جو و دشمن است. این سابقه تاریخی و معنی تحت الفظی مازندرانی ممکن است علت نام این روستای زیبای کوهستانی باشند. از سوی دیگر بنا بر روایتی، وجه تسمیه کدیر از "کوه دیر" به معنی کوهی که در آن دیری بوده است و یا دیری که در کوه واقع است، میاید .
کدیرسر 36.430437° , 51.856224°	روستایی در ابتدا و مدخل روستای کدیرکه در بالا شرح داده شد.
کراتکتی	"کرات" نام درختی جنگلی است با خارو تیغ بسیار . "کتی" هم به معنی تپه میباشد. "کراتکتی" به معنی تپه ای است با درختانی پر خار.
کرچی 36.389710° , 52.024670°	در زبان مازندرانی "کرچی" به معنی سنگچین راهنما ست که چوپانها در کوه ها به روی هم میچینند . همچنین به دیوار و حصاری که از چیدن سنگ بر روی هم تشکیل شده باشد نیز "کرچی" گفته میشود و همانند روستاهایی که در نامشان از واژه سنگ استفاده شده، کرچی نیز به معنی فراوانی سنگ در محل است.
کردآباد 36.492818° , 52.101045°	ممکن است به معنی روستایی باشد که توسط اقوام مهاجر کرد آباد شده است. همچنین "کِرد" به زبان مازندرانی به چوپان بز و گوسفند گفته میشود. که ممکن است معنی نام این روستا هم مربوط به این معنی واژه "کرد" باشد. یعنی محلی که توسط چوپانان بز و گوسفند آباد شده است.
کردمحله 36.536655° , 51.947059°	"کرد" به زبان مازندرانی به چوپان بز و گوسفند گفته میشود. "کرد محله" میتواند به معنی محلی که در آن چوپان های بز و گوسفند زندگی میکنند باشد. معنی دیگر این روستا میتواند مربوط به سکونت اقوام مهاجر کرد در این محل باشد.
کرسی کلا 36.214411° , 52.167588°	کر در تبری به معنی پرتگاه و سی در تبری به معنی صخره میباشد و کر+سی+کلا اشاره به منطقه کوهستانی دارد ولی از سوی دیگر کرسی کلا را میتوان همان کرسی خودمان که نوعی وسیله گرمایی در زمستان میباشد نیز ترجمه کرد
کشی محله	"کشی" به معنی بیگانه و غریبه است و "کشی محله" به معنی روستا یا آبادی بیگانگان
کلا	"کلا" به معنی کوزه بزرگ گلی آب خوری است. از طرفی نام این روستا ممکن است تغییر یافته و مختصر شده کلات به معنی تپه و آبادی روی تپه باشد.
کلاچران	"کلا" به معنی آبادی است و "چر" نام محلی و مازندرانی درخت نمدار است و "ان" نیز پسوند مکان . "کلاچران" یعنی آبادی و محلی که در آن این نوع درخت نمدار وجود دارد.
کلاگر محله	"کلا" به کوزه های گلی حمل آب میگویند . "کلاگر" به کسی که این کوزه ها را میسازد. کلاگر محله یعنی روستایی که سازندگان این کوزه ها در آن زندگی میکنند.
کلاردشت 36.506722° , 51.163760°	کلاردشت دشتي است در ميان دره‌اي باز و گسترده كه ييلاقات و آبادی‌هاي فراواني را در بر گرفته است. مركز كلاردشت "حسن كيف" بوده و در ده زيباي رودبارك در زير قله علم كوه با رودخانه‌اي پر آب و زيبا و ويلاهاي متعدد از محل‌هاي مهم و جاذبه‌هاي گردشگري ويژه منطقه به شمار مي‌رود. واژه "کلار" را می توان از ریشه " خیل آر" یعنی بیرون آورنده نیش های بلند و کج خلنده از فارسی کهن دانست که اشاره به گراز است و کلاردشت ، یعنی دشتی که درآن گراز فراوان وجود دارد. همچنین "کلار" را هم برگرفته از وایه "کلا" و "کلات" و به معنی تپه و آبادی در نظر بگیریم.
کلاک 36.192408° , 51.549899°	"کلا" یا کلات به معنی آبادی است و کلاک یعنی آبادی کوچک
کلاونگه 36.190694° , 51.439667°	نام این روستا از سه قسمت تشکیل شده : "کلا" به معنی آبادی ، "ون" که نام نوعی درخت جنگلی است و "گا" که پسوند جا و مکان است.
کلیک 36.191693° , 51.551448°	"کل" به معنی قلعه در زبان پهلوی و به معنی آبادی و ده در زبان اوستایی است. "یک" نیز همچون "ک" پسوند کوچک کننده است. "کیلک" به معنی قلعه و آبادی کوچک است. همچنین در زبان مازندرانی کلیک به غوره باقیمانده از گل نسترن میگویند که پس از خارج کردن دانه و پرز خوراکی میباشد.
کلین خونی 36.523342° , 52.068498°	"کلین" در زبان مازندرانی به خاکستر و یا دودی میگویند که به هنگام روشن کردن بخاری از آن برخیزد. " خونی" نیز در زبان مازندرانی به معنی چشمه است. ممکن است نام "کلین خونی" به معنی دود یا بخاراتی باشد که از چشمه آب گرم یا چشمه آبهای معدنی در این ناحیه برمیخیزد.
کمربن 36.230094° , 52.398475°	"کمر" در زبان مازندرانی به قطعه سنگ بسیار بزرگ اطلاق میشود و"بن" به معنی پایین است." کمر بن " میتواند یه معنی محلی در پایین ناحیه ای از سنگ های بسیار بزرگ باشد.
کلمه	"کل" در اینجا پیشوند مکان است و "کُلمه" به معنی روستایی است که در آن مه بسیار دارد
کلگک	"کلگا" هم به معنی کارگاه ابریشم بافی است و "ک" آخر برای تصغیر و کوچک کردن است و الف کلگا نیز تلفظ نمیشود و "کلگک" به معنی کارگاه ابریشم بافی کوچک است.
کلوده 36.556156° , 52.306502°	در زبان مازندرانی به گاو بدون شاخ "کلوده" میگویند. از سوی دیگر "کلوده" به معنی خرمالو هم میباشد.
کمررود	"کمر" در زبان مازندرانی به قطعه سنگ بسیار بزرگ اطلاق میشود. " کمررود " میتواند یه معنی رودی باشد که از سنگ های بسیار بزرگ عبور میکند.
کندلوس 36.324462° , 51.563791°	"کند" یعنی تپه و اشاره به روستایی است که بر روی تپه بنا شده است و "لوس " نیز به زبان مازندرانی یعنی سفره و پذیرایی . معنی "کندلوس" بدین ترتیب روستایی است بر روی تپه که آماده پذیرایی است.
کندوسر 36.387498° , 51.375498°	"کندو" در زبان مازندرانی به معنی زالو است و سر هم یعنی سرا و محل و "کندوسر" به معنی محلی که در آن زالوی فراوانی وجود دارد است . از سوی دیگر "کند" به معنی تپه و بلندی و "سر" به معنی ابتدا و محل شروع نیز هست. از اینرو "کندوسر" میتواند به معنی ابتدا و شروع منطقه ای مرتفع نیز باشد.
کندیس کلا 36.471368° , 51.465504°	"کندیس" یعنی انبار یا سیلویی که از چوب ساخته شده باشد. کلا هم به معنی آبادی و روستا است. "کندیسکلا" یعنی روستایی که در آن انبار و سیلوی چوبی وجود دارد.
کنیس 36.474818° , 51.393436°	تلفظی دیگر است از "کِنِس" یا ازگیل جنگلی مازندران

روستا	توضیحات
کنس پا 36.462143° , 52.219437°	"کِنِس" به ازگیل جنگلی مازندران میگویند. "پا" در زبان مازندرانی به جنگل یا مرتع مشاع که بصورت مشترک استفاده شود میگویند. "کنس پا" به معنی جنگل مشترک و عمومی درختان ازگیل وحشی است.
کنگر 36.306203° , 51.731605°	نام گیاهی دارویی است که در کوهستانهای مازندران میروید . نام این روستا میتواند اشاره به محل رویش این گیاه باشد.
کنگلچال 36.272732° , 52.201530°	"کنگل" همان گیاه کنگر است و "چال"نیز به معنی گودی و زمین پست. "کنگلچال" به معنی منطقه و زمین پستی است که گیاه کنگر در ان میروید.
کِهِر 36.449622° , 51.783776°	"کِهِر" در زبان مازندرانی به اسب سرخ رنگ مایل به قهوه ای و سیاه میگویند. نام این روستا مینواند اشاره به وفور این نوع اسب در منطقه باشد.
کهنه ده 36.463184° , 51.454745°	از روستاهای کوهستانی دهستان توابع کجور شهرستان نوشهر و به معنی روستایی قدیمی و کهنه
کهنه سرا 36.591392° , 51.662761°	به معنی روستایی قدیمی و کهنه
کوشکک 36.407324° , 51.656530°	"کوشک " در زبان مازندرانی به معنی قارچ خوراکی وحشی و در زبان پهلوی به معنی کاخ و قصر میباشد. نام روستای "کوشکک" احتمالا به دلیل فراوانی رویش قارچ های خوراکی در این منطقه میباشد.
کوهپر 36.424296° , 51.606165°	"پر" به معنی دامن و جامه است و معنی "کوهپر" میتواند دامنه کوه باشد. از سوی دیگر معنی دیگر "پَر" ، آغل و یا بخشی از مرتع محصور شده با صخره ها و پرتگاه های متعدد است . علت نام روستای "کوهپر" ممکن است مرتبط با این معنی واژه "پر" باشد.
کیا کلا 36.367966° , 51.548601° 36.369495° , 52.038732°	"کیا" در زبان مازندرانی به معنی بزرگ و سردار میباشد. نام بسیاری از روستاها و اماکن معروف از این واژه به عنوان پیشوند و یا پسوند استفاده شده است. "کلا" هم کوتاه شده کلات به معنی آبادی است. "کیاکلا" به معنی آبادی سردار است.
کیکو 36.336993° , 51.396384°	تلفظ دیگری از کیاکو میباشد. "کیا" در زبان مازندرانی به معنی بزرگ و سردار میباشد و "کو" مخفف کوه است. کیکو یعنی کوه سردار
کینج 36.398620° , 51.527468°	کینج در تبری به کنجد اتلاق میشود و کنایه از منطقه ای است که کشت کنجد در منطقه رواج داشته است.
گ	
گالیخومند 36.355149° , 51.932621°	" گالی " به خرده های کاه میگویند و همچنین نام ساقه گیاهی است مردابی مانند نی که از ان در سبد و حصیر بافی و همینطور پوشش بام خانه ها استفاده میشود. خومن یا خومند هم به زمینی صاف و هموار میگویند.
گت کش 36.424548° , 51.539372°	"گت" به معنی بزرگ و و "کش" به معنی دامنه و زمین شیب دار و کوهستانی میباشد. "گت کش" یعنی زمین شیب دار و کوهستانی وسیع و بزرگ.
گزناسرا 36.281020° , 52.187395°	"گزنا" یا گزنه نام گیاه وحشی و خودرویی است که اصابت آن به بدن موجب سوزش میشود و علاوه بر این خواص دارویی نیز دارد. "گزنا سرا" به معنی محل و منطقه ای است که این گیاه در آن فراوان میروید.
گلندرود 36.445558° , 51.906607°	"گلند" در اینجا تغییر یافته و خلاصه شده "رگلند" است که به جایی میگویند که در آن درختان بلند قامت روییده باشد و تنومندی درختان مانع از نفوذ نور خورشید گشته و این وضعیت عدم رویش هرگونه درختچه ای را موجب گردد. "گلندرود" به معنی رودی است که از میان درختان بلند قامت عبور میکند.
گویتر 36.492249° , 51.257966°	این روستا در منطقه کلاردشت واقع شده است و "گو" به معنی گاو و "تر" به معنی مایع و لعاب چسبناک میباشد.
گندیاب 36.539422° , 52.037274°	گندی نام کوهی در منطقه است و "گندیاب" اشاره به چشمه ای دارد که از این کوه بیرون میاید و موجب سکنی مردم در این منطقه شده است. همچنین "گندی" را ممکن است بتوان به آب راکد و مرداب شده نیز ترجمه کرد.
ل	
لاردسر 36.645751° , 51.453306°	"لارد" به معنی پاره گی و گسستگی است و سر هم به معنی ابتدا و آغاز یک منطقه. لاردسر میتواند به معنی ابتدا و آغاز گسستگی در زمین باشد.
لاسکتی 36.265244° , 52.071332°	"لاس" به معنی ابریشم نامرغوب است و "کتی" نیز به معنی تپه و آبادی. لاسکتی به معنی روستایی است که ابریشم آن مرغوب نیست.
لاشک 36.366635° , 51.650060°	لاشک از دوقسمت "لاش" و "ک" تشکیل شده که در آن "لاش" از واژه لش به معنی محل آب گرفته و یا دریاچه است و "ک" پسوند تصغیر و کوچک کننده است. بدین ترتیب "لاشک" به معنی دریاچه با آب بند کوچک میباشد. با تعبیری دیگر "لا" به معنی درز و شکاف و میان و "شک" به معنی کوهان و همچنین گوشت راسته گاو یا گوسفند است و ممکن است نام این روستا اشاره به این معانی "لا" و "شک" باشد یعنی مثلا شکاف میان کوهان.
لاویج 36.373930° , 52.038881°	"لا" به معنی درز و شکاف است و "ویج" در فرهنگ اوستایی به معنی سرزمین آریایی است. این واژه همچنین در سانسکریت به معنی شتاب و سرعت و در زبان پهلوی به معنی گرده های ریز مه مانند آب که همراه باد پخش میشوند ، میباشد. اما این واژه در زبان مازندرانی به معنی هنر و مهارت و فن میباشد .
لتینگان	"لتینه" در تبری نام تخته چوبی است که در پیش ایوان و یا پرتگاه نصب می کنند و پسوند "گان" برای مکان به کار میرود
لرگان 36.365703° , 51.568741°	"لرگ" نام درختی از درختان جنگلهای تبرستان میباشد و پسوند "گان" برای مکان به کار میرود . همچنین "لرگ" به معنی مترسک هم میباشد.
لزیر 36.405396° , 51.932435°	" لزیر" در زبان مازندرانی به معنی چاه کن میباشد. معنی دیگر لزیر پرخور است.
لسفیجان	نام این روستا احتمالا از واژه "لس فیک" به معنی درخت بید مجنون گرفته شده است. "جان" در آن پسوند مکان است. "لسفیجان" یعنی محلی که در آن درخت بید مجنون است.

روستا	توضیحات
لش سر 36.533984° , 51.190469°	"لش" در زبان مازندرانی به زمین گل آلود و پر آب میگویند و "سر" یعنی ابتدا و آغاز. "لشسر" یعنی ابتدای محلی دارای زمین گل آلود و پر آب.
لشکنار 36.418264° , 51.924512°	"لش" در زبان مازندرانی به زمین گل آلود و پر آب میگویند و "لشکنار" یعنی محلی که در نزدیکی زمین گل آلود و پر آب واقع شده است. دو روستا با نام لشکنار در شهرستانهای نور و نوشهر وجود دارند.
لوس 36.316183° , 51.829235°	" لوس " در زبان مازندرانی به معنی سفره و میهمانداری و مهمان نوازی و در زبان پهلوی به معنی آبادی و آبادانی است
لَهاش 36.162651° , 52.382744°	"له" به معنی سیلاب و همچنین گِل نرمی است که پس از سیلاب بر زمین نشیند و "آش" به همان مفهوم آش خوراکی و یعنی له و لورده شده است . معنی "لَهاش" میتواند اشاره به زمین نرم و گِل خیلی نرم ناشی از سیلاب باشد.
لیگوش 36.354137° , 51.737759°	"لی " در زبان مازندرانی به سوراخ و غار و حفره گفته میشود و "گوش" نیز به معنی پاشنه ی در است . نام این روستا میتواند اشاره به مدخل و ورودی غاری یا سوراخی در این منطقه داشته باشد.
م	
مجلار 36.382014 ° , 51.277044°	"مج" به معنی در زبان مازندرانی به معنی لگد کننده است و "لار" یعنی آزاد و بی بند و از سوی دیگر "لاره " به محلی سبز و خرم گفته یشود. "مجلار" میتواند از خلاصه شده مجلاره باشد به معنی اشاره به معنی سرزمین سبز و خرمی برای قدم زدن و بر زمین لگد مردن باشد.
مرج 36.153238° , 51.814302°	در زبان سانسکریت به معنی محکم و استوار و مقاوم میباشد
مرزن آباد 36.453841° , 51.300770°	در حقیقت واژه پهلوی و مرکب بوده که در آن "مر" همان "مار" به معنی مادر و "زن" نیز همان ژن یا دژ میباشد و "مرزن آباد" یعنی آبادی که دژ مادر و اصلی منطقه در آن واقع شده است . نام قدیم شهر مرزن آباد "بابوده" بود که به معنی محل پرورش کرم ابریشم میباشد.
مرزنده	"مرز" در حقیقت از ترکیب دو واژه "مر" که همان "مار" به معنی مادر است و "زن" نیز همان ژن یا دژ میباشد و "مرزنده" یعنی آبادی که دژ مادر و اصلی منطقه در آن واقع شده است .
مزید 36.199460° , 51.897978°	تیره ای از طایفه ی علی شاهی ساکن در این منطقه.
ملاکلا 36.555274° , 51.805588°	کلا به مهفوم آبادی و ده است و ملا کلا ده و یا آبادی به ملا است.
مُلکار 36.587683° , 51.687700°	"ملک" به معنی زمین و ملک و ثروت و "ار" یعنی آورنده و "ملکار" یعنی آورنده ملک و ثروت
منجیر 36.356173° , 51.403726°	این واژه در واقع تغییر یافته "منگیل" میباشد که در آن "گیل" نام طایفه ای در غرب مازندران است
منوچهرکلا 36.540180° , 51.903619°	"کلا" مخفف کلات به معنی تپه و ابادی است و "منوچهرکلا" روستا یا آبادی منتسب به فردی به نام منوچهر
مونج 36.340847° , 51.555734°	"مون" به معنی ماندنی و ماندگار است و "ج"پسوند اهل جایی بودن و مکان. "مونج" یعنی اهالی محلی ماندگار.
میان‌رودبار 36.416247° , 51.896281°	رودبار به محل بارش رود میگویند و میانرودبار به منطقه ای در میان این محل اطلاق میشود.
میرکلا 36.307526° , 51.567418°	این نام روستایی در کجور در شرق کندلوس است که ساکنان آن همگی سید هستند و شاید علت نام آن هم همین باشد، چرا که "میر" به معنی سید است.
میناک 36.223441° , 51.679768°	روستایی است از توابع بخش بلده شهرستان نور در زبان مازندرانی به چشمه و آبی که از زیر صخره بیرون بیاید "میناک" میگویند . در میناک نیز چشمه پر آبی وجود دارد که از دل صخرهای دره ای ، بصورت آبشاری به بیرون جاری می باشد.
ن	
ناتل 36.501026° , 52.022876°	"تل" نوعی درخت کرکو از خانواده افرا. نام روستای "ناتل" میتواند اشاره به محل رویش این نوع درخت باشد.
ناحیه 36.152557° , 51.610497°	به معنی منطقه و بخشی خاص از نظر جغرافیایی
نارنجک بُن 36.546278° , 51.872859°	به معنی زیر درختان نارنج کوچک میباشد
نارز	احتمالا تغییر یافته "نارس" به معنی کال و نپخته است. از سویی دیگر "نا" به معنی نفی و نه است و "رز" هم به معنی پرتگاه و یا صخره ای است که سنگ های آن ریزش میکند و "نارز" میتواند به معنی محلی باشد که در آن پرتگاه و صخره نیست .
نج 36.174480° , 52.002669°	"نج " در زبان مازندرانی به معنی جوانه میباشد
نسن 36.236297° , 51.498822°	این منطقه به علّت سرد سیر بودن از قدیم "نسم " خوانده مي شد که به زبان مازندرانی به جايي که سرد و سایه بوده و به خوبي در معرض آفتاب قرار نداشته باشد ، "نسم" گویند، که به مرور زمان به نسن تغییر یافته است همچنین در زبان مازندرانی به قابلمه برنج "نسن" میگویند
نِشو 36.370251° , 51.861176°	همان نِشا به زبان مازندرانی است که مرحله ای در کشت برنج میباشد.

روستا	توضیحات
نصرت‌آباد 36.500760° , 52.073250°	به معنی ده و یا آبادی که توسط فردی بنام نصرت آباد شده است ، میباشد.
نوجمه 36.275859° , 52.168752°	"نو " به معنی تازه و نو و "جمه" به معنی پیراهن و لباس است . همچنین با تعبیری متفاوت "نوج" به معنی جوانه درخت و همچنین مرحله ای در رشد شالی است و "مه" هم همان مه و به معنی ذرات معلق آب و رطوبت در هواست.
نور 36.574054° , 52.014413°	وجه تسمیه نور منتسب به رود نور است که به دلیل زلالی آب و انعکاس نور در آن به این نام شهرت یافته است
نته 36.225585° , 51.605783°	"نته" در فرهنگ دهخدا به معنی چاهی کوچک در سنگی سخت ترجمه شده است .
نیَتَل 36.291049° , 51.736114°	در اطراف این روستا نیزارهای کوچکی وجود دارد که احتمالا قسمت "نی" از نام این روستا مرتبط به این نیزار های میباشد. "تَل" نیز در زبان مازندرانی هم به معنی تلخ است و هم به معنی نشانه و راهنما.
نیچ کوه 36.293954° , 51.589892°	"نیچ" در زبان مازندرانی نی قلیان است . و "نیچکوه" در واقع نام کوهی است منتسب به نی قلیان. از سوی دیگر نیچکوه نام وسیله ای به شکل نی بود که دلاکان سابقا با آن اطفال را ختنه می کردند و به آن "چیک ویرین" نیز می گفتند.
نیرس 36.440958° , 51.347133°	نیرس، روستایی است از توابع بخش کجور در دهستان پنجکرستاق . "نی" در نام این روستا همان گیاه نی است و رس به از فعل رسیدن میاید . "نیرس" یعنی مکان و منطقه ای که از آنجا میتوان به نیزار دسترسی پیدا کرد.
نیرنگ 36.638767° , 51.504279°	"نی" به معنی نوعی گیاه مردابی یا همان نی است و "نیرنگ" یعنی به رنگ نی.
نیکنامده 36.205699° , 51.641956°	دهی که به نام نیک شهرت دارد.
نیمور 36.443172° , 51.584557°	"نی" به معنی راهنما و اشاره و "مور" نام قلعه ای است در منطقه.
ه	
هریجان 36.229779° , 51.326233°	"هری" در زبان مازندرانی به معنی پشم گوسفند است و "جان" نیز پیشوندی برای مکان که در انتهای نام بسیاری از روستاها دیده میشود. از سوی دیگر "هر" به معنی زمین شل و گل هم میباشد که ممکن نام این روستا اشاره به این معنی واژه "هر" باشد.
هزار خال	هزار همان هزار است و خال در مازندرانی به شاخه جوان درخت گفته میشود. "هزار خال" کنایه از محلی است که در آن درختان جوان و پر شاخه فراوانی یافت میشود.
هزارسم 36.399697° , 51.401695°	هزار همان هزار است و "سم" در مازندرانی به جای پای حیوان و اثر و نشانه های آن گفته میشود و نام این روستا اشاره به مکانی است که در آن رد پای حیوانات زیادی دیده میشود.
هلوپشته 36.305012° , 51.845733°	"هلو " به معنی گسست و گسل زمین و همچنین به معنی پستی و ناهمواری است و "پشته " به معنی انبوه است. "هلوپشته" میتواند به معنی محلی باشد که در آن انبوهی از زمین های ناهموار وجود دارد. همچنین ممکن است نام این روستا در اصل "هلی پشته" باشد که در اینصورت "هلی " به معنی درخت آلوچه است و"هلی پشته " به معنی محلی که در آن میوه درختان آلوچه زیادی وجود دارد، است.
هلیچال 36.214638° , 52.282294°	"هلی" به معنی الوچه یا درخت آلوچه و "چال" هم به معنی چاله و گودال و زمین پست است . "هلیچال" میتواند به معنی منطقه پستی باشد که در آن درختان آلوچه وجود دارد.
هندومرز 36.567474° , 51.945611°	هند و هلوم در تبری به پستی و بلندی اتلاق میشود و مرز استانه و سامان یک منطقه است . " هندومرز" یعنی آستانه و مرز منطقه ای که پس از آن ناهمواری زمین شروع میشود.
و	
والت	در زبان مازندرانی به آبادی که در کنار رود بنا شده باشد "والت" میگویند.
واتاشن	واتاشن، روستایی است از توابع بخش مرکزی شهرستان نور در دهستان ناتلکنار است. " وا" به معنی باد و "تاشن" از واژه تراشیدن میاید و " واتاشن" کنایه از محلی است که باد شدیدی در آن میوزد.
واز 36.326652° , 52.123617°	" واز" در زبان مازندرانی به معنی شکاف و تنگه است.
وازتنگه 36.358188° , 51.100042°	" واز" خود در زبان مازندرانی به معنی شکاف و تنگه است و نام "وازتنگه" تکرار این عبارت است.
وازک 36.418340° , 51.889256°	" واز" در زبان مازندرانی به معنی شکاف و تنگه است و " ک" علامت کوچک کردن . "وازک" یعنی تنگه کوچک
وازیوار 36.313069° , 51.719064°	"وازی" به معنی باد سردی است که از کوه سپید پوشیده شده از برف میوزد و سوز و سرما زیادی دارد. "وار" نیز آبی است که در قسمت پایین زمینی جاری باشد.
واشکن	"واش" نام گیاه نیمه انگلی جنگلی است که روستاییان دام دار آن را از درختان کنده و به مصرف خوراک دام میرسانند. "واشکن" به معنب فردی است که این علوفهه را از درختان میکند.
ورازان 36.287675° , 51.790304°	"وراز" در زبان مازندرانی نام گراز میباشد و "ورازن" به معنی محلی است که در آن گراز فراوان باشد.
ورازده 36.452610° , 52.201575°	"وراز" در زبان مازندرانی نام گراز میباشد و "ورازده" به معنی ده و روستایی است که در آن گراز فراوان باشد.
ورزن	"ورز" به مرز بندی شالیزار میگویند و "ورزن" کسی است که اینکار را انجام میدهد، یعنی شالیزار را مرز بندی میکند.
ورناباد	"ورن " به معنی ویرانه است و " ورناباد" به معنی روستایی است که یک بار ویرانه شده و دوباره آباد شده است.

روستا	توضیحات
ولاشید 36.202410° , 51.924950°	**"ولا" به معنی پهن و گسترده است، ولاشید به معنی آبادی بنا شده در پهن ترین نقطه منطقه**
ولیرکان	**روستای ولیرکان در ۹کیلومتری جاده آمل به چمستان روبروی کشتارگاه صنعتی زربال (آلشرود) و در ۲ کیلومتری جاده فرعی بعد از روستای گیلانده واقع گردیده است . نام قدیمی این روستا در گذشته دلیران بوده که به تدریج با گویش محلی به "ولیرکان" تغییر یافته است.**
وَنوش 36.559606° , 51.858389°	**ونوش در تبری به گوسفند بنفش رنگ اتلاق میشود . نام سابق این روستا بنفشه گون بود.**
ویسَر 36.463418° , 51.541805°	**" وی " در زبان سانسکریت به پرنده گفته میشود و "ویسر" یعنی سرای پرندگان**
ی	
یاسل 36.176785° , 51.740250°	**پیشوند "یا" در ابتدای نام بسیاری از اماکن در زبان مازندرانی قرار گرفته است. "سل" نیز در زبان مازندرانی به سیل میگویند. در بالا دست روستای یاسل آبشار نسبتا پر آبی وجود دارد و نام "یاسل" احتمالا برگرفته از این موضوع است. از طرفی "یا" در ابتدای نام این روستا ممکن است مخفف شده "یال" به معنی بلندی و گردنه کوه باشد و از آنجا که این روستا در ارتفاعات کوهستانی قرار گرفته است ، ممکن است تفسیر نام "یاسل" به معنی آبشار سیل گونه جاری در ارتفاعات و گردنه کوه باشد.**
یالرود 36.140630° , 51.843710°	**یال به معنی بلندی و گردنه کوه است و رود هم همان رودخانه میباشد. "یالرود" اشاره به رودخانه ای دارد که در بلندی و ارتفاعات کوه جاری است.**
الیکا	**" الیک " نام پرنده ای است از تیره کاکایی که در کنار رود زندگی میکند.**
یوش 36.193143° , 51.723070°	**یوش در فاصله پنج کیلومتري غرب بلده و در مسير منتهي به جاده كندوان كه علاوه بر جذابيت‌هاي طبيعي فراوان به دلیل اینکه زادگاه نیما یوشیج شاعر معروف و نوپرداز معاصر است ، همواره مورد توجه و بازدید ادب دوستان قرار گرفته است . "یوش" در زبان مازندرانی به معنی پژوهش و جستجو و تفحص میباشد.**
ییلاق	**این البته نام روستا نیست. اما در ابتدای نام بسیاری از روستاهای کوهستانی به مفهوم محلی برای سفر و کوچ تابستانی میاید. واژه ییلاق برگرفته شده است از ترکیبی "یی" که در زبان آذری به معنی تابستان و "لاق" که پسوند مکان است و به معنی جایی است که در تابستان سکنی گزینند ، میباشد.**

منابع :

۱ - پژوهشی در معانی نام روستا ها ی مازندران – هومن تبرستانی
۲- واژه نامه بزرگ تبری، هیات گرد آورندگان پانزده نفری
۳ - واژه نامه طبری - صادق کیا
٤- کندلوس - علی اصغر جهانگیری
٥- فرهنگ لغات مازندرانی اینترنتی www.tabarestan.ir
٦- صفحات اینترنتی و وبلاگ های مختلف شهر ها و روستاهای مازندران
۷ – فرهنگ لغات اینترنتی دهخدا www.loghatnaameh.org
۸- نقشه و اماکن روستاها استخراج شده از Google Earth و Google Map

عبدالرضا دیوسالار
دیماه ۱۳۹۱ ـ انگلستان

توجه:

معانی ارائه شده برای نام روستاها در این نوشتار، صرفا تلاشی است جهت شناخت و ترجمه تحت الفظی اجزا نام روستاها که لزوما ممکن است بیانگر علت واقعی نامگذاری آنها نباشد از اینرو مطالب ارائه شده در این نوشتار نباید بعنوان مرجع مورد استفاده قرار بگیرند.

کلیاتی از محل زندگی و شغل فرزندان و نوادگان آقا یوسف

(به روایت علیرضا خان دیوسالار)

ازشاخه خانوادگی رحمت الله خان دیوسالار

آقا یوسف در توسکا زندگی میکرد. پس از او پسر بزرگش مرحوم میرزا فتح الله خان در خانهٔ پدری ماند و برادر کوچکترش مرحوم رحمت الله خان به تاشکو نقل مکان کرد و در آنجا برای خود منزل ساخت . میرزا فتح الله خان تا پایان عمر در همان توسکا ماند، از دختران آقا یوسف، حمیده به ازدواج آقا سید جمال سجادی که از سادات روحانی محل بود در آمد و ابتدا در نور و بعد در همان توسکا ساکن شدند. دختر بعدی خا نم جان (راضیه خانم) با موسی سلطان، برادر ضیغم سلطان که خود از خوانین به نام منطقه بود ازدواج کرد و در تیرکده زندگی میکردند. دختر سوم یعنی نرگس خاتون نیز همسر شیخ یحیی مجتهد زاده شد و در تاشکو زندگی میکرد.

از فتح‌الله خان از سه زن ، سه پسر (وجیه الله خان، سبحان الله خان و عزت الله خان) و سه دختر (ستاره ، نرگس و ام البنین) به جا ماند. پسران میرزا فتح الله خان در توسکا ماندند (البته سبحان در سنین جوانی بیمار شد و درگذشت) و دخترانش ستاره درتاشکو (همسر مشهدی هادی) ، ام البنین در کاسه گر محله و نرگس یا عمه آبجی در علمده بودند.

رحمت الله خان پیش از سالهای ۱۳۲۰ (فروش اجباری زمین به رضا شاه) ، مدتی را در وزارت راه در گچسر در وزارت راه بعنوان نایب مباشر کار میکرد. همسر اول رحمت الله خان حدیقه خاتون خواهر محمد آقا خان و دختر تقی سلطان بود که از او دو پسر به نام های غلامحسین و ولی الله داشت که هر دو درتهران زندگی میکردند. همسر دوم رحمت الله خان (که پس از فوت همسر اول اختیار شد) خدیجه ایزدی دختر میرزا آقا جان خواجوی پسر دایی و از همرزمان سالار فاتح بود. رحمت الله خان از این همسر خود دو پسر (علیرضا و منوچهر) و چهار دختر داشت ، پسر اول علیرضا در وزارت کشور و پسر دوم منوچهر ابتدا در ذوب آهن و سپس در اداره ثبت احوال در شهرستان نور مشغول به کار شدند.

بعضی از مشاغل نوادگان آقا یوسف و یا همسرانشان به شرح زیر است:
مرحوم غلامحسین سالاریان همسر بی بی خاتون نوه آقا یوسف، مغازه دار در علمده و کالج بودند .
مرحوم مسیح موسوی همسر افسر خانم ، نوه خانم جان دیوسالار افسر ارتش بود و در تهران زندگی میکرد.
مرحوم اسماعیل خان شایگان همسر مرضیه خانم ، نوه آقا یوسف ، رییس اداره آگاهی تهران بود و در تهران زندگی میکرد.
مرحوم محمد آقا سالاریان همسر نصرت دیوسالار دختر رحمت الله خان مغازه دار بود و در علمده و کالج مغازه داشت.
مرحوم غلامحسین دیوسالار همسر عظیمه دیوسالار دختر رحمت الله خان پیمانکار چوب و ذغال بود و در علمده زندگی میکرد
مرحوم حسینعلی دهلوی همسر مرصع دیوسالار دختر رحمت الله خان در شرکت نفت قم و اصفهان کار میکرد . مدتی در قم و تهران و نهایتا در شهرستان نور زندگی میکردند.
مرحوم ابوالقاسم خان دیوسالار همسر تاجماه شایگان ، کارمند وزارت راه بود و در تهران زندگی میکرد
حاج احسان سالاریان همسر زهرا دیوسالار دختر رحمت الله خان پیمانکار چوب و ذغال و همچنین در علمده مغازه دارند و در تاشکو زندگی میکنند.
منوچهر خان دیوسالار پسر رحمت الله خان ابتدا در ذوب آهن شاهرود بود و بعد به اداره ثبت احوال نور انتقال یافت و از آنجا بازنشسته شد و در رویان زندگی میکنند.

نگاهی به مسیر قدیمی و تاریخی تهران به مازندران (رویان)

(به قلم علیرضا دیوسالار)
ازشاخه خانوادگی حمیده دیوسالار

مقدمه

گاهی اتفاقات و تجربیات دوران کودکی و نوجوانی بهانه ای برای تصمیمات ، رفتار و دل مشغولی های کنونی ما می شوند. برنامه ریزی و اجرای کوه پیمایی که گزارشش را در ادامه آورده ام تاثیر گرفته از این نوع خاطرات می باشد .

در نوجوانی شنیده بودم که مادر بزرگم سیده فاطمه سجادی در سفری که والدینش به تهران داشتند در امامزاده یحیی تهران متولد شده اند در سن چهار سالگی نیز با کاروانی مسافر این مسیر می شوند و خاطرات کم رنگی را که از آن دوران به یاد داشتند برایمان تعریف می کردند . در آن دوران سفرهای زیارتی ، تجاری و حتی تحصیلی علیرغم مشکلات راه اجتناب ناپذیر بود . مادر بزرگ من از دوران کودکی به یاد داشت که مرد همسایه چارپاداری داشتند که به او قاطری قرض می دادند و او ذغال و برنج گل گاو زبان را به تهران برده و برایشان خشکبار و پوشاک می آورد .از همان نوجوانی این سوال همواره برایم مطرح بود که وقتی در تاریخ از کوه های ا لبرز و دسترسی به مازندران بعنوان مناطق صعب العبور یاد می شده است ، پس چگونه مردمان عادی ساکن در این نواحی به سایر نقاط ایران و به خصوص تهران مسافرت می کردند . شاید برای قشون تفنگدار و یا اردو دولتی و یا کاروان ها با توجه به مهیا بودن آذوقه ، خدم و حشم تا حدودی قابل تصور باشد اما برای مرد همسایه مادربزرگم اینکار به تنهایی با چند قاطر در حدود ۸۰ سال پیش چگونه و از چه راهی و در چه مدتی انجام می شده است ؟ حتی ییلاق و قشلاق کردن در آن دوران آن هم در تابستان ها کار پر خطری محسوب می شد باز از دوران کودکی به یاد دارم که مرحوم مهدی سالار از ساکنین توسکا در مسیر مسافرت به کالج با اسب از دره ای سقوط می کند و البته جان سالم بدر می برد اما وی را بیهوش پیدا می کنند و بر اثر ضربه ای که به سرش خورده بود تا مدتی حافظه اش را از دست داده بود . هم اکنون نیز دو جاده اصلی ماشین روی تهران به شمال یعنی جاده چالوس و هراز یکی از سانحه خیزترین جاده های ایران می باشند و خیلی از نوادگان آقا یوسف در زمان معاصر جان خود را در این جاده ها از دست داده اند .

راه و جاده از دوران گذشته همواره از نیازهای اساسی در ارتباطات فرهنگی و تجاری مردمان هر منطقه محسوب می شده است و همچنین برای حاکمان در زمان های جنگ و حوادث از اهمیت به سزایی برخوردار بوده است . به همین خاطر گاهی حاکمان منطقه به ساخت راهها اهتمام می ورزیدند که مهندسی شده نبوده و همان عوارض طبیعی و ارگانیک مسیر راه را تعیین می کرده است . البته در کوههای البرز مرکزی این کوره راهها که در مسیر ریزش سنگ ها و رودخانه و سیل بوده است هر سال تغییر شکل می دادند و این خود مسیر رفت و آمد هر ساله را دچار مشکل می کرد . در ادامه مروری بر تاریخ راه های عبوری بین تهران و البرز مرکزی به اختصار آورده شده است .

راههای تاریخی البرز مرکزی به تهران

کوههای سربه فلک کشیده البرز در طول تاریخ مناطق واقع در جنوب دریای خزر را در برابر هجوم مهاجمان خارجی همچون کمربندی حفاظت کرده است اما از آن طرف برای خود ساکنان این مناطق نیز ، راه باز کردن از دل این کوهها امری بس دشوار بوده است . تهاجمات محدودی که عمده آن توسط کوروش کبیر ، محمود غزنوی ، تیمور گورکانی و شاه اسماعیل صفوی بوده عموماً لشکریان را با مشقات فراوان روبرو می کرده است . از اولین حاکمان که به ساخت راهی به این نواحی همت گمارد شاه عباس صفوی بود او به دلیل اینکه مادرش از اهالی اشرف (بهشهر فعلی) بوده است علاقه خاصی به مازندران داشته است به همین خاطر به دستور وی راهی سنگفرش با کیفیت بالا از تهران به ساری احداث شد که پس از او به علت بی توجهی حاکمان بعدی این جاده که با نام جاده شاهی مشهور شده بود رو به ویرانی نهاد بطوریکه وضع راههای تهران به مازندران در آن دوران بسیار نابسامان توصیف می شده است .

در دوران قاجار به دلیل انتخاب تهران به عنوان پایتخت و دسترسی آسانتر حاکمان قاجار به خاستگاهشان استرآباد (گلستان فعلی) نیاز به راههای عبوری از کوه های البرز بیشتر نمودار شد . در آن زمان علاوه بر مسیر گردنه گدوک (همان جاده شاه عباسی یا فیروزکوه فعلی) و مسیر قزوین – منجیل – رشت از راه کوهستانی دیگری یعنی توچال – شهرستانک – بلده و کجورو نور نیز استفاده می شده است . در زمان ناصرالدین شاه قاجار مسیرهای قدیمی و مالروی دره های هراز و چالوس تعمیر و به راه ارابه رو تبدیل شد . جاده هراز به اندازه پهنای دو ارابه پهن شد و در سال ۱۲۵۷ نقش برجسته ای به عنوان یاد

بود از شکل شاه قاجار در یکی از صعب العبورترین نقاط این مسیر به نام "تنگه بند" حکاکی شد و بعنوان شکل شاه معروف شد. این نقش از جدیدترین و آخرین نقشه های برجسته تاریخ ایران محسوب می شود این نقش روبروی دومین خروجی اضطراری تونل وانا از سمت تهران واقع شده است .

با به پایان رسیدن حکومت قاجار و به سلطنت رسیدن رضا شاه ، رسیدگی به وضع راه ها در سرلوحه کارهای وی قرار گرفت و از اولین سفرهایش سفر به مازندران بود .رضا شاه با این افکار بعد از ترمیم راه فیروز کوه اقدام به ساخت جاده چالوس می کند بطوریکه تا پایان حکومت پهلوی دوم سه جاده هراز ، چالوس و فیروزکوه راههای اصلی بین تهران و مازندران محسوب می شوند . جاده چالوس در سال ۱۳۱۲ به بهره برداری رسید و به عنوان چهارمین جاده زیبای دنیا تبدیل شد . تونل کندوان طولانی ترین و معروف ترین تونل این جاده می باشد . رضا شاه برای ساخت این تونل از کارگران روستایی در استان آذربایجان شرقی به نام روستای کندوان استفاده کرد که به دلیل اینکه مردمان این روستا خانه هایشان را در دل صخره های کوه بصورت لانه های کندوی عسل حفاری می کردند و در امر حفاری مهارت داشتند به این کار گمارده شدند و به پاس این خدمت نام این تونل را کندوان گذاشتند .

جاده هراز در سال ۱۳٤۲ مورد بهره برداری قرار گرفت . کار ساخت این جاده ۲۳ سال به طول انجامید . در سال ۱۳٥۳ به منظور دسترسی آسانتر و سریعتر به مازندران مطالعات اولیه ای در مورد ساخت آزاد راه تهران به شمال انجام شد که در حال حاضر پیشرفت این پروژه چندان نبوده اما امید است که با تکمیل این راه بسیاری از مشکلات گذشته مرتفع شود .

راه تاریخی بلوک کجور و نور به تهران

اما به یقین مردمان بخش میانی البرز مرکزی یعنی بلوک کجور و نور (ولایت محال ثلاث) در دوران آقا یوسف از هیچکدام از این مسیرها جهت تردد به تهران استفاده نمی کردند و بهترین مسیر برای آنان رساندن خود از روستاهای کالج و لوس به ارتفاعات سیاه سنگ و از آنجا در یک مسیر سرازیری به بلده بوده و در مسیر رودخانه هایی که به رودخانه بلده سرازیر می شد مانند یالرود و رودخانه اوز (اوز رود) و لواسان و لار و از آنجا به فشم می رسیدند . در مطلبی که در خاطرات میرزا علی خان کجوری (علی دیوسالار) در کتاب بخشی از تاریخ مشروطیت در قسمت حرکت دادن اردوی برق جهت دور زدن قشون مستبدین که از نواحی شمال به تهران در حال حمله بودند آمده است که وی نقشه ای را پی ریزی کرد که از بلده به نور و کجور رفته و در صلاح الدین کلا از مسیر کنار دریا را پیموده و از پشت به قشون محمدعلی میرزا حمله ور شده آن ها را شکست دهد. او اردوی خود را از مسیرهای افچه (روستایی در لواسان) - سفید آب (آبشاری در دشت لار) - رودخانه اوز رود - یالو (یالرود) - بلده - کوه قرق - یوش - یوش لو - کجور - کالج - میان بند - سولده گذرانده بود .

از سال ۱۳٦٤ که درباره این مسیر از گروههای کوهنوردی بصورت جسته و گریخته شنیده بودم همواره این فکر در من وجود داشت که مسیر مسافرت تهران به شمال را که اجداد ما زمانی آن را طی می کرده اند را در یک برنامه کوهنوردی عملی کنم . این فکر عملی نشد تا سال ۱۳۸۲ که بصورت یک گروه چند نفری در مدت زمان ٤ روز انجام شد این مسیر را که بعنوان مسیر راهپیمایی تهران (گرمابدر) شمال (نور) در گزارش های کوهنوردی شناخته شده است ، در سال ۸٦ و ۸۹ با گروه های دیگر نیز طی کردم و تقریباً برایم مسیر شناخته شده ای است .

مطلب حاضر را از لابلای گزارش های کوهنوردی آن سال هایم با حذف مطالب فنی مثل جهت یابی ، ارتفاعات قلل ، زمان بندی و عوارض زمین به شکل یک گزارش گردشگری در آوردم تا اطلاعاتی از این مسیر تاریخی را به خواننده بدهم .

مسیرهای کوهستانی دیگر نیز وجود دارند که مازندران را به نواحی جنوب البرز متصل می کنند . قزوین – دره الموت – جاده سه هزار – تنکا بن (شهسوار) از آن جمله است که در برنامه هایی در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۰ اجرا شد که گزارش جداگانه و مفصلی دارد که در اینجا ذکر نشده است .

گزارش یک راهپیمایی در یک مسیر تاریخی : تهران – بلده - رویان

این مسیر یکی از پرجاذبه ترین مسیرهای راه پیمایی کوهستانی تهران به شمال می باشد و هر ساله دوستداران طبیعت و کوهنوردی را به سوی خود جذب می کند . فصل مناسب برای این راهپیمایی اواسط خرداد می باشد . در این فصل گلها و گیاهان سر از خاک باران خورده و نمناک بیرون می آورند و چشمه ها و رودخانه ها پر از آب بوده و بخش زیادی از برف های ارتفاعات ذوب شده است و دمای هوا بسیار مناسب است در این فصل گروههای بسیاری را در مسیر ملاقات خواهید کرد و تنها نیستید اهالی یالرود و بلده که ساکن تهران هستند به رسم اجداد خود این مسیر را هر ساله در یکی از روزهای تعطیل نیمه خرداد به قصد دیار خود با کوله باری کوچک در زمان یک روزه طی می کنند و در این مسیر با آنان نیز همراه خواهید شد . همچنین گروه های دانشجویی ، دختران و پسران جوان در گروه های مستقل و غیره نیز از راهروان این مسیر می باشند .

اگر از اهالی یالرود و یا بلده هستید شاید یک چوبدستی تنها وسیله ای است که مورد نیازتان می باشد درغیر اینصورت بهتر است گروه خود را به وسایل انفرادی و جمعی مجهز کنید . نقشه ، قطب نما یا GPS ، اجاق گاز ، چادر ، آذوقه برای دو روز (تا بلده) کمک های اولیه از لوازم جمعی است که باید به همراه داشت .

این مسیر در دو مرحله – یکبار صعود و فرود و رسیدن به بلده و یکبار دیگر با یک صعود و فرود دیگر از بلده به نور طی می شود . تا بلده یک روزو نیم و از بلده تا نور را طی دو روز و نیم می توان طی کرد . از جاذبه های این راهپیمایی ، گوناگونی مسیر می باشد . در این مسیر از باغ ها ، دشت ها ، رودخانه ها ، یخچال های طبیعی ، نقاب های برفی ، دره های صخره ای ، قلل مرتفع ، چشمه سارها ، چمن زارها ، گردنه ها ، آبشارها ، روستاها و گوسفند سراها و جنگل ها و کاروانسراهای دوره صفویه و پل های قدیمی ، راه های سنگی ساخته شده از ساروج می گذاریم و در آخر به دریا می رسیم

برنامه ریزی را باید طوری انجام داد که ساعت ٦ صبح در آبادی گرمابدر بود . با کرایه یک سواری ون از تهران در مسیر گردنه قوچک – لواسان – فشم – زایگون به گرمابدر می رسیم .

بعد از آبادی گرمابدر به ابتدای یک جاده خاکی می رسیم که در ورودی این جاده زنجیر انداخته بودند و محیط بانان از تردد وسیله نقلیه موتوری به این منطقه ممانعت می کردند اما در برنامه های بعدی سال ۱۳۸٦ و ۱۳۸۹ از محیط بانان خبری نبود .

این جاده حدود ۱۱ کیلومتر است و شیب ملایمی دارد در مسیر ، چمن زار سرسبز با اسب های در حال چرا و مخروبه های یک کاروانسرا جلب توجه می کند . این مسیر را می توان در زمان یک ساعت و نیم طی کرد . البته اگر جاده گلی نباشد و با راننده توافق کرده باشید بهتر است این مسیر را با وسیله نقلیه طی کنید . انتهای این جاده به گردنه یونزار می رسد . قله کافره در جنوب و قله خاتون بارگاه در شمال خودنمایی می کند . از گردنه که سرازیر شدید داخل تنگه خاتون بارگاه می شوید انتهای این تنگه با یک یخچال طبیعی پوشانده شده که باید از آن گذر کرد . از این محل در دوردست درسمت شرق گردنه پاکبود و قله چیکرو دیده می شود از تنگه که بگذریم وارد دشت لار می شویم . رودخانه لار بسیار سرد است و باید کفشها را در آورد و تا بالای زانو وارد آب شد روبرو در شرق در انتهای دشت قله اسبی کالک دیده می شود . بعد از طی رودخانه مسیر را به سمت شمال شرقی دنبال می کنیم و پس از عبور از کنار چند کلبه مربوط به محیط بانان و دشتی پر از گلهای زرد و چادرهای عشایر که از مناطق ورامین گوسفندان خود را برای چرا به این منطقهِ آورده اند . به آبشار سفیدآب می رسیم . این آبشار از دور مثل یک مار نقره ای زیر تابش خورشید نمایان است . آبشار بسیار پر آب است و سرچشمه آن بسیار دیدنی است .

پس از کمی استراحت از میان تپه های سرسبز راه خاکی را به سمت منطقه سرخک دنبال می کنیم منطقه سرخک از اقامتگاه های فصلی عشایر محسوب می شود و سنگ چین هایی جهت نگهداری دام اینجا و آنجا دیده می شود و محل خوبی برای چادر زدن و استراحت شبانه است . اما ما با کمی استراحت در آنجا از مسیر پاکوب به سمت یال پاکبود ادامه مسیر می دهیم .

از روی گردنه کمی متمایل به سمت غرب از کنار نقاب های برفی عبور می کنیم . بعد از حدود یک ساعت و نیم صعود از تپه نسبتاً بزرگی عبور کرده به گردنه کبود می رسیم . از اینجا قله های چیکرو – دو خواهران – دماوند دیده می شود. از طریق یال های کبود به سمت پایین سرازیر می شویم پایین یال مخروبه های کاروانسرا شاه عباسی کنار رودخانه دیده می شود . شب اول را باید اینجا بسر برد قبل از تاریکی هوا بساط شام مهیا می شود و قبل از خواب آسمان پر ستاره میزبان امشب ما خواهد بود . صبح روز بعد باید راه نسبتاً طولانی را طی کنیم یکبار باید از عرض رودخانه گذشت و در سمت راست آن قرار گرفت . چشمه پر آبی در کنار یک گوسفند سرا قرار گرفته است و اطراف چشمه پر از گیاهان دارویی و معطر و گل های زیبای زرد ، آبی و زنبق به چشم می خورد . یکی از اهالی بلده می گفت : آب این چشمه را با قاطر حدود چهل سال پیش به تهران می آوردند و به عنوان آب معدنی می فروختند واقعاً آب زلال و سبکی است . این منطقه از مناطق بکر طبیعت ایران بوده که جز دامداران و کوهنوردان کسی در آن تردد نمی کند و در فصل های سرما تقریباً هیچ انسانی به آنجا پا نمی گذارد . پرنده های بسیاری در مسیر دیده می شوند و چند آبشار زیبا نیز در مسیر قرار گرفته اند . چند پل چوبی که دامداران ساخته اند را باید طی کرد . مسیر سنگ چین که با ساروج ساخته شده حکایت از یک راه تاریخی دارد رودخانه زیر این پل ها بسیار خروشان است . از زیر طاقی های صخره ای که از آن آب می چکد عبور می کنیم . در سال های اخیر در بالا دست این صخره های سنگی در حال جاده سازی هستند و بر اثر ریزش سنگ مسیرهای آب بسته شده است و آبگیر بزرگی درست شده است در تابلویی که در منطقه کوشکک نصب شده است خطر ریزش سنگ به علت احداث جاده گوشزد می شود و باید از مسیر جاده در حال ساخت به یالرود رفت . این جاده را برای اتصال یالرود به سرخک احداث می کنند در حالی که خود اهالی یالرود و بلده با آن مخالفند و معتقدند صدمات زیاد به منطقه زده است و بکری منطقه را بکلی از بین برده است . بهرحال بعد از طی این مسیر از دور نوک درختان صنوبر باغ های یالرود پیدا می شود نزدیک به ٦ ساعت از کاروانسرا تا روستای یالرود پیاده روی کردیم . کنار این روستای آرام رودخانه یالرود از زیر خانه اهالی در حال گذر است . یالرود تا بلده راه زیادی نیست و یک جاده شن ریز دارد و بهتر است با یک وسیله نقلیه آن را طی کرد و شب دوم را در باغات بالا دست بلده اقامت کرد .

مسیر اصلی راه پیمایی روز سوم عبور کردن از گردنه قرق و سرازیر شدن در دره اسبی کوهک و از آنجا رفتن به آبادی نیتل می باشد شب سوم را باید در نیتل استراحت کرده و روز چهارم از روستاهای واشکن ، خاچک ، لیگوش عبور کرده به مرکز بخش یعنی کجور رسید بعد از یک شب استراحت در کجور باید از جنگل های کجور و عبور از چند رودخانه و آبشار خود را به پارک جنگلی سی سنگان رساند .

اما ما برنامه دیگری داشتیم از بلده سری به روستای یوش که در ۵ کیلومتری بلده قرار گرفته زده و از خانه نیمای شاعر که اکنون موزه شده دیدن می کنیم و سپس به دلیل محل اقامتی را که در روستای لوس از قبل تهیه کرده بودیم از مسیر ماشین رو به گردنه سیاه سنگ می رویم . بالای گردنه سیاه سنگ سلسله کوههای البرز در جنوب بطور کامل دیده می شود که قله دماوند مانند کله قندی از دل آنها سر برآورده است . در زیر پایمان نیز شهر بلده آرامیده است . در شمال نیز جنگل انبوه با مه های زمینی و در افق ، (اگر هوا صاف باشد) دریا دیده می شود . اگر خستگی راه و وسوسه رویا شما را به این می خواند که سوار بر راکب ابرهای پهن شده درزیر پایتان شوید و خود را زودتر به دریا برسانید کمی صبر کنید شاید این طنز نیما که در قالب شعر آمده است شما را منصرف کند

خواست انگاسی ابله که به ده زودتر برگردد از جای رمه
بی خبر از ره دوراندیشی ز رفیقان ، همه گیرد پیشی
دیدکان ابر سبک خیز ترک از فراز کمر کوه بلند
جست و پا بر سر آن ابر افکند
بعد چون شد ، نه به کس مکتوم است من نمی گویم و پر معلوم است

این جاده ماشین رو آسفالت است و کاملاً خشک و هیچ دسترسی به آب در آن وجود ندارد و بهتر است بعد از خرید لوازم مایحتاج از بلده با کرایه یک ماشین این مسیر تا لوس طی شود که زمانی حدود نیم ساعت صرف می شود . شب را در خانه دایی ام در روستای لوس اقامت می کنیم . روستای لوس ، روستای کوچک و آرامی است با خانه هایی که سقفشان از تخته سنگ های باریک و صاف درست شده است . درخت گردوی بزرگ و کهنسالی وسط روستا نمایان است . قبل از خواب چرخی در اطراف روستا می زنیم و مقداری قارچ و سبزی کوهی می چینیم تا به مواد غذایی شام امشب اضافه کنیم . در این فصل روستا تقریباً خالی از سکنه است و ساکنان فصلی هنوز به ییلاقشان کوچ نکرده اند . صبح روز سوم که از خواب بیدار می شویم طراوت خاصی فضای روستا را گرفته و ابرها از لابه لای خانه ها آرام در حال حرکت هستند و به ایوان خانه ما سر می زنند چه خوب گفت نیما :

خانه ام ابری است ..... یکسره روی زمین ابری است با آن
از فراز گردنه خرد و خراب و مست ..... باد می پیچد
یکسره دنیا خراب از اوست .... و حواس من
ای نی زن ، که تو را آوای نی برده است دور از ره کجایی ؟

در بالا دست ، روستای هلو پشته از میان دو ابر زمینی و آسمانی هویدا است بعد از صرف صبحانه از جاده آسفالت به سمت پایین سرازیر می شویم . بعد از طی حدود یکساعت و پشت سر گذاشتن روستای پیمد به روستای زیبای کا لج خاستگاه طایفه دیوسالار می رسیم . از این قسمت به بعد جنگل انبوه تر می شود .

بعد از مدتی استراحت در بالا دست ییلاق کالج به راه ادامه می دهیم به آبشار زیبا حرام او می رسیم . آبی به سر و صورت زده و سرازیری را دنبال می کنیم خوب چون سرازیری است از این قسمت ها زودتر می گذریم!! . روستاهای زیادی را در دامنه های کوه می بینیم که با گذر از آنها به وازک و سپس به گلند رود می رسیم . این منطقه زمانی به خاطر معدن زغال سنگ که در زمان رضا شاه برپا بود رونق زیادی داشت و خانه های سنگ چین از آن دوران متعلق به ذوب آهن هنوز در آنجا در کنار بافت جدید دیده می شود آبشار زیبا در دل جنگل یعنی آب پری استراحتگاه خوبی است . تخت و آلاچیق و چای و آش دوغ هم بپاست و پذیرای شما ! از لوس تا این منطقه حدود ۸ ساعت راه پیمایی است . راه جنگلی با تمام زیبای هایش را پشت سر گذاشته و ادامه میدهیم تا کم کم از لابه لای درختان دشت و در افق سواحل دریا پیدا می شود

.بعد از انتهای جنگل به روستای کا سگر محله و سپس توسکا و تاشکوه و سپس شهر رویان می رسیم . اگر دریا مواج نباشد می توانی خستگی راه را در پلاژ ساحلی نور بدرکنی و تنی به آب بزنی و خاطرات یک مسیر تاریخی را با یک پذیرایی از خودت

با هندوانه کنار دوستان همراهت مرور کنی . شاید این توصیف آخر شما را نیز به پیمایش این مسیر که مادر بزرگ بچه تهرون!! من در کودکی طی کرده بود ترغیب کند .

فایل کامل این متن را با جزییات بیشتر وعکسهای کامل مسیر را در www.divsalar.ir ببینید.

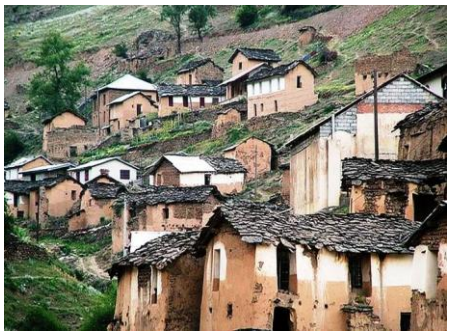

علیرضا دیوسالار

فروردین ۱۳۹۱ - تهران

سابقه تاریخی و گستره سرزمین " رویان "

(به قلم کیهان فخاری)

ازشاخه خانوادگی رحمت الله خان دیوسالار و نرگس خاتون دیوسالار

"رویان قدیم" ناحیه‌ای است شامل کوه و دشت در مغرب خاک تبرستان میان رودخانهء چالوس و کرج از یکطرف و رودخانهء هراز از طرف دیگر و کوههای توچال در شمال ری ، شامل شهرهای ناتل ، چالوس، کلار ، سعید آباد ، کجه یا کچور (حاکم‌نشین رویان) ، که از شمال به دریا از جنوب به کوههای ری از غرب به چالوس و کلار و از شرق به دهکدهء ناتل رستاق محدود بوده است.

درباره نام و حدود رویان نوشته بسیار است. دریشتها (کتاب زردشتیان) از آن بنام "رایودیتا" یعنی کوه سرخ فام و یا به معني کوهي که در آن گیاه فراوان میروید ، یاد شده است. در تاریخ اساطیري ایران ، روایات زیادي درباره اقوام و مردمان قدیم تپورستان و مازندران آمده است و اغلب این وقایع در بخش غربي تپورستان قدیم و مازندران امروزي که همان سرزمین «رویان» بود ، بوقوع پیوسته است . دراین داستانها تپورستان به عنوان سرزمین "دیوان" معرفی شده و افسانه‌های حماسه ها و اسطوره ای همچون داستان کیومرث ، داستان جمشید جم ، به بند کشیدن ضحاک در کوه دماوند به دست فریدون ، نبرد رستم و سهراب ، هفت خان رستم ، جنگ منوچهر و ... همگی مربوط به همین منطقه جغرافیایی میباشند. همچنین از جمله مهمترین افسانه های اساطیری مرتبط با سرزمین رویان داستان "آرش کمانگیر" است ، که در آن بر اساس آن آرش برای تعیین مرز ایران و توران در زمان افراسیاب و منوچهر از کوه رویان بالا رفت و تیر خود را از آنجا پرتاب نمود. *

دربارهء اسلام آوردن مردم رویان نیز اطلاع دقیقی در دست نیست ، به استناد اغلب منابع تاریخي و مندرجات سکه هاي مکشوفه در تبرستان و رویان این مناطق تا سال ۱۳۷ مطلقاً به تصرف اعراب در نیامده بود و مردم این نواحي همچنان پیرو آیین زرتشتي بوده ، به خط پهلوي مي نوشتند و به زبان پهلوي و تبري سخن مي گفتند و حکومت این مناطق نیز در دست اسپهبدان بود. جالب است بدانیم که بر اساس مدارک تاریخی در سال ۹۰ هجری قمری مسلمانان به رهبری طارق بن زیاد (که نام وی در کلمه جبل الطارق ابدی شده است) توانستند بخش اعظمی از اسپانیا را نیز فتح کنند و در شهری که آن را قرطبه مینامیدند حکومت اسلامی را بر پا کنند و چند سال بعد از آن نیز دامنه متصرفاتشان را به دور دست ترین نقاط اروپا یعنی کشور پرتغال نیز گسترش دهند ، اما در این سالها و حتی نزدیک به چهل سال بعد از آن نیز قادر به تسلیم نمودن مردمان تپورستان و "رویان" نبودند. نهایتا از سال ۱۳۸ اعراب بالاخره موفق شدند تپورستان و رویان را نیز به تصرف خود درآورده و از آن زمان ، حکومت این مناطق در دست عمال خلفاي عباسي قرار گرفت . در دوران تسلط اعراب ، به علت ظلم و جور عمال عرب ، بارها این مناطق شاهد شورش ها و قیامهاي بومیان علیه آنها بود. این قیام ها توسط مردم شهرهاي مختلف منطقه رویان و با مرکزیت روستای صالحان کجور و به هدایت یکی از نوادگان امام حسن (ع) شکل گرفت و ثمره آن پایان تسلط عمال عباسیان و اعراب بر سرزمین رویان و تبرستان و آغازحکومت سلسله هاي دیگري چون آل زیار ، آل بویه و ... بود.
نام "رویان" دستکم تا قرن هفتم و زمان نگارش کتاب "تاریخ رویان" (سال ۷٤۰) به کار می‌رفته ، اما از این زمان به بعد و به دلایلی نامعلوم از جغرافیای مازندران ناپدید و نام "رستمدار" جانشین آن می‌گردد . علت بکارگیری نام "رستمدار" نیز شاید این باشد که در روزگاران قدیم کوهستان رویان را به اعتبار لقب فرمانروایان پادوسپانی آن که در ابتدا اسپهبد و بعد «استندار» نامیده میشدند ، به نام «ناحیهء استندار» میگفتند و نام "رستمدار" نیز شکل تغییر یافته «استندار» است . البته نام «رستمدار» نیز بعد ها به "سولده" و پس از آن به "نور" تغییر یافت.
در روز سی ام اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی ایران ، پیشنهاد وزارت کشور مبنی بر تغییر نام شهر "علمده" به "رویان" را تصویب نمود و بدین ترتیب بار دیگر نام تاریخی سرزمین "رویان" این بار برای نام گذاری یکی از شهرهای زیبای ساحلی مازندران ، که زمانی تنها آبادی کوچکی از سرزمین پهناور "رویان قدیم" بود ، به کار گرفته شد.

کیهان فخاری
اسفند ۱۳۹۰ ـ انگلستان

پاورقی : دهم تیر یکي از جشن هاي کهن ایران زمین به نام جشن " تیرگان" است، به دلیل ستایش از آب و نیز سالگرد تیر انداختن آرش و بزرگداشت پیروزي او از اهمیت ویژه اي در میان جشن هاي ایرانی برخوردار است. در منطقه کجور مازندران هم جشن تیرگان با عنوان "تیر ماه سیزده" (یعنی سیزدهم تیر ماه بر اساس تقویم تبری) گرامی داشته میشود، چرا که اعتقاد بر این است که آرش کمانگیر تیرش رادر این روز از بلندیهای کوه های رویان رها کرد.

چکیده ای از زندگینامه عزت الله دیوسالار

(به قلم محمد امین دیوسالار)

ازشاخه خانوادگی میرزا فتح الله خان دیوسالار

عزت الله دیوسالار فرزند میرزا فتح الله خان دیوسالار در سال ۱۳۰۱ در توسکا دیده به جهان گشود. مادر ایشان معروف به "ننه قشنگ" به خاطر زیبایی که داشت میرزا فتح الله خان عشق او شد و به خاطر ایشان جاده کنونی توسکا (که به آن مسنی می‌گفتند) را ساخته است.

عزت الله در سنّ ۲ سالگی پدر خویش را از دست داد و مادرش نیز ازدواج نمود و ایشان در نزد عمه اش حمیده خانم دیوسالار به ادامه زندگی پرداخت.

ایشان مانند تمام روستاییان به کار کشاورزی مشغول شدند، در ابتدای جوانی با سکینه سالار ازدواج کردند . حاصل این ازدواج ۵ پسر و ۲ دختر بود. دو پسرش به نامهای حجت و بهزاد به علت بیماری در سنین جوانی فوت کردند. حجت در ۶ سالگی با بهزاد در ۳۳ سالگی زمانی که خود دارای دو فرزند بود فوت کردند.

سه پسر دیگر عزت الله به نامهای جهانبخش، رستم و مجتبی هستند، جهانبخش به استخدام نیروی هوایی ارتش و رستم به استخدام نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در آمدند و مجتبی نیز به استخدام وزارت نیرو در آمدند.

در سال ۱۳۳۲ توسط یکی از اقوام جهت استخدام در شرکت نفت معرفی گردید اما به دلیل تشابه نام خانوادگی و مقررات حاکم در شرکت نفت در آن زمان، ازوی خواسته شد تا برای استخدام در شرکت نفت ، نام خانوادگی خود را تغییر دهد ، اما او به علت تعصبی که به نام خانوادگی خود یعنی " دیوسالار " داست حاضر به این کار نشد و ترجیع داد تا به زادگاه خود یعنی توسکا بازگشته و به کار کشاورزی مشغول شود.

در سال ۱۳۸۲ همسر ایشان سکینه سالار به رحمت خدا رفتند و ایشان با کوله باری از غم به ادامه زندگی پرداختند. ... و نهایتا دو سال بعد ، در زمستان ۱۳۸۴ در سنّ ۸۴ سالگی پس از سالها زندگی سخت و نفس گیر به علت کهولت سنّ از این دنیا رخت بر بسته و به دیار باقی شتافتند و در روستای ییلاقی کالج به خاک سپرده شدند.

روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

محمد امین دیوسالار
بهمن ۱۳۹۰- توسکا

توضیح : تصویری از مرحوم عزت الله دیوسالار و همسرش سکینه سالار در قسمت " تصاویر درگذشتگان " در پایان این تبار نامه موجود میباشد

تاریچه زندگانی مرحوم حسینعلی دهلوی

(به قلم مسعود دهلوی)

ازشاخه خانوادگی رحمت الله خان دیوسالار

مرحوم حسینعلی دهلوی در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در قریه کاسه گر محله از توابع گلندرود استان مازندران متولد شد. پدر او مشهدی رجب کلاگر و مادرش به نام ننه جانی بود . او بعدها نام خانوادگی خود را به دهلوی تغییر داد . مرحوم حسینعلی در سنین بین ۱۹ تا ۲۰ سالگی با مرصع دیوسالار دختر مرحوم رحمت الله خان دیوسالار ساکن تاشکو ازدواج نمود و چند سال بعد از آن به استخدام شرکت نفت در آمد.

در بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۶ خانواده ایشان به شهر قم نقل مکان کرد. این بدلیل شغل مرحوم حسینعلی و کار او در پالایشگاه نفت در شهر قم بود. در سال ۱۳۴۲ و همزمان با نا آرامی های شهر قم و تظاهرات مرتبط با طلاب مدرسه فیضیه قم، مرحوم حسینعلی و خانواده به تهران نقل مکان نموده و در خیابان گرگان ، ایستگاه کاشیها ، کوچه کاشیها کوچه سه متری ساکن شدند. در این سالها کار مرحوم حسینعلی نیز به صورت ماموریتی در تهران و بعضی شهرهای دیگر ایران بود. او در سال ۱۳۵۰ از شرکت نفت باز نشسته شد و پس از آن با توجه به تجربیات کاری ارزشمند و زیادی که داشت ، در سال ۱۳۵۱ به عنوان سر حفار شرکت آبیاری سراسری دکتر اسفندیار یگانگی فرد مجددا مشغول به کار شد، که این کار او تا سال ۱۳۷۸ و تا بازنشستگی کامل او از کار ادامه یافت.

خانواده مرحوم حسین علی دهلوی در سال ۱۳۵۷ به شهرستان نور مازندران نقل مکان کردند، و خود مرحوم حسینعلی تا سال ۱۳۸۳ هجری شمسی که در اثر بیماری دار فانی را وداع گفت در این خانه زندگی میکرد.

از مرحوم دهلوی پنج فرزند به جای مانده است، دختر ارشد او پروین متولد ۱۳۲۶ و پسر ارشد او که علی اکبر نام دارد اما به نام شاهپور اشتهار دارد در سال ۱۳۲۸ تولد یافتند. همچنین دختر دوم او شهین دهلوی متولد سال ۱۳۳۵ و پسر دوم منصور متولد ۱۳۳۷ در شهر قم است. اینجانب پسر کوچک مرحوم حسینعلی دهلوی نیز متولد شهر قم در سال ۱۳۴۱ هستم.

همهٔ فرزندان مرحوم حسینعلی (به جز اینجانب) ازدواج کرده اند و اتفاقا همگی با یکی از نوادگان مرحوم آقا یوسف دیوسالار (به شرحی که در پایان این تبار نامه نشان داده شده) پیوند ازدواج بسته اند.

در میان فرزندان مرحوم مرحوم حسینعلی پروین در تهران و شهین در مازندران هر دو خانه دار بوده و هستند، شاهپور دهلوی تا قبل از انقلاب مربی فنی مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت کار بود، اما بعد از آن به مشاغل غیر دولتی روی آورد و از جمله مدیر هتل بزرگی در ایزده بود و در حال حاضر نیز در مدیریت پروژه های ساختمانی با سایر اعضا فامیل همکاری دارد.

منصور از سال ۱۳۵۶ به آمریکا مهاجرت کرد و به کار و زندگی در این کشور مشغول شد و به دنبال او ، اینجانب نیز از سال ۱۳۶۶ به آمریکا مهاجرت کردم و در حال حاضر در ایالت کارولینای شمالی در شهر شارلوت و همراه برادرم منصور به کار و زندگی مشغولیم.

اسامی نوادگان مرحوم حسینعلی بطور کامل در این تبار نامه ذکر شده است، که یا هنوز کوچکند و مشغول تحصیل، و یا برای خود تشکیل زندگی داده و همگی مایه افتخارمرحوم حسینعلی و سایر اعضای خانواده او میباشند.

مسعود دهلوی
دیماه ۱۳۹۰ ـ شارلوت – آمریکا

توضیح : تصویری از مرحوم حسینعلی دهلوی در قسمت " تصاویر درگذشتگان " در پایان این تبار نامه موجود میباشد

آیین ها و مراسم عروسی در روزگاران نه چندان دور گذشته

(به قلم مهرانگیز دیوسالار)

از شاخه خانوادگی میرزا فتح الله خان دیوسالار و حمیده دیوسالار

پیوند های زناشویی و ازدواج در مازندران قدیم و در بین اجداد و گذشتگانمان باسنت ها ، آیین ها و جشن های خاصی همراه بود که بخش کوچکی از این مراسم امروزه نیز کمابیش به همان شیوه و روش زمان پدرانمان انجام میشود اما از بخش عمده ای از این مراسم دیگر اثری در مراسم معمول عروسی امروزی نمی توان یافت. در زیر به اختصار اصلی ترین آداب و سنت های عروسی ها را شرح میدهم.

اولین مرحله از یک پیوند زناشویی مراسم خواستگاری بود ، که معمولا خانواده پسر بواسطه افرادی قصد خود از خواستگاری دختر مورد نظر را به مادر و پدر دختر اطلاع میدادند و از آنها برای اینکه رسما به خواستگاری دخترشان بروند اجازه میگرفتند. در زمانهای قدیم تر و بخصوص در روستاها رسم بود خانواده عروس را به روش های دیگر نیز متوجه قصد و نیت خود برای خواستگاری کنند مثلا یکی از روش ها این بود که زنها چادر کمرشان را که به آن "ایزار " میگفتند و از جنس چادر شب بود، وارونه میبستند و به منزل خانواده دختر میرفتند.

پس از طی مرحله اطلاع رسانی به گونه ای که بیان شد و مشورت خانواده عروس با دختر و احیانا تحقیقات پیرامون شرایط داماد، در صورت موافقت خانواده عروس ، مراسم رسمی خواستگاری یا "بله برون" و یا به زبان مازندرانی "اره - گیرون" انجام میشد.

خواستگاری یا "قند شکنون"

در مراسم "اره – گیرون " که به آن "قند شکنون" هم میگفتند رسم بود که از بزرگان فامیل دعوت می شد که همراه داماد به خانه عروس بروند. خانواده داماد هدایا و شیرینی و کله قند با خود به منزل عروس می‌بردند و مراسم با زدن قندها به یکدیگر و شکستن قندها که شگون داشت شروع میگردید و با رد و بدل شدن حلقه دختر و پسر نامزد می‌شدند.

در این جلسه توافقات مربوط به مهریه و شیر بها (پولی که از طرف داماد به مادر عروس به عنوان شیربهای دختر داده میشد) نیز بعمل میامد. همچنین در بعضی از موارد و بسته به توافق طرفین، خانواده داماد برای کمک و تسهیل خرید و تهیه جهیزیه مبالغی به عنوان "زَنِ زَر" برای پرداخت به خانواده عروس در نظر میگرفتند.

چند روز پس از مراسم "اره گیرون" و جهت رسمیت بخشیدن به این موافقت برای ازدواج ، ضیافتی از جانب خانواده داماد بر پا میشد و بزرگان فامیل و خانواده عروس به صرف ناهار و یا شام به خانه داماد دعوت میشدند که به این پذیرایی که معمولا با مرغ و پلوی معطر بود ، "بله پلا " میگفتند. در نواحی شرق مازندران و مازندران میانه، رسم بود که به جای ضیافت شام و "بله پلا" ، خانواده ی داماد مقداری مواد لبنی ، بره ، میوه و لباس به خانه عروس می فرستادند این رسم "شیربَرِه" یا "شیر وَرِه" نام داشت.

متعاقب این ضیافت اقوام و نزدیکان هر دو خانواده برای عرض تبریک به منزل آنها میرفتند که به آن "مُبارک با" میگفتند.
در فاصله بین این مراسم و جشن عروسی هدایا و تحفه های متعددی بین خانواده عروس و داماد رد و بدل میگردید. که در زیر شرح داده میشود:

اندکی پس از خواستگاری، خانواده داماد و اقوام نزدیک آنها برای عروس خانم هدایایی به نام "مبارک باد" میفرستادند که معمولا شامل شیرینی و طلا و لباس و کیف و کفش و گوسفند و ماهی و غیره بود. در پاسخ و در فاصله چند روز بعد از ارسال "مبارک باد" ، مادر عروس هم با ارسال تحفه‌هایی که " پَستا " نام داشت از خانواده داماد سپاسگزاری میکرد. " پَستا " معمولا شامل نان محلی، حلوا و تخم مرغ رنگی و لباس و غیره بود.
همچنین این داد و ستد های (هادا و هایده ها) خانواده داماد و عروس در اعیاد و مناسبت‌های مختلف تا زمان عروسی از سوی طرفین تکرار میشد. هم اکنون نیز این رسم کم و بیش متداول است. از جمله این موارد ارسال هدایا "کُوه خَبَر" و یا " تابِسّونی" بود که عبارت بود از هدیه و کمک خانواده ی داماد به خانواده ی عروس به هنگام ییلاق در تابستان . این کمک ها بیشتر شامل مواد غذایی از قبیل ، برنج ، آرد ، کره و پنیر بود.

عقد یا "شربت خوران"

مراسم عقد کنان معمولا در منزل دختر انجام میپذیرفت و مسئولیت پذیرایی از میهمانان و هزینه های آن بر عهده خانواده دختر بود. مراسم عقد کنان در واقع به منزله تعهد رسمی طرفین به پیوند عروسی و ازدواج بود. در حین مراسم عقد به جواب "بله " عروس خانم به عاقد " لَفظ هَدائن" میگفتند . معمول بود که عروس قبل از گفتن "بله" از خانواده داماد هدیه ای دریافت کند که به آن زیر لفظی یا " لپسنه " میگفتند. از مراسم قدیمی تر ازدواج و در روستاها رسم " پرده اشکنی " بود. براساس این رسم چند روز پیش از عقدکان جهت برداشتن پرده حجب و حیا و حجاب میان نامزدهای جوان ، شبی پس از شام داماد و خانواده اش با هدیه و چشم روشنی به خانه عروس می رفتند تا زوج جوان در حضور جمع به گفتگو بپردازند .

مراسم عروسی

تدارک مربوط به عروسی که همراه با جشن و پایکوبی و نواختن ساز و دهل و آوازهای محلی توسط نوازندگان سرنا و نقاره که به گویش محلی به " لُوتی " معروف بودند اجرا میشد و تا یک هفته به درازا می‌کشید و شور و شعف خاصی در روستا ایجاد میکردو اصلاحا همه مشغول " دَنگ و دینگ " عروسی میشدند.

از چند روز قبل از شروع عروسی در منزل داماد آلاچیق هایی که به نام " رَوات " معروف بود برای پخت و پز احداث میشد . در میان " رَوات " چاله هایی میکندند و تا با ریختن هیزم و ایجاد آتش ، از آنها بعنوان اجاق پخت و پز خوراک مراسم و روزهای عروسی استفاده شود. خوراک عروسی هم در دیگ های بزرگ مسی موسوم به " بَرکِن " و بر روی آتش هیزم پخته میشدند. در گوشه ای از " رَوات " هم بساط سماور های ذغالی و نفتی بر پا میشد و قهوه چی مخصوص که به او " سَموار پا " میگفتند ، کار خود را آغاز میکرد.

نوازندگان ، قهوه چی و گاهی آشپز و سایر دست اندرکاران تدارک عروسی ، از بستگان طرفین و میهمانانی که برای مبارک باد می‌آمدند انعام دریافت میکردند. برای مثال به انعامی که به آشپز بابت پختن غذا در عروسی پردازخت میکردند " لاقلی سَری " یا " دیگ سری " میگفتند.

هر روز و شب هفته عروسی اختصاص به مراسم و آیین های خاصی داشت . این ایام خصوصا برای کودکان و جوانتر ها جزو ایام و روزهای بسیار شورانگیز و با نشاطی بود، چرا که در این ایام و شب ها علاوه بر جشن و پایکوبی به انواع بازیهای مختلف نیز میپرداختند. در داخل خانه خانمها با خواندن ترانه‌های محلی و زدن طشت بر روی سینی یا مجمعه و ظروف حلبی و رقصهای محلی با استفاده از دستمال و با لباس‌های محلی شامل شلوار و شلیته به جشن عروسی رونق میدادند. در بیرون نیز مردان و پسران جوان با ساز " لوتی " رقصی به نام " دُروم " را اجرا میکردند و پس از " دُروم " و گرم کردن خود به کشتی و زور آزمایی میپرداختند.

به نقل از مرحوم پدرمان در گذشته بازی های مختلفی در محل عروسی انجام میشد که در زیر به اختصار به ذکر چند مورد میپردازم :

- **بورده - بورده کا :** در این بازی یک نفر یک شلاق از پارچه سفت و تابیده شده موسوم به " درنه " یا " درنا " را به صورت عمودی در هوا نگه میداشت و افراد به نوبت و با یک دست قسمت بالای " درنه " را می گیرند و این عمل

توسط نفرات بعدی ادامه می یابد. همه سعی می کنند تا " درنه " دولا و خم نشود چرا که خم شدن آن آخرین نفر را در مقام بازنده قرار می داد. پس از تعیین نفر بازنده ، او به میان جمع بازیکنان میرود و " درنه " در بین حاضرین دست به دست می چرخید و هریک از بازی کنان از غفلت بازیگر بازنده استفاده نموده و با " درنه " ضربه ای به پشت او می زد و سپس " درنه " را به طور مخفیانه به فرد دیگری واگذار می کرد و به فرد بازنده میگفت بورده - بورده ، یعنی "درنه " به جای دیگری رفته است. اگر فرد بازنده میان میدان میتوانست " درنه " را از دست هر یک از بازیکنان بقاپد و بگیرد، آنگاه آن بازیکن در موقعیت بازنده قرار میگرفت و تنبیه مشابهی در مورد او اعمال میشد.

- **پَشمازیل کا :** این بازی با استخوان پای گوسفند انجام میشد و پس از تعیین بازنده ، حاکم و جلاد که با پرتاب استخوان انجام میشد، فرد بازنده به حکم حاکم و توسط جلاد معمولا بوسیله کمربند مورد تنبیه قرار میگرفت. امروزه به جای استخوان از کبریت استفاده میشود.

- **پنجه یا مچ انداختن :** در این بازی جوانان نیرومند برای خود حریف می طلبند. داوطلبان نوک آرنج دست راست را به زمین چسبانده ، پنجه در پنجه ی حریف می گذارند . هرکس موفق شود بازوی طرف مقابل را بر زمین زند، برنده است.

- **خِرجین هالِه :** در این بازی که باز برای نمایش آمادگی بدنی انجام میشد، یک نفر به صورت چمباتمه می نشیند و در دو طرف او، دو نفر درازکشیده و هرکدام به پشت می خوابند و پاهایشان را بر پشت او قرار می دهند هرکدام از این دو، دست هایشان را دراز کرده و با یک دست یک پای خود و با دست دیگر پای بازیکن آن طرف را محکم می چسبید، و دو نفر به صورت خورجین در می آیند نفر وسط این خورجین را بلند کرده سعی می کند به آرامی برخیزد و روی پاهایش بایستد در عین حال افراد خورجین هم سعی می کنند کنترلشان را از دست ندهند و از هم باز نشوند . آن گاه بازیگر اصلی خورجین را در میان جمعیت می گرداند.

- **ریسمون بازی یا بند بازی :** دراین بازی طنابی قطور را به دو سر دو چوب یا دو درخت بلند می بستند و ریسمان باز بر بالای طناب به اجرای نمایش های نمایشی و سخت می پرداخت . هنگام اجرای ریسمان باز، دلقکی با لباس مبدل و هم زمان با اجرای بازیگر اصلی به صورت مضحک به تقلید حرکات ریسمان باز پرداخته و تماشاگران را می خنداند . در طول نمایش گروه نوازندگان سرنا و نقاره (لوتی ها) نغمات موسیقی مراسمی و شاد می پرداختند. این بازی از پر طرفدارترین بازی های رایج در عروسی ها بوده است.

- **سر سنگ بنه سنگ :** در این بازی در اوج همهمه و ازدحام یکی از حاضرین فریاد می زند : سر سنگ بنه سنگ ، هفت تا لَوِه . یعنی لب ها بسته شود و کسی سخنی نگوید . از این لحظه همه سکوت اختیار کرده و سعی می کردند تا با لبخند و ادا و اطوار دیگران را به سخن گفتن وادار کنند .

همانطور که گفته شد مراسم عروسی هفت روز به طول میانجامید و در هر روز برنامه ها و آیین های مختلفی اجرا میشد.
شب اول عروسی که وسایل مورد نیاز میهمانی آن از سوی وابستگان داماد به منزل عروس برده میشد که به آن " مار وده " میگفتند. در دومین شب عروسی،خانواده ی داماد، خانواده ی عروس را به مهمانی دعوت میکرد و وظیفه ی آشپزی آن شب به عهده عروس خانم بود . به این مراسم " دَس کَلِه شُو" یا " دَز کَلِه شُو " میگفتند.

یکی دیگر از مراسم جالب که بیشتر در قدیم متداول بوده است مراسم " مقراز پیچ " یا " مَخراز پیچ " می‌باشد که معمولا خیاط با چرخ خیاطی و وسایل دوخت و دوز برای مدت دو یا سه روز در منزل داماد مستقر میشد و برای بستگانی که تمایل به دوخت لباس داشتند، لباس میدوخت. در گذشته‌های دورتر خیاط در این ایام ، لباس عروس که شامل شلوار و شلیته از نوع پارچه‌های اطلس و تافته‌های رنگارنگ بود و نیز لباس داماد را میدوخت. طی این مراسم که با انجام رقص و شادی در حضور خیاط همراه بود ، هدایایی هم برای خیاط جمع آوری میشد که به آن " خیاط سر " یا " خیاط نشون " میگفتند.

از دیگر مراسم رایج در عروسی ها فرستادن " خَرجِ بار " از طرف خانواده داماد برای خانواده عروس در صبح روز قبل از روز عروسی (روز حنا بندان) بود . " خَرجِ بار " عبارت بود از وسایل لازم برای مراسم عروسی که معمولا شامل برنج ، آرد ، روغن و گاو و گوسفند و کره و عسل و ... بود. همچنین معمول بود که خانواده عروس قسمتی از " خَرجِ بار " را می‌گرفت و بقیه را پس می‌فرستاد و این جنبه احترام به یکدیگر را داشت. در بعضی از مناطق و روستاها، علاوه بر " خَرجِ بار " اقوام نزدیک داماد نیز تحفه ها و کالاهایی نظیر آنچه ذکر شد را تحت عنوان " اَفلاچی " به عنوان هدیه و به منظور کمک و مشارکت در هزینه‌های عروسی پیشکش میکردند.

در بعد از ظهر این روز (روز قبل از روز عروسی) مادر عروس با کمک اقوام نزدیک به پختن نان محلی و حلوا با عسل و آرد و روغن حیوانی مشغول میشدند.

اما از اصلی ترین و با شکوه ترین آیین های عروسی مراسم "حنا بندان" بود که هنوز هم کما بیش و با اندک تغییرات به اجرا در میاید. این مراسم به این ترتیب است که ابتدا در خانه داماد ، بستگان با رقص و پایکوبی حنا را آماده میکردند و بر دست داماد میگذاشتند و به داماد هم هدایایی میدادند که به آن " حنا شنون " میگفتند. بعد (معمولا شب هنگام و بعد از خوردن شام) خانواده داماد و مدعوین آنها با میوه و شیرینی و حنای آماده شده راهی خانه عروس می‌شدند و با هلهله و شادی حنا را به سر و دست و پای عروس و داماد میزدند . رسم بود که در حین حنا بستن هدایایی هم به عروس خانم بدهند که به آن " حنا سری " میگفتند. ترانه‌ها و رقص های زیبایی در مراسم حنا بندان به اجرا در میامد . یکی از ترانه های قشنگ امروزی که در این مراسم خوانده میشود به صورت زیر است :

حنا حنا میبندم ... حنای اصل کاشون .... به دست و پا میبندم
حنا حنا میبندم ... آب طلا میبندم ... اگر حنا نباشه .... آب طلا میبندم

مراسم حنا بندان تا پاسی از شب در حالی با رقص‌های محلی ادامه داشت ، به پایان می‌رسید . میهمانان نیز میرفتند تا خود را برای فردای آن روز که روز اصلی عروسی به حساب میامد، آماده کنند.

در صبح روز اصلی عروسی ، مادر عروسی چمدان مربوط به وسایل داماد که شامل کت و شلوار و کفش و کیف و کیف پول که داخلش سکه طلا میگذاشتند و حوله و وسایل حمام و جانماز داماد و غیره بود را توسط خانم های جوان به خانهٔ داماد می‌فرستاد . در خانه داماد پس از پذیرایی از مهمانان و رقص و پایکوبی ، این وسایل به حاضرین در مجلس نشان داده میشد و سپس تحویل مادر داماد میشد.

از طرفی در این روز جهیزیّه عروس خانم نیز با اسب و در مجمع های تزیین شده که بر سر خانمها حمل میشد به خانهٔ داماد حمل می‌شدند. در موقع تحویل جهیزیه نیز رسم بود که صاحب اسب و اطرافیان او هدیه ای از داماد و خانواده او دریافت کنند که به آن " بار سَری " میگفتند. همچنین در فرصت های دیگر میهمانان و نزدیکان سعی میکردند از داماد هدیه ای بصورت تکه ای پارچه دریافت کنند که به آن نیز " سِنّخ سَری " میگفتند. البته جهیزیّه عروس ها در روزگاران گذشته با آنچه که امروز رسم شده است خیلی تفاوت داشت . از مرحوم مادرم به یاد دارم که میگفت جهیزیه عروسی او شامل موارد زیر بود: زیر انداز نمدی، رختخواب ، متکا، چادر شب، پشمی جرَب (= جوراب پشمی) ، مس کاسه و لوه (= کاسه و دیگ مسی) ، پول کیسه (= کیسه پول) ، بند تنبان ، وسایل حمام و ...

سپس مراسم بردن عروس و داماد به حمام بطور جداگانه انجام میشد که با همراهی دوستان و آشنایان عروس و داماد با نواختن سورنا و نقاره و همراه با رقص ویژه ای انجام میشد. در حمام هم پولی از داماد یا عروس به عنوان دست خوش گرفته میشد که به آن "حَموم سَری " میگفتند. بعد از استحمام عروس و داماد هر یک توسط دوستان و آشنایانشان به خانه هایشان مشایعت میشدند. در آنجا پس از تعویض لباس و به تن کردن لباس های ویژه ای که از قبل تدارک دیده بودند، آماده جشن عروسی میشدند. البته عروس خانم قبل از تعویض لباس توسط آرایشگر ، آرایش هم میشد.

در واقع مراسم روز اصلی عروسی در خانه داماد بود. در این روز دعوت شدگان از صبح در خانهٔ داماد جمع میشدند و ناهار به رسم گذشته‌ها زیره پلو یا " تام پلو " و گوشت همراه با گوسفند بریان شده بود. پس از پذیرایی ناهار میهمانها در محوطه باغ یا حیاط منزل گرد می‌آمدند . ابتدا نوازندگان مینواختند و پس از رقص و پایکوبی و " درُوم " خوردن ، داماد بر تخت می‌نشست (که همان صندلی است) . اکنون نوبت به هدیه دادن به داماد می‌رسید. ابتدا بستگان نزدیکتر عروس و داماد قبل از بقیه هدایای خود را که وجه نقد بود تقدیم میکردند که نام هدیه کننده و مبلغ هدیه با صدای بلند جهت آگاهی حضار اعلام میشد (به این کار "شَواش" دادن میگفتند). البته در سالهای اخیر این روسومات تغییراتی کرده بدین ترتیب که هدایای نقدی در پاکت در بسته دریافت شده و نام و مبلغ هدیه افراد اعلام نمی‌شوند. در پایان این مراسم هدایا جمع شده به خانواده داماد تسلیم میشد.

پس از پایان این مرحله عده‌ای از جوانان به همراه داماد به دنبال عروس به منزل خانواده عروس می‌رفتند. قدیم تر ها رسم به اینگونه بود که گروهی از مردان و زنان سوار اسب ها شده از منزل داماد به منزل عروس رفته، روی سر عروس را با ترمه و پارچه ای قرمز رنگ پوشانده و عروس را نیز سوار اسب کرده به طرف منزل داماد حرکت می دادند . در اینجا نیز لازم میشد هدیه ای معمولا نقدی از طرف داماد موسوم به " کَش دِلِه " به عروس خانم داده شود تا بپذیرد که کفش پوشیده و به راه افتد.

در منزل عروس پس از پذیرایی و رقص و شادمانی و قبل از اینکه عروس خانهٔ پدری را ترک کند، مراسم " کمر بستن " عروس انجام میشود. در این رسم پدر عروس پارچه سفیدی که داخلش نان و قران قرار دارد را به معنی حفظ و دوام زندگی مشترک و برکت خانه به کمر دخترش میبندد . از اینجا به بعد معمولا پدر و مادر عروس در مابقی مراسم روز اصلی عروسی حضور نداشتند و از دخترشان رسما خداحافظی میکردند و عروس خانم با چشمانی اشکبار خانهٔ پدری را ترک کرده و پذیرای زندگی جدید در کنار همسرش میشد . همچنین از بین اقوام عروس ، زنی که به عنوان مادر عروس نقش راهنما داشته و همراه عروس به خانه ی داماد میرفت که به او " عاروس مار" میگفتند.

پس از اینکه عروس خانم از خانه خارج شد و بعد از طی نیمی از راه تعدادی از تک سواران به سرعت به منزل داماد رفته تا داماد را برای مراسم انار یا سیب انداختن ، بیاورند . در این حال داماد در جلوی بقیه حرکت میکرد. در مراسم انار یا سیب انداختن ، داماد با پرتاب انار یا سیبی به طرف عروس به او خوشامد میگفت و او را به منزل خویش فرا می‌خواند و با ترانه هایی نظیر " سیب سرخ انار سرخ به دامن یار میزنم ، ... " مراسم با شادی و هلهله همراه میشد. البته این روزها از اسب و پیاده رویهای قبل خبری نیست و جای آنها را اتومبیل های شیک و آخرین مدل که با گلهای رنگارنگ تزیین میشوند، گرفته است .

طی مسیر خانه عروس به داماد با رقص و شادی و هلهله شادی همراه بود و به آن " هارسن هارسن " و یا " سر شول " میگفتند. همسایگان و اهالی محل نیز برای مشاهده این پایکوبی ها یا یه اصطلاح " عاروس تَمشا" به کوچه و خیابان مسیر تردد عروس و داماد میامدند. به رقص محلی که به هنگام بردن عروس به خانه ی داماد اجرا می شد " کلن جزر " میگفتند. امروزه صدای بوق و ویراژ اتومبیل های عروس و داماد و همراهان آنها جایگزین رقص و هلهله های شادی قدیم شده است. از جمله سایر رسوم رایج در این مرحله " پُل دَوِسَن " بود که جوانها بر روی پل یا قسمت های دیگری از مسیر راه را بر عروس و داماد می بندند تا از آنها انعام بگیرند. همچنین در بعضی نقاط رسم بود که در هنگام عبور از هر پل هدیه ای به عروس خانم بدهند که به آن " نقره - پل " میگفتند.

در خانهٔ داماد همه منتظر آمدن عروس و داماد هستند و به محض رسیدن آنان گوسفندی جلوی پایشان قربانی میشود در اینجا و هنگام ورود عروس خانم به خانه ی داماد نیز هدیه ای به او تقدیم میشد که به آن " کَنّا سَری " میگفتند. در خانه داماد همچنین نقل و نبات و پول بر سر عروس و داماد ریخته میشد و با رقص و شادی آنها را به خانه هدایت میکردند. در آنجا عروس خانم با دستان آغشته به عسل آنرا بر بالای درب ورودی خانهٔ داماد میزند و مقدار اندکی عسل هم در دهان مادر داماد قرار میدهد و این به معنی شیرین شدن زندگانی مشترک او نزد خانواده داماد می‌باشد، به خصوص نزد مادر شوهر عزیز شدن فلسفه این کار است . سپس در حالیکه وارد خانه میشود با لگد به ظرف برنجی که جلوی مسیر او گذاشته میشد میزد و آن را میریخت و این به این معنی بود که او با قدمش، برکت و فراوانی و نعمت را به این خانه به ارمغان میاورد.

پس از ورود به خانه و قبل از نشستن روی صندلی مراسم دیگری انجام میشد که به آن " بِنیش " میگفتند. بر اساس این رسم عروس خانم موقع نشستن روی صندلی آنقدر منتظر میماند و از نشستن خوداری میکرد تا پدر داماد (و یا در صورت نبودن پدر، جانشین او) با وعده دادن هدیه ای به عروس خانم که غالبا از جنس ، ملک و باغ یا دام بود از او برای نشستن دعوت به عمل آورد. به هدیه ای که پدر داماد (یا یکی از بزرگان فامیل داماد) به عروس میداد تا عروس اقدام به نشستن نماید " پا اَنداز " می‌گفتند . به محض نشستن عروس بر روی صندلی پسر بچه‌ای را در بغلش مینشاندند و او نیز هدیه ای به بچه که شامل لباس یا پول نقد بود میداد. این کار به این منظور و نیت بود که فرزند اول او پسر باشد .
بدین ترتیب مراسم عروسی با رقص و پایکوبی میهمانان در مقابل عروس و داماد تا پاسی از شب ادامه پیدا میکرد.

روز بعد از روز اصلی عروسی " مار کاسه روز" یا پاتختی نام دارد که مختص خانم ها است و امروزه نیز کمابیش به مانند گذشته ها انجام میشود. طی این مراسم ، در فردای روز عروسی مادر و اقوام دور و نزدیک عروس و داماد انواع میوه ها و شیرینی های محلی، تخم مرغ رنگ شده و سایر آذوقه های لازمه شروع زندگی و بخصوص کله قند را بعنوان هدیه به عروس و داماد پیشکش میکنند تا زندگی خود را آغاز کنند. این هدایا در مجمعه هایی قرار گرفته و در صبح روز پا تختی زنان و دختران مجمعه ها را بر سر گرفته و در صفی منظم به سوی خانه ای که عروس و داماد در آن هستند ، حرکت میکنند . در خانه این هدایا بر سر سفره گسترده ای قرار گرفته و از مهمانان پذیریی میشود. نان محلی و حلوا هم زینت بخش این سفره می‌باشد . پس از رقص و پایکوبی ، همه میهمانان ها به عروس خانم هدیه میدهند. که مشابه هدیه روز عروسی به داماد معمولا وجه نقد است و به همان صورت نیز نام هدیه دهنده و مبلغ هدیه با صدای بلند جهت اطلاع حضار اعلام میشود.

پس از این مرحله ، مادر عروس هدایا یا " خلعت هایی " که برای پدر و مادر و برادر و خواهر داماد و سایر اقوام نزدیک داماد تدارک دیده را ابتدا به مهمانان حاضر در مجلس نشان داده و سپس هر یک را تحویل صاحبانشان میدهد. در شب این روز خانواده عروس و برخی نزدیکان آنها برای صرف شام میهمان خانواده داماد خواهند بود و این پایان مراسم عروسی چند روزه خواهد بود.

در روزهای بعد از این نیز رسم و رسومات دیگری توسط خانواده عروس و داماد و اقوام آنها انجام میپذیرد. چند روز پس از پایان عروسی خانواده ی داماد از خانواده عروس دعوت بعمل میاورند که به آن " خِنِه وَرُون " میگفتند. همچنین سه روز بعد از جشن عروسی داماد و دوستانش به دیدار مادر عروس خانم میرفتند که به آن " زَن ماربَدییَن " میگفتند.

سپس نوبت به سایر اقوام و دوستان میرسید تا یک به یک عروس و داماد را برای اولین با به خانه خود دعوت کنند که گاهی پدر و مادر عروس یا داماد یا برخی دیگر از اقوام نزدیک هر یک از آنها هم جزو دعوت شدگان بودند. در پایان این ضیافتها هدیه ای که معمولا پارچه یا البسه بود به رسم یادگار به عروس خانم پیشکش میشد که به نام همین مهمانی " پا گُشا " نامیده میشد. این مراسم هم هنوز به همان شکل قدیم اجرا میشود.

به امید شادی و نشاط و سلامتی همیشگی برای تمامی عروس و دامادهای گذشته و حال و آینده

مهرانگیز دیوسالار
فروردین ۱۳۹۱ - تهران

مختصری از زندگی‌نامه سیده فاطمه سجادی

(به قلم همایون دیوسالار)

ازشاخه خانوادگی میرزا فتح الله خان دیوسالار و حمیده دیوسالار

سیده فاطمه سجادي فرزند سیدعبدالوهاب و از نوادگان آقاسید صالح مجتهد و آقا یوسف دیوسالار مي‌باشد . مادرش ربابه درویش فرزند حبیب‌الله خان درویش کدیري مي‌باشد که از لحاظ اقتصادي و اجتماعي در زمان خود داراي نفوذ و از جایگاه ویژه‌اي برخوردار بود. سیده فاطمه در سال ۱۳۰۸ در تهران منزل پدربزرگش حبیب‌الله خان که به دستور رضاشاه در تبعید بود متولد شد . دوران زندگي ایشان پراز فراز و نشیب بود که عمدتا با اتفاق‌هاي تلخ همراه بود . ایشان با حسین‌بیگ فرزند آقاسي‌بیگ ازدواج کرد که ثمره این ازدواج چهار پسر به نام‌هاي ناصر ، نادر ، یعقوب و محمود و یك دختر به نام زهرا مي‌باشد .

زهرا با نعمت‌الله پسرعموي خود ازدواج نمود و از آنجائیکه همسرش کارمند نیروي هوایي بود براي ادامه زندگي به تهران رفت و در آنجا ساکن شد. ناصر پسر بزرگش بعد از پایان دوره ابتدایي جهت کسب شغل به تهران رفت و به استخدام نیروي هوایي ارتش شاهنشاهي درآمدند ، مرحوم نادر پس از پایان دوم دبیرستان قدیم (دوم راهنمایي) نظام جدید ، ابتدا در کرج منزل دایي خود دکتر سید جمال سجادي و سپس در تهران منزل پسرعمو و داماد خود نعمت‌الله به تحصیل ادامه داده و محمود که در خردسالي بر اثر بیماري سرخك فوت نمود . سیده فاطمه سجادي به اتفاق پسر سوم یعقوب زندگي را در باغشان در توسکا * ادامه داده و از آنجائیکه در آن دوران باغ محصور نبود حفظ کردن باغ از هجوم حیوانات اهلي و تجاوز همسایه‌ها کار دشواري بود و به دلیل بي‌اطلاعي مردم از قانون اگر گاوي از باغشان وارد زمین کشاورزي مردن و یا ملکشان مي‌شد اعتراض مي‌کردند و آنها را مقصر مي‌دانستند در حالي که اعتراض‌شان قانوني نبود .

ایشان در به ثمر رساندن فرزندانشان قاطع و مصمم و در برابر ناملایمات زندگي مردانه ایستاد . در امور زندگي بسیار فعال و خستگي‌ناپذیر مي باشد . تلاش و کار در باغ را جزء برنامه اصلي زندگي‌اش مي‌داند . به خواندن نماز در هنگام اذان و قرائت قرآن بسیار اهمیت مي‌دهد . در تمام زندگي نیمه‌شب بیدار مي‌شود و به عبادت مشغول مي‌شود . بهداشت غذایي را رعایت مي‌نماید و ورزش صبحگاهي جزء برنامه زندگي‌شان مي‌باشد .
پدرشان مرحوم سید عبدالوهاب در سن جواني فوت نموده ، نقل است زمانیکه ایشان فوت نمودند ، آقاي نبي سالار (سلار) از بیلاق به سمت قشلاق مي‌آمدند در بین راه کالج سید عبدالوهاب را مي‌بیند که عبا و عمامه ، بعد از سلام و علیك و حال و احوال از ایشان مي‌پرسد که آقا عازم کجا هستید ؟ به کجا مي‌روید؟ سید عبدالوهاب در پاسخ مي‌گوید به شاه ناجر مي‌روم و خداحافظي مي‌کنند . آقا نبي سالار وقتي به تسکا مي‌رسد مي‌بیند که مردم ناراحت و گریان هستند مي‌پرسد که چه شده ؟ مردم در پاسخ مي‌گویند سید عبدالوهاب درگذشت . ایشان باور نکردند و گفت دروغ مي‌گویید . من ایشان را در بین راه کالج دیدم که به شاه‌ناجو مي‌رفت شما چه مي‌گویید ! تا اینکه رفته و جنازه ایشان را دیده و باور کرد. این داستان از همان زمان مورد تعجب مردم شده و این اتفاق را ناشي از معجزه این خانواده مي‌دانند ، چون آقا سیدصالح و نوادگان ایشان جلیل‌القدر و صاحب کرامات بودند و در بین مردم داراي ارزش زیاد و از احترام ویژه‌اي برخوردار بودند. و هم اکنون این داستان تا امروز در سینه‌ها ضبط و از نسل گذشته به نسل فعلي انتقال یافت .

همایون دیوسالار
فروردین ۱۳۹۱ ـ توسکا - رویان

توضیح : تصویری از مرحوم سید عبدالوهاب سجادی در قسمت " تصاویر درگذشتگان " در پایان این تبار نامه موجود میباشد

پاورقی : توسکا همواره زادگاه بزرگان علمي و اجتماعي بود . در دوره‌اي که مردم اکثر روستاها از داشتن سواد خواندن محروم بودند، در توسکا شخصیتهایي با تحصیلات دانشگاهي ظهور یافتند ، از جمله دکتر سید جمال سجادي رئیس فرهنگ (رئیس آموزش و پرورش) شهرستان نوشهر در سال ۱۳٤۰ و شهید شکراله دیوسالار که به درجه سرتیپي نایل آمده و مرحوم نادر دیوسالار همافر نیروي هوایي ، فرزند حسین بیگ و سیده فاطمه سجادي در سال ۱۳۵۲ و در سن ۲۲ سالگي در کشور آمریکا مشغول به تحصیل بودند ، گذشته از این، شخصیتهاي برجسته اجتماعي بودند که در تهران مشغول کار شدند ، و هم‌اکنون فرزندانشان هم در داخل کشور و هم در کشورهاي اروپایي و آمریکا مشغول کار و تحصیلند . مضافا بر اینکه اکثریت خانواده‌هاي اصیل و بزرگان و خوانین طایفه دیوسالار زادگاهشان در توسکا مي‌باشد .

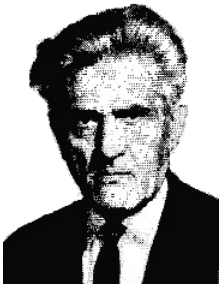

اتحاد اسلام و پیدایش جنگل

(به قلم مرحوم میرزا یحیی خان دیوسالار)

ازشاخه خانوادگی خانم جان دیوسالار

مطالب این قسمت در شماره های ٥ و ٦ و ٨ و ٩ و ١٠ مجله ارمغان در ١٣٤٤ به چاپ رسیده است
مطابق روش این کتاب، کلیه تاریخ های قید شده در نوشتار میرزا یحیی خان به تاریخ هجری شمسی تبدیل شدند.

قرار داد روس و انگلیس در سن پطرز بورغ در ٨ شهریور ١٢٨٦ (٣١ اوت ١٩٠٧) علاوه بر تقسیم ایران بدو منطقه در حقیقت حل مسائل مختلف راجع بمنافع قاره آسیا را نیز در بر داشت. مأمورین روس و انگلیس در کلیه شؤون اجتماعی ایران دست اندازی نموده و نفرت عمومی نسبت بروس و انگلیس بحد اعلا رسیده بود.

احراز و آزادیخواهان از دموکرات و اعتدال تند روها و کند روها گرد هم جمع شده جمعیتی بنام اتحاد اسلام تشکیل دادند و ایجاد قدرتی در مردم نمودند. این جمعیت که با علمای نجف و سایر مراکز دینی ارتباط بهم زده بود و مرحوم مستوفی الممالک آنرا رهبری مینمود با دو دولت آلمان و عثمانی که با روس و انگلیس در جنگ بودند متحد گردیده و از آنها اسلحه دریافت مینمودند.

در همین ایام پس از جلسه شوری قرار بر این شد که عدهء از مردان فداکار و با سابقه داطلب رفتن بشمال گردند تا با اقدامات مقتضی جلوی پیشروی قشون تزاری روس را بگیرند و در نتیجه ٤٦ تن از مجاهدین معروف خود را معرفی نمودند و نواحی شمال و آستارا تا بندر گز به پنج قسمت و تحت نظر پنج تن از افراد زیر قرار گرفت.

١ ـ اسماعیل خان مجاهد قسمت آستارا و اردبیل.
٢ - میرزا کوچک خان گیلان و طوالش.
٣ - دکتر حشمت طالقانی و جواد خان تنکابنی لاهیجان،رانکره و دیلمان.
٤ - میرزا علی خان دیو سالار مشهور به سالار فاتح محال ثلاث تنکابن ، کلا رستاق و کجور.
٥ - اسمعیل خان امیر مؤید،سواد کوه،ساری،بار فروش و بابل.

طرفداران دولت تزاری روس نیز بیکار ننشسته بر علیه دسته‌های مزبور دست به کار شدند چنانکه اسمعیل خان مجاهد بمحض ورود به اردبیل حکومت دست نشانده روسها او را دستگیر و اعدام نمود. دکتر حشمت با وسایل و سوابقی که داشت به لاهیجان رسید و جواد خان چون بشهر ستانک رسید مریض گردید به تهران عودت و مرحوم شد.

میرزا کوچک خان که در بین دوستان و هم مسلکان خود به سالار فاتح بیش از همه معتقد بود راجع بمشکل حرکت خود با وی مشورت نمود و او پیشنهاد کرد که به اتفاق هم بمازندران بروند و چون جنگل مازندران با جنگل گیلان اتصال دارد و راه کنار دریا را هم در اختیار داریم به گیلان میرویم و اگر از این طریق هم نشد در کجور قیام می‌کنیم و پس از فتح تنکابن به گیلان خواهیم رسید. با رعایت آنکه چون تحت نظر جاسوسان هستیم همین امروز باید حرکت کنیم و وسایل کار هم فراهم است. میرزا کوچک خان این نقشه را پسندیده همان ساعت مشهدی ابراهیم نوکر میرزا کوچک خان باتفاق درویش نوکر سالار فاتح چهار رأس اسبهای سالار فاتح را برای هزار درهء جاجرود حرکت داده و سالار فاتح و میرزا کوچک خان با درشکه‌ای که متعلق به یکی از دوستان سالار فاتح بود و در اختیار او گذاشته بودند هنگام غروب حرکت نمودند.

از حرکت این دو مجاهد فقط میرزا احمد خان دیو سالار برادر سالار فاتح که خود هم عضو جمعیت اتحاد اسلام و در آنموقع نیز رئیس ادارهء تأمینات بود و برحسب دستور سالار مأمور اوضاع شده بود آگاه و کسی دیگر از حرکت سالار و میرزا کوچک خان اطلاعی نداشت.

باری سالار و میرزا با درشکه حرکت و چهار ساعت بعد به میعاد گاه با درویش و مشهدی ابراهیم رسیدند و از آنجا در شبی تاریک و بسیار سرد به حرکت خود ادامه داده و بدون توقف دو ساعت بغروب فردا وارد قریهء مشا شدند .هنوز زین اسبها

گرفته نشده که قاصد میرزا احمد خان دیو سالار رسید و اطلاع داد که دو افسر و ۳۰ نفر قزاق برای دستگیری آنها حرکت کرده‌اند. این چهار نفر مردان سلحشور فوری سوار اسبها شده بطرف مازندران حرکت و پس از پانزده ساعت خود را بقریه عمارت چهار فرسنگی آمل رساندند و پس از توقف یک ساعته و سیر کردن اسبها دوباره سوار گردیده چهار ساعت بعد به قریه هسفای نور میرسند. قریه هسفا محل سکونت قشلاقی طایفه کوزه گرهای کالج و چند خانوار از طایفه دیوسالار بود.

پس از دو سه روز توقف و استراحت قاصدی بکجور شش فرسنگی این قریه نزد ابراهیم خان ضیغم السلطان دیو سالار (پسر عموی سالار فاتح) فرستادند که فوری با عدهء تفنگچی در شورستاق حاضر شود. فردا شب ضیغم السلطان با عدهء تفنگچی وارد و سالار فاتح و میرزا کوچک خان به تیرکده محل ضیغم السلطان وارد گردیدند. قزاقها که به تعاقب سالار و میرزا تا بلور پیش آمده بودند صلاح خود را در این دیدند که به تهران معاودت نمایند.

پس از ورود این دو مجاهد به تیرکده نگارنده مهمان‌دار میرزا کوچک خان شدم. خاطرات شیرینی از این مرد وطن دوست آزادیخواه دارم که هیچوقت از نظرم محو نمی‌گردد. میرزا کوچک خان دارای قدی بلند ، بازوانی سطبر، چشمهای زاغ ، و لبهای متبسم و درعین‌حال متواضع و خوش برخورد و بسیار مهربان و بتمام معنی مذهبی و دشمن سر سخت اجانب و اجنبی پرستان بود. مدت ۲۵ روز در تیرکده متوقف و اول صبح هر روز پس از ادای فریضه از اطاق بیرون می‌آمد و راه پیمائی می‌کرد از این محل تا لب دریا که سه کیلومتر و نیم فاصله داشت راه میرفت و مراجعت می‌نمود و پس از صرف صبحانه به اتاق سالارفاتح میرفت و شخص ثالثی حق ورود بآنرا نداشت حتی چای و آب جوش هم پهلویشان بود. پس از صرف نهار دو ساعت به غروب مانده میرزا بسمت کوه راه پیمائی می‌نمود، دو کیلو متر و نیم راه میرفت و بر می‌گشت. اول شب با نگارنده از مسائل تاریخی، سیاسی، ادبی وعرفانی صحبت می‌کرد.

باری مرحوم میرزا پس از ۲۵ روز توقف عازم حرکت بسوی لاهیجان گردید و سالار فاتح نگارنده را مأمور کرد که تا شهسوار و خانه میرزا هادی خان دبیر اکرم کاویانپور که در این شهر قرار داشت او را همراهی نمایم . میرزا هادی خان دبیر اکرم کاویانپور از افراد با دانش طایفهء کالجی منتسب به طایفهء دیوسالار و از کسان بسیار نزدیک سالارفاتح و معاون گمرک شهسوار بود که اکنون در قید حیات و نزدیک به نود سال از عمرش میگذرد.

از تیرکده در خدمت میرزا به حبیب آباد نوشهر فعلی وارد شدیم و فردا دو بعد ازظهر برای شهسوار حرکت کردیم . البته از دهستان نکا از رود خانه نمک آبرود تا دو فرسخ از سخت سر(رامسر فعلی) بآنطرف تحت استیلا و قدرت خلعتبری ها بود و باید میرزا را از بندها رهانید تا مانند اسمعیل خان مجاهد در اردبیل بخطر نیافتد. یکساعت بصبح مانده وارد شهسوار و بمنزل دبیر اکرم کایانپور وارد شدیم. اول غروب دبیر اکرم و میرزا کاغذی به سالارفاتح نوشتند و نگارنده به کجور مراجعت و دبیر و میرزا هم برای رود سر حرکت کردند. اول آفتاب برود سر رسیدند و بعد از ظهر بلنگرود و از آنجا با درشکه بسوی لاهیجان حرکت کرده بدکتر حشمت پیوستند.

نامه‌ای میرزا کوچک خان به سالار فاتح نوشت و از دبیر اکرم نهایت سپاسگزای نموده و او را بداشتن چنین اقوام و دوستانی تبریک گفت. دبیرا کرم از لاهیجان مراجعت و میرزا عازم رشت گردید و در آنجا بنیان جنگل را گذاشت.

نکته قابل توجه آنکه از رودسر تا نمک آبرود که تحت سلطه و اقتدار خلعتبری میبود مع الوصف ارتباط سالار فاتح و میرزا کوچک خان هیچوقت قطع نگردید و همواره ادامه میداشت.

میرزا کوچک خان در لاهیجان به دکتر حشمت رسید و در آنجا با دکتر مشورت نمود، دکتر معتقد بود که لاهیجان را مرکز قیام قرار دهند چه آنکه جنگل دیلمان و رودبار و رانکوه را در دست دارند و بعلاوه با متحد خود سالار فاتح دیوسالار نزدیک خواهند بود. میرزا معتقد بود جنگل فومنات و تولمات و طوالش که تا بیله سوار و آستارا وسعت دارد مساعدتر و بهتر میشود کار کرد . بالاخره تصمیم گرفتند جنگل تولمات را مرکز قرار دهند.

شبانه از لاهیجان میرزا کوچک خان و دکتر حشمت و شیخ عبد السلام و سید محمد خان از مجاهدان اول مشروطه برای رشت حرکت کردند ، در رشت محرمانه چند هفته توقف نموده و عده‌ای از آزادیخواهان را جمع کرده متحدا برای جنگل تولمات

حرکت کردند. یکی از هم قدمان اولیه میرزا و دکتر در رشت حاج احمد کسائی بود که به عللی خود را در ردیف آزادیخواهان قرار داده و نخستین کسی بود که عهد و پیمان خود را با میرزا کوچک خان نقض نمود.

پس از تشکیل نهضت جنگل در کلیهء صفحات شمال این ندا بلند شد که عده‌ای از احرار برای رفع ظلم و جلوگیری از قشون روسیه تزاری بنام اتحاد اسلام در جنگل تولمات قیام نموده‌اند. این نداء ضعفا و رنجبران و روشنفکران را به جنگل متصل ساخته موجب ترس و وحشت متنفذین و ملاکین که در تحت لوای دولت تزاری اقتداری بهم زده بودند گردید ناچار بوسیلهء قونسول روس به دولت مرکزی متوسل شدند که تا جنگل و اتحاد اسلام نضجی نگرفته سرکوب و پراکنده گردند.

قونسول روسیه مقیم رشت باتفاق قائم مقام الملک رفیع پسر شریعتمدار رشتی و حاجی صمد خان تاجر باشی بحکومت گیلان و دولت مرکزی فشار آوردند تا اتحاد اسلام و اجتماع جنگل را از بین ببرند. عدهء زیادی از سربازان روسیه تزاری با قوای متنفذین محلی بجنگل حمله کرده و در نتیجه منجر به شکست روسها و قوای متنفذین گردید . در همان موقع عدهء هم که بالغ بر دویست و پنجاه نفر از قزاقهای ایرانی و روسی بود با تجهیزات کامل از طریق تنکابن مأمور سرکوبی و قلع و قمع سالار فاتح در کجور گردیدند. آن موقع تنکابن و کلارستاق و کجور تحت سلطه و اقتدار سپهسالار خلعتبری میبود که نیروی اعزامی را راهنمائی مینمود.

سالار فاتح با عده قلیل تفنگ‌چی‌های خود در جنگل کاسگر محله کجور سه کیلومتر و نیم المده آماده جنگ شد. قزاقها دو شب در المده توقف نموده بدون تعرض برای بار فروش و مشهدسر (بابل و بابل‌سر فعلی)حرکت کردند.

در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۲۹٤ کابینهء سپهسالار خلعتبری تشکیل و دو روز بعد به احمد شاه معرفی گردید. ناگفته نماناد تشکیل این کابینه در نتیجهء فشار روسها جهت امضای معاهده سال ۱۲۸٦ و برای برانداختن جمعیت اتحاد اسلام و جنگل بوده است. سپهسالار خلعتبری مرتضی خان سردار اقتدار فرزند خویش را مأمور کرد که با قوای محلی خود و متنفذین گیلان و طوالش و خلخال جنگل و اتحاد اسلام و باالاخص میرزا کوچک خان را نابود نماید. سردار اقتدار با طمطراق خاص وارد رشت شد و چون لایق حمله به جنگل نبود به بهانه‌های مختلف چندی در رشت اقامت نمود و سپس بحکم رئیس الوزراء وقت (پدر خود) اردو را تحویل فرج الله خان ساعد الممالک داده از معرکه بدر رفت و ساعد الممالک با قشون تحت فرماندهی خود نیز در رشت متوقف شد.

درهمان تاریخ برای سرکوبی سالار فاتح ، عده‌ای از سربازان بریگارد مرکزی بنام اردوی سیار به فرماندهی مظفرخان اعلم (سردار انتصار) در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۲۹٥ به کجور و کلارستاق اعزام گردید. سالار فاتح برای اینکه مبادا با سربازان ایرانی وارد جنگ شود صلاح دید با کلیه متفقین کجوری و کلارستاقی خود دو محل مزبور را تخلیه کرده محرمانه خود را بتهران برساند. متأسفانه این افراد باستثنای خود سالار فاتح کلا در باغ شاه بامر سپهسالار رئیس الوزراء حبس میشوند و جعفرخان و خواجه وند برادر کریمخان و نبی خان از متحدین سالار فاتح در باغ شاه حسب الامر سپهسالار تیر باران میگردند.

اردوی سیار مشغول خلع سلاح در کجور و کلارستاق شدند. مظفر خان اعلم از افسران بسیار باشرف بود و نفرات اردوی او بخلاف اردوی سردار اقتدار که در قسمت شرق گیلان فجایع ناگفتی مرتکب شدند با مردم بسیار خوش‌رفتاری نمودند. در همین موقع دو نفر از کسان کریمخان و نبی خان نیز بحکم سپهسالار در کجور تیرباران شدند.

باری بعد از دو ماه توقف اردوی سیار در کجور دستور سرکوبی اسمعیل خان امیر مؤید به عهده مظفر خان اعلم فرمانده اردوی سیار صادر شد. اردوی سیار از کجور برای سواد کوه حرکت کرد و مقارن ورود به لاریجان دستور بازگشت آن به تهران واصل و لذا بتهران معاودت نمود. کابینه سپهسالار پس از سقوط بغداد و عقب نشینی قشون تزاری از قصر شیرین به کرمانشاهان و همدان سقوط نموده و محبوسین باغ شاه (کجوریها و کلارستاقیها) آزاد شدند.

سالار فاتح دوبار به کجور معاودت کرده متحدین خود را جمع‌آوری وارتباط با جنگل را برقرار نمود. جنگل پس از شکست مهاجمین قدرت و بسط پیدا کرده لکن قشون روسیه تزاری از بندر انزلی (بندر پهلوی) تا همدان متوقف میبود و همچنین در مازندران هم کموبیش نفراتی از آنها دیده میشدند.

احرار جنگل پس از شکست دادن سربازان روس و قوای متنفذین محلی مورد توجه عموم میهن‌پرستان قرار گرفتند. آزادیخواهان ، دهقانان و روشنفکران جنگل را حامی و پشتیبان خویش تشخیص دادند و حاضر بهمکاری و خدمت و فداکاری شدند . اخبار اطراف بطور کلی بسرعت بجنگل میرسید. از آنطرف ایادی روس‌ها و متنفذین سلطه و اقتدار خود را در خطر دیده و برای برانداختن اتحاد اسلام و میرزا کوچک خان از تنکابن تا آستارا متحد شدند. ایلات طالش و خلخال و مالکین هم تجهیزات کامل نموده آماده کارزار شدند.

محسن خان امین الدوله از تهران به لشت نشا آمده (لشت نشا دارای ۳۸ پارچه ده است) با تجهیزات کامل برحسب قرارداد با متحدین در یک روز و ساعت معین از شرق و غرب آماده حمله بجنگل گردیدند. جنگل که از آنچه میگذشت کاملا باخبر بود،۲۵ نفر از مجاهدان را مأمور لشت نشا و دستگیری امین الدوله نمود. مجاهدان بمحض رسیدن به لشت نشا با مختصر زدوخوردی امین الدوله را دستگیر و بجنگل بردند. از سمت غرب احرار جنگل موضع خود را محکم و آماده جدال شدند.

چند نفر از سران جزء ایلات طالش از قبیل اسفندیار خان طالشی که از طرف اتحاد اسلام حاکم لنگرود و رودسر شده بود و چند نفر هم از سران جزء خلخال مایل بجنگ با اتحاد اسلام نبوده محرمانه با جنگل ارتباط داشتند. از طرفی هم رؤسای ایلات متوجه گردیدند که نفرات زیردستشان مایل بجنگ نیستند لهذا تدبیری اندیشیدند که عجالتا با جنگل سازش کنند تا بعدا به‌بینند قوای روسیه برای سرکوبی جنگل چه اقدامی خواهد نمود. میرزا کوچک خان هم با آنکه از نیت آنها مطلع بود برای عقیم گذاردن نقشه روسها پیشنهاد آنها را پذیرفته تن بصلح و آشتی درداد.

در همان موقع برای قلع و قمع سالار فاتح دیوسالار نیز نقشه طرح شد. چون کجور و کلارستاق و تنکابن ملکی سپهسالار خلعتبری است معلوم بود که اگر جنگی در آنجا دربگیرد موجب خسران و خرابی خواهد شد پس ممکن است باندرز یا تهدید سالار فاتح را تسلیم نمود و اگر نشد با قوای نظامی سرکوب گردد. در تهران با وزیر مختار روسیه وارد مذاکره شدند نتیجه این شد که یک نفر عضو عالی رتبهء سفارت بنام کاسبنکی با تعلیمات لازمه از طریق رشت به تنکابن اعزام گردید.

این مأمور یکنفر تاجر روسیه مقیم رشت را با ده نفر قزاق ایرانی با خود به تنکابن آورده ، نگارنده که در حبیب‌آباد (نوشهر) مشغول امور زراعتی بودم در اواسط اردیبهشت ماه که عضو عالیرتبهء سفارت با همراهان وار حبیب‌آباد شدند . برای آنها منزل و وسایل پذیرائی فراهم گردید.

صبح ساعت هشت نگارنده را احضار نمودند. کاسبنکی فارسی را خوب حرف نمیزد ، تاجرباشی فارسی را خوب بلد بود و خوب حرف میزد. کاسبنکی شروع کرد به روسی سخن گفتن و تاجرباشی ترجمه مینمود. گفت پیامی را که وسیله شما به سالار فاتح میفرستم ، اولتیماتم است باید ۲٤ ساعته جواب دهند.

۱ـ کوچک خان دشمن دولت امپراتوری و یاغی دولت ایران است. تمام دوستان شمال دولت امپراتوری را دچار زحمت و خسارت نموده سالار فاتح باید با کوچک خان قطع دوستی و رابطه نموده و خروج خود را از اتحاد اسلام اعلان نماید.
۲ـ اگر سالار فاتح با سپهسالار دعاوی دارد وسیله نماینده دولت امپراتوری متواند حل و فصل نماید.
۳ـ سالار فاتح باید وارد قزاقخانه شود تا از هر حیث مورد محبت قرار گیرد.
٤ـ اگر این ۳ قسمت را قبول نکند دولت امپراتوری برای حفظ منطقه و نفوذ و حراست دوستان خود سالار را با قوه قهریه سرکوب خواهد نمود.

گفتم فردا بعدازظهر پیام شما را میرسانم . بعد از این مذاکره مجدا شروع به سخن نموده بنای مهربانی و اندرز را نهاد و چنین گفت : کوچک خان دشمن دولت امپراتوری و یاغی دولت ایران است و همکاری با او خطرناک میباشد. دولت امپراتوری همه نوع کمک و مساعدت از حیث جاه و مقام به سالار خواهد نمود. هر نوع دعاوی با سپهسالار داشته باشد قول میدهم بنحو شایسته‌ای انجام دهد . گفتم بیانات شما را یادداشت نموده بسالار فاتح میرسانم.
پس از پایان مذاکره که یک ساعت تمام طول کشید عازم حرکت گردیدم. در این هنگام یک افسر قزاق که همراه وی بود نزد نگارنده آمده گفت آقای عزیز من یکنفر ایرانی هستم بسالار از قول من بگوئید که زیر بار این حرفها و التیماتوم‌های پوچ نرود،

گوش به تهدیدشان ندهد قشون روسیه در کلیه جبهه‌ها عقب‌نشینی میکند. میرزا کوچک‌خان مردی درست، شریف، وطن‌پرست با نهایت قدرت دشمنان آب و خاک را می‌کوبد عنقریب بشما خبر خواهد رسید که ایلات و عشایر طالش، خلخال و عده‌ای از قزاقها تسلیم میراز کوچک‌خان خواهند شد. این مرد که روسها او را از طهران فرستاده‌اند برای این است که سالار را با نصیحت یا تهدید از اتحاد اسلام جدا کند تا خیالشان از قسمت محال ثلاث تنکابن، کجور و کلارستاق راحت شود آنوقت بجنگل حمله کنند.ضمن تشکر از این افسر ۳۵ ساله خوش‌سیمای مهربان که هرچه کردم اسم خود را بگوید ابا کرد تنها گفت یکنفر ایرانی هستم و از همدیگر جدا شدیم .

نگارنده با طی نمودن ۹ فرسنگ راه به کاسگر محله محل اقامت سالار رسیدم و یادداشتها را تسلیم و پیغام افسر قزاق را نیز گفتم. سالار فاتح جواب داد.

۱- من یکفرد ایرانی مطیع دولت ایران و تسلیم اجنبی نخواهم شد. میرزاکوچک خان دوست و هم مسلک عزیز من و امکان ندارد از اتحاد باهم مسلکم بگذرم.
۲- اصلاح با سپهسالار ربطی بدولت روسیه ندارد محال ثلاث (کجور-کلارستان تنکابن) مورد دعوای بیشتر مردم این نواحی است هرگاه کلیه اهالی و صاحبان دعوی اصلاح کنند منهم یک نفر از آنها هستم چه حقی دارم انفرادی آنهم با قضاوت نماینده دولت اجنبی با سپهسالار اصلاح کنم و دولت روسیه بکدام منطق و دلیل بخود چنین حقی میدهد که یک چنین پیشنهادی بنام اولتیاتوم بمن می‌دهد.
۳- دعوت بقزاقی من از سن هیجده سالگی تا الان که ۵۱ سال از عمرم میگذرد و خدمتگذار بوطنم بودم و تا زنده‌ام خدمتگار بوطنم خواهم بود فداکاری و جانبازی برای ایران شعار و آرمان من میباشد چه نظری است که به قزاقخانه مرا دعوت میکند.
٤- چون هر سه پیشنهاد خیانت به ایران و خیانت به انقلاب مقدسی است که اتحاد اسلام آنرا رهبری می‌کند بهیچوجه تمکین نمی‌کنم . دولت روسیه همیشه مترصد بهانه است که همسایگان خود را سرکوب و آنها را مستعمره نماید.

پس از دریافت جواب بحبیب‌آباد (نوشهر) مراجعت و پاسخ سالار را که بصورت یادداشت بود تسلیم تاجرباشی نمودم مشار الیه سخت متغیر گردیده و بنای تهدید را گذاشت. گفت الان برگرد پیش سالار فاتح و او را نزد من بیاور تا ایشانرا ببرم پیش امیر اسعد (مرحوم امیر اسعد فرزند ارشد مرحوم سپهسالار خلعتبری بوده است) تا از خطر محفوظ بماند. گفتم سالار فاتح بشما پاسخ داد و بهیچوجه حاضر بگوش دادن سخنان شما نیست. گفت بسیار خوب می‌دانم با او چه معامله‌ای بکنم و سپس بتنکابن حرکت کرد.

فردا ساعت ۱۱ صبح مشهدی غلام حسین که تاجر رابط بین میرزا کوچک خان و سالار فاتح بود از راه دریا بساحل حبیب‌آباد وارد و خبر دستگیر شدن امین الدوله و سازش ایلات طالش و خلخال با جنگل را داده نامه‌های جنگل و میرزا کوچک خان را بسالار رسانید. در آن نامه میرزا کوچک خان نوشته بود بطوریکه خبر رسیده وزیر مختار روسیه یکی از اعضای سفارت را برای اتمام حجت نزد شما فرستاده ، مترصدم هرچه زودتر مرا از ما وقع آگاه سازید.

تشکیلات جنگل پس از تسلیم شدن امیر مقتدر و سایر رؤسای ایلات طالش خلخال و منکوب شدن محسن خان امین الدوله بسط یافته مرحوم محمد خان هژبر لایهجانی (که بعدها نام خانوادگی نیاکان گرفت) با قوای مسلح از طرف جنگل در آستارا مستقر شد. مرحوم دکتر ابراهیم خان حشمت با قوای مسلح خود لاهیجان ، لنگرود ، رودسر ، دیلمان ، اسکورات ، رودبار را از طرف جنگل در اختیار گرفت فقط تنکابن است که قوای شگرف مرحوم خلعتبری مانع اتصال و سالار فاتح با مازندان است.

تابستان و پائیز سپری گردید ، در روسیه انقلاب شد قشون تزاری در تمام نقاط بویژه در ایران بوضع رقتباری افتاد. طرفداران دولت تزاری نیز دچار وحشت و اضطراب شدیدی شده در جستجوی اتکاء دیگری گردیدند،ضمنا از نفوس محلی هم استفاده می‌کنند. در تنکابن هم قوای مسلح مهمی که سالها در اختیار مرحوم خلعتبری است مانع اتصال جنگل به کجور مازندران بود.

بالاخره مرحوم علیقلیخان امیر اسعد فرزند ارشد مرحوم سپهسالار خلعتبری قوای مسلح خود را که بالغ بر ۱۲۵۰ نفر(مطابق آمار و صورتیکه پس از شکست آنها بدست آمد هزار و سیصد و پنجاه نفر اردوی امیر اسعد را تشکیل میداد که ۱۲۵۰ نفر آماده

بجنگ ، صد نفر هم برای پذیرائی و کمک) برای سرکوبی سالار فاتح و متحدین آن بکجور اعزام میشوند این نیرو بسمت غرب کنار رود چالوس تمرکز یافته (قریه آبرنک محل ستادشان بود) سالار فاتح نقشه جنگ را طرح و بسمت شرق رود چالوس تا لب دریا سنگربندی نموده حالت دفاعی بخود میگیرد. افراد مسلح سالار فاتح و متحدین ۷۵ نفر بودند، تفنگچیهای امیر اسعد حمله کرده جنگ بشدت درگرفت،در این جنگ شجاعت بینظیری که دو نفر از سردستههای سالار فاتح از خود بروز دادند قابل ذکر است. اول ربیع خواجهوند قهرمان جنگ بالای تپه دهگیری (روبروی مهمانخانه بزرگ چالوس امروزی). دوم احسان الله خان مجاهد معروف (در آتیه شرح آمدن احسان اللّهخان نزد سالار فاتح و رسیدن بمرحوم میرزا کوچکخان را بیان خواهیم نمود).

در کنار دریای چالوس جنگ موجب شد که قوای خلعتبری حالت دفاعی بخود گیرند. نگارنده تا روز پنجم تحت تعلیمات جنگی احسان الله خان بودم بعدا مستقیما در سنگر پالوچ ده با هفت نفر تفنگچی مشغول دفاع بودم . روز نهم جنگ سالار فاتح احضارم نمود و دستور خاصی داده خیلی سری و محرمانه که کرجی در سر دریای وازیوار حاضر و اینnامه را باید به میرزا کوچکخان برسانی و تقاضای اعزام عده ای مجاهد به تنکابن بنمائی.

شیخ خلیل ناصر الذاکرین را هم احضار و به او هم دستور محرمانه داده روانه مازندران نزد امیر مؤید اسمعیلخان سوادکوهی که متحدین اتحاد اسلام بود روانه نموده و تقاضای کمک کرد. ناصر برای مازندران و نگارنده برای جنگل رهسپار شدیم تا وازیوار با ناصر همراه و از وازیوار با ناصر خداحافظی کرده بسمت مازندارن حرکت نمودم . ساعت ۱۲ نصف شب در کرجی که قبلا حاضر شده بود سوارشده از دریای چالوس میگذاشتم، صدای شلیک تفنگ طرفین بلند بود.

بعد از پنج شبانه روز دچار طوفان خطرناک شدیم و بعد از پانزده روز کناره شیرود یک فرسنگی شهسوار با لباس مبدل بساحل پیاده شدیم با پای پیاده به سخت سر (رامسر فعلی) رسیده دو رأس اسب کرایه کرده با حاجی محمد حسین عرب صاحب کرجی که برای رسیدن بجنگل منتهای فداکاری را نموده به عزم رودسر حرکت کردیم و از آنجا با درشکه عازم لنکرود گردید پس از ملاقات دکتر حشمت در لنگرود به کراب زرنج به میرزا کوچکخان رسیدیم و نامهء سالار فاتح را دادم و گفتم وقت بسیار ضیق است اگر کمک نشود امکان شکست میرود. ضمنا یادآور گردیدم که در حدود بیست و پنج روز از عمر جنگ میگذرد و هفتاد و پنج نفر در مقابل ۱۲۵۰ نفر مشغول نبرد میباشند شاید هم امیر مؤید کمک نکند. مرحوم میرزا با همان سیمای نورانی و لبخند مخصوص بخود گفتند سالار فاتح که من میشناسم محال است شکست بخورد، امیر مؤید هم متحد ماست کمک خواهد کرد. من هم کوشش میکنم که کمک فرستاده شود و نباید نگران باشید.

صبح ساعت شش با میرزا کوچک خان برای کسما حرکت کردیم و پس از ورود بکسما ساعت ۹ هیئت تشکیل جلسه داده میرزا بیاناتی راجع به آمدن نگارنده و تشریح جنگ چالوس و استعانت از اتحاد اسلام بیاناتی کرد. حاجی احمد که روح مخالف در همهکار را داشت عذر آورد که تا پانزده روز دیگر نمیتوانم دستور اعزام مجاهد را بدهم جواب دادم سالار فاتح از آقای میرزا متحد خود کمک خواسته هرگاه بشود نعم المطلوب و در غیر این صورت اگر سالار فاتح شکست بخورد امیر اسعد با نهایت قدرت با شما بجنگ خواهد پرداخت. از طرف دیگر چون میرزا کوچک خان مردی فداکار و عهد و پیمانی با آزادیخواهان دارد قطعا بعهد خود وفا خواهد کرد. بالاخره قرار شد که دکتر حشمت از کسما برای کمک عازم تنکابن گردد. نگارنده درضمن یادآوری نمودم که این عمل هم نوشدارو پس از مرگ سهراب است زیرا که ۷۵ نفر در برابر ۱۲۵۰ نفر مشغول پایداری میباشند و تا دکتر حشمت بخواهد خود را به تنکابن برساند کارازکار گذشته است.

ر این موقع میرزا کوچک خان با یک عصبانیت و جوانمردی گفت سالار فاتح یک از مجاهدان صدر مشروطیت و از افراد بنیانگذار اولیه کمیته اتحاد اسلام است که داوطلبانه از تهران به کجور آمده و تاکنون چندینبار فشار داخلی و خارجی را متحمل شده حالا هم قریب چهل روز در مقابل دشمن مشترک مشغول جنگ میباشد. هماکنون باید بوسیلهء تلفن به دکتر حشمت دستور بدهید که شجیع الدوله با قوای تحت فرماندهی اش بصوب تنکابن حرکت نماید.

در همین موقع دکتر حشمت تلفن کرد که امیر سعد تقاضای ملاقات نموده بپذیرم یا نه ؟ من بدون تأمل گفتم قوای امیر اسعد شکست خورده و الا او شخصی نیست که تقاضای ملاقات نماید. میرزا به دکتر حشمت پاسخ داد امیر اسعد را بپذیرند ولی باید جنگ چالوس را بررسی نموده و به شجیع الدوله دستور دهید با قوای مسلح خود بصوب تنکابن به کمک سالار فاتح حرکت کند.

دکتر جواب داد تا دو ساعت دیگر نتیجهء جنگ چالوس و اعزام نیرو را بسوی تنکابن اطلاع خواهم داد. در این هنگام لحن حاجی احمد و کسان او عوض شده و منتظر خبر ثانوی دکتر حشمت گردیدند.

گارنده در خدمت میرزا در منزل مشهدی علیشاه که یکی از مجاهدان بنام جنگل بود آمده منتظر خبر دکتر حشمت شدم ، در ساعت مقرر دکتر اطلاع داد که امیر اسعد کنار چالوس شکست خورده و سالار فاتح با قوای خود بعجله برای تنکابن در حرکت است. امیر اسعد فعلا در قریه طلاچای کنار رود پلرود است دستور ملاقات را دادم . نمایندگان امیر اسعد تا دو ساعت دیگر وارد لاهیجان خواهند شد . ساعت ۱۲ نصف شب مجددا خبر خواهم داد فکر میکنم اعزام شجیع الدوله فعلا اثری نداشته باشد. مرحوم میرزا کوچک خان قبول کرده هیئت را مخاطب ساخت و گفت سالار فاتح مجاهدی نیست که شکست بخورد افراد هیئت برای استراحت هرکدام بمنزل خود رفتند.

ساعت ۱۲ مرحوم دکتر حشمت بمرحوم میرزا اطلاع داد که نمایندگان امیر اسعد وارد لاهیجان شدند و تقاضا دارند که بهر طریقی ممکن است از سالار فاتح جلوگیری شود تا به تنکابن نیاید تقاضا دارند نمایندگان امیر اسعد با هیئت در کسما مذاکره کنند. میرزا جواب داد نمیتوانم این پیشنهاد را عملی کنم. ساعت هفت صبح هیئت تشکیل جلسه داده ساعت هشت نمایندگان امیر اسعد وارد شدند. هیئت به نمایندگان امیر اسعد متذکر گردید که تمام مذاکرات باید با حضور نمایندهء سالار فاتح باشد.

ساعت ده مرحوم میرزا بمنزل مشهدی علیشاه آمده به نگارند مژده داد که سالار با فتح و فیروزی وارد تنکابن گردیده و تلگرافی بمن کرده و شما را بعجله خواسته گفتم با اجازه شما الآن میروم.

گفت خیر باید در مذاکرات نمایندگان امیر اسعد حضور داشته باشی و بلافاصله در خدمت میرزا جلسه با حضور نمایندگان امیر اسعد تشکیل گردید.

متاسفانه ادامه مقالات میرزا یحیی خان در رابطه با سرانجام سرنوشت اتحاد اسلام و همکاری های سالارفاتح و میرزا کوچک خان یافت نشد، اما بر اساس منابع مستند دیگر ادامه داستان به گونه ای بود که در پاورقی دوم صفحه ٤٩ این تبار نامه آورده شده است.

نگاهی به روستای توسکا در روزگاران گذشته

(به قلم یعقوب دیوسالار)
ازشاخه خانوادگی حمیده دیوسالار

توسکا نام درختي است از خانواده پهن‌برگها ، بومي و داراي چوب نرم و ثابت و از رشد سريع برخوردار مي‌باشد . چوب اين درخت در صنعت درودگري كاربرد داشته و به خاطر نقش زيباى آن براي روكش استفاده مي‌شده ولي امروزه از آن استفاده چنداني نمي‌شود، چوب خشك‌شده‌اش خوب مي‌سوزد. درخت توسكا با سه روش قابل تكثير مي‌باشد از تخمي كه مي‌ريزد يا از طريق پاجوش و يا از طريق قلمه‌زدن . اين درخت بيشتر در كنار نهرها و اطراف رودخانه‌ها و بركه مي‌رويد و از گروه درختان صنعتي محسوب مي‌شود.
احتمالا بدليل انبوه داشتن اين درخت در اين منطقه جغرافيايي نام توسكا را بر اين روستا گذاشتند . محل زندگي اجداد گروهی از خاندان ديوسالار روستاي توسكا بود و محل زندگي تابستاني آنها در روستاي خوش آب و هواي كالج بود كه اين روستاي زيباي ييلاقي در ضلع جنوبي رشته كوه البرز مركزي واقع مي‌باشد . نقل است كه در روزگاران گذشته طايفه‌اي از خاكپوريان به سرداري فردي به نام كالتج به اين روستا حمله كردند و اين روستا را فتح و در اختيار خويش قرار دادند، و سپس نام كالتج سردار اين طايفه را بر اين روستا نهادند ، ولي بعدها در زبان محاوره‌اي حرف "ت" از كلمه كالتج حذف و به كالج خلاصه شد.
آغاسي‌بيگ ديوسالار در روستاي كالج داراي زمين‌هاي زيادي بود كه خمُنَ كالج از اين جمله مي‌باشد. در وصف زيباي كالج همين بس كه نقاش چيره‌دست طبيعت چنان لطفي بر آن ارزاني داشتند كه ذهن هر تماشاگري را به شگفتي وا مي‌دارد.

وجود شخصيت بزرگ تاريخ بنام علي ديوسالار ملقب به سالار فاتح يكي از فاتحان تهران در انقلاب مشروطه (استبداد صغير) جلال ويژه‌اي بر آن افزوده و روحي دميده كه مايه عزت و اعتبار آن گرديده كه آثارش در آينه تاريخ كالج بر هر خردمندي هويدا و غيرقابل انكار مي‌باشد، و آميختگي آن روح بزرگ و آن طبيعت زيبا يادآور ذهن‌هاست . آثار وجودي آن بزرگ مرد تاريخ در روستاي كاسگرمحله ، به نام قلعه بر بلنداي خاك در سطح زمين برافراشته بود ، حكايت از قامت بلند آن رادمرد ، و مايه اعتبار و افتخار ما و آيندگان بود . متاسفانه در چند دهه اخير به دليل بي‌توجهي متوليان و طمع‌ورزي اشخاص غيرمسئول آن قامت بلند و آثار ارزشمند كه هويت و شناسنامه اين ديار بر تارك تاريخ بود از بن و بيخ فرو ريخته و در گردش زمان محو و نابود گشت.

روستاي توسكا در قديم از لحاظ وسعت از قائم يك تا قائم هشت فعلي ادامه داشت ، خانه‌ها در ضلع غربي كوچه توسكا واقع بودند و در ضلع شرقي كوچه خانه‌اي وجود نداشت ، و ضلع شرقي جزء زمين كشاورزي بود ، و تعدادشان حدودا به بيست و چهار خانوار مي‌رسيد. كوچه توسكا خاكي بود .
فتح الله (بالاخان) ديوسالار براي زيرسازي كوچه تسكا زحمت زيادي كشيد . همچنين بعد از حادثه دلخراش تصادف (در كشور امريكا) و فوت نادر ديوسالار كه از نوادگان آغاسی بيگ و آقا يوسف ديوسالار و ساكن توسكا بود، مادرشان سيده فاطمه سجادي به ياد نادر كوچه توسكا را شن‌ريزی كردند. *
در توسكای قديم، خانه‌ها معمولا گلي و از يك يا دو و بندرت از سه اطاق تشكيل مي‌شد كه داراي سقفي از چوب و شيرواني بود. خانه‌ها به جاي ايرانيت و حلب از تخته‌هاي با ابعاد حدودا بيست در پنجاه بنام لت و يا ساقه‌ها برنج كه به صورت دسته درمي‌آوردند بنام عالم پوشيده مي‌شد ، زمانيكه باد مي‌افتاد اين تخته‌ها و يا عالم را با خود مي‌برد و صاحبان خانه مي‌بايست آنها را جمع‌آوري و خانه‌ها را بازسازي كنند .

پاورقی: مرحوم نادر ديوسالار، دوران دبيرستان را ابتدا در كرج و سپس در تهران دبيرستان ابوريحان بيروني واقع در ميدان خراسان به پايان رسانيد . در بدو ثبت نام آقاي پرويز ديوسالار مدير دبيرستان و از نوادگان سالار فاتح به دليل نسبت فاميلي تمايلي به ثبت نام ايشان نداشت ، ولي بعد از گذشت يك‌سال مرحوم نادر با ذكاوت و تيزهوشي خود كارنامه‌اي چه از لحاظ درس و چه از لحاظ اخلاق و ادب از خود به جا گذاشت كه سرآمد همه دانش‌آموزان گرديد و آقاي پرويز ديوسالار مدير دبيرستان اذعان نمودند كه نادر از افتخارات من در اين دبيرستان مي‌باشد. نادر پس از پايان دوره دبيرستان به استخدام نيروي هوايي ارتش شاهنشاهي در آمدند و به عنوان همافر نيروي هوايي جهت ادامه تحصيل به كشور امريكا اعزام ، كه بعد از پايان دوره يكساله در سال **۱۳۵۵** *در ايالت مي‌سي‌سي‌پي امريكا بر اثر حادثه اتومبيل فوت نموده و جنازه‌شان بعد از بيست روز توسط نيروي هوايي به ايران منتقل و در قبرستان علمده (رويان) به خاك سپرده شد . لازم به ذكر است در شرايطي كه ملاك اعزام افسران ارتش به امريكا جهت تحصيل بر اساس رابطه و نوع وابستگي به درباريان بوده ولي ملاك اعزام نادر جهت تحصيل به امريكا فقط نمره و پيشرفت در تحصيلشان بود.*

شغل مردم به طور كلي كشاورزي از نوع برنج بود و داراي حيوانات اهلي و تيور جهت استفاده در كار كشاورزي و استفاده از محصولات دامي بود . براي شخمزدن زمين كشاورزي فاقد ماشين‌آلات كشاورزي به سبك امروز بودند و ناگزير از گاوآهن استفاده مي‌كردند ، بدين شكل كه گاوآهن از چند تكه‌چوب محكم درست مي‌شد و به هم وصل مي‌گرديد، يك سر آن به كوهان گاو بنام ورزا (منظور گاو نر ورزيده) وصل مي‌شد ، و سر ديگر آن داراي دسته‌اي بود در دست كشاورز و قسمتي به زمين متصل بود در قسمت جلوي آن فلزي شبيه بيل وصل بود كه گاو با راه رفتن اين چوب را با خود مي‌كشيده موجب ايجاد شيار در زمين مي‌شد.

محصولات كشاورزي را در جايي بنام "خرمن سري" جمع مي‌كردند ، قسمتي را بر بالاي چندين ستون چوبي كه در زمين مي‌كاشتند و داراي سقفي از چوب بود تلمبار مي‌كردند ، و روي آن را با ساقه‌هاي برنج مي‌پوشاندند ، به اين مي‌گفتند "كپا" و بخشي را نيز خرمن مي‌كردند . خرمن كردن بدين نحو بود كه كشاورز با دو اسب ساعت‌ها ساقه‌هاي برنج را لگدكوب و به عبارتي روي آن بر روی دايره‌اي مي‌چرخيدند تا شلتوك از ساقه جدا شوند و ساقه‌ها را جمع‌آوري و به شكل دسته‌هاي بزرگ گرد آوری مي‌كردند بنام "كَمَل" كه خوراك دام‌هايشان در وقت زمستان بود . شلتوك را داخل كيسه ريخته و روانه كارخانه برنجكوبي مي‌كردند. برق نبود و روشنايي عبارت بود از وسايل نفتي مثل فانوس، پمپها و چراغ‌موشي (كه خيلي قديمي بود) و چراغ گردسوز بود . بخاري وجود نداشت ، تا قبل از سال ۱۳٤۰و در گوشه‌اي از خانه جاي مخصوصي بود بنام كله كه با چوب آتش مي‌كردند كه هم براي پخت و پز و هم جهت گرمابخشي استفاده مي‌شد . كله معمولا اندكي پايين‌تر از كف خانه بود .

يكي ديگر از مشكلات مردم در روستای توسكا اين بود كه چاه نداشتند و آب مصرفي‌شان از نهرها و يا "كليه" تامين مي‌شد. كه هم براي شرب و هم براي انجام نظافت و شستشوي لباس استفاده مي‌شد. ، در سال ۱۳۴۵ بعد از اينكه در حياطمان يك چاه گلي(بدون لوله بتوني) حفر كرديم ، همسايه‌ها براي مصرف آب روزمره شان از چاه ما آب مي‌گرفتند . اما قبل از اين همانطور كه ذكر شد ، از نهرها و يا "كيله" تامين مي‌شد ، غالبا اين آب‌ها داراي املاح و ناخالصي‌هاي فراوان و سنگين مثل آهن و ... و مضافا به انواع ميكروب آلوده بود كه موجب ميگشت تا مردم از لحاظ روحي و رواني و مغز و اعصاب ، دچار آسيب‌هاي جبران‌ناپذيري شوند و چون دليل علمي اين بيماري‌ها را نمي‌دانستند به خرافات معتقد مي‌شدند ، مثلا مي‌گفتند در آب جن است و طرف "بي‌بختي" كرده و "جن‌زده" شد و هر كس از اين آب بخورد ، جن‌زده مي‌شود و جهت مداوا به دعاگرها پناه مي‌بردند و دعا مي‌نوشتند و بر گردن مريض آويزان مي‌كردند و در بعضي مواقع مريض را هفت بار از زير ريشه درخت گردو كه به صورت كمان درآمده بود و از دو طرف به زمين متصل بود ، عبور مي‌دادند ، معتقد بودند كه به اين ترتيب مريض خوب مي‌شود . در توسكای قديم فقط فتح الله (بالاخان) ديوسالار ماشين داشت به نام كمونكار كه هم براي باركشي و هم براي مسافركشي مورد استفاده قرار مي‌گرفت . ايشان دانش‌آموزان را سوار مي‌كردند و مجاني تا رويان (علمده سابق) مي‌بردند .

قصابي وجود نداشت ، هر چند مدت اهالي محل جمع مي‌شدند و شراكتي گاوي را مي‌خريدند و سر مي‌بريدند و گوشتش را به نسبت قيمتي كه مي‌دادند تقسيم مي‌كردند ، قيمت گاو را بيشتر با برنج پرداخت مي‌كردند ، چون پول خيلي كم بود. تقسيم گوشت بين شركا به روش "چنگه نيم چنگه" انجام ميشد و بدين صورت بود كه ابتدا گوشت را به شانزده لنگي و هر لنگي را به دو نيم لنگي و هر نيم‌لنگي را به دو چنگلم تقسيم مي‌كردند با اين حساب بيشترين سهم يك‌لنگي و كم‌ترين سهم نيم‌چنگلم بود و قيمت به همين نسبت پرداخت مي‌شد . پوست گاو را بين شركا تقسيم مي‌كردند تا از آن نوعي كفش به نام "چرم" درست مي‌كردند كه بيشتر در امور دامداري و كار در جنگل از آن استفاده مي‌كردند .

از آنجاييكه وسيله اندازه‌گيري مثل ترازو نداشتن افراد خبره از بين شركا با دست خود گوشت را اندازه‌گيري و وزن مي‌كردند و در داخل ظرف‌هاي شركا مي‌ريختند و براي اينكه تقسيم ، عادلانه باشد و رضايت همگي تامين شود ، هر يك از شركا شيءي را مثل چوب ، سنگ ، چاقو ، كارد و ... را انتخاب و به دست فردي مي‌دادند كه صاحبانش را نمي‌شناخت و چشم‌بسته هر يك از اشيا ذكر شده را در داخل يكي از ظروف گوشت مي‌گذاشت ، آن وقت صاحب گوشت مشخص مي‌شد . اين نوع تقسيم را مي‌گفتند : ويژه يا ويژه گذاشتن و يا وي‌جه .

يخچال و فريزر نداشتند و براي نگهداري درازمدت گوشت را خرد و سرخ مي‌كردند و در ظروف سفالي به نام "كلا" و يا "پيلك" قرار مي دادند و روي آن را با روغن داغ شده مي‌پوشاندند تا فاسد نشود و در زمان لازم از آن استفاده مي‌كردند . به اين گوشت "قرمه" مي‌گفتند كه خيلي هم خوشمزه بود . ظروف خانه عموما مسي و يا سفالي و بعضي‌ها چوبي و بندرت چيني بود .

فرش منزل بیشتر از نمد بود که از مالیدن پشم گوسفند در اطاق گرم و با آب داغ و صابون به دست مي آمد . نحوه کار به این شکل بود که ابتدا پشم را بر روي يك پارچه بزرگي پخش مي‌کردند ، آنوقت کیسه را به صورت لوله دور خود مي‌پیچاندند و شروع به مالیدن با دست و پا و چرخاندن به جلو و عقب مي‌شدند تا سفت شود . معمولا در کنار نهرها و یا اطراف محوطه مردم و در دو طرف کوچه‌ها درختان بزرگي از توسکا ، فِك یا بید با شاخه و برگ‌هاي زیاد وجود داشته که لابه‌لاي آنها را گیاهاني مثل گزنه و گلیما و پلیم و لم ، گیاه تیغدار رونده (بوته تمشك) پوشانده بودند که تاریکي شب را دوچندان مي‌کردند ، طوریکه قبل از طلوع و غروب خورشید همه جا تاریك مي‌شد و رفت و آمد ترسناك مي‌شد .

یکي از مشکلات مردم شغال و پشه فراوان بود . شغال‌ها مرتب به مرغ و خروس مردم حمله‌ور و آنها را شکار مي‌کردند و داد صاحبانشان را در مي‌آوردند روایت است که شغال کم‌شانسي به لانه مرغ حمیده دیوسالار (دختر آقا یوسف دیوسالار) وارد شد ، از تصادف در چوبي بسته شد و شغال راه فرار نداشت و این را از معجزه خانواده ایشان مي‌دانستند . چون ایشان همسر سید جمال سجادي بود و بدون اینکه به شغال آسیبي برسانند در لانه را باز کردند و شغال را ازاد نمودند. این است رعایت حقوق حیوانات ....

براي رهایي از مزاحمت پشه‌ها چوب نیمه پوسیده به نام پیته و پهن خشك‌شده گاو را مي‌سوزاندند و دود تولید مي‌کردند و باعث متفرق کردن پشه‌ها مي‌شدند. در بیشتر خانواده‌ها از سگ به عنوان نگهبان در برابر حمله شغال و احیانا دزد استفاده مي‌شد ، نام بعضي از سگ‌ها عبارت بود از زاغ ، کلاج و ببري. به دلیل گلي بودن خانه‌ها نفوذ موش به درون خانه و ایجاد سوراخ در دیوارها به سهولت انجام مي‌گرفت و به غذا دستبرد مي‌زدند ، به این خاطر از گربه در اکثر خانواده ها به عنوان يك نیروي سرکوب‌گر و ضد خراب‌کار استفاده مي‌شد و از جایگاه و اعتبار ویژه‌اي برخوردار بود و مورد علاقه همگان بود. حال اگر در تصورمان روستایي را تجسم کنیم که داراي گاو و اسب و گربه باشند ، باید در شبانه‌روز ماما گاو ، شیهه اسب ، وق‌وق سگ ، میومیو گربه را نوازنده گوش‌ها بدانیم . یکي دیگر از محرومیت مردم نداشتن نانوایي بود ، بنابراین مي‌بایست نان را در خانه بپزند که این جزء وظایف زن‌ها بود و نان به چند روش پخت مي‌شد ، یکي در داخل تنور و دیگري در زیر خاکستر داغ به نام "کلوا" و دیگر به صورت فتیر بود . لازم به ذکر است که اوضاع همه روستاهاي همجوار و حتي سراسر ایران از لحاظ امکانات و شرایط زندگي مشابه روستاي توسکا بود و هیچگونه تفاوتي وجود نداشت و این يك دوره‌اي از زندگي بشر در تمام نقاط جهان بود .

هدف از نگارش : حفظ آداب و رسوم و آشنایي با ساختار زندگي به عنوان يك سرمایه فرهنگي که از نیاکان‌مان به ارث رسیده ، تا با حفظ این میراث گرانبها تلاش در زنده نگهداشتن خاطرات شیرین ، گاه تلخ گذشتگان در بستر زمان و انتقال آن به نسل‌هاي آینده مي‌باشد ، تا با ایجاد يك پل ارتباطي پیوندي ناگسستني بین این دو نسل برقرار نماییم .

شعری به زبان مازندرانی به یاد روزهای خوش گذشته:

یاد اون‌روزها بخیر
یاد مشتي عمو بلو به دست گاهي رسن به دست
یاد اون روزها به خیر
هي‌کرده تَشه این سر اون سر
یاد اون روزها به خیر
کچیك وچه شه ماردوش زر زر زو
وقتي نون بپت ویه
یاد اون روزها به خیر
مشتي خاله شه مردي همراه کرده
مشتي خاله راستي چه غوغا کرده
بدون نفت چه تَشي بر پا کرده
مشتي عمو خنه کنون از دور تماشا کرده
مشتي‌خاله از عشق او نون تو برف و سرما کرده
مشتي خاله کلوا نون فَل داوه
چادر از کمر وا داوه
مشتي خاله در پخت و پز دل داوه
و عطر بو مشتي خاله آبرو ویه
اَمروز کیك و پیتزا
دست پخت مشتي خاله ناشورویه ناشوروا

وق‌وق سگ ماما گاو شیهه اسبان بخیر
از فشار کار زو نفس نفس
مشتي خاله چارقد بِسَر نیشت‌ویه تنیر سر
خمیر دراز کرده اِشته‌ور تَش سر
با کله پته تَشه کنار قل‌قل زو
بعضي وقت‌ها شلوار دله شرشرزو
مشتي خاله راحت ویه چند تا همسایه رصد ویه
مشتي عمو با او بلو تیل کرده این رو اون رو
اول بسم‌اله و بد نشا کرده
چارقد پشت گلي وا کرده
دستِ ورده دهن وا کرده از سوز گرما کرده
چپق وِ دست چه دودي بر پا کرده
با شِ هنر کلوا نون بهتر از پیتزا کرده
اَنگِشت با ماشه ونه رو داوه
کلوا نون دس دله تماشا داوه
کلوا نون وقتَي اورده آدم دل او ویه
جز این نَوَ فردا سرا کو ویه
هرگز نوونه کلوا
اَمروز با کلاس‌ها اگر بخاران کلوا شِه وچه‌رِ ندننه پیتزا

شعری نیز تقدیم به همه نوادگان الوند و نریمان

درختیم از تبار نریمان و الوند
ریشه داریم از خان و بیگ و مردان بلند
این که گویم نه از خودستایي است
خود نشان است از القاب مردان کهن
در گذشته خان و ارباب جاي داشتند
بین مردم عزت و اعتباري داشتند
در مراسم ، جشن و شادي افتخاري داشتند
آن بزرگان ادب بین مردم صلح و صفایي داشتند
خان اگر در محولي پیدا نبود
سفره جشن و عروسي بي‌رنگ بود
خان و بیگ هر دو جنس هم‌اند
چون که بیك از خان و گر با هم شوند کاملترند
حال که معني از نظر مفهوم شد
پس چرا این جنس از هم دور شد ؟
شاخه‌ها سر شاخه‌ها هوشیار شوید
ما همه جنس همیم با هم شویم
دست هم گیریم در پي مردم‌نوازي
تا که بعد ما شوند خرسند و راضي
فخر و دوز و کلك و دور شویم
با نیا و جدمان هم‌سان و سو شویم
جهل و نادانی ز سر دور کنیم
فکر بدو ذات بد را از درون بیرون کنیم
جامه مکر و ریا از بن و بیخ پاره کنیم
جاي آن از خرد خویش چاره و اندیشه کنیم
از پلیدي و تباهي شکوه کنیم
چون سرشت جد مان الوند و از مردان شویم
جاي مردان بزرگ گر نشستي به گزاف
آن حکایت را شنیدي ؟ باید اسباب بزرگي همه آماده کنیم
سیب و دانه هم سرشتند
سیب ز دانه ، دانه‌ها از سیب آیند پدید
دانه بي سیب نمي‌آید به کار
دانه گر روید سیب آید ببار
سیب باشید تا دانه‌ها آیند پدید
لذت دانه را باید از سیبش چشید
جویباریم از چشمه‌ساران صاف و زلال
از بلندي‌ها و پستي‌هاي روزگار
درس‌ها آموختیم تا روزي آید بکار
دانش و علم و ادب از خود گذاریم یادگار
قامت‌مان به بلنداي زمان است
در زمان است که آن چشمه چون نهر روان است
منزل و محول خود را وانهادیم
از بلندي‌ها آرام و با نام آمدیم
گه کوه و دشت و گه چمن
شاد و خرامان آمدیم
سبزه نظاره مي‌کند گه از یمین گه از یسار
سرمست و شادان آمدیم
سو سو زنان چون پرنیان
با شاخه گل از اون سو به این سو آمدیم
گه رقص‌کنان با ساز و و انباز آمدیم
در ساحل مهر چون موجِ دریا آمدیم
در پهن‌دشت زندگي ما اصل خویش را یافتیم
از بقاي نسل خویش این شعر را ساختیم
با تو مي‌گویم سخن اي ارجمند
اي که هستي خود ز مردان بلند
پند من بر تو بود این دو سخن
با ادب باش و با فکر بلند تا نریمانت گردد سربلند

و شعردیگری به زبان مازندرانی با یادي از بازي‌هاي زمان گذشته:

مِدل وِنِ تا یاد پار پیرار بواشم
مِدل وِنِ شما نسل جوانَ
یکایك شمار کاکرون بورم
عزیزان اَمروز با کلاسي
بجاي استخر و سونا و جکوزي
عزیزان جمع بواشن سري بسري
حاکنم شادي و خنه و بازي
بخونم امیري گلي بگلي
اگر ناشتومه موبال و اسباب‌بازي
اگر زنگ تصویري ناشته هیچ دم دري
وچیله از کیجا و ریکاسن جواني
بي‌جغ و بي‌صدا ، با غیرت و حیا ونه
حالا گمه چیلك‌مارکا رِ یاد بیاریم
رفیقان جمع بواشن بازي گل‌لیلي‌کا رِ
الا اي دوست و رفیقان گذشته
براي هر بازي گیتمه ماره
حالا گمه از بازي یك توپ و هفت سنگ
تو وسه دکاري همه سنگ روي هم
حالا بگذرم از بازي هفت سنگ و پا سنگ
میچکا و تیکا هم شاکي و دلتنگ
کمربندکا چنه قشنگ ویه
خطرتِ گوش بن فریاد کشیه
جیغ و فریاد تا اغوذدار بالا شیویه
کمربند وقتي ذوه پشت وپلي سرخاب کشیه
کمي گمه از بازي شاه وزیرکا
بزرگان جمع ونه یکي شاه فریبکار یکي وزیر مختار
اگر شخصي ویه خلاف و بدکار
ور شلاق ذونه تا بواش خوب و درستکار

یکایك بازي رِ بشمارم ،خوشحال بواشم
گت و گیچكَ بوام تا یاد نواشه
براي بازي چش دارکا غایم بواشم
خنه نکنن اگر ناشتومه استخر و سونا و جکوزي
دره دله لپّو و چپّول داشتم بهتر از استخر و سونا و جکوزي
بُورم دره دله ماهي بَ اي وم دسته جمعي
نامثل موش و گربه یا تام و جري
ني دله بوام امان از داغ گوهر و امیر مازندروني
بجایش داشتمه چرخك و قمه‌چي بهتر از کاچي و هیچي
کَلِك و لوشك و کنار هسونه خود تصویري
داشتن گوش شنوا از بابا و بابایي
چپّول و لپّو دله چون خاخر و برابر ونه
چیلك بزنیم زو ... زو رِ فریاد بیاریم
بُوین سربسلام ، علیك سلام تا یا ر بَ اِي‌رم
شمار یاد اِنه کشتي گیتمه تا بزنم بنه
بقیّه وِنه تقسیم میان هر دو ماده
خراب وِنه همه سنگ از پيِ هم
تِرِ با توپ زوه نا با چو نا با سنگ
بارون و پاپلي رِ کشتمه با چو و با سنگ
از یك گرد سنگ و از یك کش تفنگ
کمربند وقتي برباد شیویه
کمربند وقتي هوا شیویه
اگر لو بزوِ از خط گرد دیرگا شیویه
از درد خدار فریاد کرده گت ببار امداد کشیه
عروسي شو همه خوشحال و بیکار
یکي داروغه یکي دزد دغل‌کار
ور ورده بدربار وزیر آل مختار
وزیر مأمور ویه از این شاه و از این حکم و از این کار

یعقوب دیوسالار

بهمن ماه ۱۳۹۰ – توسکا - رویان

توضیح : تصویری از مرحوم نادر دیوسالار در قسمت " تصاویر درگذشتگان " در پایان این تبار نامه موجود میباشد

فهرست اسامی

(مرتب شده بر اساس نام)

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
	نامعلوم				
۱			Y-1DAAA	Y-1DAAA	11-D4
۲			Y-1DA1	Y-1DA1	11-E4
۳			Y-1DA2	Y-1DA2	11-E4
۴			Y-1DAC	Y-1DAC	11-E4
۵			Y-1D22	Y-1D22	11-F2
۶			Y-1DB2	Y-1DB2	11-F2
۷			Y-212B	Y-212B	3-A4
۸			Y-21BB	Y-21BB	3-B2
۹			Y-212A	Y-212A	3-B4
۱۰			Y-2A1B	Y-2A1B	3-E5
۱۱			Y-BACB1	Y-BACB1	5-C2
۱۲			Y-BAC4	Y-BAC4	5-D1
۱۳			Y-BABAB	Y-BABAB	5-E1
۱۴			Y-CA4B	Y-CA4B	6-B5
۱۵			Y-11CAA	Y-11CAA	7-D5
۱۶			Y-11CAA1	Y-11CAA1	7-D5
۱۷			Y-1AAAAAA Y-114AAA	Y-1AAAAAA Y-114AAA	7-C1 8-G3
۱۸			Y-1DA11	Y-1DA11	11-E4
۱۹			Y-1DA12	Y-1DA12	11-E5
۲۰			Y-1DA1A	Y-1DA1A	11-E5
۲۱			Y-1DA21	Y-1DA21	11-E4
۲۲			Y-1DA22	Y-1DA22	11-E4
۲۳			Y-1DA2A	Y-1DA2A	11-E5
۲۴			Y-1DAA12	Y-1DAA12	11-D5
۲۵			Y-1DAA2	Y-1DAA2	11-D4
۲۶			Y-1DAA3	Y-1DAA3	11-D4
۲۷			Y-1DAA4	Y-1DAA4	11-E4
۲۸			Y-1DAA5	Y-1DAA5	11-E4
۲۹			Y-1DAA6	Y-1DAA6	11-D4
۳۰			Y-1DAA7	Y-1DAA7	11-D5
۳۱			Y-1DAA8	Y-1DAA8	11-D5
۳۲			Y-1DAA9	Y-1DAA9	11-D5
۳۳			Y-1DAAAA	Y-1DAAAA	11-D5
۳۴			Y-1DAAAB	Y-1DAAAB	11-D5
۳۵			Y-1DAC1	Y-1DAC1	11-E4
۳۶			Y-1DAC2	Y-1DAC2	11-E5
۳۷			Y-1DACA	Y-1DACA	11-E4
۳۸			Y-1DBAD	Y-1DBAD	11-E1
۳۹			Y-1DBAE	Y-1DBAE	11-E2
۴۰			Y-1DBD1	Y-1DBD1	11-F2
۴۱			Y-1DBDA	Y-1DBDA	11-F1
۴۲			Y-2A1BB	Y-2A1BB	3-F5
۴۳			Y-2A3BA	Y-2A3BA	3-G5
۴۴		حامدی	Y-1D211 Y-1DAD1	Y-1D211 Y-1DAD1	11-F4
۴۵		حامدی	Y-1D212 Y-1DAD2	Y-1D212 Y-1DAD2	11-F4
۴۶		حامدی	Y-1D221	Y-1D221	11-F4
۴۷		حامدی	Y-1D22A	Y-1D22A	11-F4
۴۸		خدایی	Y-1C1A	Y-1C1A	10-D2
۴۹		دیوسالار	Y-1AB2A1	Y-1AB2A1	8-B2
۵۰		دیوسالار	Y-1AB2AA	Y-1AB2AA	8-B1
۵۱		سالاریان	Y-2A211	Y-2A211	3-D4
۵۲		کاسگر	Y-1D2B1	Y-1D2B1	11-F4
۵۳		کاسگر	Y-1D2BA	Y-1D2BA	11-F4
۵۴		کاویانپور	Y-1D2A1 Y-1DB11	Y-1D2A1 Y-1DB11	11-F3
۵۵		کاویانپور	Y-1D2A2 Y-1DB12	Y-1D2A2 Y-1DB12	11-F3
۵۶		کاویانپور	Y-1D2AA Y-1DB1A	Y-1D2AA Y-1DB1A	11-F3
۵۷		کاویانپور	Y-1D2AB Y-1DB1B	Y-1D2AB Y-1DB1B	11-F3
۵۸		کاویانپور	Y-1DB21	Y-1DB21	11-G2
۵۹		کاویانپور	Y-1DB2A	Y-1DB2A	11-G2
۶۰		موسوی	Y-BACB11	Y-BACB11	5-D2
	الف				
۶۱	آبجي خانم	سالاریان		Y-CA1(I)	6-E4
۶۲	ابوالفتح	سالاریان	Y-CA1		6-E3
۶۳	ابوالفتح	سالاریان	Y-CA161		6-F2
۶۴	ابوالفضل			Y-1DBD	11-F2
۶۵	ابوالفضل	حسيني كالج	Y-1AB211		8-B1
۶۶	ابوالفضل	سالاریان	Y-CA162		6-F2
۶۷	ابوالقاسم	دیوسالار		Y-BAB	5-B2
۶۸	ابوحمزه	فياضي	Y-1CB1		2-C2 10-B4
۶۹	ابوذر	فياضي	Y-1CB2		2-C4 10-B4
۷۰	آتنا		Y-1DBBB		11-E1
۷۱	آتنا	دیوسالار	Y-134B Y-24CB Y-BABBCB		3-F4 5-F2 12-D2
۷۲	آتوسا	زرشناس	Y-BABA2B		5-E1
۷۳	آنیسا	سالاریان	Y-131BA Y-2CBBA		3-C3 12-B1
۷۴	آتیکه	سالاریان	Y-CAA		6-E3
۷۵	احسان	جيلاني		Y-23A	3-G4
۷۶	احسان	دیوسالار	Y-1BB11		9-D2
۷۷	احسان	ذوالجلالی		Y-1AAAA Y-114A	7-B2 8-G3
۷۸	احسان	سالاریان	Y-CA3	Y-2D	3-B4 6-B3
۷۹	احسان	حامدی	Y-1D23	Y-1DBC	2-G1 11-F3
۸۰	احمد			Y-112I	7-B5
۸۱	احمد	حسيني كالج	Y-1AB2		8-B2
۸۲	احمد	سجادی	Y-1C12		10-E2
۸۳	احمد	ملایی		Y-23D	3-G4
۸۴	اختر	سالاریان	Y-2DB Y-CA3B		3-D4 6-B3
۸۵	آدام	دیوسالار	Y-B1122		5-B5
۸۶	آذر	ایزدي	Y-11CB		2-C5 7-D4
۸۷	آذر	کاویانپور	Y-1DBC	Y-1D23	2-G2 11-F3
۸۸	آراد	خاکباز	Y-CA2C1 Y-B1AC1		5-D5 6-C4
۸۹	آرتبن	مختاری	Y-1BA11		9-B2
۹۰	آرتمیس	فرخ سیر	Y-2DB1A Y-CA3B1A		3-D4 6-B2
۹۱	آرتین	محمدي	Y-113A2		7-D2
۹۲	اردشیر	سالاریان	Y-2A2		3-D5
۹۳	اردشیر			Y-1DBG	11-E2
۹۴	اردلان		Y-1DBG2		11-E1
۹۵	آرزو		Y-1DBAA		11-D2
۹۶	آرزو	دیوسالار	Y-133A Y-112AA Y-1CAAA		2-C3 7-C4 10-F3 12-B4
۹۷	آرش		Y-1D3A1		11-C2
۹۸	آرش	دیوسالار	Y-236		3-F2
۹۹	آرش	سالاریان	Y-111D2 Y-A1BD2 Y-1AA32		4-F4 7-F4 8-E4
۱۰۰	آرشام	دیوسالار	Y-2361		3-F2
۱۰۱	آرشیا		Y-BABDA1		5-D4
۱۰۲	آرشیا	دیوسالار	Y-11222		3-D3 7-B3

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
			Y-1CA22 Y-131A2 Y-2CBA2		10-F4 12-C1
۱۰۳	آرشیا	سالاریان	Y-BA111 Y-CA2A1 Y-B1AA1		5-D5 6-D4
۱۰۴	آرشیدا		Y-1BBACA		9-F2
۱۰۵	آرمان	دیوسالار	Y-235		3-F2
۱۰۶	آرمان	سالاریان	Y-111D3 Y-A1BD3 Y-1AA33		4-F3 7-F4 8-E3
۱۰۷	آرمیتا	سالاریان	Y-CA1A3A		6-G4
۱۰۸	آرمیتی	موسوی	Y-B1CB1		5-F5
۱۰۹	آرمیتا	محمدي	Y-113AA		7-D2
۱۱۰	آرمین	سالار	Y-1AAD2		8-E5
۱۱۱	آرمینه	مارقوسیان	Y-BABACA		5-E1
۱۱۲	آروین	خاکباز	Y-CA2C2 Y-B1AC2		5-D5 6-C4
۱۱۳	آروین	محمدي	Y-113A1		7-D2
۱۱۴	آریا	آهنی زاده	Y-2B1D1		3-D2
۱۱۵	آریا	سالاریان	Y-CA131		6-E4
۱۱۶	آریان	دیوسالار	Y-241A Y-BABB1A Y-211BA Y-2CABA		3-E2 5-F1
۱۱۷	آریاناز	دیوسالار	Y-B11B		5-B4
۱۱۸	ارین	درویش	Y-231B1 Y-24AB1 Y-BABBAB1		3-F4 5-G3
۱۱۹	آرین	سالاریان	Y-111D21 Y-A1BD21 Y-1AA321		4-F4 7-F4 8-E4
۱۲۰	آزاد	کاویانپور	Y-1DB2		2-G1 11-G2
۱۲۱	آزاده			Y-1AB32	8-B2
۱۲۲	آزاده	دیوسالار	Y-A1AAA		4-B4
۱۲۳	آزاده	زرشناس	Y-BABA2A		5-E1
۱۲۴	آزاده	فخاري	Y-2DCA Y-CA3CA		3-C4 6-C1
۱۲۵	آزاده	سهراب زاده	Y-BAAAA		5-C2
۱۲۶	آرتمیس	شاهین	Y-BAA3AB		5-C3
۱۲۷	آزیتا	دیوسالار	Y-112G Y-1CAG		2-D3 7-C3 10-G3
۱۲۸	اسدالله	شایگان		Y-BAA	5-B3
۱۲۹	اسرافیل	بازیاری		Y-231A Y-24AA Y-BABBAA	3-F3 5-G2
۱۳۰	اسفندیار	دیوسالار		Y-13B	2-B4 12-E2
۱۳۱	اسکندر	شریفي		Y-11AB	7-E2
۱۳۲	اسماعیل			Y-1DAA	11-C4
۱۳۳	اسماعیل	حسیني کالج	Y-1AB3		8-B2
۱۳۴	اسماعیل	سهرابي		Y-24D Y-BABBD	3-F3 5-F2
۱۳۵	اسماعیل	شایگان		Y-BA	5-B2
۱۳۶	اسماعیل	نیک نژاد		Y-11CD	7-D3
۱۳۷	اسماعیل	محبی		Y-11ACA	7-F4
۱۳۸	اسماعیل	خندان		Y-B1CA	5-E5
۱۳۹	آسیه	دیوسالار	Y-1BBC	Y-13A1	12-F4 9-E3
۱۴۰	آسیه	سالاریان	Y-1AAE		2-G5 8-F4
۱۴۱	آسیه	کاویانپور	Y-1CDB		2-D1 10-E4
۱۴۲	اشرف سادات	فیروزآبادی		Y-223	3-G2
۱۴۳	اصغر	فرخ سیر		Y-2DB Y-CA3B	3-D4 6-B2
۱۴۴	اصلان		Y-1DBG1		11-E2
۱۴۵	اعظم			Y-1DC	2-E2 11-A4
۱۴۶	اعظم			Y-1142 Y-1AAA2	7-B2 8-F3

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۴۷	افسانه	زرشناس	Y-BABAA		5-D2
۱۴۸	افسر	حسیني کالج	Y-1AB4B		8-B2
۱۴۹	افسر	شایگان	Y-BAC		5-B1
۱۵۰	افشین			Y-134B Y-24CB Y-BABBCB	3-F4 5-F2 12-D2
۱۵۱	افشین	ده مشکي		Y-111AA Y-A1BAA	4-G2 7-G1
۱۵۲	افشین	دیوسالار	Y-B113		5-C4
۱۵۳	افشین	سالاریان	Y-111D4 Y-A1BD4 Y-1AA34		4-F4 7-F3 8-E3
۱۵۴	افشین	خندان	Y-B1CA2		5-E5
۱۵۵	آقا بالا	سالاریان	Y-CA11	Y-CA2A Y-B1AA	5-D4 6-D5
۱۵۶	اکبر			Y-B1B	5-C4
۱۵۷	اکبر	پورمحمدی		Y-CA2D Y-B1AD	5-D4 6-D4
۱۵۸	اکرم			Y-1D1A	11-B4
۱۵۹	اکرم	محمودی		Y-2211 Y-23B1	3-G4
۱۶۰	الحامی	ندیم		Y-A112A	4-E5
۱۶۱	النا		Y-134AA Y-24CAA Y-BABBCAA		3-F4 5-F1 12-D2
۱۶۲	الناز	سالاریان	Y-11AGA		7-E3
۱۶۳	الهام	دیوسالار	Y-223A		3-G2
۱۶۴	الهام	ذوالجلالی	Y-114AC Y-1AAAAC		7-C1 8-G3
۱۶۵	الهام	سالاریان	Y-CA2C Y-B1AC		5-D5 6-C5
۱۶۶	الهام	شکیب مقدم	Y-212C		3-B5
۱۶۷	الهام	فروزش	Y-1AB4DB		8-D1
۱۶۸	الهه	داودی		Y-22A1	3-G2
۱۶۹	الهه	اسفندیاری		Y-1AB51 Y-1A1A1 Y-11BA1	7-E5 8-D2
۱۷۰	الهه	سالاریان	Y-2DC Y-CA3C		3-C4 6-C3
۱۷۱	الهه	محمدیان		Y-111D2 Y-A1BD2 Y-1AA32	4-F4 7-F4 8-E4
۱۷۲	الینا	محبی	Y-11ACAA		7-F4
۱۷۳	الوند	دیوسالار	Y-2411 Y-BABB11 Y-211B1 Y-2CAB1		3-E2 5-F1
۱۷۴	امّ البنین	دیوسالار	Y-1D		1-G1 2-E1 11-A3
۱۷۵	آمنه			Y-1AB11	8-B4
۱۷۶	آمنه			Y-1AB42	8-C2
۱۷۷	آمنه			Y-1BA1	9-B2
۱۷۸	آمنه	حسیني کالج	Y-1AB4C		8-C2
۱۷۹	آمنه	دیوسالار	Y-114B Y-1AAAB		2-G5 7-B2 8-F3
۱۸۰	امید	سالاریان	Y-CA21 Y-B1A1		5-D5 6-B4
۱۸۱	امید	شکیب مقدم	Y-2121		3-A5
۱۸۲	امیر			Y-133B Y-112AB Y-1CAAB	7-B4 10-F5 12-C4
۱۸۳	امیر	دیوسالار	Y-B1112		5-B5
۱۸۴	امیر	سالاریان	Y-1A1	Y-11B	2-F4 7-D5 8-E2
۱۸۵	امیر	سالاریان	Y-CA14		6-F5
۱۸۶	امیر	مختاری		Y-1BA	2-B1 9-B3
۱۸۷	امیر	خندان	Y-B1CA1		5-E5
۱۸۸	امیر محمد		Y-132A1 Y-1CFA1		10-B2 12-D4
۱۸۹	امیر حسین	سالاریان	Y-CA152		6-F2

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۹۰	امير رضا	مختاری	Y-1BA21		9-B2
۱۹۱	امير رضا		Y-114B2 Y-1AAAB2		7-B1 8-F3
۱۹۲	امير علي		Y-11CC2		7-C4
۱۹۳	امير علي		Y-1AADA1		8-F5
۱۹۴	امير علي	سالاريان	Y-111D11 Y-A1BD11 Y-1AA311		4-F3 7-F4 8-E3
۱۹۵	امير محمد		Y-1D1A1		11-B5
۱۹۶	امير محمد	حسينی	Y-112D2 Y-1CAD2		7-C5 10-G4
۱۹۷	امير محمد	ذكايی	Y-1B1B1 Y-1CCB1		9-C5 10-C5
۱۹۸	امير محمد	سالاريان	Y-CA151		6-F2
۱۹۹	اميرهوشنگ	معاديخواه	Y-112G1 Y-1CAG1		7-C3 10-G3
۲۰۰	اميرحسن	ديوسالار	Y-B1C21		5-E4
۲۰۱	اميرحسين	جيلاني	Y-23A1		3-G4
۲۰۲	اميرحسين	سالاريان	Y-11AC1		7-F3
۲۰۳	اميرحسين	ديوسالار	Y-B1C22		5-E4
۲۰۴	اميرحسين	سالاريان	Y-1AB4B1		8-C1
۲۰۵	اميررضا	سالاريان	Y-CA1A41		6-G4
۲۰۶	اميرسعيد	سالاريان	Y-131B1 Y-2CBB1		3-C3 12-B1
۲۰۷	اميرعلي	خسروانی	Y-B11A1		5-C5
۲۰۸	اميرعلی	كريمی	Y-B1CBB1		5-F4
۲۰۹	اميرعلی	كلارستاقی	Y-A1A1A1		4-C4
۲۱۰	اميرعلی	حسيني كالج	Y-1AB111		8-B4
۲۱۱	اميرمحمد	فروزش	Y-1AB4D1		8-C2
۲۱۲	اميلي	دهلوي	Y-2C2A Y-B1CBAA		3-B2 5-F5
۲۱۳	امين	ديوسالار	Y-223		3-G2
۲۱۴	آنا		Y-1DBBA		11-E2
۲۱۵	آناهيتا	ديوسالار	Y-13A1A Y-1BBCA		12-F5 9-E2
۲۱۶	آناهيتا	سالاريان	Y-BA11A Y-CA2AA Y-B1AAA		5-D4 6-D4
۲۱۷	انوش	سالاريان	Y-2A12		3-E4
۲۱۸	آنوشكا	ديوسالار	Y-236A		3-F2
۲۱۹	انوشيروان	صرافان		Y-BABCB	5-E3
۲۲۰	آنيتا	ديوسالار	Y-13A1B Y-1BBCB		9-E2 12-F5
۲۲۱	آنيتا	ايزدي	Y-11C1A		7-D4
۲۲۲	آهو	سالاريان		Y-2A22	3-D4
۲۲۳	اهورا		Y-1CDB1		10-E5
۲۲۴	آوا	درويش	Y-A11ABA		4-D3
۲۲۵	آوا	سالاريان	Y-2A4C		3-C5
۲۲۶	آيدا	ديوسالار	Y-134A Y-24CA Y-BABBCA		3-F4 5-F1 12-D2
۲۲۷	ايران			Y-BAA4	5-C4
۲۲۸	ايراندخت	ديوسالار	Y-BABA		5-D2
۲۲۹	ايرج	سالاريان	Y-2A3	Y-CA1D	3-F5 6-G3
۲۳۰	ايرج	يوسفی بارفروش		Y-2A1A	3-E4
۲۳۱	آيناز	سالاريان	Y-2A13A		3-E4
			ب		
۲۳۲	بابک	ديوسالار	Y-2B34		3-D4
۲۳۳	باربد	سالاريان	Y-CA1D11 Y-2A311 Y-BA1AA1		3-F4 6-G3
۲۳۴	بامداد		Y-2DBA1 Y-CA3BA1		3-D3 6-B2

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۲۳۵	بتول			Y-1D2	2-G2 11-E3
۲۳۶	بدري		Y-1DAD	Y-1D21	2-G2 11-F4
۲۳۷	برديا		Y-BAC1A2		5-B2
۲۳۸	بنجامين	ديوسالار	Y-B1121		5-B5
۲۳۹	بنين	حامدی	Y-1D21A Y-1DADA		11-F4
۲۴۰	بهادر	ديوسالار	Y-2B3		3-D3
۲۴۱	بهار	حاج علي اكبري	Y-111FA Y-A1BFA		4-G4 7-G4
۲۴۲	بهار	حيدري	Y-2BAA	Y-2DC2 Y-CA3C2	3-C4 6-C1
۲۴۳	بهار	ديوسالار	Y-112BA Y-1CABA		7-C4 10-F2
۲۴۴	بهار	سبزواری		Y-B111	5-B5
۲۴۵	بهارک	نيكزاد	Y-A11AA		4-D3
۲۴۶	بهاره			Y-1C12	10-E2
۲۴۷	بهداد	ديوسالار	Y-2B31		3-C3
۲۴۸	بهرام	ايزدي	Y-11C2		2-C5 7-D3
۲۴۹	بهرام	ديوسالار	Y-231	Y-24A Y-BABBA	3-F3 5-G2
۲۵۰	بهرام	شايگان	Y-BAA3		5-C3
۲۵۱	بهرام	مختاری	Y-1BA4		2-B1 9-C3
۲۵۲	بهرام	ميرزايی		Y-23C	3-G4
۲۵۳	بهروز	حامدی	Y-1D14		2-E3 11-B3
۲۵۴	بهروز	درويش		Y-231B Y-24AB Y-BABBAB	3-F4 5-G2
۲۵۵	بهروز	ديوسالار	Y-1111 Y-A1B1		2-G2 4-F1 7-F1
۲۵۶	بهروز	موسوی	Y-BAC2		5-C1
۲۵۷	بهزاد			Y-1CDC	10-E4
۲۵۸	بهزاد	ديوسالار	Y-132	Y-1CF	2-B3 10-B2 12-D3
۲۵۹	بهزاد	ديوسالار	Y-2111 Y-2CA1		3-D2
۲۶۰	بهزاد	سجادي	Y-A114		4-E3
۲۶۱	بهزاد	سجادي	Y-A115		4-D5
۲۶۲	بهمن	درويش		Y-A11AB	4-D3
۲۶۳	بهمن	زارع چيان		Y-CA2B Y-B1AB	5-D5 6-C4
۲۶۴	بهمن	سالاريان	Y-1B22		2-B1 9-E4
۲۶۵	بهناز	ديوسالار	Y-211A Y-2CAA	Y-B1C1	3-D2 5-E5
۲۶۶	بهنام	ديوسالار	Y-1115 Y-A1B5	Y-1A1C Y-11BC	2-G3 4-F2 7-F5 8-G2
۲۶۷	بهنام	زارع چيان	Y-21AA1		3-A5
۲۶۸	بي بي	مجتهد زاده	Y-CA		1-G5 6-A3
۲۶۹	بيتا	توجه	Y-21BB		3-B2
۲۷۰	بيتا	سپهربند		Y-111B1 Y-A1BB1	4-G4 7-G4
۲۷۱	بيتا	نيكزاد	Y-2C1AA Y-2AAAA		3-B4
۲۷۲	بيژن	پاكدل		Y-BABDA	5-D3
۲۷۳	بيژن	زارع چيان		Y-21AA	3-A4
۲۷۴	بيژن	شكيب مقدم	Y-212		3-A3
			پ		
۲۷۵	پارسا		Y-133A2 Y-112AA2 Y-1CAAA2		7-C5 10-F4 12-B4
۲۷۶	پارسا	ديوسالار	Y-11A11		7-E2
۲۷۷	پارسا	ديوسالار	Y-2322		3-G5

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۲۷۸	پارسا	سالاریان	Y-2DAA1 Y-CA3AA1		3-E4 6-B1
۲۷۹	پارسا	غلامی	Y-1BBA1		9-F3
۲۸۰	پارسا	فیروزی	Y-114AC1 Y-1AAAAC1		7-B1 8-G3
۲۸۱	پارسانا	ده مشکي	Y-111AAB Y-A1BAAB		4-G2 7-G1
۲۸۲	پارمیدا	دیوسالار	Y-A1AA3A		4-B5
۲۸۳	پارمیدا	سالاریان	Y-2A14A		3-E5
۲۸۴	پارمیس	سالاریان	Y-2A14B		3-E5
۲۸۵	پارمیس	شاهین	Y-BAA3AA		5-C4
۲۸۶	پارینا	ده مشکي	Y-111AAA Y-A1BAAA		4-G1 7-G1
۲۸۷	پاشا	طرزی	Y-BAACB1		5-D4
۲۸۸	پانته آ	موسوی	Y-BAC1B		5-B2
۲۸۹	پانیا		Y-1BBABB		9-F1
۲۹۰	پانیذ	دیوسالار	Y-11A2B		7-E4
۲۹۱	پاییزه			Y-A11A1	4-D3
۲۹۲	پدرام		Y-133A1 Y-112AA1 Y-1CAAA1		7-C5 10-F4 12-B4
۲۹۳	پدرام		Y-2B1B1		3-D2
۲۹۴	پدرام	مافی	Y-BAAB1		5-B3
۲۹۵	پدرام	موسوی	Y-BAC31		5-D1
۲۹۶	پدیده	مافی	Y-BAABA		5-B4
۲۹۷	پرتو	دیوسالار	Y-11A2A		7-E3
۲۹۸	پردیس	دیوسالار	Y-231C Y-24AC Y-BABBAC		3-F4 5-G2
۲۹۹	پرستو	کیا		Y-11A2	7-E3
۳۰۰	پرستو	موسوی	Y-BAC1A		5-C2
۳۰۱	پرند		Y-212AA		3-B4
۳۰۲	پرنیان		Y-1BBABA		9-F2
۳۰۳	پروانه	دیوسالار	Y-112A Y-1CAA	Y-133	2-D3 7-B4 10-E3 12-A3
۳۰۴	پروانه	فتحي		Y-111A1 Y-A1BA1	4-G2 7-G2
۳۰۵	پروانه	موسوی	Y-BACA		5-B1
۳۰۶	پرویز	شایگان	Y-BAA1		5-B3
۳۰۷	پرویز	فخاري		Y-CA1DA Y-2A3A	3-F5 6-G3
۳۰۸	پرویز	کاویانپور		Y-11CC	7-C4
۳۰۹	پرویز	موسوی		Y-B1CB	5-F5
۳۱۰	پروین	درویش		Y-113	2-D5 7-C1
۳۱۱	پروین	دهلوي	Y-2CA	Y-211	3-D2
۳۱۲	پروین	دیوسالار		Y-B11	5-B4
۳۱۳	پروین	موسوی	Y-BACB		5-C2
۳۱۴	پروین	یزداني		Y-CA4	6-B4
۳۱۵	پریچهر	دیوسالار	Y-11AB		2-F2 7-E2
۳۱۶	پریا	احمدی	Y-113CA		7-D1
۳۱۷	پریزاد	دیوسالار	Y-243A Y-BABB3A		3-E2 5-G3
۳۱۸	پریسا		Y-1DAAB		11-D4
۳۱۹	پریسا	احمدي		Y-11A1	7-C2
۳۲۰	پریسا	دیوسالار	Y-133C Y-112AC Y-1CAAC		2-D2 7-B4 10-F5 12-C4
۳۲۱	پریسا	اغلا		Y-2A23	3-D4
۳۲۲	پریسا	شایگان	Y-BAA2B		5-B3
۳۲۳	پریناز	شریفي	Y-11AABA Y-11AB1A		7-E3
۳۲۴	پرینوش	سالاریان	Y-1B1A Y-1CCA		2-C2 9-B4 10-C4
۳۲۵	پریوش	دیوسالار	Y-11A1A	Y-11AB3	7-E2
۳۲۶	پژمان			Y-A11AA	4-D3
۳۲۷	پژمان	سالاریان	Y-2D3	Y-24F	3-E4
			Y-CA33	Y-BABBF	5-F3 6-D3
۳۲۸	پگاه	کاویانپور	Y-11CCA		7-D4
۳۲۹	پگاه	هوشمندی		Y-A1112 Y-111C2 Y-A1BC2	4-F5 7-G3
۳۳۰	پوریا		Y-BAC1A1		5-C2
۳۳۱	پوریا	رستمند مطلق	Y-A111A1 Y-111CA1 Y-A1BCA1		4-E5 7-G2
۳۳۲	پوریا	سالاریان	Y-CA132		6-E4
۳۳۳	پوریا	کاویانپور	Y-1CD2		2-D2 10-E4
۳۳۴	پونه	ملایی	Y-23DA		3-G4
۳۳۵	پویا	دیوسالار	Y-2B21		3-D4
۳۳۶	پیام	دیوسالار	Y-13B2		2-B3 12-F2
۳۳۷	پیام	سالاریان	Y-2D4 Y-CA34		3-C4 6-D3
۳۳۸	پیام	موسوی	Y-BAC11		5-B2
۳۳۹	پیروز	کاویانپور	Y-1CD1	Y-1C3A	2-C2 10-D4
۳۴۰	پیام	مافی	Y-BAAB2		5-B3
۳۴۱	پیمان			Y-134A Y-24CA Y-BABBCA	3-F4 5-F1 12-D2
۳۴۲	پیمان	سالاریان	Y-2D2 Y-CA32		3-B4 6-D3
۳۴۳	پیمان	کاویانپور	Y-11CC1		7-D4
۳۴۴	پیمان	موسوی	Y-BAC12		5-B1
۳۴۵	پیوند	موسوی	Y-BAC3A		5-D1
					ت
۳۴۶	تاج ماه	شایگان	Y-BAB		5-B2
۳۴۷	تبسم	علی آبادی		Y-2A12	3-E4
۳۴۸	ترانه			Y-1D11	11-B4
۳۴۹	ترانه	موسوی	Y-B1CBA	Y-2C2	3-B2 5-F5
۳۵۰	تقي	سالاریان	Y-1AA41		8-E5
۳۵۱	توران	مختاری	Y-1DB		2-F1 11-D2
۳۵۲	تي تي ناز	سالاریان	Y-CA2A Y-B1AA	Y-CA11	5-D4 6-D5
۳۵۳	تیسا	سالاریان	Y-2D2A Y-CA32A		3-C3 6-D2
۳۵۴	تیمور			Y-1DBB	11-E2
					ث
۳۵۵	ثریا		Y-1D1AB		11-B4
۳۵۶	ثریا	دیوسالار		Y-1AB31	8-B2
۳۵۷	ثریا	دیوسالار	Y-113A		2-E2 7-G2
۳۵۸	ثریا	حیدری		Y-2B2	3-D3
					ج
۳۵۹	جواد	زرشناس	Y-BABA12		5-E1
۳۶۰	جانان		Y-BAAAAA		5-C3
۳۶۱	جسیکا	دهلوي	Y-2C2B Y-B1CBAB		3-C2 5-G5
۳۶۲	جعفر	فروزش		Y-1AB4D	8-C2
۳۶۳	جلال الدین	سجادي	Y-1C32		2-D2 10-D4
۳۶۴	جلیله	ذکایی	Y-1B1BA Y-1CCBA		9-C5 10-C5
۳۶۵	جمشید	سالاریان	Y-2A1		3-E5

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۳۶۶	جمیله			Y-13B2	12-F2
۳۶۷	جمیله			Y-BAC1	5-B2
۳۶۸	جمیله	دیوسالار	Y-114A Y-1AAAA		2-F5 7-B2 8-G3
۳۶۹	جهانبخش	دیوسالار	Y-131	Y-2CB	2-D4 3-B2 12-A1
۳۷۰	جهانگیر	دیوسالار		Y-BAAC	5-D3
۳۷۱	جهانگیر	دیوسالار	Y-221	Y-23B	3-G3
۳۷۲	جواد	حسيني كالج	Y-1AB1		8-B3
۳۷۳	جواد	سجادي	Y-A2		1-E5 4-A2
۳۷۴	جوانه	سجادی	Y-1C12B		10-E1
۳۷۵	جواهر	حامدی	Y-1D1A		2-E2 11-B4
	ح				
۳۷۶	حامد	دیوسالار	Y-A1A41 Y-112C1 Y-1DAC1		4-C3 7-B3 10-F2
۳۷۷	حامد	فرامرزی		Y-A1AAA	4-B4
۳۷۸	حامی	یوسفی زاده	Y-BABD21		5-E2
۳۷۹	حبیب			Y-1ABBA	8-C3
۳۸۰	حبیب			Y-1AADA	8-F5
۳۸۱	حبیب	سالاریان	Y-CA2	Y-B1A	5-D5 6-B4
۳۸۲	حبیب الله			Y-13AC	12-F4
۳۸۳	حبیبه	سالاریان	Y-1AAC		2-G5 8-F4
۳۸۴	حجت	دیوسالار	Y-222		3-G1
۳۸۵	حدیقه	دیوسالار		Y-2 (I)	1-E4 3-A3
۳۸۶	حسن	حسيني كالج		Y-1AB	2-F4 8-A2
۳۸۷	حسن	دیوسالار	Y-A1AA2		4-A4
۳۸۸	حسن	لرتبار	Y-1BC3		2-C1 9-G3
۳۸۹	حسین			Y-13AB	12-F4
۳۹۰	حسین			Y-112BB Y-1CABB	7-C5 10-F1
۳۹۱	حسین			Y-1B1C Y-1CCC	9-C4 10-D4
۳۹۲	حسین	دیوسالار	Y-1321 Y-1CF1		2-C3 10-C2 12-D3
۳۹۳	حسین	دیوسالار	Y-A1AA3		4-B4
۳۹۴	حسین	سالاریان	Y-CA22 Y-B1A2		5-D4 6-B5
۳۹۵	حسین	شایگان	Y-BAA2		5-B3
۳۹۶	حسین	میرزایی	Y-23C1		3-G4
۳۹۷	حسین	بور		Y-1BBD	9-E2
۳۹۸	حسین	دیوسالار	Y-1BB3		2-B2 9-D3
۳۹۹	حسین بیگ	دیوسالار		Y-A1A	4-B3
۴۰۰	حسینعلي	دهلوي		Y-2C	3-B2
۴۰۱	حسینعلي	سالاریان	Y-1AA5		2-G4 8-F4
۴۰۲	حکیم	سالاریان	Y-2A13		3-E5
۴۰۳	حلیمه خاتون			Y-1(II)	1-E1 2-A3
۴۰۴	حمزه	سالاریان	Y-1AA3	Y-111D Y-A1BD	2-G4 4-F4 7-F4 8-E4
۴۰۵	حمید			Y-1BBAB	9-F2
۴۰۶	حمید		Y-1C1B2		10-D1
۴۰۷	حمید	حسيني كالج	Y-1AB12		8-B3
۴۰۸	حمید	دیوسالار	Y-1141 Y-1AAA1		2-F5 7-A1 8-E2

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۴۰۹	حمید	دیوسالار	Y-A1A13		4-C3
۴۱۰	حمید	زرشناس	Y-BABA2		5-E2
۴۱۱	حمید	ژولیده		Y-11CB	7-C4
۴۱۲	حمید	کلارستاقی		Y-A1A1A	4-C4
۴۱۳	حمید	سالاریان	Y-2A21		3-D5
۴۱۴	حمید رضا		Y-13AB1		12-F4
۴۱۵	حمیدرضا	سهراب زاده		Y-BAAA	5-B3
۴۱۶	حمیدرضا	سهراب زاده	Y-BAAA1		5-D3
۴۱۷	حمیده	دیوسالار	Y-A		1-E5 4-A1
۴۱۸	حمیده	سجادي	Y-A11A		4-D3
۴۱۹	حمیرا	جلاب		Y-2A5	3-E5
۴۲۰	حمیرا	طاهری		Y-1A13 Y-11B3	7-E5 8-F2
۴۲۱	حنا	سالاریان	Y-2D4A Y-CA34A		3-C4 6-D2
۴۲۲	حنانه	فیاضي	Y-1CB1B		10-B5
۴۲۳	حنیف	خدایی	Y-1C1A1		10-D1
۴۲۴	حیدر	دیوسالار		Y-13A	12-E3
	خ				
۴۲۵	خانم باجی	سالاریان	Y-1BD		2-B2 9-D4
۴۲۶	خانم بالا	سالاریان	Y-CA1A		6-G5
۴۲۷	خانم جان	دیوسالار	Y-B		1-F4 5-A3
۴۲۸	خانم قشنگ			Y-1(III)	1-E1 2-A3
۴۲۹	خداداد	دیوسالار	Y-11A2		2-G2 7-E3
۴۳۰	خدایار	دیوسالار	Y-11A1		2-G2 7-E2
۴۳۱	خدیجه			Y-1D1	2-E2 11-B3
۴۳۲	خدیجه	ایزدی		Y-2 (II)	1-E3 3-A4
۴۳۳	خدیجه	سالاریان	Y-1AA		2-F5 8-D4
۴۳۴	خدیجه سلطان	درویش		Y-1(I)	1-E2 2-A4
۴۳۵	خسرو	شایگان	Y-BAA4		5-C3
۴۳۶	خشایار	حاج‌علی اکبری	Y-111F1 Y-A1BF1		4-G4 7-G4
۴۳۷	خشایار	سالاریان	Y-CA1A3		6-G4
	د				
۴۳۸	داریوش	سالاریان		Y-112DA Y-1CADA	7-C4 10-G4
۴۳۹	داریوش	دیوسالار	Y-1124		2-E3 7-B4
۴۴۰	داریوش	دیوسالار	Y-2B41 Y-24E1		3-E3 5-G1
۴۴۱	داریوش	دیوسالار	Y-B12		5-F3
۴۴۲	داریوش	مختاری	Y-1BA1		2-B1 9-B3
۴۴۳	دامون	دیوسالار	Y-1CE11		10-C2
۴۴۴	دانا	ارجمندی	Y-B1CAA1		5-E5
۴۴۵	دانا	بازیاری	Y-231A1 Y-24AA1 Y-BABBAA1		3-F3 5-G1
۴۴۶	دانش	فخاری		Y-2DCA Y-CA3CA	3-C4 6-C1
۴۴۷	دانیال	سالاریان	Y-2A25		3-D4
۴۴۸	دانیال	موسوی	Y-BAC41		5-D1
۴۴۹	داود	اصلانی		Y-221A Y-23BA	3-G3
۴۵۰	داوود	دیوسالار		Y-11A	2-F3 7-D3

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۴۵۱	داوود	دیوسالار	Y-B1C1	Y-211A Y-2CAA	3-D2 5-E5
۴۵۲	درسا	فخاری	Y-2DCAA Y-CA3CAA		3-C5 6-C1
۴۵۳	درسا	مجتهد راده	Y-CA1BA		6-F4
۴۵۴	درنا		Y-1DBGA		11-E1
۴۵۵	دریا	دهلوی	Y-2C12A Y-2AA2A		3-B4
۴۵۶	دل افروز	سالاریان	Y-1B1C Y-1CCC		2-C2 9-C4 10-D4
۴۵۷	دلریا	سالاریان		Y-CA1(II)	6-E3
۴۵۸	دلناز	سالاریان	Y-2A2A		3-D4
۴۵۹	دنیا	مجتهد راده	Y-CA1BC		6-F4
۴۶۰	دنیاناز	توجه	Y-21BA		3-B3
۴۶۱	دنیاناز	دیوسالار	Y-B11A		5-C4
۴۶۲	دیانا	ایزدي	Y-11CD		2-C5 7-D4
۴۶۳	دیانا	دیوسالار	Y-BABC		5-E3
۴۶۴	دیبا	مجتهد راده	Y-CA1BB		6-F4
۴۶۵	دیبا	دیوسالار	Y-1BBD		9-F3
	ذ				
۴۶۶	ذبیح	حسیني کالج	Y-1AB42		8-C2
۴۶۷	ذبیح الله	حامدی	Y-1D1		2-E2 11-B3
۴۶۸	ذلیخا	میار		Y-1B2	2-A1 9-D4
	ر				
۴۶۹	راحله	دیوسالار	Y-132A Y-1CFA		2-C3 10-C2 12-D3
۴۷۰	راحله	نیازیان		Y-1A14 Y-11B4	7-F5 8-G2
۴۷۱	رادین	فخاری	Y-2DCA1 Y-CA3CA1		3-C5 6-C1
۴۷۲	راضیه	فیاضي	Y-1CBA		2-C1 10-B4
۴۷۳	رامتین	سالاریان	Y-CA1D1 Y-2A31	Y-CA1AA	3-F5 6-G3
۴۷۴	رامین	حامدی	Y-1D114		11-B5
۴۷۵	رامین	سالار	Y-1AAD1		8-E5
۴۷۶	رامین	سجادي	Y-A1112 Y-111C2 Y-A1BC2		4-F5 7-G3
۴۷۷	رامین	مختاری	Y-1BA5		2-B1 9-C3
۴۷۸	رامین	خندان	Y-B1CA3		5-E5
۴۷۹	رایکا		Y-134BA Y-24CBA Y-BABBCBA		3-E2 5-F3 12-D2
۴۸۰	ربابه	درویش		Y-A1	4-B1
۴۸۱	ربابه	دیوسالار	Y-243 Y-BABB3		3-E2 5-F2
۴۸۲	ربیع	حسیني کالج	Y-1AB41		8-C2
۴۸۳	رحمان	حامدی	Y-1D13	Y-1DAB	2-E3 11-C3
۴۸۴	رحمان	فخاری		Y-1ABA	8-B3
۴۸۵	رحمت الله	بختیاری		Y-22A	3-G3
۴۸۶	رحمت الله	دیوسالار	Y-2		1-E3 3-A3
۴۸۷	رحیم	حامدی	Y-1D111		11-B4
۴۸۸	رحیم	سالار	Y-1AAD3		8-F5
۴۸۹	رحیمه	رضایی		Y-1AB41	8-C1

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۴۹۰	رحیمه	فیاضي	Y-1CBB	Y-A113	4-E4 10-B4
۴۹۱	رز	شابیگی	Y-BACAC		5-B1
۴۹۲	رزیتا	دیوسالار	Y-133B Y-112AB Y-1CAAB		2-C3 10-F5 7-B4 12-C4
۴۹۳	رزیتا	توجه	Y-21BC		3-A1
۴۹۴	رژینا		Y-133CA Y-112ACA Y-1CAACA		7-B4 10-F5 12-C4
۴۹۵	رستم	دیوسالار	Y-133	Y-112A Y-1CAA	2-D3 7-B4 10-E4 12-A3
۴۹۶	رستم	سالار		Y-1AAD	8-E5
۴۹۷	رسول	حقجو	Y-2DA3 Y-CA3A3		3-E4 6-B2
۴۹۸	رضا	حامدی	Y-1D231 Y-1DBC1		11-F3
۴۹۹	رضا	حسیني کالج	Y-1AB411		8-C1
۵۰۰	رضا	دیوسالار	Y-1B1A1 Y-1CCA1		9-B4 10-C5
۵۰۱	رضا	دیوسالار	Y-2233		3-G2
۵۰۲	رضا	رحمانی		Y-CA1C	6-F5
۵۰۳	رضا	سالاریان		Y-131B Y-2CBB	3-C2 12-B2
۵۰۴	رضا	سالاریان	Y-111D1 Y-A1BD1 Y-1AA31	Y-11ACB	4-F3 7-F3 8-E3
۵۰۵	رضا	سالاریان	Y-1A111 Y-11B11		7-E4 8-E1
۵۰۶	رضا	سالاریان	Y-2A33		3-F5
۵۰۷	رضا	سهرابي	Y-24D1 Y-BABBD1		3-F3 5-F2
۵۰۸	رضا	فخاری	Y-1ABA2		8-B4
۵۰۹	رضا	فیاضي		Y-1CB	2-C2 10-A4
۵۱۰	رضیه	دیوسالار		Y-2A3(II)	3-F5
۵۱۱	رعنا		Y-BABABB		5-E1
۵۱۲	رعنا	میرزایی	Y-23CA		3-G4
۵۱۳	رفعت	دیوسالار	Y-11C		2-C4 7-C3
۵۱۴	رقیه	حسیني کالج	Y-1AB2A		8-B2
۵۱۵	رقیه	دیوسالار	Y-112C Y-1DAC	Y-A1A4	2-D3 4-C3 10-F3
۵۱۶	رقیه	کاویانپور	Y-1DBG		2-G1 11-E2
۵۱۷	رکسانا	سالاریان	Y-CA1DA Y-2A3A		3-F5 6-G3
۵۱۸	رکنی	سالاریان	Y-1A13 Y-11B3		2-F4 7-E5 8-F2
۵۱۹	رها	بهروزي		Y-BABD2	5-E2
۵۲۰	رها	قندی	Y-A112AA		4-D5
۵۲۱	رهام	حیدري	Y-2BA1		3-C4
۵۲۲	رهام	قندی	Y-A112A1		4-D5
۵۲۳	رهبان	دیوسالار	Y-11AA11		7-F2
۵۲۴	روانبخش	دیوسالار	Y-1311 Y-2CB1		2-D4 3-B2 12-B2
۵۲۵	روجا	دیوسالار	Y-112BB Y-1CABB		7-C5 10-F2
۵۲۶	روح الله	سجادي	Y-1C22		2-B3 10-A2
۵۲۷	روزبه	دیوسالار	Y-A1AA21		4-B5
۵۲۸	روزبه	سجادي	Y-A1111 Y-111C1 Y-A1BC1		4-E4 7-G2
۵۲۹	روژان	پورمحمدی	Y-CA2DA Y-B1ADA		5-D4 6-D4
۵۳۰	روسانا	حقجو	Y-2DAB Y-CA3AB		3-E4 6-B2
۵۳۱	روشا	دشتی	Y-BABAAA		5-D1

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۵۳۲	روشن	دیوسالار	Y-2B13		3-D3
۵۳۳	روشن	کاویانپور	Y-1DBA		2-F1 11-D2
۵۳۴	رومینا	سالاریان	Y-2A3B		3-F5
۵۳۵	رونیکا	شریفي	Y-11AB2A		7-E3
۵۳۶	رویا	ایزدي	Y-11CA		2-C4 7-D5
۵۳۷	رویا	فیروزی	Y-114ACA Y-1AAAACA		7-B1 8-G3
۵۳۸	رویا	عبداللهی		Y-2A14	3-E5
۵۳۹	ریتا			Y-CA15	6-F3
۵۴۰	ریحان	کاویانپور	Y-1D13A Y-1DABA		11-C4
۵۴۱	ریحانه	دیوسالار	Y-1321A Y-1CF1A		10-C1 12-D4
۵۴۲	ریلی	دیوسالار	Y-B113B		5-C5
	ز				
۵۴۳	زری نوش	سالاریان	Y-1B1B Y-1CCB		2-C2 9-C4 10-C4
۵۴۴	زرین			Y-CA14	6-F5
۵۴۵	زمرد	سجادي	Y-1C1B		2-D2 10-D3
۵۴۶	زهرا			Y-BAAA1	5-C2
۵۴۷	زهرا			Y-1321 Y-1CF1	10-B2 12-D4
۵۴۸	زهرا			Y-1311 Y-2CB1	3-B3 12-B2
۵۴۹	زهرا	راد		Y-2A13	3-E4
۵۵۰	زهرا			Y-B1C2	5-E4
۵۵۱	زهرا		Y-1DCA		2-E3 11-A4
۵۵۲	زهرا	حامدی	Y-1D1C		2-E3 11-B3
۵۵۳	زهرا	حسيني كالج	Y-1AB31A		8-B2
۵۵۴	زهرا	درویش		Y	1-D4
۵۵۵	زهرا	دیوسالار	Y-1BB2A		9-E2
۵۵۶	زهرا	دیوسالار	Y-2D	Y-CA3	1-G3 3-B4 6-B3
۵۵۷	زهرا	دیوسالار	Y-A1AA		4-A3
۵۵۸	زهرا	سالاریان	Y-1B11A Y-1CC1A		9-B4 10-C5
۵۵۹	زهرا	سالاریان	Y-1BB		2-A2 9-D3
۵۶۰	زهرا	سالاریان	Y-1AB4BA		8-C1
۵۶۱	زهرا	شایگان	Y-BAA2A		5-B3
۵۶۲	زهرا خاتون		Y-1DAA		2-F2 11-C4
۵۶۳	زهره			Y-CA13	6-E5
۵۶۴	زهره	دیوسالار	Y-13A		2-C4 12-E3
۵۶۵	زیبا			Y-112	2-E3 7-A4
۵۶۶	زیبا			Y-2B32	3-C4
۵۶۷	زینب		Y-132AA Y-1CFAA		10-C1 12-D4
۵۶۸	زینب	رضایی		Y-2B1	3-D3
۵۶۹	زینب	مازندرانی		Y-1AB13	8-B4
۵۷۰	زینب			Y-2C12 Y-2AA2	3-C5
۵۷۱	زینب	خادمی		Y-2231	3-G2
۵۷۲	زینت	سالاریان	Y-1AAA	Y-114	2-F5 7-A2 8-E4
۵۷۳	زینت	سالاریان	Y-1AB		2-F4 8-A3

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
	ژ				
۵۷۴	ژاله	دیوسالار	Y-112I		2-E4 7-B5
۵۷۵	ژاله	سالاریان	Y-2A1B		3-E5
۵۷۶	ژوبین	دیوسالار	Y-B114		5-B4
۵۷۷	ژیلا	دیوسالار	Y-112J		2-E3 7-A4
	س				
۵۷۸	سابین	لوتلیه		Y-BABA1	5-E2
۵۷۹	ساحل	دیوسالار	Y-23F		3-F2
۵۸۰	ساحل	دیوسالار	Y-A1A4B Y-112CB Y-1DACB		4-C2 10-F2
۵۸۱	سادات	حسيني كالج	Y-1AB4A		8-C2
۵۸۲	سارا	جیلاني	Y-23AB		3-G4
۵۸۳	سارا	حاج بهرامی		Y-1CE1	10-C2
۵۸۴	ساجد	شریعتی		Y-114AB Y-1AAAAB	7-B1 8-G3
۵۸۵	سارا	دیوسالار	Y-A1A4A Y-112CA Y-1DACA		4-C2 10-F2
۵۸۶	سارا	دیوسالار	Y-B1C3A		5-F4
۵۸۷	سارا	زرشناس	Y-BABA1A		5-E1
۵۸۸	سارا	سالاریان	Y-CA4A		6-B4
۵۸۹	سارا	مطلق زاده		Y-2DA2 Y-CA3A2	3-E4 6-B2
۵۹۰	ساراخاتون		Y-1DAB	Y-1D13	2-E2 11-C4
۵۹۱	سارنگ	شریفي	Y-11AB2		7-E2
۵۹۲	ساره	حسيني كالج	Y-1AB1A		8-B3
۵۹۳	ساره	دیوسالار	Y-1121A Y-1CA1A Y-1C1CA		7-A2 10-E2
۵۹۴	سارینا	اصلانی	Y-221AA Y-23BA		3-G3
۵۹۵	سارینا	دیوسالار	Y-13B2A		12-F1
۵۹۶	سارینا	سالاریان	Y-1A13A Y-11B3A		7-E4 8-F1
۵۹۷	ساسان	دیوسالار	Y-B1C3		5-E4
۵۹۸	ساغر	درویش	Y-111B2A Y-A1BB2A		4-G4 7-G4
۵۹۹	سالومه	سالاریان	Y-CA4B		6-B5
۶۰۰	سامان		Y-1AAE2		8-F5
۶۰۱	سامان	دیوسالار	Y-11AA1		7-F2
۶۰۲	سامان	یوسفی بارفروش	Y-2A1A1		3-F4
۶۰۳	سامانتا	حامدی	Y-1D1D		2-E3 11-C3
۶۰۴	سامایا	دیوسالار	Y-B113A		5-C5
۶۰۵	سامره	کاویانپور	Y-1DBF		2-F1 11-F2
۶۰۶	سامیه		Y-2A1BA		3-E5
۶۰۷	سامیه	دیوسالار	Y-23H		3-F1
۶۰۸	سامیه	رحم دل	Y-2A1BA		3-F4
۶۰۹	ساناز	دیوسالار	Y-11AAA	Y-A1AA1	4-A4
۶۱۰	ساندرا	دیوسالار	Y-B112A		5-B5
۶۱۱	سانیار	دیوسالار	Y-2422 Y-BABB22		3-F3 5-F3
۶۱۲	سایمان	سالاریان	Y-2A241		3-D5
۶۱۳	ساینا	سجادي	Y-A112A		4-D4
۶۱۴	سایه	زارع چیان	Y-CA2BB		5-D5 6-C4

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
			Y-B1ABB		
۶۱۵	سبحان	دیوسالار	Y-12		1-F1
۶۱۶	سپه نسا	دیوسالار	Y-13B		2-B4 12-E2
۶۱۷	سپهر	درویش	Y-2B1A1		3-D2
۶۱۸	سپهر	سالاریان	Y-2D11 Y-CA311		3-C3 6-C2
۶۱۹	سپیده			Y-1DAA1	11-D4
۶۲۰	سپیده		Y-1C1BA		10-D2
۶۲۱	سپیده		Y-1DBAB		11-D4
۶۲۲	سپیده	دیوسالار	Y-24F Y-BABBF	Y-2D3 Y-CA33	3-E4 5-F2
۶۲۳	ستاره	دیوسالار	Y-1B		1-F2 9-A3
۶۲۴	ستاره	مقدسی		Y-BABC1	5-E3
۶۲۵	ستایش	بنی حسیني	Y-112FA Y-1CAFA		7-C3 10-F2
۶۲۶	ستایش	سالاریان	Y-11AFB		7-E4
۶۲۷	ستایش	دیوسالار	Y-2232A		3-G1
۶۲۸	سجاد	بنی حسیني	Y-112F1 Y-1CAF1		7-C3 10-F2
۶۲۹	سجاد	حسیني کالج	Y-1AB5	Y-1A1A Y-11BA	2-G4 8-D2 7-E5
۶۳۰	سحر	حسیني	Y-112DA Y-1CADA		7-C4 10-G4
۶۳۱	سحر	دیوسالار	Y-11AAD		7-E2
۶۳۲	سحر	سالاریان		Y-2D4 Y-CA34	3-C4 6-D2
۶۳۳	سحر	شکیب مقدم	Y-212A		3-B4
۶۳۴	سرور	کیارشی		Y-BAAC1	5-D3
۶۳۵	سرور	سالاریان	Y-2DA Y-CA3A		3-E4 6-B3
۶۳۶	سروناز	دیوسالار	Y-11AAC		7-F2
۶۳۷	سریر	دیوسالار	Y-A1AA1A Y-11AAAA		4-A5
۶۳۸	سعدي	حامدی	Y-1D22		2-G2 11-F3
۶۳۹	سعدي	حسیني کالج	Y-1AB21		8-B2
۶۴۰	سعید		Y-1C1B1		10-D2
۶۴۱	سعید	حسیني کالج	Y-1AB11		8-B3
۶۴۲	سعید	دیوسالار	Y-23E1 Y-11141 Y-A1B41		3-F2 4-F2 7-F2
۶۴۳	سعید	سجادي	Y-A112		4-D4
۶۴۴	سعید	موسوی		Y-BACB	5-C2
۶۴۵	سعید	دیوسالار	Y-2231		3-G2
۶۴۶	سعید	شاهین		Y-BAA3A	5-C3
۶۴۷	سکینه	سالار		Y-13	2-B4 12-A3
۶۴۸	سلطان	سجادي	Y-1C1A		2-D3 10-D2
۶۴۹	سلطان	کوزه‌گرکالجی		Y-1AB1	8-B3
۶۵۰	سلطنت	حقایقی		Y-1AB2	8-B2
۶۵۱	سمانه			Y-1BB2	9-E2
۶۵۲	سمانه	لاری	Y-1A1BB Y-11BBB		7-E4 8-F1
۶۵۳	سمیرا	جیلاني	Y-23AA		3-G4
۶۵۴	سمیرا	سالاریان	Y-CA4C		6-B5
۶۵۵	سمیرا		Y-1DCB		2-D1 11-A4
۶۵۶	سمیناز	دیوسالار	Y-11AAB	Y-11AB1	7-E2
۶۵۷	سمیه			Y-1331 Y-112A1 Y-1CAA1	7-C4 10-E4 12-B4
۶۵۸	سمیه	دیوسالار	Y-13AA	Y-13B1	2-C4 12-F3
۶۵۹	سمیه	ملک پور		Y-1AB52 Y-1A1A2 Y-11BA2	7-E4 8-D1
۶۶۰	سمیه	یزداني	Y-1AABA		8-G4
۶۶۱	سمیه			Y-2A24	3-D5

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۶۶۲	سمیه	حامدی	Y-1D23B Y-1DBCB		11-F4
۶۶۳	سهراب	رحم دل	Y-2A1B1		3-F4
۶۶۴	سهراب	سالاریان		Y-11AF	7-E3
۶۶۵	سهند	دیوسالار	Y-2421 Y-BABB21		3-F3 5-F3
۶۶۶	سهیل		Y-1AAE1		8-F5
۶۶۷	سهیل	سالاریان	Y-CA41		6-B4
۶۶۸	سهیلا			Y-CA12	6-E5
۶۶۹	سهیلا	حامدی	Y-1D1B		2-E3 11-C4
۶۷۰	سودابه			Y-1141 Y-1AAA1	7-A1 8-F3
۶۷۱	سودابه	کاویانپور	Y-1DBE		2-G1 11-F2
۶۷۲	سورنا	دیوسالار	Y-111A11 Y-A1BA1		4-G2 7-G2
۶۷۳	سورنا	دیوسالار	Y-23111 Y-24A11 Y-BABBA11		3-F4 5-G3
۶۷۴	سوزان	دیوسالار	Y-23E	Y-1114 Y-A1B4	3-F2 4-F2 7-F2
۶۷۵	سوسن	دیوسالار	Y-13AB		2-C4 12-F4
۶۷۶	سوسن	دیوسالار	Y-24A Y-BABBA	Y-231	3-F3 5-G2
۶۷۷	سوسن	کاویانپور	Y-1DBB		2-G1 11-E2
۶۷۸	سوفیا	دیوسالار	Y-24B Y-BABBB		3-E3 5-F2
۶۷۹	سوفیا	مختاری	Y-1D3A		2-F1 11-B2
۶۸۰	سوگند	سالاریان	Y-11AFA		7-E3
۶۸۱	سوگند	نیک نژاد	Y-11CDA		7-D3
۶۸۲	سولماز	دیوسالار	Y-23G		3-F1
۶۸۳	سونیا	دیوسالار	Y-24E	Y-2B4	3-E3
۶۸۴	سیاوش	ایزدي		Y-11C	2-C5 7-C3
۶۸۵	سید احترام	سجادي	Y-1CD		2-D2 10-D4
۶۸۶	سید جاني	سجادي	Y-1CC	Y-1B1	2-C2 9-B4 10-C4
۶۸۷	سید جمال	سجادي		Y-A	1-E5 4-A2
۶۸۸	سید جمال	سجادي	Y-A11		4-D4
۶۸۹	سید حوا	سجادي	Y-1CE		2-D2 10-C3
۶۹۰	سید خانم	سجادي	Y-1CB		2-C2 10-A3
۶۹۱	سید زهرا	سجادي	Y-1CF	Y-132	2-B3 10-B3 12-D3
۶۹۲	سید ساره	سجادي	Y-1CA	Y-112	2-E2 7-A3 10-E3
۶۹۳	سید کمال	سجادي	Y-1C2		2-A3 10-A3
۶۹۴	سیدخانم	حسیني کالج	Y-1ABA		8-B3
۶۹۵	سیدزهرا	حسینی کالج	Y-1AB5B Y-1A1AB Y-11BAB		8-D1 7-E4
۶۹۶	سیدفاطمه	حسیني کالج	Y-1AB21A		8-B2
۶۹۷	سیدفاطمه	حسیني کالج	Y-1AB32A		8-B1
۶۹۸	سیروس	دیوسالار		Y-11AA	7-E2
۶۹۹	سیروس	دیوسالار	Y-13B1	Y-13AA	2-B4 12-F3
۷۰۰	سیروس	رحمتی		Y-1AAE	8-F5
۷۰۱	سیروس	شابیگی		Y-BACA	5-B1
۷۰۲	سیف الله	ذکایی		Y-1B1B Y-1CCB	9-C4 10-C4
۷۰۳	سیما	دیوسالار	Y-113C		2-D4 7-D1
۷۰۴	سیما	دیوسالار	Y-24C Y-BABBC	Y-134	3-F3 5-F2 12-D2
۷۰۵	سیما	گرجی		Y-A11(II)	4-D4
۷۰۶	سیمین	دیوسالار		Y-2A1	3-E5

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۷۰۷	سیمین	سجادي	Y-1C3A	Y-1CD1	2-D1 10-D4
۷۰۸	سینا	دیوسالار	Y-13B11 Y-13AA1		12-F3
۷۰۹	سینا	سالاریان	Y-2A32		3-F5
۷۱۰	سینا	سجادي	Y-1C31		2-D1 10-D4
۷۱۱	سینا	نیکزاد	Y-A11A1		4-D3
۷۱۲	سینا	یزداني	Y-24B2 Y-BABBB2		3-E2 5-F3
۷۱۳	سینا	دیوسالار	Y-B1C31		5-F4
۷۱۴	سینا	مقصودي	Y-11AD1		7-E3
	ش				
۷۱۵	شادان	دیوسالار	Y-231B Y-24AB Y-BABBAB		3-F4 5-G2
۷۱۶	شاه زنان	سالاریان	Y-1BC		2-B1 9-F3
۷۱۷	شاهپور	دهلوي	Y-2C1	Y-2AA	3-B5
۷۱۸	شاهد		Y-BAAAA1		5-C3
۷۱۹	شاهرخ		Y-1DC1		2-E1 11-A4
۷۲۰	شاهرخ	آذین	Y-21A1		3-A5
۷۲۱	شاهو	ارجمندی		Y-B1CAA	5-E5
۷۲۲	شاهین	دیوسالار	Y-B111		5-B4
۷۲۳	شاهین	رستمی	Y-21BB1		3-B2
۷۲۴	شاهین	سالاریان	Y-1A121 Y-11B21 Y-111E1 Y-A1BE1	Y-111BB Y-A1BBB	4-G5 7-G5 8-E1
۷۲۵	شایان	دیوسالار	Y-2B42 Y-24E2		3-E3
۷۲۶	شایان	سالاریان	Y-1A122 Y-11B22 Y-111E2 Y-A1BE2		4-F5 7-G5 8-F1
۷۲۷	شایان	یوسفي زاده	Y-BABD11		5-E3
۷۲۸	شایان	سالاریان	Y-2A231		3-D4
۷۲۹	شباهنگ	دیوسالار	Y-2311 Y-24A1 Y-BABBA1		3-F3 5-G2
۷۳۰	شبنم	دهلوي	Y-2C1B Y-2AAB		3-B5
۷۳۱	شبنم	روانبخش		Y-2DB1 Y-CA3B1	3-D3 6-B2
۷۳۲	شبنم	سجادي	Y-A11C		4-D5
۷۳۳	شبنم	مختاری	Y-1BAA		2-B2 9-D3
۷۳۴	شجاع	سالاریان	Y-1A12 Y-11B2	Y-111E Y-A1BE	2-F4 4-F5 7-F5 8-E2
۷۳۵	شروین	دیوسالار	Y-11221 Y-1CA21 Y-131A1 Y-2CBA1		3-C3 7-B3 10-F4 12-C1
۷۳۶	شروین	دیوسالار	Y-B112		5-B4
۷۳۷	شروین	وحدت		Y-2DA1 Y-CA3A1	3-E4 6-B2
۷۳۸	شقایق	سالاریان	Y-111DA Y-A1BDA Y-1AA3A		4-F3 7-F3 8-E3
۷۳۹	شقایق	سالاریان	Y-2DAAA Y-CA3AAA		3-E3 6-B1
۷۴۰	شقایق	شابیگی	Y-BACAD		5-C1
۷۴۱	شقایق	شایگان	Y-BAA3A		5-C3
۷۴۲	شقایق	محمدی		Y-2311 Y-24A1 Y-BABBA1	3-F3 5-G2
۷۴۳	شکرالله	دیوسالار	Y-113		2-D4 7-C2

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۷۴۴	شکوفا	سالاریان	Y-1A14B Y-11B4B		7-F4 8-G2
۷۴۵	شکیبا	دیوسالار	Y-231A Y-24AA Y-BABBAA		3-F3 5-G2
۷۴۶	شکیبا	سالاریان	Y-1A14A Y-11B4A		7-F4 8-G1
۷۴۷	شلی	دیوسالار		Y-BAA2	5-B3
۷۴۸	شمسی	دیوسالار	Y-1BBB		2-B2 9-E3
۷۴۹	شهاب	درویش	Y-2B1A1		3-D2
۷۵۰	شهاب	سالاریان	Y-1A14 Y-11B4		2-G4 7-F5 8-G2
۷۵۱	شهباز	دیوسالار	Y-B1C2		5-E4
۷۵۲	شهداد	سالاریان	Y-2A26		3-D5
۷۵۳	شهراد	یوسفي زاده	Y-BABD2		5-E3
۷۵۴	شهرام	مختاری	Y-1BA3		2-B1 9-C3
۷۵۵	شهربانو	خسرواني		Y-A1AA2	4-A4
۷۵۶	شهربانو	دیوسالار	Y-BABD		5-D3
۷۵۷	شهرزاد	دیوسالار	Y-2B1A		3-E3
۷۵۸	شهرزاد	زرکانی		Y-B1CB1	5-F5
۷۵۹	شهرزاد	محبی		Y-B1CB2	5-F5
۷۶۰	شهرضا	حقجو	Y-2DA1 Y-CA3A1		3-E4 6-B2
۷۶۱	شهروز	سالاریان	Y-2A23		3-D5
۷۶۲	شهري	شیخی		Y-22	3-A1
۷۶۳	شهریار	دهلوي	Y-2C11 Y-2AA1		3-B4
۷۶۴	شهریار	محمدي		Y-113A	7-C2
۷۶۵	شهلا	دیوسالار	Y-B1CB		5-F5
۷۶۶	شهلا	سالاریان		Y-1AA2	8-F4
۷۶۷	شهلا	غلامی	Y-1BBAB		9-F2
۷۶۸	شهناز			Y-212	3-B3
۷۶۹	شهناز	دیوسالار	Y-11AA		2-F3 7-E2
۷۷۰	شهناز	کاویانپور	Y-1DBD		2-G1 11-F2
۷۷۱	شهنام	دیوسالار	Y-13B3		2-B4 12-F2
۷۷۲	شهوند	یوسفي زاده	Y-BABD1		5-E3
۷۷۳	شهین	دهلوي	Y-2CB	Y-131	2-D4 3-B2 12-A2
۷۷۴	شهین	دیوسالار	Y-B1CA		5-E5
۷۷۵	شورا	نیک نژاد		Y-1ABB1	8-C3
۷۷۶	شوکا	دشتی	Y-BABAAB		5-D1
۷۷۷	شوکا	سهرابي	Y-24DA Y-BABBDA		3-F4 5-F1
۷۷۸	شوکت	درویش		Y-A11(I)	4-D4
۷۷۹	شوکت	دیوسالار	Y-11B	Y-1A1	2-F4 7-D5 8-E2
۷۸۰	شوکت	سالاریان	Y-CA1D	Y-2A3(I)	3-F5 6-G3
۷۸۱	شیدا		Y-1D1AA		11-B4
۷۸۲	شیدا	سالاریان	Y-CA1C		6-F5
۷۸۳	شیرین	دیوسالار	Y-131B Y-2CBB		2-B4 3-C2 12-B2
۷۸۴	شیرین	زرشناس	Y-BABA1B		5-E1
۷۸۵	شیرین	سالاریان	Y-1A12A Y-11B2A Y-111EA Y-A1BEA		4-F5 7-F5 8-F2
۷۸۶	شیرین	سجادي	Y-A112B		4-D4
۷۸۷	شیلان	یوسفي زاده	Y-BABD1A		5-E4
۷۸۸	شیما	حقجو	Y-2DAA Y-CA3AA		3-E4 6-B1
۷۸۹	شیما	سالاریان	Y-1A11C Y-11B1C		7-E4 8-E1
۷۹۰	شیوا	دهلوي	Y-2C1A Y-2AAA		3-B4

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۷۹۱	شیوا	سالاریان	Y-1A11B Y-11B1B		7-E4 8-E1
	ص				
۷۹۲	صابره	دیوسالار	Y-13AE		2-C4 12-G3
۷۹۳	صادق	حسيني كالج	Y-1AB22		8-B2
۷۹۴	صالحه			Y-1123	7-A4
۷۹۵	صبا	مقصودي	Y-11ADA		7-E4
۷۹۶	صدرا			Y-BAAAA	5-C3
۷۹۷	صدرا	سهرابي	Y-24D2 Y-BABBD2		3-F4 5-F1
۷۹۸	صدرا الله	سالاریان		Y-CAA	6-E3
۷۹۹	صدري	سالاریان		Y-11AG	7-E3
۸۰۰	صدف	زارع چیان	Y-CA2BA Y-B1ABA		5-D5 6-C4
۸۰۱	صدف	سالاریان	Y-1AA1A		8-E5
۸۰۲	صدیقه			Y-CA1(III)	6-E3
۸۰۳	صدیقه	حقایقی		Y-1C3	2-D2 10-D4
۸۰۴	صدیقه	درویش		Y-21	3-A3
۸۰۵	صدیقه	دیوسالار	Y-11AD		2-F3 7-E3
۸۰۶	صدیقه	سجادي	Y-1C1C	Y-1121 Y-1CA1	2-D3 7-A3 10-E3
۸۰۷	صفر	مختاری		Y-1D(III)	2-E1 11-A2
۸۰۸	صفي الله	سالاریان	Y-1AA1		2-G5 8-E4
۸۰۹	صمد	دیوسالار	Y-1144 Y-1AAA4		2-G5 7-B2 8-G4
	ض				
۸۱۰	ضرغام	جهانشاهی		Y-2A3B	3-F5
۸۱۱	ضرغام	دیوسالار		Y-1CE	2-D2 10-C2
۸۱۲	ضیا			Y-1CBA	10-B4
۸۱۳	ضیا	حسینی		Y-112D Y-1CAD	7-C4 10-G4
	ط				
۸۱۴	طاها		Y-1B1C2 Y-1CCC2		9-C5 10-D5
۸۱۵	طاهر		Y-1DA1		2-F2 11-E4
۸۱۶	طاهر	موسوی	Y-BAC21		5-C1
۸۱۷	طاهره			Y-BAC2	5-C1
۸۱۸	طاهره			Y-1AB12	8-B3
۸۱۹	طراوت	ملایی	Y-23DB		3-G4
۸۲۰	طناز	دیوسالار	Y-211B Y-2CAB	Y-241 Y-BABB1	3-E2 5-F2
۸۲۱	طهورا	موسوی	Y-BAC2A		5-C1
۸۲۲	طوبی	شایگان	Y-BAAC		5-D3
۸۲۳	طیبه	دیوسالار		Y-1AA1	8-E5
	ع				
۸۲۴	عابد	حامدی	Y-1D15		2-E2 11-B3

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۸۲۵	عارفه	فیاضي	Y-1CB1A		10-B5
۸۲۶	عاطفه	دیوسالار	Y-13AD		2-C4 12-F3
۸۲۷	عبادالله			Y-1D3A	11-B2
۸۲۸	عباس	سالاریان	Y-CAA1		6-E2
۸۲۹	عباس	یزداني		Y-1AAB	8-G4
۸۳۰	عبدالباقي	سجادي		Y-1C	2-A3 10-A3
۸۳۱	عبدالحسین			Y-114B Y-1AAAB	7-B1 8-F3
۸۳۲	عبدالحسین	سالاریان	Y-CA13		6-E5
۸۳۳	عبدالرضا		Y-1BBE1		9-F2
۸۳۴	عبدالرضا	دیوسالار	Y-1114 Y-A1B4	Y-23E	2-G3 3-F2 4-F2 7-F3
۸۳۵	عبدالرضا	سالاریان	Y-2D1 Y-CA31		3-C4 6-C3
۸۳۶	عبدالرضا	غلامی	Y-1BBA2		9-F2
۸۳۷	عبدالصاحب	سالاریان	Y-2A11		3-F5
۸۳۸	عبدالقدیر	سالاریان		Y-11AC	7-E3
۸۳۹	عبدالله	موسوی	Y-BAC3		5-B1
۸۴۰	عبدالوهاب	سجادي	Y-A1		1-E5 4-B2
۸۴۱	عبدالوهاب	سجادي	Y-A111	Y-111C Y-A1BC	4-E4 7-G3
۸۴۲	عذرا			Y-1D3	2-E1 11-B2
۸۴۳	عرفان	دیوسالار	Y-11211 Y-1CA11 Y-1C1C1		7-A3 10-E2
۸۴۴	عرفان	فیاضي	Y-1CB21		10-B4
۸۴۵	عزت الله	دیوسالار	Y-13		1-F1 2-B3 12-A3
۸۴۶	عزت الله	سالاریان		Y-CA1A	6-G5
۸۴۷	عزیز	حسيني كالج	Y-1AB33		8-B1
۸۴۸	عزیز	دیوسالار		Y-112B Y-1CAB	7-C4 10-F3
۸۴۹	عزیزالله	دیوسالار	Y-114	Y-1AAA	2-F5 7-A2 8-E3
۸۵۰	عسل	سالاریان	Y-2A22A		3-D4
۸۵۱	عسل	لطفی نژاد		Y-233 (II)	3-F2
۸۵۲	عشرت	دیوسالار	Y-11A		2-F2 7-D2
۸۵۳	عصمت	دیوسالار	Y-1BBE		2-B2 9-F2
۸۵۴	عطا	یزداني	Y-1AAB2		8-G5
۸۵۵	عطیه	ایزدي		Y-11	2-B4 7-A4
۸۵۶	عظیم	حامدی	Y-1D112		11-B4
۸۵۷	عظیم	حسيني كالج	Y-1AB31		8-B2
۸۵۸	عظیم	سالاریان	Y-2A4		3-C5
۸۵۹	عظیمه	دیوسالار	Y-2B		1-F3 3-B3
۸۶۰	عفت	دیوسالار	Y-B1C		5-E4
۸۶۱	عفت	دیوسالار		Y-B1C3	5-E4
۸۶۲	عقیق	سالاریان	Y-2A11C		3-F5
۸۶۳	علاألدین	دیوسالار	Y-241 Y-BABB1	Y-211B Y-2CAB	3-E2 5-F2
۸۶۴	علي			Y-1C1B	10-D2
۸۶۵	علي			Y-133C Y-112AC Y-1CAAC	7-B4 10-F5 12-C4
۸۶۶	علي		Y-1DA2		2-F2 11-E4
۸۶۷	علي	ایلخانی		Y-112BA Y-1CABA	7-C5 10-F2
۸۶۸	علي	حامدی	Y-1D113		11-B5
۸۶۹	علي	دیوسالار	Y-111A1 Y-A1BA1		4-G2 7-G2
۸۷۰	علي	دیوسالار	Y-1131		2-D4 7-D2
۸۷۱	علي	دیوسالار	Y-1CE1		2-D2 10-C2

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۸۷۲	علي	ديوسالار	Y-211A1 Y-2CAA1 Y-B1C11		3-D2 5-E5
۸۷۳	علي	ديوسالار	Y-2B33		3-D4
۸۷۴	علي	ديوسالار	Y-A1AA1	Y-11AAA	4-A4
۸۷۵	علي	سالاريان	Y-2D12 Y-CA312		3-C3 6-C2
۸۷۶	علي	سالاريان	Y-CA1A1		6-G5
۸۷۷	علي	فخاری		Y-1AB1B	8-B3
۸۷۸	علي	فخاری	Y-1ABA1		8-B3
۸۷۹	علي	فياضي	Y-1CB11		10-B4
۸۸۰	علي	يزداني	Y-24B1 Y-BABBB1		3-E2 5-F3
۸۸۱	علی			Y-1BD	2-B2 9-D4
۸۸۲	علی			Y-B11AA	5-C5
۸۸۳	علی	ديوسالار	Y-1BB12		9-D2
۸۸۴	علی	ديوسالار	Y-B1111		5-B5
۸۸۵	علی	ديوسالار	Y-B121		5-G4
۸۸۶	علی	ديوسالار		Y-1BB	9-D3
	علی	زرشناس	Y-BABA11		5-E1
۸۸۷	علی	سالاريان	Y-11AG1		7-E4
۸۸۸	علی	سالاريان	Y-CA171		6-E2
۸۸۹	علی	سليمانی		Y-11AAC	7-F2
۸۹۰	علی	شايگان	Y-BAA41		5-C3
۸۹۱	علی	فخاري	Y-CA1DA1 Y-2A3A1		3-G5 6-G3
۸۹۲	علی	قربانی	Y-1AB4A1		8-C1
۸۹۳	علی	محبان		Y-231C Y-24AC Y-BABBAC	3-F4 5-G2
۸۹۴	علی	موسوی	Y-BAC4		5-D1
۸۹۵	علی	نجفی		Y-BABCA	5-E2
۸۹۶	علی	نيكزاد		Y-2C1A Y-2AAA	3-B4
۸۹۷	علی	يزدانی	Y-1AAB1		8-G5
۸۹۸	علی اصغر	لرتبار	Y-1BC1		2-C1 9-G3
۸۹۹	علي اعظم	فخاری		Y-1ABB	8-C3
۹۰۰	علي اكبر			Y-1DA	2-F2 11-C3
۹۰۱	علی اكبر	لرتبار	Y-1BC2		2-B1 9-G3
۹۰۲	علي حسين	سالاريان	Y-CA12		6-E5
۹۰۳	عليرضا		Y-114B1 Y-1AAAB1		7-B1 8-F3
۹۰۴	عليرضا	جعفرزاده		Y-11ADA	7-E4
۹۰۵	عليرضا	ديوسالار	Y-11131 Y-A1B31 Y-11AE1		4-G3 7-F2
۹۰۶	عليرضا	ديوسالار	Y-13AE1		12-G4
۹۰۷	عليرضا	ديوسالار	Y-23		1-F3 3-E1
۹۰۸	عليرضا	صالحی		Y-1AB4C	8-C2
۹۰۹	عليرضا		Y-1BBE2		9-F2
۹۱۰	عليرضا	كليج	Y-1ABBC1		8-D4
۹۱۱	عيسي	حامدی		Y-1D(II)	2-E2 11-A3
۹۱۲	عيسي	حامدی	Y-1D21	Y-1DAD	2-G2 11-F3
۹۱۳	عيسي	ديوسالار	Y-1B1A2 Y-1CCA2		9-B5 10-C5
۹۱۴	عيسي	مقصودي		Y-11AD	7-E3
۹۱۵	غزل	درويش	Y-111B2B Y-A1BB2B		4-G4 7-G4
۹۱۶	غلامحسين	ديوسالار		Y-2B	3-B3
۹۱۷	غلامحسين	ديوسالار		Y-B1C	5-E5

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۹۱۸	غلامحسين	ديوسالار	Y-21		1-E4 3-A3
۹۱۹	غلامحسين	سالاريان		Y-CA	6-A4
۹۲۰	غلامحسين	كاسگر		Y-1D2B	11-F4
۹۲۱	غلامرضا		Y-1DAA1		11-D4
۹۲۲	غلامرضا	توجه		Y-21B	3-B3
۹۲۳	غلامرضا	ديوسالار	Y-1113 Y-A1B3	Y-11AE	2-G3 4-G3 7-F3
۹۲۴	غلامرضا	سالاريان	Y-CA15		6-F3
۹۲۵	غلامرضا	لاری		Y-1A1B Y-11BB	7-E5 8-F2
۹۲۶	فارا	سالاريان	Y-1AA5A		8-F5
۹۲۷	فاضله	سالاريان	Y-2A1A		3-E4
۹۲۸	فاطمه			Y-A1A12	4-C4
۹۲۹	فاطمه			Y-1CB1	10-B4
۹۳۰	فاطمه			Y-1C1	2-D3 10-D3
۹۳۱	فاطمه			Y-CA16	6-F3
۹۳۲	فاطمه			Y-1B11 Y-1CC1	9-B4 10-C4
۹۳۳	فاطمه		Y-1D1AC		11-B5
۹۳۴	فاطمه		Y-1D1BB		11-C4
۹۳۵	فاطمه	بور	Y-1BBDA		9-E2
۹۳۶	فاطمه	حسيني كالج	Y-1AB5A Y-1A1AA Y-11BAA		7-E4 8-D1
۹۳۷	فاطمه	ديوسالار	Y-1124A		7-B4
۹۳۸	فاطمه	ديوسالار	Y-13BA		2-B4 12-F2
۹۳۹	فاطمه	ديوسالار	Y-211C Y-2CAC		3-E2
۹۴۰	فاطمه	ديوسالار	Y-235A		3-F2
۹۴۱	فاطمه	ديوسالار		Y-1AB33	8-B1
۹۴۲	فاطمه	سالاريان		Y-1AB4	8-C2
۹۴۳	فاطمه	سالاريان	Y-1A1B Y-11BB		2-F4 7-E5 8-F2
۹۴۴	فاطمه	سالاريان	Y-1AA5B		8-F5
۹۴۵	فاطمه	سالاريان	Y-1B11A Y-1CC1A		9-B5 10-C5
۹۴۶	فاطمه	سالاريان	Y-2A21A		3-D4
۹۴۷	فاطمه	سالاريان	Y-CA14A		6-F4
۹۴۸	فاطمه	سجادي	Y-A1A		4-B2
۹۴۹	فاطمه	سهل آبادی		Y-222	3-G1
۹۵۰	فاطمه	شايگان	Y-BAA		5-A3
۹۵۱	فاطمه	غلامی	Y-1BBA2		9-F2
۹۵۲	فاطمه	فخاری	Y-1ABB1A		8-C4
۹۵۳	فاطمه	فخاری	Y-1ABBAB		8-C4
۹۵۴	فاطمه	موسوی	Y-B1CBB		5-F4
۹۵۵	فاطمه	موسوی	Y-BAC4A		5-D2
۹۵۶	فائزه	حامدی	Y-1D12A		11-B4
۹۵۷	فائزه	سالاريان	Y-2DDB Y-CA3DB		3-C3 6-C2
۹۵۸	فائزه	قربانی	Y-1AB4AA		8-C1
۹۵۹	فتانه	زرشناس	Y-BABAB		5-E2
۹۶۰	فتح الله	ديوسالار	Y-1		1-E2 2-A4
۹۶۱	فتح الله	ديوسالار	Y-112	Y-1CA	2-E3 7-A4 10-E3
۹۶۲	فخری	اميری		Y-B12	5-F4
۹۶۳	فخري سادات	سجادي	Y-A1B	Y-111	2-F3 4-E1 7-F2
۹۶۴	فراز	سالاريان	Y-2A221		3-D4

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۹۶۵	فراست	مختاري		Y-1111 Y-A1B1	4-F1 7-F1
۹۶۶	فرامرز	جلاب		Y-112E Y-1CAE	7-B3 10-G3
۹۶۷	فرامرز	دیوسالار	Y-11111 Y-A1B11		4-G1 7-F1
۹۶۸	فرامرز	دیوسالار	Y-1112 Y-A1B2		2-F3 4-F1 7-F1
۹۶۹	فرامرز	فخاری	Y-1ABB3		8-C3
۹۷۰	فرانک			Y-1BB1	9-D2
۹۷۱	فرانک	دیوسالار	Y-131C Y-2CBC		2-D4 3-C2 12-C2
۹۷۲	فرانک	سالاریان	Y-2A11A		3-F5
۹۷۳	فرانک	نیکزاد	Y-A11AB		4-D3
۹۷۴	فرح	سالاریان	Y-CA1B		6-F5
۹۷۵	فرحناز	دیوسالار	Y-131A Y-2CBA	Y-1122 Y-1CA2	2-D4 3-C2 7-B3 10-F4 12-C2
۹۷۶	فرحناز	کاویانپور	Y-1D13B Y-1DABB		11-C4
۹۷۷	فرحناز	موسوی	Y-BACBA		5-C2
۹۷۸	فرخ	دیوسالار	Y-B1B		5-C4
۹۷۹	فرخ	کاویانپور	Y-1D131 Y-1DAB1		11-C4
۹۸۰	فرخنده	سالاریان	Y-1BA		2-B2 9-B3
۹۸۱	فردین	جلاب	Y-112E2 Y-1CAE2		7-B3 10-G2
۹۸۲	فردین	سالاریان	Y-2A22		3-D5
۹۸۳	فرزاد	خاکباز		Y-CA2C Y-B1AC	5-D5 6-C4
۹۸۴	فرزاد	دیوسالار	Y-11112 Y-A1B12		4-G1 7-G1
۹۸۵	فرزاد	دیوسالار	Y-1313 Y-2CB3		2-D1 3-C2 12-C2
۹۸۶	فرزاد	دیوسالار	Y-1BB1		9-D2
۹۸۷	فرزام	دیوسالار	Y-232		3-G3
۹۸۸	فرزانه	دیوسالار	Y-1111A Y-A1B1A		4-G1 7-G1
۹۸۹	فرزانه	دیوسالار	Y-23D		3-G4
۹۹۰	فرزانه	دیوسالار	Y-B1C2A		5-E4
۹۹۱	فرزانه	علمده اي	Y-BABCA		5-E3
۹۹۲	فرزین		Y-1DAA11		11-D5
۹۹۳	فرزین	جلاب	Y-112E3 Y-1CAE3		7-B3 10-G2
۹۹۴	فرشاد	مختاري		Y-2DE Y-CA3E	3-B4 6-D2
۹۹۵	فرشاد	موسوی	Y-BACB3		5-C2
۹۹۶	فرشته			Y-A1AA3	4-B4
۹۹۷	فرشته			Y-1BA4	9-C2
۹۹۸	فرشته		Y-1DAAA		11-D4
۹۹۹	فرشته	دیوسالار	Y-112D Y-1CAD		2-D3 7-C4 10-G3
۱۰۰۰	فرشته	زرشناس	Y-BABAC		5-E1
۱۰۰۱	فرشته	سالاریان	Y-2DDA Y-CA3DA		3-C3 6-C2
۱۰۰۲	فرشته	سالاریان		Y-1B21	9-D4
۱۰۰۳	فرشته	قاضی		Y-BAA3	5-B4
۱۰۰۴	فرشید	دیوسالار	Y-1331 Y-112A1 Y-1CAA1		2-C3 7-C4 10-E4 12-B4
۱۰۰۵	فرشید	دیوسالار	Y-2321		3-G5
۱۰۰۶	فرشید	سالاریان	Y-2A14		3-E5
۱۰۰۷	فرشید	علمده اي	Y-BABC1		5-E3
۱۰۰۸	فرشید	موسوی	Y-BACB2		5-C2
۱۰۰۹	فرناز	دیوسالار	Y-232A		3-G5
۱۰۱۰	فرناز	سالاریان	Y-CA2D		5-D5

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
			Y-B1AD		6-D5
۱۰۱۱	فرناز	علمده اي	Y-BABCB		5-E3
۱۰۱۲	فرناز	موسوی	Y-BACBB		5-C2
۱۰۱۳	فرنام	دیوسالار	Y-233	Y-111G Y-A1BG	3-F2 4-F4 7-G3
۱۰۱۴	فرهاد	حاج علي اکبري		Y-111F Y-A1BF	4-F4 7-F4
۱۰۱۵	فرهاد	دیوسالار	Y-1312 Y-2CB2	Y-112H	2-E2 3-C2 7-A5 12-B2
۱۰۱۶	فرهنگ	دیوسالار	Y-2B4	Y-24E	3-E3
۱۰۱۷	فروزان	خاکپور		Y-242 Y-BABB2	3-F2 5-F3
۱۰۱۸	فروزان	دیوسالار	Y-112F Y-1CAF		2-E3 7-C3 10-F3
۱۰۱۹	فروغ	دیوسالار	Y-112E Y-1CAE		2-E3 7-B3 10-G3
۱۰۲۰	فروغ	سالاریان		Y-1AAB1	8-G5
۱۰۲۱	فروغ	فخاري	Y-CA1DAA Y-2A3AA		3-G5 6-G3
۱۰۲۲	فروغ	فروزش	Y-1AB4DA		8-C1
۱۰۲۳	فریال	سالاریان	Y-CA1AB		6-G5
۱۰۲۴	فریبا	فخاری	Y-1ABBC		8-D3
۱۰۲۵	فریبرز	جلاب	Y-112E1 Y-1CAE1		7-B3 10-G3
۱۰۲۶	فریبرز	فخاری	Y-1ABB1		8-C3
۱۰۲۷	فرید	مختاري	Y-2DE1 Y-CA3E1		3-B3 6-D2
۱۰۲۸	فرید	موسوی	Y-BACB1		5-C2
۱۰۲۹	فرید	دیوسالار	Y-242 Y-BABB2		3-E3 5-F2
۱۰۳۰	فریده	حمیدی		Y-1AA4	8-E5
۱۰۳۱	فریده	دیوسالار	Y-111E Y-A1BE	Y-1A12 Y-11B2	2-F3 4-F5 7-F5 8-E2
۱۰۳۲	فریده	فخاری	Y-1ABBA		8-C3
۱۰۳۳	فریده	نیک نژاد		Y-1AA5	8-F5
۱۰۳۴	فریده	دیوسالار	Y-22A		3-G2
۱۰۳۵	فریدون	مافی		Y-BAAB	5-C4
۱۰۳۶	فریدون	حیدري		Y-2BA	3-C3
۱۰۳۷	فریدون	مجتهد راده		Y-CA1B	6-F5
۱۰۳۸	فریماه	سالاریان	Y-2A11B		3-F5
۱۰۳۹	فریماه	فخاري	Y-CA1DAB Y-2A3AB		3-G5 6-G2
۱۰۴۰	فضل الله			Y-1D(I)	2-E2 11-A3
۱۰۴۱	فضل الله	دیوسالار	Y-111	Y-A1B	2-F3 4-E2 7-F1
۱۰۴۲	فهیمه		Y-1DAC		2-F2 11-E4
۱۰۴۳	فهیمه	دیوسالار	Y-21B		3-A3
۱۰۴۴	فهیمه	فخاری	Y-1ABBB		8-C3
۱۰۴۵	فهیمه	مختاري		Y-2A11	3-F4
۱۰۴۶	فوزیه	دیوسالار	Y-23C		3-G4
۱۰۴۷	فیروز	حامدی	Y-1D12		2-E2 11-B4
	ق				
۱۰۴۸	قاسم	لرتبار		Y-1BC	2-B1 9-F3
۱۰۴۹	قاسم	مختاری	Y-1D33		2-F1 11-B2
۱۰۵۰	قدرت	ترشی		Y-1AAC	8-F4
۱۰۵۱	قدسي			Y-2D2 Y-CA32	3-C4 6-D2
۱۰۵۲	قربانعلي	کاویانپور		Y-1DB	2-F1 11-D2

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
١٠٥٣	قربانعلي	معاديخواه		Y-112G Y-1CAG	7-C3 10-G3
١٠٥٤	قمر	حامدی	Y-1DA		2-F2 11-C3
١٠٥٥	قهرمان	حامدی	Y-1D11		2-E3 11-B4
١٠٥٦	قهرمان	كليج		Y-1ABBC	8-D3
١٠٥٧	قوام	حقجو		Y-2DA Y-CA3A	3-E4 6-B2

ک

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
١٠٥٨	كارن	نيكزاد	Y-A11A11		4-D4
١٠٥٩	كاظم	فياضي	Y-1CB3		10-B3
١٠٦٠	كافي	ديوسالار	Y-11AE	Y-1113 Y-A1B3	2-G3 4-G3 7-F3
١٠٦١	كافيه	ديوسالار	Y-2BA		3-C3
١٠٦٢	كامبيز	اسدی		Y-2B1C	3-D2
١٠٦٣	كامران	سالاريان	Y-1AA2		2-F5 8-F4
١٠٦٤	كامليا	يوسفی بارفروش	Y-2A1AA		3-F4
١٠٦٥	كاميار	درويش		Y-113B	7-C1
١٠٦٦	كاوه	سالاريان	Y-2A51		3-E5
١٠٦٧	كاوه	فخاري	Y-2DC1 Y-CA3C1	Y-2A4A	3-C5 6-C2
١٠٦٨	كتايون	سالاريان	Y-CA12A		6-E4
١٠٦٩	كريم			Y-1BBBA	9-E1
١٠٧٠	كريم	حسيني كالج	Y-1AB32		8-B2
١٠٧١	كريم	سالاريان	Y-2A5		3-E5
١٠٧٢	كسري	درويش	Y-113B1		7-C1
١٠٧٣	كسري	فخاري	Y-2DC3 Y-CA3C3		3-C4 6-C2
١٠٧٤	كورش	ديوسالار	Y-1123		2-E3 7-A4
١٠٧٥	كورش	ديوسالار	Y-2331		3-F2
١٠٧٦	كورش	ديوسالار	Y-234		3-F1
١٠٧٧	كورش	مختاری	Y-1BA2		2-B1 9-B3
١٠٧٨	كوشا	ديوسالار	Y-2B21		3-D4
١٠٧٩	كوهيار	ديوسالار	Y-2B12		3-D3
١٠٨٠	كوهيار	سالاريان	Y-CA1A2		6-G5
١٠٨١					
١٠٨٢	كيا			Y-1D1B	11-C4
١٠٨٣	كيان	اسدی	Y-2B1C1		3-D2
١٠٨٤	كيانوش	سالاريان	Y-1B11 Y-1CC1		2-C1 9-B4 10-C4
١٠٨٥	كيهان	فخاري	Y-2DC2 Y-CA3C2	Y-2BAA	3-C4 6-C1
١٠٨٦	كيوان	ايزدي		Y-11CA	7-D5
١٠٨٧	كيومرث	ديوسالار	Y-211	Y-2CA	3-D2

گ

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
١٠٨٨	گلپر	ديوسالار	Y-241B Y-BABB1B Y-211BB Y-2CABB		3-E3 5-F1
١٠٨٩	گلناز	ديوسالار	Y-233A Y-111G Y-A1BGA		3-F2 4-F3 7-F3
١٠٩٠	گلناز	سهراب زاده	Y-BAAA1A		5-C2
١٠٩١	گلنسا	سالار	Y-1AADA		8-F4
١٠٩٢	گوهر			Y-1D12	11-B4
١٠٩٣	گوهر	ديوسالار	Y-23B	Y-221	3-G3
١٠٩٤	گوهر	سالاريان	Y-1AAD		2-G5 8-E4
١٠٩٥	گيتي	سالاريان	Y-CA2B Y-B1AB		5-D5 6-C5
١٠٩٦	گيسو		Y-13ADA		12-F2

ل

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
١٠٩٧	لاله	خندان	Y-B1CAA		5-E5
١٠٩٨	لاله	ديوسالار	Y-112BB Y-1CABB		7-C5 10-F2
١٠٩٩	لاين	جانيک		Y-B112	5-B4
١١٠٠	لطف الله	ديوسالار		Y-1AB2A	8-B2
١١٠١	لطيفه	مباركي		Y-23 (II)	3-E2
١١٠٢	لهراسب	درويش		Y-2B1A	3-E3
١١٠٣	ليلا	احسانی		Y-11A3	7-E2
١١٠٤	ليلا	ديوسالار	Y-113B		2-D4 7-D1
١١٠٥	ليلا	ديوسالار	Y-24D Y-BABBD		3-F3 5-F2
١١٠٦	ليلا	ديوسالار	Y-A1A1A		4-C4
١١٠٧	ليلا			Y-CA1A4	6-G4
١١٠٨	ليلا	محمديان		Y-11AA1	7-F2
١١٠٩	ليليا	سالاريان		Y-2A12B	3-E4
١١١٠	لين	كوولا		Y-B113	5-C5

م

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
١١١١	ماتيا	سجادی	Y-1C24A		10-B1
١١١٢	مارال	ماهر	Y-21BAA		3-B2
١١١٣	مارون	قندی		Y-A112A	4-D4
١١١٤	ماريا	سالاريان	Y-2AA	Y-2C1	3-B5
١١١٥	مازيار	دهلوي	Y-2C12 Y-2AA2		3-B4
١١١٦	مازيار	ديوسالار	Y-11431 Y-1AAA31		7-A1 8-F3
١١١٧	مالک	درويش		Y-111B Y-A1BB	4-F4 7-F5
١١١٨	ماني	ساوجي	Y-CA4A1		6-B4
١١١٩	ماني	فرخ سير	Y-2DB2 Y-CA3B2		3-D4 6-B1
١١٢٠	ماه سلطان	ديوسالار		Y-B1	5-A4
١١٢١	ماه ننه	جلاب		Y-23 (I)	3-E1
١١٢٢	ماهان	ديوسالار	Y-13121 Y-2CB21 Y-112H1		3-C3 7-A5 12-B1
١١٢٣	ماهدخت	ايزدي	Y-11CAA		7-D4
١١٢٤	ماهرخ	ديوسالار	Y-111D Y-A1BD	Y-1AA3	2-G3 4-F4 7-F4 8-E4
١١٢٥	ماهرخ	سالاريان	Y-2DD Y-CA3D		3-C4 6-C3
١١٢٦	ماهيار	سالاريان	Y-CA1A4		6-G4
١١٢٧	مانده	صالحی	Y-1AB4CA		8-C1
١١٢٨	مانده	كليج	Y-1ABBCA		8-D3
١١٢٩	مبين		Y-1DBA1		11-E1
١١٣٠	مبين		Y-212B1		3-B5
١١٣١	متينا		Y-1142A Y-1AAA2A		7-B1 8-F3
١١٣٢	متينا		Y-1311A Y-2CB1A		3-C2 12-B1
١١٣٣	مجتبي	حسيني كالج	Y-1AB13		8-B3
١١٣٤	مجتبي	ديوسالار	Y-134	Y-24C Y-BABBC	2-C3 3-F3 5-F1 12-D3
١١٣٥	مجتبي	زرشناس	Y-BABA1		5-E2

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۱۳۶	مجتبی	سالاریان	Y-1B21		2-B2 9-D4
۱۱۳۷	مجید			Y-1BBAC	9-F2
۱۱۳۸	مجید	طرزی		Y-BAACB	5-D3
۱۱۳۹	مجید	درویش	Y-111B2 Y-A1BB2		4-G5 7-G4
۱۱۴۰	محبوبه	بختیاری	Y-22AA		3-G3
۱۱۴۱	محبوبه	دیوسالار	Y-11AC		2-F2 7-E3
۱۱۴۲	محبوبه	سالار	Y-1BBBA		9-E1
۱۱۴۳	محترم	دیوسالار		Y-1AB3	8-B2
۱۱۴۴	محدثه		Y-1D3AA		11-C2
۱۱۴۵	محراب	حسيني كالج	Y-1AB331		8-B1
۱۱۴۶	محسن			Y-13AD	12-F3
۱۱۴۷	محسن	درویش	Y-111B3 Y-A1BB3		4-F5 7-F4
۱۱۴۸	محسن	دیوسالار	Y-13A2		2-C3 12-F4
۱۱۴۹	محسن	دیوسالار	Y-2213 Y-23B3		3-G3
۱۱۵۰	محسن	فیروزی		Y-114AC Y-1AAAAC	7-B1 8-G3
۱۱۵۱	محسن	سجادي	Y-1C3		2-D2 10-D3
۱۱۵۲	محلا	دیوسالار	Y-11A3A		7-E2
۱۱۵۳	محمد			Y-133A Y-112AA Y-1CAAA	7-C5 10-F4 12-B4
۱۱۵۴	محمد		Y-112I1		7-B5
۱۱۵۵	محمد		Y-1B1C1 Y-1CCC1		9-C4 10-D4
۱۱۵۶	محمد		Y-1CBA1		10-B4
۱۱۵۷	محمد	ایزدي	Y-11CA1		7-D5
۱۱۵۸	محمد	حسيني كالج	Y-1AB51 Y-1A1A1 Y-11BA1		7-E4 8-D2
۱۱۵۹	محمد	دیوسالار	Y-11311		7-D2
۱۱۶۰	محمد	دیوسالار	Y-1332 Y-112A2 Y-1CAA2		2-D3 7-B4 10-F4 12-B4
۱۱۶۱	محمد	دیوسالار	Y-1BB2		9-E3
۱۱۶۲	محمد	دیوسالار	Y-2112 Y-2CA2		3-D2
۱۱۶۳	محمد	رحمانی	Y-CA1C1		6-F4
۱۱۶۴	محمد	سالاریان		Y-2DD Y-CA3D	3-C4 6-C2
۱۱۶۵	محمد	سالاریان	Y-1AA4		2-G5 8-E4
۱۱۶۶	محمد	سالاریان	Y-2A24		3-D5
۱۱۶۷	محمد	سجادي	Y-1C1		2-D3 10-D3
۱۱۶۸	محمد	سجادي	Y-1C21		2-B3 10-B2
۱۱۶۹	محمد	شایگان	Y-BAA21		5-B3
۱۱۷۰	محمد	مختاري	Y-2DE2 Y-CA3E2		3-B3 6-D2
۱۱۷۱	محمد	موسوی	Y-B1CB2		5-F5
۱۱۷۲	محمد	موسوی	Y-BAC32		5-D1
۱۱۷۳	محمد	یزداني		Y-24B Y-BABBB	3-E2 5-F3
۱۱۷۴	محمد امین		Y-1CDA1		10-E5
۱۱۷۵	محمد حسین		Y-1B1C3 Y-1CCC3		9-C5 10-D5
۱۱۷۶	محمد حسین	لاری	Y-1A1B1 Y-11BB1		7-E4 8-F1
۱۱۷۷	محمد رضا	دیوسالار	Y-1341 Y-24C1 Y-BABBC1		3-F4 5-F1 12-E2
۱۱۷۸	محمد رضا	سالاریان	Y-CA17		6-E2
۱۱۷۹	محمدرضا	سهراب زاده	Y-BAAA11		5-C2
۱۱۸۰	محمد رضا	نیکزاد		Y-A11A	4-D3
۱۱۸۱	محمد سجاد	خادم		Y-2A5A	3-E4

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۱۸۲	محمد صالح	دیوسالار	Y-13A1	Y-1BBC	9-E2 12-F4
۱۱۸۳	محمد علي	ایزدي	Y-11C1		2-C4 7-D4
۱۱۸۴	محمد مهدی	سالاریان	Y-CA18		6-E2
۱۱۸۵	محمدآقا	سالاریان		Y-2A	3-B5
۱۱۸۶	محمدجواد	بختیاری	Y-22A2		3-G3
۱۱۸۷	محمدرضا		Y-BAAA2		5-C3
۱۱۸۸	محمدرضا	بختیاری	Y-22A1		3-G2
۱۱۸۹	محمدرضا	حقجو	Y-2DA2 Y-CA3A2		3-E4 6-B2
۱۱۹۰	محمدرضا	دیوسالار	Y-11422 Y-1AAA22		7-B1 8-F3
۱۱۹۱	محمدرضا	دیوسالار	Y-A1AA11 Y-11AAA1		4-A4
۱۱۹۲	محمدرضا	شیرخان		Y-112BB Y-1CABB	7-C5 10-F2
۱۱۹۳	محمدرضا	صالحی	Y-1AB4C1		8-C1
۱۱۹۴	محمدرضا	فخاری	Y-1AB1A1		8-C3
۱۱۹۵	محمدرضا	فخاری	Y-1ABB2		8-B4
۱۱۹۶	محمدرضا	ماهر		Y-21BA	3-B2
۱۱۹۷	محمدصادق	دیوسالار	Y-2232		3-G2
۱۱۹۸	محمدعلي	زرشناس		Y-BABA	5-D2
۱۱۹۹	محمدمهدی	دیوسالار	Y-13211 Y-1CF11		10-C2 12-D4
۱۲۰۰	محمد ولی	دیوسالار	Y-22		1-F4 3-A1
۱۲۰۱	محمدولي	دیوسالار	Y-2211 Y-23B1		3-G3
۱۲۰۲	محمود			Y-1CDA	10-E4
۱۲۰۳	محمود			Y-BAC1A	5-C2
۱۲۰۴	محمود	دیوسالار	Y-1142 Y-1AAA2		2-G5 7-B2 8-F3
۱۲۰۵	محمود	دیوسالار	Y-A1A12		4-C4
۱۲۰۶	محمود	دیوسالار	Y-A1A2		4-B3
۱۲۰۷	محمود	رحمانی	Y-CA1C2		6-G4
۱۲۰۸	محمود	سالار		Y-1BBB	9-E2
۱۲۰۹	محمود	سجادي	Y-1C11		2-D2 10-E2
۱۲۱۰	محمود	شماعی		Y-2DBA Y-CA3BA	3-D4 6-B2
۱۲۱۱	محمود	علمده اي		Y-BABC	5-E3
۱۲۱۲	محمودرضا		Y-BAAA1		5-C3
۱۲۱۳	محمودرضا	سالاریان	Y-CA16		6-F3
۱۲۱۴	مرتضي	آذین		Y-21A	3-A4
۱۲۱۵	مرتضي	دیوسالار	Y-11132 Y-A1B32 Y-11AE2		4-G2 7-F2
۱۲۱۶	مرتضي	دیوسالار	Y-11231		7-A4
۱۲۱۷	مرتضي	دیوسالار	Y-13A21		12-F4
۱۲۱۸	مرتضی	بختیاری	Y-22A2		3-G2
۱۲۱۹	مرجان			Y-2C11 Y-2AA1	3-B5
۱۲۲۰	مرجان	سالاریان	Y-1A1C Y-11BC	Y-1115 Y-A1B5	2-G4 4-F2 7-F5 8-G2
۱۲۲۱	مرجان	سالاریان	Y-2DE Y-CA3E		3-B4 6-D3
۱۲۲۲	مرجانه	دیوسالار	Y-BAACB		5-D3
۱۲۲۳	مرداویج	دهلوي	Y-2C13 Y-2AA3		3-C5
۱۲۲۴	مرسده			Y-CA1A3	6-G4
۱۲۲۵	مرصع	دیوسالار	Y-2C		1-F3 3-B2
۱۲۲۶	مرضیه	فیاضي	Y-1CBC		2-C2 10-B3
۱۲۲۷	مرضیه			Y-2DB2 Y-CA3B2	3-D4 6-B1
۱۲۲۸	مرضیه	دیوسالار	Y-A1A1B		4-C3
۱۲۲۹	مرضیه	دیوسالار	Y-BA		1-F4 5-A2
۱۲۳۰	مرضیه	سالار	Y-1BBBB		9-E2

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۲۳۱	مرضیه			Y-1B22	9-E4
۱۲۳۲	مریم			Y-BAAA2	5-C2
۱۲۳۳	مریم			Y-13B3	12-F2
۱۲۳۴	مریم			Y-1313 Y-2CB3	3-D3 12-C2
۱۲۳۵	مریم			Y-2B31	3-C3
۱۲۳۶	مریم		Y-1CBAB		10-B5
۱۲۳۷	مریم	آذین	Y-21AA		3-A4
۱۲۳۸	مریم	خدایي		Y-235	3-F2
۱۲۳۹	مریم	حسیني کالج	Y-1AB42A		8-C2
۱۲۴۰	مریم	دیوسالار		Y-13A2	12-F4
۱۲۴۱	مریم	دیوسالار	Y-111B Y-A1BB		2-F3 4F-4 7-F5
۱۲۴۲	مریم	دیوسالار	Y-221A Y-23BA		3-G3
۱۲۴۳	مریم	دیوسالار	Y-2B1B		3-D2
۱۲۴۴	مریم	دیوسالار	Y-A1AAB		4-B4
۱۲۴۵	مریم	دیوسالار	Y-B12A		5-G4
۱۲۴۶	مریم	شاهیپور		Y-A112	4-D4
۱۲۴۷	مریم	شایگان	Y-BAA2C		5-B3
۱۲۴۸	مریم	کاویانپور	Y-1CDC		2-D1 10-E4
۱۲۴۹	مریم	غلامی	Y-1BBAC		9-F2
۱۲۵۰	مریم	فخاری	Y-1ABBAA		8-C4
۱۲۵۱	مزدک	فرخ سیر	Y-2DB1 Y-CA3B1		3-D3 6-B2
۱۲۵۲	مژگان			Y-1CB2	10-B4
۱۲۵۳	مژگان			Y-1BA2	9-B2
۱۲۵۴	مژگان	دیوسالار	Y-111G Y-A1BG	Y-233 (I)	2-G3 3-F2 4-F3 7-F3
۱۲۵۵	مژگان	دیوسالار	Y-BAACA		5-D3
۱۲۵۶	مژگان	سالاریان		Y-2D1 Y-CA31	3-C4 6-C2
۱۲۵۷	مسعود	دهلوي	Y-2C3		3-C2
۱۲۵۸	مسعود	سالاریان	Y-CA4		6-B4
۱۲۵۹	مسعود	سجادي	Y-A113	Y-1CBB	4-E4 10-B4
۱۲۶۰	مسیح	سالاریان		Y-1A	2-B5 8-A4
۱۲۶۱	مسیح	موسوي		Y-BAC	5-B1
۱۲۶۲	مصطفي	خسروانی		Y-B11A	5-C4
۱۲۶۳	مصطفي	دیوسالار	Y-243 Y-BABB3		3-E2 5-G3
۱۲۶۴	مصطفي	سالاریان	Y-1B13 Y-1CC3		2-C1 9-C3 10-C4
۱۲۶۵	مصطفی	حسیني کالج	Y-1AB131		8-B3
۱۲۶۶	مصطفی	حسیني کالج	Y-1AB412		8-C1
۱۲۶۷	مصطفی	سالاریان	Y-CA141		6-F4
۱۲۶۸	مظفر	سالاریان	Y-1B1	Y-1CC	2-C2 9-B3 10-C4
۱۲۶۹	معصومه			Y-1CB3	10-B3
۱۲۷۰	معصومه			Y-CA17	6-E2
۱۲۷۱	معصومه			Y-1BA3	9-C2
۱۲۷۲	معصومه		Y-112IA		7-B5
۱۲۷۳	معصومه		Y-1CDCA		10-E4
۱۲۷۴	معصومه	حسیني کالج	Y-1AB1B		8-B3
۱۲۷۵	معصومه	دیوسالار	Y-222A		3-G1
۱۲۷۶	معصومه	سالار	Y-1BBBC		9-E3
۱۲۷۷	معصومه	سالاریان	Y-11BA Y-1A1A	Y-1AB5	2-G4 7-E5 8-D2
۱۲۷۸	معصومه	لرتبار	Y-1BCA		2-C1 9-G3
۱۲۷۹	معین	سالاریان	Y-1A11 Y-11B1		2-F4 7-E5 8-E2
۱۲۸۰	مقداد	شریفي	Y-11AAB1 Y-11AB11		7-E3

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۲۸۱	ملیحه	دیوسالار	Y-111C Y-A1BC	Y-A111	2-F3 4-E4 7-G3
۱۲۸۲	ملینا	درویش	Y-111BB Y-A1BBB	Y-1A121 Y-11B21 Y-111E1 Y-A1BE1	4-G5 7-G5
۱۲۸۳	منصور	احمدی		Y-113C	7-D1
۱۲۸۴	منصور	دهلوي	Y-2C2	Y-B1CBA	3-B2 5-F5
۱۲۸۵	منصوره			Y-2111 Y-2CA1	3-D2
۱۲۸۶	منصوره			Y-1332 Y-112A2 Y-1CAA2	7-B5 10-F4 12-B4
۱۲۸۷	منظم		Y-1DC		2-E1 11-A3
۱۲۸۸	منوچهر	دیوسالار	Y-24	Y-BABB	1-F3 3-E2 5-E2
۱۲۸۹	منوچهر	موسوی	Y-BAC1		5-B1
۱۲۹۰	منوچهر	یوسفي زاده		Y-BABD	5-D3
۱۲۹۱	منیر		Y-1CBAA		10-B5
۱۲۹۲	منیره			Y-2112 Y-2CA2	3-D2
۱۲۹۳	منیره	دیوسالار	Y-BABB	Y-24	3-E2 5-E2
۱۲۹۴	منیره	سجادي	Y-A11B		4-E3
۱۲۹۵	منیژه	دیوسالار	Y-21A		3-A4
۱۲۹۶	منیژه	سالاریان	Y-1AAB		2-G5 8-G4
۱۲۹۷	منیژه	محمودی		Y-1A11 Y-11B1	7-E5 8-E2
۱۲۹۸	مهبد	دیوسالار	Y-1332A Y-112A2A Y-1CAA2A		7-B5 10-F4 12-B4
۱۲۹۹	مهتاب	سالاریان	Y-11ACA		7-F3
۱۳۰۰	مهداد	یوسفي زاده	Y-BABDD		5-E2
۱۳۰۱	مهدي			Y-132A Y-1CFA	10-B2 12-D4
۱۳۰۲	مهدي	آهنی زاده		Y-2B1D	3-D2
۱۳۰۳	مهدي	حسیني کالج	Y-1AB52 Y-1A1A2 Y-11BA2		7-E4 8-D1
۱۳۰۴	مهدي	دیوسالار	Y-2212 Y-23B2		3-G2
۱۳۰۵	مهدي	دیوسالار	Y-A1A11		4-C3
۱۳۰۶	مهدي	رحم دل		Y-2A1B	3-E4
۱۳۰۷	مهدي	سجادي	Y-1C23		2-B3 10-A2
۱۳۰۸	مهدي	صبحي		Y-111BA Y-A1BBA	4-G5 7-G4
۱۳۰۹	مهدی	کریمی		Y-B1CBB	5-F4
۱۳۱۰	مهدی	مختاری	Y-1BA41		9-C2
۱۳۱۱	مهدید	یوسفي زاده	Y-BABDC		5-D3
۱۳۱۲	مهران		Y-112I2		7-B5
۱۳۱۳	مهران	درویش	Y-111B4 Y-A1BB4		4-G5 7-G5
۱۳۱۴	مهران	دیوسالار	Y-BAAC1		5-D3
۱۳۱۵	مهران	ذوالجلالی	Y-114A1 Y-1AAAA1		7-B1 8-G3
۱۳۱۶	مهرانگیز	دیوسالار	Y-111A Y-A1BA		2-F3 4-F2 7-G2
۱۳۱۷	مهرانگیز	شایگان		Y-BAA1	5-B4
۱۳۱۸	مهرانه	حامدی	Y-1D2A	Y-1DB1	2-G1 11-F3
۱۳۱۹	مهربان	حامدی	Y-1D2B		2-G2 11-F3
۱۳۲۰	مهرتاش	درویش	Y-111B11 Y-A1BB11		4-G4 7-G4
۱۳۲۱	مهرداد	دشتی		Y-BABAA	5-D1
۱۳۲۲	مهرداد	دیوسالار	Y-2B32		3-C4
۱۳۲۳	مهرداد	دیوسالار	Y-BAAC2		5-D3
۱۳۲۴	مهرداد	شریفي	Y-11AB3	Y-11A1A	7-E2
۱۳۲۵	مهرزاد			Y-BABA2	5-E1

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۳۲۶	مهرزاد	دیوسالار	Y-11A31		7-E3
۱۳۲۷	مهرسام	حقجو	Y-2DA1A Y-CA3A1A		3-E3 6-B1
۱۳۲۸	مهرناز	دیوسالار	Y-11AG		2-G3 7-E3
۱۳۲۹	مهرنگ	شریفي	Y-11AB1	Y-11AAB	7-E2
۱۳۳۰	مهرنوش	بنکدارسخی		Y-232	3-F5
۱۳۳۱	مهرنوش	دیوسالار	Y-111AA Y-A1BAA		4-G1 7-G1
۱۳۳۲	مهري			Y-1124	7-B4
۱۳۳۳	مهري		Y-1D1BA		11-C4
۱۳۳۴	مهري	کاویانپور		Y-2B3	3-D3
۱۳۳۵	مهریار	دیوسالار	Y-11A3		2-G2 7-E2
۱۳۳۶	مهزاد	یوسفي زاده	Y-BABDB		5-E3
۱۳۳۷	مهسا			Y-1143 Y-1AAA3	7-A2 8-F3
۱۳۳۸	مهسا	مختاری	Y-1BA2A		9-B2
۱۳۳۹	مهسان	سالاریان	Y-11ACB	Y-111D1 Y-A1BD1 Y-1AA31	4-F3 7-F3 8-E3
۱۳۴۰	مهشید	دیوسالار	Y-B1A	Y-CA2	5-C4 6-B4
۱۳۴۱	مهگل	دیوسالار	Y-1311A Y-2CB1A		3-C3 12-B1
۱۳۴۲	مهنا		Y-1D3AB		2-F1 11-C1
۱۳۴۳	مهنا	دیوسالار	Y-1332B Y-112A2B Y-1CAA2B		7-B5 10-F4 12-B4
۱۳۴۴	مهناز	دیوسالار	Y-11AF		2-G3 7-E3
۱۳۴۵	مهناز	دیوسالار	Y-2B1D		3-D2
۱۳۴۶	مهوش	دیوسالار	Y-112B Y-1CAB		2-D4 7-C4 10-F3
۱۳۴۷	مهوند	یوسفي زاده	Y-BABDA		5-D3
۱۳۴۸	مهیار	درویش	Y-111B1 Y-A1BB1		4-G4 7-G4
۱۳۴۹	مهین	شایگان	Y-BAAA		5-B3
۱۳۵۰	موسي	قمی		Y-1AB1A	8-B3
۱۳۵۱	موسي سلطان	دیوسالار		Y-B	1-F5 5-A3
۱۳۵۲	مونا	ایزدي	Y-11CAC		7-D5
۱۳۵۳	میترا	سجادي	Y-A111A Y-111CA Y-A1BCA		4-E4 7-G2
۱۳۵۴	میترا	عابدین فرد		Y-1131	7-D2
۱۳۵۵	میثم	ایادی		Y-222A	3-G1
۱۳۵۶	میثم	سجادي	Y-1C24		2-B3 10-B2
۱۳۵۷	میثم	صالحی		Y-114AA Y-1AAAAA	7-C1 8-G3
۱۳۵۸	میرکا	دیوسالار	Y-2B1C		3-D2
۱۳۵۹	میرکا		Y-BABABA		5-E1
۱۳۶۰	میشکا	سجادي	Y-A112C		4-E4
۱۳۶۱	میلاد	دیوسالار	Y-11151 Y-A1B51 Y-1A1C1 Y-11BC1		4-F2 7-F4 8-G2
۱۳۶۲	میلاد	دیوسالار	Y-13111 Y-2CB11		3-B3 12-B1
۱۳۶۳	میلاد	سالاریان	Y-2DD1 Y-CA3D1		3-C3 6-C2
۱۳۶۴	میمنت	حسیني کالج	Y-1AB4D		8-C2
۱۳۶۵	مینا	درویش	Y-111BA Y-A1BBA		4-G5 7-G5
۱۳۶۶	مینا	سالاریان	Y-1A11A Y-11B1A		7-E4 8-E2
۱۳۶۷	مینا	شایگان	Y-BAAB		5-C3
۱۳۶۸	میهن	درویش		Y-A1A1	4-B4

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
			ن		
۱۳۶۹	نادر			Y-1BBE	9-F2
۱۳۷۰	نادر	دیوسالار		Y-111A Y-A1BA	2-F3 4-F2 7-G2
۱۳۷۱	نادر	دیوسالار	Y-A1A3		4-B3
۱۳۷۲	نادر	مختاری	Y-1D3		2-E1 11-B2
۱۳۷۳	نادیا	ایزدي	Y-11CC		2-C4 7-C4
۱۳۷۴	نادیا	مختاری	Y-1D3B		2-F1 11-B2
۱۳۷۵	نازنین		Y-BAAAAA		5-C3
۱۳۷۶	نازنین	سالاریان		Y-2A4	3-C5
۱۳۷۷	نازنین	سالاریان	Y-1A13A Y-11B3A		7-E4 8-F2
۱۳۷۸	ناصر	دیوسالار	Y-2B2		3-D3
۱۳۷۹	ناصر	دیوسالار	Y-A1A1		4-B3
۱۳۸۰	ناصر	سالاریان	Y-1B2		2-A2 9-D3
۱۳۸۱	ناصر	مختاری	Y-1D31		2-F1 11-B2
۱۳۸۲	ناهید	دیوسالار	Y-23A		3-G4
۱۳۸۳	ناهید	دیوسالار	Y-1BBA		9-F3
۱۳۸۴	نبي	حسیني کالج	Y-1AB4		8-C2
۱۳۸۵	نبي الله	حامدی	Y-1D2		2-G1 11-E3
۱۳۸۶	نجات	دیوسالار		Y-13AE	12-G4
۱۳۸۷	نجات	کاویانپور	Y-1DB1	Y-1D2A	2-G1 11-F3
۱۳۸۸	نجمه	فخاری	Y-1ABAA		8-B3
۱۳۸۹	ندا		Y-1BBEA		9-F1
۱۳۹۰	ندا	سالاریان	Y-CA1AA	Y-BA1D1 Y-2A31	3-F5 6-G4
۱۳۹۱	ندا	شکیب مقدم	Y-212B		3-B4
۱۳۹۲	نرجس سادات	سجادي	Y-1C2A		2-B3 10-B2
۱۳۹۳	نرگس			Y-2A21	3-D5
۱۳۹۴	نرگس	بختیاری	Y-22AB		3-G2
۱۳۹۵	نرگس	سالاریان		Y-2A2	3-D5
۱۳۹۶	نرگس	مختاری	Y-1D3C		2-F1 11-B2
۱۳۹۷	نرگس خاتون	دیوسالار	Y-1C		1-G2 2-A2 10-A3
۱۳۹۸	نرگس خاتون	دیوسالار	Y-C		1-G4 6-A3
۱۳۹۹	نسترن	دیوسالار	Y-211AA Y-2CAAA Y-B1C1A		3-D2 5-E5
۱۴۰۰	نسرین			Y-1C24	10-B1
۱۴۰۱	نسیم			Y-11C1	7-D4
۱۴۰۲	نسیم	کاویانپور	Y-1CDA		2-D2 10-E4
۱۴۰۳	نسیم	لاری	Y-1A1BA Y-11BBA		7-E4 8-F2
۱۴۰۴	نسیم	نیک نژاد		Y-1AB21	8-B2
۱۴۰۵	نصرت	دیوسالار	Y-2A		1-E3 3-B5
۱۴۰۶	نصرت الله	دیوسالار		Y-1B1A Y-1CCA	9-B4 10-C4
۱۴۰۷	نعمت الله	دیوسالار		Y-A1AA	4-A4
۱۴۰۸	نعمت الله	سالاریان		Y-1AA	2-F5 8-D4
۱۴۰۹	نغمه			Y-1B12 Y-1CC2	9-C4 10-C3
۱۴۱۰	نفیسه		Y-1DBAC		11-D1
۱۴۱۱	نفیسه	ذوالجلالی	Y-114AA Y-1AAAAA		7-C1 8-G3
۱۴۱۲	نقي	سالاریان	Y-1AA42		8-E5
۱۴۱۳	نقی	غلامی		Y-1BBA	9-F3
۱۴۱۴	نکیتا	سالاریان	Y-2D3A		3-E4

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
			Y-BABBFA Y-24FA Y-CA33A		5-F3 6-D2
۱۴۱۵	نگار	دیوسالار	Y-23EA Y-11141 Y-A1B4A		3-F2 4-F3 7-F2
۱۴۱۶	نگاه	سالاریان	Y-2A4A	Y-2DC1 Y-CA3C1	3-C5 6-C2
۱۴۱۷	نگین	سالاریان	Y-2A4B		3-C5
۱۴۱۸	نگین	سجادي	Y-A113A		4-E5 10-B5
۱۴۱۹	نگین	مختاری	Y-1BA3A		9-C2
۱۴۲۰	نگین	دیوسالار	Y-222B		3-G1
۱۴۲۱	نهال	سجادی	Y-1C12A		10-E1
۱۴۲۲	نور محمد	کاویانپور		Y-1CD	2-D2 10-D4
۱۴۲۳	نورالدین	سالاریان		Y-1AB4B	8-C1
۱۴۲۴	نوریه	دیوسالار	Y-13AC		2-C4 12-F4
۱۴۲۵	نوژان	دیوسالار	Y-13311 Y-112A11 Y-1CAA11		7-C4 10-E4 12-B4
۱۴۲۶	نیره	دیوسالار	Y-111F Y-A1BF		2-G3 4-F4 7-F4
۱۴۲۷	نیکا	دیوسالار	Y-A1AA2A		4-A5
۱۴۲۸	نیکی	دیوسالار	Y-BAAC1A		5-D2
۱۴۲۹	نیلوفر	شابیگی	Y-BACAB		5-B1
۱۴۳۰	نیلوفر	شایگان	Y-BAA3B		5-C4
۱۴۳۱	نیما	دیوسالار	Y-111A2 Y-A1BA2		4-F1 7-G1
۱۴۳۲	نیما	دیوسالار	Y-13B12 Y-13AA2		12-F3
۱۴۳۳	نیما	دیوسالار	Y-2B11		3-D2
۱۴۳۴	نیما	علیزاده	Y-A11B1		4-E3
۱۴۳۵	نیما	فرخ سیر	Y-2DB3 Y-CA3B3		3-D4 6-B1
۱۴۳۶	نیوشا	اکبرپور	Y-A11AAA		4-D3
۱۴۳۷	نیوشا	یزداني	Y-24BA Y-BABBBA		3-E2 5-F3
			ه		
۱۴۳۸	هاجر	حسيني كالج	Y-1ABB		8-C3
۱۴۳۹	هاجر	خدایی	Y-1C1AA		10-D2
۱۴۴۰	هاجرخاتون	دیوسالار	Y-1A		1-F2 2-B5 8-A4
۱۴۴۱	هادي	سالاریان		Y-1B	2-A2 9-A3
۱۴۴۲	هادي	قلی زاده		Y-1ABBB	8-C3
۱۴۴۳	هاله	سهراب زاده	Y-BAAAB		5-C2
۱۴۴۴	هاله	دیوسالار	Y-112H	Y-1312 Y-2CB2	2-E4 3-C3 7-A5 12-B2
۱۴۴۵	هانیه		Y-13ACA		12-F4
۱۴۴۶	هانیه	دیوسالار	Y-A1A4C Y-112CC Y-1CACC		4-C2 7-C3 10-F2
۱۴۴۷	هانیه	حامدی	Y-1D23A Y-1DBCA		11-F4
۱۴۴۸	هانیه	دیوسالار	Y-2231A		3-G1
۱۴۴۹	هایده	سهراب زاده	Y-BAAAA		5-C3
۱۴۵۰	هدا	کسمایی		Y-11AB2	7-E2
۱۴۵۱	هستی	سالاریان	Y-2A12A		3-E4
۱۴۵۲	هلیا	کلارستاقی	Y-A1A1AA		4-C5
۱۴۵۳	هما			Y-BAC3	5-C1
۱۴۵۴	هما	سالاریان	Y-2A5A		3-E4
۱۴۵۵	هما	فیروزی		Y-236	3-F2
۱۴۵۶	همایون	دیوسالار	Y-A1A42		4-C2

ردیف	نام	نام خانوادگي	کد نسبی	کد سببی	صفحه
			Y-112C2 Y-1DAC2		10-F2
۱۴۵۷	همراز	جانقربان	Y-BABDBA		5-E3
۱۴۵۸	هوشنگ	دیوسالار	Y-2B1		3-D3
۱۴۵۹	هوشنگ	دیوسالار	Y-B11		5-B4
۱۴۶۰	هومن	موسوی	Y-B1CB1		5-F5
			و		
۱۴۶۱	وجیه الله	دیوسالار	Y-11		1-F2 2-B4 7-A3
۱۴۶۲	وجیه الله	دیوسالار	Y-1122 Y-1CA2	Y-131A	2-D3 3-C3 7-B3 10-F3 12-C2
۱۴۶۳	وجیهه	دیوسالار		Y-1C2	2-A3 10-A2
۱۴۶۴	وحید	دیوسالار	Y-1143 Y-1AAA3		2-G5 7-A2 8-F3
۱۴۶۵	ولي	فخاری		Y-2DC Y-CA3C	3-C4 6-C2
۱۴۶۶	وهاک	مارقوسیان		Y-BABAC	5-E1
۱۴۶۷	ویدا	فرخ سیر	Y-2DBA Y-CA3BA		3-D4 6-C2
۱۴۶۸	ویکتور	شایگان	Y-BAA5		5-C3
			ی		
۱۴۶۹	یاس	شابیگی	Y-BACAA		5-B1
۱۴۷۰	یاسر			Y-1CDB	10-E4
۱۴۷۱	یاسر	حقجو	Y-2DA4 Y-CA3A4		3-E4 6-B2
۱۴۷۲	یاسر	سالاریان	Y-1B12 Y-1CC2		2-C1 9-C4 10-C4
۱۴۷۳	یاسر	مختاری	Y-1D32		2-F1 11-B2
۱۴۷۴	یاسمین	خسروانی	Y-B11AA		5-C5
۱۴۷۵	یاسمین	دیوسالار	Y-1115A Y-A1B5A Y-1A1CA Y-11BCA		4-F3 7-F4 8-G1
۱۴۷۶	یاسین	حامدی	Y-1D121		11-B4
۱۴۷۷	یحیي	دیوسالار	Y-B1		1-F5 5-A4
۱۴۷۸	یحیی	مجتهد زاده		Y-C	1-G5 6-A3
۱۴۷۹	یزدان	دیوسالار	Y-1121 Y-1CA1	Y-1C1C	2-D3 7-A3 10-E3
۱۴۸۰	یعقوب	دیوسالار	Y-A1A4	Y-112C Y-1DAC	4-C2 7-B3 10-F3
۱۴۸۱	یکتا	شریعتی	Y-114ABA Y-1AAAABA		7-B1 8-G3
۱۴۸۲	یگانه	نزاکتی		Y-111B2 Y-A1BB2	4-G4 7-G4
۱۴۸۳	یلدا	دیوسالار	Y-2111A Y-2CA1A		3-D2
۱۴۸۴	یلدا	ذوالجلالی	Y-114AB Y-1AAAAB		7-C2 8-G3
۱۴۸۵	یوسف			Y-2B1B	3-D2
۱۴۸۶	یوسف	بنی حسینی		Y-112F Y-1CAF	7-C3 10-F3
۱۴۸۷	یوسف	دیوسالار	Y		1-D3
۱۴۸۸	یوسف	سالاریان		Y-2DAA Y-CA3AA	3-E3 6-B1
۱۴۸۹	یوسف	قربانی		Y-1AB4A	8-C1

فهرست اسامی

(مرتب شده بر اساس نام خانوادگی)

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
	نامعلوم				
۱				Y-1DAAA	11-D4
۲				Y-1DA1	11-E4
۳				Y-1DA2	11-E4
۴				Y-1DAC	11-E4
۵				Y-1D22	11-F2
۶				Y-1DB2	11-F2
۷				Y-212B	3-A4
۸				Y-21BB	3-B2
۹				Y-212A	3-B4
۱۰				Y-2A1B	3-E5
۱۱				Y-BACB1	5-C2
۱۲				Y-BAC4	5-D1
۱۳				Y-BABAB	5-E1
۱۴				Y-11CAA	7-D5
۱۵			Y-11CAA1		7-D5
۱۷			Y-1AAAAAA Y-114AAA		7-C1 8-G3
۱۸			Y-1DA11		11-E4
۱۹			Y-1DA12		11-E5
۲۰			Y-1DA1A		11-E5
۲۱			Y-1DA21		11-E4
۲۲			Y-1DA22		11-E4
۲۳			Y-1DA2A		11-E5
۲۴			Y-1DAA12		11-D5
۲۵			Y-1DAA2		11-D4
۲۶			Y-1DAA3		11-D4
۲۷			Y-1DAA4		11-E4
۲۸			Y-1DAA5		11-E4
۲۹			Y-1DAA6		11-D4
۳۰			Y-1DAA7		11-D5
۳۱			Y-1DAA8		11-D5
۳۲			Y-1DAA9		11-D5
۳۳			Y-1DAAAA		11-D5
۳۴			Y-1DAAAB		11-D5
۳۵			Y-1DAC1		11-E4
۳۶			Y-1DAC2		11-E5
۳۷			Y-1DACA		11-E4
۳۸			Y-1DBAD		11-E1
۳۹			Y-1DBAE		11-E2
۴۰			Y-1DBD1		11-F2
۴۱			Y-1DBDA		11-F1
۴۲			Y-2A1BB		3-F5
۴۳			Y-2A3BA		3-G5
۴۴	ابوالفضل			Y-1DBD	11-F2
۴۵	آتنا		Y-1DBBB		11-E1
۴۶	احمد			Y-112I	7-B5
۴۷	اردشیر			Y-1DBG	11-E2
۴۸	اردلان		Y-1DBG2		11-E1
۴۹	آرزو		Y-1DBAA		11-D2
۵۰	آرش		Y-1D3A1		11-C2
۵۱	آرشیا		Y-BABDA1		5-D4
۵۲	آرشیدا		Y-1BBACA		9-F2
۵۳	آزاده			Y-1AB32	8-B2
۵۴	اسماعیل			Y-1DAA	11-C4
۵۵	اصلان		Y-1DBG1		11-E2
۵۶	اعظم			Y-1DC	2-E2 11-A4
۵۷	اعظم			Y-1142 Y-1AAA2	7-B2 8-F3
۵۸	افشین			Y-134B Y-24CB Y-BABBCB	3-F4 5-F2 12-D2

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۵۹	اکبر			Y-B1B	5-C4
۶۰	اکرم			Y-1D1A	11-B4
۶۱	آمنه			Y-1AB11	8-B4
۶۲	آمنه			Y-1AB42	8-C2
۶۳	آمنه			Y-1BA1	9-B2
۶۴	امیر			Y-133B Y-112AB Y-1CAAB	7-B4 10-F5 12-C4
۶۵	امیر رضا		Y-114B2 Y-1AAAB2		7-B1 8-F3
۶۶	امیر علي		Y-11CC2		7-C4
۶۷	امیر علي		Y-1AADA1		8-F5
۶۸	امیر محمد		Y-132A1 Y-1CFA1		10-B2 12-D4
۶۹	امیر محمد		Y-1D1A1		11-B5
۷۰	النا		Y-134AA Y-24CAA Y-BABBCAA		3-F4 5-F1 12-D2
۷۱	آنا		Y-1DBBA		11-E2
۷۲	اهورا		Y-1CDB1		10-E5
۷۳	ایران			Y-BAA4	5-C4
۷۴	بامداد		Y-2DBA1 Y-CA3BA1		3-D3 6-B2
۷۵	بتول			Y-1D2	2-G2 11-E3
۷۶	بدري		Y-1DAD	Y-1D21	2-G2 11-F4
۷۷	بردیا		Y-BAC1A2		5-B2
۷۸	بهاره			Y-1C12	10-E2
۷۹	بهزاد			Y-1CDC	10-E4
۸۰	پارسا		Y-133A2 Y-112AA2 Y-1CAAA2		7-C5 10-F4 12-B4
۸۱	پانیا		Y-1BBABB		9-F1
۸۲	پاییزه			Y-A11A1	4-D3
۸۳	پدرام		Y-133A1 Y-112AA1 Y-1CAAA1		7-C5 10-F4 12-B4
۸۴	پدرام		Y-2B1B1		3-D2
۸۵	پرند		Y-212AA		3-B4
۸۶	پرنیان		Y-1BBABA		9-F2
۸۷	پریسا		Y-1DAAB		11-D4
۸۸	پژمان			Y-A11AA	4-D3
۸۹	پوریا		Y-BAC1A1		5-C2
۹۰	پیمان			Y-134A Y-24CA Y-BABBCA	3-F4 5-F1 12-D2
۹۱	ترانه			Y-1D11	11-B4
۹۲	تیمور			Y-1DBB	11-E2
۹۳	جانان		Y-BAAAAA		5-C3
۹۴	جمیله			Y-13B2	12-F2
۹۵	جمیله			Y-BAC1	5-B2
۹۶	حبیب			Y-1ABBA	8-C3
۹۷	حبیب			Y-1AADA	8-F5
۹۸	حبیب الله			Y-13AC	12-F4
۹۹	حسین			Y-13AB	12-F4
۱۰۰	حسین			Y-112BB Y-1CABB	7-C5 10-F1
۱۰۱	حسین			Y-1B1C Y-1CCC	9-C4 10-D4
۱۰۲	حلیمه خاتون			Y-1(II)	1-E1 2-A3
۱۰۳	حمید			Y-1BBAB	9-F2
۱۰۴	حمید		Y-1C1B2		10-D1
۱۰۵	حمید رضا		Y-13AB1		12-F4
۱۰۶	خانم قشنگ			Y-1(III)	1-E1 2-A3
۱۰۷	خدیجه			Y-1D1	2-E2

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
					11-B3
۱۰۸	درنا		Y-1DBGA		11-E1
۱۰۹	رایکا		Y-134BA Y-24CBA Y-BABBCBA		3-E2 5-F3 12-D2
۱۱۰	رژینا		Y-133CA Y-112ACA Y-1CAACA		7-B4 10-F5 12-C4
۱۱۱	رعنا		Y-BABABB		5-E1
۱۱۲	ریتا			Y-CA15	6-F3
۱۱۳	زرین			Y-CA14	6-F5
۱۱۴	زهرا			Y-1321 Y-1CF1	10-B2 12-D4
۱۱۵	زهرا			Y-1311 Y-2CB1	3-B3 12-B2
۱۱۶	زهرا			Y-BAAA1	5-C2
۱۱۷	زهرا			Y-B1C2	5-E4
۱۱۸	زهرا		Y-1DCA		2-E3 11-A4
۱۱۹	زهرا خاتون		Y-1DAA		2-F2 11-C4
۱۲۰	زهره			Y-CA13	6-E5
۱۲۱	زیبا			Y-112	2-E3 7-A4
۱۲۲	زیبا			Y-2B32	3-C4
۱۲۳	زینب		Y-132AA Y-1CFAA		10-C1 12-D4
۱۲۴	زینب			Y-2C12 Y-2AA2	3-C5
۱۲۵	سابین			Y-BABA1	5-E2
۱۲۶	ساراخاتون		Y-1DAB	Y-1D13	2-E2 11-C4
۱۲۷	سامان		Y-1AAE2		8-F5
۱۲۸	سامیه		Y-2A1BA		3-E5
۱۲۹	سپیده			Y-1DAA1	11-D4
۱۳۰	سپیده		Y-1C1BA		10-D2
۱۳۱	سپیده		Y-1DBAB		11-D4
۱۳۲	سعید		Y-1C1B1		10-D2
۱۳۳	سمانه			Y-1BB2	9-E2
۱۳۴	سمیرا		Y-1DCB		2-D1 11-A4
۱۳۵	سمیه			Y-1331 Y-112A1 Y-1CAA1	7-C4 10-E4 12-B4
۱۳۶	سمیه			Y-2A24	3-D5
۱۳۷	سهیل		Y-1AAE1		8-F5
۱۳۸	سهیلا			Y-CA12	6-E5
۱۳۹	سودابه			Y-1141 Y-1AAA1	7-A1 8-F3
۱۴۰	شاهد		Y-BAAAA1		5-C3
۱۴۱	شاهرخ		Y-1DC1		2-E1 11-A4
۱۴۲	شهناز			Y-212	3-B3
۱۴۳	شیدا		Y-1D1AA		11-B4
۱۴۴	صالحه			Y-1123	7-A4
۱۴۵	صدرا			Y-BAAAA	5-C3
۱۴۶	صدیقه			Y-CA1(III)	6-E3
۱۴۷	ضیا			Y-1CBA	10-B4
۱۴۸	طاها		Y-1B1C2 Y-1CCC2		9-C5 10-D5
۱۴۹	طاهر		Y-1DA1		2-F2 11-E4
۱۵۰	طاهره			Y-BAC2	5-C1
۱۵۱	طاهره			Y-1AB12	8-B3
۱۵۲	عبادالله			Y-1D3A	11-B2
۱۵۳	عبدالحسین			Y-114B Y-1AAAB	7-B1 8-F3
۱۵۴	عبدالرضا		Y-1BBE1		9-F2
۱۵۵	عذرا			Y-1D3	2-E1 11-B2

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۵۶	علي			Y-1C1B	10-D2
۱۵۷	علي			Y-133C Y-112AC Y-1CAAC	7-B4 10-F5 12-C4
۱۵۸	علي		Y-1DA2		2-F2 11-E4
۱۵۹	علی			Y-1BD	2-B2 9-D4
۱۶۰	علی			Y-B11AA	5-C5
۱۶۱	علي اکبر			Y-1DA	2-F2 11-C3
۱۶۲	علیرضا		Y-114B1 Y-1AAAB1		7-B1 8-F3
۱۶۳	علیرضا		Y-1BBE2		9-F2
۱۶۴	غلامرضا		Y-1DAA1		11-D4
۱۶۵	فاطمه			Y-1CB1	10-B4
۱۶۶	فاطمه			Y-1C1	2-D3 10-D3
۱۶۷	فاطمه			Y-A1A12	4-C4
۱۶۸	فاطمه			Y-CA16	6-F3
۱۶۹	فاطمه			Y-1B11 Y-1CC1	9-B4 10-C4
۱۷۰	فاطمه		Y-1D1AC		11-B5
۱۷۱	فاطمه		Y-1D1BB		11-C4
۱۷۲	فرانک			Y-1BB1	9-D2
۱۷۳	فرزین		Y-1DAA11		11-D5
۱۷۴	فرشته			Y-A1AA3	4-B4
۱۷۵	فرشته			Y-1BA4	9-C2
۱۷۶	فرشته		Y-1DAAA		11-D4
۱۷۷	فضل الله			Y-1D(I)	2-E2 11-A3
۱۷۸	فهیمه		Y-1DAC		2-F2 11-E4
۱۷۹	قدسي			Y-2D2 Y-CA32	3-C4 6-D2
۱۸۰	کریم			Y-1BBBA	9-E1
۱۸۱	کیا			Y-1D1B	11-C4
۱۸۲	گوهر			Y-1D12	11-B4
۱۸۳	گیسو		Y-13ADA		12-F2
۱۸۴	لیلا			Y-CA1A4	6-G4
۱۸۵	مبین		Y-1DBA1		11-E1
۱۸۶	مبین		Y-212B1		3-B5
۱۸۷	متینا		Y-1142A Y-1AAA2A		7-B1 8-F3
۱۸۸	متینا		Y-1311A Y-2CB1A		3-C2 12-B1
۱۸۹	مجید			Y-1BBAC	9-F2
۱۹۰	محدثه		Y-1D3AA		11-C2
۱۹۱	محسن			Y-13AD	12-F3
۱۹۲	محمد			Y-133A Y-112AA Y-1CAAA	7-C5 10-F4 12-B4
۱۹۳	محمد		Y-112I1		7-B5
۱۹۴	محمد		Y-1B1C1 Y-1CCC1		9-C4 10-D4
۱۹۵	محمد		Y-1CBA1		10-B4
۱۹۶	محمد امین		Y-1CDA1		10-E5
۱۹۷	محمد حسین		Y-1B1C3 Y-1CCC3		9-C5 10-D5
۱۹۸	محمدرضا		Y-BAAA2		5-C3
۱۹۹	محمود			Y-1CDA	10-E4
۲۰۰	محمود			Y-BAC1A	5-C2
۲۰۱	محمودرضا		Y-BAAA1		5-C3
۲۰۲	مرجان			Y-2C11 Y-2AA1	3-B5
۲۰۳	مرسده			Y-CA1A3	6-G4
۲۰۴	مرضیه			Y-2DB2 Y-CA3B2	3-D4 6-B1
۲۰۵	مرضیه			Y-1B22	9-E4

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۲۰۶	مریم			Y-13B3	12-F2
۲۰۷	مریم			Y-2B31	3-C3
۲۰۸	مریم			Y-1313 Y-2CB3	3-D3 12-C2
۲۰۹	مریم		Y-1CBAB		10-B5
۲۱۰	مریم			Y-BAAA2	5-C2
۲۱۱	مژگان			Y-1CB2	10-B4
۲۱۲	مژگان			Y-1BA2	9-B2
۲۱۳	معصومه			Y-1CB3	10-B3
۲۱۴	معصومه			Y-CA17	6-E2
۲۱۵	معصومه			Y-1BA3	9-C2
۲۱۶	معصومه		Y-112IA		7-B5
۲۱۷	معصومه		Y-1CDCA		10-E4
۲۱۸	منصوره			Y-2111 Y-2CA1	3-D2
۲۱۹	منصوره			Y-1332 Y-112A2 Y-1CAA2	7-B5 10-F4 12-B4
۲۲۰	منظم		Y-1DC		2-E1 11-A3
۲۲۱	منیر		Y-1CBAA		10-B5
۲۲۲	منیره			Y-2112 Y-2CA2	3-D2
۲۲۳	مهدي			Y-132A Y-1CFA	10-B2 12-D4
۲۲۴	مهران		Y-112I2		7-B5
۲۲۵	مهرزاد			Y-BABA2	5-E1
۲۲۶	مهري			Y-1124	7-B4
۲۲۷	مهري		Y-1D1BA		11-C4
۲۲۸	مهسا			Y-1143 Y-1AAA3	7-A2 8-F3
۲۲۹	مهنا		Y-1D3AB		2-F1 11-C1
۲۳۰	میرکا		Y-BABABA		5-E1
۲۳۱	منیره			Y-2112 Y-2CA2	3-D2
۲۳۲	مهدي			Y-132A Y-1CFA	10-B2 12-D4
۲۳۳	مهران		Y-112I2		7-B5
۲۳۴	مهرزاد			Y-BABA2	5-E1
۲۳۵	مهري			Y-1124	7-B4
۲۳۶	مهري		Y-1D1BA		11-C4
۲۳۷	مهسا			Y-1143 Y-1AAA3	7-A2 8-F3
۲۳۸	مهنا		Y-1D3AB		2-F1 11-C1
۲۳۹	میرکا		Y-BABABA		5-E1
۲۴۰	نادر			Y-1BBE	9-F2
۲۴۱	نازنین		Y-BAAAAA		5-C3
۲۴۲	ندا		Y-1BBEA		9-F1
۲۴۳	نرگس			Y-2A21	3-D5
۲۴۴	نسرین			Y-1C24	10-B1
۲۴۵	نسیم			Y-11C1	7-D4
۲۴۶	نغمه			Y-1B12 Y-1CC2	9-C4 10-C3
۲۴۷	نفیسه		Y-1DBAC		11-D1
۲۴۸	هانیه		Y-13ACA		12-F4
۲۴۹	هما			Y-BAC3	5-C1
۲۵۰	یاسر			Y-1CDB	10-E4
۲۵۱	یوسف			Y-2B1B	3-D2
	احسانی				
۱	لیلا	احسانی		Y-11A3	7-E2
	احمدی				
۱	پریسا	احمدي		Y-11A1	7-C2
۲	پریا	احمدی	Y-113CA		7-D1
۳	منصور	احمدی		Y-113C	7-D1

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
	آذین				
۱	شاهرخ	آذین	Y-21A1		3-A5
۲	مرتضي	آذین		Y-21A	3-A4
۳	مریم	آذین	Y-21AA		3-A4
	ارجمندی				
۱	دانا	ارجمندی	Y-B1CAA1		5-E5
۲	شاهو	ارجمندی		Y-B1CAA	5-E5
	اسدی				
۱	کامبیز	اسدی		Y-2B1C	3-D2
۲	کیان	اسدی	Y-2B1C1		3-D2
	اصلانی				
۱	داود	اصلانی		Y-221A Y-23BA	3-G3
۲	سارینا	اصلانی	Y-221AA Y-23BA		3-G3
	اسفندیاری				
۱	الهه	اسفندیاری		Y-1AB51 Y-1A1A1 Y-11BA1	7-E5 8-D2
	اغلا				
۱	پریسا	اغلا		Y-2A23	3-D4
	اکبرپور				
۱	نیوشا	اکبرپور	Y-A11AAA		4-D3
	امیری				
۱	فخری	امیری		Y-B12	5-F4
	آهنی زاده				
۱	آریا	آهنی زاده	Y-2B1D1		3-D2
۲	مهدی	آهنی زاده		Y-2B1D	3-D2
	ایادی				
۱	میثم	ایادی		Y-222A	3-G1
	ایزدی				
۱	آذر	ایزدي	Y-11CB		2-C5 7-D4
۲	آنیتا	ایزدي	Y-11C1A		7-D4
۳	بهرام	ایزدي	Y-11C2		2-C5 7-D3
۴	خدیجه	ایزدی		Y-2 (II)	1-E3 3-A4
۵	دیانا	ایزدي	Y-11CD		2-C5 7-D4
۶	رویا	ایزدي	Y-11CA		2-C4 7-D5
۷	سیاوش	ایزدي		Y-11C	2-C5 7-C3
۸	عطیه	ایزدي		Y-11	2-B4 7-A4
۹	کیوان	ایزدي		Y-11CA	7-D5
۱۰	ماهدخت	ایزدي	Y-11CAA		7-D4
۱۱	محمد	ایزدي	Y-11CA1		7-D5
۱۲	محمد علي	ایزدي	Y-11C1		2-C4 7-D4
۱۳	مونا	ایزدي	Y-11CAC		7-D5
۱۴	نادیا	ایزدي	Y-11CC		2-C4 7-C4
	ایلخانی				
۱	علی	ایلخانی		Y-112BA Y-1CABA	7-C5 10-F2
	بازیاری				
۱	اسرافیل	بازیاری		Y-231A Y-24AA Y-BABBAA	3-F3 5-G2
۲	دانا	بازیاری	Y-231A1 Y-24AA1		3-F3 5-G1

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
			Y-BABBAA1		
	بختیاری				
۱	رحمت الله	بختیاری		Y-22A	3-G3
۲	محبوبه	بختیاری	Y-22AA		3-G3
۳	محمدجواد	بختیاری	Y-22A2		3-G3
۴	محمدرضا	بختیاری	Y-22A1		3-G2
۵	مرتضی	بختیاری	Y-22A2		3-G2
۶	نرگس	بختیاری	Y-22AB		3-G2
	بنکدارسخی				
۱	مهرنوش	بنکدارسخی		Y-232	3-F5
	بنی حسینی				
۱	ستایش	بنی حسینی	Y-112FA Y-1CAFA		7-C3 10-F2
۲	سجاد	بنی حسینی	Y-112F1 Y-1CAF1		7-C3 10-F2
۳	یوسف	بنی حسینی		Y-112F Y-1CAF	7-C3 10-F3
	بهروزی				
۱	رها	بهروزی		Y-BABD2	5-E2
	بور				
۱	حسین	بور		Y-1BBD	9-E2
۲	فاطمه	بور	Y-1BBDA		9-E2
	پاکدل				
۱	بیژن	پاکدل		Y-BABDA	5-D3
	پورمحمدی				
۱	اکبر	پورمحمدی		Y-CA2D Y-B1AD	5-D4 6-D4
۲	روژان	پورمحمدی	Y-CA2DA Y-B1ADA		5-D4 6-D4
	ترشی				
۱	قدرت	ترشی		Y-1AAC	8-F4
	توجه				
۱	بیتا	توجه	Y-21BB		3-B2
۲	دنیاناز	توجه	Y-21BA		3-B3
۳	رزیتا	توجه	Y-21BC		3-A1
۴	غلامرضا	توجه		Y-21B	3-B3
	جانقربان				
۱	همراز	جانقربان	Y-BABDBA		5-E3
	جانیک				
۱	لاین	جانیک		Y-B112	5-B4
	جعفرزاده				
۱	علیرضا	جعفرزاده		Y-11ADA	7-E4
	جلاب				
۱	حمیرا	جلاب		Y-2A5	3-E5
۲	فرامرز	جلاب		Y-112E Y-1CAE	7-B3 10-G3
۳	فردین	جلاب	Y-112E2 Y-1CAE2		7-B3 10-G2
۴	فرزین	جلاب	Y-112E3 Y-1CAE3		7-B3 10-G2
۵	فریبرز	جلاب	Y-112E1 Y-1CAE1		7-B3 10-G3
۶	ماه ننه	جلاب		Y-23 (I)	3-E1
	جهانشاهی				
۱	ضرغام	جهانشاهی		Y-2A3B	3-F5
	جیلانی				
۱	احسان	جیلانی		Y-23A	3-G4
۲	امیرحسین	جیلانی	Y-23A1		3-G4

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۳	سارا	جیلانی	Y-23AB		3-G4
۴	سمیرا	جیلانی	Y-23AA		3-G4
	حاج بهرامی				
۱	سارا	حاج بهرامی		Y-1CE1	10-C2
	حاج علی اکبری				
۱	بهار	حاج علی اکبری	Y-111FA Y-A1BFA		4-G4 7-G4
۲	خشایار	حاج علی اکبری	Y-111F1 Y-A1BF1		4-G4 7-G4
۳	فرهاد	حاج علی اکبری		Y-111F Y-A1BF	4-G4 7-G4
	حامدی				
۱		حامدی	Y-1D211 Y-1DAD1		11-F4
۲		حامدی	Y-1D212 Y-1DAD2		11-F4
۳		حامدی	Y-1D221		11-F4
۴		حامدی	Y-1D22A		11-F4
۵	احسان	حامدی	Y-1D23	Y-1DBC	2-G1 11-F3
۶	بنین	حامدی	Y-1D21A Y-1DADA		11-F4
۷	بهروز	حامدی	Y-1D14		2-E3 11-B3
۸	جواهر	حامدی	Y-1D1A		2-E2 11-B4
۹	ذبیح الله	حامدی	Y-1D1		2-E2 11-B3
۱۰	رامین	حامدی	Y-1D114		11-B5
۱۱	رحمان	حامدی	Y-1D13	Y-1DAB	2-E3 11-C3
۱۲	رحیم	حامدی	Y-1D111		11-B4
۱۳	رضا	حامدی	Y-1D231 Y-1DBC1		11-F3
۱۴	زهرا	حامدی	Y-1D1C		2-E3 11-B3
۱۵	سامانتا	حامدی	Y-1D1D		2-E3 11-C3
۱۶	سعدي	حامدی	Y-1D22		2-G2 11-F3
۱۷	سمیه	حامدی	Y-1D23B Y-1DBCB		11-F4
۱۸	سهیلا	حامدی	Y-1D1B		2-E3 11-C4
۱۹	عابد	حامدی	Y-1D15		2-E2 11-B3
۲۰	عظیم	حامدی	Y-1D112		11-B4
۲۱	علي	حامدی	Y-1D113		11-B5
۲۲	عیسي	حامدی		Y-1D(II)	2-E2 11-A3
۲۳	عیسي	حامدی	Y-1D21	Y-1DAD	2-G2 11-F3
۲۴	فائزه	حامدی	Y-1D12A		11-B4
۲۵	فیروز	حامدی	Y-1D12		2-E2 11-B4
۲۶	قمر	حامدی	Y-1DA		2-F2 11-C3
۲۷	قهرمان	حامدی	Y-1D11		2-E3 11-B4
۲۸	مهرانه	حامدی	Y-1D2A	Y-1DB1	2-G1 11-F3
۲۹	مهربان	حامدی	Y-1D2B		2-G2 11-F3
۳۰	نبي الله	حامدی	Y-1D2		2-G1 11-E3
۳۱	هانیه	حامدی	Y-1D23A Y-1DBCA		11-F4
۳۲	یاسین	حامدی	Y-1D121		11-B4
	حسینی				
۱	سحر	حسینی	Y-112DA Y-1CADA		7-C4 10-G4
۲	امیر محمد	حسینی	Y-112D2 Y-1CAD2		7-C5 10-G4
۳	ضیا	حسینی		Y-112D	7-C4

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
				Y-1CAD	10-G4
	حسینی کالج				
۵	ابوالفضل	حسيني كالج	Y-1AB211		8-B1
۶	احمد	حسيني كالج	Y-1AB2		8-B2
۷	اسماعيل	حسيني كالج	Y-1AB3		8-B2
۸	افسر	حسيني كالج	Y-1AB4B		8-B2
۹	آمنه	حسيني كالج	Y-1AB4C		8-C2
۱۰	امیرعلی	حسيني كالج	Y-1AB111		8-B4
۱۱	جواد	حسيني كالج	Y-1AB1		8-B3
۱۲	حسن	حسيني كالج		Y-1AB	2-F4 8-A2
۱۳	حمید	حسيني كالج	Y-1AB12		8-B3
۱۴	ذبیح	حسيني كالج	Y-1AB42		8-C2
۱۵	ربیع	حسيني كالج	Y-1AB41		8-C2
۱۶	رضا	حسيني كالج	Y-1AB411		8-C1
۱۷	رقیه	حسيني كالج	Y-1AB2A		8-B2
۱۸	زهرا	حسيني كالج	Y-1AB31A		8-B2
۱۹	سادات	حسيني كالج	Y-1AB4A		8-C2
۲۰	ساره	حسيني كالج	Y-1AB1A		8-B3
۲۱	سجاد	حسيني كالج	Y-1AB5	Y-1A1A Y-11BA	2-G4 8-D2 7-E5
۲۲	سعدي	حسيني كالج	Y-1AB21		8-B2
۲۳	سعید	حسيني كالج	Y-1AB11		8-B3
۲۴	سیدخانم	حسيني كالج	Y-1ABA		8-B3
۲۵	سیدفاطمه	حسيني كالج	Y-1AB21A		8-B2
۲۶	سیدفاطمه	حسيني كالج	Y-1AB32A		8-B1
۲۷	صادق	حسيني كالج	Y-1AB22		8-B2
۲۸	عزیز	حسيني كالج	Y-1AB33		8-B1
۲۹	عظیم	حسيني كالج	Y-1AB31		8-B2
۳۰	فاطمه	حسيني كالج	Y-1AB5A Y-1A1AA Y-11BAA		7-E4 8-D1
۳۱	کریم	حسيني كالج	Y-1AB32		8-B2
۳۲	مجتبي	حسيني كالج	Y-1AB13		8-B3
۲۹	محراب	حسيني كالج	Y-1AB331		8-B1
۳۰	محمد	حسيني كالج	Y-1AB51 Y-1A1A1 Y-11BA1		7-E4 8-D2
۳۱	مریم	حسيني كالج	Y-1AB42A		8-C2
۳۲	مصطفی	حسيني كالج	Y-1AB131		8-B3
۳۳	مصطفی	حسيني كالج	Y-1AB412		8-C1
۳۴	معصومه	حسيني كالج	Y-1AB1B		8-B3
۳۵	مهدي	حسيني كالج	Y-1AB52 Y-1A1A2 Y-11BA2		7-E4 8-D1
۳۶	میمنت	حسيني كالج	Y-1AB4D		8-C2
۳۷	نبي	حسيني كالج	Y-1AB4		8-C2
۳۸	هاجر	حسيني كالج	Y-1ABB		8-C3
۳۹	سیدزهرا	حسینی کالج	Y-1AB5B Y-1A1AB Y-11BAB		8-D1 7-E4
	حقایقی				
۱	سلطنت	حقایقی		Y-1AB2	8-B2
۲	صدیقه	حقایقی		Y-1C3	2-D2 10-D4
	حقجو				
۱	رسول	حقجو	Y-2DA3 Y-CA3A3		3-E4 6-B2
۲	روسانا	حقجو	Y-2DAB Y-CA3AB		3-E4 6-B2
۳	شهرضا	حقجو	Y-2DA1 Y-CA3A1		3-E4 6-B2
۴	شیما	حقجو	Y-2DAA Y-CA3AA		3-E4 6-B1
۵	قوام	حقجو		Y-2DA	3-E4

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
				Y-CA3A	6-B2
۶	محمدرضا	حقجو	Y-2DA2 Y-CA3A2		3-E4 6-B2
۷	مهرسام	حقجو	Y-2DA1A Y-CA3A1A		3-E3 6-B1
۸	یاسر	حقجو	Y-2DA4 Y-CA3A4		3-E4 6-B2
	حمیدی				
۱	فریده	حمیدی		Y-1AA4	8-E5
	حیدری				
۱	بهار	حیدري	Y-2BAA	Y-2DC2 Y-CA3C2	3-C4 6-C1
۲	رهام	حیدري	Y-2BA1		3-C4
۳	فریدون	حیدري		Y-2BA	3-C3
۴	ثریا	حیدری		Y-2B2	3-D3
	خادم				
۱	محمد سجاد	خادم		Y-2A5A	3-E4
	خادمی				
۱	زینب	خادمی		Y-2231	3-G2
	خاکباز				
۱	آراد	خاکباز	Y-CA2C1 Y-B1AC1		5-D5 6-C4
۲	آروین	خاکباز	Y-CA2C2 Y-B1AC2		5-D5 6-C4
۳	فرزاد	خاکباز		Y-CA2C Y-B1AC	5-D5 6-C4
	خاکپور				
۱	فروزان	خاکپور		Y-242 Y-BABB2	3-F2 5-F3
	خدایی				
۱	مریم	خدایي		Y-235	3-F2
۲		خدایی		Y-1C1A	10-D2
۳	حنیف	خدایی	Y-1C1A1		10-D1
۴	هاجر	خدایی	Y-1C1AA		10-D2
	خسروانی				
۱	شهربانو	خسرواني		Y-A1AA2	4-A4
۲	امیرعلي	خسروانی	Y-B11A1		5-C5
۳	مصطفي	خسروانی		Y-B11A	5-C4
۴	یاسمین	خسروانی	Y-B11AA		5-C5
	خندان				
۱	اسماغیل	خندان		Y-B1CA	5-E5
۲	افشین	خندان	Y-B1CA2		5-E5
۳	امیر	خندان	Y-B1CA1		5-E5
۴	رامین	خندان	Y-B1CA3		5-E5
۵	لاله	خندان	Y-B1CAA		5-E5
	داودی				
	الهه	داودی		Y-22A1	3-G2
	درویش				
۱	ارین	درویش	Y-231B1 Y-24AB1 Y-BABBAB1		3-F4 5-G3
۲	آوا	درویش	Y-A11ABA		4-D3
۳	بهروز	درویش		Y-231B Y-24AB Y-BABBAB	3-F4 5-G2
۴	بهمن	درویش		Y-A11AB	4-D3
۵	پروین	درویش		Y-113	2-D5 7-C1
۶	خدیجه سلطان	درویش		Y-1(I)	1-E2 2-A4
۷	ربابه	درویش		Y-A1	4-B1

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۸	زهرا	درویش		Y	1-D4
۹	ساغر	درویش	Y-111B2A Y-A1BB2A		4-G4 7-G4
۱۰	سپهر	درویش	Y-2B1A1		3-D2
۱۱	شهاب	درویش	Y-2B1A1		3-D2
۱۲	شوکت	درویش		Y-A11(I)	4-D4
۱۳	صدیقه	درویش		Y-21	3-A3
۱۴	غزل	درویش	Y-111B2B Y-A1BB2B		4-G4 7-G4
۱۵	کامیار	درویش		Y-113B	7-C1
۱۶	کسری	درویش	Y-113B1		7-C1
۱۷	لهراسب	درویش		Y-2B1A	3-E3
۱۸	مالک	درویش		Y-111B Y-A1BB	4-F4 7-F5
۱۹	مجید	درویش	Y-111B2 Y-A1BB2		4-G5 7-G4
۲۰	محسن	درویش	Y-111B3 Y-A1BB3		4-F5 7-F4
۲۱	ملینا	درویش	Y-111BB Y-A1BBB	Y-1A121 Y-11B21 Y-111E1 Y-A1BE1	4-G5 7-G5
۲۲	مهران	درویش	Y-111B4 Y-A1BB4		4-G5 7-G5
۲۳	مهرتاش	درویش	Y-111B11 Y-A1BB11		4-G4 7-G4
۲۴	مهیار	درویش	Y-111B1 Y-A1BB1		4-G4 7-G4
۲۵	مینا	درویش	Y-111BA Y-A1BBA		4-G5 7-G5
۲۶	میهن	درویش		Y-A1A1	4-B4
	دشتی				
۱	روشا	دشتی	Y-BABAAA		5-D1
۲	شوکا	دشتی	Y-BABAAB		5-D1
۳	مهرداد	دشتی		Y-BABAA	5-D1
	ده مشکی				
۱	افشین	ده مشکي		Y-111AA Y-A1BAA	4-G2 7-G1
۲	پارسانا	ده مشکي	Y-111AAB Y-A1BAAB		4-G2 7-G1
۳	پارینا	ده مشکي	Y-111AAA Y-A1BAAA		4-G1 7-G1
	دهلوی				
۱	امیلي	دهلوي	Y-2C2A Y-B1CBAA		3-B2 5-F5
۲	پروین	دهلوي	Y-2CA	Y-211	3-D2
۳	جسیکا	دهلوي	Y-2C2B Y-B1CBAB		3-C2 5-G5
۴	حسینعلي	دهلوي		Y-2C	3-B2
۵	شاهپور	دهلوي	Y-2C1	Y-2AA	3-B5
۶	شبنم	دهلوي	Y-2C1B Y-2AAB		3-B5
۷	شهریار	دهلوي	Y-2C11 Y-2AA1		3-B4
۸	شهین	دهلوي	Y-2CB	Y-131	2-D4 3-B2 12-A2
۹	شیوا	دهلوي	Y-2C1A Y-2AAA		3-B4
۱۰	مازیار	دهلوي	Y-2C12 Y-2AA2		3-B4
۱۱	مرداویج	دهلوي	Y-2C13 Y-2AA3		3-C5
۱۲	مسعود	دهلوي	Y-2C3		3-C2
۱۳	منصور	دهلوي	Y-2C2	Y-B1CBA	3-B2 5-F5
۱۴	دریا	دهلوی	Y-2C12A Y-2AA2A		3-B4
	دیوسالار				

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱		دیوسالار	Y-1AB2A1		8-B2
۲		دیوسالار	Y-1AB2AA		8-B1
۳	ابوالقاسم	دیوسالار		Y-BAB	5-B2
۴	آتنا	دیوسالار	Y-134B Y-24CB Y-BABBCB		3-F4 5-F2 12-D2
۵	احسان	دیوسالار	Y-1BB11		9-D2
۶	آدام	دیوسالار	Y-B1122		5-B5
۷	آرزو	دیوسالار	Y-133A Y-112AA Y-1CAAA		2-C3 7-C4 10-F3 12-B4
۸	آرش	دیوسالار	Y-236		3-F2
۹	آرشام	دیوسالار	Y-2361		3-F2
۱۰	آرشیا	دیوسالار	Y-11222 Y-1CA22 Y-131A2 Y-2CBA2		3-D3 7-B3 10-F4 12-C1
۱۱	آرمان	دیوسالار	Y-235		3-F2
۱۲	آریان	دیوسالار	Y-241A Y-BABB1A Y-211BA Y-2CABA		3-E2 5-F1
۱۳	آریاناز	دیوسالار	Y-B11B		5-B4
۱۴	آزاده	دیوسالار	Y-A1AAA		4-B4
۱۵	آزیتا	دیوسالار	Y-112G Y-1CAG		2-D3 7-C3 10-G3
۱۶	اسفندیار	دیوسالار		Y-13B	2-B4 12-E2
۱۷	آسیه	دیوسالار	Y-1BBC	Y-13A1	12-F4 9-E3
۱۸	افشین	دیوسالار	Y-B113		5-C4
۱۹	امّ البنین	دیوسالار	Y-1D		1-G1 2-E1 11-A3
۲۰	آمنه	دیوسالار	Y-114B Y-1AAAB		2-G5 7-B2 8-F3
۲۱	امیر	دیوسالار	Y-B1112		5-B5
۲۲	امیرحسن	دیوسالار	Y-B1C21		5-E4
۲۳	امیرحسین	دیوسالار	Y-B1C22		5-E4
۲۴	امین	دیوسالار	Y-223		3-G2
۲۵	آناهیتا	دیوسالار	Y-13A1A Y-1BBCA		12-F5 9-E2
۲۶	آنوشکا	دیوسالار	Y-236A		3-F2
۲۷	آنیتا	دیوسالار	Y-13A1B Y-1BBCB		9-E2 12-F5
۲۸	الهام	دیوسالار	Y-223A		3-G2
۲۹	آیدا	دیوسالار	Y-134A Y-24CA Y-BABBCA		3-F4 5-F1 12-D2
۳۰	ایراندخت	دیوسالار	Y-BABA		5-D2
۳۱	بابک	دیوسالار	Y-2B34		3-D4
۳۲	بنجامین	دیوسالار	Y-B1121		5-B5
۳۳	بهادر	دیوسالار	Y-2B3		3-D3
۳۴	بهار	دیوسالار	Y-112BA Y-1CABA		7-C4 10-F2
۳۵	بهداد	دیوسالار	Y-2B31		3-C3
۳۶	بهرام	دیوسالار	Y-231	Y-24A Y-BABBA	3-F3 5-G2
۳۷	بهروز	دیوسالار	Y-1111 Y-A1B1		2-G2 4-F1 7-F1
۳۸	بهزاد	دیوسالار	Y-132	Y-1CF	2-B3 10-B2 12-D3
۳۹	بهزاد	دیوسالار	Y-2111 Y-2CA1		3-D2
۴۰	بهناز	دیوسالار	Y-211A Y-2CAA	Y-B1C1	3-D2 5-E5
۴۱	بهنام	دیوسالار	Y-1115 Y-A1B5	Y-1A1C Y-11BC	2-G3 4-F2

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
					7-F5 8-G2
۴۲	پارسا	دیوسالار	Y-11A11		7-E2
۴۳	پارسا	دیوسالار	Y-2322		3-G5
۴۴	پارمیدا	دیوسالار	Y-A1AA3A		4-B5
۴۵	پرتو	دیوسالار	Y-11A2A		7-E3
۴۶	پردیس	دیوسالار	Y-231C Y-24AC Y-BABBAC		3-F4 5-G2
۴۷	پروانه	دیوسالار	Y-112A Y-1CAA	Y-133	2-D3 7-B4 10-E3 12-A3
۴۸	پروین	دیوسالار		Y-B11	5-B4
۴۹	پریچهر	دیوسالار	Y-11AB		2-F2 7-E2
۵۰	پریزاد	دیوسالار	Y-243A Y-BABB3A		3-E2 5-G3
۵۱	پریسا	دیوسالار	Y-133C Y-112AC Y-1CAAC		2-D2 7-B4 10-F5 12-C4
۵۲	پریوش	دیوسالار	Y-11A1A	Y-11AB3	7-E2
۵۳	پویا	دیوسالار	Y-2B21		3-D4
۵۴	پیام	دیوسالار	Y-13B2		2-B3 12-F2
۵۵	ثریا	دیوسالار		Y-1AB31	8-B2
۵۶	ثریا	دیوسالار	Y-113A		2-E2 7-G2
۵۷	جمیله	دیوسالار	Y-114A Y-1AAAA		2-F5 7-B2 8-G3
۵۸	جهانبخش	دیوسالار	Y-131	Y-2CB	2-D4 3-B2 12-A1
۵۹	جهانگیر	دیوسالار		Y-BAAC	5-C3
۶۰	جهانگیر	دیوسالار	Y-221	Y-23B	3-G3
۶۱	حامد	دیوسالار	Y-A1A41 Y-112C1 Y-1DAC1		4-C3 7-B3 10-F2
۶۲	حجت	دیوسالار	Y-222		3-G1
۶۳	حدیقه	دیوسالار		Y-2 (I)	1-E4 3-A3
۶۴	حسن	دیوسالار	Y-A1AA2		4-A4
۶۵	حسین	دیوسالار	Y-1321 Y-1CF1		2-C3 10-C2 12-D3
۶۶	حسین	دیوسالار	Y-A1AA3		4-B4
۶۷	حسین	دیوسالار	Y-1BB3		2-B2 9-D3
۶۸	حسین بیک	دیوسالار		Y-A1A	4-B3
۶۹	حمید	دیوسالار	Y-1141 Y-1AAA1		2-F5 7-A1 8-E2
۷۰	حمید	دیوسالار	Y-A1A13		4-C3
۷۱	حمیده	دیوسالار	Y-A		1-E5 4-A1
۷۲	حیدر	دیوسالار		Y-13A	12-E3
۷۳	خانم جان	دیوسالار	Y-B		1-F4 5-A3
۷۴	خداداد	دیوسالار	Y-11A2		2-G2 7-E3
۷۵	خدایار	دیوسالار	Y-11A1		2-G2 7-E2
۷۶	داریوش	دیوسالار	Y-1124		2-E3 7-B4
۷۷	داریوش	دیوسالار	Y-2B41 Y-24E1		3-E3 5-G1
۷۸	داریوش	دیوسالار	Y-B12		5-F3
۷۹	دامون	دیوسالار	Y-1CE11		10-C2
۸۰	داوود	دیوسالار		Y-11A	2-F3 7-D3
۸۱	داوود	دیوسالار	Y-B1C1	Y-211A Y-2CAA	3-D2 5-E5
۸۲	دنیاناز	دیوسالار	Y-B11A		5-C4
۸۳	دیانا	دیوسالار	Y-BABC		5-E3

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۸۴	دیبا	دیوسالار	Y-1BBD		9-F3
۸۵	راحله	دیوسالار	Y-132A Y-1CFA		2-C3 10-C2 12-D3
۸۶	ربابه	دیوسالار		Y-243 Y-BABB3	3-E2 5-G3
۸۷	رحمت الله	دیوسالار	Y-2		1-E3 3-A3
۸۸	رزیتا	دیوسالار	Y-133B Y-112AB Y-1CAAB		2-C3 10-F5 7-B4 12-C4
۸۹	رستم	دیوسالار	Y-133	Y-112A Y-1CAA	2-D3 7-B4 10-E4 12-A3
۹۰	رضا	دیوسالار	Y-1B1A1 Y-1CCA1		9-B4 10-C5
۹۱	رضا	دیوسالار	Y-2233		3-G2
۹۲	رضیه	دیوسالار		Y-2A3(II)	3-F5
۹۳	رفعت	دیوسالار	Y-11C		2-C4 7-C3
۹۴	رقیه	دیوسالار	Y-112C Y-1DAC	Y-A1A4	2-D3 4-C3 10-F3
۹۵	رهبان	دیوسالار	Y-11AA11		7-F2
۹۶	روانبخش	دیوسالار	Y-1311 Y-2CB1		2-D4 3-B2 12-B2
۹۷	روجا	دیوسالار	Y-112BB Y-1CABB		7-C5 10-F2
۹۸	روزبه	دیوسالار	Y-A1AA21		4-B5
۹۹	روشن	دیوسالار	Y-2B13		3-D3
۱۰۰	ریحانه	دیوسالار	Y-1321A Y-1CF1A		10-C1 12-D4
۱۰۱	ریلی	دیوسالار	Y-B113B		5-C5
۱۰۲	زهرا	دیوسالار	Y-1BB2A		9-E2
۱۰۳	زهرا	دیوسالار	Y-2D	Y-CA3	1-G3 3-B4 6-B3
۱۰۴	زهرا	دیوسالار	Y-A1AA		4-A3
۱۰۵	زهره	دیوسالار	Y-13A		2-C4 12-E3
۱۰۶	ژاله	دیوسالار	Y-112I		2-E4 7-B5
۱۰۷	ژوبین	دیوسالار	Y-B114		5-B4
۱۰۸	ژیلا	دیوسالار	Y-112J		2-E3 7-A4
۱۰۹	ساحل	دیوسالار	Y-23F		3-F2
۱۱۰	ساحل	دیوسالار	Y-A1A4B Y-112CB Y-1DACB		4-C2 10-F2
۱۱۱	سارا	دیوسالار	Y-A1A4A Y-112CA Y-1DACA		4-C2 10-F2
۱۱۲	سارا	دیوسالار	Y-B1C3A		5-F4
۱۱۳	ساره	دیوسالار	Y-1121A Y-1CA1A Y-1C1CA		7-A2 10-E2
۱۱۴	سارینا	دیوسالار	Y-13B2A		12-F1
۱۱۵	ساسان	دیوسالار	Y-B1C3		5-E4
۱۱۶	سامان	دیوسالار	Y-11AA1		7-F2
۱۱۷	سامایا	دیوسالار	Y-B113A		5-C5
۱۱۸	سامیه	دیوسالار	Y-23H		3-F1
۱۱۹	ساناز	دیوسالار	Y-11AAA	Y-A1AA1	4-A4
۱۲۰	ساندرا	دیوسالار	Y-B112A		5-B5
۱۲۱	سانیار	دیوسالار	Y-2422 Y-BABB22		3-F3 5-F3
۱۲۲	سبحان	دیوسالار	Y-12		1-F1
۱۲۳	سپه نسا	دیوسالار	Y-13B		2-B4 12-E2
۱۲۴	سپیده	دیوسالار	Y-24F Y-BABBF	Y-2D3 Y-CA33	3-E4 5-F2
۱۲۵	ستاره	دیوسالار	Y-1B		1-F2 9-A3

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۲۶	ستایش	دیوسالار	Y-2232A		3-G1
۱۲۷	سحر	دیوسالار	Y-11AAD		7-E2
۱۲۸	سروناز	دیوسالار	Y-11AAC		7-F2
۱۲۹	سریر	دیوسالار	Y-A1AA1A Y-11AAAA		4-A5
۱۳۰	سعید	دیوسالار	Y-23E1 Y-11141 Y-A1B41		3-F2 4-F2 7-F2
۱۳۱	سعید	دیوسالار	Y-2231		3-G2
۱۳۲	سمیناز	دیوسالار	Y-11AAB	Y-11AB1	7-E2
۱۳۳	سمیه	دیوسالار	Y-13AA	Y-13B1	2-C4 12-F3
۱۳۴	سهند	دیوسالار	Y-2421 Y-BABB21		3-F3 5-F3
۱۳۵	سورنا	دیوسالار	Y-111A11 Y-A1BA1		4-G2 7-G2
۱۳۶	سورنا	دیوسالار	Y-23111 Y-24A11 Y-BABBA11		3-F4 5-G3
۱۳۷	سوزان	دیوسالار	Y-23E	Y-1114 Y-A1B4	3-F2 4-F2 7-F2
۱۳۸	سوسن	دیوسالار	Y-13AB		2-C4 12-F4
۱۳۹	سوسن	دیوسالار	Y-24A Y-BABBA	Y-231	3-F3 5-G2
۱۴۰	سوفیا	دیوسالار	Y-24B Y-BABBB		3-E3 5-F2
۱۴۱	سولماز	دیوسالار	Y-23G		3-F1
۱۴۲	سونیا	دیوسالار	Y-24E	Y-2B4	3-E3
۱۴۳	سیروس	دیوسالار		Y-11AA	7-E2
۱۴۴	سیروس	دیوسالار	Y-13B1	Y-13AA	2-B4 12-F3
۱۴۵	سیما	دیوسالار	Y-113C		2-D4 7-D1
۱۴۶	سیما	دیوسالار	Y-24C Y-BABBC	Y-134	3-F3 5-F2 12-D2
۱۴۷	سیمین	دیوسالار		Y-2A1	3-E5
۱۴۸	سینا	دیوسالار	Y-13B11 Y-13AA1		12-F3
۱۴۹	سینا	دیوسالار	Y-B1C31		5-F4
۱۵۰	شادان	دیوسالار	Y-231B Y-24AB Y-BABBAB		3-F4 5-G2
۱۵۱	شاهین	دیوسالار	Y-B111		5-B4
۱۵۲	شایان	دیوسالار	Y-2B42 Y-24E2		3-E3
۱۵۳	شباهنگ	دیوسالار	Y-2311 Y-24A1 Y-BABBA1		3-F3 5-G2
۱۵۴	شروین	دیوسالار	Y-11221 Y-1CA21 Y-131A1 Y-2CBA1		3-C3 7-B3 10-F4 12-C1
۱۵۵	شروین	دیوسالار	Y-B112		5-B4
۱۵۶	شکرالله	دیوسالار	Y-113		2-D4 7-C2
۱۵۷	شکیبا	دیوسالار	Y-231A Y-24AA Y-BABBAA		3-F3 5-G2
۱۵۸	شلی	دیوسالار		Y-BAA2	5-B3
۱۵۹	شمسی	دیوسالار	Y-1BBB		2-B2 9-E3
۱۶۰	شهباز	دیوسالار	Y-B1C2		5-E4
۱۶۱	شهربانو	دیوسالار	Y-BABD		5-D3
۱۶۲	شهرزاد	دیوسالار	Y-2B1A		3-E3
۱۶۳	شهلا	دیوسالار	Y-B1CB		5-F5
۱۶۴	شهناز	دیوسالار	Y-11AA		2-F3 7-E2
۱۶۵	شهنام	دیوسالار	Y-13B3		2-B4 12-F2
۱۶۶	شهین	دیوسالار	Y-B1CA		5-E5
۱۶۷	شوکت	دیوسالار	Y-11B	Y-1A1	2-F4 7-D5

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
					8-E2
۱۶۸	شیرین	دیوسالار	Y-131B Y-2CBB		2-B4 3-C2 12-B2
۱۶۹	صابره	دیوسالار	Y-13AE		2-C4 12-G3
۱۷۰	صدیقه	دیوسالار	Y-11AD		2-F3 7-E3
۱۷۱	صمد	دیوسالار	Y-1144 Y-1AAA4		2-G5 7-B2 8-G4
۱۷۲	ضرغام	دیوسالار		Y-1CE	2-D2 10-C2
۱۷۳	طناز	دیوسالار	Y-211B Y-2CAB	Y-241 Y-BABB1	3-E2 5-F2
۱۷۴	طیبه	دیوسالار		Y-1AA1	8-E5
۱۷۵	عاطفه	دیوسالار	Y-13AD		2-C4 12-F3
۱۷۶	عبدالرضا	دیوسالار	Y-1114 Y-A1B4	Y-23E	2-G3 3-F2 4-F2 7-F3
۱۷۷	عرفان	دیوسالار	Y-11211 Y-1CA11 Y-1C1C1		7-A3 10-E2
۱۷۸	عزت الله	دیوسالار	Y-13		1-F1 2-B3 12-A3
۱۷۹	عزیز	دیوسالار		Y-112B Y-1CAB	7-C4 10-F3
۱۸۰	عزیزالله	دیوسالار	Y-114	Y-1AAA	2-F5 7-A2 8-E3
۱۸۱	عشرت	دیوسالار	Y-11A		2-F2 7-D2
۱۸۲	عصمت	دیوسالار	Y-1BBE		2-B2 9-F2
۱۸۳	عظیمه	دیوسالار	Y-2B		1-F3 3-B3
۱۸۴	عفت	دیوسالار	Y-B1C		5-E4
۱۸۵	علاألدین	دیوسالار	Y-241 Y-BABB1	Y-211B Y-2CAB	3-E2 5-F2
۱۸۶	علي	دیوسالار	Y-111A1 Y-A1BA1		4-G2 7-G2
۱۸۷	علي	دیوسالار	Y-1131		2-D4 7-D2
۱۸۸	علي	دیوسالار	Y-1CE1		2-D2 10-C2
۱۸۹	علي	دیوسالار	Y-211A1 Y-2CAA1 Y-B1C11		3-D2 5-E5
۱۹۰	علي	دیوسالار	Y-2B33		3-D4
۱۹۱	علي	دیوسالار	Y-A1AA1	Y-11AAA	4-A4
۱۹۲	علی	دیوسالار	Y-1BB12		9-D2
۱۹۳	علی	دیوسالار	Y-B1111		5-B5
۱۹۴	علی	دیوسالار	Y-B121		5-G4
۱۹۵	علیرضا	دیوسالار	Y-11131 Y-A1B31 Y-11AE1		4-G3 7-F2
۱۹۶	علیرضا	دیوسالار	Y-13AE1		12-G4
۱۹۷	علیرضا	دیوسالار	Y-23		1-F3 3-E1
۱۹۸	عیسي	دیوسالار	Y-1B1A2 Y-1CCA2		9-B5 10-C5
۱۹۹	غلامحسین	دیوسالار		Y-2B	3-B3
۲۰۰	غلامحسین	دیوسالار		Y-B1C	5-E5
۲۰۱	غلامحسین	دیوسالار	Y-21		1-E4 3-A3
۲۰۲	غلامرضا	دیوسالار	Y-1113 Y-A1B3	Y-11AE	2-G3 4-G3 7-F3
۲۰۳	فاطمه	دیوسالار	Y-1124A		7-B4
۲۰۴	فاطمه	دیوسالار	Y-13BA		2-B4 12-F2
۲۰۵	فاطمه	دیوسالار	Y-211C Y-2CAC		3-E2
۲۰۶	فاطمه	دیوسالار	Y-235A		3-F2
۲۰۷	فتح الله	دیوسالار	Y-1		1-E2 2-A4

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۲۰۸	فتح الله	دیوسالار	Y-112	Y-1CA	2-E3 7-A4 10-E3
۲۰۹	فرامرز	دیوسالار	Y-11111 Y-A1B11		4-G1 7-F1
۲۱۰	فرامرز	دیوسالار	Y-1112 Y-A1B2		2-F3 4-F1 7-F1
۲۱۱	فرانک	دیوسالار	Y-131C Y-2CBC		2-D4 3-C2 12-C2
۲۱۲	فرحناز	دیوسالار	Y-131A Y-2CBA	Y-1122 Y-1CA2	2-D4 3-C2 7-B3 10-F4 12-C2
۲۱۳	فرخ	دیوسالار	Y-B1B		5-C4
۲۱۴	فرزاد	دیوسالار	Y-11112 Y-A1B12		4-G1 7-G1
۲۱۵	فرزاد	دیوسالار	Y-1313 Y-2CB3		2-D1 3-C2 12-C2
۲۱۶	فرزاد	دیوسالار	Y-1BB1		9-D2
۲۱۷	فرزام	دیوسالار	Y-232		3-G3
۲۱۸	فرزانه	دیوسالار	Y-1111A Y-A1B1A		4-G1 7-G1
۲۱۹	فرزانه	دیوسالار	Y-23D		3-G4
۲۲۰	فرزانه	دیوسالار	Y-B1C2A		5-E4
۲۲۱	فرشته	دیوسالار	Y-112D Y-1CAD		2-D3 7-C4 10-G3
۲۲۲	فرشید	دیوسالار	Y-1331 Y-112A1 Y-1CAA1		2-C3 7-C4 10-E4 12-B4
۲۲۳	فرشید	دیوسالار	Y-2321		3-G5
۲۲۴	فرناز	دیوسالار	Y-232A		3-G5
۲۲۵	فرنام	دیوسالار	Y-233	Y-111G Y-A1BG	3-F2 4-F4 7-G3
۲۲۶	فرهاد	دیوسالار	Y-1312 Y-2CB2	Y-112H	2-E2 3-C2 7-A5 12-B2
۲۲۷	فرهنگ	دیوسالار	Y-2B4	Y-24E	3-E3
۲۲۸	فروزان	دیوسالار	Y-112F Y-1CAF		2-E3 7-C3 10-F3
۲۲۹	فروغ	دیوسالار	Y-112E Y-1CAE		2-E3 7-B3 10-G3
۲۳۰	فرید	دیوسالار	Y-242 Y-BABB2		3-E3 5-F2
۲۳۱	فریده	دیوسالار	Y-111E Y-A1BE	Y-1A12 Y-11B2	2-F3 4-F5 7-F5 8-E2
۲۳۲	فریده	دیوسالار	Y-22A		3-G2
۲۳۳	فضل الله	دیوسالار	Y-111	Y-A1B	2-F3 4-E2 7-F1
۲۳۴	فهیمه	دیوسالار	Y-21B		3-A3
۲۳۵	فوزیه	دیوسالار	Y-23C		3-G4
۲۳۶	کافی	دیوسالار	Y-11AE	Y-1113 Y-A1B3	2-G3 4-G3 7-F3
۲۳۷	کافیه	دیوسالار	Y-2BA		3-C3
۲۳۸	کورش	دیوسالار	Y-1123		2-E3 7-A4
۲۳۹	کورش	دیوسالار	Y-2331		3-F2
۲۴۰	کورش	دیوسالار	Y-234		3-F1
۲۴۱	کوشا	دیوسالار	Y-2B21		3-D4
۲۴۲	کوهیار	دیوسالار	Y-2B12		3-D3
۲۴۳	کیومرث	دیوسالار	Y-211	Y-2CA	3-D2
۲۴۴	گلپر	دیوسالار	Y-241B Y-BABB1B Y-211BB Y-2CABB		3-E3 5-F1
۲۴۵	گلناز	دیوسالار	Y-233A Y-111G Y-A1BGA		3-F2 4-F3 7-F3
۲۴۶	گوهر	دیوسالار	Y-23B	Y-221	3-G3
۲۴۷	لاله	دیوسالار	Y-112BB Y-1CABB		7-C5 10-F2
۲۴۸	لطف الله	دیوسالار		Y-1AB2A	8-B2
۲۴۹	لیلا	دیوسالار	Y-113B		2-D4 7-D1
۲۵۰	لیلا	دیوسالار	Y-24D Y-BABBD		3-F3 5-F2
۲۵۱	لیلا	دیوسالار	Y-A1A1A		4-C4
۲۵۲	مازیار	دیوسالار	Y-11431 Y-1AAA31		7-A1 8-F3
۲۵۳	ماه سلطان	دیوسالار		Y-B1	5-A4
۲۵۴	ماهان	دیوسالار	Y-13121 Y-2CB21 Y-112H1		3-C3 7-A5 12-B1
۲۵۵	ماهرخ	دیوسالار	Y-111D Y-A1BD	Y-1AA3	2-G3 4-F4 7-F4 8-E4
۲۵۶	مجتبي	دیوسالار	Y-134	Y-24C Y-BABBC	2-C3 3-F3 5-F1 12-D3
۲۵۷	محبوبه	دیوسالار	Y-11AC		2-F2 7-E3
۲۵۸	محترم	دیوسالار		Y-1AB3	8-B2
۲۵۹	محسن	دیوسالار	Y-13A2		2-C3 12-F4
۲۶۰	محسن	دیوسالار	Y-2213 Y-23B3		3-G3
۲۶۱	محلا	دیوسالار	Y-11A3A		7-E2
۲۶۲	محمد	دیوسالار	Y-11311		7-D2
۲۶۳	محمد	دیوسالار	Y-1332 Y-112A2 Y-1CAA2		2-D3 7-B4 10-F4 12-B4
۲۶۴	محمد	دیوسالار	Y-1BB2		9-E3
۲۶۵	محمد	دیوسالار	Y-2112 Y-2CA2		3-D2
۲۶۶	محمد رضا	دیوسالار	Y-1341 Y-24C1 Y-BABBC1		3-F4 5-F1 12-E2
۲۶۷	محمدصالح	دیوسالار	Y-13A1	Y-1BBC	9-E2 12-F4
۲۶۸	محمدرضا	دیوسالار	Y-11422 Y-1AAA22		7-B1 8-F3
۲۶۹	محمدرضا	دیوسالار	Y-A1AA11 Y-11AAA1		4-A4
۲۷۰	محمدصادق	دیوسالار	Y-2232		3-G2
۲۷۱	محمدمهدي	دیوسالار	Y-13211 Y-1CF11		10-C2 12-D4
۲۷۲	محمد ولی	دیوسالار	Y-22		1-F4 3-A1
۲۷۳	محمدولی	دیوسالار	Y-2211 Y-23B1		3-G3
۲۷۴	محمود	دیوسالار	Y-1142 Y-1AAA2		2-G5 7-B2 8-F3
۲۷۵	محمود	دیوسالار	Y-A1A12		4-C4
۲۷۶	محمود	دیوسالار	Y-A1A2		4-B3
۲۷۷	مرتضي	دیوسالار	Y-11132 Y-A1B32 Y-11AE2		4-G2 7-F2
۲۷۸	مرتضي	دیوسالار	Y-11231		7-A4
۲۷۹	مرتضي	دیوسالار	Y-13A21		12-F4
۲۸۰	مرجانه	دیوسالار	Y-BAACB		5-D3
۲۸۱	مرصع	دیوسالار	Y-2C		1-F3 3-B2
۲۸۲	مرضیه	دیوسالار	Y-A1A1B		4-C3
۲۸۳	مرضیه	دیوسالار	Y-BA		1-F4 5-A2

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۲۸۴	مریم	دیوسالار		Y-13A2	12-F4
۲۸۵	مریم	دیوسالار	Y-111B Y-A1BB		2-F3 4F-4 7-F5
۲۸۶	مریم	دیوسالار	Y-221A Y-23BA		3-G3
۲۸۷	مریم	دیوسالار	Y-2B1B		3-D2
۲۸۸	مریم	دیوسالار	Y-A1AAB		4-B4
۲۸۹	مریم	دیوسالار	Y-B12A		5-G4
۲۹۰	مژگان	دیوسالار	Y-111G Y-A1BG	Y-233 (I)	2-G3 3-F2 4-F3 7-F3
۲۹۱	مژگان	دیوسالار	Y-BAACA		5-D3
۲۹۲	مصطفي	دیوسالار	Y-243 Y-BABB3		3-E2 5-G3
۲۹۳	معصومه	دیوسالار	Y-222A		3-G1
۲۹۴	ملیحه	دیوسالار	Y-111C Y-A1BC	Y-A111	2-F3 4-E4 7-G3
۲۹۵	منوچهر	دیوسالار	Y-24	Y-BABB	1-F3 3-E2 5-E2
۲۹۶	منیره	دیوسالار	Y-BABB	Y-24	3-E2 5-E2
۲۹۷	منیژه	دیوسالار	Y-21A		3-A4
۲۹۸	مهبد	دیوسالار	Y-1332A Y-112A2A Y-1CAA2A		7-B5 10-F4 12-B4
۲۹۹	مهدي	دیوسالار	Y-2212 Y-23B2		3-G2
۳۰۰	مهدي	دیوسالار	Y-A1A11		4-C3
۳۰۱	مهران	دیوسالار	Y-BAAC1		5-D3
۳۰۲	مهرانگیز	دیوسالار	Y-111A Y-A1BA		2-F3 4-F2 7-G2
۳۰۳	مهرداد	دیوسالار	Y-2B32		3-C4
۳۰۴	مهرداد	دیوسالار	Y-BAACA		5-D3
۳۰۵	مهرزاد	دیوسالار	Y-11A31		7-E3
۳۰۶	مهرناز	دیوسالار	Y-11AG		2-G3 7-E3
۳۰۷	مهرنوش	دیوسالار	Y-111AA Y-A1BAA		4-G1 7-G1
۳۰۸	مهریار	دیوسالار	Y-11A3		2-G2 7-E2
۳۰۹	مهشید	دیوسالار	Y-B1A	Y-CA2	5-C4 6-B4
۳۱۰	مهگل	دیوسالار	Y-1311A Y-2CB1A		3-C3 12-B1
۳۱۱	مهنا	دیوسالار	Y-1332B Y-112A2B Y-1CAA2B		7-B5 10-F4 12-B4
۳۱۲	مهناز	دیوسالار	Y-11AF		2-G3 7-E3
۳۱۳	مهناز	دیوسالار	Y-2B1D		3-D2
۳۱۴	مهوش	دیوسالار	Y-112B Y-1CAB		2-D4 7-C4 10-F3
۳۱۵	موسي سلطان	دیوسالار		Y-B	1-F5 5-A3
۳۱۶	میرکا	دیوسالار	Y-2B1C		3-D2
۳۱۷	میلاد	دیوسالار	Y-11151 Y-A1B51 Y-1A1C1 Y-11BC1		4-F2 7-F4 8-G2
۳۱۸	میلاد	دیوسالار	Y-13111 Y-2CB11		3-B3 12-B1
۳۱۹	نادر	دیوسالار		Y-111A Y-A1BA	2-F3 4-F2 7-G2
۳۲۰	نادر	دیوسالار	Y-A1A3		4-B3
۳۲۱	ناصر	دیوسالار	Y-2B2		3-D3
۳۲۲	ناصر	دیوسالار	Y-A1A1		4-B3
۳۲۳	ناهید	دیوسالار	Y-23A		3-G4
۳۲۴	ناهید	دیوسالار	Y-1BBA		9-F3
۳۲۵	نجات	دیوسالار		Y-13AE	12-G4
۳۲۶	نرگس خاتون	دیوسالار	Y-1C		1-G2 2-A2 10-A3
۳۲۷	نرگس خاتون	دیوسالار	Y-C		1-G4 6-A3
۳۲۸	نسترن	دیوسالار	Y-211AA Y-2CAAA Y-B1C1A		3-D2 5-E5
۳۲۹	نصرت	دیوسالار	Y-2A		1-E3 3-B5
۳۳۰	نصرت الله	دیوسالار		Y-1B1A Y-1CCA	9-B4 10-C4
۳۳۱	نعمت الله	دیوسالار		Y-A1AA	4-A4
۳۳۲	نگار	دیوسالار	Y-23EA Y-11141 Y-A1B4A		3-F2 4-F3 7-F2
۳۳۳	نگین	دیوسالار	Y-222B		3-G1
۳۳۴	نوریه	دیوسالار	Y-13AC		2-C4 12-F4
۳۳۵	نوژان	دیوسالار	Y-13311 Y-112A11 Y-1CAA11		7-C4 10-E4 12-B4
۳۳۶	نیره	دیوسالار	Y-111F Y-A1BF		2-G3 4-F4 7-F4
۳۳۷	نیکا	دیوسالار	Y-A1AA2A		4-A5
۳۳۸	نیکو	دیوسالار	Y-BAAC1A		5-D2
۳۳۹	نیما	دیوسالار	Y-111A2 Y-A1BA2		4-F1 7-G1
۳۴۰	نیما	دیوسالار	Y-13B12 Y-13AA2		12-F3
۳۴۱	نیما	دیوسالار	Y-2B11		3-D2
۳۴۲	هاجرخاتون	دیوسالار	Y-1A		1-F2 2-B5 8-A4
۳۴۳	هاله	دیوسالار	Y-112H	Y-1312 Y-2CB2	2-E4 3-C3 7-A5 12-B2
۳۴۴	هانیه	دیوسالار	Y-A1A4C Y-112CC Y-1CACC		4-C2 7-C3 10-F2
۳۴۵	هانیه	دیوسالار	Y-2231A		3-G1
۳۴۶	همایون	دیوسالار	Y-A1A42 Y-112C2 Y-1DAC2		4-C2 10-F2
۳۴۷	هوشنگ	دیوسالار	Y-2B1		3-D3
۳۴۸	هوشنگ	دیوسالار	Y-B11		5-B4
۳۴۹	وجیه الله	دیوسالار	Y-11		1-F2 2-B4 7-A3
۳۵۰	وجیه الله	دیوسالار	Y-1122 Y-1CA2	Y-131A	2-D3 3-C3 7-B3 10-F3 12-C2
۳۵۱	وجیهه	دیوسالار		Y-1C2	2-A3 10-A2
۳۵۲	وحید	دیوسالار	Y-1143 Y-1AAA3		2-G5 7-A2 8-F3
۳۵۳	الوند	دیوسالار	Y-2411 Y-BABB11 Y-211B1 Y-2CAB1		3-E2 5-F1
۳۵۴	یاسمین	دیوسالار	Y-1115A Y-A1B5A Y-1A1CA Y-11BCA		4-F3 7-F4 8-G1
۳۵۵	یحیي	دیوسالار	Y-B1		1-F5

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
					5-A4
۳۵۶	یزدان	دیوسالار	Y-1121 Y-1CA1	Y-1C1C	2-D3 7-A3 10-E3
۳۵۷	یعقوب	دیوسالار	Y-A1A4	Y-112C Y-1DAC	4-C2 7-B3 10-F3
۳۵۸	یلدا	دیوسالار	Y-2111A Y-2CA1A		3-D2
۳۵۹	یوسف	دیوسالار	Y		1-D3
۳۶۰	پانیذ	دیوسالار	Y-11A2B		7-E4
۳۶۱	عفت	دیوسالار		Y-B1C3	5-E4
۳۶۲	علی	دیوسالار		Y-1BB	9-D3
۳۶۳	فاطمه	دیوسالار		Y-1AB33	8-B1
	ذکایی				
۱	امیر محمد	ذکایی	Y-1B1B1 Y-1CCB1		9-C5 10-C5
۲	جلیله	ذکایی	Y-1B1BA Y-1CCBA		9-C5 10-C5
۳	سیف الله	ذکایی		Y-1B1B Y-1CCB	9-C4 10-C4
	ذوالجلالی				
۱	احسان	ذوالجلالی		Y-1AAAA Y-114A	7-B2 8-G3
۲	الهام	ذوالجلالی	Y-114AC Y-1AAAAC		7-C2 8-G3
۳	مهران	ذوالجلالی	Y-114A1 Y-1AAAA1		7-B1 8-G3
۴	نفیسه	ذوالجلالی	Y-114AA Y-1AAAAA		7-C1 8-G3
۵	یلدا	ذوالجلالی	Y-114AB Y-1AAAAB		7-C1 8-G3
	راد				
۱	زهرا	راد		Y-2A13	3-E4
	رحمانی				
۱	رضا	رحمانی		Y-CA1C	6-F5
۲	محمد	رحمانی	Y-CA1C1		6-F4
۳	محمود	رحمانی	Y-CA1C2		6-G4
	رحمتی				
۱	سیروس	رحمتی		Y-1AAE	8-F5
	رحم دل				
۱	سامیه	رحم دل	Y-2A1BA		3-F4
۲	سهراب	رحم دل	Y-2A1B1		3-F4
۳	مهدی	رحم دل		Y-2A1B1	3-F4
	رستمند مطلق				
۱	پوریا	رستمند مطلق	Y-A111A1 Y-111CA1 Y-A1BCA1		4-E5 7-G2
	رستمی				
۱	شاهین	رستمی	Y-21BB1		3-B2
	رضایی				
۱	رحیمه	رضایی		Y-1AB41	8-C1
۲	زینب	رضایی		Y-2B1	3-D3
	روانبخش				
۱	شبنم	روانبخش		Y-2DB1 Y-CA3B1	3-D3 6-B2
	زارع چیان				
۱	بهمن	زارع چیان		Y-CA2B Y-B1AB	5-D5 6-C4
۲	بهنام	زارع چیان	Y-21AA1		3-A5
۳	بیژن	زارع چیان		Y-21AA	3-A4
۴	سایه	زارع چیان	Y-CA2BB		5-D5 6-C4

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
			Y-B1ABB		
۵	صدف	زارع چیان	Y-CA2BA Y-B1ABA		5-D5 6-C4
	زرشناس				
۱	سارا	زرشناس	Y-BABA1A		5-E1
۲	شیرین	زرشناس	Y-BABA1B		5-E1
۳	آتوسا	زرشناس	Y-BABA2B		5-E1
۴	آزاده	زرشناس	Y-BABA2A		5-E1
۵	افسانه	زرشناس	Y-BABAA		5-D2
۶	جواد	زرشناس	Y-BABA12		5-E1
۷	حمید	زرشناس	Y-BABA2		5-E2
۸	فتانه	زرشناس	Y-BABAB		5-E2
۹	فرشته	زرشناس	Y-BABAC		5-E1
۱۰	علی	زرشناس	Y-BABA11		5-E1
۱۱	مجتبي	زرشناس	Y-BABA1		5-E2
۱۲	محمدعلي	زرشناس		Y-BABA	5-D2
	زرکانی				
۱	شهرزاد	زرکانی		Y-B1CB1	5-F5
	ژولیده				
۱	حمید	ژولیده		Y-11CB	7-C4
	سالار				
۱	آرمین	سالار	Y-1AAD2		8-E5
۲	رامین	سالار	Y-1AAD1		8-E5
۳	رحیم	سالار	Y-1AAD3		8-F5
۴	رستم	سالار		Y-1AAD	8-E5
۵	سکینه	سالار		Y-13	2-B4 12-A3
۶	گلنسا	سالار	Y-1AADA		8-F4
۷	محبوبه	سالار	Y-1BBBA		9-E1
۸	محمود	سالار		Y-1BBB	9-E2
۹	مرضیه	سالار	Y-1BBBB		9-E2
	معصومه	سالار	Y-1BBBC		9-E3
	سالاریان				
۱	آیناز	سالاریان	Y-2A13A		3-E4
۲		سالاریان	Y-2A211		3-D4
۳	آبجي خانم	سالاریان		Y-CA1(I)	6-E4
۴	ابوالفتح	سالاریان	Y-CA1		6-E3
۵	ابوالفتح	سالاریان	Y-CA161		6-F2
۶	ابوالفضل	سالاریان	Y-CA162		6-F2
۷	آتیکه	سالاریان	Y-CAA		6-E3
۸	احسان	سالاریان	Y-CA3	Y-2D	3-B4 6-B3
۹	اختر	سالاریان	Y-2DB Y-CA3B		3-D4 6-B3
۱۰	اردشیر	سالاریان	Y-2A2		3-D5
۱۱	آرش	سالاریان	Y-111D2 Y-A1BD2 Y-1AA32		4-F4 7-F4 8-E4
۱۲	آرشیا	سالاریان	Y-BA111 Y-CA2A1 Y-B1AA1		5-D5 6-D4
۱۳	آرمان	سالاریان	Y-111D3 Y-A1BD3 Y-1AA33		4-F3 7-F4 8-E3
۱۴	آریا	سالاریان	Y-CA131		6-E4
۱۵	آرین	سالاریان	Y-111D21 Y-A1BD21 Y-1AA321		4-F4 7-F4 8-E4
۱۶	آسیه	سالاریان	Y-1AAE		2-G5 8-F4
۱۷	افشین	سالاریان	Y-111D4 Y-A1BD4 Y-1AA34		4-F4 7-F3 8-E3
۱۸	آقا بالا	سالاریان	Y-CA11	Y-CA2A Y-B1AA	5-D4 6-D5

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۹	امید	سالاریان	Y-CA21 Y-B1A1		5-D5 6-B4
۲۰	امیر	سالاریان	Y-1A1	Y-11B	2-F4 7-D5 8-E2
۲۱	امیر	سالاریان	Y-CA14		6-F5
۲۲	امیر حسین	سالاریان	Y-CA152		6-F2
۲۳	امیر علي	سالاریان	Y-111D11 Y-A1BD11 Y-1AA311		4-F3 7-F4 8-E3
۲۴	امیر محمد	سالاریان	Y-CA151		6-F2
۲۵	امیرحسین	سالاریان	Y-11AC1		7-F3
۲۶	امیرسعید	سالاریان	Y-131B1 Y-2CBB1		3-C3 12-B1
۲۷	آناهیتا	سالاریان	Y-BA11A Y-CA2AA Y-B1AAA		5-D4 6-D4
۲۸	انوش	سالاریان	Y-2A12		3-E4
۲۹	آنیسا	سالاریان	Y-131BA Y-2CBBA		3-C3 12-B1
۳۰	آهو	سالاریان		Y-2A22	3-D4
۳۱	آوا	سالاریان	Y-2A4C		3-C5
۳۲	ایرج	سالاریان	Y-2A3	Y-CA1D	3-F5 6-G3
۳۳	باربد	سالاریان	Y-CA1D11 Y-2A311 Y-BA1AA1		3-F4 6-G3
۳۴	پارسا	سالاریان	Y-2DAA1 Y-CA3AA1		3-E4 6-B1
۳۵	پارمیدا	سالاریان	Y-2A14A		3-E5
۳۶	پارمیس	سالاریان	Y-2A14B		3-E5
۳۷	پرینوش	سالاریان	Y-1B1A Y-1CCA		2-C2 9-B4 10-C4
۳۸	پژمان	سالاریان	Y-2D3 Y-CA33	Y-24F Y-BABBF	3-E4 5-F3 6-D3
۳۹	پوریا	سالاریان	Y-CA132		6-E4
۴۰	پیام	سالاریان	Y-2D4 Y-CA34		3-C4 6-D3
۴۱	پیمان	سالاریان	Y-2D2 Y-CA32		3-B4 6-D3
۴۲	تقي	سالاریان	Y-1AA41		8-E5
۴۳	تي تي ناز	سالاریان	Y-CA2A Y-B1AA	Y-CA11	5-D4 6-D5
۴۴	تیسا	سالاریان	Y-2D2A Y-CA32A		3-C3 6-D2
۴۵	جمشید	سالاریان	Y-2A1		3-E5
۴۶	حبیب	سالاریان	Y-CA2	Y-B1A	5-D5 6-B4
۴۷	حبیبه	سالاریان	Y-1AAC		2-G5 8-F4
۴۸	حسین	سالاریان	Y-CA22 Y-B1A2		5-D4 6-B5
۴۹	حسینعلي	سالاریان	Y-1AA5		2-G4 8-F4
۵۰	حکیم	سالاریان	Y-2A13		3-E5
۵۱	حمزه	سالاریان	Y-1AA3	Y-111D Y-A1BD	2-G4 4-F4 7-F4 8-E4
۵۲	حمید	سالاریان	Y-2A21		3-D5
۵۳	حنا	سالاریان	Y-2D4A Y-CA34A		3-C4 6-D2
۵۴	خانم بالا	سالاریان	Y-CA1A		6-G5
۵۵	خدیجه	سالاریان	Y-1AA		2-F5 8-D4
۵۶	خشایار	سالاریان	Y-CA1A3		6-G4
۵۷	داریوش	سالاریان		Y-112DA Y-1CADA	7-C4 10-G4
۵۸	دانیال	سالاریان	Y-2A25		3-D4
۵۹	دل افروز	سالاریان	Y-1B1C Y-1CCC		2-C2 9-C4 10-D4

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۶۰	دلربا	سالاریان		Y-CA1(II)	6-E3
۶۱	دلناز	سالاریان	Y-2A2A		3-D4
۶۲	رامتین	سالاریان	Y-CA1D1 Y-2A31	Y-CA1AA	3-F5 6-G3
۶۳	رضا	سالاریان		Y-131B Y-2CBB	3-C2 12-B2
۶۴	رضا	سالاریان	Y-111D1 Y-A1BD1 Y-1AA31	Y-11ACB	4-F3 7-F3 8-E3
۶۵	رضا	سالاریان	Y-1A111 Y-11B11		7-E4 8-E1
۶۶	رضا	سالاریان	Y-2A33		3-F5
۶۷	رکسانا	سالاریان	Y-CA1DA Y-2A3A		3-F5 6-G3
۶۸	رکنی	سالاریان	Y-1A13 Y-11B3		2-F4 7-E5 8-F2
۶۹	رومینا	سالاریان	Y-2A3B		3-F5
۷۰	زری نوش	سالاریان	Y-1B1B Y-1CCB		2-C2 9-C4 10-C4
۷۱	زهرا	سالاریان	Y-1B11A Y-1CC1A		9-B4 10-C5
۷۲	زهرا	سالاریان	Y-1BB		2-A2 9-D3
۷۳	زینت	سالاریان	Y-1AAA	Y-114	2-F5 7-A2 8-E4
۷۴	زینت	سالاریان	Y-1AB		2-F4 8-A3
۷۵	ژاله	سالاریان	Y-2A1B		3-E5
۷۶	سارا	سالاریان	Y-CA4A		6-B4
۷۷	سارینا	سالاریان	Y-1A13A Y-11B3A		7-E4 8-F1
۷۸	سالومه	سالاریان	Y-CA4B		6-B5
۷۹	سایمان	سالاریان	Y-2A241		3-D5
۸۰	سپهر	سالاریان	Y-2D11 Y-CA311		3-C3 6-C2
۸۱	ستایش	سالاریان	Y-11AFB		7-E4
۸۲	سحر	سالاریان		Y-2D4 Y-CA34	3-C4 6-D2
۸۳	سرور	سالاریان	Y-2DA Y-CA3A		3-E4 6-B3
۸۴	سمیرا	سالاریان	Y-CA4C		6-B5
۸۵	سهراب	سالاریان		Y-11AF	7-E3
۸۶	سهیل	سالاریان	Y-CA41		6-B4
۸۷	سوگند	سالاریان	Y-11AFA		7-E3
۸۸	سینا	سالاریان	Y-2A32		3-F5
۸۹	شاه زنان	سالاریان	Y-1BC		2-B1 9-F3
۹۰	شاهین	سالاریان	Y-1A121 Y-11B21 Y-111E1 Y-A1BE1	Y-111BB Y-A1BBB	4-G5 7-G5 8-E1
۹۱	شایان	سالاریان	Y-1A122 Y-11B22 Y-111E2 Y-A1BE2		4-F5 7-G5 8-F1
۹۲	شایان	سالاریان	Y-2A231		3-D4
۹۳	شجاع	سالاریان	Y-1A12 Y-11B2	Y-111E Y-A1BE	2-F4 4-F5 7-F5 8-E2
۹۴	شقایق	سالاریان	Y-111DA Y-A1BDA Y-1AA3A		4-F3 7-F3 8-E3
۹۵	شقایق	سالاریان	Y-2DAAA Y-CA3AAA		3-E3 6-B1
۹۶	شکوفا	سالاریان	Y-1A14B Y-11B4B		7-F4 8-G2
۹۷	شکیبا	سالاریان	Y-1A14A Y-11B4A		7-F4 8-G1
۹۸	شهاب	سالاریان	Y-1A14 Y-11B4		2-G4 7-F5 8-G2

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۹۹	شهداد	سالاریان	Y-2A26		3-D5
۱۰۰	شهروز	سالاریان	Y-2A23		3-D5
۱۰۱	شهلا	سالاریان		Y-1AA2	8-F4
۱۰۲	شوکت	سالاریان	Y-CA1D	Y-2A3(I)	3-F5 6-G3
۱۰۳	شیدا	سالاریان	Y-CA1C		6-F5
۱۰۴	شیرین	سالاریان	Y-1A12A Y-11B2A Y-111EA Y-A1BEA		4-F5 7-F5 8-F2
۱۰۵	شیما	سالاریان	Y-1A11C Y-11B1C		7-E4 8-E1
۱۰۶	شیوا	سالاریان	Y-1A11B Y-11B1B		7-E4 8-E1
۱۰۷	صدرا الله	سالاریان		Y-CAA	6-E3
۱۰۸	صدري	سالاریان		Y-11AG	7-E3
۱۰۹	صدف	سالاریان	Y-1AA1A		8-E5
۱۱۰	صفي الله	سالاریان	Y-1AA1		2-G5 8-E4
۱۱۱	عباس	سالاریان	Y-CAA1		6-E2
۱۱۲	عبدالحسین	سالاریان	Y-CA13		6-E5
۱۱۳	عبدالرضا	سالاریان	Y-2D1 Y-CA31		3-C4 6-C3
۱۱۴	عبدالصاحب	سالاریان	Y-2A11		3-F5
۱۱۵	عبدالقدیر	سالاریان		Y-11AC	7-E3
۱۱۶	عزت الله	سالاریان		Y-CA1A	6-G5
۱۱۷	عسل	سالاریان	Y-2A22A		3-D4
	عظیم	سالاریان	Y-2A4		3-C5
۱۱۸	عقیق	سالاریان	Y-2A11C		3-F5
۱۱۹	علي	سالاریان	Y-2D12 Y-CA312		3-C3 6-C2
۱۲۰	علي	سالاریان	Y-CA1A1		6-G5
۱۲۱	علی	سالاریان	Y-11AG1		7-E4
۱۲۲	علی	سالاریان	Y-CA171		6-E2
۱۲۳	علي حسین	سالاریان	Y-CA12		6-E5
۱۲۴	غلامحسین	سالاریان		Y-CA	6-A4
۱۲۵	غلامرضا	سالاریان	Y-CA15		6-F3
۱۲۶	فارا	سالاریان	Y-1AA5A		8-F5
۱۲۷	فاضله	سالاریان	Y-2A1A		3-E4
۱۲۸	فاطمه	سالاریان		Y-1AB4	8-C2
۱۲۹	فاطمه	سالاریان	Y-1A1B Y-11BB		2-F4 7-E5 8-F2
۱۳۰	فاطمه	سالاریان	Y-1AA5B		8-F5
۱۳۱	فاطمه	سالاریان	Y-1B11A Y-1CC1A		9-B5 10-C5
۱۳۲	فاطمه	سالاریان	Y-2A21A		3-D4
۱۳۳	فاطمه	سالاریان	Y-CA14A		6-F4
۱۳۴	فائزه	سالاریان	Y-2DDB Y-CA3DB		3-C3 6-C2
۱۳۵	فراز	سالاریان	Y-2A221		3-D4
۱۳۶	فرانک	سالاریان	Y-2A11A		3-F5
۱۳۷	فرح	سالاریان	Y-CA1B		6-F5
۱۳۸	فرخنده	سالاریان	Y-1BA		2-B2 9-B3
۱۳۹	فردین	سالاریان	Y-2A22		3-D5
۱۴۰	فرشته	سالاریان	Y-2DDA Y-CA3DA		3-C3 6-C2
۱۴۱	فرشید	سالاریان	Y-2A14		3-E5
۱۴۲	فرناز	سالاریان	Y-CA2D Y-B1AD		5-D5 6-D5
۱۴۳	فروغ	سالاریان		Y-1AAB1	8-G5
۱۴۴	فریال	سالاریان	Y-CA1AB		6-G5
۱۴۵	فریماه	سالاریان	Y-2A11B		3-F5
۱۴۶	کامران	سالاریان	Y-1AA2		2-F5 8-F4
۱۴۷	کاوه	سالاریان	Y-2A51		3-E5
۱۴۸	کتایون	سالاریان	Y-CA12A		6-E4

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۴۹	کریم	سالاریان	Y-2A5		3-E5
۱۵۰	کوهیار	سالاریان	Y-CA1A2		6-G5
۱۵۱	کیانوش	سالاریان	Y-1B11 Y-1CC1		2-C1 9-B4 10-C4
۱۵۲	گوهر	سالاریان	Y-1AAD		2-G5 8-E4
۱۵۳	گیتي	سالاریان	Y-CA2B Y-B1AB		5-D5 6-C5
۱۵۴	لیلیا	سالاریان	Y-2A12B		3-E4
۱۵۵	ماریا	سالاریان	Y-2AA	Y-2C1	3-B5
۱۵۶	ماني	سالاریان	Y-CA4A1		6-B4
۱۵۷	ماهرخ	سالاریان	Y-2DD Y-CA3D		3-C4 6-C3
۱۵۸	ماهیار	سالاریان	Y-CA1A4		6-G4
۱۵۹	محمد	سالاریان		Y-2DD Y-CA3D	3-C4 6-C2
۱۶۰	محمد	سالاریان	Y-1AA4		2-G5 8-E4
۱۶۱	محمد	سالاریان	Y-2A24		3-D5
۱۶۲	محمد رضا	سالاریان	Y-CA17		6-E2
۱۶۳	محمدمهدی	سالاریان	Y-CA18		6-E2
۱۶۴	محمدآقا	سالاریان		Y-2A	3-B5
۱۶۵	محمودرضا	سالاریان	Y-CA16		6-F3
۱۶۶	مرجان	سالاریان	Y-1A1C Y-11BC	Y-1115 Y-A1B5	2-G4 4-F2 7-F5 8-G2
۱۶۷	مرجان	سالاریان	Y-2DE Y-CA3E		3-B4 6-D3
۱۶۸	مژگان	سالاریان		Y-2D1 Y-CA31	3-C4 6-C2
۱۶۹	مسعود	سالاریان	Y-CA4		6-B4
۱۷۰	مسیح	سالاریان		Y-1A	2-B5 8-A4
۱۷۱	مصطفي	سالاریان	Y-1B13 Y-1CC3		2-C1 9-C3 10-C4
۱۷۲	مصطفی	سالاریان	Y-CA141		6-F4
۱۷۳	مظفر	سالاریان	Y-1B1	Y-1CC	2-C2 9-B3 10-C4
۱۷۴	معصومه	سالاریان	Y-11BA Y-1A1A	Y-1AB5	2-G4 7-E5 8-D2
۱۷۵	معین	سالاریان	Y-1A11 Y-11B1		2-F4 7-E5 8-E2
۱۷۶	منیژه	سالاریان	Y-1AAB		2-G5 8-G4
۱۷۷	مهتاب	سالاریان	Y-11ACA		7-F3
۱۷۸	مهسان	سالاریان	Y-11ACB	Y-111D1 Y-A1BD1 Y-1AA31	4-F3 7-F3 8-E3
۱۷۹	میلاد	سالاریان	Y-2DD1 Y-CA3D1		3-C3 6-C2
۱۸۰	مینا	سالاریان	Y-1A11A Y-11B1A		7-E4 8-E2
۱۸۱	الناز	سالاریان	Y-11AGA		7-E3
۱۸۲	نازنین	سالاریان		Y-2A4	3-C5
۱۸۳	نازنین	سالاریان	Y-1A13A Y-11B3A		7-E4 8-F2
۱۸۴	ناصر	سالاریان	Y-1B2		2-A2 9-D3
۱۸۵	ندا	سالاریان	Y-CA1AA	Y-BA1D1 Y-2A31	3-F5 6-G4
۱۸۶	نرگس	سالاریان		Y-2A2	3-D5
۱۸۷	نعمت الله	سالاریان		Y-1AA	2-F5 8-D4
۱۸۸	نقي	سالاریان	Y-1AA42		8-E5
۱۸۹	نکیتا	سالاریان	Y-2D3A Y-BABBFA Y-24FA Y-CA33A		3-E4 5-F3 6-D2

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۹۰	نگاه	سالاریان	Y-2A4A	Y-2DC1 Y-CA3C1	3-C5 6-C2
۱۹۱	نگین	سالاریان	Y-2A4B		3-C5
۱۹۲	هادي	سالاریان		Y-1B	2-A2 9-A3
۱۹۳	الهام	سالاریان	Y-CA2C Y-B1AC		5-D5 6-C5
۱۹۴	هما	سالاریان	Y-2A5A		3-E4
۱۹۵	الهه	سالاریان	Y-2DC Y-CA3C		3-C4 6-C3
۱۹۶	یاسر	سالاریان	Y-1B12 Y-1CC2		2-C1 9-C4 10-C4
۱۹۷	یوسف	سالاریان		Y-2DAA Y-CA3AA	3-E3 6-B1
۱۹۸	آرمیتا	سالاریان	Y-CA1A3A		6-G4
۱۹۹	امیرحسین	سالاریان	Y-1AB4B1		8-C1
۲۰۰	امیررضا	سالاریان	Y-CA1A41		6-G4
۲۰۱	بهمن	سالاریان	Y-1B22		2-B1 9-E4
۲۰۲	خانم باجی	سالاریان	Y-1BD		2-B2 9-D4
۲۰۳	زهرا	سالاریان	Y-1AB4BA		8-C1
۲۰۴	فرشته	سالاریان		Y-1B21	9-D4
۲۰۵	مجتبی	سالاریان	Y-1B21		2-B2 9-D4
۲۰۶	نورالدین	سالاریان		Y-1AB4B	8-C1
۲۰۷	هستی	سالاریان	Y-2A12A		3-E4
	ساوجی				
۱	مانی	ساوجی	Y-CA4A1		6-B4
	سبزواری				
۱	بهار	سبزواری		Y-B111	5-B5
	سپهربند				
۱	بیتا	سپهربند		Y-111B1 Y-A1BB1	4-G4 7-G4
	سجادی				
۱	بهزاد	سجادي	Y-A114		4-E3
۲	بهزاد	سجادي	Y-A115		4-D5
۳	جلال الدین	سجادي	Y-1C32		2-D2 10-D4
۴	جواد	سجادي	Y-A2		1-E5 4-A2
۵	حمیده	سجادي	Y-A11A		4-D3
۶	رامین	سجادي	Y-A1112 Y-111C2 Y-A1BC2		4-F5 7-G3
۷	روح الله	سجادي	Y-1C22		2-B3 10-A2
۸	روزبه	سجادي	Y-A1111 Y-111C1 Y-A1BC1		4-E4 7-G2
۹	زمرد	سجادي	Y-1C1B		2-D2 10-D3
۱۰	ساینا	سجادي	Y-A112A		4-D4
۱۱	سعید	سجادي	Y-A112		4-D4
۱۲	سلطان	سجادي	Y-1C1A		2-D3 10-D2
۱۳	سید احترام	سجادي	Y-1CD		2-D2 10-D4
۱۴	سید جاني	سجادي	Y-1CC	Y-1B1	2-C2 9-B4 10-C4
۱۵	سید جمال	سجادي		Y-A	1-E5 4-A2
۱۶	سید جمال	سجادي	Y-A11		4-D4
۱۷	سید حوا	سجادي	Y-1CE		2-D2 10-C3
۱۸	سید خانم	سجادي	Y-1CB		2-C2 10-A3
۱۹	سید زهرا	سجادي	Y-1CF	Y-132	2-B3 10-B3 12-D3
۲۰	سید ساره	سجادي	Y-1CA	Y-112	2-E2 7-A3

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
					10-E3
۲۱	سید کمال	سجادي	Y-1C2		2-A3 10-A3
۲۲	سیمین	سجادي	Y-1C3A	Y-1CD1	2-D1 10-D4
۲۳	سینا	سجادي	Y-1C31		2-D1 10-D4
۲۴	شبنم	سجادي	Y-A11C		4-D5
۲۵	شیرین	سجادي	Y-A112B		4-D4
۲۶	صدیقه	سجادي	Y-1C1C	Y-1121 Y-1CA1	2-D3 7-A3 10-E3
۲۷	عبدالباقي	سجادي		Y-1C	2-A3 10-A3
۲۸	عبدالوهاب	سجادي	Y-A1		1-E5 4-B2
۲۹	عبدالوهاب	سجادي	Y-A111	Y-111C Y-A1BC	4-E4 7-G3
۳۰	فاطمه	سجادي	Y-A1A		4-B2
۳۱	فخري سادات	سجادي	Y-A1B	Y-111	2-F3 4-E1 7-F2
۳۲	ماتینا	سجادی	Y-1C24A		10-B1
۳۳	محسن	سجادي	Y-1C3		2-D2 10-D3
۳۴	محمد	سجادي	Y-1C1		2-D3 10-D3
۳۵	محمد	سجادي	Y-1C21		2-B3 10-B2
۳۶	محمود	سجادي	Y-1C11		2-D2 10-E2
۳۷	مسعود	سجادي	Y-A113	Y-1CBB	4-E4 10-B4
۳۸	منیره	سجادي	Y-A11B		4-E3
۳۹	مهدي	سجادي	Y-1C23		2-B3 10-A2
۴۰	میترا	سجادي	Y-A111A Y-111CA Y-A1BCA		4-E4 7-G2
۴۱	میثم	سجادي	Y-1C24		2-B3 10-B2
۴۲	میشکا	سجادي	Y-A112C		4-E4
۴۳	نرجس سادات	سجادي	Y-1C2A		2-B3 10-B2
۴۴	نگین	سجادي	Y-A113A		4-E5 10-B5
۴۵	احمد	سجادی	Y-1C12		10-E2
۴۶	جوانه	سجادی	Y-1C12B		10-E1
۴۷	نهال	سجادی	Y-1C12A		10-E1
	سلیمانی				
۱	علی	سلیمانی		Y-11AAC	7-F2
	سهراب زاده				
۱	آزاده	سهراب زاده	Y-BAAAA		5-C2
۲	حمیدرضا	سهراب زاده		Y-BAAA	5-B3
۳	حمیدرضا	سهراب زاده	Y-BAAA1		5-D3
۴	گلناز	سهراب زاده	Y-BAAA1A		5-C2
۵	محمدرضا	سهراب زاده	Y-BAAA11		5-C2
۶	هاله	سهراب زاده	Y-BAAAB		5-C2
۷	هایده	سهراب زاده	Y-BAAAA		5-C3
	سهرابي				
۱	اسماعیل	سهرابي		Y-24D Y-BABBD	3-F3 5-F2
۲	رضا	سهرابي	Y-24D1 Y-BABBD1		3-F3 5-F2
۳	شوکا	سهرابي	Y-24DA Y-BABBDA		3-F4 5-F1
۴	صدرا	سهرابي	Y-24D2 Y-BABBD2		3-F4 5-F1
	سهل آبادی				
	فاطمه	سهل آبادی		Y-222	3-G1
	شابیگی				

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱	رز	شابیگی	Y-BACAC		5-B1
۲	سیروس	شابیگی		Y-BACA	5-B1
۳	شقایق	شابیگی	Y-BACAD		5-C1
۴	نیلوفر	شابیگی	Y-BACAB		5-B1
۵	یاس	شابیگی	Y-BACAA		5-B1
	شاهیپور				
۱	مریم	شاهیپور		Y-A112	4-D4
	شاهین				
۱	آرتمیس	شاهین	Y-BAA3AB		5-C3
۲	پارمیس	شاهین	Y-BAA3AA		5-C4
۳	سعید	شاهین		Y-BAA3A	5-C3
	شایگان				
۱	اسدالله	شایگان		Y-BAA	5-B3
۲	اسماعیل	شایگان		Y-BA	5-B2
۳	افسر	شایگان	Y-BAC		5-B1
۴	بهرام	شایگان	Y-BAA3		5-B3
۵	پرویز	شایگان	Y-BAA1		5-B3
۶	پریسا	شایگان	Y-BAA2B		5-B3
۷	تاج ماه	شایگان	Y-BAB		5-B2
۸	حسین	شایگان	Y-BAA2		5-B3
۹	خسرو	شایگان	Y-BAA4		5-C3
۱۰	زهرا	شایگان	Y-BAA2A		5-B3
۱۱	شقایق	شایگان	Y-BAA3A		5-B3
۱۲	طوبی	شایگان	Y-BAAC		5-D3
۱۳	علی	شایگان	Y-BAA41		5-C3
۱۴	فاطمه	شایگان	Y-BAA		5-A3
۱۵	محمد	شایگان	Y-BAA21		5-B3
۱۶	مریم	شایگان	Y-BAA2C		5-B3
۱۷	مهرانگیز	شایگان		Y-BAA1	5-B4
۱۸	مهین	شایگان	Y-BAAA		5-C3
۱۹	مینا	شایگان	Y-BAAB		5-C3
۲۰	نیلوفر	شایگان	Y-BAA3B		5-C4
۲۱	ویکتور	شایگان	Y-BAA5		5-C3
	شریفی				
۱	اسکندر	شریفي		Y-11AB	7-E2
۲	پریناز	شریفي	Y-11AABA Y-11AB1A		7-E3
۳	رونیکا	شریفي	Y-11AB2A		7-E3
۴	سارنگ	شریفي	Y-11AB2		7-E2
۵	مقداد	شریفي	Y-11AAB1 Y-11AB11		7-E3
۶	مهرداد	شریفي	Y-11AB3	Y-11A1A	7-E2
۷	مهرنگ	شریفي	Y-11AB1	Y-11AAB	7-E2
	شریعتی				
۱	ساجد	شریعتی		Y-114AB Y-1AAAAB	7-B1 8-G3
۲	یکتا	شریعتی	Y-114ABA Y-1AAAABA		
	شکیب مقدم				
۱	امید	شکیب مقدم	Y-2121		3-A5
۲	بیژن	شکیب مقدم	Y-212		3-A3
۳	سحر	شکیب مقدم	Y-212A		3-B4
۴	ندا	شکیب مقدم	Y-212B		3-B4
۵	الهام	شکیب مقدم	Y-212C		3-B5
	شماعی				
۱	محمود	شماعی		Y-2DBA Y-CA3BA	3-D4 6-B2
	شیخ				
۱	شهري	شیخی		Y-22	3-A1

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
	شیرخان				
۱	محمدرضا	شیرخان		Y-112BB Y-1CABB	7-C5 10-F2
	صالحی				
۱	علیرضا	صالحی		Y-1AB4C	8-C2
۲	مائده	صالحی	Y-1AB4CA		8-C1
۳	محمدرضا	صالحی	Y-1AB4C1		8-C1
۴	میثم	صالحی		Y-114AA Y-1AAAAA	7-C1 8-G3
	صبحی				
۱	مهدی	صبحی		Y-111BA Y-A1BBA	4-G5 7-G4
	صرافان				
۱	انوشیروان	صرافان		Y-BABCB	5-E3
	طاهری				
۱	حمیرا	طاهری		Y-1A13 Y-11B3	7-E5 8-F2
	طرزی				
۱	پاشا	طرزی	Y-BAACB1		5-D4
۲	مجید	طرزی		Y-BAACB	5-D3
	عابدین فرد				
۱	میترا	عابدین فرد		Y-1131	7-D2
	عبداللهی				
۱	رویا	عبداللهی		Y-2A14	3-E5
	علمده ای				
۱	فرزانه	علمده اي	Y-BABCA		5-E3
۲	فرشید	علمده اي	Y-BABC1		5-E3
۳	فرناز	علمده اي	Y-BABCB		5-E3
۴	محمود	علمده اي		Y-BABC	5-E3
	علی آبادی				
۱	تبسم	علی آبادی		Y-2A12	3-E4
	علیزاده				
۱	نیما	علیزاده	Y-A11B1		4-E3
	غلامی				
۱	شهلا	غلامی	Y-1BBAB		9-F2
۲	عبدالرضا	غلامی	Y-1BBA2		9-F2
۳	فاطمه	غلامی	Y-1BBA2		9-F2
۴	مریم	غلامی	Y-1BBAC		9-F2
۵	نقی	غلامی		Y-1BBA	9-F3
۶	شهلا	غلامی	Y-1BBAB		9-F2
	فتحی				
۱	پروانه	فتحی		Y-111A1 Y-A1BA1	4-G2 7-G2
	فخاری				
۱	آزاده	فخاري	Y-2DCA Y-CA3CA		3-C4 6-C1
۲	پرویز	فخاري		Y-CA1DA Y-2A3A	3-F5 6-G3
۳	علی	فخاري	Y-CA1DA1 Y-2A3A1		3-G5 6-G3
۴	فروغ	فخاري	Y-CA1DAA Y-2A3AA		3-G5 6-G3
۵	فریماه	فخاري	Y-CA1DAB Y-2A3AB		3-G5 6-G2
۶	کاوه	فخاري	Y-2DC1 Y-CA3C1	Y-2A4A	3-C5 6-C2
۷	کسري	فخاري	Y-2DC3 Y-CA3C3		3-C4 6-C2
۸	کیهان	فخاري	Y-2DC2	Y-2BAA	3-C4

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
			Y-CA3C2		6-C1
۹	دانش	فخاری		Y-2DCA Y-CA3CA	3-C4 6-C1
۱۰	درسا	فخاری	Y-2DCAA Y-CA3CAA		3-C5 6-C1
۱۱	رادین	فخاری	Y-2DCA1 Y-CA3CA1		3-C5 6-C1
۱۲	رحمان	فخاری		Y-1ABA	8-B3
۱۳	رضا	فخاری	Y-1ABA2		8-B4
۱۴	علي	فخاری		Y-1AB1B	8-B3
۱۵	علي	فخاری	Y-1ABA1		8-B3
۱۶	علي اعظم	فخاری		Y-1ABB	8-C3
۱۷	فاطمه	فخاری	Y-1ABB1A		8-C4
۱۸	فاطمه	فخاری	Y-1ABBAB		8-C4
۱۹	فرامرز	فخاری	Y-1ABB3		8-C3
۲۰	فريبا	فخاری	Y-1ABBC		8-D3
۲۱	فريبرز	فخاری	Y-1ABB1		8-C3
۲۲	فريده	فخاری	Y-1ABBA		8-C3
۲۳	فهيمه	فخاری	Y-1ABBB		8-C3
۲۴	محمدرضا	فخاری	Y-1AB1A1		8-C3
۲۵	محمدرضا	فخاری	Y-1ABB2		8-B4
۲۶	مريم	فخاری	Y-1ABBAA		8-C4
۲۷	نجمه	فخاری	Y-1ABAA		8-B3
۲۸	ولي	فخاری		Y-2DC Y-CA3C	3-C4 6-C2
		فرامرزی			
۱	حامد	فرامرزی		Y-A1AAA	4-B4
		فرخ سیر			
۱	آرتميس	فرخ سیر	Y-2DB1A Y-CA3B1A		3-D4 6-B2
۲	اصغر	فرخ سیر		Y-2DB Y-CA3B	3-D4 6-B2
۳	ماني	فرخ سیر	Y-2DB2 Y-CA3B2		3-D4 6-B1
۴	مزدک	فرخ سیر	Y-2DB1 Y-CA3B1		3-D3 6-B2
۵	نيما	فرخ سیر	Y-2DB3 Y-CA3B3		3-D4 6-B1
۶	ويدا	فرخ سیر	Y-2DBA Y-CA3BA		3-D4 6-C2
		فروزش			
۱	امیرمحمد	فروزش	Y-1AB4D1		8-C2
۲	جعفر	فروزش		Y-1AB4D	8-C2
۳	فروغ	فروزش	Y-1AB4DA		8-C1
۴	الهام	فروزش	Y-1AB4DB		8-D1
		فیاضی			
۱	ابوحمزه	فياضي	Y-1CB1		2-C2 10-B4
۲	ابوذر	فياضي	Y-1CB2		2-C4 10-B4
۳	حنانه	فياضي	Y-1CB1B		10-B5
۴	راضيه	فياضي	Y-1CBA		2-C1 10-B4
۵	رحيمه	فياضي	Y-1CBB	Y-A113	4-E4 10-B4
۶	رضا	فياضي		Y-1CB	2-C2 10-A4
۷	عارفه	فياضي	Y-1CB1A		10-B5
۸	عرفان	فياضي	Y-1CB21		10-B4
۹	علي	فياضي	Y-1CB11		10-B4
۱۰	كاظم	فياضي	Y-1CB3		10-B3
۱۱	مرضيه	فياضي	Y-1CBC		2-C2 10-B3
		فیروزآبادی			
۱	اشرف‌سادات	فیروزآبادی		Y-223	3-G2
		فیروزی			

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱	پارسا	فیروزی	Y-114AC1 Y-1AAAAC1		7-B1 8-G3
۲	رویا	فیروزی	Y-114ACA Y-1AAAACA		7-B1 8-G3
۳	محسن	فیروزی		Y-114AC Y-1AAAAC	3-G3
۴	هما	فیروزی		Y-236	3-F2
		قاضی			
۱	فرشته	قاضی		Y-BAA3	5-B4
		قربانی			
۱	علی	قربانی	Y-1AB4A1		8-C1
۲	فائزه	قربانی	Y-1AB4AA		8-C1
۳	یوسف	قربانی		Y-1AB4A	8-C1
		قلی زاده			
۱	هادي	قلی زاده		Y-1ABBB	8-C3
		قمی			
۱	موسي	قمی		Y-1AB1A	8-B3
		قندی			
۱	رها	قندی	Y-A112AA		4-D5
۲	رهام	قندی	Y-A112A1		4-D5
۳	ماروين	قندی		Y-A112A	4-D4
		کاسگر			
۱		کاسگر	Y-1D2B1		11-F4
۲		کاسگر	Y-1D2BA		11-F4
۳	غلامحسین	کاسگر		Y-1D2B	11-F4
		کاویانپور			
۱		کاویانپور	Y-1D2A1 Y-1DB11		11-F3
۲		کاویانپور	Y-1D2A2 Y-1DB12		11-F3
۳		کاویانپور	Y-1D2AA Y-1DB1A		11-F3
۴		کاویانپور	Y-1D2AB Y-1DB1B		11-F3
۵		کاویانپور	Y-1DB21		11-G2
۶		کاویانپور	Y-1DB2A		11-G2
۷	آزاد	کاویانپور	Y-1DB2		2-G1 11-G2
۸	رقیه	کاویانپور	Y-1DBG		2-G1 11-E2
۹	روشن	کاویانپور	Y-1DBA		2-F1 11-D2
۱۰	سامره	کاویانپور	Y-1DBF		2-F1 11-F2
۱۱	سودابه	کاویانپور	Y-1DBE		2-G1 11-F2
۱۲	سوسن	کاویانپور	Y-1DBB		2-G1 11-E2
۱۳	شهناز	کاویانپور	Y-1DBD		2-G1 11-F2
۱۴	قربانعلي	کاویانپور		Y-1DB	2-F1 11-D2
۱۵	نجات	کاویانپور	Y-1DB1	Y-1D2A	2-G1 11-F3
۱۶	آذر	کاویانپور	Y-1DBC	Y-1D23	2-G2 11-F3
۱۷	آسیه	کاویانپور	Y-1CDB		2-D1 10-E4
۱۸	پرویز	کاویانپور		Y-11CC	7-C4
۱۹	پگاه	کاویانپور	Y-11CCA		7-D4
۲۰	پوریا	کاویانپور	Y-1CD2		2-D2 10-E4
۲۱	پیروز	کاویانپور	Y-1CD1	Y-1C3A	2-C2 10-D4
۲۲	پیمان	کاویانپور	Y-11CC1		7-D4
۲۳	ریحان	کاویانپور	Y-1D13A Y-1DABA		11-C4
۲۴	فرحناز	کاویانپور	Y-1D13B Y-1DABB		11-C4

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۲۵	فرخ	کاویانپور	Y-1D131 Y-1DAB1		11-C4
۲۶	مریم	کاویانپور	Y-1CDC		2-D1 10-E4
۲۷	مهري	کاویانپور		Y-2B3	3-D3
۲۸	نسیم	کاویانپور	Y-1CDA		2-D2 10-E4
۲۹	نور محمد	کاویانپور		Y-1CD	2-D2 10-D4
	کریمی				
۱	امیرعلی	کریمی	Y-B1CBB1		5-F4
۲	مهدی	کریمی		Y-B1CBB	5-F4
	کسمایی				
۱	هدا	کسمایی		Y-11AB2	7-E2
	کلارستاقی				
۱	امیرعلی	کلارستاقی	Y-A1A1A1		4-C4
۲	حمید	کلارستاقی		Y-A1A1A	4-C4
۳	هلیا	کلارستاقی	Y-A1A1AA		4-C5
	کلیج				
۱	علیرضا	کلیج	Y-1ABBC1		8-D4
۲	قهرمان	کلیج		Y-1ABBC	8-D3
۳	مانده	کلیج	Y-1ABBCA		8-D3
	کوزه گرکالجی				
۱	سلطان	کوزه گرکالجی		Y-1AB1	8-B3
	کوولا				
۱	لین	کوولا		Y-B113	5-C5
	کیا				
۱	پرستو	کیا		Y-11A2	7-E3
	کیارشی				
	سرور	کیارشی		Y-BAAC1	5-D3
	گرجی				
۱	سیما	گرجی		Y-A11(II)	4-D4
	لاری				
۱	سمانه	لاری	Y-1A1BB Y-11BBB		7-E4 8-F1
۲	غلامرضا	لاری		Y-1A1B Y-11BB	7-E5 8-F2
۳	محمدحسین	لاری	Y-1A1B1 Y-11BB1		7-E4 8-F1
۴	نسیم	لاری	Y-1A1BA Y-11BBA		7-E4 8-F2
	لرتبار				
۱	حسن	لرتبار	Y-1BC3		2-C1 9-G3
۲	علی اصغر	لرتبار	Y-1BC1		2-C1 9-G3
۳	علی اکبر	لرتبار	Y-1BC2		2-B1 9-G3
۴	قاسم	لرتبار		Y-1BC	2-B1 9-F3
۵	معصومه	لرتبار	Y-1BCA		2-C1 9-G3
	لطفی نژاد				
۱	عسل	لطفی نژاد		Y-233 (II)	3-F2
	مارقوسیان				
۱	وهاک	مارقوسیان		Y-BABAC	5-E1
۲	آرمینه	مارقوسیان	Y-BABACA		5-E1
	مازندرانی				
۱	زینب	مازندرانی		Y-1AB13	8-B4
	مافی				
۱	پدرام	مافی	Y-BAAB1		5-B3

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۲	پدیده	مافی	Y-BAABA		5-B4
۳	پیام	مافی	Y-BAAB2		5-B3
۴	فریدون	مافی		Y-BAAB	5-C4
	ماهر				
۱	مارال	ماهر	Y-21BAA		3-B2
۲	محمدرضا	ماهر		Y-21BA	3-B2
	مبارکی				
۱	لطیفه	مبارکي		Y-23 (II)	3-E2
	مجتهد زاده				
۱	بي بي	مجتهد زاده	Y-CA		1-G5 6-A3
۲	درسا	مجتهد زاده	Y-CA1BA		6-F4
۳	دنیا	مجتهد زاده	Y-CA1BC		6-F4
۴	دیبا	مجتهد زاده	Y-CA1BB		6-F4
۵	فریدون	مجتهد زاده		Y-CA1B	6-F5
۶	یحیی	مجتهد زاده		Y-C	1-G5 6-A3
	محبان				
۱	علی	محبان		Y-231C Y-24AC Y-BABBAC	3-F4 5-G2
	محبی				
۱	اسماعیل	محبی		Y-11ACA	7-F4
۲	شهرزاد	محبی		Y-B1CB2	5-F5
۳	الینا	محبی	Y-11ACAA		7-F4
	محمدی				
۱	شهریار	محمدی		Y-113A	7-C2
۲	آرمیتا	محمدی	Y-113AA		7-D2
۳	آرتین	محمدی	Y-113A2		7-D2
۴	آروین	محمدی	Y-113A1		7-D2
۵	شقایق	محمدی		Y-2311 Y-24A1 Y-BABBA1	3-F3 5-G2
	محمدیان				
۱	لیلا	محمدیان		Y-11AA1	7-F2
۲	الهه	محمدیان		Y-111D2 Y-A1BD2 Y-1AA32	4-F4 7-F4 8-E4
	محمودی				
۱	اکرم	محمودی		Y-2211 Y-23B1	3-G4
۲	منیژه	محمودی		Y-1A11 Y-11B1	7-E5 8-E2
	مختاری				
۱	فراست	مختاري		Y-1111 Y-A1B1	4-F1 7-F1
۲	فرشاد	مختاري		Y-2DE Y-CA3E	3-B4 6-D2
۳	فرید	مختاري	Y-2DE1 Y-CA3E1		3-B3 6-D2
۴	فهیمه	مختاري		Y-2A11	3-F4
۵	محمد	مختاري	Y-2DE2 Y-CA3E2		3-B3 6-D2
۶	آرتین	مختاری	Y-1BA11		9-B2
۷	امیر	مختاری		Y-1BA	2-B1 9-B3
۸	امیر رضا	مختاری	Y-1BA21		9-B2
۹	بهرام	مختاری	Y-1BA4		2-B1 9-C3
۱۰	توران	مختاری	Y-1DB		2-F1 11-D2
۱۱	داریوش	مختاری	Y-1BA1		2-B1 9-B3
۱۲	رامین	مختاری	Y-1BA5		2-B1 9-C3

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۳	سوفیا	مختاری	Y-1D3A		2-F1 11-B2
۱۴	شبنم	مختاری	Y-1BAA		2-B2 9-D3
۱۵	شهرام	مختاری	Y-1BA3		2-B1 9-C3
۱۶	صفر	مختاری		Y-1D(III)	2-E1 11-A2
۱۷	قاسم	مختاری	Y-1D33		2-F1 11-B2
۱۸	کورش	مختاری	Y-1BA2		2-B1 9-B3
۱۹	مهدی	مختاری	Y-1BA41		9-C2
۲۰	مهسا	مختاری	Y-1BA2A		9-B2
۲۱	نادر	مختاری	Y-1D3		2-E1 11-B2
۲۲	نادیا	مختاری	Y-1D3B		2-F1 11-B2
۲۳	ناصر	مختاری	Y-1D31		2-F1 11-B2
۲۴	نرگس	مختاری	Y-1D3C		2-F1 11-B2
۲۵	نگین	مختاری	Y-1BA3A		9-C2
۲۶	یاسر	مختاری	Y-1D32		2-F1 11-B2
	مطلق زاده				
۱	سارا	مطلق زاده		Y-2DA2 Y-CA3A2	3-E4 6-B2
	معادیخواه				
۱	امیرهوشنگ	معادیخواه	Y-112G1 Y-1CAG1		7-C3 10-G3
۲	قربانعلي	معادیخواه		Y-112G Y-1CAG	7-C3 10-G3
	مقدسی				
۱	ستاره	مقدسی		Y-BABC1	5-E3
	مقصودی				
۱	سینا	مقصودي	Y-11AD1		7-E3
۲	صبا	مقصودي	Y-11ADA		7-E4
۳	عیسي	مقصودي		Y-11AD	7-E3
	ملایی				
۱	احمد	ملایی		Y-23D	3-G4
۲	پونه	ملایی	Y-23DA		3-G4
۳	طراوت	ملایی	Y-23DB		3-G4
	ملک پور				
۱	سامیه	ملک پور		Y-1AB52 Y-1A1A2 Y-11BA2	7-E4 8-D1
	موسوی				
۱	مسیح	موسوي		Y-BAC	5-B1
۲		موسوی	Y-BACB11		5-D2
۳	آرمیتی	موسوی	Y-B1CB1		5-F5
۴	بهروز	موسوی	Y-BAC2		5-C1
۵	پانته آ	موسوی	Y-BAC1B		5-B2
۶	پدرام	موسوی	Y-BAC31		5-D1
۷	پرستو	موسوی	Y-BAC1A		5-C2
۸	پروانه	موسوی	Y-BACA		5-B1
۹	پرویز	موسوی		Y-B1CB	5-F5
۱۰	پروین	موسوی	Y-BACB		5-C2
۱۱	پیام	موسوی	Y-BAC11		5-B2
۱۲	پیمان	موسوی	Y-BAC12		5-B1
۱۳	پیوند	موسوی	Y-BAC3A		5-D1
۱۴	ترانه	موسوی	Y-B1CBA	Y-2C2	3-B2 5-F5
۱۵	دانیال	موسوی	Y-BAC41		5-D1
۱۶	سعید	موسوی		Y-BACB	5-C2
۱۷	طاهر	موسوی	Y-BAC21		5-C1
۱۸	طهورا	موسوی	Y-BAC2A		5-C1

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۱۹	عبدالله	موسوی	Y-BAC3		5-B1
۲۰	علی	موسوی	Y-BAC4		5-D1
۲۱	فاطمه	موسوی	Y-B1CBB		5-F4
۲۲	فاطمه	موسوی	Y-BAC4A		5-D2
۲۳	فرحناز	موسوی	Y-BACBA		5-C2
۲۴	فرشاد	موسوی	Y-BACB3		5-C2
۲۵	فرشید	موسوی	Y-BACB2		5-C2
۲۶	فرناز	موسوی	Y-BACBB		5-C2
۲۷	فرید	موسوی	Y-BACB1		5-C2
۲۸	محمد	موسوی	Y-B1CB2		5-F5
۲۹	محمد	موسوی	Y-BAC32		5-D1
۳۰	منوچهر	موسوی	Y-BAC1		5-B1
۳۱	هومن	موسوی	Y-B1CB1		5-F5
	میار				
۱	ذلیخا	میار		Y-1B2	2-A1 9-D4
	میرزایی				
۱	بهرام	میرزایی		Y-23C	3-G4
۲	حسین	میرزایی	Y-23C1		3-G4
۳	رعنا	میرزایی	Y-23CA		3-G4
	نجفی				
۱	علی	نجفی		Y-BABCA	5-E2
	ندیم				
۱	الحامی	ندیم		Y-A112A	4-E5
	نزاکتی				
۱	یگانه	نزاکتی		Y-111B2 Y-A1BB2	4-G4 7-G4
	نیازیان				
۱	راحله	نیازیان		Y-1A14 Y-11B4	7-F5 8-G2
	نیک نژاد				
۱	اسماعیل	نیک نژاد		Y-11CD	7-D3
۲	شورا	نیک نژاد		Y-1ABB1	8-C3
۴	فریده	نیک نژاد		Y-1AA5	8-F5
۵	نسیم	نیک نژاد		Y-1AB21	8-B2
۶	سوگند	نیک نژاد	Y-11CDA		7-D3
	نیکزاد				
۱	بهارک	نیکزاد	Y-A11AA		4-D3
۲	سینا	نیکزاد	Y-A11A1		4-D3
۳	فرانک	نیکزاد	Y-A11AB		4-D3
۴	کارن	نیکزاد	Y-A11A11		4-D4
۵	محمد رضا	نیکزاد		Y-A11A	4-D3
۶	بیتا	نیکزاد	Y-2C1AA Y-2AAAA		3-B4
۷	علی	نیکزاد		Y-2C1A Y-2AAA	3-B4
	هوشمندی				
۱	پگاه	هوشمندی		Y-A1112 Y-111C2 Y-A1BC2	4-F5 7-G3
	وحدت				
۱	شروین	وحدت		Y-2DA1 Y-CA3A1	3-E4 6-B2
	یزدانی				
۱	پروین	یزدانی		Y-CA4	6-B4
۲	سمیه	یزدانی	Y-1AABA		8-G4

ردیف	نام	نام خانوادگی	کد نسبی	کد سببی	صفحه
۳	سینا	یزدانی	Y-24B2 Y-BABBB2		3-E2 5-F3
۴	عباس	یزدانی		Y-1AAB	8-G4
۵	عطا	یزدانی	Y-1AAB2		8-G5
۶	علي	یزدانی	Y-24B1 Y-BABBB1		3-E2 5-F3
۷	محمد	یزدانی		Y-24B Y-BABBB	3-E2 5-F3
۸	نیوشا	یزدانی	Y-24BA Y-BABBBA		3-E2 5-F3
۹	علی	یزدانی	Y-1AAB1		8-G5
	یوسفی بارفروش				
۱	ایرج	یوسفی بارفروش		Y-2A1A	3-E4
۲	سامان	یوسفی بارفروش	Y-2A1A1		3-F4
۳	کاملیا	یوسفی بارفروش	Y-2A1AA		3-F4
	یوسفی زاده				
۱	شایان	یوسفي زاده	Y-BABD11		5-E3
۲	شهراد	یوسفي زاده	Y-BABD2		5-E3
۳	شهوند	یوسفي زاده	Y-BABD1		5-E3
۴	شیلان	یوسفي زاده	Y-BABD1A		5-E4
۵	منوچهر	یوسفي زاده		Y-BABD	5-D3
۶	مهداد	یوسفي زاده	Y-BABDD		5-E2
۷	مهدید	یوسفي زاده	Y-BABDC		5-D3
۸	مهزاد	یوسفي زاده	Y-BABDB		5-E3
۹	مهوند	یوسفي زاده	Y-BABDA		5-D3
۱۰	حامی	یوسفی زاده	Y-BABD21		5-E2

نمودارهای شاخه های خانوادگی

۱ آقا یوسف دیوسالار

۲ فتح الله خان دیوسالار

۳ رحمت الله خان دیوسالار

٤ حمیده دیوسالار

٥ خانم جان دیوسالار

٦ نرگس خاتون دیوسالار

۷ وجیه خان دیوسالار

۸ هاجر خاتون دیوسالار

۹ ستاره دیوسالار

۱۰ نرگس خاتون دیوسالار

۱۱ ام البنین دیوسالار

۱۲ عزت الله دیوسالار

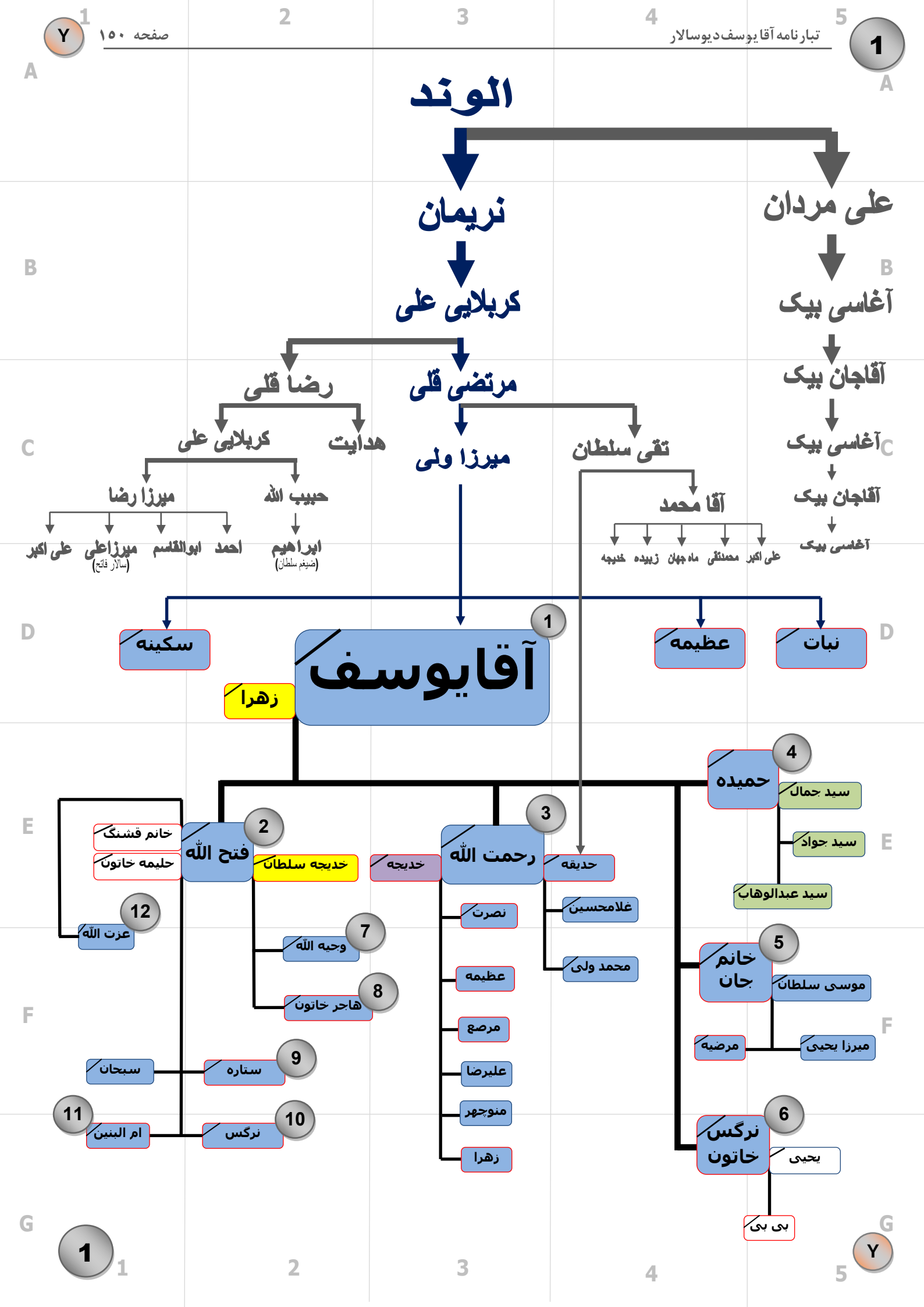
الوند
نریمان
علی مردان
کربلایی علی
آغاسی بیک
مرتضی قلی
رضا قلی
آقاجان بیک
میرزا ولی
هدایت
تقی سلطان
آغاسی بیک
کربلایی علی
آقاجان بیک
حبیب الله
میرزا رضا
آقا محمد
آغاسی بیک
ابراهیم (ضیغم سلطان)
احمد
ابوالقاسم
میرزاعلی (سالار فاتح)
علی اکبر
علی اکبر
محمدتقی
ماه جهان
زبیده
خدیجه
سکینه
آقایوسف
عظیمه
نبات
زهرا
حمیده
سید جمال
سید جواد
سید عبدالوهاب
فتح الله
خانم قشنگ
حلیمه خاتون
خدیجه سلطان
خدیجه
رحمت الله
حدیقه
غلامحسین
محمد ولی
نصرت
عظیمه
مرصع
علیرضا
منوچهر
زهرا
وجیه الله
هاجر خاتون
عزت الله
ستاره
سبحان
نرگس
ام البنین
خانم جان
موسی سلطان
میرزا یحیی
مرضیه
نرگس خاتون
یحیی
بی بی
1
2
3
4
5
6
7
8
9
10
11
12

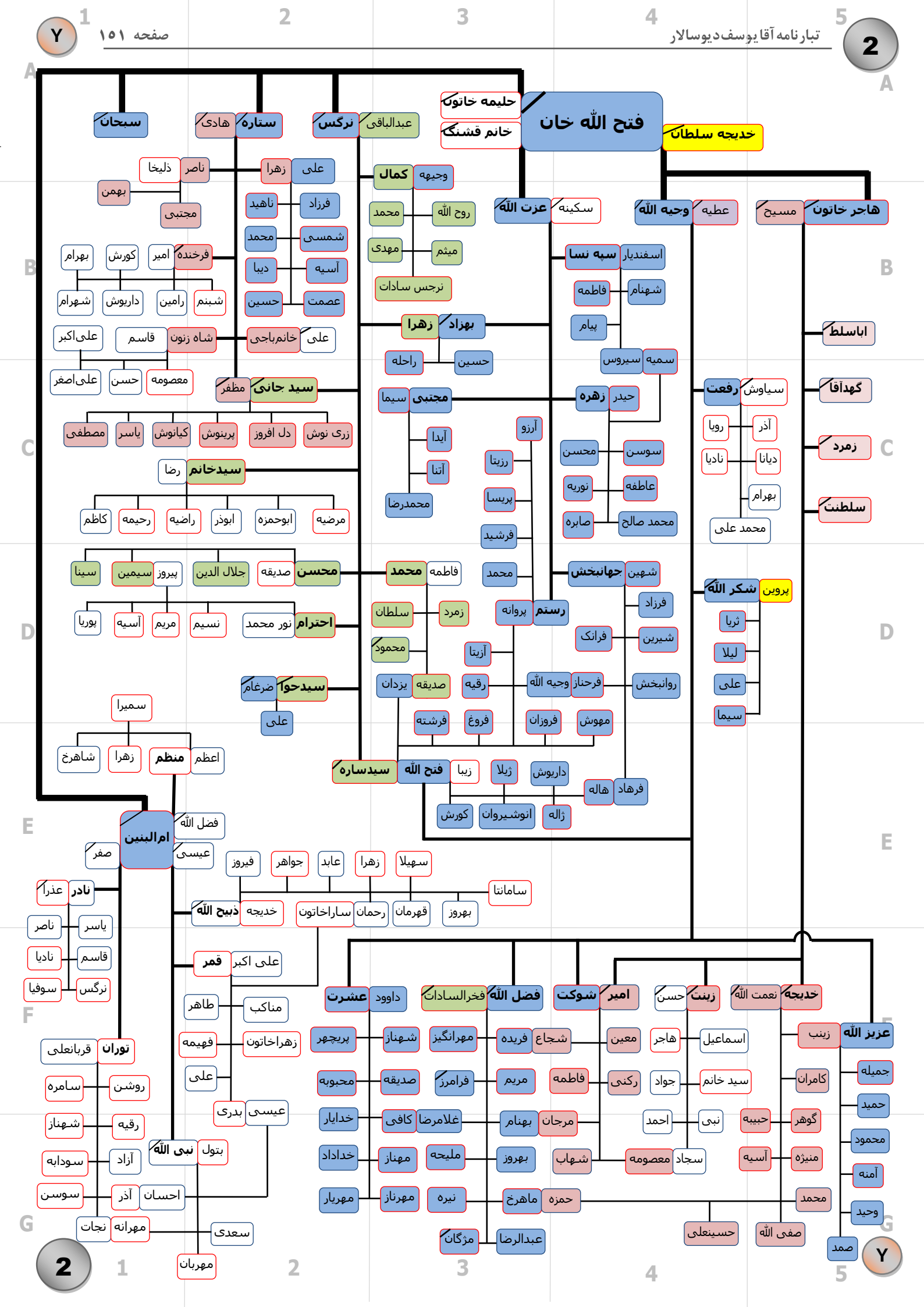
فتح الله خان
حلیمه خاتون
خانم قشنگ
خدیجه سلطان
سبحان
ستاره
هادی
نرگس
عبدالباقی
هاجر خاتون
مسیح
وجیه الله
عطیه
عزت الله
سکینه
کمال
وجیهه
روح الله
محمد
میثم
مهدی
نرجس سادات
ناصر
ذلیخا
بهمن
مجتبی
علی
زهرا
فرزاد
ناهید
شمسی
محمد
آسیه
دیبا
عصمت
حسین
فرخنده
امیر
کورش
بهرام
شبنم
رامین
داریوش
شهرام
شاه زنون
قاسم
علی اکبر
معصومه
حسن
علی اصغر
خانم باجی
علی
سید جانی
مظفر
مصطفی
یاسر
کیانوش
پرینوش
دل افروز
زری نوش
سیدخانم
رضا
مرضیه
ابوحمزه
ابوذر
راضیه
رحیمه
کاظم
محسن
صدیقه
جلال الدین
پیروز
سیمین
سینا
احترام
نور محمد
نسیم
مریم
آسیه
پوریا
سیدحوا
ضرغام
علی
سمیرا
اعظم
منظم
زهرا
شاهرخ
ام البنین
فضل الله
عیسی
صفر
نادر
عذرا
یاسر
ناصر
قاسم
نادیا
نرگس
سوفیا
توران
قربانعلی
روشن
سامره
رقیه
شهناز
آزاد
سودابه
سوسن
آذر
احسان
مهرانه
نجات
مهربان
نبی الله
بتول
سعدی
قمر
علی اکبر
مناکب
طاهر
زهراخاتون
فهیمه
علی
عیسی
بدری
ذبیح الله
خدیجه
ساراخاتون
رحمان
قهرمان
بهروز
سامانتا
سهیلا
زهرا
عابد
جواهر
فیروز
سیدساره
فتح الله
زیبا
ژیلا
داریوش
هاله
فرهاد
ژاله
انوشیروان
کورش
بهزاد
زهرا
حسین
راحله
مجتبی
سیما
آیدا
آتنا
محمدرضا
محمد
فاطمه
زمرد
سلطان
محمود
صدیقه
یزدان
فرشته
فروغ
رقیه
آزیتا
رستم
پروانه
آرزو
رزیتا
پریسا
فرشید
محمد
سپه نسا
اسفندیار
شهنام
فاطمه
پیام
سمیه
سیروس
زهره
حیدر
سوسن
محسن
عاطفه
نوریه
محمد صالح
صابره
جهانبخش
شهین
فرزاد
شیرین
فرانک
روانبخش
فرحناز
وجیه الله
مهوش
فروزان
داریوش
فرهاد
هاله
ژاله
رفعت
سیاوش
آذر
رویا
دیانا
نادیا
بهرام
محمد علی
شکر الله
پروین
ثریا
لیلا
علی
سیما
اباسلط
گهدآقا
زمرد
سلطنت
خدیجه
نعمت الله
زینب
کامران
گوهر
حبیبه
منیژه
آسیه
محمد
صفی الله
حسینعلی
زینت
حسن
اسماعیل
هاجر
سید خانم
جواد
نبی
احمد
سجاد
معصومه
امیر
معین
رکنی
فاطمه
شوکت
شهاب
فضل الله
فخرالسادات
شجاع
فریده
مهرانگیز
مریم
فرامرز
بهنام
مرجان
غلامرضا
بهروز
ملیحه
حمزه
ماهرخ
نیره
عبدالرضا
مژگان
عشرت
داوود
شهناز
پریچهر
صدیقه
محبوبه
کافی
خدایار
مهناز
خداداد
مهرناز
مهریار
عزیز الله
زینب
جمیله
حمید
محمود
آمنه
وحید
صمد

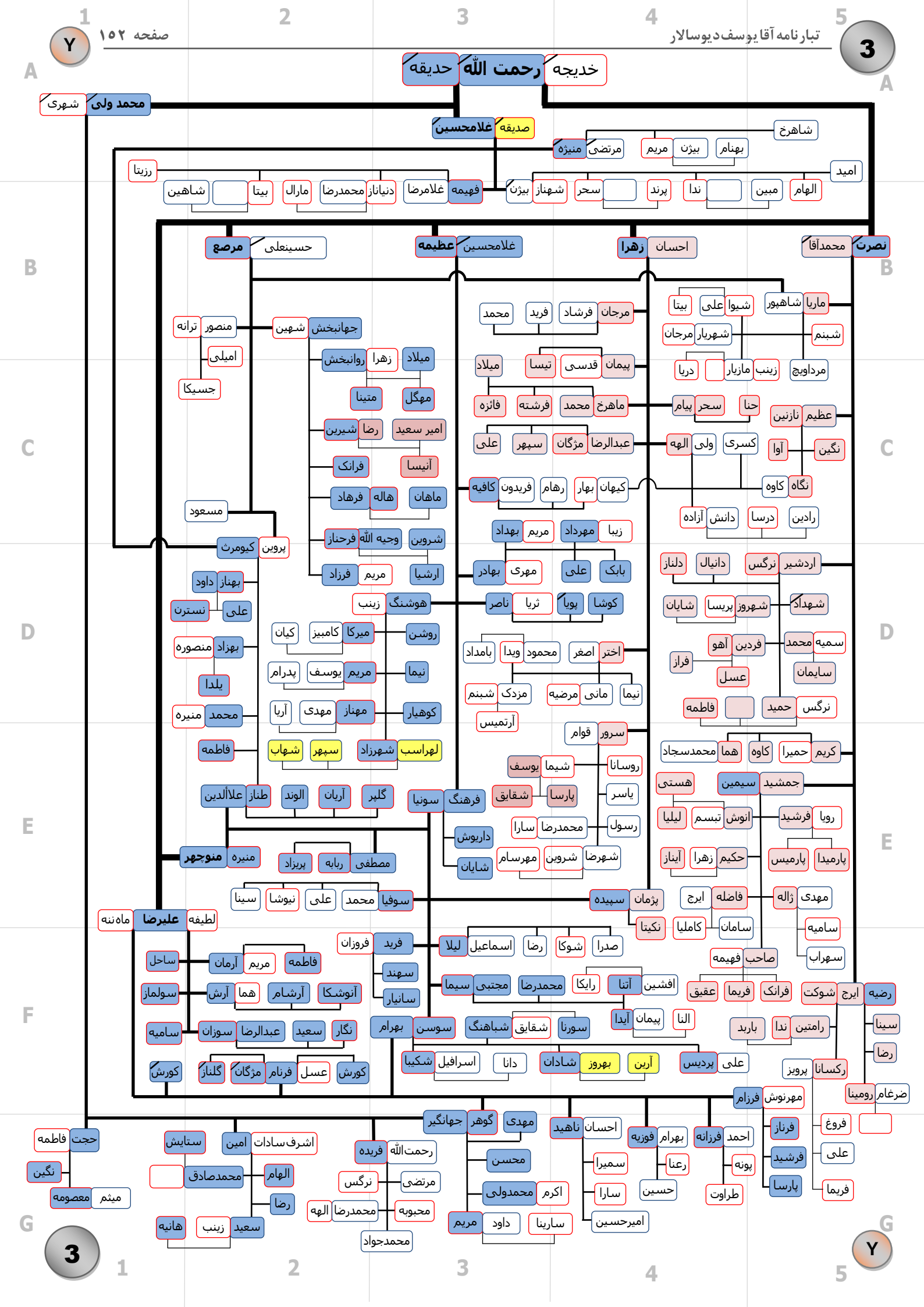
خدیجه
رحمت الله
حدیقه
محمد ولی
شهری
صدیقه
غلامحسین
شاهرخ
بهنام
بیژن
مریم
مرتضی
منیژه
امید
الهام
مبین
ندا
پرند
سحر
شهناز
بیژن
فهیمه
غلامرضا
دنیاناز
محمدرضا
مارال
بیتا
رزیتا
شاهین
نصرت
محمدآقا
احسان
زهرا
غلامحسین
عظیمه
حسینعلی
مرصع
ماریا
شاهپور
شیوا
علی
بیتا
شبنم
شهریار
مرجان
مرداویج
زینب
مازیار
دریا
حنا
سحر
پیام
عظیم
نازنین
نگین
آوا
کسری
ولی
الهه
نگاه
کاوه
رادین
درسا
دانش
آزاده
مرجان
فرشاد
فرید
محمد
پیمان
قدسی
تیسا
میلاد
ماهرخ
محمد
فرشته
فائزه
عبدالرضا
مژگان
سپهر
علی
کیهان
بهار
رهام
فریدون
کافیه
زیبا
مهرداد
مریم
بهداد
بابک
علی
مهری
بهادر
کوشا
پویا
ثریا
ناصر
اختر
اصغر
محمود
ودا
بامداد
نیما
مانی
مرضیه
مزدک
شبنم
آرتمیس
سرور
قوام
روسانا
شیما
یوسف
یاسر
پارسا
شقایق
رسول
محمدرضا
سارا
شهرضا
شروین
مهرسام
اردشیر
نرگس
دانیال
دلناز
شهداد
شهروز
پریسا
شایان
سمیه
محمد
فردین
آهو
فراز
عسل
سایمان
نرگس
حمید
فاطمه
کریم
حمیرا
کاوه
هما
محمدسجاد
جمشید
سیمین
هستی
روبا
فرشید
انوش
تبسم
لیلیا
پارمیدا
پارمیس
حکیم
زهرا
آیناز
مهدی
ژاله
فاضله
ایرج
سامیه
سامان
کاملیا
سهراب
صاحب
فهیمه
رضیه
ایرج
شوکت
فرانک
فریما
عقیق
رامتین
ندا
باربد
سینا
رضا
رکسانا
پرویز
ضرغام
رومینا
مهرنوش
فرزام
فرناز
فرشید
پارسا
فروغ
علی
فریما
احمد
فرزانه
پونه
طراوت
بهرام
فوزیه
رعنا
حسین
احسان
ناهید
سمیرا
سارا
امیرحسین
مهدی
گوهر
جهانگیر
محسن
محمدولی
اکرم
مریم
داود
سارینا
رحمت‌الله
فریده
مرتضی
نرگس
محبوبه
محمدرضا
الهه
محمدجواد
اشرف‌سادات
امین
ستایش
الهام
محمدصادق
رضا
سعید
زینب
هانیه
حجت
فاطمه
نگین
معصومه
میثم
جهانبخش
شهین
منصور
ترانه
امیلی
جسیکا
روانبخش
زهرا
میلاد
مهگل
متینا
امیر سعید
آنیسا
شیرین
رضا
فرانک
ماهان
هاله
فرهاد
شروین
وجیه الله
فرحناز
ارشیا
مریم
فرزاد
مسعود
پروین
کیومرث
بهناز
داود
علی
نسترن
بهزاد
منصوره
یلدا
محمد
منیره
فاطمه
هوشنگ
زینب
روشن
میرکا
کامبیز
کیان
نیما
مریم
یوسف
پدرام
کوهیار
مهناز
مهدی
آریا
لهراسب
شهرزاد
سپهر
شهاب
طناز
علاءالدین
الوند
آریان
گلپر
فرهنگ
سونیا
داریوش
شایان
منوچهر
منیره
پریزاد
ربابه
مصطفی
سوفیا
محمد
علی
نیوشا
سینا
علیرضا
ماه‌نه
لطیفه
ساحل
آرمان
مریم
فاطمه
سولماز
آرش
هما
آرشام
آنوشکا
سامیه
سوزان
عبدالرضا
سعید
نگار
کورش
گلناز
مژگان
فرنام
عسل
کورش
فروزان
فرید
سهند
سانیار
لیلا
اسماعیل
رضا
شوکا
صدرا
سیما
مجتبی
محمدرضا
آتنا
رایکا
افشین
سوسن
بهرام
شباهنگ
شقایق
سورنا
آیدا
پیمان
النا
شکیبا
اسرافیل
دانا
شادان
بهروز
آرین
پردیس
علی
بارید

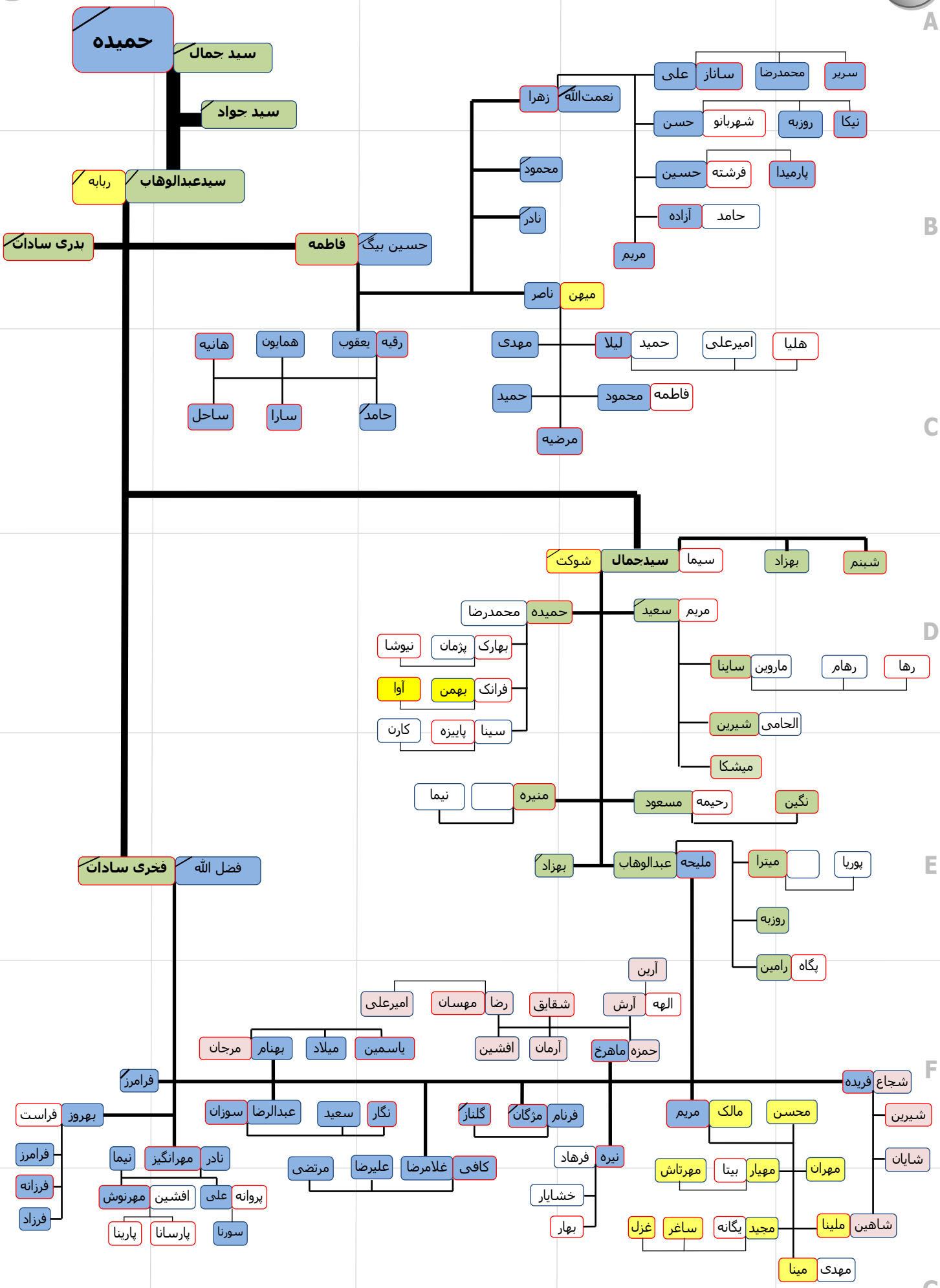
حمیده
سید جمال
سید جواد
سیدعبدالوهاب
ربابه
بدری سادات
فاطمه
حسین بیگ
نعمت‌الله
زهرا
محمود
نادر
ناصر
میهن
مریم
علی
ساناز
محمدرضا
سریر
حسن
شهربانو
روزبه
نیکا
حسین
فرشته
پارمیدا
حامد
آزاده
مهدی
لیلا
حمید
امیرعلی
هلیا
محمود
فاطمه
حمید
مرضیه
رقیه
یعقوب
همایون
هانیه
حامد
سارا
ساحل
سیدجمال
شوکت
سیما
بهزاد
شبنم
حمیده
محمدرضا
مریم
سعید
بهارک
پژمان
نیوشا
فرانک
بهمن
آوا
سینا
پاییزه
کارن
ساینا
ماروین
رهام
رها
شیرین
الحامی
میشکا
منیره
نیما
مسعود
رحیمه
نگین
بهزاد
عبدالوهاب
ملیحه
میترا
پوریا
روزبه
رامین
پگاه
فخری سادات
فضل الله
آرین
الهه
آرش
شقایق
رضا
مهسان
امیرعلی
حمزه
ماهرخ
آرمان
افشین
یاسمین
میلاد
بهنام
مرجان
فرامرز
شجاع
فریده
بهروز
فراست
فرامرز
فرزانه
فرزاد
سوزان
عبدالرضا
سعید
نگار
گلناز
مژگان
فرنام
مریم
مالک
محسن
شیرین
شایان
نادر
مهرانگیز
نیما
مهرنوش
افشین
علی
پروانه
پارینا
پارسانا
سورنا
مرتضی
علیرضا
غلامرضا
کافی
نیره
فرهاد
خشایار
بهار
مهران
مهیار
بیتا
مهرتاش
شاهین
ملینا
مجید
یگانه
ساغر
غزل
مهدی
مینا

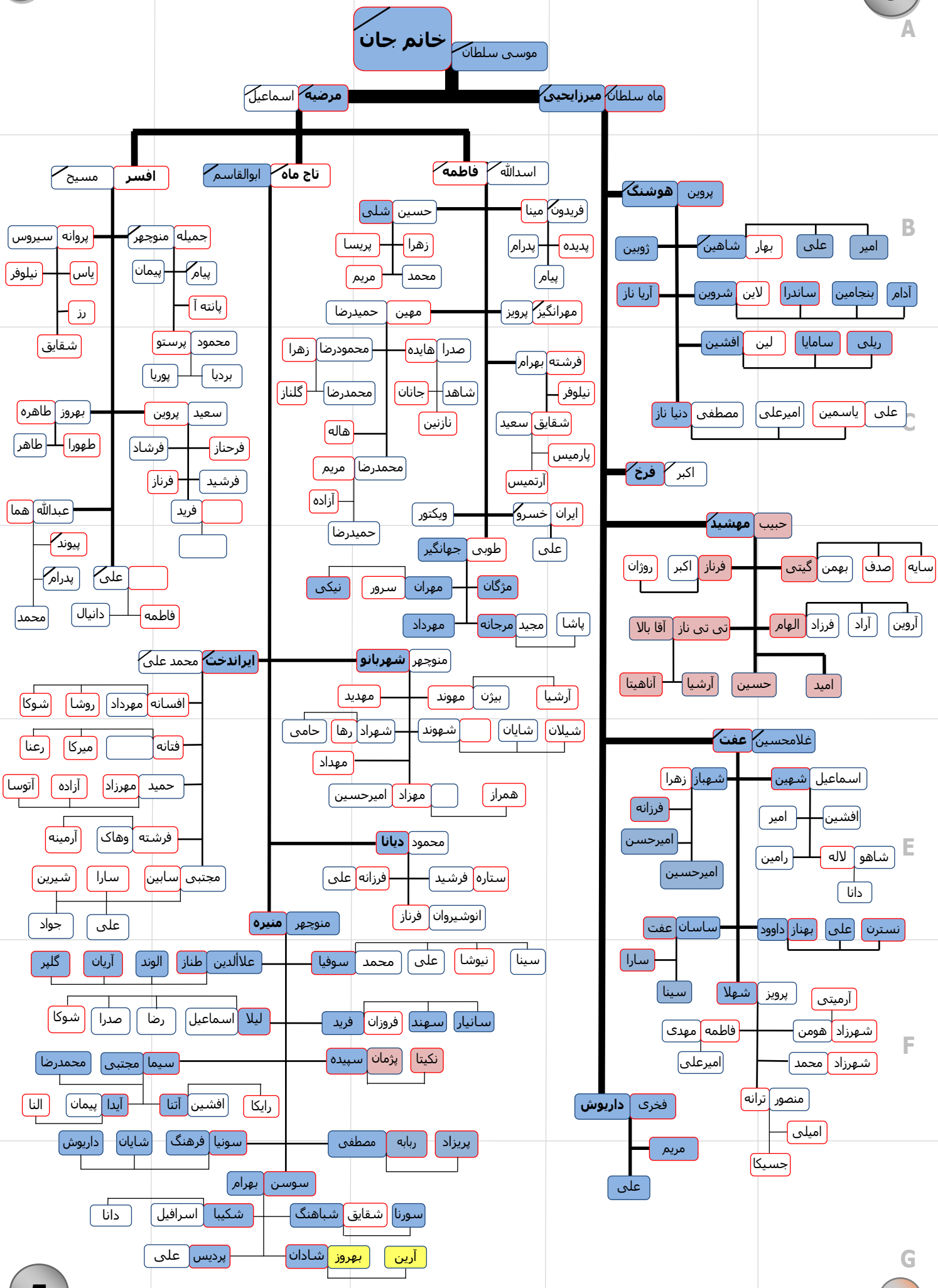
خانم جان
موسی سلطان
مرضیه
اسماعیل
میرزایحیی
ماه سلطان
افسر
مسیح
ابوالقاسم
تاج ماه
فاطمه
اسدالله
هوشنگ
پروین
ایراندخت
محمد علی
شهربانو
منوچهر
دیانا
محمود
منیره
منوچهر
مهشید
حبیب
فرخ
اکبر
عفت
غلامحسین
داریوش
فخری

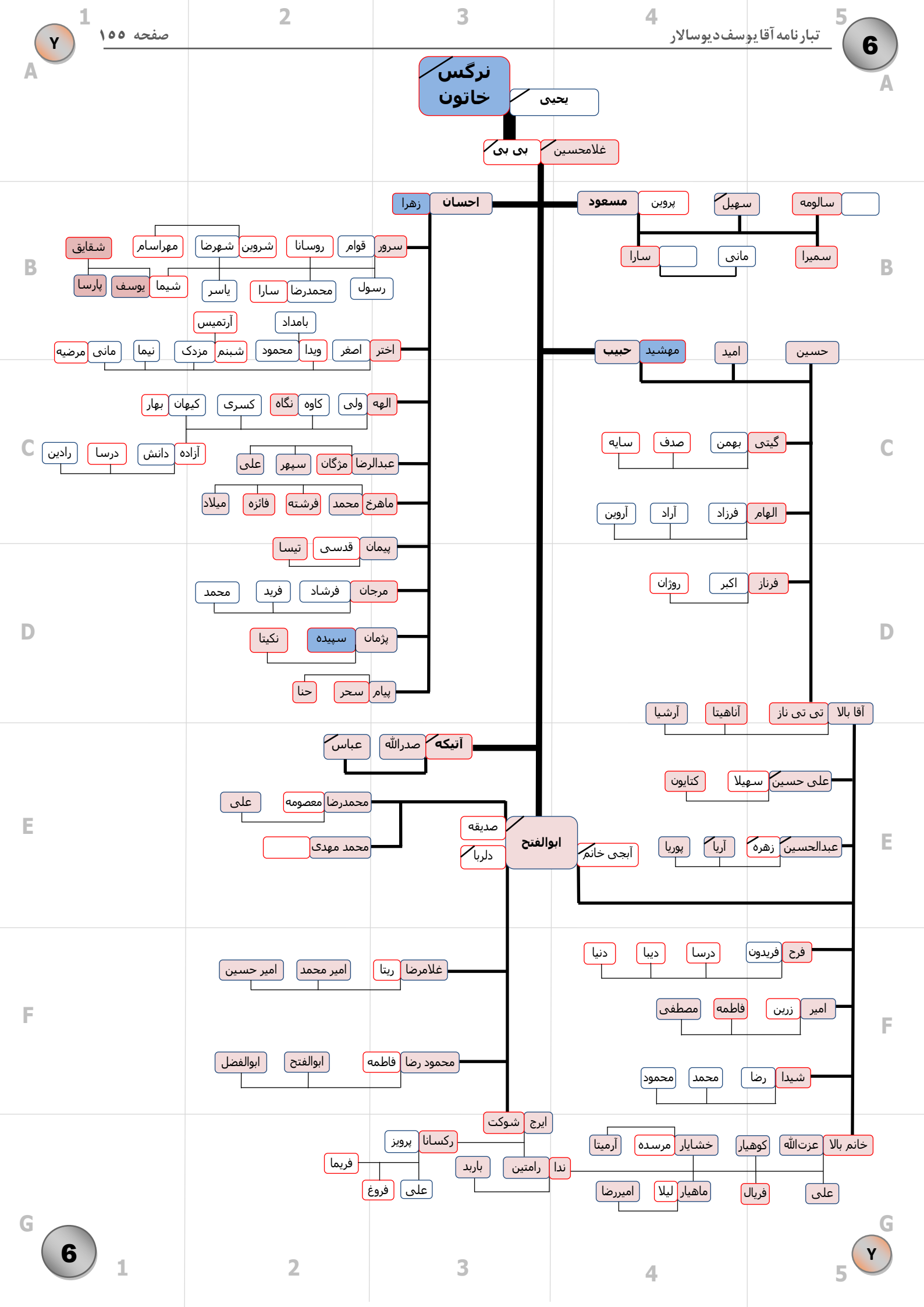
نرگس خاتون
یحیی
بی بی
غلامحسین
احسان
زهرا
مسعود
پروین
سهیل
سالومه
سمیرا
مانی
سارا
سرور
قوام
روسانا
شروین
شهرضا
مهراسام
شقایق
رسول
محمدرضا
سارا
یاسر
شیما
یوسف
پارسا
بامداد
آرتمیس
اختر
اصغر
ویدا
محمود
شبنم
مزدک
نیما
مانی
مرضیه
الهه
ولی
کاوه
نگاه
کسری
کیهان
بهار
آزاده
دانش
درسا
رادین
عبدالرضا
مژگان
سپهر
علی
ماهرخ
محمد
فرشته
فائزه
میلاد
پیمان
قدسی
تیسا
مرجان
فرشاد
فرید
محمد
پژمان
سپیده
نکیتا
پیام
سحر
حنا
حبیب
مهشید
امید
حسین
گیتی
بهمن
صدف
سایه
الهام
فرزاد
آراد
آروین
فرناز
اکبر
روژان
آقا بالا
تی تی ناز
آناهیتا
آرشیا
آتیکه
صدرالله
عباس
علی حسین
سهیلا
کتایون
ابوالفتح
صدیقه
دلربا
آبجی خانم
محمدرضا
معصومه
علی
محمد مهدی
عبدالحسین
زهره
آریا
پوریا
فرح
فریدون
درسا
دیبا
دنیا
امیر
زرین
فاطمه
مصطفی
شیدا
رضا
محمد
محمود
غلامرضا
ریتا
امیر محمد
امیر حسین
محمود رضا
فاطمه
ابوالفتح
ابوالفضل
ایرج
شوکت
رکسانا
پرویز
فریما
فروغ
علی
ندا
رامتین
باربد
خانم بالا
عزت‌الله
کوهیار
خشایار
مرسده
آرمیتا
علی
فریال
ماهیار
لیلا
امیررضا

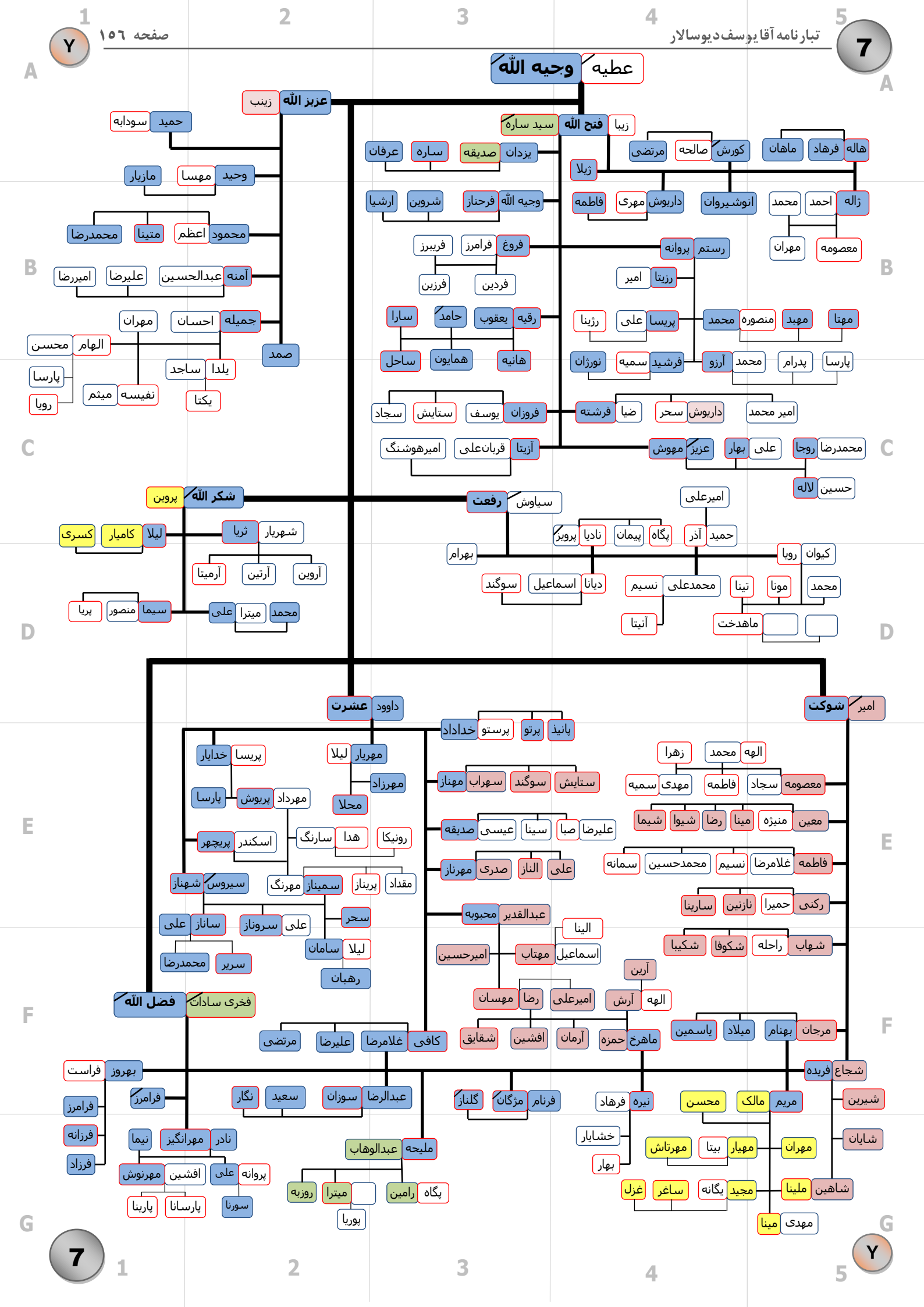
عطیه
وجیه الله
عزیز الله
زینب
حمید
سودابه
وحید
مهسا
مازیار
محمود
اعظم
متینا
محمدرضا
آمنه
عبدالحسین
علیرضا
امیررضا
جمیله
احسان
مهران
الهام
محسن
پارسا
رویا
میثم
نفیسه
یلدا
ساجد
یکتا
صمد
فتح الله
سید ساره
زیبا
یزدان
صدیقه
ساره
عرفان
وجیه الله
فرحناز
شروین
ارشیا
فروغ
فرامرز
فریبرز
فرزین
فردین
رقیه
یعقوب
حامد
سارا
ساحل
همایون
هانیه
فروزان
یوسف
ستایش
سجاد
آزیتا
قربان‌علی
امیرهوشنگ
ژیلا
مرتضی
صالحه
کورش
ماهان
فرهاد
هاله
فاطمه
مهری
داریوش
انوشیروان
ژاله
احمد
محمد
معصومه
مهران
رستم
پروانه
رزیتا
امیر
پریسا
علی
رژینا
فرشید
سمیه
نورژان
محمد
منصوره
مهبد
مهتا
آرزو
محمد
پدرام
پارسا
فرشته
ضیا
سحر
داریوش
امیر محمد
مهوش
عزیز
بهار
علی
روجا
محمدرضا
لاله
حسین
شکر الله
پروین
ثریا
شهریار
لیلا
کامیار
کسری
آرتین
آرمیتا
آروین
سیما
منصور
پریا
علی
میترا
محمد
رفعت
سیاوش
بهرام
امیرعلی
حمید
آذر
پگاه
پیمان
نادیا
پرویز
کیوان
رویا
دیانا
اسماعیل
سوگند
محمدعلی
نسیم
آنیتا
محمد
مونا
تینا
ماهدخت
عشرت
داوود
خداداد
پرستو
پرتو
پانیز
مهریار
لیلا
مهرزاد
محلا
پریسا
خدایار
مهرداد
پریوش
پارسا
پریچهر
اسکندر
سارنگ
هدا
رونیکا
سیروس
شهناز
مهرنگ
سمیناز
پریناز
مقداد
ساناز
علی
سروناز
علی
سحر
سریر
محمدرضا
لیلا
سامان
رهبان
مهناز
سهراب
سوگند
ستایش
صدیقه
عیسی
سینا
صبا
علیرضا
مهرناز
صدری
الناز
علی
محبوبه
عبدالقدیر
امیرحسین
مهتاب
اسماعیل
الینا
مهسان
رضا
امیرعلی
شقایق
افشین
آرمان
آرش
آرین
الهه
ماهرخ
حمزه
شوکت
امیر
الهه
محمد
زهرا
معصومه
سجاد
فاطمه
مهدی
سمیه
معین
منیژه
مینا
رضا
شیوا
شیما
فاطمه
غلامرضا
نسیم
محمدحسین
سمانه
رکنی
حمیرا
نازنین
سارینا
شهاب
راحله
شکوفا
شکیبا
مرجان
بهنام
میلاد
یاسمین
شجاع
فریده
شیرین
شایان
مریم
مالک
محسن
مهران
مهیار
بیتا
مهرتاش
ملینا
شاهین
مجید
یگانه
ساغر
غزل
مینا
مهدی
نیره
فرهاد
خشایار
بهار
فرنام
مژگان
گلناز
مرتضی
علیرضا
غلامرضا
کافی
عبدالرضا
سوزان
سعید
نگار
ملیحه
عبدالوهاب
پگاه
رامین
میترا
روزبه
پوریا
فضل الله
فخری سادات
بهروز
فراست
فرامرز
فرامرز
فرزانه
فرزاد
نادر
مهرانگیز
نیما
پروانه
علی
افشین
مهرنوش
سورنا
پارسانا
پارینا

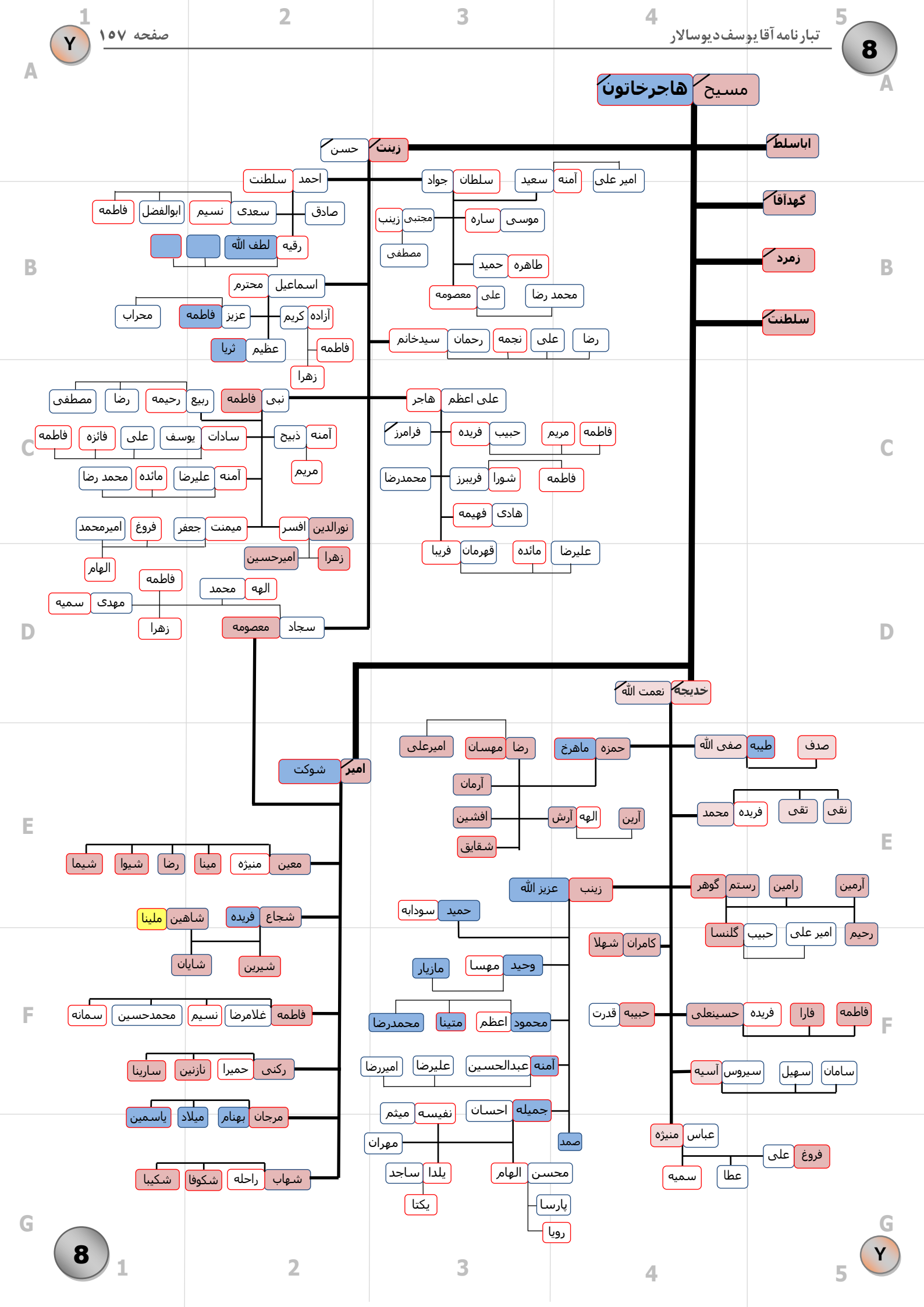
مسیح
هاجرخاتون
اباسلط
گهدآقا
زمرد
سلطنت
زینت
حسن
احمد
سلطنت
صادق
سعدی
نسیم
ابوالفضل
فاطمه
رقیه
لطف الله
جواد
سلطان
سعید
آمنه
امیر علی
مجتبی
زینب
مصطفی
موسی
ساره
طاهره
حمید
معصومه
علی
محمد رضا
اسماعیل
محترم
محراب
فاطمه
عزیز
کریم
آزاده
عظیم
ثریا
فاطمه
زهرا
رضا
علی
نجمه
رحمان
سیدخانم
نبی
فاطمه
ربیع
رحیمه
رضا
مصطفی
ذبیح
آمنه
سادات
یوسف
علی
فائزه
فاطمه
مریم
آمنه
علیرضا
مائده
محمد رضا
نورالدین
افسر
میمنت
جعفر
فروغ
امیرمحمد
الهام
امیرحسین
زهرا
الهه
محمد
فاطمه
مهدی
سمیه
زهرا
سجاد
معصومه
علی اعظم
هاجر
فرامرز
فریده
حبیب
مریم
فاطمه
محمدرضا
فریبرز
شورا
فاطمه
هادی
فهیمه
علیرضا
مائده
قهرمان
فریبا
خدیجه
نعمت الله
صفی الله
طیبه
صدف
حمزه
ماهرخ
رضا
مهسان
امیرعلی
آرمان
افشین
شقایق
آرش
الهه
آرین
محمد
فریده
تقی
نقی
امیر
شوکت
معین
منیژه
مینا
رضا
شیوا
شیما
شجاع
فریده
شاهین
ملینا
شایان
شیرین
فاطمه
غلامرضا
نسیم
محمدحسین
سمانه
رکنی
حمیرا
نازنین
سارینا
مرجان
بهنام
میلاد
یاسمین
شهاب
راحله
شکوفا
شکیبا
زینب
عزیز الله
حمید
سودابه
وحید
مهسا
مازیار
محمود
اعظم
متینا
محمدرضا
آمنه
عبدالحسین
علیرضا
امیررضا
جمیله
احسان
نفیسه
میثم
مهران
یلدا
ساجد
یکتا
محسن
الهام
پارسا
رویا
صمد
گوهر
رستم
رامین
آرمین
گلنسا
حبیب
امیر علی
رحیم
کامران
شهلا
حبیبه
قدرت
حسینعلی
فریده
فارا
فاطمه
سامان
سهیل
سیروس
آسیه
عباس
منیژه
فروغ
علی
سمیه
عطا

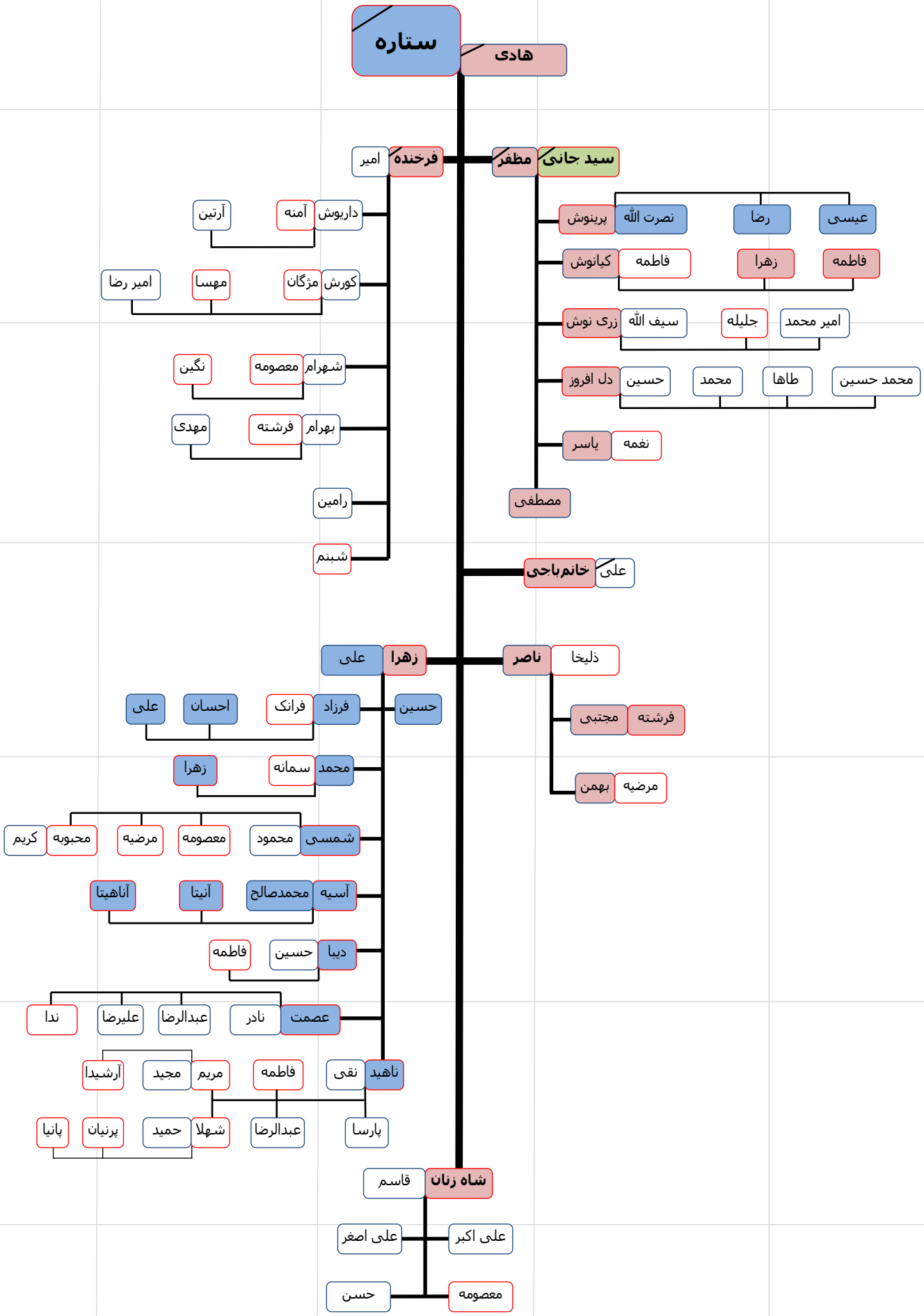
ستاره
هادی
سید جانی
مظفر
فرخنده
امیر
عیسی
رضا
نصرت الله
پرینوش
فاطمه
زهرا
فاطمه
کیانوش
امیر محمد
جلیله
سیف الله
زری نوش
محمد حسین
طاها
محمد
حسین
دل افروز
نغمه
یاسر
مصطفی
داریوش
آمنه
آرتین
کورش
مژگان
مهسا
امیر رضا
شهرام
معصومه
نگین
بهرام
فرشته
مهدی
رامین
شبنم
خانم‌باجی
علی
ناصر
ذلیخا
فرشته
مجتبی
مرضیه
بهمن
زهرا
علی
حسین
فرزاد
فرانک
احسان
علی
محمد
سمانه
زهرا
شمسی
محمود
معصومه
مرضیه
محبوبه
کریم
آسیه
محمدصالح
آنیتا
آناهیتا
دیبا
حسین
فاطمه
عصمت
نادر
عبدالرضا
علیرضا
ندا
ناهید
نقی
فاطمه
مریم
مجید
آرشیدا
پارسا
عبدالرضا
شهلا
حمید
پرنیان
پانیا
شاه زنان
قاسم
علی اکبر
علی اصغر
معصومه
حسن

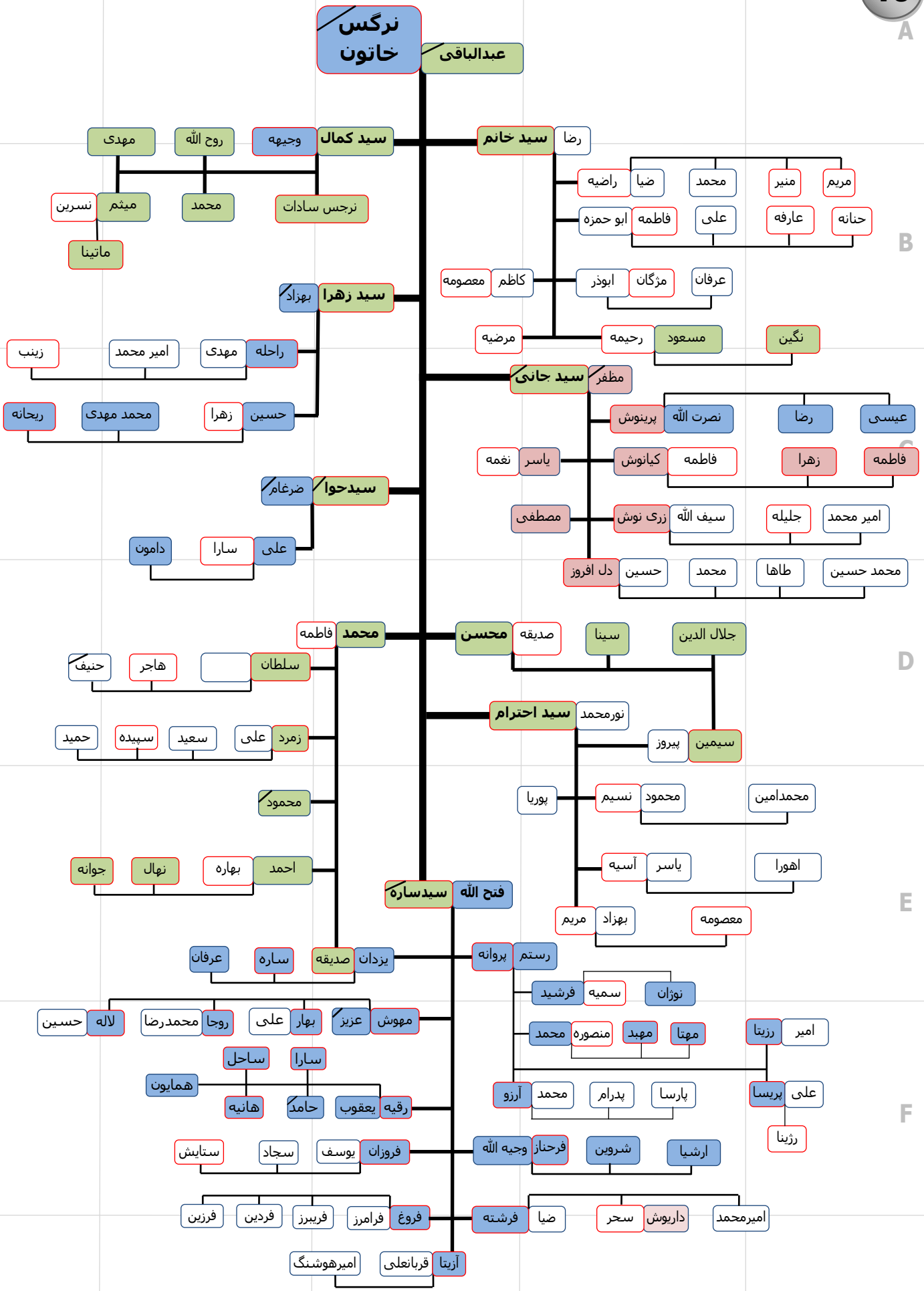
نرگس خاتون
عبدالباقی
سید کمال
وجیهه
روح الله
مهدی
نرجس سادات
محمد
میثم
نسرین
ماتینا
سید خانم
رضا
مریم
منیر
محمد
ضیا
راضیه
حنانه
عارفه
علی
فاطمه
ابو حمزه
عرفان
مژگان
ابوذر
کاظم
معصومه
نگین
مسعود
رحیمه
مرضیه
سید زهرا
بهزاد
راحله
مهدی
امیر محمد
زینب
حسین
زهرا
محمد مهدی
ریحانه
سید جانی
مظفر
عیسی
رضا
نصرت الله
پرینوش
فاطمه
زهرا
فاطمه
کیانوش
یاسر
نغمه
امیر محمد
جلیله
سیف الله
زری نوش
مصطفی
محمد حسین
طاها
محمد
حسین
دل افروز
سیدحوا
ضرغام
علی
سارا
دامون
محسن
صدیقه
سینا
جلال الدین
سیمین
پیروز
سید احترام
نورمحمد
محمدامین
محمود
نسیم
پوریا
اهورا
یاسر
آسیه
بهزاد
مریم
معصومه
محمد
فاطمه
سلطان
هاجر
حنیف
زمرد
علی
سعید
سپیده
حمید
محمود
احمد
بهاره
نهال
جوانه
فتح الله
سیدساره
رستم
پروانه
نوژان
سمیه
فرشید
امیر
رزیتا
مهتا
مهید
منصوره
محمد
علی
پریسا
رژینا
پارسا
پدرام
محمد
آرزو
ارشیا
شروین
فرحناز
وجیه الله
امیرمحمد
داریوش
سحر
ضیا
فرشته
یزدان
صدیقه
ساره
عرفان
مهوش
عزیز
بهار
علی
روجا
محمدرضا
لاله
حسین
رقیه
یعقوب
حامد
هانیه
سارا
ساحل
همایون
فروزان
یوسف
سجاد
ستایش
فروغ
فرامرز
فریبرز
فردین
فرزین
آزیتا
قربانعلی
امیرهوشنگ

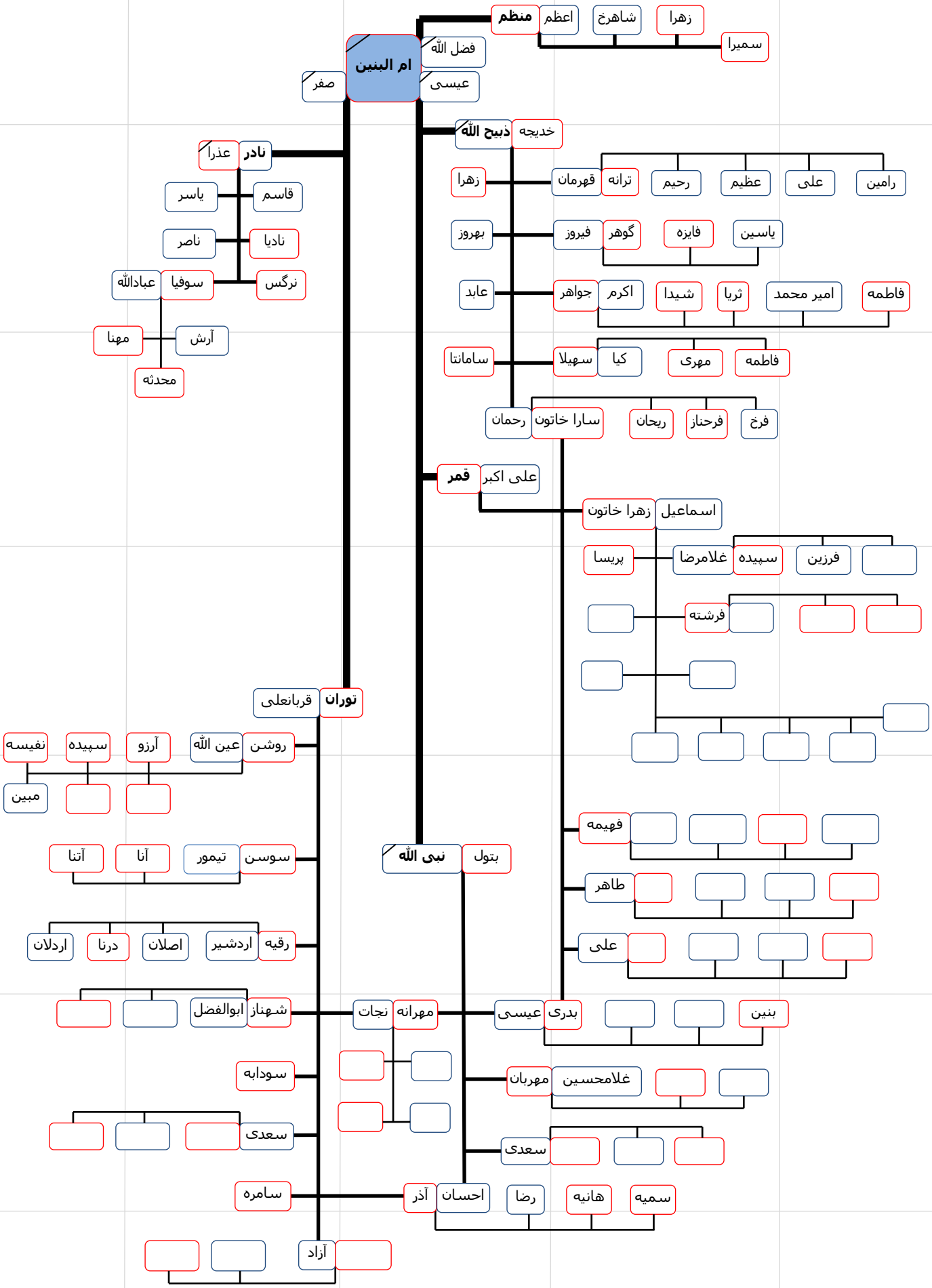
ام البنین
فضل الله
عیسی
صفر
منظم
اعظم
شاهرخ
زهرا
سمیرا
ذبیح الله
خدیجه
نادر
عذرا
قاسم
یاسر
نادیا
ناصر
نرگس
سوفیا
عبادالله
آرش
مهنا
محدثه
زهرا
قهرمان
ترانه
رحیم
عظیم
علی
رامین
بهروز
فیروز
گوهر
فایزه
یاسین
عابد
جواهر
اکرم
شیدا
ثریا
امیر محمد
فاطمه
سامانتا
سهیلا
کیا
مهری
فاطمه
رحمان
سارا خاتون
ریحان
فرحناز
فرخ
قمر
علی اکبر
اسماعیل
زهرا خاتون
پریسا
غلامرضا
سپیده
فرزین
فرشته
فهیمه
طاهر
علی
توران
قربانعلی
روشن
عین الله
آرزو
سپیده
نفیسه
مبین
سوسن
تیمور
آنا
آتنا
رقیه
اردشیر
اصلان
درنا
اردلان
شهناز
ابوالفضل
سودابه
سعدی
سامره
آزاد
نبی الله
بتول
مهرانه
نجات
عیسی
بدری
بنین
مهربان
غلامحسین
سعدی
آذر
احسان
رضا
هانیه
سمیه

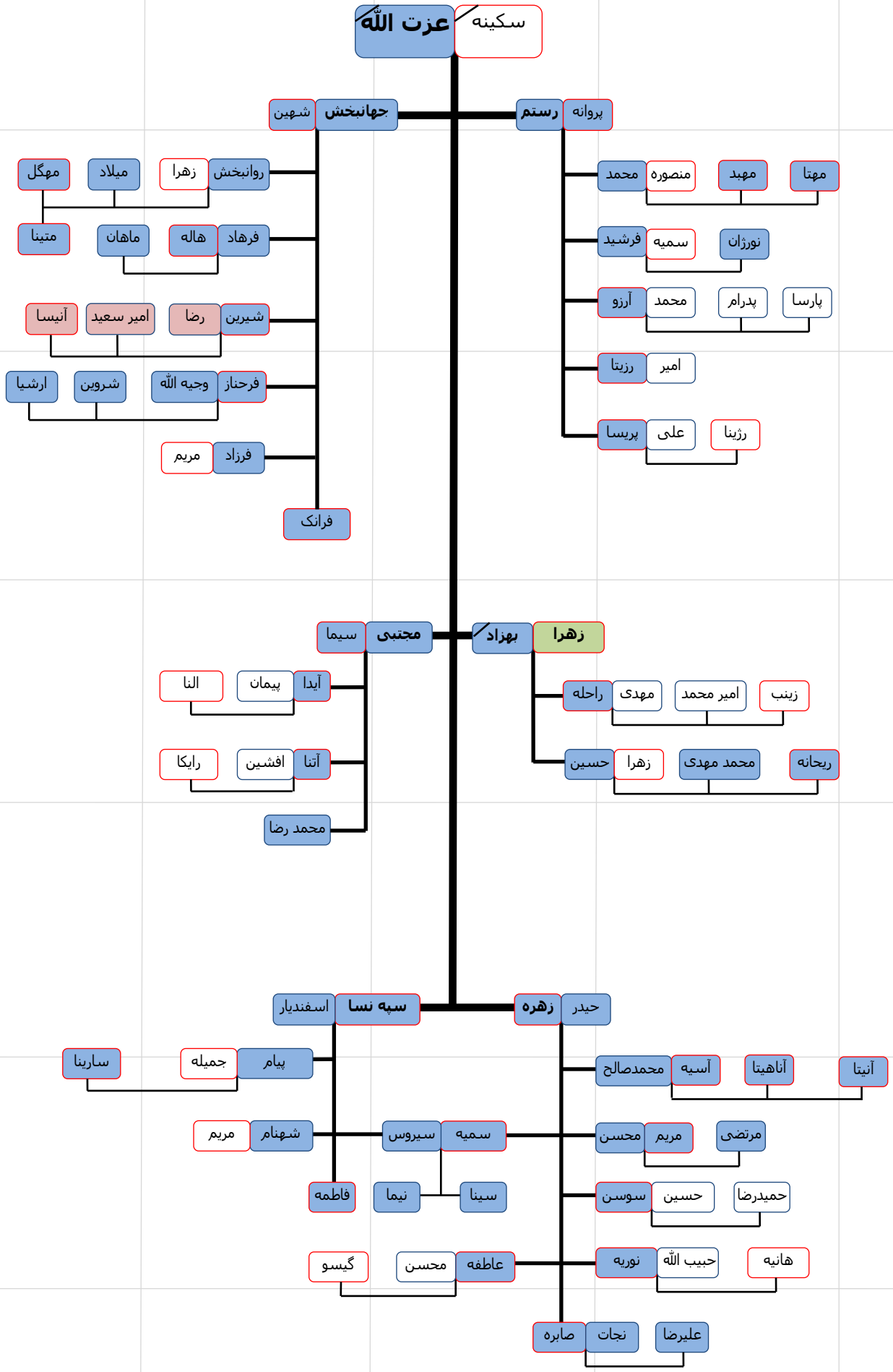
عزت الله
سکینه
جهانبخش
شهین
رستم
پروانه
روانبخش
زهرا
میلاد
مهگل
فرهاد
هاله
ماهان
متینا
شیرین
رضا
امیر سعید
آنیسا
فرحناز
وجیه الله
شروین
ارشیا
فرزاد
مریم
فرانک
محمد
منصوره
مهبد
مهتا
فرشید
سمیه
نورژان
آرزو
محمد
پدرام
پارسا
رزیتا
امیر
پریسا
علی
رژینا
مجتبی
سیما
بهزاد
زهرا
آیدا
پیمان
النا
آتنا
افشین
رایکا
محمد رضا
راحله
مهدی
امیر محمد
زینب
حسین
زهرا
محمد مهدی
ریحانه
سپه نسا
اسفندیار
زهره
حیدر
پیام
جمیله
سارینا
شهنام
مریم
سیروس
سمیه
فاطمه
نیما
سینا
عاطفه
محسن
گیسو
محمدصالح
آسیه
آناهیتا
آنیتا
محسن
مریم
مرتضی
سوسن
حسین
حمیدرضا
نوریه
حبیب الله
هانیه
صابره
نجات
علیرضا

نگاهی آماری به تبار نامه آقا یوسف دیوسالار

اطلاعات آماری زیر بر اساس آخرین اطلاعات جمع آوری شده تا پایان سال ۱۳۹۰ میباشد . بدیهی است این اطلاعات در صورت اصلاحات تکمیلی و یا با مرور زمان و ایجاد تغییر در آمار و اطلاعات جمعیتی در شاخه‌های مختلف فرزندان و نوادگان آقا یوسف دیوسالار و بستگان آنها ، تغییر خواهد کرد.

تعداد کل افراد نامبرده شده در این تبار نامه (شامل آقا یوسف دیوسالار و همسرش و همهٔ فرزندان و نوادگان و عروس‌ها و دامادهای خانواده او) : ۱٤۸۹ نفر
از این تعداد ۷۲٦ نفر مرد/پسر و ۷۲۷ نفر زن/دختر هستند

تعداد کل فرزندان و نودگان آقا یوسف : ۱۱۰۰ نفر
از این تعداد ۵۵۰ نفر مرد/پسر و ۵۵۰ نفر زن/دختر هستند

تعداد خویشاوندان خانواده آقا یوسف که جزو فرزندان و نوادگاه او نیستند (افرادی که فقط کد سببی دارند): ۳۸۹ نفر
از این تعداد ۲۱۳ نفر مرد و ۱۷٦ نفر زن هستند . یعنی فرزندان و نوادگان آقا یوسف بواسطه وصلت و خویشاوندی ۲۱۳ مرد و ۱۷٦ زن را به این خانواده اضافه کرده اند.

تعداد افرادی که ازدواج‌های فامیلی داشته اند یعنی یکی از نوادگان آقا یوسف با یکی دیگر از نوادگان او ازدواج کرده است (افرادی که هم کد سببی و هم کد نسبی دارند) : ۱۰۲ نفر
که طبیعتا از این تعداد ۵۱ نفر مرد و ۵۱ نفر زن هستند

بدین ترتیب تعداد کل افراد ازدواج کرده در بین نوادگان و فرزندان آقا یوسف برابر است با ٤۹۱ = ۱۰۲ + ۳۸۹ یعنی تقریبا ٤۵% تعداد نوادگان و فرزندان و تعداد کل افراد ازدواج کرده (متاهل) در این تبار نامه (شامل عروس ها و دامادهایی که از نوادگان آقا یوسف نیستند) برابر با ۸۸۰ = ۳۸۹ + ٤۹۱ نفر یعنی تقریبا ٦۰% درصد جمعیت کل این تبار نامه است.
در نتیجه تعداد ازدواجهای درون خانواده ۵۱ و تعداد کل ازدواجها ٤۹۱ است. یعنی تقریبا ۱۲% ازدواجها در بین فرزندان و نوادگان آقا یوسف با یکی دیگر از فرزندان و نوادگان او بوده است.

تعداد کل فرزندان و نوادگان آقا یوسف دیوسالار به تفکیک نسلهای بعد از ایشان به شرح جدول زیر است . توضیح اینکه در اینجا در مورد افرادی که به دلیل ازدواج درون خانواده ای والدینشان در بیش از یک نسل قرار می‌گیرند، پایین‌ترین نسل (یا نزدیکترین نسل به آقا یوسف) در نظر گرفته شده است.

	تعداد کل	زن/ دختر		مرد/ پسر	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
نسل اول	۵	۳	%٦۰	۲	%٤۰
نسل دوم	۲۰	۹	%٤۵	۱۱	%۵۵
نسل سوم	۱۰۹	۵۵	%۵۰	۵٤	%۵۰
نسل چهارم	۳۹۸	۱۹٤	%٤۹	۲۰٤	%۵۱
نسل پنجم	٤٦۲	۲۲۳	%٤۸	۲۳۹	%۵۲
نسل ششم	۱۰٦	۵٦	%۵۱	٤۷	%٤۹
جمع	**۱۱۰۰**	**۵۵۰**	**%۵۰**	**۵۵۰**	**%۵۰**

تعداد فرزندان و نوادگان آقا یوسف به تفکیک پنج شاخهٔ اصلی فرزندان ایشان به شرح زیر است:

	تعداد	کد نسبی شروع شده با
فرزندان و نوادگان میرزا فتح الله خان دیوسالار :	٥١٦	Y-1
فرزندان و نوادگان رحمت الله خان دیوسالار :	١٦٩	Y-2
فرزندان و نوادگان حمیده خانم دیوسالار :	٤٧	Y-A
فرزندان و نوادگان خانم جان دیوسالار :	١٤٩	Y-B
فرزندان و نوادگان نرگس خاتون دیوسالار :	٤٨	Y-C
نوادگان مشترک میرزا فتح الله خان و رحمت الله خان دیوسالار :	١٤	Y-1 و Y-2
نوادگان مشترک میرزا فتح الله خان حمیده خانم دیوسالار :	٥٦	Y-1 و Y-A
نوادگان مشترک رحمت الله خان و خانم جان دیوسالار :	٣٢	Y-2 و Y-B
نوادگان مشترک رحمت الله خان و نرگس خاتون دیوسالار :	٤٥	Y-2 و Y-C
نوادگان مشترک خانم جان و نرگس خاتون دیوسالار :	١٣	Y-B و Y-2
نوادگان مشترک میرزا فتح الله خان و رحمت الله خان و حمیده خانم دیوسالار :	٣	Y-1 و Y-2 و Y-A
نوادگان مشترک میرزا فتح الله خان و رحمت الله خان و خانم جان دیوسالار :	٥	Y-1 و Y-2 و Y-B
نوادگان مشترک رحمت الله خان و خانم جان و نرگس خاتون دیوسالار :	١	Y-2 و Y-B و Y-C

اطلاعات آماری فوق در شکل زیر به صورت تصویری نشان داده شده است:

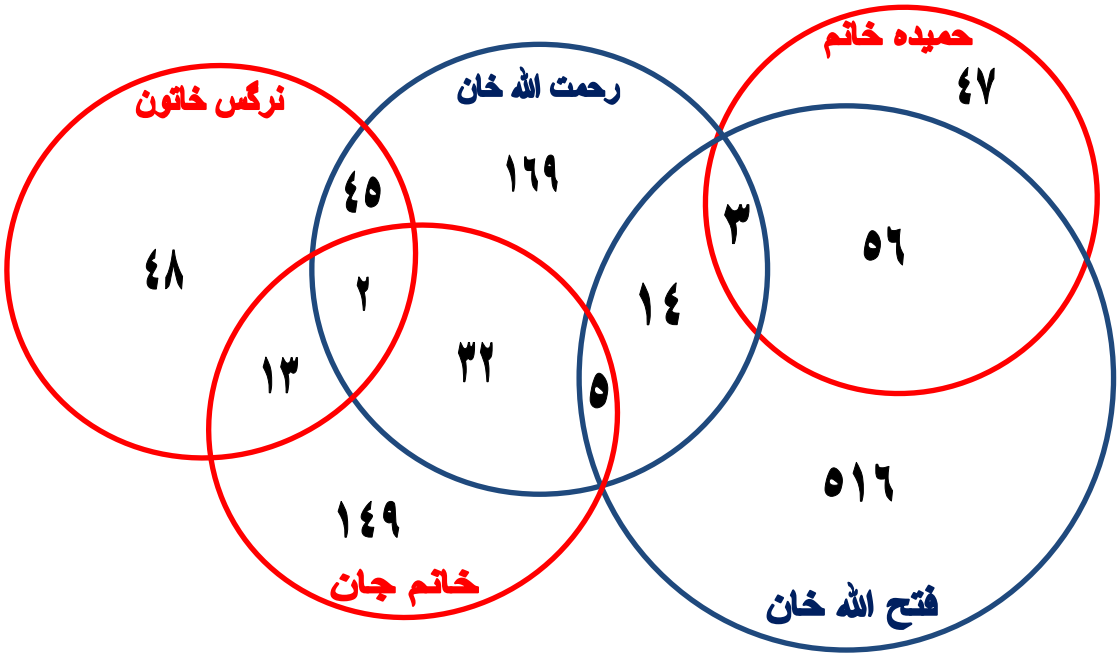

در نتیجه تعداد کل فرزندان و نوادگان آقا یوسف در هر یک از شاخه های خانوادگی به شرح زیر خواهد بود:

شاخه خانوادگی میرزا فتح الله خان دیوسالار : ٥٩٤ = ٥ + ٣ + ٥٦ + ١٤ + ٥١٦

شاخه خانوادگی رحمت الله خان دیوسالار : ٢٧٠ = ٣ + ٢ + ٥ + ٤٥ + ٣٢ + ١٤ + ١٦٩

شاخه خانوادگی حمیده خانم دیوسالار : ١٠٧= ٣ + ٥٧ + ٤٧

شاخه خانوادگی خانم جان دیوسالار : ٢٠٠ = ٦ + ١ + ٣١ + ١٣ + ١٤٩

شاخه خانوادگی نرگس خاتون دیوسالار : ٩٨ = ٢ + ١٣ + ٤٥ + ٤٨

همانطور که ملاحظه میشود ، فرزندان و نوادگان رحمت الله خان با همه نوادگان برادر و سه خواهر او وصلت کرده اند ، در حالی که در مورد سایر فرزندان آقا یوسف بدینگونه نبوده است.

از لحاظ نام های استفاده شده برای نامگذاری فرزندان و نوادگان آقا یوسف، بیشترین نام برای پسر محمد و علی و بیشترین نام برای دختر فاطمه بوده است.

از نظر تعداد تکرار نام خانوادگی در این تبارنامه ، جدول زیر آماری از تعداد ده نام خانوادگی این تبار نامه که بیشترین تکرار را دارند اریه میدهد.

		فرزندان و نوادگان و خویشاوندان آقا یوسف (تعداد کل: ١٤٨٩ نفر)		فرزندان و نوادگان آقا یوسف (تعداد کل: ١١٠٠ نفر)	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
١	دیوسالار	٣٦٣	%٢٤/٢	٣٣٣	%٣٠/١
٢	سالاریان	٢٠٧	%١٣/٨	١٨٢	%١٦/٥
٣	سجادی	٤٧	%٣/١	٤٥	%٤/١
٤	حسینی کالجی	٣٩	%٢/٧	٣٨	%٣/٥
٥	حامدی	٣٢	%٢/٢	٣١	%٢/٢
٦	موسوی	٣١	%٢/٢	٢٨	%٢/٦
٧	کاویانپور	٢٩	%١/٩	٢٥	%٢/٢
٨	فخاری	٢٨	%١/٩	٢٢	%٢/٠
٩	مختاری	٢٦	%١/٨	٢١	%١/٩
١٠	درویش	٢٦	%١/٨	١٤	%١/٣

بیشترین تعداد شاخه ارتباطی بین فرزندان و نوادگان و خویشاوندان آقا یوسف و او (یا بعبارت دیگر بیشترین تعداد کد نسبی و یا سببی برای یک فرد) چهار شاخه است . در حال حاضر به نظر میرسد که فرزند یا فرزندان شاهین سالاریان و ملینا درویش در آینده رکورد بیشترین شاخه ارتباطی با آقا یوسف را به عدد شش تغییر خواهند داد.

ارشد ترین نوه از نسل های پسران ارشد آقا یوسف ، آقای فرامرز دیوسالار از نسل پنجم نوادگان او با کد Y-11111 یعنی پسر بزرگ (بهروز) ، پسر بزرگ (فضل الله) ، پسر بزرگ (وجیه الله) ، پسر بزرگ (فتح الله) ، پسر بزرگ آقا یوسف است. و با توجه به اینکه آقا یوسف تنها پسر میرزا ولی و میرزا ولی نیز پسر بزرگ مرتضی قلی بود، این ارشدیت تا هفت نسل پیش کماکان برقرار است.

ارشد ترین نوه از نسل های دختران ارشد آقا یوسف ، وجود ندارد چون حمیده دیوسالار دختر بزرگ آقا یوسف دختر نداشت.

تصاویر برخی از درگذشتگان در تبار نامه آقایوسف دیوسالار

الف – فرزندان و نوادگان آقا یوسف (به تر تیب حروف الفبا)

ابوالفتح سالاریان

ام البنین دیوسالار

امیر سالاریان

ایراندخت دیوسالار

بهزاد دیوسالار

بهزاد سجادی

بیژن شکیب مقدم
(دیوسالار)

پویا دیوسالار

حامد دیوسالار

خدیجه سالاریان

ذبیح الله حامدی

رحمت‌اللهدیوسالار

زینت سالاریان

سعید سجادی

تاجماه شایگان

سهیل سالاریان

سیدجانی سجادی

سیدساره سجادی

شکرالله دیوسالار

عبدالوهاب‌سجادی

عزت‌اللهدیوسالار

غلامحسین‌دیوسالار

فخری‌سادات
سجادی

فضل‌الله دیوسالار

کورش دیوسالار

کورش دیوسالار

گلناز دیوسالار

مژگان دیوسالار

مظفر سالاریان

منیژه دیوسالار

مهشید دیوسالار

نبی الله حامدی

نادر دیوسالار

نرگس خاتون دیوسالار

نصرت دیوسالار

هوشنگ‌دیوسالار

وجیه‌اللهدیوسالار

محمدولی دیوسالار

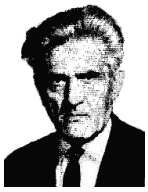
یحیی دیوسالار

ب – اقوام سببی یعنی عروسها و داماد های فرزندان و نوادگان آقا یوسف (به تر تیب حروف الفبا)

ابوالقاسم‌دیوسالار

پرویز کاویانپور

حسین‌بیگ‌دیوسالار

حسینعلی دهلوی

خدیجه ایزدی

ربابه درویش

سکینه سالار

سیاوش ایزدی

سیروس دیوسالار

شوکت درویش

شهری شیخی

ضرغام دیوسالار

عبدالباقی سجادی

عزیز دیوسالار

عطیه ایزدی

غلامحسین‌دیوسالار

غلامحسین
سالاریان

ماه‌سلطان‌دیوسالار

محمدآقاسالاریان

مرتضی آذین

مسیح سالاریان

محمدعلی زرشناس

نعمت‌الله‌دیوسالار

نعمت‌الله سالاریان

کلام آخر ... دیروز ، امروز و فردای ما

کتاب تبارنامه آقا یوسف و یا هر تبار نامه دیگری ، نشاندهنده رشد کمی و عددی افراد یک خانواده خواهد بود، در این کتاب نیز تلاش شد تا با همت و لطف و همکاری جمعی از دوستان ، تصویری از شرایط زندگی گذشتگانمان به نمایش گذارده شود. شاید برای نسل ما یا نسلهای بعدی که این مطالب را میخوانند ، شرایط زندگی گذشتگانمان بسیار سخت و زندگی در آن دوران بسیار دشوار و یا حتی غیر قابل تحمل به نظر بیاید. نبود آب تسویه شده یا حمام بهداشتی، نبود امکانات ارتباطاتی، برق، رادیو، تلویزیون، جاده، مدرسه .... و بسیاری از امکانات و تسهیلات زندگی امروز که حتی تصور ساعتی نبود آنها در زندگی‌های امروز غیر قابل قبول خواهد بود.

اما آیا هرگز فکر کرده‌اید که اگر میتوانستیم این فرایند را وارونه کنیم چه اتفاقی می‌افتد؟

به عبارت دیگر اگر امکان داشت و قادر بودیم تصویر و گزارشی از شرایط زندگی امروزمان را به دست گذشتگانمان برسانیم آنگاه چه میشد و نظر آنها راجع به زندگی در زمان ما چه میبود؟ اجازه دهید تصور و یا (بهتر بگویم) تخیل کنیم که میتوانستیم این تبار نامه را با شرح و تفصیل و جزئیاتی از امکانات زندگی و مناسبت‌های اجتماعی و خانوادگی خودمان تهیه میکردیم و آنرا توسط ماشین فرضی زمان به توسکای سالهای ۱۲۷۰ برای خانواده آقا یوسف میفرستادیم و از آنها دعوت میکردیم پس از خواندان کتاب سوار بر ماشین زمان به نزد ما بیایند .

آقا یوسف هم همسرش زهرا و فرزندانش فتح الله ، رحمت الله ، حمیده ، خانم جان و نرگس خاتون را در اتاقی جمع میکرد و کتاب را برای آنها میخواند و حکایات زندگانی فرزندان و نوادگان در هر یک از شاخه ها را شرح میداد و تصاویری از ما و یا والدینمان را هم به آنها نشان میداد ... قدری تامل کنید و سعی کنید چنین شرایطی را تصور کنید.

گمان می‌کنید چه چیز از حکایات زندگی آیندگانشان، هر یک از فرزندان آقا یوسف را خیلی خوشنود یا خیلی ناراحت میکرد؟ شاید برای فتح‌الله تعداد زیاد اولاد و فرزندانش اسباب خوشحالی و بیماری و مرگ زودرس پسرش سبحان از همه ناراحت کننده تر باشد. برای رحمت الله هم خوش مشربی فرزندان و نوادگان مایع شادی و مرگ جوانانی از خانواده‌اش در حوادث رانندگی اسباب تاسف باشد. برای حمیده اما تحمل مرگ‌های زیاد غیر مترقبه در شاخهٔ خانوادگی اش بزرگترین درد است و شاید تنها التیام و خوشنودی او شخصیت متعبد و با ایمانی باشد که در آینده خود او و بعضی از نوادگانش پیدا خواهند کرد. برای خانم جان هم شخصیتی نظیر میرزا یحیی خان و بسیاری دیگر از نوادگانش مایه افتخار و خشنودی و مشکلات و مصائب برخی نوادگان باعث رنج و ناراحتی ... و نهایتا نرگس خاتون جوان نیز شاید بیش از هر چیز از مرگ زودرس خودش ناراحت شود اما در سوی دیگر عاقبت به خیری و اعتبار و حسن نام فرزندان و نوادگان تنها جگر گوشه اش بی‌بی خانم مایه انبساط خاطر و شادمانی اش شود.

از این جنبه‌های قضیه بگذریم .... آقا یوسف سپس آنچنان که ما در اینجا از شرایط ۱۵۰ سال قبل پدرانمان گفتیم و نوشتیم، شرایط ۱۵۰ سال بعد زندگی را برای فرزندانش میخواند و به آنها میگوید که فرزندان و نوادگان شما در سالهای بعد بسیار راحت تر از شما زندگی میکنند. آنها در خانه‌هایشان آب تمیز تسویه شده آشامیدنی دارند ، سیستم‌های گرمایش و سرمایش مناسب دارند تا هر کجا که باشند در هیچ موقع از سال گرم یا سردشان نشود، داخل منزل و در فاصله چند متری دستشویی، حمام و آشپزخانه دارند. خوراک پزی های مختلف امکان این را ایجاد می‌کند که بدون هیچ دود و دمی خوراک خود را آماده کنند. کار بسیاری از آنها بدنی و یدی نخواهد بود. کار خیلی از آنها برای معاش تنها نوشتن و خواندن است. احتمالا به آنها از کامپیوتر و اینترنت و سرعت بالای دانلود و آپلود انواع نرم افزار و فیلم و ترانه میگوید و برای آنها از خرید اینترنتی ، تلویزیون سه بعدی ، چت ویدئویی و غیره تعریف می‌کند. به آنها میگوید که مسافرت (نه فقط به کالج) بلکه به همه نقاط دنیا چقدر آسان و کم خطر شده است و همچنین میگوید که دیگر بسیاری از بیماریها درمان پذیر شده اند و باعث فوت کسی نمیشوند.

اما در کنار این همه تسهیلات و رفاه زندگی نسل ما در مقایسه با زمان آقا یوسف، تغییرات زیادی هم در شکل روابط اجتمایی و خانوادگی به وجود آمده که شاید به مزاق آقا یوسف و فرزندانش چندان خوشایند نباشند. آقا یوسف به بیان این حقایق ناگوار هم

میپردازد و به فرزندان خود میگوید که در نسلهای بعدی شما روابط خانوادگی سردتر خواهد بود. بسیاری از اقوام و فامیل اصلا همدیگر را نمی‌شناسند و خیلی از رفت و آمدها تشریفاتی و تنها برای رفع تکلیف خواهد بود. دلها نسبت به هم سرد میشود ، و فقط نیازهای مقطعی انسانهای نسل آینده را در کنار هم قرار میدهد نه علایق عاطفی . از جنگ و جدالهای درون خانوادگی بر سر مال و اموال میگوید، از کوچکترهایی که حرمت بزرگان را نگاه نمیدارند و از کینه هایی که بی سبب شعله می‌کشد و نزدیکترین افراد فامیل و نسلهای بعدی آنها را از هم دور می‌سازد.

به آنها میگوید که در روزگاران آینده چشم و هم چشمی بیداد می‌کند، فخر فروشی و تکبر و ظاهر سازیهای تصنعی و پشت هم گویی سایه سنگین خود را بر روابط و مناسبات فامیلی تحمیل خواهد کرد. کسی به درد و غم کسی حتی دلم هم نمیسوزند (چه برسد که یاری دهد) و بسیاری از مردمان درد و مشکلات خود را مخفی می‌دارند تا مایع خوشنودی دیگرانی ، که ممکن است حتی از نزدیکترین اقوام آنها باشند ، نشوند !!

البته شاید برای تسلی خاطر آزرده آنها این استدلال منطقی را هم بکند که وقتی یک خانواده هفت نفره که در یک خانه زندگی میکنند ، ظرف این مدت تبدیل به یک جمیعت بیش از هزار نفره و با این پراکندگی جغرافیایی از لحاظ محل زندگی بشود، دیگر انتظار سست شدن و سرد شدن روابط و ایجاد فاصله و اختلاف را هم باید داشت ... و در نهایت سوال آقا یوسف از همسر و فرزندانش این خواهد بود ، که آیا حاضرند سوار بر ماشین زمان به نزد ما بیایند ؟ .... به نظر شما (اگر چنین تخیلی واقعی بود) پاسخ هر یک چه می‌توانست باشد؟

حال بیاییم آقا یوسف و خانواده‌اش را با این پرسش رها کنیم و به زمان خودمان برگردیم... و فرض (و تخیل) دیگری بکنیم مبنی بر اینکه یکی از نوادگان ما در ۲۰۰ سال آینده چنین مجموعه ای از تبار نامه ما را تهیه کند و با شرح و تفصیلات شرایط زندگی ۲۰۰ سال آینده برای ما با ماشین فرضی زمان بفرستد و از ما دعوت کند که به نزد آنها برویم .

قطعا خیلی علاقمند هستیم که این کتاب را بخوانیم تا بدانیم پیشرفت علم و تکنولوژی چه تغییراتی را در زندگی آیندگان ایجاد خواهد کرد. تغییراتی که امروز شاید تصورش را هم نتوانیم بکنیم. شاید در این کتاب ببینیم که آیندگان ما هر یک ماشینهای پرنده سریع السیری دارند که بدون نیاز به مهارت خلبانی میتوانند ظرف چند ساعت فواصل چند هزار کیلومتری را طی کنند. شاید کسی جز برای تفریح و ورزش دست به سیاه و سفید نزند و همهٔ کارها به روبات‌ها واگذار گردد. شاید تکنولوژی پیوند تراشه های الکترونیکی به بدن انسان بگونه ای پیشرفت کند که بتوان انباره‌های اطلاعات را به مغز پیوند داد و بدون نیاز به هیچ ممارستی برای تحصیل علم ، همهٔ علوم ممکن زمانه را با انبار سازی بر روی تراشه الکترونیکی در اختیار مغز انسان قرار داد و هر از چند گاهی هم آن را به روز نمود. شاید پای انسان برای زندگی به کرات دیگر نیز باز شود و سراغ بعضی از نوادگانمان را به ناچار در افلاک بجوییم ، وگر نه شاید تراکم جمعیت در زمین به گونه ای گردد که سکوهای فضایی مسکونی در ارتفاعات چند صد متری از زمین به صورت‌های شهرکهای مسکونی برای زندگی و کار انسانها معمول شود. شاید در آنزمان تغییر قیافه و جنس انسانها امری عادی باشد وهر وقت آدمها از قیافه خود خسته شدند آن را به کلی عوض کنند (که اگر اینطور شود دیگر هیچ عکسی از آیندگانمان ارزش دیدن نخواهد داشت.) شاید شیوه‌های زاد و ولد دگرگون شود و هر کس به هر اندازه که خواست همسان خود را درست کند و داشته باشد و حتی با آنها زندگی کند. شاید انسانها دیگر نمیرند و فقط اجزا مختلف بدن همانند قطعات یک ماشین تعمیر و یا تعویض شوند. شاید قبرستانها به موزه تبدیل شوند.

شایدهای زیادی را ممکن است تصور کنیم .... اما بر سر خانواده و روابط فامیلی بین نوادگان ما چه خواهد آمد . آیا اصولا خانواده‌ای وجود خواهد داشت؟ ... آیا پدر، مادر ، برادر، خواهر ، عمه ، عمو، خاله ، دایی ، پدر بزرگ و مادر بزرگ و غیره اصولا در ادبیات انسانهای آن زمان معنی و مفهومی دارد .... چه کسی می‌داند ؟ شاید اگر اینطور که هست پیش برویم پاسخ منفی باشد .

حال به همان پرسش آقا یوسف از فرزندانش بازگردیم و از خود و خانواده خود بپرسیم... آیا حاضریم به این آینده اسرار آمیز برای زندگی برویم ؟؟؟ ... آیا در آنجا احساس غربت نمیکنیم؟

حقیقت این است که ما همچون آقا یوسف وفرزندانش و یا نوادگان نسل های آینده مان، همگی انسان‌های نسل خودمان هستیم. ما کپی قبلی‌ها یا نسخهٔ مرجع و اصلی آیندگانمان نیستیم . روحیات، سلایق، علایق و آرزوهای ما بر اساس شرایط خاص زندگی در دوران خودمان شکل گرفته است . با وجود این در یک ویژگی (که مربوط به همهٔ انسانها است) با آنها مشترکیم و آن نیاز به "احساس خشنودی" است. قطعاً عواملی که گذشتگان ما را خشنود نگاه میداشت با آنچه ما و یا نسلهای بعدی ما را خشنود می‌کند تفاوت بسیار دارند. اما همهٔ ما در هر دوره و نسلی که باشیم ، نیاز به " خشنود بودن " داریم و برای آن کار و تلاش می‌کنیم. آنچه عوامل خشنودی ما را فراهم میاورد مربوط به روحیات و احساساتمان است که در زمان خودمان در ما شکل گرفته است. از اینرو ممکن آقا یوسف و یا فرزندانش برای زندگی در دوران ما و علیرغم امکانات رفاهی بیشتر احساس خشنودی نکنند ... و چه بسا ما هم برای زندگی در آینده بمراتب مرفه تر همین وضعیت را خواهیم داشت .....

منظور اصلی از گردآوری و تدوین این مجموعه ، آنچنان که در اوراق ابتدایی آن گفته شد تحکیم ارتباطات و ایجاد همبستگی بیشتر بین افرادی است که زمانی اجدادشان در یک اتاق و گرد یک سفره مینشستند و دلسوز یکدیگر بودند. اما بسیاری از اعقاب آنها در زمان ما حتی از وجود یکدیگر نیز بی خبرند. این هدف شاید برای بسیاری بی معنی و بیهوده باشد. اما اگر در اندرون خواسته هایمان به این بیندیشیم که آرزوی چه نوع روابطی را در بین فرزندانمان و فرزندان آنها داریم ، آنگاه چنین تلاش هایی معنی و ارزش بیشتری در نظرمان پیدا خواهند کرد.

زمان بی مبالات است و به پیش میرود، تغییرات بر زندگی انسانها تحمیل میشود، خانواده‌ها از هم گسسته تر میشوند، این شاید مسیر حرکت غیر قابل اجتناب جوامع انسانی باشد ... چه بپسندیم و چه نپسندیم ... ما تنها در برهه کوتاهی از گذر زمانه حضور داریم و نظاره گر این حرکت قهقرایی هستیم ... اما در همین زمان اندک نیز میتونیم تاثیر گذار باشیم ... اگر آنچنان که در لابلای اوراق این کتاب تلاش شد به با هم بودن و تعامل و شناخت و ارتباط با انسانهای دیگر خصوصا اقوام و فامیل، عنایت بیشتری داشته باشیم، شاید بتوانیم سهم کوچکی را در جلوگیری یا به تعویق انداختن این گسست خانوادگی در بین نزدیکان خود ایفا کنیم.

علاقه و عِرق فامیل دوستی و تعصب پدرم به افراد خانواده عامل و انگیزه ای بود در من که پا پیش بگذارم و نتیجه اینکه با کمک و لطف دوستان و اقوام به تدوین و گردآوری این مجموعه انجامید ... این رویه و سیاق میتواند در آیندگان هر یک از ما ادامه یابد.

زندگي عرصه یکتای هنرمندی ماست
هرکسی نغمه خود خواند .... و از صحنه رود
صحنه پیوسته به جاست
خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد

عبدالرضا دیوسالار

اصلاح و تکمیل اطلاعات

این نسخه ، یک نسخه اصلاح نشده و غیر کامل است . در نظر است با کمک و یاری دوستان تا قبل از پایان سال ۱۳۹۱ اصلاح و تکمیل گردد.

به علت نبود نرم افزارهای فارسی نویس اشتباهات املایی زیادی ممکن است به چشم بخورد، همچنین در اطلاعات ارائه شده در قسمت اسامی افراد یا در قسمت‌های ابتدائی ممکن است نقص ها و اشتباهاتی باشد که ضمن پوزش از کسانی که اطلاعات مربوط به آنها و یا بستگانشان به اشتباه وارد شده است، استدعا میشود موارد لازم را تذکر دهند تا اصلاح گردد.

در ضمن در مورد تصاویر در گذشتگان ، متاسفانه تصویری از سایر در گذشتگان نام برده شده در این تبار نامه در دسترس نبود و یا عکسهایی با کیفیت بهتر هم وجود نداشت. در این زمینه نیز از دوستان و اقوام دعوت میشود تصاویری از درگذشتگانی که نام آنها در این تبار نامه آمده است را ارسال کنند تا در نسخه ی اصلاحی نهایی مورد استفاده قرار گیرد.

همچنین از دوستان و اقوامی که پیشنهادی جهت بهتر و ماندگار تر بودن این مجموعه دارند نیز استدعا میشود نظرات خود را از طریق آدرس الکترونیکی زیر اعلام فرمایند.

ایمیل جهت ارسال اطلاعات تکمیلی و اصلاحی و پیشنهادات

Email: divsalar@yahoo.com